

ویراست دوم

چاپ هشتم

رضا صنعتی

گزارش مواضع آیت الله
هاشمی رفسنجانی در سال ۸۸

هاشمی در سال ۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم

روزشمار انتشار کتاب

- **درخواست مجوز از وزارت ارشاد دولت دهم** :۱۰خرداد ۱۳۹۰
- **دریافت مجوز از وزارت ارشاد دولت یازدهم** :۱۱ اسفند۱۳۹۲
- **انتشار چاپ اول** : فروردین ۱۳۹۳
- **رونمایی از کتاب** : اردیبهشت ۱۳۹۳
- **انتشار چاپ دوم تا هفتم** : اردیبهشت ۱۳۹۳
- **تقاضای مجوز ویرایش دوم** : اردیبهشت ۱۳۹۳
- **دریافت مجوز ویرایش دوم** : ۷ خرداد ۱۳۹۳
- **انتشار چاپ اول از ویرایش دوم** : ۲۰ خرداد ۱۳۹۳

هاشمی در سال ۸۸

رضا صنعتی



Salmanpress.IR



انتشارات سلمان فارسی

هاشمی در سال ۸۸

رضا صنعتی

طراح جلد: مرتضی شمس علی پور
صفحه‌آرایی و نمایه: صراط گل میشی
ویرایش: دوم
شابک: ۴-۱۶-۶۵۰۰-۶۰۰-۹۷۸
نوبت چاپ: چاپ هشتم / خرداد ۱۳۹۳
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال
لیتوگرافی: مهران
چاپ و صحافی: باقری

سرشناسه: صنعتی، رضا ۱۳۵۷
عنوان و نام پدیدآور: هاشمی در سال هشتاد و هشت/ رضا صنعتی
وضعیت ویراست: ویراست ۲
مشخصات نشر: قم: سلمان فارسی، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۴۸۰ص
شابک: ۴-۱۶-۶۵۰۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: چاپ قبلی، سلمان فارسی، ۱۳۹۰(۴۴۸ص)
یادداشت: چاپ هشتم
یادداشت: کتابنامه: ۴۷۹
موضوع: هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳--نقد و تفسیر
موضوع: ایران، ریاست جمهوری، دوره دهم
موضوع: روسای جمهور--ایران--انتخابات -- ۱۳۸۸
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۲ه ۹ص/۵/ DSR ۱۷۱۰
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۹۶۱۱۱

نشانی: قم، خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، فرعی اول سمت چپ، پ ۱۴
صندوق پستی: ۵۸۸ _ ۳۷۱۸۵ تلفن: ۰۹۳۶۹۷۲۰۶۳۰
پست الکترونیک: info@salmanpress.ir
پیام کوتاه: ۳۰۰۰۸۰۰۲۰۳۰۳۰۰

فهرست

مقدمه‌ی ویرایش دوم

خدا را سپاس می‌گویم؛ پس از آن‌که با تدبیر «دولت امید» پس از گذشت دو سال و نیم، قفل «دولت دهم» بر کتاب «هاشمی در سال ۸۸» باز شد، با گذشت «کمتر از یک ماه» از عرضه در عرصه‌ی نشر، با استقبال مردمی در «کتابفروشی‌های سراسر کشور» و «بیست و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران»، به «هفت چاپ» رسید.

به اعتقاد نویسنده استقبال از این کتاب به معنای برخورداری از برجستگی خاصی در نگارش آن نیست؛ بلکه پاسخ قاطعی از سوی مردم بر قفل زدن به محصول فکر و اندیشه‌ی دیگران است. خصوصاً آن‌که دو عنصر اصلی کتاب یعنی «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» و «وقایع سال ۱۳۸۸» از حساسیت و جایگاه ویژه‌ای در تاریخ انقلاب اسلامی و افکار عمومی برخوردارند.

به توفیق الهی اکنون «ویرایش دوم» کتاب به خوانندگان محترم ـ به‌خصوص پژوهش‌گران تاریخ انقلاب اسلامی ایران ـ تقدیم می‌شود تا مورد مطالعه و نقد آنها قرار گیرد.

امتیاز ویرایش دوم کتاب «هاشمی در سال ۸۸» بر نسخه‌ی قبل در «نوع چینش مطالب»، «تغییر عنوان برخی فصل‌ها»، «برطرف کردن برخی اشکالات تایپی و نگارشی موجود در آن» و افزودن «متن کامل آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸» است.

گرچه ویرایش جدید کتاب، مطلوب‌تر از نگارش پیشین است اما با توجه به این‌که محتوای اصلی آن تغییری نداشته، دارندگان نسخه‌ی قبل را از تهیه‌ی ویرایش دوم بی‌نیاز می‌کند؛ مگر آن‌که میل به کمال‌طلبی در آنها شدید باشد.

رضا صنعتی

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۳

مقدمه

سال ۱۳۸۸ یکی از حساس‌ترین سال‌های حیات جمهوری اسلامی ایران بود. دهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ماه این سال برگزار شد.[1] انتخاباتی که حوادث قبل و پس از آن به چالشی جدّی برای نظام اسلامی تبدیل گشت. چالشی که در نهایت تجربه‌ای بر تجربه‌های نظام جمهوری اسلامی افزود.

رفتار بسیاری از خواص و شخصیت‌های دینی و سیاسی اما در این سال قابل نقد، بررسی، تجزیه و تحلیل دقیق و موشکافانه است.

برخی از خواص و شخصیت‌ها در این سال بر خلاف مشی سابق خویش، بیش از آن‌که موضع بگیرند، سکوت اختیار کردند و کمتر به چشم آمدند. برخی اما به اتخاذ مواضع غیرشفاف روی آوردند. برخی دیگر به بهانه‌ی دفاع از اصلاح‌طلبی به تخریب نظام اسلامی و برخی به بهانه‌ی دفاع از نظام اسلامی به تسویه حساب‌های شخصی پرداختند. برخی، خطاها و جرایم مدعیان اصلاح‌طلبی و برخی دیگر خطاها و جرایم مدعیان اصول‌گرایی را ندیدند. در این میان البته بودند افرادی که به هدف دفاع از انقلاب و نظام اسلامی از دشمنان نظام ابراز برائت کرده و به نقد و تذکر اشتباهات و جرایم گروه‌ها و جریانات مختلف روی آوردند گرچه ممکن بود در

---

۱. در این انتخابات چهار نامزد به رقابت با یکدیگر پرداختند. دکتر محمود احمدی‌نژاد (رییس دولت نهم)، مهندس میرحسین موسوی (نخست وزیر دوران جنگ)، دکتر محسن رضایی (فرمانده‌ی سابق سپاه و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام) و حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی (رییس مجالس سوم و ششم)

تشخیص میزان این خطاها و جرایم اختلاف نظرهایی در میان صاحبان این منش وجود داشته باشد.

به هر حال بررسی مواضع خواص در جریان حوادث سال ۱۳۸۸ و انتشار نتایج این بررسی‌ها می‌تواند منبع مناسبی برای پژوهش‌گران تاریخ انقلاب اسلامی باشد.

تلاش ما در این نوشتار اما به ارائه‌ی گزارشی از مجموعه مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۸۸ معطوف شده است.

آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی از جمله شخصیت‌های مؤثر در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران است. وی مجموعه‌ای از سوابق و تجارب علمی، مذهبی، انقلابی، سیاسی و اجرایی را در خود جمع کرده است. عضویت در شورای انقلاب، سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی (دوره اول و دوم)، جانشینی امام در قوای مسلح (فرماندهی جنگ)، ریاست جمهوری (دوره‌ی پنجم و ششم)، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و ریاست مجلس خبرگان رهبری نمونه‌هایی از سوابق اجرایی اوست.

علاوه بر این تعابیر گوناگونی از سوی امام و رهبری در معرفی وی به کار رفته است.

حضرت امام خمینیؒ درباره‌ی وی می‌فرمایند که «من آقای هاشمی را بزرگ کردم»[1] و پس از ترور نافرجام او توسط گروهک منافقین، در پیامی به همین مناسبت وی را «مجاهدی متعهد»[2] و از جمله «شخصیت‌های ارزنده‌ی انقلابی»[3] نامیده، ضمن مقایسه‌ی او با شهید مدرس می‌فرمایند: «مردان تاریخ تا آخر زنده هستند. بدخواهان باید بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است.»[4]

---

۱. خمینی، سید روح‌الله، *صحیفه‌ی امام*، ج ۱۵، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینیؒ، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰

۲. همان؛ ج۷، پیشین، ص: ۴۹۵

۳. همان

۴. همان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) نیز مجموعه‌ای از ویژگی‌های برجسته را در زمینه‌های گوناگون برای وی برشمرده‌اند که به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم.

مقام معظم رهبری در زمینه‌ی علمی با تعابیری چون «عالم»[۱]، «عالمی مجاهد»[۲]، «عالمی متفکّر»[۳]، «فقیهی اسلام‌شناس»[۴]، «فقیهی زمان شناس»[۵]، «یک مجتهد قطعی»[۶]، «یک مجتهد از لحاظ درس‌های حوزه‌یی»[۷]، «یک متفکر سطح بالا با سوابق فراوان از لحاظ تفکرات اسلامی»[۸] از وی یاد کرده‌اند.

در زمینه‌ی سوابق انقلابی و مبارزاتی نیز از وی به عنوان یک «روحانی انقلابی»[۹] که «منوّرتر، روشن‌تر، سابقه‌دارتر، شناخته‌شده‌تر، دردآشناتر، رمزآشناتر از ایشان با مسائل انقلاب، کس دیگری را سراغ نداشتیم»[۱۰]، «شخصیتی که پرونده‌ی تلاشش در راه خدا و مجاهدتش برای حاکمیت دین و اعلای کلمه‌ی اسلام، حتّی پیش از نخستین روزهای شروع نهضت آغاز شده و سرگذشت رنج‌ها، سختی‌ها و فعالیت‌های کم‌نظیر را در خود گنجانیده است»[۱۱]، «از شخصیت‌هایی که از دوران نشو و نمای این نهضت، در وسط میدان و در صفوف مقدم حضور داشتند و همان سختی‌ها و رنج‌ها و شکنجه‌ها را چشیده»[۱۲]، «کتک خورده‌ی انقلاب»[۱۳] ، «مردی

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۷۵

۲. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۶۸

۳. همان؛ حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۷۲

۴. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۶۸

۵. همان؛ حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۷۲

۶. همان؛ دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، ۱۱ مهر ۶۹

۷. همان

۸. همان

۹. همان؛ دیدار با اعضای هیأت دولت، ۹ مرداد ۱۳۷۶

۱۰. همان؛ مراسم بیعت رییس و کلیه‌ی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۲۴ خرداد ۱۳۶۸

۱۱. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۶۸

۱۲. همان؛ دیدار با هیأت دولت، ۱ شهریور ۶۹

۱۳. همان؛ دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور، ۲۷ آبان ۱۳۷۱

بزرگ از سابقین اولین انقلاب»[۱]، «از اصلی‌ترین افراد نهضت در دوران مبارزات»[۲]، «از مبارزین جدی و پیگیر قبل از انقلاب»[۳] که «قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب می‌کرد و به مبارزین می‌داد»[۴] یاد می‌کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در مقام بیان رابطه‌ی متقابل آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و امام خمینی‌رحمه‌الله از وی با عباراتی چون «از حواریین امام عظیم‌الشّأن»[۵]، «از انصار دیرین امام»[۶]، «یاور صمیمی امام»[۷]، «چهره‌ی موجّهی که به برکت حرکت در صراط مستقیم انقلاب، همواره امین امام بوده»[۸]، «مایه‌ی امید و مورد علاقه و اعتماد امام در همه‌ی امور سیاسی و نظامی در کشور»[۹]، کسی که «امام در تمام طول دوران انقلاب و قبل از آن و بیشتر از همه بعد از انقلاب تا لحظه‌ی وفاتشان، نهایت اعتماد و اطمینان را به او داشتند. این‌قدر مورد اعتمادض امام بود، این قدر به امام (قدس‌سره) نزدیک بود»[۱۰]، «حرف‌های امام را بیشتر شنیده، درد دل‌های امام را بیشتر از دیگران شنیده و خبر دارد»[۱۱]، «از مؤثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنار امام»[۱۲] که «حضور فداکارانه و مدبرانه‌ی ایشان در صحنه‌های جنگ تحمیلی... همیشه مورد تشکر امام بزرگوارمان بوده»[۱۳] است، یاد می‌کنند.

---

۱. همان؛ حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۷۲
۲. همان؛ خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران، ۲۹ خرداد ۸۸
۳. همان
۴. همان
۵. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۶۸
۶. همان؛ حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۷۲
۷. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۶۸
۸. همان
۹. همان؛ دیدار جمع زیادی از آزادگان، ۲۹ مرداد۱۳۶۹
۱۰. همان؛ دیدار جمع کثیری از علما، روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم خراسان، ۱۱ مهر۱۳۶۹
۱۱. همان
۱۲. همان؛ خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران، ۲۹ خرداد ۸۸
۱۳. همان؛ دیدار با هیأت دولت، ۱ شهریور ۶۹

مقام معظم رهبری همچنین به برخی ویژگی‌های اخلاقی و معنوی آقـای هاشـمی اشاره کرده و علاوه بر آن‌که وی را «جزو صلحای زمان»[۱] می‌نامند، با تعـابیری چـون «مردی مؤمن»[۲]، «متدین و متعبّد»[۳]، اهل «شکسـته نفسـی»[۴]، «مجاهـد فـی سـبیل‌الله»[۵]، «چهره‌ی منوّر نظام جمهوری اسـلامی»[۶]، «مـردی بـزرگ از فرزنـدان اسـلام»[۷]، «یـک بسیجی»[۸]، «بسیجی میدان جنگ دیده»[۹]، «خطر کشـیده»[۱۰]، «یـک بسـیجی حقیقـی»[۱۱]، «مجاهدی خستگی‌نشناس»[۱۲]، «مبارزی»[۱۳] که «عمر شریف خـود»[۱۴] را در «جهـاد»[۱۵] و «در راه دفاع از اسلام ناب محمّدی صلی‌الله‌علیه‌وآله و مجاهدت برای تحقق حاکمیت کامل قرآن و عمل به شریعت و طرفداری از محرومین و مستضعفین و کوشش بـرای ریشـه‌کـن کردن فقر و محرومیت و استقرار عدالت اجتماعی گذرانده»[۱۶]، «بـرادر مهربـانی بـرای ضعیفان»[۱۷]، «شب و روز جهاد می‌کند»[۱۸]، «در حساس‌ترین مقاطع در خدمت انقـلاب

---

۱. همان؛ دیدار با اعضای هیأت دولت، ۳ شهریور ۷۲
۲. همان؛ دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۷۵
۳. همان؛ دیدار با اعضای هیأت دولت، ۹ مرداد ۱۳۷۶
۴. مقام معظم رهبری در دیداری با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرمایند:
«البته ایشان [آقای هاشمی] شکسته نفسی می‌کنند؛ اما واقعاً این‌طور است. همان وقت‌ها هم من همیشه به رفقا می‌گفتم که اگر آقای هاشمی یک بار در جلسه‌ی ما شرکت می‌کننـد، مـا در آن جلسـه یـک عـالم پیشرفت می‌کنیم.» (همان؛ سخنرانی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹ آذر ۶۹)
۵. همان؛ دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۷۵
۶. همان؛ حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۷۲
۷. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۶۸
۸. همان؛ دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور، ۲۷ آبان ۱۳۷۱
۹. همان
۱۰. همان
۱۱. همان
۱۲. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۷۲
۱۳. همان؛ دیدار با فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، ۲۰ خرداد ۱۳۷۵
۱۴. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۶۸
۱۵. همان؛ دیدار با فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، ۲۰ خرداد ۱۳۷۵
۱۶. همان؛ حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۷۲
۱۷. همان
۱۸. همان؛ دیدار با فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، ۲۰ خرداد ۷۵

و نظام بوده»[1]، «در میدان‌های دشوار، لیاقت، امانت، صلاح، کاردانی و برجستگی او آزموده شده است»[2]، «در صحنه‌های جنگ تحمیلی حضور فداکارانه و مدبرانه داشته»[3]، «بارها تا مرز شهادت پیش رفته»[4]، «دارای زندگی ساده و بی‌تشریفات»[5] به شکلی که «هیچ موردی را سراغ نداریم که برای خودش از انقلاب یک اندوخته‌ای درست کرده باشد»[6] و کسی که «عقل و احساس مسئولیت را همیشه در وی مشاهده کرده‌ایم»[7] از او یاد می‌کنند.

ایشان همچنین در زمینه‌ی سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را «سیاست‌مداری»[8] می‌نامند که «در شناخت مسائل و مضایق و پیدا کردن راه حل‌ها»[9] با «هوشمندی»[10] رفتار می‌کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در زمینه‌های اجرایی و مدیریتی از آقای هاشمی با تعابیری چون «مسلط بر امور کشور»[11]، «مدیر کاردانی برای کشور»[12]، «مجرب و کارآزموده»[13]، «مدیری دردآشنا و دلسوز»[14]، اهل «اقدام کردن شجاعانه در مورد کارهای بزرگ»[15]، «برخوردار از روحیه‌ی ابتکار و نوآوری»[16]، «برخوردار از

۱. همان؛ خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران، ۲۹ خرداد ۸۸
۲. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۷۲
۳. همان؛ دیدار با هیأت دولت، ۱ شهریور ۶۹
۴. همان؛ خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران، ۲۹ خرداد ۸۸
۵. همان؛ دیدار با مدیران ومسئولان مطبوعات کشور، ۱۳ اردیبهشت ۷۵
۶. همان؛ خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران، ۲۹ خرداد ۸۸
۷. همان؛ دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۹ اسفند ۸۹
۸. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۶۸
۹. همان؛ دیدار با اعضای هیأت دولت، ۹ مرداد ۱۳۷۶
۱۰. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۶۸ و دیدار با اعضای هیأت دولت، ۹ مرداد ۱۳۷۶
۱۱. همان؛ دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۹ خرداد ۷۵
۱۲. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۷۲
۱۳. همان؛ دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۷۵
۱۴. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۶۸
۱۵. همان؛ دیدار با اعضای هیأت دولت، ۹ مرداد ۱۳۷۶
۱۶. همان

همّت بلند»[۱]، «برخوردار از روحیه‌ی پرکاری»[۲]، «برخوردار از روحیه‌ی ورود در میدان‌های جدید و ناپیموده»[۳]، «نترسیدن از طرح‌های بزرگ»[۴]، «دارای شیوه‌ی مدیریت باز»[۵]، «دارای ایمان عمیق به توانایی خود»[۶] و «کارآمد»[۷] یاد کرده‌اند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در بیان نوع رابطه‌ی رهبری با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به سابقه‌ی «همکاری، رفاقت»[۸] و «شناخت بیش از پنجاه ساله‌ی خویش[۹] از وی»[۱۰] اشاره کرده و از او با عنوان «برادر عزیز و همسنگر دیرین»[۱۱] و کسی که «بعد از رحلت امام تا امروز در کنار رهبری»[۱۲] بوده یاد کرده و در مقطعی تصریح کرده‌اند که «برای شخص من، هیچ‌کس آقای هاشمی رفسنجانی نخواهد شد.»[۱۳]

و بالاخره مجموعه‌ی این ویژگی‌ها باعث شده است تا مقام معظم رهبری از وی به عنوان «رکن رکین انقلاب»[۱۴]، «بازوی توانا و زبان گویای نظام جمهوری اسلامی»[۱۵]، «از ذخایر انقلاب»[۱۶]، «از چهره‌های برجسته‌ی نظام»[۱۷] و «نقش‌آفرین در عرصه‌های مهمِ نظام اسلامی»[۱۸] و کسی که «فایده‌اش برای انقلاب و اسلام، برای همه واضح و روشن می‌باشد»[۱۹] یاد کنند.

---

۱. همان

۲. همان

۳. همان

۴. همان

۵. همان

۶. همان

۷. همان

۸. همان؛ جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷

۹. از سال ۱۳۳۶ شمسی

۱۰. همان؛ خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران، ۲۹ خرداد ۱۳۸۸

۱۱. همان؛ پیام به مناسبت حضور پرشور ملت ایران در مرحله‌ی دوم انتخابات ریاست‌جمهوری، ۴تیر ۱۳۸۴

۱۲. همان؛ خطبه‌های نمازجمعه، ۲۹ خرداد ۸۸

۱۳. همان؛ مصاحبه پس از رأی‌گیری در انتخابات ریاست جمهوری، ۲ خرداد ۱۳۷۶

۱۴. همان؛ حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی، ۱۲ مرداد ۷۲

۱۵. همان

۱۶. همان؛ پیام به مناسبت حضور پرشور ملت ایران در مرحله‌ی دوم انتخابات ریاست‌جمهوری، ۴تیر ۱۳۸۴

۱۷. همان

۱۸. همان

۱۹. همان؛ سخنرانی در جمع ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور، ۷ خرداد ۶۹

مجموعه ویژگی‌های وی که مورد تأکید امام و رهبری واقع شده است، سبب می‌شود تا هر تحلیل‌گری با دقت و تأمل به نظرات وی بیاندیشد و آنگاه به قضاوت درباره‌ی آنها بنشیند.

کتاب حاضر تلاشی است در راستای تبیین مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از ابتدای سال ۱۳۸۸ تا پایان آن.

در اینجا لازم است نکاتی را درباره‌ی روش خود در این تحقیق ذکر کنم:

۱. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مقام معظم رهبری) و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در کنار اشتراک نظرهای فراوان، در برخی از مسایل نیز دارای اختلاف نظرهای مشهودی می‌باشند. این اختلاف نظرها همواره به عنوان موضوعی کارشناسی و امری کاملاً طبیعی مطرح بوده است؛ اما دشمنان نظام اسلامی و برخی عناصر داخلیِ غافل یا مغرض با برجسته کردن این اختلافات، تلاش کرده‌اند تا از آن به عنوان ابزاری جهت غبارآلود کردن فضای سیاسی و تشدید درگیری‌ها و القای جنگ قدرت در سطح مدیریت کلان کشور استفاده کنند که متأسفانه در این راستا به توفیقاتی نیز دست یافته‌اند.

مقام معظم رهبری در اولین جمعه‌ی پس از دهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری ضمن دفاع از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به اختلاف نظر خود با وی اشاره کرده و از آن به «امری طبیعی» که دیگران نباید از آن «دچار توهم شوند و چیز دیگری فکر کنند»، تعبیر کردند. ایشان در این باره فرمودند:

> **[در مناظره‌ها] اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیت‌های این نظامند؛ اینها کسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نمازجمعه هیچ‌وقت رسمم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هر کس هر ادعایی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمی‌شود اینها را رسانه‌ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد**

جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمی‌شود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی اینجور حرف‌ها مطرح می‌شود، تلقی‌های نادرست در جامعه به وجود می‌آید، جوان‌ها چیز دیگری خیال می‌کنند، چیز دیگری می‌فهمند.

آقای هاشمی را همه می‌شناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسئولیت‌های بعد از انقلاب نیست؛ من از سال ۱۳۳۶ ـ یعنی ۵۲ سال قبل ـ ایشان را از نزدیک می‌شناسم. آقای هاشمی از اصلی‌ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پی‌گیر قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز.

این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب می‌کرد و به مبارزین می‌داد. اینها را جوان‌ها خوب است بدانند. بعد از انقلاب ایشان مسئولیت‌های زیادی داشت: هشت سال رییس جمهور بود؛ قبلش رییس مجلس بود؛ بعد مسئولیت‌های دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوختهای درست کرده باشد. اینها یک حقایقی است؛ اینها را باید دانست. در حساس‌ترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده.

من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف‌نظر داریم، که طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهّم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رییس جمهور[1] از همان انتخاب سال ۸۴ تا امروز اختلاف‌نظر بود، الآن هم هست؛ هم در زمینه‌ی مسائل خارجی اختلاف‌نظر دارند، هم در زمینه‌ی نحوه‌ی اجرای عدالت اجتماعی اختلاف‌نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف‌نظر دارند؛ و نظر آقای رییس جمهور به نظر بنده نزدیک‌تر است...[2]

ایشان همچنین در چهارم آذر ماه ۸۸ به انتقاد از تخریب مسئولان نظام از جمله رییس مجمع تشخیص مصلحت پرداخته، فرمودند:

من می‌بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرف‌ها، فضا آنچنان مغشوش می‌شود که افراد سردرگم می‌شوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان،

---

۱. دکتر محمود احمدی‌نژاد

۲. همان؛ خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران، ۲۹ خرداد ۸۸

نسبت به مسئولانشان بدبین می‌شوند؛ این درست نیست. حالا بعضی‌ها ــ چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون ـ توصیه‌پذیر نیستند؛ آنها از ما توصیه نمی‌خواهند؛ معلوم نیست سیاست‌های بعضی از این دستگاه‌ها و مطبوعات و رسانه‌ها را کی معین می‌کند و کجا معین می‌شود ـ نانشان در ایجاد اختلاف است ـ اما آن کسانی که مصالح کشور را می‌خواهند، مایلند حقایق را غالب کنند، من توصیه‌ام به آنها این است که از این اختلافات جزیی و غیراصولی صرف نظر کنند. شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی درست نیست. انسان می‌بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور ـ کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند ـ تهمت می‌زنند، نسبت به اینها شایعه‌سازی می‌کنند؛ فرق هم نمی‌کند، چه رییس جمهور باشد، چه رییس مجلس باشد، چه رییس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رییس قوه‌ی قضاییه باشد؛ اینها مسئولین کشورند. مسئولین کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه‌پراکنی کرد؛ دشمن این را می‌خواهد. دشمن می‌خواهد شایعه‌پراکنی کند؛ می‌خواهد دل‌ها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین بدبین کند.[1]

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در تاریخ ۱۹ اسفند ماه ۱۳۸۹ در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ضمن تقدیر از عملکرد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در انصراف از کاندیداتوری ریاست مجلس خبرگان به نفع آیت‌الله مهدوی کنی[2] فرمودند:

---

۱. همان؛ دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور، ۴ آذر ماه ۸۸

۲. سه‌شنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۸۹ قرار بود اعضای چهارمین دوره از مجلس خبرگان رهبری در نهمین اجلاسیه‌ی خود برای سومین بار هیأت رییسه‌ی این دوره را انتخاب کنند. این در حالی بود که پس از ارتحال آیت‌الله مشکینی با نظر اکثریت اعضا، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ریاست این مجلس را بر عهده داشت. این اجلاسیه با سخنرانی هاشمی رفسنجانی آغاز شد. وی در پایان سخنرانی خود گفت:
«می‌بینید که در این چند ماه اخیر، چه غوغایی به سر این مسئله به وجود آمده تقریباً القاء این اختلافات همه چیز را تحت تأثیر قرار داده است. اگر این اختلاف از خانه‌ی ما باشد تأثیر آن به جاهای دیگر خیلی سریع‌تر است. باید این مسئله را خیلی جدّی گرفت، من از دو سه ماه پیش، احساس کردم که نوعی سازماندهی برای مسئله‌ی ریاست خبرگان شده است. البته از راههای ناصواب. در اجلاس قبلی یادتان هست دو سال پیش از آقای مهدوی‌کنی خواهش کردم که بیایند و نامزد شوند. قبل از آن با آیت‌الله طبسی مکرر صحبت کردم گفتم شما این مسئولیت را بپذیرید من به شما کمک می‌کنم اگر در مشهد هستید، ایشان هم نپذیرفتند، حقیقتاً برای این ماندم که فراجناحی را در این نهاد مقدس که سایه‌اش باید همه جا مستدام باشد حفظ کنم چون از اینجا باید فراجناحی به جاهای دیگر هم سرایت کند و مردم همه بتوانند به عنوان پشتوانه به آن مراجعه کنند. بیش از ۸۰ مجتهد عادل، با انتخاب مردم دارای صلاحیت هستند. این مجموعه کم سرمایه‌ای نیست. این

سرمایه عظیم خیلی می‌تواند الهام بخش و سازنده باشد. تفرقه را اینجا مضر می‌دانم آن هم این نوع تفرقه. دیگر از دست خود افراد روحانی بیرون رفته بود و دست آدم‌های خاص در خیابان‌ها و کوچه‌ها افتاده است و چه کردند که هنوز هم دارند انجام می‌دهند
واقعاً احساس خطر کردم. من یک طرف آن هستم و فکر کردم اگر می‌توانم مسأله را حل کنم چرا حل نکنم. همان موقع به آیت‌الله امامی گفتم از طرف من بروید پیش آیت‌الله مهدوی بگویید شما یادتان هست من دو سال پیش گفتم شما ریاست خبرگان را بپذیرید شما نپذیرفتید. ولی الان من پیشنهاد می‌کنم شما تشریف بیاورید و نامزد بشوید. من هم از شما حمایت می‌کنم. شاید مسأله حل شود. ما از بخش تفرقه در خبرگان فراغت حاصل کنیم، مدیریت و هیأت‌رییسه هم اینجا هستند و کمک می‌کنند، اوایل ایشان گفتند: من به علت کهولت سنم یا کسالتم نمی‌توانم بپذیرم. من گفتم اینها خوب سابقه دارد. آیت‌الله مشکینی هم، دخالتی نمی‌کردند، ولی بودند، دیگران و ماها کمک می‌کردیم و اداره می‌شد ولی جواب روشنی نرسید. البته ایشان گفته بودند که مسأله این موانع را دارد آن را هم آیت‌الله کاشانی می‌دانند و می‌توانید از خودشان سؤال کنید چون ایشان ملاقات کردند. من تا همین اواخر منتظر بودم که جوابی بدهند که متأسفانه هنوز اعلام نکردند، البته دفترشان اعلام کردند که تشریف می‌آورند. من هم می‌خواهم عرض کنم که اگر ایشان حاضر باشند مسئولیت را بپذیرند، مطمئناً بنده نامزد نمی‌شوم. برای این‌که رفع اختلاف بشود از ناحیه اسم من و این نهاد مقدس آسیب نبیند. اگر تشریف نیاوردند هر یک از آقایان دیگر که می‌پذیرند. همراهی می‌کنم. انشاءالله که این مسأله درست حل شود
من سابقه تاریخی را هم بگویم، بد نیست. تا حالا با شما این‌گونه مطرح نکرده بودم. بنده از جانب خودم تاکنون نامزد هیچ پستی نبوده‌ام، از قبل از انقلاب تا به حالا، هر وقت شده یا با تکلیف شده یا با فشار به اینجانب بوده و امثال اینها. در انتخابات نهم شرایطی را دیدم که نمی‌خواهم الان بگویم. چون تجدید اختلاف می‌شود، شرایطی را دیدم که تصمیم گرفتم دیگر در هیچ انتخاباتی [به عنوان کاندیدا] خودم شرکت نکنم. اما همیشه مردم را جهت شرکت در انتخابات تشویق می‌کنم. ولی لازم نیست به علت سن زیاد، کسی از من توقع داشته باشد. هجمه‌ی زیادی در انتخابات خبرگان بر من وارد شده است. موقع انتخابات دوره‌ی قبل خبرگان که شد اولین کاری که کردند، آقایان در جامعه روحانیت مبارز آمدند دفتر ما، آیت‌الله مهدوی‌کنی، آیت‌الله یزدی، نوار مذاکرات را دیشب گوش دادم، آقایان چقدر اصرار کردند اصلاً نیامدن من را مساوی با خیلی خطرها می‌دیدند؛ می‌گفتند باید بیایید.
من گفتم نظر شما را رد نمی‌کنم ولی می‌روم با آقا [مقام معظم رهبری] صحبت می‌کنم. رفتم با رهبری صحبت کردم و رهبری گفتند متعیّن و واجب است. قبلاً هم از طریق آقای طبسی و آقای روحانی این پیام را به من رسانده بودند، گفتم من که بر خودم واجب نمی‌دانم. من یک نفر از آن ۸۶ نفر هستم. اینها همه هستند چرا من! یکی باید کاندیدا بشود حال اگر شما واجب می‌دانید مقدمات واجب، بر شما واجب است بر من واجب نیست ایشان گفتند خوب شما این‌قدر اصرار می‌کنید، من این واجب را انجام می‌دهم. انتخابات به خاطر این‌که امر بود پذیرفتم. البته باز در انتخابات بداخلاقی‌های زیادی دیدیم ولی مثل گذشته نبود یک مقدار محدودتر بود. به هر حال این‌طور نیست که برای پستی شیفته و عاشق موقعیتی باشیم، همه چیز را در این ۵۰ سال ۶۰ سال سابقه‌ام اینها را دیده‌ام و اگر اندوخته‌ای دارم، بنویسم و یادداشت کنم و روی نوشته‌های قبلی‌ام کار کنم. من الان دنبال این هستم و عشق من هم همین است. لازم باشد باز در خدمت انقلاب می‌مانم تا نفس دارم می‌مانم و هر کاری باشد انجام می‌دهم از هیچ کاری هم دریغ نمی‌کنم و در خدمت شما هستم. منتظرم که آیت‌الله مهدوی رسماً بگویند که آمادگی دارند تا بعد انتخابات را انجام بدهیم.» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۱ اسفند ۸۹)

از همه‌ی آقایان تشکر می‌کنیم؛ به‌خصوص از جناب آقای هاشمی رفسنجانی، برای این‌که در این اجلاس، انتظار خصمانه‌ای را که دشمنان داشتند، خنثی کردند. آنها انتظار داشتند که بین خبرگان امت اختلاف بیفتد؛ رقابت‌ها به صورت رقابت‌های متعارف دنیای مادی در بیاید و مسابقه‌ی در خدمت، تبدیل بشود به رقابت منفی در تصرف مراکز و جایگاه‌ها؛ که این بحمدالله نشد. خب، از جناب آقای هاشمی انتظار هم همین بود؛ با توجه به سابقه‌ی عقل و احساس مسئولیتی که در ایشان همیشه ما مشاهده کردیم.[1]

دفاع مقام معظم رهبری از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (با وجود اختلاف نظرهای موجود) بیش از هرچیز بیانگر عمق نگاه ایشان به مقوله‌ی «آزاداندیشی» است. مقام معظم رهبری با این دفاع، عملاً نشان دادند که اختلاف‌نظر حتی با شخص ولی‌فقیه تا زمانی که به مخالفت با دستورات حکومتی منجر نشود را امری طبیعی می‌دانند.[2]

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۹ اسفند ۱۳۸۹

۲. مقام معظم رهبری در پاسخ به این استفتا که «خواهشمند است در خصوص التزام به ولایت فقیه توضیح دهید؛ به عبارت دیگر چگونه باید عمل نماییم تا بدانیم که به جانشین بر حق آقا امام زمان(عج) اعتقاد و التزام کامل داریم؟» می‌فرمایند: «ولایت فقیه به معنای حاکمیت مجتهد جامع‌الشرائط در عصر غیبت است و شعبه‌ای است از ولایت ائمه اطهار(ع) که همان ولایت رسول الله(ص) می‌باشد و همین که از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین اطاعت کنید نشانگر التزام کامل به آن است.»

(ر.ک: *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ استفتائات ولایت‌فقیه)

رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۸۶ نیز در دیدار دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها فرمودند:

«این ضد ولایت فقیه که در کلمات هست، آیه‌ی مُنزل از آسمان نیست که بگوییم باید حدود این کلمه را درست معین کرد؛ به هر حال یک عرفی است. اعتراض به سیاست‌های اصل ۴۴، ضدیت با ولایت فقیه نیست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست. دشمنی، نباید کرد. دو نفر طلبه کنار همدیگر می‌نشینند؛ خیلی هم با هم رفیقند، خیلی هم با هم باصفایند، هم‌درس هستند، مباحثه می‌کنند، حرف همدیگر را رد می‌کنند؛ این حرف او را رد می‌کند، آن حرف این را رد می‌کند. ردکردن حرف، به معنای مخالفت کردن، به معنای ضدیت کردن نیست؛ این مفاهیم را باید از هم جدا کرد.» (همان؛ ۱۷ مهر ۱۳۸۶)

ایشان همچنین در تاریخ ۱۶ مرداد ماه ۱۳۹۱ در دیدار دانشجویان فرمودند:

«گفته شد که بعضی‌ها نظرات کارشناسی می‌دهند، با نظر رهبری مخالف است، می‌گویند آقا این ضد ولایت است. من به شما عرض بکنم؛ هیچ نظر کارشناسی‌ای که مخالف با نظر این حقیر باشد، مخالفت با ولایت نیست؛ دیگر از این واضح‌تر؟! نظر کارشناسی، نظر کارشناسی است. کار کارشناسی، کار علمی، کار دقیق به هر نتیجه‌ای که برسد، آن نتیجه برای کسی که آن کار علمی را قبول دارد، معتبر است؛ به هیچ‌وجه مخالفت با ولایت فقیه و نظام هم نیست.» (همان؛ ۱۶ مرداد ۱۳۹۱)

۲. این کتاب در شش بخش تنظیم شده است. بخش اول به گزارش مواضع هاشمی در دعوت از مردم به «حضور حداکثری» در انتخابات و لزوم «صیانت از آرای مردم» اختصاص یافته است. در بخش دوم به تبیین مواضع وی در برابر «یک جریان انحرافی» پرداخته شده است. بخش سوم به گزارش مواضع وی در «مرزبندی با دشمن و نفی اقدامات ساختارشکنانه» اختصاص یافته است. در بخش چهارم، «هشدارها»ی هاشمی در سال ۸۸ گزارش شده است. بخش پنجم «راه‌کارها»ی وی برای برون رفت از وضعیت نامطلوب این سال را گزارش می‌کند. بخش ششم نیز به گزارش «چند چالش» مرتبط با وی اختصاص یافته است.

در ضمایم کتاب نیز متن کامل «نامه‌ی آیت الله هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری» و «آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی وی در سال ۸۸»، «روزشماری از دیدارها و مواضع او» و نیز «گزارشی تصویری از مهم‌ترین وقایع مرتبط با وی» جهت استفاده‌ی خوانندگان ارائه شده است.

۳. تلاش بنده در این نوشتار بر آن بوده است تا تنها با استناد به مواضع منتشر شده‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که به تأیید دفتر وی و یا اداره‌ی کل روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده[۱]، منبعی قابل اطمینان برای شناخت

۱. محمد هاشمی (رییس دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام) در تاریخ ۲۱ مهر ۸۸ با صدور اطلاعیه‌ای درباره‌ی اخبار مربوط به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، خطاب به رسانه‌ها اعلام کرد:
«متأسفانه طی چند هفته‌ی اخیر که از ششمین اجلاسیه‌ی مجلس خبرگان رهبری به بعد این روند تشدید شده است برخی جراید و سایت‌های همسو با اهداف خاص سیاسی اقدام به نوعی خبرسازی کاذب از برخی دیدارهای انجام شده و یا حتی انجام نشده‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رییس مجلس خبرگان رهبری و رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌کنند و یا نقل قول‌هایی مخلوط به راست و دروغ از افرادی خاص بیان می‌کنند و البته در ادامه‌ی این حرکت جهت‌دار اخبار و شایعات کذب خودساخته را با افزودن پیرایه‌ها و حواشی مبنای تحلیل‌های سیاسی و جناحی قرار می‌دهند تا به نتیجه‌ی مطلوب اهداف سیاسی خود برسند. نقل قول‌هایی مخلوط با راست و دروغ و به صورت ناقص و گزینشی از دیدار خصوصی نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با رییس این مجلس و دیدار جمعی از فراکسیون روحانیون اصول‌گرای مجلس شورای اسلامی با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و سایر مطالبی که اغلب به نقل از به اصطلاح منابع آگاه نقل می‌شود از این جمله‌اند که حتی افراد مصاحبه شونده نیز از نحوه‌ی تحریف و مغالطه‌ی این رسانه‌ها اظهار تأسف و تعجب کرده و بعضاً ناچار به تکذیب این‌گونه مطالب شده‌اند. این حرکت خارج از قانون، ادب و اخلاق رسانه‌ای در حالی انجام می‌شود که اکثر اخبار برنامه‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که به صورت رسمی منتشر می‌شود توسط این رسانه‌های خاص یا به طور کامل سانسور می‌شود و از انعکاس آن خودداری می‌کنند و یا

مجموعه مواضع وی در سال ۸۸ فراهم آورم تا از این رهگذر همگان ــ خصوصاً پژوهش‌گران تاریخ انقلاب اسلامی ایران ـ بتوانند پس از اطلاع دقیق از این مواضع، به تحلیل آنها روی آورند.

۴. در «متن این تحقیق» تنها به بررسی مجموعه مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۸۸ پرداخته شده، از نقل و بررسی مواضع وی در سال‌های قبل و بعد از آن خودداری شده است و اگر در مواردی، نیاز به ذکر مواضع وی در دیگر سال‌ها بوده، این موارد تنها در «پاورقی» ذکر شده‌اند.

۵. مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در هر موضوع بر اساس ترتیب زمانی نقل شده، قبل از بیان هر موضع، تاریخ و مناسبت آن در متن کتاب بیان شده است. این روش به خواننده کمک می‌کند تا به راحتی به ترتیب و شرایط زمانی و مکانی سخنان و نیز رابطه‌ی آنها با حوادث این سال پی‌ببرد.

۶. غالب عباراتی که قبل از بیان عین کلمات آقای هاشمی آورده شده، عباراتی است که از سوی دفتر وی به خبرگزاری‌ها مخابره شده است.

۷. اینجانب پس از نگارش کتاب حاضر، یک نسخه از آن را در اختیار آیت‌الله

بخش‌هایی را که با مذاق جناحی آنان سازگار است به صورت ناقص و گزینشی منتشر می‌کنند. خبر مندرج در صفحه‌ی اول روزنامه‌ی رسمی و دولتی ایران مورخ ۸۸/۷/۲۰ مبنی بر «پیغام هاشمی رفسنجانی و مهدوی کنی به میرحسین موسوی» یکی از مصادیق اخیر این‌گونه خبرسازی‌هاست که از اساس کذب و خلاف بوده و مشخص نیست این روزنامه‌ی دولتی با چه هدفی اقدام به این‌گونه خبرسازی‌های دروغ و جعلی می‌کند و اگر حسن نیت داشته باشند می‌توانند همان اظهارات نمازجمعه‌ی ۲۶ تیرماه را که تأکید بر قانونمند عمل کردن همه‌ی طرف‌هاست و بارها هم روی آن تأکید شده به جای جعل خبر بیاورند تا پیام خاصی به یک طرف یا کل جامعه بدهند. نقل قول‌هایی درباره‌ی انتخابات ریاست جمهوری یا اظهارنظرهایی در مورد بستگان مواردی دیگر از مصادیق این خبرسازی‌هاست که جراید و رسانه‌های زنجیره‌ای همسو بلافاصله با دنبال کردن این اخبار دروغ و گزینشی آن را با آب و تاب و تحلیل‌های حاشیه‌ای منعکس کردند و خواهند کرد. برای تنویر افکار عمومی که در این مورد بسیار سئوال می‌کنند و رسانه‌های محترم که امیدواریم رسانه‌های زنجیره‌ای همسو را نیز شامل شود رسماً اعلام می‌شود مطالبی که به نقل از دیگران و به صورت گزینشی و انتخابی در مورد دیدارهای انجام شده یا نشده‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یا مواضع ایشان مطرح می‌شود فاقد اعتبار و سندیت است و تنها مطالبی که به صورت رسمی توسط دفتر ایشان و اداره‌ی کل روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام در اختیار رسانه‌های همگانی قرار می‌گیرد دارای اعتبار بوده و سندیت دارد.» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ مهر ۸۸)

هاشمی رفسنجانی قرار دادم تا پس از مطالعه‌ی آن، در دیداری حضوری به طرح برخی پرسش‌ها و نکات ابهام خود، بپردازم. پس از مدتی، این دیدار در فضایی صریح و صمیمی انجام شد که زمینه‌ی اتقان بیشتر کتاب را فراهم آورد. پس از این نشست، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در دیدار با برخی از شخصیت‌ها و فعالان سیاسی از انتشار کتاب مذکور در آینده‌ای نزدیک خبر داد.[1]

۸ این کتاب در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۹۰ برای اخذ مجوز نشر به اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی قم تحویل شد. اما متأسفانه دولت دهم علی‌رغم ادعایی که در حمایت از آزادی شهروندان داشت، از اعطای مجوز به آن سر باز می‌زد.

اینجانب پس از گذشت بیش از هفت ماه از درخواست مجوز نشر برای این کتاب، در مصاحبه‌ای به تبعیض و بی‌عدالتی وزارت ارشاد در اعطای مجوز به کتاب‌هایی که به

---

۱. این خبر به صورت ناقص در برخی از سایت‌های اصول‌گرا منتشر شد. به عنوان نمونه سایت مشرق با انتشار خبری در این رابطه نوشت: «شنیده ایم هاشمی رفسنجانی اخیراً در دیدار جمعی از چهره‌های سیاسی گفته به زودی کتابی از وی منتشر می‌شود که حاوی نظرات و دیدگاه‌های وی قبل و بعد از انتخابات ۸۸ و حوادث پس از آن می‌باشد. هاشمی همچنین مدعی شده در این کتاب وی ثابت کرده که پیش از دیگران پیش‌بینی فتنه را کرده است.» (پایگاه خبری ـ تحلیلی *مشرق*؛ ۷ اسفند ۱۳۸۹، کد خبر: ۳۱۵۷۴)
سایت جهان امروز نیز در همان تاریخ نوشت: «قرار است اکبر هاشمی رفسنجانی، در قالب کتابی پیرامون حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، به بیان این حوادث بپردازد. به گزارش جهان به نقل از منابع آگاه، هاشمی رفسنجانی که هم اکنون ریاست مجلس خبرگان و ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده دارد، قرار است در کتاب جدیدش به مسائل پیرامونی و ماهیت حوادث رخ داده پس از انتخابات ریاست جمهوری دولت دهم بپردازد. این‌که نام این کتاب چیست و آیا در آن به مقولات رخ داده در حوالی شخص هاشمی رفسنجانی در فتنه گذشته همچون پرونده مهدی هاشمی، نامه سرگشاده هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری پس از انتخابات و سایر مقولاتی از این دست نیز اشاره می شود یا خیر، مسائلی هستند که هنوز کسی از آنها خبری ندارد. اطلاعات جهان همچنین حاکی از آن است که این کتاب نیز همچون بسیاری از کتاب های منتسب به آقای هاشمی، تدوین صحبت ها و نظرات وی در مورد موضوعات ذکر شده است.»
(پایگاه خبری ـ تحلیلی *جهان امروز*؛ ۷ اسفند ۱۳۸۹، کد خبر: ۱۵۷۹۶۳)
سایت مشرق یک روز بعد از دیدار چهار تن از اعضای جبهه‌ی پیروان خط امام و رهبری [آقایان اسدالله بادامچیان، حسن غفوری‌فرد، محمدنبی حبیبی و ابوالفضل توکلی بینا] با هاشمی رفسنجانی خبر داد و نوشت: «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این دیدار با اشاره به این‌که در آینده‌ی نزدیک کتابی از وی در تحلیل و ارزیابی جریان فتنه منتشر خواهد شد» افزود: «من در این کتاب اثبات کرده‌ام که پیش از همه نسبت به تولدجریان فتنه در فضای کشور هشدار داده‌ام.»
(پایگاه خبری ـ تحلیلی *مشرق*؛ ۸ اسفند ۱۳۸۹، کد خبر: ۳۱۸۹۸)

موضوع مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۸۸ پرداخته‌اند، اعتراض کردم.[1]

این مصاحبه که در برخی پایگاه‌های خبری و روزنامه‌های سراسری بازتاب یافت، با واکنش معاون فرهنگی وقت وزارت ارشاد روبه‌رو شد. وی تلاش کرد تا به نوعی عدم اعطای مجوز به این کتاب را توجیه کرده، عملکرد وزارت ارشاد را موجه جلوه دهد.[2] سخنان وی اما با پاسخ مجدد اینجانب همراه شد.[1]

---

۱. در بخشی از گزارش روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در این رابطه آمده است: «حجت الاسلام رضا صنعتی نویسنده‌ی کتاب هاشمی در سال ۸۸ می‌گوید: کتاب مذکور در اوایل خرداد ماه ۱۳۹۰ جهت اخذ مجوز نشر به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم تحویل شده است لکن با گذشت بیش از هفت ماه از آن تاریخ، تاکنون مجوز نشر آن صادر نشده است!... اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قم اما با استناد به دلایلی از جمله انعکاس مواضع هاشمی در بررسی عملکرد دولت، با اعطای مجوز به آن مخالفت کرده است. این در حالی است که دکتر احمدی‌نژاد به عنوان ریاست دولت‌های نهم و دهم بارها بر به رسمیت شناختن حق افراد در بیان آزادانه نظرات خویش تأکید کرده، آزادی موجود در کشور را نزدیک به مطلق دانسته است! علاوه بر این تمام مطالب کتاب مذکور که همان مواضع هاشمی در سال ۸۸ است پیش از این به صورت پراکنده در صدها سایت و روزنامه منتشر شده است. در عین حال بررسین اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قم بیش از صد مورد اشکال به مضمون کتاب گرفته‌اند. این اشکالات به حدی حیرت‌آور است که انتشار آنها (چنانچه ضرورتی در انتشار آن احساس شود) می‌تواند به عنوان سندی تاریخی در نحوه‌ی تعامل دولت با منتقدان خود مورد استناد قرار گیرد.» نویسنده‌ی کتاب همچنین درباره‌ی پی‌گیری‌های صورت گرفته برای انتشار کتاب مذکور می‌گوید: «تا کنون دو نسخه از کتاب و پاسخ نویسنده به اشکالات بررسین آن، یکی به دفتر ریاست محترم جمهور و دیگری به دفتر وزیر محترم ارشاد ارسال شده است. همچنین پس از برکناری مدیر کل سابق ارشاد اسلامی قم، کتاب مذکور، از سوی مدیر کل جدید برای تصمیم‌گیری درباره‌ی دریافت یا عدم دریافت مجوز نشر به معاونت فرهنگی وزارت ارشاد ارسال شده است و هم اکنون در انتظار دریافت نظر نهایی مسئولان وزارتخانه است.» به گزارش پایگاه سلمان فارسی این نوع برخورد با کتاب مورد اشاره در حالی صورت می‌گیرد که تا کنون کتاب‌های متعددی حتی با ادبیات توهین آمیز علیه ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام موفق به اخذ مجوز نشر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده‌اند. (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۸ بهمن ۱۳۹۰)

۲. بهمن دری (معاون وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) در پاسخ به سؤال خبرنگار فارس مبنی بر ارائه مجور و یا عدم مجوز به کتاب درباره اکبر هاشمی رفسنجانی پاسخ داد: «باید یک چیز فراتر مطرح شود در ۲۹ دوره جایزه کتاب سال در هیچ دوره‌ای کتاب‌های سالی که انتخاب شدند از منتقدین دولت آن زمان برنده نداشته‌ایم؛ همان‌گونه که بنده اعلام کردم و برای بسیاری از افرادی هم غیرمنتظره بود. اگر آنچه که اعلام می‌کنید صحت داشته باشد طبیعتاً در جایزه‌ی کتاب سال که از تراز بالاتری برخوردار است ما قطعا انتخاب نمی‌کردیم.» وی ادامه داد: «در کتاب سال، کتاب آقای هاشمی رفسنجانی و سیدحسن خمینی و محقق داماد شایسته تقدیر شدند، از منتقدین دولت بودند. پس آنچه که ملاک ماست قانونی است که مصوب است و بر اساس آن قانون در شرایطی که توهینی به افراد بشود بر اساس قوانین نظارت بر چاپ کتاب، قطعاً ما برخورد می‌کنیم.» وی ادامه داد: «بالعکس این امر هم وجود دارد، در حال

حاضر چند کتاب در تخریب شخصیت آقای هاشمی رفسنجانی به ما ارائه شده که به آنها مجوزی داده نشده؛ آنچه ملاک ما است قانون و در مرحله‌ی بعدی ملاک فرمایشات رهبر انقلاب است، چتر گسترده است؛ جزئی‌نگر نباید باشیم. همه‌ی افرادی که دلشان برای انقلاب می‌تپد باید مورد حمایت قرار گیرند کما این‌که در قانون به ما این اجازه داده شده که در برخی شرایط سیاسی کشور به برخی کتاب‌ها مجوز ندهیم.» وی ادامه داد: «از ۸ کتابی که (به صورت مستقیم و غیرمستقیم) درباره‌ی مواضع و دیدگاه‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به دست ما رسیده یک کتاب در تأیید مواضع وی و هفت کتاب در نقد شدید وی بوده است.» (*خبرگزاری فارس*؛ ۲۵ بهمن ۱۳۹۰)

۱. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در این رابطه نوشت: حجت‌الاسلام رضا صنعتی نویسنده‌ی کتاب "هاشمی در سال ۸۸" گفت: «معاون محترم فرهنگی وزارت ارشاد در حالی از عدم اعطای مجوز به کتاب‌های توهین‌آمیز علیه آقای هاشمی خبر داده است که از سال ۱۳۸۸ به بعد کتاب‌های زیادی علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با ادبیات توهین‌آمیز از وزارت ارشاد مجوز نشر گرفته‌اند و در مجموع این کتاب‌ها اتهاماتی چون عدم حضور چشم‌گیر هاشمی در صحنه‌های مبارزاتی، فساد، هواپرستی، عدم اعتقاد به حقیقت ثابت، عدم تسری باورهای ایدئولوژیک به تصمیمات سیاسی، پایه‌گذاری پراگماتیسم در کشور، ترویج سکولاریسم، عدم اعتقاد به اصالت مکتب، عدم التزام به ولایت فقیه، سوء استفاده از بیت‌المال، کمک به برخی از افراد در انجام مفاسد اخلاقی و اقتصادی، همکاری آگاهانه با دشمن برای ایجاد فتنه در کشور، آشوب طلبی، ترویج اسلام اشرافیت، خودبینی و... به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نسبت داده شده است.» به گزارش ایلنا، صنعتی تصریح کرد: «با این حال معلوم نیست چه تهمت و اهانتی در کتاب‌هایی که از وزارت ارشاد مجوز گرفته‌اند، از قلم افتاده و قرار بوده در هفت کتاب جدیدی که آقای دری از آنها خبر داده است، این از قلم افتادگی‌ها جبران شود که وزارت ارشاد اعطای مجوز به آنها را به مصلحت ندانسته است؟» نویسنده‌ی کتاب "هاشمی در سال ۸۸" در ادامه می‌افزاید: «نکته‌ی قابل توجه دیگر آن‌که کتابی که معاون فرهنگی وزارت ارشاد از آن به عنوان کتابی در تأیید مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یاد کرده، تنها کتابی است که به گزارش کامل و دقیق مواضع وی در سال ۱۳۸۸ (بدون ارائه تحلیل درباره آن مواضع) پرداخته است. به عبارت دیگر وزارت ارشاد در حالی که مانع از انتشار اصل مواضع آقای هاشمی می‌شود، به کتاب‌های متعددی با عنوان نقد همین مواضع مجوز نشر می‌دهد.» وی افزود: «نکته‌ی عجیب دیگر در توجیه رفتار تبعیض‌آمیزی که از سوی وزارت ارشاد با کتاب‌هایی که درباره‌ی اندیشه سیاسی هاشمی نگاشته شده، استناد معاون محترم وزیر به انتخاب کتاب تفسیر آیت‌الله هاشمی به عنوان کتاب سال در حوزه‌ی دین است. این در حالی است که انتخاب کتاب سال یک روند کاملاً علمی دارد و اگر کتابی از قوت علمی لازم برخوردار بود اما بخاطر گرایش‌های سیاسی نویسنده از زمره‌ی کتاب‌های برگزیده خارج شد، جای گلایه دارد و الا انتخاب کتابی که از امتیازات علمی لازم برخوردار بوده است نه جای منتی دارد و نه توجیه مناسبی برای عدم اعطای مجوز به کتابی درباره‌ی اندیشه سیاسی همان نویسنده است.» نویسنده‌ی کتاب مذکور همچنین راجع به اظهارنظر رسمی وزارت ارشاد درباره کتاب خود گفت: «وزارت ارشاد تاکنون نظرنهایی خود درباره این کتاب را اعلام نکرده است و تاکنون تنها پاسخی که دریافت کرده‌ام آن بوده است که باید صبر کنم تا نتیجه‌ی مطالعه‌ی کتاب توسط بررس‌های جدید آن مشخص شود.»

(روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۹ بهمن ۱۳۹۰)

به هر حال، بیش از دو سال پی‌گیری بنده برای اخذ مجوز این کتاب در دولت دهم بی‌نتیجه ماند[1] تا این‌که مردم در یازدهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری به شخصیتی رأی دادند که از جمله شعارهای او مقابله با ایجاد فضای امنیتی در عرصه‌ی فرهنگ بود.

در پایان از تمام کسانی که در مسیر نگارش و انتشار این اثر، بنده را از نظرات و همکاری‌های سازنده‌ی خویش بهره‌مند ساختند، تشکر کرده، توفیقات روزافزون آنان را از خداوند منّان خواستارم.

رضا صنعتی
۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۲

۱. گزارش دیگری از پی‌گیری‌های طولانی و بی‌ثمر نویسنده برای اخذ مجوز کتاب از دولت دهم، در تاریخ ۲۲ مرداد ماه ۱۳۹۱ در روزنامه‌ی جمهوری اسلامی منتشر شده است.

حضور و صیانت

سال ۱۳۸۸ سال برگزاری دهمین دور از انتخابات ریاست جمهوری بود. به همین دلیل آیت الله هاشمی رفسنجانی از ابتدای این سال بر دو موضوع «حضور حداکثری مردم در انتخابات» و «لزوم صیانت از آرای آنها» تأکید ویژه داشت. ما در ادامه به گزارش مواضع وی در این دو موضوع می‌پردازیم.

۱. دعوت به حضور حداکثری در انتخابات

عدم تحقق حضور حداکثری مردم در انتخابات ریاست جمهوری از اهداف مشترک دشمنان جمهوری اسلامی و برخی جریان‌های کج‌اندیش داخلی بود. آنها تلاش می‌کردند تا با روش‌های مختلف مردم را از حضور در انتخابات منصرف سازند. در مقابل، مهم‌ترین سیاست نظام که در مواضع مسئولان و شخصیت‌های برجسته‌ی آن تجلی می‌یافت، دعوت مردم به حضور گسترده در انتخابات و رأی دادن به یکی از چهار نامزد موجود بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز از ابتدای سال ۸۸ بر این مسأله تأکید ویژه داشت. وی ابتدا در تاریخ ۱۸ فروردین ماه در دیدار محسن رضایی (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام) و دبیران کمیسیون‌های این مجمع، انجام انتخابات دهم ریاست جمهوری را یکی از تحولات بزرگ سال جاری دانست و گفت:

> اگر سیاست‌ها و شرایط به نحوی هدایت شود که مردم با شور و حرارت و احساس مسئولیت دینی و ملی پای صندوق‌های رأی حاضر شوند یکی از

جلوه‌های بزرگ اقتدار، عزت و سربلندی نظام اسلامی خواهد بود.[۱]

وی همچنین در تاریخ سوم اردیبهشت ماه در دیدار «شورای مرکزی خانه‌ی احزاب ایران» گفت:

> برگزاری انتخاباتی آبرومند و معتبر یک نیاز است و مردم با مشارکت وسیع در انتخابات و ارائه‌ی نظر خود می‌توانند پیام مهمی را به جهانیان بدهند؛ بر همین اساس اکنون با توجه به شرایط داخلی و خارجی در دوره‌ای قرار داریم که احزاب باید خیلی جدی در صحنه حضور داشته باشند و در فعالیت‌های خود منافع دین مردم و کشور را در نظر گیرند... برای فراهم آوردن زمینه‌ی حضور جدی مردم در صحنه‌ی انتخابات، صدا و سیما به عنوان رسانه‌ی ملی وظیفه‌ی مهمی بر عهده دارد. اعتبار صدا و سیما به این است که بر اساس اصول اسلامی و صداقت عمل کرده و آیینه‌ی تمام‌نمای نظرات مردم باشد.[۲]

او در تاریخ ۴ اردیبهشت ماه نیز در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ضمن اشاره به سخنان مقام معظم رهبری گفت:

> افکار عمومی بهترین پایگاه تداوم انقلاب است. ما باید پاسدار سلامت افکار عمومی باشیم. مردم را باید برای تصمیم درست آماده کنیم. نقطه‌ی درست این است که از مردم توقع داریم. توقع ملی دینی و انقلابی ما از مردم این است که اهمیت این انتخابات را درک بکنند و اهمیت رأی خودشان را درک کنند. ما می‌توانیم بیش از ۴۰ میلیون رأی در صندوق‌ها بریزیم. اگر کمتر بریزیم نشان بی‌تفاوتی است.[۳] **بی‌تفاوتی مردم ضرر دارد هم برای کشور هم برای انقلاب و هم برای خودشان. مردم سرنوشت خود و فرزندانشان را نمی‌توانند نادیده بگیرند. قهر کردن از صندوق رأی جز ضرر برای خود مردم ندارد. اگرمردم نروند پای صندوق‌ها بالأخره از صندوق کسی در می‌آید. وقتی توده‌ی مردم نیایند اقلیتی رأی می‌دهند و یکی در می‌آید. این به نفع هیچ‌کس نیست. اعتبار**

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۹ فروردین ۸۸

۲. همان؛ ۵ اردیبهشت ۸۸

۳. مقام معظم رهبری در تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۸۹ در جمع زائران بارگاه رضوی در مشهد مقدس فرمودند: «اگر حضور شما مردم در انتخابات بیست و دوی خرداد سال ۸۸ یک حضور ضعیفی بود، اگر به جای چهل میلیون، مثلاً سی میلیون شرکت کرده بودید، به احتمال زیاد دشمنان شما موفق می‌شدند.» (*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱ فروردین ۸۹)

نظام هم مخدوش می‌شود. مردم احساس وظیفه کنند، رأی بدهند. الآن فضای انتخابات رقابتی است. من فکر می‌کنم با تأکیدی که شد[۱] مسأله‌ی سلامت انتخابات تضمین است. اگر بتوانیم انتخابات نیرومندی برگزار کنیم برای چند سال، آینده‌ی نظام و کشورمان را بیمه کرده‌ایم.[۲]

وی در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه در دیدار جمعی از اعضای «ائتلاف مردمی حامیان میرحسین موسوی» حضور آحاد مردم در صحنه‌ی انتخابات را راهی فطری، شرعی و ملی برای تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت خود دانست و با اشاره به این‌که از افتخارات نظام جمهوری اسلامی این است که با انتخابات متعدد و حساس تا به این‌جا رسیده است، گفت:

این جزو عقاید دینی نظام است که مردم صاحب رأی بوده و در اداره‌ی کشور خود سهیم هستند.[۳]

وی حضور در انتخابات را فریضه‌ای اسلامی و ملی برای همه‌ی اقشار جامعه عنوان کرد و افزود:

برای حفظ و تقویت نظام در مقطع حساس کنونی حضور همه‌ی مردم چه آنان که احساس تکلیف برای کاندیداتوری می‌کنند و چه اقشار گوناگون، وظیفه‌ای حساس، دینی و ملی است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تأثیر حضور و رأی مردم در انتخابات را غیرقابل انکار خواند و گفت:

کسانی که فکر می‌کنند با قهر کردن با انتخابات مسأله‌ای حل می‌شود سخت در اشتباهند چرا که در این صورت حق تعیین سرنوشت خود را از دست می‌دهند.

وی یکی از راه‌های مؤثر تشویقِ حضور مردم در انتخابات را تبلیغات شفاهی مردم و فعالان سیاسی خواند و با تأکید بر این‌که انقلاب اسلامی با تبلیغات شفاهی همه‌ی اقشار جامعه به ویژه روحانیت به ثمر رسید، گفت:

رسانه‌های عمومی و فعال در جامعه کم نیستند و نخبگان، صاحب نظران و

---

۱. اشاره‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به تأکید مقام معظم رهبری بر لزوم برگزاری انتخاباتی سالم است.
۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ اردیبهشت ۸۸
۳. همان؛ ۱۴ اردیبهشت ۸۸

دلسوزان باید با آگاهی دادن به مردم حضور آگاهانه‌ی آنان در انتخابات را پرشورتر کنند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با بیان این‌که انسان‌های نیک و موفق کسانی هستند که نسبت به سرنوشت کشور خود بی‌تفاوت نیستند، تصریح کرد:

موفقیت سعادت و رشد کشور و همچنین نابسامانی، سختی و فقر، همه‌ی اقشار جامعه اعم از دارا و ندار، قدرتمند و غیرقدرتمند را متأثر می‌کند.[1]

وی همچنین در اولین روز از خرداد ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ضمن اشاره به نظر رهبری درباره‌ی حضور حداکثری مردم در انتخابات گفت:

ایشان مدت‌هاست که در کلیات انتخابات حرف‌های بسیار مهمی می‌زنند که درست از جایگاه رهبری است. اولاً این‌که انتظار دارند مردم با همه‌ی وجود و با ابهت و پرشور در انتخابات شرکت کنند و این از مهم‌ترین خواسته‌های همه‌مان هست. من فکر می‌کنم روی این مسأله اجماع است. هم مجلس می‌گوید، هم دولت می‌گوید، هم قوه‌ی قضاییه می‌گوید، هم همه‌ی شخصیت‌های نظام می‌گویند. صدا و سیما هم همین حرف‌ها را منتشر می‌کند. همه‌مان متفق هستیم که به مصلحت نظام است که انتخاباتمان پرشور و باابهت و با حضور همه‌ی مردم برگزار شود. البته ممکن است وقتی می‌گوییم همه، همه نباشند. ما جریان‌های ضد انقلابی داریم که از اول پیروزی انقلاب همیشه انتخابات را تحریم می‌کردند ما اولین رفراندومی که کردیم برای تعیین نظام جمهوری اسلامی یک عده‌ای از همین گروهک‌ها تحریم کردند، شرکت نکردند. برای قانون اساسی که می‌خواستیم رفراندوم کنیم، تحریم کردند. انتخابات ریاست جمهوری را در همه‌ی دوره‌ها این ضد انقلاب‌ها تحریم کردند. انتخابات مجلس هم همین‌طور. ما قبول داریم یک عده هستند به هر دلیل یا کینه یا مزدوری یا بدفهمی از شرکت مردم در انتخابات ناراحت هستند. اینها کم هستند و عده‌ی معدودی هستند. آن‌که جای تأسف است، این است که کسانی که وفادار به انقلاب و دوست انقلاب هستند و می‌دانیم به خاطر بعضی از گلایه‌ها یا بی‌توجهی‌ها در انتخابات حضور پیدا نمی‌کنند. من در خطبه‌ی قبل هم گفتم. نه عقلاً و نه شرعاً و نه منطقاً و نه محاسبه‌ی مادی و نه معنوی این به

---

۱. همان

نفع هیچ‌کس نیست. آن آقا یا خانمی که نمی‌آید چه نفعی از نیامدن می‌برد؟ اگر بگوییم جزو دسته‌ی اول است که هیچ. اما اگر جزو دسته‌ی اول نباشد، نیامدنش چه مسأله‌ای را حل می‌کند؟ چه نفعی می‌برد؟ بالاخره یک رأی هم یک رأی است.

مجموعه‌ی آرا سرمایه‌ی عظیمی است که مایه‌ی اعتبار و عظمت جامعه‌ی ما می‌شود و امروز یکی از شاخص‌های بزرگ جوامع معتبر دنیا مقدار حضورشان در انتخابات است. این مسأله را کم نگیرید. انسان یک ساعت وقتش را صرف می‌کند می‌رود و رأی می‌دهد. این چه هزینه‌ای دارد و چه ضرری دارد؟ مگر کسی که دشمن انقلاب است، گفتم با او الآن بحث نداریم. همه‌ی آنهایی که کشورشان را دوست دارند، آنهایی که انقلابشان را دوست دارند، هر دو قسمت اگر بیایند و انتخابات با عظمت برگزار شود، دشمنان داخلی و خارجی ما مأیوس می‌شوند. اگر با وسعت، مردم شرکت کنند هر دولتی که سرکار بیاورند و متکی به پشتیبانی این مردم باشد، با اراده و قاطعیت بهتری می‌تواند خدمت کند و خود مردم هم حمایت می‌کنند و حامی دولتشان می‌مانند. کارشکنی نمی‌کنند. دستورات دولت را عمل می‌کنند. جاهایی می‌فهمند، دفاع می‌کنند. سیستم بسیار خوبی است که در دنیا به شکل انتخابات‌ها آمده است... در این تردید نکنیم که پایه‌ی انقلاب اسلامی و اعتبار جهانی ما و استحکام نظام ما، منافع فرد فرد ما در این است که وارد میدان انتخابات شویم و خوشبختانه امروز نامزدهایی که از طرف شورای نگهبان تأیید شده‌اند از همه‌ی سلیقه‌ها هستند حالا یا مطلق یا به طور نسبی. کسی را دارند که به او رأی بدهند. از این موقعیت استفاده کنید چون صلابت و ابهتی که رهبری از ما خواسته شکل بدهیم. حضور پیدا کنیم رأی‌مان را در صندوق بریزیم. مطمئن باشید فردای روزی که ما اعلام بکنیم درصد بالای ۷۰، ۸۰ درصد مردم ما پای صندوق آمده‌اند چند پله نظاممان در دنیا معتبرتر می‌شود و دشمنان ما که با حسادت دنبال این هستند که فاصله بیندازند بین مردم و مسئولان کشور و نظام اسلامی با دیدن این آرای بالا تحقیقاً خاکستر یأس بر سرشان ریخته خواهد شد. إن شاءالله[1]

۱. همان؛ ۲ خرداد ۸۸

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۰ خرداد ماه در دیدار جمعی از «مجمع دانش‌آموختگان استان گلستان» و گروهی از فعالان «شاخه‌ی جوانان خانه‌ی احزاب ایران»، تأکید کرد:

> این انتخابات اهمیت بسزایی در آینده‌ی کشور دارد و اگر اکثریت مردم به صحنه بیایند، منافع ملی و مصالح نظام را در افکار عمومی تأمین می‌کنند... تکثر نامزدها، همه‌ی سلیقه‌ها را در برمی‌گیرد و توازن نسبی وجود دارد و الحمدلله حساسیت انتخاباتی از سطوح عادی جامعه به خانواده‌ها هم سرایت کرده و این همان موجی است که مردم را به صورت همگانی به صحنه می‌آورد.[۱]

وی در تاریخ ۱۱ خرداد ماه نیز در دیدار جمعی از اعضای «جمعیت تولیدگرایان»، ضمن تأکید بر اهمیت حضور گسترده‌ی مردم در انتخابات ریاست جمهوری، گفت:

> باید فضایی ایجاد کرد تا مردم حس کنند با حضور آنان رأی آنها تبلور واقعی پیدا خواهد کرد.[۲]

وی با اشاره به برخی حوادث تروریستی و شایعات مربوط به آن تصریح کرد:

> این شواهد نشان می‌دهد، دشمن نگران حضور حداکثری مردم در انتخابات است. حضور حداکثری مردم باعث می‌شود، دشمنان جمهوری اسلامی ایران در تحقق خواسته‌های خود در عرصه‌ی بین‌المللی با مشکل مواجه و منافع عظیمی برای کشور ایجاد شود.[۳]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۳ خرداد ماه طی سخنانی در حرم امام خمینی‌رحمه‌الله به مناسبت بیستمین سالگرد ارتحال امام راحل با اشاره به این‌که امام خمینی‌رحمه‌الله و رهبر معظم انقلاب همواره بر حضور حداکثری مردم در انتخابات مختلف تأکید داشته‌اند، گفت:

> امام خمینی‌رحمه‌الله در آستانه‌ی هر انتخابی مردم را ترغیب می‌کرد که همه‌ی ایرانی‌ها در انتخابات شرکت کنند و امروز هم رهبر معظم انقلاب از ملت می‌خواهند که این انتخابات را با حضور پرشور خود دشمن‌شکن و پرابهت

---

۱. همان؛ ۱۱ خرداد ۸۸
۲. همان؛ ۱۲ خرداد ۸۸
۳. همان

برگـزار کننـد. دشـمنان انقـلاب اسـلامی و ضـد انقـلاب در داخـل وخـارج کشـور راضـی نیسـتند انتخابـات پرشـور برگـزار شـود و مایلنـد بعـد از انتخابات جشن حضور کم‌رنگ مردم را ببینند. اگر مشارکت مردم در انتخابـات مـثلا ۳۰ یـا ۴۰ درصـد باشـد آنهـا خوشـحال مـی‌شـوند و دل دوسـتان انقلاب می‌سوزد. بنابراین دشمن تلاش می‌کند فضای انتخابات را امنیتـی کنـد. حوادث زاهدان[۱] و بمب‌گذاری در هواپیمای تهران ـ اهواز[۲] و شـایعات پخـش شده‌ی دروغ درباره‌ی بمب‌گذاری در برخی نقاط و تهدیدهای تلفنی، کـار ضـد انقلاب است.[۳]

وی با بیان این‌که تعداد کمی هم افراد جاهل در داخل که گاهی حاضرند برای دستمالی، قیصریه‌ای را به آتش بکشند، حاضر نیستند انتخابات پرشور باشد، اظهار داشت:

مردم اگر اکثریت قاطع به صحنه بیایند دشمن ناکام می‌شود و الحمدلله بـه نظـر می‌رسد چنین خواهد شـد. رهبـری، دولـت، مجلـس، علمـا و مراجـع همگـی نظرشان این است که مردم گسترده در انتخابات شـرکت کننـد و حتـی یکـی از علما فتوا داده است: نیامدن انسان‌های مسلمان پای صندوق‌های رأی گناه کبیـره است.[۴] از روستاها و شهرهای دور و نزدیک گزارش‌هایی که دریافت مـی‌کنـیم نشانگر آمادگی خوب مردم برای شـرکت در انتخابـات اسـت. از رهبـر معظـم انقلاب تا همه‌ی دل سوزان انقلاب همین را می‌خواهند.[۵]

وی بار دیگر با اشاره به تأیید صلاحیت چهار نفراز نامزدها در شورای نگهبان گفت:

با حضور این افراد، میدان رقابت برای مردم آماده شده است و مردم مـی‌تواننـد به هر سلیقه‌ای که می‌پسندند، رأی دهند.

---

۱. در تاریخ ۷ خرداد ماه ۸۸ انفجار یک بمب نسبتاً قوی که در مسجد امیرالمؤمنین علیه‌السلام زاهدان کار گذاشته شده بود باعث شهادت و زخمی شدن شمار زیادی از هموطنان شد.

۲. در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۸ توطئه‌ی خرابکاری در مسیر پرواز اهواز ـ تهران و سوء قصـد بـه حجـت الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی با تلاش مأموران امنیت پرواز خنثی شد.

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۶ خرداد ۸۸

۴. به گزارش خبرگزاری فارس، آیت‌الله نوری همدانی در تـاریخ ۲۷ اردیبهشـت مـاه در دیـدار جمعـی از پاسداران انقلاب اسلامی گفت: همه مردم ایران از جوانان تا پیرها باید در انتخابـات شـرکت کننـد و در پای صندوق‌های رأی حضور یابند. وی تأکید کرد: خودداری از شـرکت در انتخابـات از گناهـان کبیـره محسوب می‌شود. (سایت خبری ـ تحلیلی *شفاف*؛ کد خبر: ۳۰۷۵)

۵. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۶ خرداد ۸۸

وی با اشاره به ابتکار سازمان صدا و سیما در برگزاری برنامه‌های مختلفی جهت نامزدهای تأیید صلاحیت شده از جمله مناظره‌هایی که میان آنها برگزار می‌شود، گفت:

> با این برنامه مردم در جریان افکار نامزدها قرار می‌گیرند و کورکورانه رأی نمی‌دهند و پس از آن‌که خوب به نظرات مختلف گوش دادند به هر کس که خواستند، می‌توانند رأی دهند.

وی با اشاره به بحث‌های جدی نامزدهای انتخابات گفت:

> خودِ این نامزدها و طرفدارانشان فضا را کاملاً انتخاباتی کردند و با جدیت کارها و برنامه‌های خود را پی می‌گیرند.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۷ خرداد ماه در دیدار جمعی از «جوانان و دانشجویان مستقل حامی هاشمی»، نیاز اساسی کشور را حفظ آرامش، اطلاع‌رسانی و دعوت گسترده‌ی مردم به مشارکت حداکثری در انتخابات خواند و تأکید کرد:

> اکنون صحنه‌ی عمومی و جامعه حاکی از آگاهی و هوشیاری مردم، به خصوص جوانان، زنان و فرهیختگان نسبت به مسائل و تحولات کشور است که این هوشیاری، خود خنثی‌کننده‌ی توطئه‌هاست.[2]

وی روند انتخابات را جدای از بداخلاقی‌ها، صحنه‌ای مبارک دانست و گفت:

> در انتخاباتِ پیشِ‌رو تمام سلایق به نوعی در نامزدهای موجود حضور دارند و اگر مراعات اخلاق اسلامی و انسانی شود، حضور گسترده‌ی مردم نتایج مبارکی را برای نظام و کشور به همراه خواهد داشت.

وی با تأکید بر این‌که در هر شرایطی باید با مردم صادق و صریح سخن گفت، تصریح کرد:

> برخی در شرایط خاص سعی می‌کنند بخاطر زیاده‌خواهی‌ها فضا را آلوده کنند که هوشیاری و حضور پرشور مردم در انتخابات آنان را مأیوس خواهد کرد.[3]

۲. لزوم صیانت از آرای مردم

بررسی مواضع آیت الله هاشمی رفسنجانی در سال ۸۸ نیز نشان می‌دهد که وی

---

۱. همان

۲. همان؛ ۱۸ خرداد ۸۸

۳. همان

مدت‌ها قبل از آغاز تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، سخنان متعددی را در رابطه با لزوم امانت‌داری مسئولان نظام به خصوص در مسأله‌ی حراست و صیانت از آرای مردم و شبهه‌ناک نبودن نتایج انتخابات بیان کرده است.

وی در سال ۱۳۸۸ ابتدا در هفتم فروردین ماه در اولین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی تهران در این سال با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری در مشهد، گفت:

مسئله‌ی دوم که رهبری اشاره کردند و صریح هم فرمودند، بحث انتخابات بود. مسئله‌ی داغ امروز ماست و ایشان دو، سه نکته‌ی خیلی مهمی را گفتند. اولاً تأکید زیاد کردند که انتخابات چیزی است که حق مردم است و مردم صاحب این انتخابات هستند و رأی مردم برای جامعه‌ی ما مهم است و اشاره داشتند که ما قدرتمان را، صلابتمان را، پیروزی‌مان را و مقاومتمان را از حضور مردم گرفتیم.[1] این مردم اگر ایمان نداشته باشند، حضور پیدا نمی‌کنند. قبول نداشته

---

۱. مقام معظم رهبری در بخشی از سخنان خود در اول فروردین ماه ۸۸ در «دیدار زائران حرم رضوی در مشهد مقدس» فرمودند:

«انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست. پایه‌ی نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه‌ها، انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد؛ این هم جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است. این‌که شما توانسته‌اید در طول این سی سال از نهیب ابرقدرت‌ها نترسید، این‌که ابرقدرت‌ها هم غیر از نهیب نتوانستند ضربه‌ی اساسی به شما بزنند، این‌که جوانان کشور در ورود به میدان‌های گوناگون این شجاعت و اخلاص را نشان می‌دهند، ناشی از مردم‌سالاری دینی است؛ این را باید خیلی قدر بدانیم. انتخابات سرمایه‌گذاری عظیم ملت ایران است؛ مثل این‌که شما سرمایه‌ی سنگین و عظیمی را در بانک می‌گذارید، بانک با آن کار می‌کند و شما از سودش استفاده می‌کنید؛ انتخابات یک چنین چیزی است. ملت ایران سرمایه‌گذاری عظیمی را می‌کند، سپرده‌گذاری بزرگی را انجام می‌دهد و سود آن را می‌برد. آراء یکایک شما مردم سهمی است از همان سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری. هر رأیی که شما در صندوق می‌اندازید، مثل این است که یک بخشی از پول آن سپرده را دارید تأمین می‌کنید. یک رأی هم اهمیت دارد. هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال می‌شوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان می‌دهد؛ انتخابات این است. بنده همواره در درجه‌ی اول در انتخابات سعیم بر این است که به مردم عرض کنم حضور شما در این انتخابات مهم است. این، تصدیق و تأیید و مستحکم کردن نظام جمهوری اسلامی است. مسئله فقط یک مسئله‌ی سیاسی و فردی و اخلاقی محض نیست؛ یک مسئله‌ی همه‌جانبه است. انتخابات با سرنوشت مردم سر و کار دارد؛ بخصوص انتخابات ریاست جمهوری که سپردن قوه‌ی اجراییه‌ی کشور به دست یک نفر و یک مجموعه است که کشور را برای مدت چند سال اداره کنند؛ اینقدر انتخابات اهمیت دارد.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱ فروردین ۸۸)

باشند، ضعیف حرکت می‌کنند و تبلورش هم در انتخابات است. در انتخابات است که رأی می‌دهند و رأی خودشان را در ساختار جامعه می‌بینند. بنابر این انتخابات را باید به گونه‌ای برگزار کنیم که مردم با حضور انبوهی در انتخابات شرکت کنند و اطمینان به این داشته باشند که همان رأیی را که می‌دهند اثر خودش را می‌گذارد و توقعی هم ندارند که اگر رأیشان در اقلیت بود گله بکنند. تأکید رهبری بود که انتخابات را مسئولان باید به طرز صحیح برگزار کنند.[1] این خواسته‌ی همه‌ی مردم است. تردیدی نیست که مردم ما خواستار انتخابات صحیح هستند. کسی انتخابات مغلوق را نمی‌خواهد و رهبری هم بر این نکته تأکید کردند.[2]

وی در تاریخ ۴ اردیبهشت ماه بار دیگر در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ضمن اشاره به سخنان مقام معظم رهبری گفت:

در این دو ماه آینده باید کار بسیار بزرگی بکنیم. من باز تکیه می‌کنم روی صحبت‌های مقام معظم رهبری که حقیقتاً آرامش خاطری داد به توده‌ی مردم و نخبگان که این انتخابات دو، سه نکته در آن هست که باید مراعات بشود. چیزی که مربوط به مسئولان است سلامت انتخابات است. سلامت انتخابات باید برای مردم مشخص شود. مردم با خیال راحت باید بروند پای صندوق‌های رأی... الآن فضای انتخابات رقابتی است. من فکر می‌کنم با تأکیدی که شد مسأله ی سلامت انتخابات تضمین است. اگر بتوانیم انتخابات نیرومندی برگزار کنیم برای چند سال آینده نظام و کشورمان را بیمه کرده‌ایم.[3]

---

۱. مقام معظم رهبری در بخش دیگری از سخنان خود در مشهد مقدس درباره‌ی سلامت انتخابات فرمودند: «انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه‌ی الهی انتخابات سالمی است. من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است ـ در حدود سی انتخابات ـ مسئولان وقت در هر دوره‌ای رسماً متعهد شده‌اند و صحت انتخابات را تضمین کرده‌اند، و انتخابات صحیح بوده است؛ چرا بی‌خود خدشه می‌کنند، مردم را متزلزل می‌کنند، تردید ایجاد می‌کنند؟ که البته در ذهن مردم عزیز ما با این حرف‌ها تردید ایجاد نخواهد شد. من به مسئولین انتخابات هم سفارش و تأکید می‌کنم؛ به طور حتم بایستی انتخابات را جوری برگزار کنند که پرشور باشد؛ دست همه‌ی نامزدها باز باشد؛ مردم آزادانه بتوانند انتخاب کنند و انتخابات، سالم و با امانت کامل ان‌شاءالله انجام بگیرد و انجام خواهد گرفت. (همان)

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۹ فروردین ۸۸

۳. همان؛ ۵ اردیبهشت ۸۸

وی همچنین در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه در مصاحبه با روزنامه‌ی همشهری در پاسخ به این پرسش که «اخیراً در اکثر سخنرانی‌ها نسبت به سلامت انتخابات هشدار می‌دهید. شاید این هشدارهای متوالی نشان از وجود یک نگرانی در شماست. شاید عقبه‌ی این هشدارها به حوادث انتخابات نهم ریاست جمهوری برمی‌گردد. آیا این‌گونه است؟» گفت:

حوادث سال ۱۳۸۴ در هشدارهای من بی‌تأثیر نیست. دیدم کسانی که خود را قیّم مردم می‌دانند، در انتخابات دخالت کردند و من هم به خاطر مصالح انقلاب، به خداوند واگذار کردم و در بیانیه‌ام گفتم که خدا می‌داند چگونه عمل کند که آسیبی به مردم نرسد. و مقصران آن، آسیب ببینند.[1] اما هشدارهای اخیر

---

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از انتخابات ریاست جمهوری در تیر ماه ۱۳۸۴ اقدام به صدور بیانیه‌ای کرد. وی در این بیانیه نوشت:

«مردم شریف و بزرگوار ایران اسلامی!

حضور شکوهمند شما در دو مرحله‌ی انتخابات ریاست جمهوری، باعث استحکام نظام اسلامی و پاسخ مناسب به تبلیغات مسموم و دلسردکننده‌ی دشمنان ایران اسلامی شد. امیدوارم رییس جمهور منتخب، جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد به خوبی از عهده‌ی این مسئولیت عظیم برآید و بتواند به وعده‌ها عمل کند. بی‌شک همه باید ایشان را در راه خدمت به مردم یاری دهند. همان‌گونه که بارها گفته‌ام، اینجانب صرفاً برای انجام وظیفه و جلب رضایت خداوند و خدمت به انقلاب، اسلام، ایران و مردم وارد رقابت‌های انتخاباتی شدم و از این به بعد نیز همچون گذشته در این راه هرکاری که بتوانم انجام خواهم داد. اینجانب با امید به تحقق مشارکت حداکثری مردم که از اهداف رهبر معظم انقلاب است و نیز برای بالا رفتن سطح آرای ریاست جمهوری منتخب و انسجام ملی در شرایط دشوار کنونی تلاش کردم. خوشبختانه تاکنون دو هدف اول و دوم محقق شده و امیدوارم در سایه‌ی هوشیاری شما، وظیفه شناسی مسئولان و جناح‌های سیاسی اجتماعی کشور، هدف سوم هم محقق گردد و دشمنان به اهداف اعلان شده: حداقل مشارکت، حداقل پشتوانه‌ی رأی رییس جمهور و حداکثر تشنج نرسند. بنا ندارم که در مورد انتخابات، شکایت به داورانی که نشان دادند نمی‌خواهند یا نمی‌توانند کاری بکنند ببرم و شکایت خود را فقط همانند مورد قبل [انتخابات مجلس ششم] در دادگاه عدل الهی مطرح می‌کنم، خدایی که با توکل بر او و برای جلب رضایتش به صحنه آمدم و با او معامله کردم و می‌دانم در انتقام الهی اگر کسی معاقب شود، قطعاً مردم، انقلاب اسلامی و ایران نخواهند بود و فقط مجرمان واقعی مجازات می‌شوند. آنها که برای تضعیف رقیب، از راه تضعیف انقلاب وارد شدند چون می‌دانستند او در هر حالت از انقلاب دفاع می‌کند و ابایی از به عهده گرفتن مسئولیت‌ها ندارد و آنها که به گونه‌ای بی‌سابقه با هزینه‌های ده‌ها میلیاردی از بیت‌المال، اینجانب و بستگانم را ظالمانه تخریب کردند و آنها که با استفاده از امکانات نظام به صورت سازمان‌دهی شده و نامشروع در انتخابات دخالت کردند، تردیدی ندارم که جزای چنین ظلمی به کشور و مردم و من جز خسران دنیا و آخرت نخواهد بود. دائماً از خداوند مهربان می‌خواهم که این انقلاب و این کشور و مردم را از شر دشمنان و فرصت‌طلبان بی‌منطق و بی‌ایمان حفظ نماید و راه امام راحل و ثمره‌ی مجاهدات شهدا، جانبازان، مفقودان، آزادگان و خانواده‌های گران‌قدرشان را پاینده دارد.

من دلایل مختلف دارد. در طول این سی سال همیشه در آستانه‌ی هر انتخاباتی این حرف‌ها را می‌زنم. می‌توانید به آرشیو سخنان من مراجعه کنید و ببینید. حتی پس از پایان دوره‌ی دوم ریاست جمهوری خودم در سال ۱۳۷۶ یک سخنرانی معروف در نمازجمعه کردم که مؤید این حرف من است. در آن سخنرانی از هیچ‌کس طرفداری نکردم. آن روز وقتی برای نمازجمعه به مصلی می‌رفتم، در اتاق استقرار قبل از خطبه‌ها، نمایندگان هر دو جریان آن انتخابات آمده بودند و ابراز نگرانی می‌کردند. از جناح راست می‌گفتند: «اطلاعات زیادی داریم که جناح چپ برنامه‌ی تقلب دارد.» از جناح چپ هم همین حرف‌ها را نسبت به جناح راست می‌گفتند. وزیر کشور هم منسوب به یکی از جناح‌ها بود. من وقتی آن حرف‌ها را شنیدم، همان‌جا به آنها و در خطبه‌های نماز به مردم گفتم: «به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی و مسئول برگزاری انتخابات نمی‌گذارم تقلب شود و جلوی هر کسی که بخواهد تقلب کند، می‌ایستم.»[1] واقعاً هم ایستادم و برایم

لازم می‌دانم از کسانی که در انتخابات در حمایت از اینجانب متحمل شدند و بیش از ده میلیون از مردمی که به رغم تخریب‌های کوه‌شکن با رأی خود به من ابراز اعتماد کردند، تشکر نمایم.»

(روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۶ تیر ماه ۸۴)

مقام معظم رهبری نیز در تاریخ ۷ تیر ماه ۸۴ در دیدار رییس و مسئولان قوه‌ی قضاییه فرمودند:

«با توجه به حضور مسئولان قوه‌ی قضاییه، این را هم عرض کنم: در خلال این انتخابات [ریاست جمهوری نهم]، برخی کارهایی انجام گرفت که بنده به عواملی که این کارها را انجام دادند، بدبینم؛ این تخریب‌هایی که صورت گرفت. بعضی از تخریب‌ها البته از روی بی‌توجهی بود؛ بعضی از آقایان و نامزدها یا طرفداران آنها با محاسباتی، حرف‌هایی نسبت به نظام زدند که واقع‌بینانه نبود؛ خیلی از مثبتات نظام، از کارهای بزرگ نظام نادیده گرفته شد و سیاه‌نمایی شد. و پیشرفت‌های عظیمی که به وسیله‌ی دولت‌ها در این سال‌ها به وجود آمده، ندیده گرفته شد؛ اینها از روی غفلت بود، لیکن بعضی از این تخریب‌ها از روی غفلت نبود. تعدادی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری مورد تخریب قرار گرفتند؛ تخریب‌های غیرمنصفانه و ناجوانمردانه؛ حتّی شخصیت موجّهی مثل آقای هاشمی رفسنجانی که شخصیت محترم و باسابقه‌ای است، از دم این تخریب‌ها در امان نماند. این، حادثه‌ی بدی بود. رحمت الهی را نباید با این‌گونه کارها آلوده کرد؛ با این که ما تأکید کرده بودیم. امروز چون گذشته است، من نصیحت می‌کنم؛ اما مسئولان قضایی و غیرقضایی، غیر از نصیحت، وظایف دیگر هم دارند؛ آنها عوامل این تخریب‌ها را تعقیب کنند و آنها را پیدا کنند. یک عده به طور مسلّم از روی جهالت و غفلت این کار را کردند، که البته فعل حرامی انجام گرفت؛ لیکن بسیاری از کارهایی که انجام گرفت، کار کسانی بود که به هیچ یک از نامزدها علاقه‌ای نداشتند و تخریب آنها برای تخریب فضای انتخابات انجام گرفت؛ آنها تخریب کردند، برای زیر سؤال بردن نظام اسلامی.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۷ تیر ۸۴)

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۷۶ در قسمتی از خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران

ضمن اشاره به انتخابات ریاست جمهوری خطاب به مجریان و ناظران انتخابات گفت:
«... مسأله‌ی دوم نصیحت ما به نامزدها و طرفداران نامزدهاست البته نسبتاً تبلیغات معقول است و ما با مقایسه با سایر کشورها نباید گله‌مند باشیم اما به خاطر این‌که ما دلمان می‌خواهد اسلام محض اینجا حاکم باشد، دلمان می‌خواهد تبلیغات انتخابات به امر قانون بسازد. هیچ‌کس مایل نباشد از قانون تجاوز کند و مایل نباشد مردم را فریب بدهد. هیچ‌کس مایل نباشد رقیب خودش را بشکند و بدنام کند. اینها یا خلاف شرع است یا خلاف قانون است، حالا قبل از رأی شورای نگهبان خوب عده‌ی زیادی بداند ممکن است بعضی از آنها صالح نبودند اما اینهایی که امروز ماندند کسانی هستند که شورای نگهبان رأی داده که اینها صالح هستند دیگر یک جور آدمی که سال‌ها برای کشور خدمت کرد، امروز هم پُست [و] مسئولیت دارد و آینده هم می‌خواهد خدمت کند، شورای نگهبان هم این را به‌عنوان صالح پُست ریاست جمهوری قبول کرده، خب بدنام کردن یک چنین کسی چه جوابی می‌تواند پیش خدا بدهد. اگر آدم یک حرفی بزند، یک کاری کند که یک عیبی برای طرف درست کند که این عیب را ندارد در تمام این جامعه پخش می‌شود بعداً در تاریخ می‌ماند، در فامیل آن می‌ماند، جوان‌های زیادی می‌فهمند و بعد جواب او را نمی‌فهمند؛ آیا خداوند از ما می‌گذرد؟ یعنی این بی‌مجازات می‌ماند؟ اصلاً چه خیری می‌توانیم به دست بیاوریم که ارزش آن بیشتر از ضرر این گناهان باشد و لذا طرفداران، البته معمولاً خود آقایان که اهل این چیزها نیستند، طرفداران یا جاهل یا متعصب، این کارها را می‌کنند آنها مواظب باشند گناه مجانی بی‌خود نکنند و سعی کنند مُرّ قانون را بگویند.
حرف سوم ما با مجریان و ناظران این قانون است. مجری‌ها و ناظرها همه مسئولیت گرفتند که قانون را اجرا کنند، مسئولیت گرفتند که از طرف مردم یا رهبری وکیل هستند که قانون را اجرا کنند، حق سوء استفاده از پُست و مقام خودشان را ندارند، به‌عنوان یک شخص، همه‌مان حق داریم به هر کس رأی بدهیم، از هر کس تعریف کنیم، نظراتمان را بدهیم. شخصی، مگر آنهایی که از [طرف] قانون ممنوع شده‌اند که نباید بگویند، نگویند؛ گناه نکنند، این گناه بزرگ را، این گناه را کوچک فرض نکنید؛ خیلی گناه بزرگی است. بقیه‌ی مسئولان اجرایی و ناظر باید واقعاً این کار را بکنند که همان رأی مردم هست بیاید در صندوق و همان خوانده شود و همان اعلام شود. ممکن است کسی فکر کند که حالا ما اگر تغییراتی بدهیم شخص مقبولی که خودمان به او ایمان داریم به سر کار می‌آید، خب برای جامعه نفعی است ولی این کار ضرر بنیانی دارد؛ اعتماد مردم را ضعیف کردن بزرگترین جنایت است به ملت و نظامی که می‌خواهد به اتکای مردم این همه مشکلات را حل کند.
شما که می‌دانید ما همیشه با اعتماد مردم کار کرده‌ایم، با اعتماد مردم پیروز شدیم، با اعتماد مردم در جنگ فاتح شدیم، با اعتماد مردم کشور را ساختیم. خب این اعتماد این‌قدر سرمایه‌ی عظیمی است؛ چه درآمدی از این باارزش‌تر است که ما به‌خاطر او در دل مردم شک بیندازیم که مردم شک بکنند که اینها راست می‌گویند یا نه، انتخابات آزاد است یا نه، آرای ما دزدی می‌شود یا نه، باید واقعاً مسئولان اجرایی و ناظران به‌گونه‌ای کار بکنند که خیال مردم راحت باشد. البته این را هم می‌دانم که عده‌ای هستند که ما هر کاری بکنیم آنها حرف منفی می‌زنند که درست نبود و تقلب شد، اما این که ما خودمان کار بکنیم و سند بدهیم و واقعاً این کار را بکنیم خوب این را باید پیش خداوند جواب بدهیم، حال هر کس که می‌خواهد باشد. هر مقامی از رییس جمهوری، شورای نگهبان، وزارت کشور، ائمه‌ی جمعه، ناظران، همه و همه، فرض بر این است که ما طبق قانون اساسی و همچنین توصیه‌های رهبر معظم انقلاب می‌خواهیم [عمل کنیم]. مردم به پای صندوق بیایند و رأی‌شان را بدهند، ما از مردممان که نمی‌ترسیم، مردم ما که تا به حال هرجا انبوه مردم بودند ما سود بوده‌ایم، بنابراین به نظر می‌رسد آنها به‌خصوص مجریانی که مسئولیت من

مهم نبود که چه کسی و از کدام جناح هستند. چون حفظ مصالح نظام و اقتدار جمهوری اسلامی برایم مهم بود و هنوز هم چنین است. همه می‌دانستند که من حرفی که زدم، عمل می‌کنم. این حرف‌ها مربوط به زمانی بود که به عنوان رییس جمهور مسئول برگزاری انتخابات بودم. بنابراین حرف های من معطوف به دولت خاصی نیست.[1] یک نمونه‌ی دیگر از سال‌های اول پیروزی انقلاب

هم آنجا هست، مخاطبم آنها هستند. واقعاً این خیانت قابل بخشش نیست و امروز هیچ گناهی را بدتر از این نمی‌دانم که کسی به خودش حق بدهد که در آرای مردم دست ببرد یا جریان را منحرف کند. البته تبلیغ بحث دیگری است، خوب باید حرف بزند مردم را آگاه کند، اینها خلاف قانون نیست؛ مگر تبلیغِ خلاف قانون که آن از بُعد دیگری جرم محسوب می‌شود. وقتی که می‌بینید مثلاً بنده که مسئول قوه‌ی اجرایی هستم و حتماً به سرنوشت کشور فوق‌العاده علاقه‌مندم بخصوص بعد از این‌که می‌بینم خودم در این مسند نمی‌خواهم باشم دلم می‌خواهد بهترین اینها باشد که آن روالی که در کشور وجود دارد، ادامه داشته باشد؛ به شدت حتی رأی خودم را مخفی می‌کنم و به بچه‌هایم هم نمی‌گویم برای این‌که این به جایی سرایت نکند و سوء استفاده نشود.

من دلم می‌خواهد که مأمورانِ زیردست من و در قلمرو و مسئولیت من، آنها مثل من نیستند که کسی رأی آنها را نداند، خوب بداند هیچ اشکالی پیش نمی‌آید. ما فکر می‌کنیم در مورد خودمان این‌طوری هستیم، ولی امانت را به شدت مراعات کنید. البته همان‌طور که رهبر بزرگوار انقلاب فرمودند: بالاخره آدم وقتی می‌خواهد رأی بدهد باید بگردد و صالح‌ترین را پیدا کند، اگر می‌شناسیم خب بهتر؛ خیلی از مردم می‌شناسند رأیشان را هم انتخاب شده به صندوق می‌اندازند، بعضی‌ها ممکن است تردید داشته باشند، آن هم راه‌های متعارف در کشور است، از راه‌های مختلف؛ پرسیدن، جست و جو کردن، خواندن، مطالعه کردن، از اشخاص استفاده کردن، هر راهی که خودشان می‌دانند باید استفاده کنند که واقعاً برسیم به یک محیط و فضایی که همه‌ی مردم ما احساس کنند که رأیی که به صندوق می‌اندازند، تأثیر خودش را دارد، حداقل آن، این است که این تأثیر در مجموع پشتوانه‌ی مسئول اجرایی یا نماینده‌ی مجلس یا فرد دیگری اثر توانّمندی او را ارائه می‌کند، به هر حال بنده با گذشت نزدیک به ۲۰ سال از انقلاب و این همه آگاهی که در مردم هست و این تبلیغات خوبی هم که در این مدت هفت، هشت ماه شده، آقایانی که در میدان بودند زحمت کشیدند و تا به حال حرف‌هایشان را زده‌اند و مردم هم می‌دانند و می‌توانند بفهمند که هر یک از اینها الآن چه می‌خواهند و به دنبال چه هدف اصولی هستند که انشاءالله ما یک انتخاب خوبی [برگزار] بکنیم و نمونه‌ی خوبی باشد و به رخ دشمنانمان که مدعی دموکراسی هستند بکشانیم که چنین انتخابات سالمی است.» (ر.ک: ***پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی***)

۱. در جریان برگزاری انتخابات مجلس ششم نیز پس از اعلام رسمی شورای نگهبان مبنی بر وقوع تقلب در انتخابات، علی‌رغم آن‌که در بازشماری آرای این انتخابات رأی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رشد قابل توجهی کرده و نام وی جزو نمایندگان منتخب ملت اعلام شد اما او به هدف ابهام‌زدایی از عملکرد نظام و خلع سلاح دشمنان با صدور اعلامیه‌ای از عضویت در مجلس ششم انصراف داد. متن اعلامیه‌ی مذکور بدین شرح بود:

«بسم الله الرحمن الرحیم

مردم شریف و بزرگوار تهران، همانطور که مطلع هستید، اینجانب بر خلاف تصمیم قبلی و تمایل شخصی و قلبی‌ام، حسب وظیفه‌ی شرعی و رسالتی انقلابی و میهنی و در پی اصرار و تأکید چهره‌های

بگویم. من به عنوان سرپرست وزارت کشور در زمان دولت موقت، مسئول برگزاری انتخابات بودم. وقتی به وزارت کشور رفتم، گروهی از کارشناسان برگزاری انتخابات در وزارت کشور که از زمان رژیم پهلوی مانده بودند، به من گفتند: «ما تجربه داریم که چگونه کسانی را برنده‌ی انتخابات کنیم. شما بفرمایید به چه کسانی و چه جریانی نظر دارید تا همان‌ها از صندوق‌ها بیرون بیایند!» من با آنها هم برخورد کردم و گفتم: «در این صورت پس چه فرقی بین نظام اسلامی و رژیم پهلوی است؟» تأکید کردم که نظرم این است که انتخابات سالم برگزار شود و نتیجه‌ی نهایی هم همان چیزی باشد که مردم می‌خواهند. الآن احساس می‌کنم متأسفانه کسانی پیدا شدند که روزی مؤلفة القلوب بودند و الآن متولی شدند و این افراد خود را قیّم می‌دانند. شاید افکارشان به آنها بگوید که شما می‌توانید به خاطر مصالحی که تشخیص می‌دهید، اگر بتوانید در رأی مردم دست ببرید. چون علایمی از این مسایل در بعضی از جاها می‌بینیم، قدری بیشتر تکرار می‌کنم. ولی از نظر من این یک حرف تازه نیست. به خبرنگاران

محترم و شخصیت‌های صاحب‌نظر نظام، در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت نمودم، اما حجم سنگینی از تبلیغات منفی و خلاف، پیش از برگزاری انتخابات و در دوره‌ی تبلیغات و به هنگام رأی‌گیری و شمارش آرا، بر صحنه‌ی میدان رقابت‌های انتخاباتی عارض گشت و حتی دشمنان خارجی و داخلی انقلاب سم‌پاشی‌هایی علیه اصل نظام و دستاوردهای انقلاب و دفاع مقدس و سازندگی نمودند و در جریان انتخابات و حتی پس از اعلام نتایج، فضای شبهه‌ناک و ابهام‌آلودی به وجود آمد. خوشبختانه تدبیر مقام معظم رهبری مانع بروز مشکلات سیاسی و اجتماعی شد. به رغم اصرار و درخواست اینجانب از مسئولان اجرایی و نظارتی مبنی بر رفع هرگونه ابهام و کشف تمام حقیقت و تلاش‌های شورای نگهبان و وزارت کشور، هنوز ابهامات و شبهاتی در نتایج انتخابات تهران باقی است که می‌تواند دستاویز دشمنان ملت و مخدوش‌کننده‌ی وحدت نیروهای معتقد به نظام اسلامی گردد. اکنون با توجه به شرایط جاری، انجام وظیفه به صورت مطلوب و تلاش برای وفاق ملی و تقویت سازندگی که از اهداف مهم و عمده‌ی حضورم در صحنه بود را حداقل مشکل می‌بینم. با کسب اجازه و عذرخواهی از مردم شریف و موکلان عزیز تهرانی از سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی اعلام انصراف می‌نمایم. وظیفه‌ی خود می‌دانم نسبت به اعتماد همه‌ی کسانی که به رغم تبلیغات فراوان ناروا به اینجانب رأی داده‌اند، ابراز تشکر نمایم و به آرای کسانی‌که به هر دلیل منتخبشان من نبوده‌ام، به دیده‌ی احترام بنگرم. همچنین نسبت به افراد و گروه‌های معدودی که به اشتباه یا خدای ناخواسته با کینه‌توزی و عداوت به ناحق مرتکب تهمت، غیبت یا انتقاد ناسالمی در مورد اینجانب شده‌اند گذشت نموده و از درگاه خداوند متعال برای خود و همگان طلب بخشش و تنبّه نمایم. امیدوارم با تلاش و هوشیاری همه‌ی نمایندگان محترم، نهاد قانون‌گذاری مجلس ششم، سنگر عزت، اقتدار و همدلی نیروهای وفادار به نظام و انقلاب و تقویت همکاری قوای سه‌گانه و نهادها و ارگان‌های کشور باشد و اینجانب در هر عرصه‌ای که مصالح و منافع نظام اسلامی حکم نماید به انجام وظیفه خواهم پرداخت.» (روزنامه *ایران*؛ ۷ خرداد ۷۹)

توصیه می‌کنم که به آرشیو سخنان من در ماه‌های قبل از برگزاری هر انتخاباتی در طول این سی سال مراجعه کنید و ببینید که چه هشدارهایی را به عنوان وظیفه‌ی انسانی، ملی، اسلامی و مسئولیتی خود می‌دادم.[1] چون می‌دانم که اگر قرار این است که نظام اسلامی بماند، باید رأی مردم محترم باشد. حکومت بدون رضایت مردم اسلامی نیست و هیچ لذتی هم ندارد. مثل لشکرکشی و کشورگشایی است.[2]

وی در تاریخ ۱۰ خرداد ماه در دیدار جمعی از اعضای «مجمع دانش آموختگان استان گلستان» و گروهی از فعالان «شاخه‌ی جوانان خانه‌ی احزاب ایران»، جریان اجرایی انتخابات را در اخذ رأی و شمارش آرا بسیار مهم و باعث افزایش اعتماد ملی خوانده، خواستار نظارت جدی بر جریان برگزاری انتخابات شد. وی در این باره گفت:

باید نظارت جدی شود تا خدای نخواسته کسی به عمد یا با حسن نیت باعث ناامیدی مردم نشود.[3]

وی همچنین در تاریخ ۱۳ خرداد ماه در مراسم بیستمین سالگرد ارتحال امام راحل در حرم امام خمینی رحمه‌الله از اراده‌ی جدی شورای نگهبان برای برگزاری یک انتخابات سالم و نظارت بر انتخابات خبر داد و گفت:

با پیش‌بینی‌هایی که شده و خبرهایی که از داخل شورای نگهبان به ما رسیده است این شورا مصمّم است این بار با دقت آرای مردم را حفظ و امانت‌داری کند و بر سر این قضیه ایستاده است. حتی وقتی وزارت کشور از شورای نگهبان تقاضای صندوق‌های سیار بیشتری کرد، شورا اعلام کرد با این افزایش موافق نیستیم چون روی صندوق‌های سیار یک مقدار نگرانی‌هایی برای مردم ممکن است ایجاد شود.

همه‌ی کاندیداها حق دارند بر سر هر صندوق نماینده داشته باشند بنابراین هر چهار کاندیدای این دوره می‌توانند بر اساس قانون، ۵۰ هزار نماینده بر سر

---

۱. پیشنهاد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌تواند موضوع یک پژوهش مستقل باشد.
۲. روزنامه *همشهری*؛ ویژه‌نامه‌ی انتخاباتی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸
۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۱ خرداد ۸۸

صندوق‌های رأی داشته باشند و همه‌ی جریان رأی‌گیری را زیر نظر بگیرند و کسی مانع آنها نیست. مجمع تشخیص مصلحت نظام هم به خاطر وظیفه‌ی نظارتی که رهبری بر عهده‌اش گذاشته است، کاملاً در جریان است و کلیات مسأله را زیر نظر دارد و هر وقت ببیند رخنه‌ای در آرا به وجود آمده است کار خود را انجام می‌دهد.[۱]

وی همچنین با امید دادن به مردم برای برگزاری انتخاباتی سالم از آنها خواست تا تحت تأثیر وسوسه‌های ضد انقلاب قرار نگیرند. او در این رابطه گفت:

تحت تأثیر وسوسه‌ی ضد انقلاب قرار نگیرید. پیش‌بینی می‌شود مردم ما هرچه را که در صندوق‌های رأی بیندازند، ان‌شاءالله همان از صندوق بیرون می‌آید و نظر مردم در ۲۳ خرداد اعلام خواهد شد. با این وضعی که ما می‌بینیم فضای انتخابات به صورتی است که امام راحل می‌خواست و ما در محضر ایشان بشارت می‌دهیم، پیروان امام بعد از ۲۰ سال از ارتحال‌شان راه ایشان را ادامه خواهند داد.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در روز برگزاری انتخابات [روز جمعه ۲۲ خرداد ماه] نیز پس از انداختن رأی خود به صندوق در جمع خبرنگاران، رسیدن ایران به جایگاه اصلی و شایسته را آرزوی خود در خصوص آینده‌ی کشور توصیف کرد و گفت:

بسیار مهم است که این انتخابات به گونه‌ای برگزار شود که هیچ‌کس نتواند شبهه‌افکنی کند و همه بپذیرند آنچه که از صندوق بیرون می‌آید همان باشد که مردم رأی دادند.[۳]

وی درباره‌ی نظر خود راجع به این انتخابات نیز گفت:

دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری یکی از سرنوشت سازترین انتخابات کشور است. با شرایطی که در جهان و منطقه وجود دارد و با توجه به پرونده‌سازی‌هایی که در شورای امنیت علیه ما صورت گرفته و نیروهای اشغال‌گر هم در اطراف ما وجود دارند، بیش از هر دوره، مردم احساس

۱. همان؛ ۱۶ خرداد ماه ۸۸

۲. همان

۳. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۲ خرداد ۸۸

مسئولیت کردند و با حضور در خیابان‌ها، مراسم و دانشگاه‌ها آگاهی خود را نشان دادند. هیچ امانتی بالاتر از رأی مردم نیست. مسئولین اجرایی و نظارتی توجه کنند که هیچ امانتی بالاتر از این نیست چون سرنوشت ایران، انقلاب و حتی جهان اسلام به این وابسته است. تأثیر ایران در معادلات جهانی بالاست و پس از انتخابات نیز این تأثیرگذاری بیشتر خواهد بود.[۱]

۱. همان

هاشمی و یک جریان انحرافی

بررسی مجموعه مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از انتقادها و مواضع وی در سال ۱۳۸۸ (خصوصاً پس از طرح اتهامات مطرح شده از سوی دکتر احمدی‌نژاد در مناظره‌ی زنده‌ی تلویزیونی) متوجه عملکرد گروهی است که از نگاه او «با ادعای حمایت از اسلام، انقلاب و دفاع از نظام در حال توطئه بر ضد جمهوری اسلامی هستند.» وی در تاریخ ۱۲ اسفند ماه در دیدار جمعی از «ائمه‌ی جماعات مساجد تهران، شمیرانات و کرج»، گفت:

> خطر این است که امروز عده‌ای با ادعای حمایت از اسلام، انقلاب و دفاع از نظام در حال توطئه بر ضد جمهوری اسلامی هستند.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۸۸ در سخنان متعددی به بیان ویژگی‌های این جریان از نگاه خود پرداخت. ما در ادامه به تبیین مواضع وی در این رابطه می‌پردازیم.

۱. سیاه‌نمایی سیاست‌ها و دستاوردهای گذشته‌ی نظام

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از جمله ویژگی‌های این جریان را سیاه‌نمایی سیاست‌ها، دستاوردها و عملکرد گذشته‌ی پرافتخار نظام جمهوری اسلامی در دوران حیات امام خمینی(ره) و رهبری مقام معظم رهبری معرفی کرده، هدف غیرمستقیم این جریان را تخریب مدیریت روحانیت انقلابی و شخص امام و رهبری می‌دانست.

وی در تاریخ ۱۹ خرداد ماه در ضمن نامه‌ی خود به مقام معظم رهبری با اشاره

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۵ اسفند ۸۸

به سخنان دکتر احمدی‌نژاد در مناظره‌ی زنده‌ی تلویزیونی که در تاریخ ۱۳ خرداد ماه برگزار شد، نوشت:

از آنجا که بخشی از این اظهارات قبلاً در رسانه‌های دولتی و آتش تهیه‌ی آن در سخنرانی مشهد مقدس مطرح شده[1]، ادعای این‌که مطالب او تحت تأثیر فضای

---

۱. خبرگزاری فارس در گزارشی از سخنان دکتر احمدی‌نژاد در مشهد مقدس نوشت: دکتر احمدی‌نژاد طی سخنانی در اجتماع زائران و مردم مشهد که در رواق امام خمینی(ره) حضور پیدا کرده بودند با اشاره به تهمت‌ها و توهین‌ها علیه دولت گفت: «آنها به گونه‌ای حرف می‌زنند که انگار زمانی که خودشان حضور داشتند در کشور هیچ مشکلی وجود نداشت اما در مناظره‌ها به آنها خواهم گفت که در هر بخش و هر شاخصی که در طول این سی سال انتخاب کنند بهترین آن متعلق به فرزندان و خادمان شما در این دولت است.» وی افزود: «آنها یک جنگ روانی شناخته شده را انتخاب کردند که ما مانند آن را در زمان هیتلر شاهد بودیم که یکی از مشاوران هیتلر حرفی زد و گفت: که برای پیروزی در مقابل رقبا باید دروغ‌ها [را] آن‌قدر بزرگ جلوه دهیم و آن‌قدر دروغ بزرگ بگوییم که همه باور کنند و امروز یک روش هیتلری علیه ملت به کار گرفته شده است و این جنگ روانی در دنیا برای همه شناخته شده است.»
احمدی‌نژاد در ادامه اظهار داشت: «آنها معتقدند باید آن‌قدر دروغ بگوییم تا گذشته از ذهن مردم پاک شود و با یک ترفند جهت را عوض کنیم اما به آنها می‌گوییم که شما نه با من که خادم ملت و خاک پای این مردم هستم بلکه با ملت بزرگ ایران طرف هستید.» محمود احمدی‌نژاد رییس جمهور کشور در ادامه‌ی سخنان خود در جمع مردم خراسان رضوی با اشاره به دریافت موافقت‌های اصولی در گذشته گفت: «همیشه شما یادتان هست که موافقتنامه‌های اصولی سندی است که به فرد دریافت کننده اجازه می‌دهد تا کارخانه‌ای بسازد و از آنجایی که در بازار دلار ۱۲۰ تومان بود، اما دولت دلار ۷ تومانی واگذار می‌کرد متقاضی برای دریافت این دلار زیاد بود و صف‌های طولانی برای دریافت آن تشکیل می‌شد و هر کس می‌توانست این موافقتنامه‌ها را دریافت کند نانش در روغن بود.» وی افزود: «در سال ۷۴ به کارخانه‌ای رفتم که اگر افراد اصرار کنند مشخصات آن کارخانه را ارائه خواهم کرد و در این کارخانه وسایلی بود که از خارج کشور وارد شده بود که با ۸۵ میلیون، دلار هفت تومانی آورده شده بود. من به چند کارشناس دستور دادم تا برای ارزیابی قیمت‌های این کارخانه تحقیق کنند و بعد از بررسی کاتولوگ‌های دستگاه‌ها به من گزارش دادند که این کارخانه ۴۵ میلیون دلار ارزش دارد در حالی که در بیرون دلار ۲۵۰ الی ۳۰۰ تومان بود و وزیر صنایع وقت از من خواست که به این کارخانه باز هم کمک کنم. به آن وزیر گفتم که چگونه ممکن است که این فرد ۸۵ میلیون دلار پول گرفته و ۴۵ میلیون دلار از آن را خرج کرده و ۱۰ الی ۱۲ میلیارد هم از بانک‌ها وام گرفتند و شما اگر آن ۴۰ میلیون تومان را ضرب در ۳۰۰ تومان قیمت دلار کنید ۱۲ میلیارد تومان را به جیب خود گذاشته است و حتی از خودش هم پولی نیاورده است که شما اصرار دارید باز هم به او کمک شود.»
رییس جمهور با اشاره به پاسخ آن وزیر به وی گفت: «به آن وزیر گفتم که ما در این کشور صدها هزار صنعت‌گر مؤمن و مجاهد داریم که اگر شما ۵ میلیون دلار به آنها بدهید بدون سوء استفاده کارخانه می‌سازند، اما آن آقای وزیر به من توهین کرد که همین فکرهای بسته‌ی شما موجب عقب افتادن کشور می‌شود اما من اینجا می‌گویم که آیا رانت‌خواری، ویژه‌خواری و اکثریت ملت را محروم کردن موجب عقب‌افتادگی نمی‌شود؟ و اگر جلوگیری از سوء استفاده‌ها اسمش را بی‌عقلی بدانید که ما عاشق و دیوانه و بی‌عقلیم.» احمدی‌نژاد همچنین ادامه داد: «امروز برخی جمع شدند تا آن شرایط را دوباره بازسازی کنند و همه‌ی این افرادی که دور هم جمع هستند و در سه دولت قبل بر مناصب اصلی کشور حضور داشتند امروز

مناظره گفته شده و فاقد برنامه‌ریزی قبلی است، پذیرفتنی نیست... و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می‌داند. ده‌ها میلیون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ‌پردازی‌ها و خلاف‌گویی‌هایی بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی‌مان را نشانه گرفته بود.[1]

هم دور هم جمع شده‌اند.» (*خبرگزاری فارس*؛ ۱۲ خرداد ۸۸، کد خبر: ۸۸۰۳۱۲۰۸۲۱ و ۸۸۰۳۱۲۱۲۵۳)

۱. دکتر احمدی‌نژاد در تاریخ ۱۳ خرداد ماه در مناظره‌ی زنده‌ی تلویزیونی خود با مهندس میرحسین موسوی گفت: «ما چرا باید مردم را از خودمان ناامید کنیم چرا باید این‌قدر خودمان را شیفته‌ی قدرت نشان بدهیم من شخصاً علاقه‌مند به ورود به این بحث‌ها نبودم. چهار سال تحمل کردم و ازهمه‌ی توهین‌ها و افترایی که به خود من شد و نسبت داده شد گذشت کردم الآن هم می‌گذرم. بارها اعلام کردم که من همه را بخشیده‌ام اما از توهین به مردم، توهین به انتخاب مردم، از توهین به فهم و شعور مردم و منافع مردم نمی‌توانم بگذرم. اجازه ندارم؛ مردم این اجازه را نمی‌دهند که وقتی حیثیت آنها مورد هجوم قرار می‌گیرد یک خادم آنها گذشت بکند. در دیدارهایی که من با مردم دارم در شهرهای گوناگون قشرهای گوناگون به طور گسترده از من می‌خواهند که از حق آنها دفاع کنم؛ از موضع آنها دفاع کنم. من باید ریشه‌ی این بداخلاقی‌ها، این جفاها و این فریب‌ها را به مردم بگویم. قبلاً هم وعده کرده بودم که بگویم. باور من این است که امروز آقای موسوی در برابر من نیست؛ تنها آقای موسوی نیست بلکه سه دولت پی در پی در برابر بنده قرار گرفته‌اند. هم آقای موسوی هم آقای هاشمی و هم آقای خاتمی که این سه در گذشته با هم بودند. در دور گذشته هم آقای موسوی از آقای خاتمی حمایت کرد و هم از آقای هاشمی حمایت کرد و هم آقای خاتمی از آقای هاشمی حمایت کرد؛ در واقع اینها همه با هم بودند. از روز اولی که این دولت تشکیل شد برای ضربه زدن، هجوم‌ها بود البته مردم اینها را می‌دانند اما باید جوان‌ها هم بدانند که بنده در برابر یک کاندیدا نیستم؛ در برابر یک مجموعه‌ای هستم که با محوریت آقای هاشمی و همکاری آقای موسوی و خاتمی علیه بنده حرکت کردند. علت این فشار سنگین به بنده در طول چهار سال و فشارهای سنگین‌تر در ایام انتخابات به نظر من به یک مسئله برمی‌گردد این‌که در این سه دوره [ریاست جمهوری گذشته] یک ساختار اداری و حلقه‌های مدیریتی شکل گرفت که از مسیر انقلاب و ارزش‌های انقلاب فاصله گرفت نه این‌که در این سه دوره خدماتی نشد، چرا شد اما آرام آرام یک جریانی شکل گرفت که خود را مالک ملت، مالک انقلاب، حاکم بر مردم و دست خودش را در بیت‌المال و مسایل کشور باز می‌دید. آنها در انتخابات قبل صف‌آرایی کردند اما ملت بر آنها غلبه کرد.»

(*متن پیاده شده از فیلم مناظره‌ی انتخاباتی دکتر احمدی‌نژاد و مهندس موسوی*؛ ۱۳ خرداد۱۳۸۸)

وی در بخش دیگری از سخنان خود ضمن فاسد معرفی کردن حلقه‌ی مدیران گذشته‌ی نظام، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به پایه‌گذاری اشرافیت در کشور متهم کرد و گفت:

«شما سخنرانی دختر آقای هاشمی در جلسه‌ای که همسر شما [مهندس موسوی] و جناب آقای خاتمی هم حضور دارند را ببینید. ایشان قشنگ تشریح می‌کند و می‌گوید دوره‌ی اصلاحات [که ادامه‌ی راه سازندگی است در این دولت آسیب دیده است. ما آقای موسوی را می‌خواهیم برای این‌که استمرار همان راه است. یعنی اشرافیتی که جناب آقای هاشمی در این کشور پایه‌گذاری کرد، قرار است ادامه پیدا بکند. الآن نگرانی؟ آقای موسوی مردم هم می‌دانند. جنابعالی فرمودید: به حمایت آقای هاشمی افتخار می‌کنید. [این] معنایش چیست؟ بالاخره یک معنایی دارد. باور ما این است که صحنه‌گردان اصلی آقای هاشمی است. بالاخره ما می‌بینیم رییس ستاد انتخاباتی چه کسی است و اینها کجا می‌روند و جلسه می‌گذارند و

چگونه ارتباطاتشان را برقرار می‌کنند. شما نفرمایید که ارتباطی نیست. مگر می‌توانیم چشممان را ببندید؟ مگر ملت می‌تواند چشم خود را ببندد؟ این حلقه‌ها چه شده است؟» (همان)

احمدی‌نژاد در بخش دیگری از سخنان خود مدیران کشور از سال ۷۰ به بعد را متهم به اخذ مدارک علمی ساختگی از دانشگاه آزاد کرده و گفت:

«در دهه‌ی هشتاد یعنی از سال ۷۰ به بعد اتفاقاً در دوره‌ی آقای هاشمی که حامی جناب آقای موسوی است یک موجی در مدیران درست شد که همه می‌خواستند دکترا بگیرند. دانشگاه آزاد هم پشت قضیه بود پشت سر هم دکترا صادر کرد؛ یک موج درست شد... من در مجلس گفتم این جور مدارک را من ارزشی برایش قایل نیستم. استاد دانشگاه، دکترا باید کسی باشد [که] شب نخوابی کشیده باشد؛ زحمت کشیده باشد. این همه افراد در کشور دارند برای درس زحمت می‌کشند؛ من گفتم هیچ‌کدام از اینها را قبول ندارم. می‌شود فهرست را بیاوریم [که] چقدر از آدم‌ها [در] دوره‌ی آقای هاشمی و موسوی همین‌طور رفتند دکترای قلابی گرفتند.» (همان)

دکتر احمدی‌نژاد در برنامه‌ی تلویزیونی گفتگوی ویژه‌ی خبری که در تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۸۸ به صورت زنده از شبکه دو سیما پخش می‌شد، گفت:

«چهار سال قبل... من اعلام کردم ظاهراً وارد محدوده‌ی ممنوعه شده‌ام، یعنی اینجا اختصاص به عده‌ای خاص دارد و من خارج از این حلقه هستم و ظاهراً بیش از حد مردم که بنده هم جزوشان بودم پایم را دراز کرده بودم... یادمان هست در چه فضایی زندگی می‌کردیم ضعف مدیریت باعث فاصله گرفتن از ارزش‌ها و جایگاه واقعی ملت ایران شد. بخاطر ضعف مدیریت یک اخلاق اشرافی‌گری در سیستم مدیریت ما شکل گرفت یعنی یک عده پیدا شدند [که] آرام آرام خودشان را برتر از مردم دانستند؛ ارتباط‌هایی بین خودشان برقرار شد. یواش یواش آمد جلوتر خودشان را مالک کشور و مالک مردم دانستند. برای خودشان حقوقی بیش از حق مردم، جایگاهی بالاتر از جایگاه مردم قائل شدند. آمد جلوتر خودشان را معادل کل نظام تلقی کردند و می‌خواستند که قدرت بطور انحصاری در اختیار خودشان، دوستانشان و احزابشان باشد، کسانی که با آنها همراهی می‌کنند و این سیستم اشرافی‌گری را به رسمیت می‌شناسند. آنها بدتر از این، نظام را، اموال عمومی را، منافع ملت را برای خانواده‌ی خودشان، نزدیکان خودشان [می‌خواستند]، این را حق طبیعی می‌دانستند و افرادی از خانواده و نزدیکان خودشان را در هر وزارتخانه می‌گذاشتند که ناظر ما باش؛ نماینده‌ی ما باش! در بسیاری از وزارتخانه‌ها وزیر شخص دوم وزارتخانه بود و آن نماینده و آن فردی که حتی به عنوان معاون در آنجا بود حرف اول را می‌زد! وزارتخانه‌های متعددی که یکی از آنها وزارتخانه‌ی نفت بود که افرادی از خانواده‌ی همان حلقه آنجا بودند و حکمرانی می‌کردند در نفت و همه‌ی سیستم نفت. در گلوگاه‌های مختلف مستقر شدند و سهم خودشان را بر سهم ملت ترجیح دادند. اگر کاری می‌خواست در کشور اتفاق بیافتد باید حتماً از مسیر آنها عبور می‌کرد. آنها برای دیگران حقی قائل نبودند. آنها آرام آرام به یک طبقه‌ی ممتازه در کشور تبدیل شدند و یک حلقه‌ی بسته‌ی مدیریتی شکل گرفت؛ فقط آدم‌ها جابجا می‌شدند. اساس کار مثل هم بود. یک عده‌ی خاصی را به بازی می‌گرفتند و این حلقه دارای منافع مشترک بود. خب آن روز ما وارد محدوده‌ی ممنوعه شدیم. [در] یک جو بسیار سنگین بدترین تهمت‌ها را به من زدند. خب! جرم من چی بود؟ جرم من این بود که خارج از این حلقه بودم و ضوابط حاکم بر این حلقه را اعتقادی به آن نداشتم. به همین خاطر سنگین‌ترین تخریب‌ها اتفاق افتاد. بعد از انتخابات تخریب‌ها متوقف نشد. در طول چهار سال با استفاده از قدرت مالی به دست آمده در آن دوران تخریب‌ها ادامه پیدا کرد. رسانه‌های متعدد داخلی همراه با رسانه‌های خارجی... آنها برای خودشان و خانواده‌شان یک حریمی درست کرده بودند که هیچ یک از آحاد ملت حتی قوه‌ی قضاییه [و] ناظران کشور حق ورود نداشتند. کسی حق سؤال از آنها نداشت اما ملت در انتخابات نهم این حلقه را شکستند و یک نه بزرگی به آن سیستم مدیریتی

زیر سؤال بردن تصمیمات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم‌القدر که در نیم قرن گذشته با مجاهدت‌های خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی‌شد. دوران مشعشعی که خود شما پشت سر امامرحمه‌الله در قامت مجاهد پیشتاز، رییس‌جمهور و نهایتاً رهبری نظام نقش و مسئولیت‌های ممتازی به عهده داشته‌اید. نقطه‌ی قابل توجه دراین تهمت‌ها این است که غیرمستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جناب‌عالی که هادی دولت‌ها بوده‌اید و با اظهارات صریح، مدیریت‌ها را مورد تأیید و تحسین قرارداده‌اید، نشانه گرفته است.[1]

گذشته گفتند اما در این چهار سال هرجا که ما رفتیم ظاهراً جزو حریم آنها بود. هرجایی را می‌خواستیم اصلاح بکنیم فریاد می‌زدند. هرجایی که پا می‌گذاشتیم می‌دیدیم دُم یک کسی است. آنها از هر وسیله‌ای برای شکست دولت استفاده کردند... اما ما ... باید سکوت می‌کردیم، باید تحمل می‌کردیم تا امور کشور جلو برود و آرام آرام این دست‌ها از عرصه‌های گوناگون قطع بشود. همه‌ی تلاش ما این بود که فشارها به مردم منتقل نشود ولی من هیچ گله‌ای نکردم تا الان! هیچ موضوعی را با مردم در میان نگذاشتم. کم، بعضی موارد خاص. اتفاقاً این مشی دولت موفق بود و طی چهار سال خدمات بسیار گسترده‌ای در کشور انجام شد... اما آنها همچنان نگران بودند که بطور کامل این حلقه‌ی بسته منهدم بشود و راه برای حضور نیروهای مردمی و نیروهای انقلاب و نیروهای مستقل خادم مردم در عرصه‌های گوناگون باز بشود اما آنها همواره به دنبال مجازات کردن ملت بودند. می‌گفتند: ملت! شما منحرف شدید. ملت! شما اشتباه کردید. کاری بکنند که ملت را پشیمان بکنند. هر کار ممکن را انجام دادند. کارشکنی‌های وسیع، اخلال... برگردیم به صحبت مولایمان. بعضی‌ها به من گفتند چرا [در مناظره] اسم‌ها را اعلام کردی؟ مشکل ما در آن حلقه‌ی مدیریت این بود که مردم و انقلاب و منافع ملی را فدای یک عده‌ای کردیم. یعنی یک عده آن‌قدر مقدس شدند و آن‌قدر بالا شدند که حریم اینها حریم ممنوعه شد. در حالی که در مشی انقلاب، در مشی اسلام، در مشی مردم در مشی امیرالمؤمنینعلیه‌السلام، در مشی امام راحل، در مشی ولایت و رهبری همیشه منافع ملی بر منافع افراد ترجیح دارد. یعنی هرجا تضاد پیدا بشود ما افراد را باید قربانی کنیم حتی به دستور امام علیعلیه‌السلام باید انگ ننگ را بر پیشانی‌شان بچسبانیم اینها را ببریم توی بازارها همه بفهمند که دست‌اندازی به بیت‌المال، ویژه‌خواری، امتیازخواهی این یک ننگ ابدیست تا به ضد ارزش تبدیل بشود. نه این‌که به جایی برسیم که اگر کسی سوء استفاده از مدیریت نکرد بگوییم تو بی‌عرضه هستی یعنی ۱۸۰ درجه معکوس آن را ما دنبال کنیم.»

(متن پیاده شده از فیلم گفتگوی ویژه‌ی خبری شبکه دو سیما با دکتر احمدی‌نژاد)

وی در قست دیگری از سخنان خود گفت:

«در طول این ۳۰ سال اما ریشه‌ی اصلی مشکل در همان حلقه‌ی مدیریتی و ضعف مدیریتی بود که شجاعت و پایبندی لازم به ارزش‌ها را نداشت. تکیه به ملت نداشت.» (همان)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸

دکتر احمدی‌نژاد در سخنرانی‌های متعدد خود سیاست خارجی دولت‌های گذشته را زیر سؤال می‌برد. به گزارش خبرگزاری فارس دکتراحمدی‌نژاد طی سخنانی در اجتماع زائران و مردم مشهد با اشاره به شعار تنش‌زدایی در دولت قبل گفت: «در دولت قبل با ناتو بر افغانستان و در عراق و در موضوع هسته‌ای با

دشمنان همکاری شد و آنها از ما خواستند تا نطنز، اصفهان و کارخانجات قطعه‌سازی و رشته‌های منتهی به هسته‌ای را تعطیل کنیم اما پس از تعطیلی این موارد باز هم آنها قانع نشدند و دو قرارداد ننگین را به ملت تحمیل کردند که از دید ملت پنهان ماند.»... وی افزود: «امروز برخی از افراد می‌گویند که سیاست‌های خارجی دولت اشتباه و غلط است و معلوم بود که ملت ایران آن شرایط را نمی‌پذیرند و شما مردم تصمیم گرفتید که توی دهن آمریکا و دوستان آنها بزنید و اگر بنا باشد ما تهدید و فشار را برطرف کنیم تنها راه حرکت برای برطرف کردن آن از موضع اقتدار و شجاعت است؛ چرا که این افراد آن‌قدر پررو هستند که اگر یک قدم عقب‌نشینی کنید آنها ده قدم جلو می‌آیند چرا که آنها نمی‌خواهند ایران وجود داشته باشد ولی شما تصمیم گرفتید که پشت سر رهبری در برابر همه‌ی آنها بایستید و بدانید که همه‌ی آن امتیازات داده شد و ۷ قطعنامه نیز علیه ما صادر شد.»... احمدی‌نژاد با اشاره به صدور هفت قطعنامه علیه ایران در گذشته گفت: «در این دولت شما تصمیم گرفتید تا بایستید اما آنها تهدید کردند و از اینجا به آنها گفته بودند که اگر فشار را زیاد کنید اینها تسلیم می‌شوند و آن آقایی که دستگیر شد و با فشار سیاسی آن‌طور که باید مجازات می‌شد، مجازات نشد به طور پیوسته با سفرای کشورهای اروپایی و آسیای شرقی منظم جلسه داشت و اهداف ما را به آنها ارائه می‌کرد و به آنها می‌گفت که چرا تعلل می‌کنید باید قطعنامه صادر کنید و فشار را افزایش دهید تا این دولت تسلیم شود، ولی آن احمق‌ها ملت ایران را نمی‌شناختند و فریب این افراد را خوردند و مدام قطعنامه صادر می‌کردند.»... احمدی‌نژاد اظهار داشت: «در جلسات به اصطلاح کارشناسی آنها کار کرده بودند و طرح سازش را کادو پیچ می‌کردند و با کلمات زیبا با من جلسه می‌گذاشتند و کوتاه آمدن در مقابل دشمن را آن‌قدر زیبا جلوه می‌دادند که انسان حریص می‌شد و از آن طرف نیز قدرت دشمن را آن‌قدر بالا می‌بردند و قدرت ملت ایران را به زیر می‌کشیدند و من در پاسخ به آنها گفتم که شما دشمنان را جای خدا نشانده‌اید و ملت ایران را ضعیف پنداشته‌اید و در برخی از این جلسات برخی از همین افراد توهین‌هایی به من می‌کردند که به هیچ مدیری در طول تاریخ بشر گفته نشده است اما من خطاب به آنها گفتم که هزاران احمدی‌نژاد هزاران بار قطعه قطعه بشوند بهتر از آن است که سند ذلت ملت ایران را امضا بکند.» وی با طرح این سؤال که امروز ایران کجا قرار دارد و دشمنان ما کجا هستند؟ افزود: «پروتکل الحاقی و ترتیبات اجرایی امروز تمام شده است و آنهایی که در سعدآباد و پاریس می‌نشستند و التماس می‌کردند که به ما اجازه بدهید چند سانتریفیوژ برای تحقیقات داشته باشیم به آنها پاسخ داده شده که باید ۱۰ سال مذاکره کنید که شاید به شما اجازه دهیم دو الی سه سانتریفیوژ بدهیم.» رییس جمهور با اشاره به شرایط هسته‌ای امروز کشور گفت: «امروز بیش از هفت هزار سانتریفیوژ در حال فعالیت است و دشمنان امروز برای همکاری با ایران مسابقه تمجید از ایران گذاشته و اعلام کرده‌اند که بدون همکاری با ایران نمی‌توانید هیچ کاری انجام دهید و این نتیجه‌ی سیاست شجاعت و اقتدار شماست که کارها را الهی می‌کند و به خدا قسم ما امروز دست امام عصر را در مسئله هسته‌ای می‌بینیم و این دست امروز یار شما، کشورتان و یار رهبر عزیزمان است.» احمدی‌نژاد با اشاره به انتخابات روز سوم تیر ۸۴ گفت: «ماجرای سوم تیر پایان نپذیرفت و در طول ۴ سال ادامه پیدا کرده و به خدا قسم اگر ما وارد طراحی‌های آنها می‌شدیم امروز یک قدم در کشور برای پیشرفت برداشته نمی‌شد و در مسئله‌ی هسته‌ای نیز در نقطه‌ی صفر قرار داشتیم اما آنها امروز تصور می‌کنند که با فحش دادن و تهمت زدن می‌توانند کارهای خود را پیش ببرند که این کار آنها طبق قانون جرم است چرا که به رییس جمهور تهمت و افترا می‌زنند.» رییس جمهور ادامه داد: «آنها بدانند که ملت ایران راه خود را انتخاب کرد و ما صد برابر این فحش‌ها را تحمل خواهیم کرد و با فراغ باز شیرینی آن را به کام خود می‌ریزیم اما تلخی خیانت به ملت را هرگز نمی‌پذیریم.» وی در پایان گفت: «امروز هیچ قدرتی نمی‌تواند ملت ایران را تهدید کند و اگر شما بار مسئولیت را بر دوش من قرار دادید در جلسه‌ی

سازمان ملل از آنها سؤال می‌کنم که چه کسی جرأت دارد به ایران حمله کند و دستانش را بالا بگیرد تا ملت ایران آن دست را از بازو قطع کند.» (*خبرگزاری فارس*؛ ۱۲ خرداد ۸۸، کد خبر: ۸۸۰۳۱۲۱۲۵۳)

دکتر احمدی‌نژاد در تاریخ ۱۳ خرداد ماه در مناظره‌ی زنده‌ی تلویزیونی خود با مهندس میرحسین موسوی نیز گفت:

«دیپلماسی عمومی امروز پیشرفته‌ترین و علمی‌ترین کار دیپلماسی است. وقتی دشمن مواضع اصلی دنیا را گرفته ما اگر بخواهیم در میدان آن بازی کنیم که حتماً شکست خورده‌ایم. همین کاری که در دوره‌ی آقای هاشمی اتفاق افتاد و شما حمایت کردید. در دوره‌ی آقای خاتمی اتفاق افتاد، حمایت کردید. ما آمدیم خارج از فرمولی که قدرت‌های بزرگ طراحی کردند، وارد شدیم و این آموزه‌ی امام است. امام هیچ‌گاه قبول نکرد. فرمول‌های آنها را اگر می‌پذیرفتیم انقلاب نباید می‌کردیم.»

(متن پیاده شده از فیلم مناظره انتخاباتی دکتر احمدی‌نژاد و مهندس موسوی)

وی در بخش دیگری از این مناظره درباره‌ی سیاست‌های هسته‌ای دولت گذشته گفت:

«درموضوع هسته‌ای حتماً شما اطلاع دارید روشی که در دولت قبل به نام تنش‌زدایی در پیش گرفته شد به جایی رسید که تمام تأسیسات هسته‌ای ما به‌طور کامل تعطیل شد و دو تا قرارداد بر ملت ما تحمیل شد؛ یکی پروتکل الحاقی بدون مصوبه‌ی مجلس و برخلاف قانون اساسی و دوم ترتیبات اجرایی، در پروتکل الحاقی مأمورین آژانس آزادند هر لحظه‌ای از هر نقطه‌ی ایران بازدید کنند. هدف چیست؟ هدف این است که قدرت دفاعی ما را کشف کنند، بدهند دست دشمن، و در ترتیبات اجرایی یک بندی آوردند که هر اندیشه و طرحی در ذهن دانشمندان ما در موضوع هسته‌ای شکل می‌گیرد قبل از هر اقدام باید مأمورین آژانس را مطلع کنند. سنگین‌تر از این تحمیل برملت نمی‌تواند باشد. در حالی‌که طبق ان.پی.تی ما می‌توانیم هر فعالیتی بکنیم ۱۸۰ روز قبل از غنی‌سازی باید اطلاع بدهیم. تأسیسات تعطیل شد، سنگین‌ترین تعلیق. همه‌ی تأسیسات پلمپ شد. دو تا قرارداد پذیرفته شد. در همان فاصله ـ جناب آقای موسوی جهت اطلاع حضرتعالی می‌گویم ـ هفت قطعنامه‌ی شورای حکام علیه ما صادر شد در حالی‌که عقب‌نشینی مطلق بود، قطعنامه‌ی شورای حکام به لحاظ حقوقی بسیار مهم‌تر از قطعنامه‌ی شورای امنیت است. شورای امنیت قطعنامه‌اش سیاسی است؛ اعتبار حقوقی ندارد اما شورای حکام قطعنامه‌اش حقوقی است. ما را ملزم می‌کند که کارهایی را انجام بدهیم... در سعد آباد، در بروکسل، در پاریس چه گذشت؟... آقای بوش بعد از این همه همکاری در افغانستان و در موضوع هسته‌ای اعلام کرد: ایران محور شرارت است... ۲۷سال در دوره‌ی جنابعالی، جناب آقای هاشمی و جناب آقای خاتمی، آمریکا به دنبال براندازی بود. امروز آمریکا رسماً اعلام می‌کند که ما به دنبال براندازی نیستیم. کدام سیاست خارجی موفق بوده و کدام ذلت آفریده است؟ کدام سیاست خارجی استقلال ما را حفظ کرده و کدام بیشتر امتیاز داده و دستاوردی نداشته است؟ ۱۵ سال اروپاییان می‌گفتند، ما می‌خواهیم گفت وگوی انتقادی با ایران کنیم. هر روز می‌آمدند و می‌گفتند که آقا! ایران حقوق بشر را رعایت نمی‌کند... من تعجب می‌کنم. آقای موسوی بد نیست یک سفرخارج از کشور بروند و ببینند که دولت‌ها وملت‌ها چگونه از ایشان استقبال می‌کنند. در دوره‌ی خود ایشان، ایشان چند تا مسافرت خارج از کشور رفت. آن موقع ایران سرافکنده بود یا الآن؟ البته نمی‌خواهم بگویم که آن موقع ایران سرافکنده بود! خیر! آن موقع هم عزیز بودیم ولی از دید قدرت‌های بزرگ نه!» (همان)

دکتر احمدی‌نژاد همچنین در برنامه‌ی تلویزیونی گفتگوی ویژه‌ی خبری که در تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۸۸به صورت زنده از شبکه دو سیما پخش می‌شد، گفت:

«در فضای عمومی کشور ما یادمان رفته چه ناامیدی بود؟ ضعف امید در کشور حاکم شده بود. همه فکر می‌کردند، نمی‌توانیم. یک ملت قدرتمند می‌گوید: نمی‌توانیم. مثل کسانی که امضا کردند، دادند به امام در شرایط جنگ که ما نمی‌توانیم بجنگیم یعنی ناتوانی خودشان را به حساب ملت بزرگ ایران گذاشتند. اما الآن

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ چهارم مرداد ماه در دیدار جمعی از «استادان دانشگاه علم و صنعت ایران»، نگرانی خود از تأثیر روش برخی اشخاص و گروه‌ها در زیر سئول بردن انقلاب را با عبارات زیر بیان کرد:

> اشتباه یک حزب، فرد، گروه و جریان قابل جبران است ولی اگر انقلاب و نظام خدای ناکرده زیر سؤال برود اصلاح آن مشکل خواهد بود.[1]

وی همچنین در تاریخ دوم مهر ماه در مراسم تجدید میثاق «نمایندگان مجلس خبرگان رهبری» با آرمان‌های امام خمینی رحمه‌الله با تأکید بر حفظ و صیانت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای امام گفت:

می‌بینیم که می‌توانیم. تازه ما در ابتدای راه توانستنیم. ظرف چهار سال چه اتفاقات عظیمی افتاد؟ ما فضایی شدیم. هسته‌ای شدیم. نانوتکنولوژی، بیوتکنولوژی، اصلاً جایگاه ایران در دنیا بسیار برجسته شد. من منکر خدمات قبلی نیستم. دارم مقایسه می‌کنم. دارم می‌گم چی بود؟ چی شد؟ به نظرم مردم و بدنه‌ی دولت خیلی زحمت کشیدند. در طول این ۳۰ سال اما ریشه‌ی اصلی مشکل در همان حلقه‌ی مدیریتی و ضعف مدیریتی بود که شجاعت و پایبندی لازم به ارزش‌ها را نداشت. تکیه به ملت نداشت.»

(متن پیاده شده از فیلم گفتگوی ویژه‌ی خبری شبکه دو سیما با دکتر احمدی‌نژاد)

این در حالی بود که مقام معظم رهبری بارها سیاست‌های هسته‌ای نظام در دولت گذشته را تأیید کرده بودند. از جمله ایشان در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۸۵ فرمودند:

«همچنانی که پیشروی تاکتیک است، عقب‌نشینی هم تاکتیک است. یک جا فرمانده لازم می‌داند عقب‌نشینی تاکتیکی بکند، که اگر نکند، خیانت است؛ همچنانی که اگر آنجایی که باید پیش‌روی کند، پیشروی نکند، خیانت است. فرق عقب‌نشینی تاکتیکی با فرار چیست؟ تفاوتش این است که تحت انتظام فرماندهی و یک عمل منضبط است. فرار، یک عمل غیرمنضبط است و ناشی از رها شدنِ آن ریسمان محکمی است که انسان به آن چنگ زده و ناشی از خالی شدن و تهی شدن است. آنجایی که لازم است، به جلو حرکت می‌کنیم؛ آنجایی که لازم است، با تندی؛ آنجایی که لازم است، با کندی؛ آنجایی که لازم است، یک قدم به عقب، دو قدم به جلو. خدای متعال هم کمک می‌کند. در قضیه‌ی هسته‌ای هم همین کار شده و بعد از این هم خواهد شد. ما آن دو سال، دو سال و نیم، آن مشی‌ای که داشتیم، اگر آن مشی را نمی‌کردیم، امروز ممکن بود خودمان را ملامت کنیم، بگوییم چرا آن راه را تجربه نکردیم؟ حالا نه! با دل قرص و با دید روشن، می‌دانیم داریم چه کار می‌کنیم. آن راه را هم تجربه کردیم و دیدیم... حالا سندهای آینها هم یک روزی ان‌شاءالله منتشر خواهد شد. کلمه کلمه‌ی حوادث این روزهای گوناگون ثبت و یادداشت و ضبط شده است؛ یک روزی در اختیار افکار این ملت قرار خواهد گرفت و ان‌شاءالله روشن خواهد شد که در این مدت چه گذشته است. آن روز هم معلوم بود، منتها خوب، لازم بود. آن حرکت، حرکتِ لازمی بود و آن انجام گرفت. امروز هم این حرکت، حرکتِ درستی است. سیاست ما در مورد مسئله هسته‌ای، سیاست روشنی است: پیشرفت، پافشاری برحق ملت ایران بدون عقب‌نشینی؛ البته با منطق روشنی که داریم. هدف هم هدفِ انسانی و روشنی است.» *(پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای،* ۱۸ مهر ۸۵)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ مرداد ۸۸

معنویت امام و راه و مکتب ایشان از درون، حافظ این موفقیت است به شرط این‌که ما هم درست رفتار کنیم و ارزش این دستاورد الهی را آن‌طور که هست، ارزیابی کرده و به نسل بعدی منتقل کنیم. نگذاریم شبهات و تشویش‌های خاطری که درست می‌کنند، نسل بعدی را به کلی از این دستاوردهای عظیم منقطع بکنند.[1]

او همچنین در تاریخ ۶ اسفند ماه در مراسم تجدید بیعت «رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری» با امام و شهدا به همکاری برخی از نیروهای غافل داخلی با دشمنان نظام در جهت مخدوش کردن افکار امام اشاره کرد و گفت:

تجدید روحیه و الهام گرفتن از منویات امام بر سر مزار شریفشان آسان‌تر است، ولی متأسفانه تبلیغات به گونه‌ای است که نسل جدید متوجه نمی‌شود امام با کمک مردم چه معجزه‌ای آفریدند... متأسفانه نسل نو که در آن دوران نبود هیچ خبری جز آنچه در رسانه‌ها وکتاب‌هاست ندارد و [عده‌ای] دوباره به فکر افتاده‌اند که امام را از ذهن‌ها حذف کنند. طبیعی است کشورهای استکباری که ضربه‌ی سنگینی از امام در ایران و کشورهای دیگر خورده‌اند، الآن از ایشان انتقام می‌گیرند، زیرا نهضت فلسطین احیا شد، لبنان راهی دیگری پیدا کرد و افکار امام به همه جا رفت و بیان شد و هر مسأله‌ای که در ایران اتفاق می‌افتد می‌گویند امام، دین، روحانیت و تفکرات شیعه همین است؛ زیرا می‌دانند از کجا ضربه خورده‌اند و نگران بودند ضربه عمیق‌تر شود و تأسف بیشتر این است که در داخل هم افراد ناآگاه، شاید با حسن نیت کمک می‌کنند که افکار امام را مطرود و مخدوش کنند و کسانی که در آن زمان حرفی برای گفتن نداشتند الآن میدان‌داری می‌کنند.[2]

وی با تأکید بر این‌که اسلام، تشیّع، امام زمان(عج) و ولایت سرمایه‌ی ما و اصالت با آنهاست، افزود:

ولی امام سمبل و نمونه بود که نباید از آن غفلت کنیم وکسانی که این کار را می‌کنند دقیقاً مانند کسانی هستند که میوه‌ی درختان پربار را مصرف می‌کنند و زیر سایه‌ی آن آرمیده‌اند، ولی آهسته آهسته درخت را از بیخ می‌زنند و این اشتباهی است که اتفاق می‌افتد و ان‌شاءالله هوشیار باشیم و بدانیم، مسیری که تا به حال آمده‌ایم درست بود و جور دیگری تعبیر نشود و افراد نورسیده‌ای

۱. همان؛ ۴ مهر ۸۸
۲. همان؛ ۸ اسفند ۸۸

نخواهند کاری جدیدی را شکل دهند که از عهده‌ی آن برنمی‌آیند، زیرا ممکن است با حسن نیت، بنای تازه‌ای را روی بنایی که تخریب کرده‌اند بسازند که البته اشتباه می‌کنند.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۴ اسفندماه در مصاحبه‌ای با پایگاه اطلاع‌رسانی خویش در پاسخ به این پرسش که «برای بخشی از فعالان و حضار فعلی میدان سیاسی کشور که خود را از مصادیق رویش‌های انقلاب فرض کرده و به شدت نیز در پی نفی و ریزش نیروهای باسابقه‌ی انقلاب هستند چه توصیه‌ای می‌فرمایید؟» گفت:

اگر چنین بخشی باشند اشتباه بزرگی می‌کنند، چرا که مشابه آن است که آنهایی که مجال حضوری بر شاخه‌های درخت انقلاب را پیدا کرده‌اند، تبر به دست گرفته و ریشه‌های همان درخت را هدف بگیرند! این عمل با هیچ منطقی سازگار نیست، زیرا اگر انقلاب قرار است پایدار باشد با میراثش و پایه‌گذارانش بهتر می‌تواند دوام بیابد و در چنین شرایطی است که می‌توانند رسم نویی بیاورند که از انحراف جدا باشد؛ ولی آلوده کردن ذهن نسل جوان و القای ناحق به آنها که کارهای گذشته اشتباه بوده و ما می‌خواهیم آنها را اصلاح کنیم اشتباهی است که دامن خودشان را می‌گیرد. چون آنها نسبت به گذشته کار بیشتری نمی‌توانند انجام دهند مگر این‌که کارهای گذشته را توسعه بدهند. نفی گذشته بدون داشتن برنامه برای آینده عملی ناموفق است.[۲]

۲. هزینه کردن از رهبری

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از دیگر ویژگی‌های این جریان را هزینه کردن از جایگاه ولایت و شخص مقام معظم رهبری در اشتباهات و خطاهای شخصی و گروهی خود می‌داند. به عنوان نمونه وی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از «فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، گفت:

مشکل دیگری که من غصه می‌خورم این است که آنچه که امروز دولت و بعضی از نیروهای امنیتی می‌کنند و بعضی از مبلغین خام حرف‌های نابجایی

---

۱. همان

۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۴ اسفند ۸۸

می‌زنند، همه را به حساب رهبری می‌گذارند. الآن کار به جایی رسیده که رییس دولت آن هم در خارج از کشور و به خبرنگاران خارجی می‌گوید: «هیچ کس در ایران بخاطر من زندانی نیست.»[۱] سپاه می‌گوید: «ما که از خود ایده‌ای نداریم، فقط فرمان می‌بریم.»[۲] پس این وسط چه کسی است؟ زندانی برای چه کسی در زندان است؟ دولت که می‌گوید من نیستم. حتّی می‌گوید: من نامه می‌نویسم که زندانیان را آزاد کنید.[۳] سپاه که می‌گوید: ما فقط فرمان می‌بریم. راست هم می‌گوید. چون نظامی‌های ما فرمانبرند، منتها فرمان را به گونه‌ای که خودشان می‌خواهند، می‌برند و نه آن‌گونه که رهبری و فرمانده می‌خواهند. فکر می‌کنم یکی از ضررهای عمده‌ای که در شرایط فعلی می‌کنیم، این است که بسیاری از مسائلی که رهبری از آنها بیزار است، به اسم ایشان نوشته می‌شود.

---

۱. دکتر محمود احمدی‌نژاد در تاریخ ۲ مهر ماه ۸۸ در نیویورک در گفت‌وگو با شبکه رادیویی «ان.پی.آر» در پاسخ به این سؤال که چرا افرادی که زمانی از حکومت ایران دفاع می‌کردند بعد از جریان انتخابات و به دلیل مخالفت با شما در زندان‌ها هستند، اظهار داشت: «من شخصاً از این‌که کسی در زندان باشد ناراحت و متأسف هستم ولی در جمهوری اسلامی ایران کسی بی‌دلیل به زندان نمی‌رود و هیچ‌کس به دلیل مخالفت با من به زندان نرفته است.» رییس جمهور در پاسخ به این سؤال که گفته می‌شود افراد به دلیل اظهار نظر در انتخابات زندانی شده‌اند گفت: «در ایران آزادی وجود دارد و همه می‌توانند اظهار نظر کنند اما کسی که قانون را نقض کند باید پاسخ‌گو باشد.» دکتر احمدی‌نژاد در پاسخ به پرسش مجری شبکه رادیویی «ان.پی.آر» درباره‌ی زندانیان حوادث اخیر و روزنامه‌های منتقد، گفت: «ده‌ها روزنامه در ایران علیه من مطالبی عنوان کرده‌اند اما من از هیچ‌کدام از آنها شکایتی نکردم. دستگاه قضایی نیز در ایران مستقل بوده و طبق قوانین کشور عمل می‌کند.» (*پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران*، ۳ مهر ۱۳۸۸)

۲. به گزارش خبرگزاری فارس، سردار عبدالله عراقی فرمانده‌ی سپاه محمد رسول‌الله صلی الله علیه و آله تهران بزرگ در جمع تعدادی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران به سؤالات آنها که عمدتاً معطوف به حضور و نقش‌آفرینی نیروهای بسیج در ناآرامی‌های تهران بود، پاسخ گفت. وی در پاسخ به سؤال دانشجویی که پرسید نقش سپاه در برخوردهای پس از انتخابات ریاست جمهوری چه بود، گفت: «سپاه پاسداران و بسیج براساس تعریف قانون اساسی، حافظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن هستند و هر کجا انقلاب تهدید شود، سپاه و بسیج براساس فرمان رهبری وارد صحنه می‌شوند.» وی تاکید کرد: «ما با کسی تعارف نداریم و هر کس که جلوی نظام بایستد با او برخورد می‌کنیم.» (روزنامه *اعتماد ملی*، ۸ مرداد ۸۸)

۳. دکتر احمدی‌نژاد در تاریخ ۶ مرداد ۸۸ با نگارش نامه‌ای به آیت‌الله هاشمی شاهرودی (رییس وقت قوه قضاییه) خواستار اعمال حداکثر رأفت اسلامی نسبت به بازداشت شدگان حوادث پس از انتخابات شد.
(ر.ک: *خبرگزاری فارس*؛ ۶ مرداد ۸۸، کد خبر:۸۸۰۵۰۶۱۶۱۸)

این نامه البته یک روز پس از آن منتشر شد که آیت‌الله شاهرودی در جلسه‌ی مسئولان عالی قضایی دستور داد ظرف مدت یک هفته نسبت به تعیین تکلیف زندانیان حوادث پس از انتخابات و آزادی افرادی که جرمشان در حدی نیست که در زندان بمانند اقدام شود.

(*خبرگزاری مهر*، ۵ مرداد ۸۸، کد خبر: ۹۱۹۲۸۶)

من که ایشان را بهتر و بیشتر از دیگران می‌شناسم. هر وقت که باهم نشسته بودیم و خبر می‌رسید که فلانی را زندانی کردند، می‌گفتند: اگر مأمورین ما یک روز در زندان بودند، این‌گونه افراد را زندانی نمی‌کردند. منتها ایشان که نمی‌توانند در هر موضوعی دخالت کنند. مأمورین کارها و وظایف ذاتی خودشان را می‌کنند.[۱]

وی در تاریخ ۴ اسفند ماه در نطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری نیز تصریح کرد:

نباید کاری کنیم، تیرهایی که نباید به سمت رهبری و نظام برود، به آن سمت برود.[۲]

وی همچنین یادآور شد:

برای ما مهم است که این مجموعه را در صحنه نگه داریم و کاری نکنیم تیرهایی که نباید به سمت رهبری و نظام برود، به آن سمت رفته و ایشان سیبل شود و من بیش از همه می‌دانم که رهبری می‌خواهند صحنه خیلی داغ نشود و کسی آسیب نبیند همان‌طور که بعد از حادثه‌ی کهریزک[۳] ایشان بیانیه زدند، درخواست دلجویی کردند و دستور مجازات عاملان آن‌را دادند.[۴] رهبری الآن

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ آذر ۸۸

۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۴ اسفند ۸۸

۳. در جریان بازداشت برخی از معترضان به نتایج انتخابات سه نفر از این بازداشت شدگان به نام‌های محسن روح الامینی، امیر جوادی فر و محمد کامرانی در بازداشتگاه کهریزک کشته شدند و تعداد بیشتری مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. انتشار خبر این جنایت موجبات سوء استفاده‌ی دشمنان نظام اسلامی را فراهم آورد.

۴. مقام معظم رهبری در تاریخ ۴ شهریور ماه ۸۸ در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی فرمودند:

«موضوع دیگری که در بیانات دوستان مطرح شد، تخلفات یا حتّی جنایاتی است که در خلال این حوادث از سوی نیروهای ناشناس انجام گرفته. شما اشاره کردید به مسائل کوی دانشگاه یا از این قبیل مسائل ـ حالا کوی دانشگاه را چند نفر از دانشجویان عزیز تکرار کردند؛ شبیه کوی دانشگاه، مسائل دیگری هم در این مدت اتفاق افتاده ـ یا مثلاً قضیه‌ی کهریزک را گفتند. این قضایا واقعاً یکی از آن مشکلات و معضلات کار دستگاه های اجرایی است. اولاً این را به طور قاطع بدانید که با اینها برخورد خواهد شد. حالا نمی‌خواهیم جنجال بکنیم که دستور بدهیم، این دستور توی رسانه ها پخش بشود، باز یک پیوست زده بشود، باز یک پیرو زده بشود؛ من دوست ندارم کار تبلیغاتی انجام بگیرد؛ اما از اولین روزها دستور داده شده و کسانی دنبال هستند؛ منتها کارها باید درست با دقت و با مراقبت پیش برود. در کوی دانشگاه، در آن شب معین، قطعاً تخلفات بزرگی انجام گرفته، کارهای بدی انجام گرفته. ما گفته‌ایم پرونده‌ی ویژه‌ای برای این کار تهیه شود و به طور دقیق دنبال بگردند و مجرمان را پیدا کنند و وقتی پیدا کردند، به وابستگی‌های سازمانی آنها هم هیچ نگاه نکنند و باید مجازات شوند؛ این را من به طور قاطع

هم مراقب هستند تا طغیان پیش نیاید و حرف‌های بی‌خودی زده نشود.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ پنجم اسفند ماه در دیدار اعضای «هیأت رییسه و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری» ضمن اشاره به تقدّس ولایت فقیه به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌ی تشیّع و انقلاب، گفت:

نباید به خود اجازه دهیم که در مسایل جزیی از این سرمایه‌ی مهم استفاده و سوء استفاده شود.[۲]

وی در تاریخ ۶ اسفند ماه در مراسم تجدید بیعت «رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری» با امام و شهدا گفت:

خوشبختانه کسی مانند مقام رهبری را در رأس کشور داریم که تفسیر امام را بیشتر از همه می‌داند و آن را بیان می‌کند، اما متأسفانه افراد ناآگاه به جای این‌که مسئولیت کارهای خودشان را بپذیرند به گونه‌ای رفتار می‌کنند که همه‌ی مسئولیت‌ها را به عهده‌ی آقا می‌اندازند و با جاخالی دادن و حرف‌های نامربوط، باعث می‌شوند ترکش کارهایی را که مردم از آنها قبول نمی‌کنند، به آن طرف [رهبری] برود.[۳]

۳. تلاش برای ایجاد تفرقه در جامعه و گسست مودّت مسئولان

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از دیگر ویژگی‌های این جریان را «گسستِ مودّت میان مسئولان رده بالای کشور» و ایجاد «تفرقه» و «کینه» در جامعه می‌دانست.

گفتم. من از فعالیت‌های پلیس امنیتی مان، پلیس انتظامی‌مان، دستگاه بسیج‌مان تشکر می‌کنم؛ اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند؛ لیکن این یک بحث جداست. اگر کسی در وابستگی به هر کدام از این سازمان‌ها یک تخلفی انجام داده، یک جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده می‌گیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده می‌گیریم؛ حتماً باید دنبال بشود و دنبال خواهد شد. همین طور قضیه‌ی کهریزک، که حالا آن اعلام شد، پخش شد. قضیه‌ی کوی دانشگاه هم دنبال می‌شود؛ حتّی افرادی که کسانشان در این قضایا یا به قتل رسیدند ـ تعداد معدودی هستند ـ یا آسیب دیدند، آسیب مالی دیدند. بنا شده برای هر کدام اینها پرونده‌ی جداگانه‌ای تشکیل بدهند. دستور داده‌ایم، گفته‌ایم و این قضایا را دنبال خواهیم کرد؛ منتها توجه کنید که این مسائل هیچ‌کدام نباید با مسئله‌ی اصلی بعد از انتخابات خلط شود. حادثه‌ی اصلی نباید تحت‌الشعاع این حوادث قرار بگیرد.» (*پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۴ شهریور ۸۸)

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۴ اسفند ۸۸

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۸ اسفند ۸۸

۳. همان

وی ابتدا در تاریخ ۱۳ تیر ماه در دیدار جمعی از «خانواده‌های بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات»، ترویج ادعای تنازع بر سر قدرت را در سطوح بالای نظام، انحراف در تبلیغات ذکر کرد و گفت:

> حضور مردم در صحنه‌ی انتخابات به حق، حماسه‌ای جاودانه و ماندگار و رقابت‌ها در قالب خانواده‌ی نظام و با تأیید کاندیداها توسط شورای نگهبان صورت گرفت و جنگ برای قدرت در سطح بالای نظام و خارج از خانواده‌ی نظام نبود و بلکه به تصریح همه‌ی ارکان نظام رقابت در انتخابات وظیفه‌ای اسلامی، انقلابی و ملی است و نباید توسط برخی به عنوان شکاف در نظام تلقی شود که این طرز فکر، خود نوعی اهانت به مردم محسوب می‌شود.[1]

دفتر ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در تاریخ ۴ شهریور ماه به سخنان رییس دفتر رییس جمهور در القای اختلاف میان رهبری و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و ادعای تلاش آقای هاشمی برای تحت فشار گذاشتن رهبری واکنش نشان داد.[2]

---

۱. همان؛ ۱۴ تیر ۸۸

۲. مهندس اسفندیار رحیم‌مشایی در جمع اعضای ارشد ستاد یاران خورشید گفته بود:

«آقای هاشمی و برخی از نخبگان سیاسی و مذهبی در کشور، زاویه‌ای از ابتدا با مقام معظم رهبری در موضوع مدیریت جامعه داشتند که این زاویه در هشت سال اصلاحات بزرگ‌تر شد. آقای هاشمی مایل بود از پشتیبانی عمومی و مردمی برای فشار بر رهبری استفاده کند تا مشی رهبری در اداره‌ی امور کشور تغییر کرده و آنچه که آنها مایل بودند، اتفاق بیفتد. در دوم خرداد ۷۶ آنها تلاش می‌کردند که آقای ناطق به عنوان کاندیدای رهبری معرفی شود و آقای خاتمی به عنوان کاندیدای آزاد مطرح باشد که بعد هم یک رأی خیلی سنگین برای آقای خاتمی نتیجه آن باشد تا همه چیز در آقای هاشمی تمرکز یابد تا آنها از این طریق بگویند که این آقای هاشمی است که از محبوبیت بالای مردمی برخوردار است و لذا فرایند مدیریت جامعه باید تغییر کند.» مشایی با اشاره به تلاش‌هایی که برای حضور آقای هاشمی در انتخابات دوره‌ی نهم ریاست جمهوری انجام شد، افزود: «سر این که آقای هاشمی بیاید یا نیاید خیلی بحث شد و اختلافات بسیاری بین آنها وجود داشت. اما خود آقای هاشمی امیدوار بود که در انتخابات پیروز می‌شود و به همین دلیل هم، به صحنه آمد. البته عده‌ای در تلاش بودند که آقای هاشمی انصراف دهد. با دو مرحله‌ای شدن انتخابات و فراگیر شدن موج در روزهای آخر، انصراف آقای هاشمی دیگر معنا نداشت زیرا همه چیز شکل گرفته بود و این، همان هدایت الهی است که کار از دست همه خارج شود.» رییس دفتر رییس جمهور بیان داشت: «شکست در انتخابات، ترس و نگرانی عمیقی را در آنها موجب شد به گونه‌ای که با استمداد جستن از یک «دولت خارجی» با تأکید بر این‌که این دولت نمی‌تواند [و] شش ماه بیشتر دوام نخواهد آورد، زمینه را برای شکست دولت فراهم کردند.»

(سایت *راسخون*؛ ۴ شهریور ۸۸)

دفتر ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام در ضمن تکذیبیه‌ای در واکنش به سخنان وی نوشت:

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در جمع «هیأت رییسه و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری» با اشاره به تلاش جریانی برای القای اختلاف میان مسئولان رده بالای نظام خاطرنشان کرد:

یک جریان مرموز این دوستی را مانع منافع خود می‌بینند.[1]

وی با تشریح سیری از وقایع قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری به اقدامات خود در آرام کردن جو اشاره کرد و گفت:

منافع جریانی مرموز در تقابل با مودّت مسئولین ارشد کشور قرار دارد و مرتباً در تلاش [برای] گسست این دوستی و القای اختلاف می‌باشند.[2]

وی در تاریخ ۱۴ مهر ماه در دیدار جمعی از اعضای «فراکسیون روحانیون اصول‌گرای مجلس شورای اسلامی»، از فعالیت «برخی محافل» و «رسانه‌ها» برای «ایجاد و تعمیق تفرقه در جامعه» و «القای اختلاف میان مسئولان نظام» ابراز تأسف کرد. وی همچنین با ارائه‌ی تحلیلی از برخی تحولات قبل و بعد از انتخابات،

«پیرو انتشار سخنان آقای اسفندیار رحیم‌مشایی در جمع اعضای ارشد ستاد یاران خورشید در برخی سایت‌ها و خبرگزاری‌ها، اگرچه توجه به شرایط زمانی و مکانی سخن و سنجش آن با گوینده نشان از میزان انطباق سخن با منطق است، اما توضیح درباره‌ی بخش‌هایی از سخنان ایشان جهت مزید اطلاع رییس دفتر رییس‌جمهور و تنویر افکار عمومی ضروری به نظر می‌رسد. مطمئناً بیان جملاتی چون این جمله که "آقای هاشمی مایل بود از پشتیبانی عمومی و مردمی برای فشار بر رهبری استفاده کند" از جمله همان توهماتی است که مقام معظم رهبری در خطبه‌های نمازجمعه تاریخی خویش همگان را از آن برحذر داشتند. سابقه‌ی آقای مشایی در "اظهار نظرهای غلط" و "سخنان غیرمنطقی" آن‌قدر آشکار است که نیازی به پاسخ ندارد، اما با توجه به عقبه‌ی بسیار عمیق این سخنان و دروغ پردازی‌های عمیق‌تر و تلفیق آن با چاشنی توهین توسط کسی انجام می‌شود که قرار بود معاون اول رییس‌جمهور شود و نشد و امروز رییس دفتر رییس‌جمهور است، علی‌رغم تلاش شخصیت‌های مبارز و بزرگ انقلاب برای آرام کردن فضا و خنثی کردن القائات دشمنان خارجی به نظر می‌رسد توطئه‌ای بسیار پیچیده برای القای اختلاف بین ارکان نظام اسلامی وجود دارد که دامن زدن به این توطئه نوعی یأس و ناامیدی را در جامعه گسترش می‌دهد. بخش‌هایی از سخنان آقای مشایی تکرار سخنان رییس‌جمهور در مناظره‌ی معروف است که رهبری معظم انقلاب در خطبه‌های تاریخی بعد از انتخابات از آن ابراز گلایه کردند و اتهام تماس با یک مقام خارجی در شش ماهه‌ی اول دولت نهم ادعایی است که باید در یک دادگاه صالحه مدعیان آن باید جوابگوی اتهامات خود باشند. باشد که خدای تبارک و تعالی توفیق رعایت انصاف را به عنوان جوهره‌ی وجودی انسان‌ها به همگان، مخصوصاً مسئولان عطا فرماید.» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ شهریور ۸۸)

۱. همان؛ ۲ مهر ۸۸

۲. همان

به بعضی از مصادیق «اختلاف‌افکن» اشاره و برخی محافل و رسانه‌ها را آفت تحقق وحدت ملی و اعتماد و اطمینان در جامعه توصیف کرد.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۶ آبان ماه در دیدار جمعی از «نمایندگان ادوار غرب کشور» نیز ضمن تأکید بر ضرورت نجات کشور از «اقدامات موجدِ کینه» و «تفرقه‌آمیز» خواستار هدایت آگاهانه‌ی فضای اجتماعی و سیاسی کشور به سوی همدلی و همکاری سازنده شد و تصریح کرد:

> ما باید گفتگو را در داخل کشور برای تفاهم در عرصه‌های بین‌المللی دنبال کنیم و فضای سیاسی و اجتماعی را آگاهانه به سوی همدلی و همکاری سازنده هدایت نماییم و از «اقدامات کینه‌زا» و «تفرقه‌آمیز» نجات دهیم.[۲]

وی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسشی مبنی بر تلاش یک جریان برای القای وجود نوعی تنازع بین ارکان مختلف نظام در طول ماه‌های اخیر و از جمله تاریک جلوه دادن روابط وی و مقام معظم رهبری، گفت:

> من فکر می‌کنم این یک پدیده‌ی جدیدی است و ریشه در یک توطئه‌ای دارد که جریانی هم پشت آن قرار دارد. همین الآن محافلی هست که رسالت خودشان را این ببینند که این کار را انجام دهند. یقیناً خارجی‌ها یا از اول بوده‌اند در چنین طرحی و یا وقتی دیدند چنین جریانی هست خوشحال شدند و آن را دامن می‌زنند. قطعاً این‌طور است. چون هیچ منفعتی در این تبیین اختلاف این جوری نیست. من فکر می‌کنم در بین همه‌ی ماها که در این سال‌ها کشور را اداره می‌کنیم، نزدیکی من و رهبری بیشتر از همه هست. در همه‌ی شرایط بوده و حالا هم همین‌طور است ولی دامن زدن به اختلاف و خبرسازی و شایعه و امثال اینها امروز متولی پیدا کرده، متولیانشان را هم من خیلی‌هایشان را می‌شناسم که چه کسانی هستند که دارند این کارها را می‌کنند. شماها هم می‌شناسید. این قسمتش که مشهود است. یک قسمت‌هایی پشت صحنه هست که ما نمی‌شناسیم. اینهایی که می‌شناسیم یک چیز غیرواقعی است که می‌خواهند

---

۱. همان؛ ۱۵ مهر ۸۸
۲. همان؛ ۱۷ آبان ۸۸

بگویند. خیلی هم احتیاج به نیرو مصرف کردن دارند. همیشه باید مواظب باشند که این بحث‌شان زنده بماند و هر وقت احساس می‌کنند یک چیزی پیش می‌آید که برخلاف نظر آنهاست یک دفعه می‌بینیم یک تهاجم سیاسی و رسانه‌ای و شایعات و اقدامات پشت آن در می‌آید. خیلی محسوس است. البته این در خارج از کشور فعلاً خیلی جدی است. یعنی رسانه‌های استکباری روی این مسأله بسیار کار می‌کنند ولی منشأ اصلی‌اش را من در داخل می‌بینم.[1]

وی در پاسخ به پرسش این روزنامه مبنی بر این‌که «گاهی از نوعی اختلاف و تقابل اجزای مختلف نظام منهای جنابعالی و رهبری هم بحث می‌شود. نوعی تقابل مجمع با دولت یا مجلس یا بعضی بخش‌های دیگر جامعه. این تا چه حد قابل طرح است؟» گفت:

اصل مسأله‌ی این‌که در این سال‌های اخیر اختلاف در سطوح بالا زیادتر از گذشته است این‌را من قبول دارم. ادله‌اش هم قابل فهم است. اما آن‌که خیلی بد است، این است که به این اختلافات دامن زده بشود و تعمیق بشود و عده‌ای بیایند، میدان‌داری بکنند. اینها ضرر دارد. اصل اختلاف‌نظر هیچ وقت ضرر ندارد. هیچ جامعه‌ای خالی از اختلاف نیست. هیچ دو فردی هم خالی از آن نیستند. حتی دوقلوها هم نمی‌توانند بی‌اختلاف‌نظر باشند ولی راه حل اختلافات همیشه روشن است. اگر هم نیست باید پیدا کنیم. اصل بر این است که متحد باشیم. جامعه را در این دنیای سخت، خوب جلو ببریم.[2]

پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در همان تاریخ گاهنامه‌ای الکترونیکی با عنوان «هاشمی رفسنجانی در آیینه‌ی تاریخ مبارزه» را منتشر کرد. در این گاهنامه مصاحبه‌ای با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی انجام شده بود. وی در بخشی از این مصاحبه در پاسخ به پرسشی مبنی بر علت تلاش عده‌ای برای القای اختلاف در جامعه گفت:

این را باید از این افراد پرسید که چرا سعی می‌کنند چنین اختلافی در جامعه القا شود. انتظار طبیعی این است که این حرف‌ها در محافل خارج از کشور مطرح شود و دوستان و دلسوزان در داخل کشور با ارائه‌ی ادله‌ی فراوان، در ردّ

---

۱. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸
۲. همان

آن بکوشند، اما الآن می‌بینیم برعکس شده است. عده‌ای در داخل به اختلافاتی که هیچ وقت نبوده و نیست، دامن می‌زنند و خارجی‌ها هم که دنبال خوراک تبلیغاتی می‌گردند، لقمه‌های چرب و نرمی پیدا می‌کنند... به هر حال ما به بی‌اثر بودن این تلاش‌ها برای القای اختلاف هم ایمان داریم و هم عادت کرده‌ایم و امیدوارم دوستان هم از عادت بد خویش دست بردارند که این کارها جز القای دودستگی، یأس مردم و امیدواری دشمنان هیچ ثمره‌ای برای ملیت و اسلامیت ایران عزیز و جمهوری اسلامی ندارد.[1]

۴. عدم تحمل سخنان مخالف، آلودن فضا به بدبینی و تخریب

از نظر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، «عدم التزام به آزاداندیشی»، «ایجاد ناامنی فکری»، «عدم تحمل نظر مخالف» و نیز «آلودن فضا به بدبینی» و «تخریب مخالفان خود» از طریق بیان و انتشار «تهمت»، «دروغ»، «شایعه پراکنی» و «توهین» به نام دفاع از اسلام و نظام اسلامی از دیگر ویژگی‌های این جریان بود.

وی در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه در دیدار جمعی از اعضای «ائتلاف مردمی حامیان میرحسین موسوی» تخریب، بداخلاقی انتخاباتی، استفاده از امکانات عمومی و شیوه‌های نادرست تبلیغاتی را نشانه‌های زشت انتخابات خواند و گفت:

کسانی که به این شیوه‌ها متوسل می‌شوند اهدافی نامقدس دارند.[2]

وی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه در بخشی از سخنان خود در کنگره‌ی بین‌المللی بزرگداشت کلینی به بیان شرایط زندگی مرحوم کلینی در بغداد پرداخت و گفت:

در آن زمان تعصبات اجازه نمی‌داد که آنها به راحتی حرف بزنند مانند زمان ما که گاهی تعصبات و جاهلیت‌ها مانع از بسیاری از حرف‌ها می‌شود.[3]

وی در تاریخ ۱۰ خرداد ماه در دیدار جمعی از نخبگان «مرکز اندیشه ولایت» گفت:

فضای جهانی و داخلی و رشد ارتباطات و افزایش آگاهی‌ها اجازه‌ی تنگ‌نظری

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ (گاهنامه‌ی الکترونیکی هاشمی رفسنجانی در آینه‌ی تاریخ مبارزه)، بهمن ماه ۸۸

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۴ اردیبهشت ۸۸

۳. همان؛ ۱۹ اردیبهشت ۸۸

و یک‌سویه نگری را نمی‌دهد و مردم خود، راه صحیح را پیدا خواهند کرد.[۱]

از نگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از جمله مصادیق برخورد تخریبی این جریان، ادعاهای دکتر احمدی‌نژاد در مناظره با مهندس میرحسین موسوی در تخریب برخی شخصیت‌های انقلاب و نیز دستاوردهای گذشته‌ی نظام بود.[۲] بر همین اساس دفتر ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۶ خرداد ماه اقدام به صدور اعلامیه‌ای کرد. در بخشی از این اعلامیه سخنان دکتر احمدی‌نژاد از مصادیق نقض صریح قانون اساسی و زیر پا گذاشتن سوگند ریاست جمهوری اسلامی ارزیابی شده بود.[۳]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ ۱۷ خرداد ماه در دیدار جمعی از «جوانان و دانشجویان مستقل حامی هاشمی»، با اشاره به فضای مسموم و ناپسند تهمت و افترا در جریان انتخابات تصریح کرد:

> تا آنجایی که به حق شخصی افراد باز می‌گردد، شاید بتوان گذشت کرد، اما زمانی که به اصل انقلاب، محتوا و پشتیبانان اصلی انقلاب و نظام باز می‌گردد، سکوت جایز نیست و باید با اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشیدن جلوی روند مخرب دروغ‌پردازی‌ها گرفته شود.[۴]

وی با اشاره به مبارزات روحانیت و انقلابیون به رهبری حضرت امام(ره) برای سرنگونی رژیم پهلوی، به سابقه‌ی هتک حرمت، توهین و افتراهای گوناگون نسبت به انقلابیون و روحانیت پس از پیروزی انقلاب اشاره کرد و گفت:

> با پیروزی انقلاب و کوتاه شدن دست ضد انقلاب و منافقین موج توهین،

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۱ خرداد ۸۸

۲. این مناظره‌ی انتخاباتی در تاریخ ۱۳ خرداد ماه ۱۳۸۸ به صورت زنده از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش شد. متن اظهارات دکتر احمدی‌نژاد در صفحات ۴۹ تا ۵۴ و صفحه ۶۸ از همین کتاب آمد.

۳. در قسمتی از این اعلامیه آمده بود: «با توجه به نقض صریح قانون اساسی و زیر پا گذاشتن سوگند رییس‌جمهوری اسلامی در برنامه مناظره ۸۸/۳/۱۳ در سیمای جمهوری اسلامی به طور قطع و یقین موارد اتهامی از طریق مراجع قانونی و ذی‌صلاح مورد پیگرد قرار خواهد گرفت. اما در این مقطع از همه‌ی علاقه‌مندان درخواست می‌شود برای نقش بر آب کردن توطئه‌ی ایجاد بلوا و آشوب و درگیری و امنیتی کردن فضای انتخاباتی از هرگونه اقدام شتاب‌زده و عجولانه خودداری شود.»

(روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۸ خرداد ۸۸)

۴. همان؛ ۱۸ خرداد ۸۸

اهانت و دروغ نسبت به مسئولان نظام و روحانیت نیز تشدید شد که نهایتاً به ترور شخصیت‌های انقلاب انجامید.

وی ضمن اشاره به جوان و شاداب بودن جامعه‌ی ایران و تأثیر ایجاد فضای ناسالم ناشی از این تخریب‌ها گفت:

فضای ناسالم و مملو از دروغ و هتاکی، روح پاک و بی‌آلایش جوانان، دانشجویان و فرهیختگان کشور را مخدوش و زمینه‌ی ناامیدی و یأس آنان را فراهم خواهد کرد.[۱]

وی همچنین در قسمتی از نامه‌ی خود به مقام معظم رهبری که در تاریخ ۱۹ خرداد ماه منتشر شد، به تخریب دستاوردها و شخصیت‌های انقلاب اشاره کرده، این روش را یادآور اقدامات گروهک‌ها در سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب دانست. وی در این باره چنین نوشت:

متأسفانه اظهارات عاری از حقیقت و غیرمسئولانه‌ی آقای احمدی‌نژاد در جریان مناظره با مهندس موسوی و مقدمه‌چینی‌های قبل و حوادث بعد از آن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهک‌های ضد انقلاب در سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب و نیز تهمت‌زدن‌ها در انتخابات ۸۴ و انتخابات مجلس ششم و لجن‌پراکنی‌های باند پالیزدار که در دادگاه محکوم شده[۲] را به نمایش گذاشت و از

---

۱. همان

۲. پس از انتشار این نامه آقای عباس پالیزدار در نامه‌ای به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ضمن عذرخواهی از ایشان اعلام کرد: اتهاماتی که از سوی وی متوجه آقای هاشمی شده، غیرمستند بوده است! وی در این باره نوشت:

«حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (دام عزه)

ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام

باسلام؛

با توجه به تعبیر آن بزرگوار در نامه به رهبری به "باند پالیزدار" احتراماً موارد ذیل به استحضار می‌رسد:

۱) اینجانب یک بسیجی جانباز معتقد به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه می‌باشم، هیچ باندی ندارم و فقط به وظیفه‌ی خود در تحقیق و تفحص مجلس عمل کرده‌ام.

۲) در ۱۲۴ پرونده‌ی مورد بررسی تحقیق و تفحص مجلس هیچ پرونده‌ای از حضرتعالی و فرزندان شما نبود و در گزارش تحقیق و تفحص هم مدعی وجود پرونده علیه شما نشده‌ام.

۳) متاسفانه در پایان سخنرانی در دانشگاه همدان، دانشجویی از خانواده‌ی شما سؤال کرد و اینجانب بدون هیچ مستنداتی به اتکای شنیده‌های غیرمستند از نزدیکان آقای احمدی‌نژاد مطالبی گفتم و در سخنرانی‌ها هم گفته‌ام که هیچ پرونده‌ای راجع به حضرتعالی و خانواده‌ی شما ندیده‌ام.

لذا بدینوسیله از محضر حضرتعالی عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم این مختصر را به عنوان جبران بپذیرید تا باری بر دوش من در صحرای محشر نباشد.

آنجا که بخشی از این اظهارات قبلاً در رسانه‌های دولتی و آتش تهیه‌ی آن در سخنرانی مشهد مقدس مطرح شده، ادعای این‌که مطالب او تحت تأثیر فضای مناظره گفته شده و فاقد برنامه‌ریزی قبلی است، پذیرفتنی نیست و گویا برای تحت‌الشعاع قرادادن گزارش‌های مستند و مکرر دیوان محاسبات در خصوص مفقودالاثر بودن یک میلیارد دلار[1] و ارتکاب چند هزار تخلف در اجرای بودجه‌ها می‌باشد و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می‌داند. ده‌ها میلیون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ‌پردازی‌ها و خلاف‌گویی‌هایی بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی‌مان را نشانه گرفته بود...

بعد از جریان شوم ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹ با ارشاد امام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب‌عالی و اینجانب که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و بخصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سم‌پاشی‌ها اقدامات مؤثری انجام دهیم و امام راحل درد آشنا با تشکیل گروه حقیقت‌یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه‌گران و در نهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضد انقلاب طراحی کرده بودند.

---

۴) پیشاپیش از صبر و بزرگواری شما که در طول این یک سال هیچ شکایتی از اینجانب ننموده‌اید تشکر می‌کنم؛ علی‌رغم این‌که تنها کسی که محق بر شکایت بود، شما بودید. والسلام علیکم و رحمةالله ـ عباس پالیزدار»

(سایت *فردا نیوز*؛ ۲۱ خرداد ۸۸ کدخبر: ۸۴۸۲۷)

۱. بنابر گزارش دیوان محاسبات، دولت موظف بود در سال ۱۳۸۵ مازاد درآمد نفت را به حساب ذخیره‌ی ارزی واریز کند. قیمت نفت حدود ۴۰ دلار در هر بشکه در نظر گرفته شده بود و دولت موظف بود اگر نفت را به قیمت بالاتری از این رقم بفروشد، آن را به حساب ذخیره‌ی ارزی واریز کند اما گزارش دیوان محاسبات نشان می‌داد که درآمد مازاد در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۵ میلیارد و ۷۶۳ میلیون دلار بوده است اما یک میلیارد آن به حساب واریز نشده است. بلافاصله دولت به این موضوع واکنش نشان داد و گفت که «کار غیرقانونی نکرده و این بخش از درآمد به جای واریز به خزانه، مستقیماً به شرکت‌های زیرمجموعه به عنوان کارمزد، حق‌الزحمه و بهره‌ی کار به وزارت نفت داده شده است». بعد از واکنش تند مقامات دولتی، دیوان محاسبات از دولت خواست که در مورد این یک میلیارد دلار سند ارائه کنند. البته این جنجال یک میلیارد دلاری هرگز به سرانجامی نرسید و مشخص نشد که آیا بالاخره این عدم تطبیق سندها با پرداخت‌ها برطرف شد یا خیر؟ (ر.ک: سایت خبری ـ تحلیلی *جهان امروز*؛ ۱۲ بهمن ۸۹)

البته اینجانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی‌صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد.[۱]

وی در بخش دیگری از این نامه با یادآوری صبر و تحمل خود در برابر «تهاجم افراد لاابالی و ضد انقلاب» تفاوت تهمت‌های اخیر با موارد قبل را از نگاه خویش چنین بیان کرد:

معتقدم جناب‌عالی به خوبی می‌دانید که اینجانب و بسیاری از بزرگان تأثیرگذار انقلاب و حتی خود جناب‌عالی از دوران مبارزه و سال‌های اول انقلاب و در تعدادی از مقاطع، مورد تهاجم افراد لاابالی و ضد انقلاب بوده‌ایم و همیشه صبورانه تهمت‌ها و اهانت‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم و در دور جدید تهمت‌ها و هجمه‌ها هم از حدود پنج سال پیش تاکنون دندان روی جگر دارم و به خاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور اندوه خویش را مکتوم می‌دارم و از این جهت هم مورد گلایه‌ی بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می‌گیرم و مهم این است که این‌بار این تهمت‌ها توسط رییس جمهور و در رسانه‌ی ملی مطرح شده است. البته در موقع مناسب انحرافات و حق‌کشی‌های ناگفته‌ی انتخابات و اعمال دولت نهم در اختیار مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت.[۲]

وی همچنین تحلیل خویش از اهمیت برخورد با این تهمت‌ها را چنین عنوان کرد:

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل تهمت‌ها، دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف‌های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد[۳] که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸

۲. همان

۳. دکتر احمدی‌نژاد در مناظره با مهندس موسوی بسیاری از مدیران دولت‌های گذشته و فرزندان آقایان هاشمی و ناطق نوری را نیز به فساد یا سوء استفاده‌های مالی متهم کرد. وی در این باره گفت: «جناب آقای موسوی! بسیاری از مدیران شما و آقای هاشمی با دست خالی آمدند و با یک امتیاز دلار هفت تومانی و با واردات و صادرات میلیاردر شدند. آقای صفایی فراهانی مدیر دولت شماست از دولت شما پولدار شده. فهرست بلندی است؛ من نمی‌خواهم اینجا اسم ببرم! شما می‌گویید میلیاردر شدند؛ پسرهای آقای هاشمی چه کار می‌کنند در کشور؟! کدام یک از وزرای بنده در دوره‌ی وزارتشان میلیاردر شدند؟ یا رانتی را خوردند؟ یا ملکی را گرفتند؟ من فهرستی دارم از زمین‌هایی که مدیران گرفتند؛ برایتان بخوانم؟ ۴۰ هکتار، ۵۰ هکتار، ۸۰ هکتار و ۴۰۰ هکتار در دوره‌ی واگذاری، بیشترین مشکلات ما در کارگاه‌ها برای واگذاری‌های دوره‌ی قبل از

اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدسش خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق‌شکن علی‌رغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟[1]

این دولت است. کی گرفته؟ کسانی که الآن دارند از جنابعالی حمایت می‌کنند. این هزینه‌ی سنگین تبلیغاتی شما از کجا می‌آید؟ آقای موسوی! من دوست دارم شما را! این چه نحوه‌ی هزینه کردن است؟ از کجا می‌آید؟ یک مورد رشت الکتریک بدون هیچ مزایده‌ای دادند به دوستان جناب آقای کرباسچی، همسر آقای کرباسچی و همسر آقای قبه، کارخانه را از بیخ تراشیدند، زمینش را بفروشند و ده‌ها مورد اینطور، ۴۰۰ هکتار زمین در هرمزگان گرفتند. مردم برای دو هکتار و چهار تا جوان بتوانند بروند سرکار لنگ‌اند. بی‌قانونی اینهاست. جناب آقای موسوی! استات اویل بی‌قانونی است که طرف می‌آید اینجا محاکمه می‌شود و محکوم می‌شود از زندان فراری داده می‌شود و می‌رود خارج و تهش پسر آقای هاشمی است! بی‌قانونی در پسران بعضی از همین آقایانی است که امروز از شما حمایت می‌کنند. پسر آقای ناطق چه طوری میلیاردر شد؟ خودِ آقای ناطق چطوری دارد زندگی می‌کند؟ اینها حامیان شما هستند. بی‌قانونی آنهاست... جناب آقای موسوی! بسیاری از مدیران شما و آقای هاشمی با دست خالی آمدند و با یک امتیاز دلار هفت تومانی و با واردات و صادرات میلیاردر شدند.» ***(متن پیاده شده از فیلم مناظره‌ی دکتر احمدی‌نژاد و مهندس موسوی)***

۱. روزنامه ***جمهوری اسلامی***؛ ۲۰ خرداد ۸۸

مقام معظم رهبری نیز در تاریخ ۲۹ خرداد ۸۸ در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران از تذکر خصوصی خود به دکتر احمدی‌نژاد پس از انجام مناظره‌ی تلویزیونی با مهندس موسوی نسبت به نام بردن از اشخاصی که اتهام آنها ثابت نشده است، خبر دادند. ایشان در این باره فرمودند:

«من همان وقت ـ بعد از مناظره ـ به آقای رییس جمهور هم تذکر دادم؛ چون می‌دانستم ایشان ترتیب اثر می‌دهند.» ***(پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای***؛ ۲۹ خرداد ۸۸)

این در حالی است که دکتر احمدی‌نژاد پس از دریافت تذکر خصوصی مقام معظم رهبری نیز بر سخنان پیشین خود اصرار ورزید. به عنوان نمونه وی در برنامه‌ی تلویزیونی گفتگوی ویژه‌ی خبری که در تاریخ ۱۵ خرداد ماه به صورت زنده از شبکه‌ی دو سیما پخش می‌شد، گفت:

«یک سؤال جدی دارم از همه، مگر ما پیرو آن امامی نیستیم که وقتی ناظر بر بازار اهواز دچار انحراف مالی شد، نامه نوشت به حاکم اهواز که به محض دریافت این نامه آن فرد را باید برکنار کنی، آبرویش را باید بریزی و مبادا در مجازات او غفلت کنی که نزد خدا خوار می‌شوی و امام می‌فرماید که اگر این کار را نکنی به زشت‌ترین شکل تو را برکنار خواهم کرد... بعضی‌ها به من گفتند چرا اسم‌ها را اعلام کردی؟! مشکل ما در آن حلقه‌ی مدیریت این بود که مردم و انقلاب و منافع ملی را فدای یک عده‌ای کردیم! یعنی یک عده آن‌قدر مقدّس شدند و آن‌قدر بالا شدند که حریم اینها شد حریم ممنوعه! در حالی که در مشی انقلاب، در مشی اسلام، در مشی مردم در مشی امیرالمؤمنین، در مشی امام راحل، در مشی ولایت و رهبری همیشه منافع ملی بر منافع افراد ترجیح دارد. یعنی هرجا تضاد پیدا بشود ما افراد را باید قربانی کنیم حتی به دستور امام علی علیه‌السلام باید انگ ننگ را بر پیشانی‌شان بچسبانیم. اینها را ببریم توی بازارها [تا] همه بفهمند که دست‌اندازی به بیت‌المال، ویژه‌خواری، امتیازخواهی این یک ننگ ابدیست تا به ضد ارزش تبدیل بشود.»

(متن پیاده شده از فیلم گفتگوی ویژه‌ی خبری شبکه دو با دکتر احمدی‌نژاد؛ ۱۵ خرداد ۸۸)

دکتر احمدی‌نژاد همچنین در تاریخ ۱۹ خرداد ماه و در اجتماع مردم خوزستان در مصلای امام

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چندی بعد در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در نطق افتتاحیه‌ی

خمینی(ره) اهواز گفت:

«آیا وقتی اسم چند نفر که خود را مالک کشور می‌دانند، برده می‌شود کشور به خطر می‌افتد؟... بزرگ‌ترین خدمت به انقلاب و کشور، قطع کردن دست غاصبان و متجاوزان به بیت المال است.»

(*خبرگزاری جمهوری اسلامی*؛ ۱۹ خرداد ۸۸، کد خبر: ۵۳۶۳۵۳)

وی ضمن مقایسه‌ی مخالفان خود با شخصیت‌هایی چون طلحه و زبیر گفت:

«کسانی که مانند طلحه و زبیر بودند و در کنار پیامبر جنگیدند اما وقتی صحبت از عدالت آمد با شمشیر در برابر عدالت قیام کردند.» (همان)

دکتر احمدی‌نژاد همچنین در آخرین برنامه‌ی زنده‌ی تلویزیونی خود در ایام تبلیغات انتخابات (فرصت ۱۹ دقیقه و ۴۴ ثانیه‌ای) که از شبکه سوم سیما اجرا شد، گفت:

«می‌گویند دولت بی‌ادبی می‌کند! ما به چه کسی بی‌ادبی کردیم؟ کلام مولا امیرالمؤمنین(ع) این است که اگر کسی دست‌اندازی به بیت‌المال کرد باید با او برخورد کنید. آبرویش را ببرید. اگر کسی زیاده‌خواهی کرد آبرویش را ببرید. البته اجرای عدالت سخت است. ما این را می‌دانیم کسانی بودند در کنار پیامبر(ص) خدمت کردند، شمشیر زدند، در یک مقطعی خادم بودند، حتی مدال گرفتند اما زمانی که اجرای عدالت به میان آمد با شمشیر در برابر عدالت ایستادند. طلحه و زبیر مشهورند در تاریخ! اینها پناه بردند به اشرافیت معاویه و مورد حمایت معاویه قرار گرفتند؛ بنابراین برخورد با آدم‌هایی که دست‌اندازی می‌کنند به بیت‌المال بی‌ادبی نیست. خدا شاهد است من در مناظرات خیلی حرف‌ها را باید می‌زدم فقط بخاطر این‌که شخصیت طرف مناظره آسیب می‌دید من اینها را کنار گذاشتم!»

(*متن پیاده شده از فیلم فرصت ۲۰ دقیقه‌ای صدا و سیما به آقای احمدی‌نژاد*؛ ۲۰ خرداد ۸۸)

آقای احمدی‌نژاد در جشن پیروزی خود در میدان ولی‌عصر تهران در تاریخ ۲۴ خرداد ماه نیز سخنان تأمل‌برانگیزی را بیان کرد. وی در سخنان خود گفت:

«ما می‌گوییم: آقا! خبر داری که پسر فلان آقا توی این مملکت چه کار می‌کند؟! اگر خبر داری و سکوت می‌کنی وای بر ما! و اگر خبر نداری باز هم وای بر ما! همه‌ی ملت می‌دانند که بعضی از اینها چه کار دارند در این کشور انجام می‌دهند!... ممکن است در گوشه و کنار بخواهند اقداماتی انجام بدهند و اجازه ندهند که از مسیر قانونی و مسیر درست، با مفاسد و با مشکلات و با خودبزرگ‌بینی‌ها و خودبرتربینی‌ها برخورد بشود. خواهش من این است خویشتن‌داری، صبر انقلابی، هوشمندی و آرامش را مانند گذشته حفظ بکنید. بعضی‌ها، من می‌دانم عقده‌ی ۲۵ ساله و ۲۰ ساله‌ی آنها از گلوها باز شده است! خواهش می‌کنم خشم انقلابی را مهار کنید، اجازه بدهید اگر بناست تغییراتی بشود از مسیر خودش، جابجایی‌ها از مسیر خودش. اما من اعلام می‌کنم که در نصب همکاران، در انتخاب همکاران توصیه‌ی هیچ یک از این ارکان قدرت و ثروت را نخواهم پذیرفت. به فضل الهی در برابر همه‌ی زیاده‌خواهی‌ها در کنار شما خواهیم ایستاد. من می‌خواهم خدمتتان عرض کنم این پیمان بین بنده و شماست. چهار سال شرایطی بود، امروز شرایط عوض شده است! این عهدی است از جانب بنده به شما ملت عزیز؛ اگر از این به بعد کسانی بخواهند در برابر اجرای خواست شما، استیفای حقوق ملت، برداشتن موانع، بایستند بنده به فضل الهی آنها را به ملت بزرگ معرفی خواهم کرد. بدانید در آغاز راه عزت هستیم.»

(*متن پیاده شده از فیلم جشن پیروزی آقای احمدی‌نژاد در میدان ولی‌عصر(عج) تهران*؛ ۲۴ خرداد ۸۸)

ششمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری با اشاره به فرازی از سخنان رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز عید سعید فطر تصریح کرد:

ایشان فضای تهمت و مشاجرات را محکوم کردند[1] که نشانه‌ی توجه به نقطه‌ی

---

۱. مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۶ شهریور ماه در خطبه‌های نماز عید فطر فرمودند:

«به اخلاق خودمان هم برسیم. اخلاق اهمیتش از عمل هم بیشتر است. فضای جامعه را فضای برادری مهربانی حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم با این‌که فضای جامعه را فضای سوءظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. این‌که متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاه های گوناگون ارتباطی ـ که امروز روزبه‌روز هم بیشتر و گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود ـ روشی را در پیش گرفته‌اند برای متهم کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک می‌کند، فضای زندگی ما را ظلمانی می‌کند. هیچ منافات ندارد که گنهکار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه‌ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات به خیالات همین جا من این را هم بگویم: این‌که در دادگاه‌ها ـ که در تلویزیون هم پخش می‌شد ـ از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته می‌شود، من این را بگویم که این، شرعاً حجیت ندارد. بله، متهم هرچه درباره‌ی خود در دادگاه بگوید، این حجت است. این‌که بگویند در دادگاه درباره ی خودش اگر اعترافی کرد، حجت نیست، این حرف مهملی است، حرف بی ارزشی است؛ نه! هر اقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در یک دادگاه در مقابل دوربین، در مقابل بینندگان میلیونی که متهم علیه خود بکند، این اعتراف مسموع است، مقبول است، نافذ است؛ اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست. فضا را نباید از تهمت و از گمان سوء پر کرد. قرآن کریم می‌فرماید: «لولا اذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خیراً»؛ وقتی می‌شنوید که یکی را متهم می‌کنند، چرا به همدیگر حسن ظن ندارید؟ تکلیف دستگاه اجرایی و قضایی به جای خود محفوظ است. دستگاه‌های اجرایی باید مجرم را تعقیب کنند، دستگاه‌های قضایی باید مجرم را محکوم و مجازات کنند؛ با همان روشی که ثابت می‌شود و در قوانین اسلامی و قوانین عرفی ما هست و هیچ هم در این زمینه نباید کوتاه بیایند؛ اما مجازات مجرم که از طرق قانونی جرم او ثابت شده است، غیر از این است که به گمان، به خیال به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم. این‌که نمی‌شود. این فضا، فضای درستی نیست. یا دیگران ـ خارجی ها، بیگانه‌ها، تلویزیون‌های مغرض ـ علیه کسی یا کسانی حرفی بزنند، ادعا کنند که اینها فلان جا خیانت کردند، فلان جا خطا کردند؛ ما هم عین همان را پخش کنیم. این، ظلم است؛ این، مورد قبول نیست. رسانه های بیگانه کِی دلشان برای ما سوخته است؟ کِی خواسته‌اند حقایق در مورد ما روشن بشود، که در این مورد بیایند حقیقت را گفته باشند؟ می‌گویند، حرف‌هایی می‌زنند، ادعاهایی می‌کنند. نباید گفت اینها شفافیت است. این، شفافیت نیست؛ این، کدر کردن فضاست. شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم بکنند؛ اما این‌که ما بیاییم این و آن را بدون این‌که اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهایی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم؛ این آن را متهم کند، آن این را متهم کند؛ از رسانه‌ی بیگانه ـ رسانه‌ی مغرض انگلیس ـ شاهد برایش بیاوریم، بعد هم یک نفر از آن طرف پیدا بشود و کل نظام را به اموری که شایسته‌ی نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شأنش بسیار بالاتر است از این چیزهایی که بعضی به نظام اسلامی نسبت می‌دهند، متهم بکند، این اشکال بر آنها بیشتر هم وارد است. تهمت زدن به یک شخص گناه است، تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگتری است. پروردگارا! با تقوای خود ما را از این گناهان دور کن.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۶ شهریور ۸۸)

چرکینی است که باعث می‌شود دل‌ها را دور کند. همه توجه کنند که فضای «تهمت» و ایجاد «ناامنی فکری» برای دیگران و «آلوده کردن فضا به بدبینی» منجر می‌شود که مانند خوره همه چیز را می‌خورد. همه‌ی ما، مسئولان و تریبون‌داران باید به این موارد توجه کنیم تا فضا بیش از این آلوده نشود.[۱]

وی همچنین ضمن تأکید بر ضرورت دوری از «مکر»، «فریب»، «نیرنگ» و «دروغ» در جامعه گفت:

صداقت و رفاقت و پرهیز از فریب‌کاری نیاز امروز جامعه است.[۲]

وی در تاریخ دوم مهر ماه در مراسم تجدید میثاق نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با آرمان‌های امام خمینی(ره) با اشاره به اهانت‌ها و توهین‌های مکرر به بیت امام(ره)[۳]، گفت:

امروز به بیت امام(ره) و به شخص امام ـ که اینها نباید از انقلاب جدا بشوند ـ حمله می‌شود. اگر روزی کسانی به خود اجازه بدهند که این بیت را و این آثار امام و یادگاران امام را از انقلاب جدا کنند و بین انقلاب و آنها فاصله بیاندازند، بزرگ‌ترین خیانت را مرتکب می‌شوند.[۴]

وی با بیان این‌که مجموعه‌ی آثار، افکار و بیت امام(ره) پایه‌ی اصلی تحقق انقلاب بودند، گفت:

ان‌شاءالله این مجموعه در آینده شکوفایی‌های بیشتری پیدا بکنند. ما واقعاً باید پاسدار این ارزش‌ها باشیم و باید بدانیم هر پنجه‌ای که باز می‌شود و به یادگار امام خدشه وارد می‌کند، همه جا سرایت می‌کند.[۵]

وی در تاریخ ۱۴ مهر ماه نیز در دیدار جمعی از اعضای «فراکسیون روحانیون اصول‌گرای مجلس شورای اسلامی» با ارائه‌ی تحلیلی از برخی تحولات قبل و بعد

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸

۲. همان

۳. در طول حیات دولت‌های نهم و دهم، برخی از افراد و رسانه‌های حامی دولت، راه اهانت به حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی (نوه‌ی امام خمینی(ره)) و برخی افراد دیگر از بیت امام را پیمودند.

۴. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۴ مهر ۸۸

۵. همان

از انتخابات و اشاره به بعضی از مصادیق اختلاف‌افکن، ترویج فضای «شایعه‌سازی»، «تهمت»، «افترا» و «تخریب» توسط برخی محافل و رسانه‌ها را آفت تحقق وحدت ملی و اعتماد و اطمینان در جامعه توصیف کرد.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ آذرماه نیز در دیدار جمعی از «فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، در پاسخ به آنچه از آن به سکوت وی در جریانات اخیر تعبیر می‌شد، به فضاسازی این جریان در عدم تحمل سخنان مخالف اشاره کرد و گفت:

> درباره‌ی این‌که گفتید چرا ساکتم؟ باید بگویم به آن معنا ساکت نیستم. شرایط کشور به گونه‌ای نیست که من در سخنرانی‌های عمومی مسایل را به صورت صریح مطرح کنم. می‌دانید که همیشه با صراحت حرف می‌زدم، امّا الآن شرایطی است که هر حرفی را که در جهت خودشان نباشد، تحمل نمی‌کنند. عکس‌العمل‌ها هم به گونه‌ای است که مفسده دارد. گاهی خود انسان دچار زحمت می‌شود که اهمیتی ندارد. ولی گاهی از حرف‌ها مفسده‌ای برای جامعه بیرون می‌آید.[۲]

وی در تاریخ ۲۴ آذر ماه، در آستانه‌ی ماه محرم نیز در دیدار «جمعی از روحانیون و وعاظ» نیز گفت:

> منافقین از ابتدای انقلاب تلاش می‌کردند هر شخصیت روحانی که در انحرافات عقیدتی آنها، همراهی‌شان نمی‌کنند را حذف فیزیکی و شخصیتی نمایند و امروز نیز در پوشش‌های دیگر در حال فعالیت هستند.[۳]

وی در اول اسفند ماه در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام بر پرهیز از روحیاتی چون «فحاشی» و «بدنامی» که سمی مهلک در داخل کشور است، تأکید کرد.[۴]

۵. طرد و حذف نیروهای انقلاب

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از دیگر ویژگی‌های این جریان را بی‌توجهی به

---

۱. همان؛ ۱۵ مهر ۸۸
۲. همان؛ ۲۵ آذر ۸۸
۳. همان؛ ۲۶ آذر ۸۸
۴. همان؛ ۲ اسفند ۸۸

بسیاری از نیروهای کارآمد نظام با گرایش‌های مختلف سیاسی و طرد و حذف آنها می‌دانست.

به عنوان نمونه وی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه در دیدار اعضای «شورای مرکزی جمعیت آبادگران جوان»، در پاسخ به سؤالی در مورد تغییرات وسیع و مکرر مدیران و کارشناسان در سطوح مختلف سازمانی و اداری، آن را پدیده‌ای نامیمون خواند و با اشاره به این‌که امروزه کشورها و نظام‌های پیشرفته اجازه نمی‌دهند مدیران و کارشناسان زبده و باتجربه به راحتی تغییر یابند، گفت:

> مجمع تشخیص مصلحت در بخش تدوین سیاست‌های کلی امور اداری مصوباتی داشته که در صورت تأیید و ابلاغ مقام رهبری، مدیران و کارشناسان نظام از سطوح خاصی به پایین‌تر به راحتی قابل تغییر و برکناری نباشند.[۱]

وی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه نیز در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی گفت:

> از اول که انقلاب اسلامی پیروز شد کادری از نیروهای اسلامی نداشتیم. به تدریج در میدان عمل کادرهایی ساخته شدند و این کادرها خیلی زیاد و نیروهای خوبی هستند. در دوره‌ی جنگ، سازندگی، در دانشگاه‌ها، میدان کار، صنعت، کشاورزی، همه‌جا کادرهای خوبی به وجود آمد. البته متأسفانه بخشی از این نیروها در سال‌های اخیر به نحوی متفرق و خیلی از آنها خانه‌نشین شده‌اند. معنایش این نیست که اینها نیستند. اینها هستند و عاشق‌تر از گذشته می‌خواهند خدمت بکنند. البته جوان‌هایی هم به تدریج دارند وارد می‌شوند که آنها شاید از لحاظ علمی پیشرفته‌تر از گذشته‌ها باشند ولی تجربه‌ی این دوران سخت برای این جوان‌ها سرمایه‌ی دیگری است غیر از دانش‌شان که باید پخته‌تر بشوند. من واقعاً کمبود نیرو در کشور نمی‌بینم.[۲] شما ممکن است بگویید که خوب از اینها

---

۱. همان؛ ۲۱ اردیبهشت ۸۸

۲. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اواخر دوران ریاست جمهوری خود در مهر ماه ۱۳۷۵ نیز در پاسخ به این پرسش که «اکنون که اکثریت مردم می‌خواهند حضرتعالی در دوره‌ی آینده هم رییس جمهور باشید آیا شما خواسته‌ی مردم را خواهید پذیرفت؟» گفت:

«اولاً چنین اکثریتی به نظرم ادعاست و اگر هم باشد من مصلحت نمی‌دانم بپذیرم. با توجه به مجموعه شرایطی که در کشور هست من مصلحت می‌دانم که به قانون اساسی دست نزنیم و میدان را برای بروز چهره‌های جدید باز بگذاریم. ما حتماً در بین شخصیت‌هایمان آدم‌های قادر صالح مدیر و مدبر زیاد

استفاده نمی‌شود. ما وقتی چشم‌انداز را می‌نوشتیم، فکر نمی‌کردیم روزی بیاید که از اینها استفاده نکنند... نگران چنین پدیده‌ای هستیم. البته یک مقدار طبیعی است همان‌طور که عمر افراد زیاد می‌شود سن‌ّشان بالا می‌رود، بازنشسته می‌شوند و یا از کار می‌افتند. طبعاً یک سری از مدیران از میدان در می‌روند ولی معنای یک جامعه‌ی زنده این است که به جای آنها افراد پیشرفته‌تر را وارد میدان می‌کنند. اینها هم که یک دفعه از بین نمی‌روند به تدریج اتفاق می‌افتد. ولی اگر خودمان به دست خودمان اینها را از صحنه بیرون کنیم خوب این یک ظلمی است که هم به مردم و هم به مدیران و هم مایه‌ی یأس و رخوت در جامعه می‌شود. این یک پدیده‌ی بدی است که باید جلوی آن گرفته شود.[1]

وی در تاریخ اول اسفند ماه نیز در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، به انتقاد از روحیه‌ی «طرد» و «حذف» پرداخته، آن‌را سمی مهلک در داخل کشور خواند.[2]

۶. ایجاد زمینه برای سوء استفاده‌ی ضد انقلاب

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یکی دیگر از ویژگی‌های این جریان را انجام رفتارهای افراطی و خودسرانه‌ای می‌دانست که زمینه‌ی سوء استفاده‌ی دشمنان و ضد انقلاب جهت ضربه زدن به اسلام، انقلاب و رهبری را فراهم می‌آورد.

به عنوان نمونه وی در تاریخ چهارم مرداد ماه در دیدار جمعی از «اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران» با ابراز تأسف از فراهم شدن بهانه برای دشمنان

داریم. بالاخره افرادی می‌آیند و اطمینان مردم را جلب می‌کنند. بالاخره روزی باید این تحول پیدا بشود؛ جابجایی مدیریت پیش بیابد. بهتر این است که همین موقع باشد که من هنوز امکان کمک دارم و می‌توانم کمک بکنم و برای این‌که مدیر بعدی موفق بشود این کار را خواهم کرد. مردم خیالشان راحت خواهد شد که دیگر انقلاب و ایران با تکیه بر یک نفر و دو نفر و پنج نفر نیست که این دریای انسان‌ها از خودش شخصیت‌های مناسبی را حتماً تحویل می‌دهد و بنده هیچ نگرانی ندارم و لازم نمی‌دانم و موافق هم نیستم که این تغییر قانون اساسی اتفاق بیفتد و ان‌شاءالله که نخواهد بود. من تا زنده‌ام و تا نفس می‌کشم برای انقلاب نفس می‌کشم و تا می‌توانم یک حرکتی بکنم برای اسلام و انقلاب حرکت می‌کنم و شکی نداشته باشید. من حاضرم در هر سمتی به انقلاب خدمت بکنم یعنی اگر فردا لازم باشد که مثلاً من استاندار یک استان هم بشوم می‌آیم تا مشکلات آنجا را حل بکنم و این مشکل نخواهد بود.»

(همان؛ ۱۸ مهر ۷۵)

۱. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

۲. همان؛ ۲ اسفند ۸۸

خارجی انقلاب و سم‌پاشی رسانه‌های وابسته به آنان برای زیر سؤال بردن دستاوردهای انقلاب اسلامی و مدیریت کشور گفت:

اشتباه یک حزب، فرد، گروه و جریان قابل جبران است ولی اگر انقلاب و نظام خدای ناکرده زیر سؤال برود، اصلاح آن مشکل خواهد بود.[1]

وی در تاریخ دوم مهر ماه در مراسم تجدید میثاق نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با آرمان‌های امام خمینی(ره) با تأکید بر حفظ انقلاب اسلامی به عنوان هدیه‌ای الهی گفت:

به نظر می‌رسد کسانی‌که از روز اول با این انقلاب سرسازگاری نداشتند و راه امام را نمی‌پسندیدند و مخالف بودند و همچنین قدرت‌های استعماری که فهمیده بودند که چه عامل بزرگی وارد تاریخ شده است، فرصت پیدا کردند تا دست‌آوردهای ملت ایران را مخدوش کنند.[2]

وی در تاریخ ۲۹ آذر ماه در دیدار جمعی از «استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها» و جمعی از «مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم» که به مناسبت هفته‌ی وحدت حوزه و دانشگاه انجام شد با دفاع از ساختار و ماهیت نظام اسلامی تصریح کرد:

برخی عملکردها در طول سالیان گذشته باعث شده که رسانه‌ها و محافل بیگانه با سوء استفاده از اوضاع پیش آمده کارآمدی نظام را نشانه بگیرند و اصل نظام را هدف قرار دهند.[3]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۹ دی‌ماه در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها»، اعتدال و سعه‌ی صدر در همه‌ی امور را اصلی‌ترین نیاز کشور در شرایط فعلی عنوان و تأکید کرد:

افراط و تفریط مهم‌ترین مشکل کشور است و دلسوزان اسلام، انقلاب و نظام باید برای آن چاره‌اندیشی کنند.[4]

---

۱. همان؛ ۵ مرداد ۸۸
۲. همان؛ ۴ مهر ۸۸
۳. همان؛ ۳۰ آذر ۸۸
۴. همان

وی در تاریخ سوم بهمن‌ماه در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه» گفت:

پس از پیروزی انقلاب، افراطیون هرگاه زمینه‌ی حضور و فعالیت پیدا کرده‌اند نتایج خوبی را شاهد نبوده‌ایم و اقدامات این‌گونه افراد برای ضد انقلاب جهت ضربه زدن به اسلام، نظام و رهبری فضا ایجاد می‌کرده است.[۱]

۷. ادبیات تنش‌زا در روابط خارجی

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یکی دیگر از ویژگی‌های این جریان را عملکرد تنش‌زای آن در عرصه‌ی بین‌الملل می‌دانست. به عنوان نمونه وی در تاریخ ۲۵ شهریور ماه در مصاحبه با شبکه‌ی خبری العالم با اشاره به روز قدس گفت:

باید بیشتر سعی کنیم که در این راه همراهان بیشتری در دنیا داشته باشیم و این مسأله بستگی به سیاست خارجی و نوع دیپلماسی ما دارد که ان‌شاءالله در این زمینه قوی‌تر عمل شود.[۲]

وی در تاریخ ۲۹ مهر ماه در دیدار «جمعی از فضلا و مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم»، مبانی تدوین شده و ساختار نظام و انقلاب زیر سایه‌ی ارشادات حضرت امامؒ را خوب و صحیح عنوان کرد و گفت:

متأسفانه علی‌رغم مبانی و ظرفیت‌های خوب و صحیحی که در نظام وجود دارد برخی عملکردهای نادرست، دغدغه‌ها و شائبه‌هایی را در اذهان عمومی و بین‌المللی ایجاد کرده است.[۳]

وی در تاریخ ۱۴ دی ماه در دیدار جمعی از «دانشجویان رشته‌ی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب» در پاسخ به این پرسش که علل اقتصادی و سیاسی واگرایی میان ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس چیست؟ تأکید کرد:

پیروزی انقلاب و تأثیر مردمی آن در منطقه، نگرانی‌هایی در برخی حاکمان این کشورها ایجاد کرد و کشورهای غربی نیز برای کاهش خطر رژیم صهیونیستی در

---

۱. همان؛ ۴ بهمن ۸۸

۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۵ شهریور ۸۸، کد خبر: ۱۱۹۰۸۸۰۰۶۰۲۵

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۳۰ مهر ۸۸

> افکار عمومی منطقه به این نگرانی‌ها دامن زدند. جنگ تحمیلی و حمایت برخی از این کشورها از رژیم بعث، روابط میان ایران و برخی این کشورها را دچار مشکل کرد که پس از جنگ در جهت همکاری قدم‌های مثبتی برداشته و نتایج مطلوبی حاصل شد ولی اکنون شاهد روابط مطلوب و قابل قبول نیستیم.[۱]

وی همچنین در تاریخ ۲۶ اسفند ماه در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی خویش ضمن توصیه‌ی کشورهای موسوم به ۵+۱ به کنار گذاشتن خصومت با ایران، و توصیه‌ی دستگاه دیپلماسی کشور به تقویت اعتماد گفت:

> ما هم باید در چارچوب شرایط جهانی به‌گونه‌ای عمل کنیم که سوءظن آنها از بین برود.[۲]

۸. ضعف در عملکرد اقتصادی

هاشمی رفسنجانی از دیگر ویژگی‌های این جریان را کم‌توجهی به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی نظام، کم‌توجهی به اجرای دقیق اصل ۴۴ قانون اساسی و نیز شعارگرایی در مباحثی چون عدالت اجتماعی می‌دانست.

در تاریخ ۲۶ فروردین ماه حجت‌الاسلام والمسلمین علی زادسر متن گفتگوی خود با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را منتشر کرد.[۳] زادسر به نقل از هاشمی درباره‌ی

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۱۵ دی ۸۸

۲. همان؛ ۲۶ اسفند ۸۸، کد خبر: ۲۳۵۰۰۸۸۰۱۲۰۲۶

۳. حجة‌الاسلام والمسلمین زادسر در وب سایت خود نوشت: روز دوازدهم آذرماه ۱۳۸۷ بود که به بهانه‌ی دعوت به همایش سی‌سال قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران، راهی خانه‌ی ملت شدیم و حقیقتاً از بیانات حضرت آیةالله اکبر هاشمی رفسنجانی ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، و حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق‌نوری ریاست محترم بازرسی ویژه دفتر مقام معظم رهبری، استفاده بردیم. بعد از اتمام جلسه ضمن احوال‌پرسی با هاشمی‌رفسنجانی، خدمت حضرت ایشان دو کلمه تقدیم گردید که اگر اجازه بدهند حضوری مطالبی را به صورت صریح و بدون تعارف، در محضرشان مطرح کرده، پاسخ‌های روشن و بی‌پرده‌ی جناب ایشان را، جویا شویم. در تاریخ دوم دی‌ماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و هفت، از دفتر ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، تلفنی خبر دادند که فردا ۱۳۸۷/۱۰/۳، ساعت ۱۱ صبح، وقت ملاقات شما با حضرت حاج‌آقا تنظیم شده است، مطابق زمان تعیین شده، توفیق زیارت ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری، رفیق گردید و بدون وقفه پرسش‌ها و مطالب نویسنده آغاز شد که تا نزدیکی اذان ظهر به طول انجامید، و آنگاه رییس دولت مشهور به سازندگی، هرآنچه را که لازم دیدند پاسخ دادند.

مشکلات اقتصادی کشور نوشت:

> در شرایط فعلی و با توجه به حساسیت فوق‌العاده‌ی کشور در ابعاد داخلی و خارجی، بهتر آن است که من وارد بحث نشوم، اهل سیاست و آنان که سری در کتاب و دعا دارند می‌دانند که من با این اوضاع مخالف هستم و راه حل هم دارم. البته کسی مساعدت و مشاوره‌ای را طالب نشده است و من هم سکوت را ترجیح می‌دهم. ضمناً می‌پذیرم که در گذشته نیز اشکالات اقتصادی و تورمی بوده است، اما هرگز چنین نبوده است.[1]

وی در تاریخ اول اردیبهشت ماه در دیدار اعضای «شورای مرکزی اتحادیه‌ی مراکز آموزش عالی غیردولتی» با اشاره به تأکید سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور بر دانایی‌محوری و رسیدن به قله‌های دانش در منطقه، بهره‌وری در کشور را علی‌رغم وجود امکانات مناسب پایین خواند. وی با تأکید بر این‌که «از نظر مبانی، قوانین، برنامه و چشم‌انداز مشکلی برای توسعه‌ی مراکز آموزش عالی غیردولتی وجود ندارد»، مشکلات و موانع پیش روی این مؤسسات را جدی خواند و گفت:

> مؤسسات غیرانتفاعی در حال حاضر نیاز به حمایت گسترده دارند و در این مسیر دولت و مسئولان اجرایی نباید میان مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی تبعیض قائل شوند.[2]

وی در تاریخ ۳ اردیبهشت ماه در دیدار اعضای «حزب اعتدال و توسعه»، فاصله‌ی کشور با اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز توسعه و سیاست‌های اصل ۴۴ و برنامه‌ی چهارم را نامطلوب بیان کرد.[3]

زادسر همچنین نوشت: آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به این پرسش که «آیا اجازه می‌دهید که بخش‌هایی از فرمایشات امروز حضرت مستطاب عالی و سؤالات این بنده کوچک درگاه پروردگار، قلمی و منتشر بشود؟» گفت: «برای نوشتن مطالبی را که گفتم و انتشار آن‌ها، منعی نمی‌بینم، ولیکن چنانچه قبل از منتشر شدن، آن را ببینم بهتر است» که الحمدلله چنین شد و ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری، متن کامل این پرسش و پاسخ را به انضمام مقدمه و مؤخره آن ملاحظه، و تأیید کردند. (مطالب مربوط به خودشان را منظور است) (*وب سایت علی زادسر جیرفتی*، ۲۶ فروردین۸۸)

۱. همان

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲ اردیبهشت ۸۸

۳. همان؛ ۵ اردیبهشت ۸۸

وی همچنین در تاریخ ۴ اردیبهشت ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران با اشاره به روز کارگر و روز معلم گفت:

کارگران ما از لحاظ فکری و روحی و قناعت و خدمت از بهترین کارگران دنیا هستند. همه می‌دانیم که زندگی کارگری الآن یک زندگی مطلوبی نیست. معاش کارگران روشن است. همه می‌دانیم که در پیروزی انقلاب کارگران نقش اساسی داشتند. کارگران صنعت نفت اگر اعتصاب نمی‌کردند انقلاب به این زودی پیروز نمی‌شد. در دوران دفاع مقدس بنده خودم شاهد بودم که کارگران کارخانه‌شان بمباران می‌شد، حاضر نبودند کارخانه را ترک کنند. شهید داده بودند، تشییع جنازه می‌کردند ولی کارخانه را هم حفظ می‌کردند. از حقوق ناچیزشان بخشی را به جبهه می‌دادند. همراه نیروهایی که به جبهه اعزام می‌کردند کمک‌هایشان را نیز به جبهه می‌فرستادند. تا امروز هم صبورانه ایستاده‌اند. هر روز خبر تعطیل شدن یا راکد شدن کارخانه‌ای را می‌شنوید؛ موجی از بیکاران پدید می‌آید. با این حال کارگران هنوز پشتوانه‌ی نظام هستند. مهم‌تر از این، مسأله‌ی معلمان ماست. ما روز معلم را داریم. معلمان ما شریف‌ترین قشر جامعه‌ی ما هستند. آینده‌ی ما با تلاش معلمان ما تأمین می‌شود و می‌دانیم قشر معلم به یک حقوق بسیار پایین قانع است و کار خودش را می‌کند ولی مطالبات به حقی هم دارند که مطالباتشان تأخیر افتاده است. من نمی‌گویم کسی عمداً می‌خواهد مطالبات اینها را ندهد. شاید نمی‌توانند تنظیم کنند. آنچه که هست این است که ما باید عظمت و اهمیت قشر معلم را بیش از آن‌که رویش تأکید می‌کنیم، تأکید کنیم. ما می‌خواهیم معلمان راضی و قانع باشند. دریافتی معلمان مناسب خدمتشان نیست. آن شاالله این مشکل معلمان حل شود که می‌شود.[۱]

وی در تاریخ ششم اردیبهشت ماه در دیدار محسن رضایی و اعضای «کمیسیون اقتصاد کلان دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام» با بیان این‌که اگر بخواهیم سیاست‌های کلی که با زحمات بسیار به دست می‌آید تأثیر اساسی خود را بگذارد باید به سرعت ابلاغ و اجرایی شود، تصریح کرد:

متأسفانه بخشی از سیاست‌های کلی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ

---

۱. همان

شده است توسط قانون‌گذاران و مجریان شامل مرور زمان می‌شوند و خاصیت خود را از دست می‌دهند.[۱]

وی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه در جمع «دانشجویان دانشگاه آزاد پرند» گفت:

در برنامه‌ی پنج ساله‌ی چهارم نوشته بودیم که از میزان ۸ درصد بهره‌وری ۵/۲ درصد آن را محقق کنیم اما در این چهار سال از آن چه بودیم پایین‌تر آمدیم. این دست زدن ندارد![۲] باید غصه بخورید. اگر در این شرایط بهره‌وری را اصلاح نکنیم، سرمایه‌گذاری در کشور اتفاق نمی‌افتد. چطور است که ما از نظر منابع طبیعی در رتبه‌های دوم و سوم هستیم و از نظر نیروی انسانی هوشمندترین نقطه‌ی دنیا هستیم و خطوط لوله‌ی نفت و گاز و فیبر نوری داریم، هم‌چنین جمعیت دانشجویی عظیمی را دارا هستیم اما باید بنشینیم و غصه بخوریم که چرا بهره‌وری‌مان ضعیف است. این احتیاج به مدیران شایسته‌ای دارد که بتواند از همه چیز به نفع مردم استفاده کند.[۳]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه در دومین نشست هم‌اندیشی مشترک مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه‌ی قضاییه، گفت:

اجرای سیاست‌های کلی نظام قضیه‌ای جدی است و تخلف از آن به هیچ وجه قابل قبول نیست.[۴]

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این‌که معتقدیم این سیاست‌ها خوب عمل نمی‌شود، گفت:

البته کسی را متهم نمی‌کنیم اما انصافاً در مقام عمل کمتر به این سیاست‌ها عمل شده است و موارد عمل نشده به آن خیلی زیاد است.

وی با اشاره به سیاست‌های کلی نظام در کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، این وابستگی را به نوعی تخدیر در زندگی تشبیه کرد و گفت:

باید قضاوت کرد بر اساس آمار موجود پس از برنامه‌ی چهارم چقدر به این هدف رسیدیم؛ آیا امروز نسبت به پنج سال پیش کمتر به نفت وابسته هستیم یا این

۱. همان؛ ۷ اردیبهشت ۸۸
۲. پس از بیان این جملات، تعدادی از دانشجویان با دست زدن رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام را تشویق کردند!
۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۹ اردیبهشت ۸۸
۴. همان؛ ۲۴ اردیبهشت ۸۸

وابستگی بیشتر شده است؟ جای تردید نیست که مقدار درآمدی که داشتیم و هزینه کردیم و امروز دیگر نداریم نشان می‌دهد که به درآمدهای بالای نفتی معتاد شده‌ایم. خطر اصلی این است که با راه کجی که با وابستگی بیشتر می‌رویم به توسعه‌ی پایدار نمی‌رسیم. اجرای سیاست‌های کلی نظام حکم شرعی، ملی و قانونی است.

وی با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری بر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی طی پنج سال گفت:

با بررسی‌های کارشناسی در مجمع این زمان به ۱۰ سال افزایش یافت؛ حال باید قضاوت کرد که به چه میزان به این شاخص دست یافته‌ایم.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به این‌که به علت آماده نبودن بخش خصوصی و دولت، زمان واگذاری‌ها و اجرای اصل ۴۴ در مجمع پنج سال در نظر گرفته شد، گفت:

حال قضاوت کنید کدام کارها را دولت انجام می‌داده است که الآن انجام نمی‌دهد؟! آیا این کارها کم شده یا زیادتر شده است؟!

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این‌که مقرر شده بود دو و نیم درصد از هشت درصد رشد کشور از ناحیه‌ی اصلاح و بهره‌وری باشد، گفت:

حال قضاوت کنید که این مسأله محقق شده است یا این‌که در جا زده‌ایم؟ اگر می‌خواهیم به بهره‌وری مناسب در استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های کارخانه و منابع انسانی دست یابیم باید نمونه‌ی دیگر کشورها را ببینیم و بررسی کنیم.

هاشمی رفسنجانی سرمایه‌گذاری را شاخص دیگر سیاست‌های کلی و برنامه‌ی چهارم توسعه خواند و گفت:

به این مسأله هم تأکید فراوان بود و به علت این‌که نتوانستیم به آن دست یابیم ضرر زیادی متحمل شدیم. البته در برخی شاخص‌ها از جمله [شاخص] آموزشی وضعمان بد نیست اما در آن هم به هدف نرسیدیم و اگر در آن هم جلو هستیم به خاطر بخش غیردولتی بود که باید در همه‌ی بخش‌ها این‌گونه می‌شد.

وی در ادامه درباره‌ی لزوم بررسی میزان اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی گفت:

بخش عمده‌ی اصل ۴۴ که موتور اجرای سند چشم‌انداز به شمار می‌رود، واگذاری‌های صدر این اصل در زمینه‌ی نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، ساخت فولاد،

پتروشیمی و راه‌سازی به مردم بود که باید بررسی شود چقدر انجام داده‌ایم.[۱]

وی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه نیز در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی انتخاباتی روزنامه‌ی همشهری گفت:

باید در تأمین عدالت که شاخص‌های بسیار مشخص دارد کارهای اساسی و نه کارهای شعاری و حرف‌های بدون عمل و برای فریب [انجام] شود. اگر شعار باشد، جواب نمی‌دهد و اهداف را معکوس می‌کند... بعضی‌ها فکر می‌کنند باید این کار را با یارانه‌ها و کمک به مردم بکنند، در حالی که واقعیت تأمین اجتماعی این نیست. باید سیستم داشته باشد که اتفاقاً از شغل شروع می‌شود.[۲]

وی همچنین با اشاره به لزوم توجه به اشتغال جوانان گفت:

ثمره‌ی تحصیلات برای دانشجویان اشتغال است. اینها که نمی‌توانند در زندگی آینده کارگر باشند. شاید بشوند اما حق کشور است که در فن تحصیلی خود خدمت کنند تا آنچه را که آموختند به کار گیرند. الآن چنین فضایی در کشور نیست و همه‌ی متخصصین نمی‌توانند جذب تخصص‌های خود شوند. یا جوانان باهوش ایران اختراعاتی دارند که خیلی زیاد است. با مسئولان بین‌المللی اختراعات که صحبت می‌کردم، می‌گفتند: «در مسابقات و نمایشگاه‌ها تعجب می‌کنیم، چون ایرانی‌ها هم رکوردشکنی می‌کنند و هم از همه‌ی کشورها ـ حتی از کشورهای پیشرفته ـ جلوتر هستند.» اما این اختراعات در کشور نمود اجرایی ندارند. کسانی که استعداد داشتند، زحمت کشیدند و سال‌ها کار کردند و کارشان از حدود آزمایشگاه‌ها عبور می‌کند، ولی وقتی قرار است به حدود پایلوت و صنعت برسد، متوقف می‌شود. با این کار جوانان دلسرد و در حقیقت خفه می‌شوند. بعضی‌ها فرار می‌کنند و به خارج می‌روند و بعضی افسرده در کشور می‌مانند و دیگران هم تشویق نمی‌شوند.

وی همچنین با اشاره به بحران اقتصادی جهان افزود:

موج اول این بحران که دامن ما را گرفت. قیمت نفت ۱۳۰ تا ۱۴۰ دلار ما به ۴۰ دلار افت کرده است که اگر محاسبه شود، آثار کوتاه مدت این حالت خیلی روشن است.

در این دو سال به نفت ۱۰۰ دلار و بیشتر عادت کردیم. حتی هزینه کردیم و ذخیره نکردیم. این حالت برای اقتصاد ایران مثل معتادی است که در این

---

۱. همان

۲. روزنامه همشهری؛ ویژه‌نامه‌ی انتخاباتی، ۳۰ اردیبهشت ۸۸

شرایط نیاز به رفع اعتیاد دارد. از طرف دیگر موج بسیاری از مسائلی که به خاطر این بحران در اطراف ما در حال وقوع است، ما را هم خواهد گرفت. تأثیرات آن در مرحله‌ی دوم بحران است. الآن که قیمت این‌گونه شد، مطمئناً روی صنایع، اشتغال و ضرورت‌های زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد که آثار بعدی آن خیلی مهم است و این موج اول است و برای ما به خاطر این‌که یک ثروت خدادادی داریم و هنوز هم بخشی از آن را داریم، تا حدودی قابل تحمل است. ولی وقتی آثار امواج دوم و سوم پیدا شود، مهارت مهار این بحران در سال‌های اول دهه‌ی چهارم خیلی مهم است.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۰ خرداد ماه در دیدار جمعی از نخبگان «مرکز اندیشه‌ی ولایت»، انحراف از برنامه‌ها و سیاست‌های کلی کشور را موجب اتلاف منابع مادی و معنوی دانست.[2]

وی در تاریخ ۱۷ خرداد ماه در دیدار اعضای «هیأت مدیره‌ی تعاونی مرغ‌داران» نیز تأکید کرد:

طبق برنامه‌ی چهارم می‌بایست توجه ویژه‌ای به صنعت و کشاورزی مبذول می‌شد اما این دو بخش مورد غفلت قرار گرفته و به همین خاطر مشکلات عدیده‌ای برای صنایع ما به وجود آمده است.[3]

وی صنعت مرغ‌داری را دارای ظرفیت‌های فراوان تولیدی و صادراتی خواند و گفت:

امروزه مرغ‌داران کشور به‌خاطر عدم حمایت از سوی مراجع ذی‌صلاح صدمات بسیاری را متحمل می‌شوند.[4]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۳۱ شهریور ماه طی سخنانی در مراسم افتتاحیه‌ی ششمین اجلاسیه از چهارمین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری به وضعیت فعلی جامعه به‌خصوص مسائل اقتصادی اشاره کرد و خطاب به مسئولان ذی‌ربط گفت:

باید بیش از پیش کار کنید. ما مشکلات زیادی در کشور به خصوص در

---

۱. همان

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۱ خرداد ۸۸

۳. همان؛ ۱۸ خرداد ۸۸

٤. همان

عرصه‌ی اقتصادی داریم و باید این مسایل حل شود.[۱]

وی با انتقاد از واردات بی‌رویه به کشور، خاطرنشان کرد:

واردات فوق‌العاده، مشکلات زیادی را برای ما و به خصوص مولدها ایجاد کرده که جای نگرانی دارد و با افت ۵۰ درصد درآمد نفتی مشکلات ما اضافه می‌شود.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۱۲ مهر ماه در دیدار اعضای «هیأت مدیره‌ی انجمن و جمعی از ناشنوایان ایران» گفت:

اگر مصوبه‌ی جذب سه درصد کارکنان بخش‌های مختلف، از معلولان به طرز صحیح و مناسبی اجرا می‌شد، امروز دیگر شاهد بیکاری این قشر از جامعه نبودیم.[۳]

وی در تاریخ ۲۵ آبان ماه در دیدار جمعی از اعضای «اتحادیه‌ی صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی»، استفاده‌ی بی‌رویه از منابع نفتی برای هزینه‌های جاری را به ضرر آیندگان دانست.[۴]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۹ آذر ماه در دیدار جمعی از «اساتید دانشگاه امیرکبیر»، غفلت در دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی کشور را خسرانی جبران‌ناپذیر برای کشور، نظام و انقلاب خواند.[۵]

وی در تاریخ ۱۲ آذر ماه در جوار بارگاه امام رضا علیه‌السلام از رکودی که در بخش‌های مختلف صنعت به خصوص در بخش‌های قند، شکر و چغندر شاهد آن هستیم، انتقاد کرد.[۶]

وی در تاریخ ۱۴ دی ماه در پیامی به اجلاس مرکزی همایش‌های منطقه‌ای «سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴» ضمن تأکید بر رفع موانع اجرایی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی نظام به عنوان وظیفه‌ای شرعی و ملی خواستار تسریع در رسیدن جمهوری اسلامی

---

۱. همان؛ ۱ مهر ۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۱۳ مهر ۸۸
۴. همان؛ ۲۶ آبان ۸۸
۵. همان؛ ۱۰ آذر ۸۸
۶. *خبرگزاری ایلنا*؛ ۱۲ آذر ۸۸، کد خبر : ۹۳۷۴۹

ایران به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه شد.

وی با اشاره به این‌که تدوین آیین‌نامه‌های نظارتی و تعیین شاخص‌ها هنوز در میانه‌ی راه است، تصریح کرد:

> اینک این چشم‌انداز به عنوان یک سند ملی و مکمّل قانون اساسی در دست ماست که مانند هر پدیده‌ی نوظهور اولاً برای جامعه حتی برای بعضی از نخبگان غریب است و ثانیاً موافقان و مخالفان پر و پا قرصی دارد که می‌توانند حرکت آن را کند، متوقف حتی معکوس یا عقب‌گرد کنند.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ دی ماه در دیدار جمعی از «دانشجویان رشته‌ی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب» در پاسخ به سؤالی درخصوص نحوه‌ی استفاده‌ی بهینه از درآمدهای نفتی از عدم تحقق سیاست های کلی نظام مبنی بر منقطع شدن هزینه‌ی جاری کشور ــ ظرف ۱۰ سال ـ از درآمدهای نفتی خبر داد.[۲]

وی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه نیز در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی اعلام کرد که:

> نزدیک به پنج سال از عمر سند چشم‌انداز گذشته و در این پنج سال جدی گرفته نشده است.[۳]

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۵ دی ۱۳۸۸

۲. همان

۳. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

مرزبندی با دشمن و نفی اقدامات ساختارشکنانه

علی‌رغم آن‌که حضور ۸۵ درصدی مردم در انتخابات ریاست جمهوری می‌توانست سبب عزت و افتخاری ملی برای کشور باشد اما حوادث قبل و پس از این انتخابات موجبات سوء استفاده‌ی دشمنان در جهت تخریب نظام اسلامی، هتک حیثیت آن و به حاشیه راندن این افتخار عظیم را فراهم آورد.

در این میان یکی از روش‌های دشمن، غبارآلود کردن فضای سیاسی کشور از طریق حمایت دروغین از برخی نامزدها، شخصیت‌های معترض و حامیان آنها[1] در جهت دشمنی با اصل نظام و پی‌گیری هم‌زمان مسایلی چون تحریم و تهدید ایران به حمله‌ی

---

۱. مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۶ خرداد ۸۸ در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات فرمودند:
«این تخریب‌هایی که انجام می‌گیرد، این کارهای زشتی که انجام می‌گیرد، بعضاً جنایاتی که واقع می‌شود، مربوط به هیچ‌کدام از این اطراف قضیه نیست؛ این مربوط به مردم نیست، مربوط به نامزدها نیست؛ مربوط به خرابکارهاست، مربوط به اخلال‌گرهاست. نبادا کسی توهم کند و تصور بکند که این مربوط به این است که اینها طرفدار فلان نامزدند؛ نه! اینها مثل همان کسانی هستند که اختلافات مذهبی را بین مسلمان‌ها راه می‌اندازند که ما مکرر گفته‌ایم اینها نه سنی‌اند، نه شیعه؛ شیعه را علیه سنی، سنی را علیه شیعه تحریک می‌کنند، و در وضع اتحاد جامعه‌ی عظیم ما هم همین جور است. کسانی که یک طرف را علیه یک طرف تحریک می‌کنند، کارهایی می‌کنند به عنوان طرفداری از یک جهت، در حالی که حقیقتاً طرفداری از او نیست؛ اینها نه از این طرفند، نه از آن طرف. اینها کسانی هستند که با اصل نظام مخالفند، با آرامش کشور مخالفند، طرفدار تشنجند، طرفدار اغتشاشند، می‌خواهند آرامش نباشد. هر کس سر کار باشد، اگر نتایج انتخابات غیر از این هم می‌شد، بنده به طور اطمینان می‌توانم عرض بکنم که باز این‌جور حوادثی دیده می‌شد، باز این حوادث پیش می‌آمد، برای این‌که اصلاً آرامش در کشور نباشد. آنها امنیت کشور را و آرامش کشور را هدف گرفته‌اند و می‌خواهند این را از بین ببرند.»
(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۶ خرداد ۸۸)

نظامی به بهانه‌ی موضوعاتی چون امکان دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، عدم رعایت حقوق بشر، حمایت از تروریسم، نقض دموکراسی و... بود.

در این فضا آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ضمن اعتقاد به این‌که «آنهایی که به عنوان معترض یا منتقد در خیابان‌ها آمدند و صحبت کردند، اکثریت قاطع‌شان وفادار به نظام هستند. یعنی جمهوری اسلامی و قانون اساسی را با همه‌ی موازین آن قبول دارند»[1]، در مواضع متعددی علاوه بر مرزبندی با دشمن، معترضان به نتایج انتخابات[2] را به خودداری از اقدامات و روش‌های ساختارشکنانه توصیه کرد. ما در ادامه به گزارش این مواضع می‌پردازیم.

۱. مواضع صریح علیه دشمنان

اشاره به عقده‌های چندین ساله‌ی دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی، دعوت از مردم برای حضور حداکثری در انتخابات ریاست جمهوری در جهت خلاف خواسته‌ی دشمنان انقلاب اسلامی و ضد انقلاب داخلی و خارجی، دفاع از حقوق هسته‌ای

---

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آخرین روزهای سال ۱۳۸۸ به مناسبت آغاز سال جدید و در استقبال از ۱۲ فروردین ماه (سالروز پیروزی انقلاب اسلامی) در مصاحبه‌ای با پایگاه اطلاع‌رسانی خود گفت:
«آنهایی که الآن به عنوان معترض یا منتقد در خیابان‌ها آمدند و صحبت کردند اکثریت قاطع‌شان وفادار به نظام هستند. یعنی جمهوری اسلامی و قانون اساسی را با همه‌ی موازین آن قبول دارند. بله! گروه‌هایی هم در میان اینها شعارهای دیگری می‌دهند و خواسته‌ی دیگری دارند. از این جهت شاید شبیه همان زمان [سال ۱۳۵۸] باشد. آن زمان هم اگر یادتان باشد وقتی که دریای مردم به طرف میدان آزادی می‌رفت، اکثریت راه امام را داشتند و همین استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را می‌خواستند. عده‌ی معدودی هم بودند که پلاکاردهای محدود حزبی و فرقه‌ای خودشان را داشتند، کسی هم مخالفت نمی‌کرد. بعد از انقلاب هم بودند. در انتخاباتی که حق حضور داشتند، شرکت کردند و فهمیدند که آرایشان محدود است. به نظرم از این جهت حالا هم همین‌طور است. اکثریت جمهوری اسلامی را می‌خواهند و اعتراض آنها هم از انتخابات شروع شد که این اعتراض در واقع یک نوع اصلاح است ولی با اصل مخالفتی ندارند.» (ر.ک: ***پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی***؛ ۲۸ اسفند ۸۸)

۲. بنا بر اعلام وزارت کشور در تاریخ ۲۶ خرداد ماه، میزان آرای مأخوذه داخل و خارج کشور به شرح زیر بود: آرای صحیح ۳۸۹۵۱۰۴۳ رأی، باطله مأخوذه ۴۲۰۱۷۱ رأی و کل آرای مأخوذه ۳۹۳۷۱۲۱۴ رأی بود. همچنین وزارت کشور آرای مأخوذه‌ی کاندیداها را به این شرح اعلام کرد: دکتر محمود احمدی‌نژاد ۲۴۵۹۲۷۹۳ رأی، مهندس میرحسین موسوی ۱۳۳۳۸۱۲۱ رأی، دکتر محسن رضایی ۶۸۱۸۵۱ رأی و حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی ۳۳۸۲۷۸ رأی.

ایران، محکومیت سخنانی چون نقض دموکراسی و حقوق بشر در ایران، بی‌اثر نامیدن تهدیدها و تحریم‌های خارجی، محکومیت تصویب بودجه در آمریکا برای کمک به مخالفین نظام، محکوم کردن فرانسه بخاطر پذیرفتن سازمان مجاهدین خلق، تصریح بر عدم پاسخ‌گویی به پرسش خبرنگار خارجی درباره‌ی اختلافات داخلی و مسایل مربوط به انتخابات ریاست جمهوری ایران، تصریح بر وجود مرزبندی واقعی میان وفاداران انقلاب و ساختارشکنان در حوادث پس از انتخابات، اعلام لزوم حفظ وحدت نیروهای داخلی در برابر تهدیدات دشمنان انقلاب، تذکر مستقیم به سفرای کشورهای آلمان، سوییس و سوئد و انتقاد از کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و... به علت ظلم به ایران و نادیده گرفتن حقوق کشورمان نمونه‌هایی از مرزبندی صریح آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با دشمنان نظام اسلامی بود.

وی ابتدا در تاریخ ۷ فروردین ماه در اولین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی تهران در سال ۱۳۸۸ به بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص رابطه با امریکا اشاره کرد و گفت:

[رییس جمهور آمریکا در] پیامی ویدئویی و نه رسمی و با ارسال، صادر کرد که بخش عمده‌ی آن مربوط به ایران بود. اظهار تمایل کرد که با ایران حرف بزنند ولی کلماتی در آن صحبت‌ها بود که دم خروس بود که از زیر ردا بیرون آمده بود. لزومی نداشت. بحث تروریسم را مطرح کردند، بحث سلاح و سلاح هسته‌ای و موشکی را مطرح کردند، اینها باید در مذاکره بحث شود. رهبری خوب جواب دادند. گفتند ما تا اینجا تغییری در حرکات و عمل آمریکا نمی‌بینیم. همان وضع سابق است منتهی با ادبیات متفاوت. این حرف کاملاً درست است. حرف امام هم همین بود. حرف همه‌ی ما در طول این ۳۰ سال همین بوده. یادتان هست امام در اوایل انقلاب فرمودند اگر آمریکا آدم شود ما با او مذاکره می‌کنیم.[1] منظور این بود که رویه‌ی انسانی پیش بگیرد. حالت استکباری و زورگویی نداشته باشد. این حرف رهبری و آن حرف امام یک چیز است. تغییری که باید اتفاق بیفتد این است. مسأله‌ی دوم این است که آمریکا

---

۱. امام خمینی(ره) در این رابطه می‌فرمایند: «ما تا آخر ایستاده‌ایم و با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر این که آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد.» (خمینی، روح‌الله؛ *صحیفه امام*؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص ۹۵)

باید حسن نیت نشان بدهد. آمریکا الآن ۴۰،۵۰ سال است که دارد به ایران ظلم می‌کند. قبل از انقلاب، بعد از انقلاب ظلم کرده. آمریکا باید در عمل حسن نیت نشان بدهد. حسن نیت آمریکا این است که اموال مسدود شده‌ی ما را آزاد کند. ایشان فرمودند ما در آمریکا تغییری نمی‌بینیم. تغییر باید در عمل انجام شود. موضع آمریکا موضع جدید نیست.

موضع ما از اول انقلاب این بوده. تبلیغات هم شده است. همه، حرف رهبری را می‌گویند. ملت ما هم حرف رهبری را می‌زند. در مسایل جهانی اگر آنها مرتکب خطایی بشوند ما مخالفت می‌کنیم نظرمان را می‌گوییم. موضع ما را رهبری روشن کردند و همه باید متّفق باشیم.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز ابتدا در تاریخ ۱۸ فروردین ماه در دیدار دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیران کمیسیون‌های این مجمع، با اشاره به سفر اخیرش به کشور عراق گفت:

سفر یک روزه‌ی بوش در آخرین روزهای عمر سیاسی‌اش به عراق با آن افتضاح سیاسی مواجه شد که حاکی از شکست سیاست‌های اشغالگران در عراق است و سفر ۶ روزه‌ی هیأت ایرانی به عراق[۲] حاکی از عمق روابط دوستانه و مودت‌آمیز بین مسئولان و مردم دو کشور است و امیدواریم در آینده بتوانیم از این زمینه‌ی مستعد و مساعد بهتر استفاده کنیم. سایه‌ی تلخی‌های جنگ بین دو کشور کاملاً برطرف شده و اجر مجاهدت‌های امام راحل و رزمندگان و شهدا با تحکیم دوستی و همکاری میان مردم و مسئولان دو کشور ادا شده است.[۳]

وی در تاریخ ۳ اردیبهشت ماه در دیدار اعضای «حزب اعتدال و توسعه» با اشاره به وضعیت کشورهای منطقه به‌ویژه پاکستان، افغانستان و عراق حضور نیروهای خارجی، رشد افراط‌گرایی و تفکرات طالبانی را مشکلی اساسی برای امنیت آینده‌ی منطقه عنوان کرد و گفت:

در مسائل منطقه‌ای و جهانی شرایط ویژه‌ای داریم و با توجه به تهدیداتی که

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۹ فروردین ۸۸

۲. اشاره به سفر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و هیأت همراه در اسفند ماه ۱۳۸۷ به کشور عراق که با دعوت مقامات عراقی انجام شد.

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۹ فروردین ۸۸

وجود دارد نیازمند اتخاذ روش‌ها و سیاست‌های هوشمندانه هستیم و همه‌ی این مسائل اهمیت انتخابات آتی را دو چندان می‌کند.[۱]

وی در چهارم اردیبهشت ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران نیز ضمن اشاره به مواضع اخیر دولت آمریکا گفت:

بحث مذاکرات ایران و ۵+۱ است و مذاکرات ایران و آمریکا جداگانه است. ایران همیشه اعلام کرده که در شرایط مساوی و عادلانه آماده‌ی مذاکره است و از مذاکره هم هیچ وحشتی ندارد.

من آخرین حرفی که شنیدم یک مقداری هم جای تأمل هست اظهاراتی که از آن طرف می‌شنویم حرفی است که خانم کلینتون دیروز در پارلمان گفت. از آن طرف آقای رییس جمهور آمریکا پیام می‌دهند و اعلام آمادگی می‌کنند برای مذاکره. ادبیات پیام هم تا حدودی قابل قبول است گرچه نکته‌ی منفی هم دارد. ولی دیروز ایشان در کمیته‌ی روابط خارجی مجلس آمریکا اخیراً ازش پرسیدند: دارید با ایران چه می‌کنید؟ حرف عجیبی زد. عین حرف‌های بوش! گفت: ما راه مذاکرات را صحیح می‌دانیم، ادامه می‌دهیم. در کنار او هم این یک حرفی است که مقدمات یک تحریم فلج‌کننده و دردناک را برای ایران داریم آماده می‌کنیم! روزنامه یا یک تحلیل‌گر نگفته. یک مسئول سیاست خارجی آمریکا می‌گوید و اگر بناست مذاکره بشود با حرف‌های آقای بوش چه تفاوتی دارد؟ چی تغییر کرده که توقعات زیاد بکنند. من باز اینجا عرض می‌کنم از زمان امام تا به حال همیشه گفته‌ایم اگر آمریکا راه درستی برود حسن نیت نشان بدهد با حسن نیت وارد مذاکره بشود ایران هیچ مشکلی در مذاکره ندارد اما این که حسن نیت نیست که شما بگویید داریم یک حرکت دو شاخه‌ای می‌کنیم! هم آماده‌ی تحریم دردناک می‌شویم و هم مذاکره می‌کنیم! معنای این حرف این است که این مذاکره فقط باید نظر شما را تأمین بکند. غیر از این‌که معنایی ندارد. مذاکره معنایش این است که یک حرفی این طرف دارد یک حرفی آن طرف دارد. مشترک حرف می‌زنند. یک جایی این کوتاه می‌آید، یک جایی آن کوتاه می‌آید تا می‌رسند به نقطه‌ی مشترک. این ادبیات مناسب

---

۱. همان؛ ۵ اردیبهشت ۸۸

چهره‌ای که نشان می‌دهند نیست و این فضایی را که کما بیش در ایران دارد آماده می‌شود را نابود کنند.[1]

وی همچنین با اشاره به برگزاری کنفرانس «دوربان دو»[2] گفت:

۱. همان؛ ۵ اردیبهشت ۸۸

۲. کنفرانس دوربان ۲ به کنفرانس جهانی سازمان ملل علیه نژادپرستی گفته می‌شود که از تاریخ ۲۰ تا ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ در مرکز سازمان ملل در شهر ژنو سوییس برگزار شد. این اجلاس به بررسی برنامه‌ی کاری و بیانیه دوربان، تصویب شده در کنفرانس دوربان در آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۱ پرداخت. این نشست تحت عنوان «علیه نژادپرستی، عزت و عدالت برای همه» برگزار شد و در آن علاوه بر نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل، حدود سه تا چهارهزار سازمان مردم‌نهاد از ده‌ها کشور جهان شرکت داشتند. اهمیت این اجلاس از آن جهت بود که از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل برگزار می‌شد و موضوعات آن مسائلی بود که مورد توجه جهان در حال توسعه است.

اولین اجلاس دوربان با عنوان مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی در سال ۲۰۰۱ میلادی در آفریقای جنوبی برگزار شد و کمیساریای وقت حقوق بشر سازمان ملل متحد سرپرستی و هدایت آن را بر عهده داشت. کشورهای مسلمان و آفریقایی و سازمان‌های مردم‌نهاد آنها با به دست گرفتن ابتکار عمل در اجلاس گذشته سیاست‌های نژادپرستی در سطح جهان را محاکمه کردند و مهم‌ترین مصداق این سیاست‌های ضد انسانی که تنها در اسرائیل یافت می‌شد را به طور گسترده محکوم کردند. این موفقیت دیپلماتیک جهان اسلام و نمایندگان مردمی آن، اسرائیل و حامی اصلی آن یعنی آمریکا را خشمگین کرد و آنها به عنوان اعتراض اجلاس را ترک کردند.

به دنبال این نشست بود که تلاش‌های سازمان ملل و شورای حقوق بشر این سازمان، برای برگزاری اجلاس دیگری از این نوع به چالش کشیده شد و سازمانهای صهیونیستی و مقامات اسرائیلی و آمریکایی از تکرار رخدادهای گذشته در این اجلاس شدند. با این همه مجمع عمومی سازمان ملل تحت فشار کشورهای اسلامی در سال ۲۰۰۶ طی قطعنامه ۶۱/۱۴۹ تصمیم به برگزاری اجلاس دوم دوربان در سال ۲۰۰۹ گرفت و پیگیری برنامه‌ها و مصوبات اجلاس اول دوربان را در دستور کار آن قرار داد.

در این نشست چهار هدف عمده پی‌گیری می‌شد:

۱) ارزیابی پیشرفت اقدامات انجام شده و میزان به‌کارگیری مواضع و برنامه‌های اتخاذ شده در اجلاس دوربان در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه اظهارات و دیدگاه‌هایی که امروزه و در رابطه با نژادپرستی، بیگانه‌ستیزی و تعصب در سطح جهان وجود دارد و بررسی زمینه‌هایی که می‌توان با آنها مبارزه و آنها را ریشه‌کن کرد.

۲) ارزیابی میزان تأثیرگذاری راهکارهای کنونی که در دوربان یک مصوب شد و از سوی سازمان ملل در زمینه‌ی مبارزه با نژادپرستی، تبعیض نژادی و تعصب توصیه شد و میزان تأثیر آنها در صحنه‌ی بین‌الملل.

۳) افزایش تلاش برای تصویب و به‌کارگیری کنوانسیون‌های بین‌المللی برای از بین بردن همه‌ی اشکال تبعیض‌نژادی و بررسی دستورالعمل‌ها و مصوبات کمیته‌ی مقدماتی برای برچیدن کامل تبعیض‌نژادی در جهان.

۴) شناسایی و حمایت از کشورهایی که عملکرد مناسبی در مبارزه با نژادپرستی و تبعیض‌نژادی داشته‌اند.

موضوعات حساس اجلاس بازنگری دوربان که سیاست‌های ضدانسانی را مورد بررسی قرار می‌داد، موجی از نگرانی رسانه‌های صهیونیستی در سراسر جهان را به دنبال داشت.

برخی از کشورها همچون ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا، آلمان، هلند، ایتالیا، اسراییل، نیوزلند، سوئد و

در این کنفرانس، غربی‌ها انصافاً امتحان بدی دادند. مدعیان حقوق بشر ۳۵ سال است که مسأله‌ی حقوق بشر و تبعیض نژادی را در دستور کار آورده‌اند. کنفرانس‌هایی که درباره‌ی آپارتاید در آفریقای جنوبی برقرار می‌شد، «دوربان یک» که چندسال پیش در آفریقای جنوبی برگزار شد، آنجا هم غربی‌ها کوتاه آمدند. دولت‌ها همراهی نکردند. NGO ها خیلی نیرومند آمدند و ضربه‌ی بزرگی بر پیکره‌ی نژادپرستی اسراییل و غربی‌ها زدند. این بار رفتاری که غربی‌ها کردند، معنایش این است که اصلاً عقیده‌ای به مبارزه با نژادپرستی ندارند. فقط شعار می‌دهند. این یک رسوایی است. یک افتضاح است. گرچه آنها یک موج عظیم تبلیغاتی درست کردند که آن‌را گم کنند. اما واقعیت این است که شعار مبارزه با نژادپرستی و حقوق بشرشان اصالت ندارد.[1]

وی در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه در دیدار رییس مجلس نمایندگان بوسنی و هرزگوین با اشاره به مواضع دولت جدید آمریکا در خصوص جمهوری اسلامی ایران در جواب سؤال رییس مجلس بوسنی و هرزگوین گفت:

تغییر عملی در سیاست‌ها و رفتار آمریکایی‌ها نسبت به ایران دیده نشده است.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ سوم خرداد ماه نیز در اولین جشنواره‌ی فرهنگی هنری پایداری ملی (پدافند غیرعامل) گفت:

وقتی بحث از دفاع می‌شود ذهن شما ممکن است به پدافند غیرعامل زمان جنگ

لهستان کنفرانس را تحریم کردند. انگلستان نیز اعلام کرد در اجلاس شرکت خواهد کرد ولی نمایندگان بلندپایه‌ی خود را در اجلاس شرکت نخواهد داد. فرانسه در ابتدا در اجلاس شرکت کرد ولی پس از سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد (رییس جمهور ایران) تصمیم گرفت از اجلاس خارج شود. پیش از اجلاس ناوانتم پیلای کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده بود که همه موضوعات بحث برانگیزی که اشاره به اسراییل، صهیونیسم و خاورمیانه داشته، از بیانیه اجلاس حذف شده است و از همه گروه‌ها خواسته بود که در اجلاس شرکت کنند. رییس جمهور وقت ایران، در روز نخست اجلاس به یک سخنرانی نیم ساعته پرداخت، این سخنرانی با واکنش‌هایی روبه‌رو شد. در ابتدای سخنرانی، یک گروه دانشجوی یهودی فرانسوی که لباس دلقک‌ها را به تن داشتند، سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد را با سر دادن شعار مختل کردند، اما نیروهای امنیتی بلافاصله آنها را از محل نشست به بیرون هدایت کردند. دکتر احمدی‌نژاد در سخنانش به کشور اسرائیل به شدت حمله کرد و در ادامه خواهان تغییر فوری در ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد شد. در واکنش به این سخنان گروهی از دیپلمات‌های حاضر در نشست جلسه را به نشانه‌ی اعتراض ترک کردند.

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ اردیبهشت ۸۸

۲. همان؛ ۱۶ اردیبهشت ۸۸

برود اما این فراتر از آن است. در زمان جنگ پدافند غیرعامل شامل حفاظت‌های فیزیکی بود اما آیه‌ی قرآن تنها این را نمی‌گوید بلکه وسیع‌تر از آن را بحث می‌کند و من به عنوان یک طلبه‌ی اسلام‌شناس می‌گویم که این دستور مربوط به آمادگی در همه‌ی زمینه‌هاست و بهترین تفسیر، تفسیر با واقعیات روز است. ما امروز باید برای همه چیز آماده باشیم و درباره‌ی این‌که چگونه می‌توان چنین آمادگی را داشت یا این امر هزینه‌بر است یا خیر؟ باید بگوییم که این کار پرهزینه نیست بلکه به نوعی یک عامل صرفه‌جویی در درازمدت است. زمان پیامبر نیز آنچه مطرح بود آماده شدن در برابر دشمنان خدا و دشمنان نوپای اسلام بود. اما در زمان ما این آمادگی صرفاً در برابر تهدیدات نظامی نیست آمادگی نظامی بخش ویژه‌ای دارد که مربوط به نیروهای مسلح است. منظور ما آمادگی در همه‌ی زمینه‌هاست؛ یعنی از لحاظ روحیه‌ی جامعه دفاعی و فرهنگی باید آماده باشیم؛ چون در این زمینه همه در خطر هستند و ما باید وسیع‌تر فکر کنیم؛ یعنی اگر روزی خطر سیل امراض عمومی، ویروس‌ها و غیره ایجاد شود هم مشمول این نوع آمادگی خواهد بود و اگر آمادگی در این سطح وسیع وجود داشته باشد، جامعه‌ای آسیب‌ناپذیر یا کم‌آسیب‌پذیر و به حالت استقرار و پیشرفت خواهیم داشت؛ چنین جامعه‌ای می‌تواند برنامه‌هایی درازمدت داشته باشد. ما به سمت برنامه‌های بلندمدت می‌رویم و چشمانمان افق‌های دور را می‌بیند. سؤالی که پیش می‌آید این است که در این مرحله دشمنان چه کسی هستند؟ در زمان پیامبر(ص) دشمنان مشخص بودند اما در همان زمان هم قرآن می‌فرماید دشمنانی هستند که شما آنها را نمی‌بینید. در قرآن بیش از این توضیح داده نشده اما تطبیق این امر با واقعیات امروز نشان می‌دهد که این دشمنان در هر مقطع زمانی می‌توانند وجود داشته باشند و شاید امروز خود را در قالب بمب‌های هسته‌ای، ویروس‌ها و غیره نشان می‌دهند. امروز ابزار بیشتری در اختیار بشر قرار دارد و می‌تواند در یک جا خشک‌سالی ایجاد کند و در جای دیگر سیل راه بیندازد. یا این‌که در زمان پیامبر اگر قرار بود فردی جاسوسی کند می‌توانست به مسجد پیغمبر برود و کار خود را انجام دهد اما امروز ماهواره‌هایی که در فضا پرواز می‌کنند، می‌توانند تمام اعمال ما را زیر نظر داشته باشند و اینجا مهم است که پدافند غیرعامل داشته باشیم.[1]

---

۱. همان؛ ۴ خرداد ماه ۸۸

وی همچنین با تأکید بر اهمیت توجه به جنگ روانی به عنوان یکی از جنگ‌های دشمن اظهار داشت:

جنگ روانی می‌تواند یک کشور را به راحتی از پا درآورد. در زمان فروپاشی شوروی ظرف چند روز تلویزیون‌ها و ماهواره‌ها از داخل، جامعه‌ی شوروی را با جنگ روانی منهدم کردند و این جامعه از هم پاشید و به جای آن یلتسین روی کار آمد که دیدیم چه مسائلی را ایجاد کرد. ما الآن از ماهواره، اینترنت و دیگر چیزها می‌توانیم آسیب‌پذیر باشیم و فردا از چیزهای دیگر. بنابراین یک جامعه‌ی پیشرفته باید همه چیز را پیش‌بینی کرده و آماده باشد و جنگ روانی یکی از آن مسائلی است که باید آمادگی آن را داشته باشیم.

در زمان جنگ‌های پیامبر در روایات هست که به مسلمانان دستور داده می‌شد رنگ موهایشان را عوض کنند تا دشمن فکر نکند آنها پیر و فرسوده هستند. این یک نوع پدافند غیرعامل است. البته در آن زمان عده‌ای می‌گفتند برای این کار پولی نداریم و خداوند نیز در قرآن فرمود اگر چیزی را خرج کردید به شما برمی‌گردد و هزینه‌های شما تبدیل به درآمد می‌شود؛ این کار واقعاً یک کار اقتصادی است.

وی همچنین با بیان این‌که اگر پدافند غیرعامل را درست برای مردم تعریف کنید کاری بسیار مثبت است، ادامه داد:

ممکن است این برداشت هم صورت بگیرد که ما می‌خواهیم تهاجمی عمل کنیم اما این‌گونه نیست. خداوند در قرآن می‌فرماید اگر طرف شما آمادگی صلح دارد با میل به سوی او پرواز کن و همزیستی با او را بپذیر. ما هم با الهام از آیات قرآن نمی‌خواهیم با کسی بجنگیم بلکه می‌خواهیم خطرِ دشمن ما را تهدید نکند. اسلام نمی‌خواهد افکارش را با زور به مردم عرضه کند بلکه می‌خواهد در فضایی آرام، عقل سلیم، اسلام را بپذیرد. البته شبهه‌ای هم ممکن است پیش آید مبنی بر این که ما نباید فریب دشمن را بخوریم و به صلح تن بدهیم اما خداوند در این زمینه هم می‌فرمایند اگر قرار است شما را فریب دهند، خداوند حافظ شماست و اجازه نمی‌دهد؛ بنابراین مسالمت جویی نباید به معنای فریب خوردن باشد و پدافند غیرعامل همین هوشیاری است که موجب می‌شود ما فریب نخوریم.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی توکل بر خدا را مهم‌ترین رکن در همه‌ی امور از جمله آمادگی دانست و اظهار داشت:

> خداوند در قرآن می‌فرماید در عین این‌که آماده هستید اگر از خدا غافل باشید و توکل نکنید زیر پایتان سست است و خداوند عزیز و حکیم است؛ پس «نه فریب بخورید و نه مغرور» شوید. این‌ها فرهنگ‌سازی است برای آن‌که بتوانید یک پدافند واقعی داشته باشید.[1]

وی در تاریخ ۹ خرداد ماه در ابتدای جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام با محکومیت شدید اقدام زشت تروریستی در مسجد امیرالمؤمنین علیه‌السلام زاهدان و تسلیت به خانواده‌های قربانیان، این‌گونه اقدامات تروریستی را فاجعه‌ای برای دنیای اسلام و کشور خواند و گفت:

> دشمنانِ وحدتِ جهان اسلام به دنبال ایجاد شکاف و کینه و عداوت بین فرق اسلامی هستند که باید با این‌گونه حرکات ریشه‌ای و اساسی برخورد شود.[2]

وی با استناد به رهنمودهای اخیر رهبری معظم انقلاب در جمع مردم کردستان برای حفظ و تقویت وحدت میان شیعه و سنی و ضرورت پرهیز جدی از هرگونه اختلاف‌افکنی خاطرنشان کرد:

> تروریست‌ها دریافته‌اند که حفظ وحدت در کشور اراده‌ای نشأت گرفته از سطح بالای نظام و کشور است و لذا به تلاش‌های مذبوحانه برای جلوگیری از وحدت و اقدامات جنایتکارانه دست زده‌اند.

وی ضرورت هوشیاری امت اسلامی به ویژه علما و شخصیت‌های مؤثر شیعه و سنی در حفظ و تحکیم وحدت و شناسایی و معرفی کانون‌های توطئه اعم از خارجی و داخلی را خاطرنشان کرد و گفت:

> امیدواریم با پی‌گیری و برخورد قاطع دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی ریشه‌ی عملیات تروریستی و تروریست‌ها خشکانده شود.[3]

---

۱. همان

۲. همان؛ ۱۰ خرداد ماه ۸۸

۳. همان

وی در تاریخ ۱۳ خرداد ماه در مراسم بیستمین سالگرد ارتحال امام راحل در حرم امام خمینی(ره) از علاقه‌ی دشمنان انقلاب به برگزاری انتخاباتی کم‌رونق در ایران خبر داده، گفت:

دشمنان انقلاب اسلامی و ضد انقلاب در داخل و خارج کشور راضی نیستند انتخابات پرشور برگزار شود و مایلند بعد از انتخابات جشن حضور کم‌رنگ مردم را ببینند. اگر مشارکت مردم در انتخابات مثلا ۳۰ یا ۴۰ درصد باشد آنها خوشحال می‌شوند و دل دوستان انقلاب می‌سوزد بنابراین دشمن تلاش می‌کند فضای انتخابات را امنیتی کند... حوادث زاهدان و بمب‌گذاری در هواپیمای تهران ـ اهواز و شایعات پخش شده‌ی دروغ درباره‌ی بمب‌گذاری در برخی نقاط و تهدیدهای تلفنی، کار ضد انقلاب است... مردم اگر اکثریت قاطع به صحنه بیایند دشمن ناکام می‌شود والحمدالله به نظر می‌رسد چنین خواهد شد.[۱]

وی همچنین در تاریخ ۲۶ تیر ماه در خطبه‌ی نمازجمعه‌ی تهران ضمن اشاره به تهدیدات خارجی بر لزوم حفظ وحدت تأکید کرده، گفت:

ما امروز بیشتر از همیشه نیاز به وحدت داریم. کشورمان باید متحد در مقابل این همه خطری که ما را تهدید می‌کند و امروز باج‌خواهی‌شان بیشتر شده و دارند جلو می‌آیند که این زحمت طولانی ما را در به دست آوردن هایتک‌ها و به‌خصوص هسته‌ای، اینها را از دست ما بگیرند؛ البته خداوند به اینها مهلت نمی‌دهد ولی آنها به هوس افتاده‌اند.[۲]

در سال ۱۳۸۸ دولت چین اقدام به قتل‌عام مردم مسلمان، بی‌گناه و بی‌دفاع ایالت سین کیانگ چین کرد. لذا آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۹ شهریور ماه در دیدار سفیر جمهوری خلق چین ضمن اظهار رضایت از همکاری چینی‌ها در متروی تهران و اشاره به سابقه‌ی حضور چینی‌ها در پروژه‌های هسته‌ای ایران، به دولت این کشور درباره‌ی تأثیر نوع نگاه آنها در تعاملات و روابط این کشور با حدود ۶۰ کشور مسلمان تذکر داد.[۳]

---

۱. همان؛ ۱۶ خرداد ماه ۸۸

۲. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸*، ۲۶ تیر ۱۳۸۸

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۰ شهریور ۸۸

وی همچنین در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در مراسم افتتاحیه‌ی ششمین اجلاسیه از چهارمین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری ضمن اشاره به تلاش دشمنان اسلام برای مقابله با ایران گفت:

همه و بخصوص ما اعضای خبرگان که نماینده‌ی مورد اعتماد مردم و علمایی با بصیرت، آشنا با شرایط و مسئولینی هستیم که سوگند خورده‌ایم، باید تلاش کنیم تا وظیفه‌ی خود را ایفا نماییم و شرایط را نیز همه می‌دانیم و به هوشیاری بیشتر نیاز داریم... استعمارگرانِ انحصارطلب آتش تهیه‌ای ریخته‌اند که به ما هشدار می‌دهد خیلی مراقب باشید و خودمان آماده باشیم، ولی امیدواریم شرایط ناگواری پیش نیاید ولی آمادگی شرط ایمنی ماست. شما می‌بینید در خارج چه می‌گذرد و بین خودشان طراحی می‌کنند، گرچه این فعالیت‌ها بیشتر جنگ روانی است تا در آستانه‌ی مذاکرات ما را در انفعال قرار دهند. البته با دیپلماسی فعال می‌توانیم خوب عمل کنیم، همان‌طور که قبل از این هم توانستیم آثار شرّ آنها را کم کنیم. خداوند وعده داده کسانی را که در راه او صبر و استقامت می‌کنند، کمک کند و امام راحل که بنیان‌گذار این مسیر بود و در ۳۰ سال آخر عمر نیز همواره در میدان حاضر بود میراث گران‌بهایی داشت که همواره می‌توان از آنها بهره گرفت.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ دوم مهرماه نیز در مراسم تجدید میثاق نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با آرمان‌های امام خمینی(ره) با اشاره به شرایط روز اظهار داشت:

به نظر می‌رسد کسانی‌که از روز اول با این انقلاب سر سازگاری نداشتند و راه امام را نمی‌پسندیدند و مخالف بودند و همچنین قدرت‌های استعماری که فهمیده بودند که چه عامل بزرگی وارد تاریخ شده است، فرصت پیدا کردند تا دستاوردهای ملت ایران را مخدوش کنند... ما باید این راه [راه امام(ره)] را ادامه بدهیم و این نظامی که شدیداً مورد تهاجم همه‌ی گروه‌های استکباری و ضد انقلاب قرار گرفته، حفاظت کرده و به نسل‌های بعدی منتقل کنیم.[۲]

---

۱. همان؛ ۱ مهر ۸۸

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۴ مهر ۸۸

وی در تاریخ ۵ مهر ماه در دیدار سفیر اتریش در تهران با اظهار امیدواری در خصوص رفع موانع سیاسیِ گسترش همکاری میان ایران و برخی کشورهای اتحادیه اروپا، تأکید کرد:

اتخاذ سیاست‌های مستقل توسط کشورهای اروپایی می‌تواند در گسترش روابط مؤثر باشد و اتحادیه‌ی اروپا باید از بهانه‌گیری‌ها و به خصوص در مورد استفاده‌ی صلح‌آمیز ایران از تکنولوژی هسته‌ای دست بردارد.[۱]

وی در تاریخ ۱۴ مهرماه در دیدار سفیر جدید سوییس در ایران خطاب به وی به عنوان «حافظ منافع آمریکا»، یکی از عوامل پیروزی آقای اوباما[۲] در انتخابات این کشور را شعار «تغییر» وی خواند و با اشاره به خوش‌بینی ابتدایی کشورهای مختلف نسبت به انتخاب اوباما تصریح کرد:

شعار تغییر آقای اوباما پس از پیروزی ایشان به تدریج رنگ باخت و در عمل و به صورت واقعی تغییر قابل توجهی در رفتار آمریکا صورت نگرفت.[۳]

وی با ابراز امیدواری نسبت به موفقیت رییس جمهور آمریکا در حل مشکلات داخلی و تغییر چهره‌ی بین‌المللی این کشور گفت:

جمهوری اسلامی ایران تغییرات مورد نظر خود را به دولت آمریکا منتقل کرده است و اگر وعده‌های تغییر آقای اوباما به صورت واقعی عملی گردد، می‌تواند تأثیر جدی بر مناسبات دو کشور بگذارد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در همان روز، در قسمتی از سخنان خود با اعضای مجلس خبرگان رهبری به نظر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عنوان یکی از افراد «خبره»، «آگاه» و «فهیم» که «با مسائل کشور و با مسائلِ جهانی آشنا»ست، اشاره کرده، فرمودند:

«این بلواهای بعد از انتخابات، به نظر آدم‌های خبره و آگاه، برنامه‌ریزی شده بود. یعنی انسان با هر کسی از انسان‌های فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان می‌گذارد، می‌فهمد. پریروز من به ایشان [آیت‌الله هاشمی رفسنجانی] همین را عرض کردم؛ گفتم اینها برنامه‌ریزی شده بود. ایشان گفتند: قطعاً. یعنی همه این‌را می‌فهمند که این کار برنامه‌ریزی شده بوده و این یک کار دفعی نبود که بخواهیم بگوییم یک چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد؛ نه! این کار برنامه‌ریزی شده بود؛ از یک مرکزی هدایت می‌شد.» (ر.ک: پایگاه *حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری*، ۲ مهر ۸۸)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۶ مهر ۸۸

۲. رییس جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۶ مهر ۸۸

وی همچنین در تاریخ ۱۵ مهر ماه در دیدار هربرت هونزوویتس (سفیر آلمان در جمهوری اسلامی ایران) سابقه‌ی همکاری ایران و آلمان را ریشه‌دار و این کشور را «مدیون» ایران دانسته و با اشاره به فضای حاکم بر روابط جمهوری اسلامی ایران با غرب پس از مذاکرات اخیر ژنو، تأکید کرد:

> مسیر اعتماد سازی دو طرفه است و توقع این می‌باشد، که زمینه‌های مناسبی برای تداوم همکاری‌ها فراهم شود. آلمان با توجه به قراردادهایی که در خصوص نیروگاه بوشهر با ایران داشت و پس از پیروزی انقلاب از انجام تعهدات خود سر باز زد، مدیون ایران است و اکنون می‌تواند در فضای جدیدی که به وجود آمده شریک خوبی برای همکاری در خصوص استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران باشد و دِین خود را به ایران ادا کند.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۱ مهر ماه در دیدار سید عمار حکیم (رییس مجلس اعلای اسلامی عراق) نیز به تلاش دشمنان اسلام برای ایجاد تفرقه و جدایی میان مسئولان کشورهای هدف و شخصیت‌های تأثیرگذار اشاره کرده، گفت:

> دشمنان، با ایجاد تفرقه و جدایی میان مسئولان کشورهای هدف و شخصیت‌های تأثیرگذار به دنبال اهداف شوم خود هستند.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۶ مهر ماه در پی شهادت جمعی از بزرگان نظامی و غیر نظامی از جمله سردار نورعلی شوشتری طی دو عملیات تروریستی دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی در استان سیستان و بلوچستان ضمن صدور بیانیه‌ای به عقده‌های چندین ساله‌ی دشمنان اشاره کرده، این عملیات تروریستی را ناشی از عمق کینه‌ی آنان ارزیابی کرد:

> انجام هم‌زمان دو عملیات تروریستی و شهادت بسیاری از بزرگان نظامی و غیرنظامی به ویژه سردار شوشتری از عمق کینه‌ی دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی نسبت به این حرکت مردمی و الهی در جهان معاصر نشان دارد؛ دشمنانی که وقتی ضعف‌های بنیادین خویش را در مواجهه با همدلی وحدت‌بخش دنیای اسلام می‌بینند چاره‌ای جز کوبیدن بر طبل اختلافات و به تبع آن به شهادت

---

۱. همان
۲. همان؛ ۲۵ مهر ۸۸

رساندن فرزندان غیور این ملت نمی‌بینند، تا از این طریق اندکی از عقده‌های چندین ساله‌ی خویش نسبت به نظام اسلامی ایران را بگشایند؛ البته مردم استان مرزی سیستان و بلوچستان در طول این ۳۰ سال ثابت کرده‌اند علی‌رغم تعدد قبایل و فرقه‌های مذهبی نسبت به زندگی زیر لوای جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند و در جهت تقویت وحدت و همدلی تلاش کرده و خواهند کرد. اینجانب ضمن تسلیت شهادت سرداران سپاه پاسداران و جمعی از بزرگان و صاحب‌نظران عرصه‌ی وحدت مسلمین از مردم و مسئولان و مأموران امنیتی می‌خواهم با هوشیاری مضاعف این توطئه را نیز مانند همه‌ی توطئه‌ها خنثی نمایند تا دشمنان مأیوس‌تر و دوستان امیدوارتر از همیشه شوند و نگذارند عاملان این فاجعه‌ی تروریستی احساس امنیت و احیاناً تکرار چنین اتفاقاتی نمایند که زیبنده‌ی امت اسلام و ملت ایران نیست.[۱]

وی همچنین در تاریخ ۲۷ مهر ماه در دیدار سفیر عمان در جمهوری اسلامی، رشد و گسترش تروریسم در منطقه را محصول حضور نیروهای خارجی و تقویت افراطیون توسط آنها عنوان کرد و افزود:

فضای نامطلوبی به ویژه در کشور پاکستان در حال رشد و گسترش است که باید هر چه سریع‌تر با همکاری جدی کشورهای منطقه و بدون دخالت بیگانگان مشکلات را رفع کرد.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۷ آبان در دیدار ماگنوس ورنشتد (سفیر سوئد در ایران) با اشاره به عدم مشاهده‌ی هرگونه تغییر در روش آمریکا نسبت به ایران و بیان این‌که جمهوری اسلامی برخلاف استفاده‌کنندگان سلاح‌های هسته‌ای از ساخت و استفاده از این‌گونه سلاح‌های ضد بشری متنفر است، مجامع بین‌المللی از جمله آژانس انرژی اتمی را به رعایت موازین قانونی و احترام به حقوق کشور و ملت ایران فراخواند و تأکید کرد:

نیروهای خارجی بدون کمک و همیاری کشورهای مهم منطقه قادر به حل موضوعات نیستند.[۳]

---

۱. همان؛ ۲۷ مهر ۸۸

۲. همان؛ ۲۸ مهر ۸۸

۳. همان؛ ۲۸ آبان ۸۸

وی با اشاره به ریاست دوره‌ای سوئد بر اتحادیه‌ی اروپا در مورد سخنان سفیر سوئد در ایران در خصوص نگرانی غرب از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، مانع‌تراشی غرب در خصوص استفاده‌ی ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را سیاسی عنوان کرد و گفت:

> آمریکا و غرب به خوبی مطلع هستند که جمهوری اسلامی ایران تمایلی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای ندارد و سابقه رفتار ایران مؤید این موضوع است. در جنگ عراق علیه ایران، با وجود استفاده از سلاح‌های شیمیایی ساخت کشورهای غربی توسط صدام و همچنین بمباران مناطق شهری و غیرنظامی، جمهوری اسلامی به دلایل اعتقادی مقابله به مثل نکرد. هر کشور منصفی که از حجم وسیع کشتار و خرابی در هیروشیما و ناکازاکی پس از حمله اتمی آمریکا مطلع باشد از ساخت و به کارگیری بمب هسته‌ای متنفر خواهد بود و ایران نیز این‌گونه است. پیش از انقلاب کشورهای غربی و آمریکا به دلیل اطاعت رژیم پهلوی از آن‌ها، خود به دنبال ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای و در حال تحویل پیشرفته‌ترین تکنولوژی در این خصوص به ایران بودند. آمریکا و غرب به دلیل موقعیت مناسب جغرافیایی ایران و همچنین ذخایر عظیم انرژی خواهان نفوذ گسترده در اینجا هستند ولی مردم ایران به دلیل سوابق طولانی، تمدن چندهزار ساله و عقاید دینی قطعاً زیر بار فرمانبری و وابستگی دوباره نخواهند رفت.

وی سکوت و حمایت غرب و آمریکا در قبال هسته‌ای شدن نظامی رژیم صهیونیستی را دلیلی دیگر بر ادعاهای واهی آن‌ها در جهت دفاع از صلح و امنیت عنوان کرد و گفت:

> اگر غرب و آمریکا به این سیاست‌های خود در قبال ایران ادامه دهند جمهوری اسلامی ایران بدون توجه به این‌گونه رفتارها و با توجه به آن‌که آژانس انرژی اتمی موظف است اورانیوم غنی شده برای استفاده‌ی تحقیقاتی را در اختیار ایران قرار دهد به کار قانونی خود در خصوص استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای طبق موازین ادامه خواهد داد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در مورد سخنان سفیر سوئد در خصوص حقوق بشر در ایران، با انتقاد از برخوردهای دوگانه‌ی غرب در خصوص وضعیت حقوق بشر در جهان، تأکید کرد:

وضعیت حقوق بشر و دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران به مراتب مطلوب‌تر از بسیاری از کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه است ولی غرب با فشار بر ایران در این خصوص روابط گسترده‌ای با کشورهایی دارد که تا به حال هیچ‌گونه انتخاباتی در کشور خود برگزار نکرده‌اند.[۱]

وی در پاسخ به سؤال سفیر سوئد درباره‌ی میزان اعتقاد خود به شعار تبلیغاتی اوباما در مورد «تغییر» به مصادره‌ی اموال بنیاد علوی و همچنین تصویب بودجه ۵۵ میلیون دلاری کمک به مخالفان جمهوری اسلامی ایران[۲] اشاره و رفتار دولت فعلی آمریکا را در تضاد با سیاست وعده داده شده، مبنی بر «تغییر» عنوان کرد و افزود:

رفتارهای اخیر دولت آمریکا مبنی بر تلاش برای مصادره‌ی اموال بنیاد علوی و همچنین تصویب بودجه ۵۵ میلیون دلاری کمک به مخالفان جمهوری اسلامی ایران ادامه‌ی همان رفتار گذشته و حتی بدتر از آن است.[۳]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ظهور القاعده را ناشی از سیاست‌های غلط آمریکا و انگلستان در افغانستان و همچنین منابع مادی برخی کشورهای منطقه در کمک به تفکر طالبانی عنوان کرده، افزود:

جمهوری اسلامی ایران برای حفظ آرامش و امنیت منطقه و همچنین منافع

---

۱. همان

۲. سنای آمریکا با تصویب یک طرح، ۵۵ میلیون دلار دیگر برای کمک به مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران اختصاص داد. گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از خبرگزاری فرانسه حاکیست، دولت آمریکا افزون بر این مبلغ، سالانه ۷۵ میلیون دلار برای زمینه سازی و حمایت از اقدامات مخالفان جمهوری اسلامی ایران در اختیار گروه‌های مورد نظر واشنگتن در ایران و خارج از ایران قرار می‌دهد. خبرگزاری فرانسه می‌افزاید: این طرح، افزون بر مقابله با سانسور سایت‌های غیرمجاز، ارسال برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ضد ایرانی را تقویت می‌کند. بر اساس این طرح، سی میلیون دلار برای کمک به صدای آمریکا و رادیو فردا اختصاص داده شده است. این مبلغ، افزون بر بودجه سالانه این دو سازمان رسانه‌ای است. بیست و پنج میلیون دلار هم به صندوقی واریز خواهد شد تا هم برای پیدا کردن راه‌های مقابله با فیلترینگ سایت‌های غیر مجاز در ایران و هم برای کمک به آنچه آمریکا آن را مقابله با نقض حقوق بشر می‌خواند، هزینه شود. این طرح را جان مک کین و لیندزی گراهام، سناتورهای جمهوری‌خواه، تد کافمن و رابرت کیسی، سناتورهای دمکرات و جو لیبرمن، سناتور مستقل به سنا ارائه داده بودند. پیش‌نویس این طرح دو هفته پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران ارائه شد.

(ر.ک: روزنامه *ایران*، ۵ مرداد ۸۸)

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۸ آبان ۸۸

مردم افغانستان کمک‌های زیادی برای حذف طالبان انجام داد. در عراق نیز حضور نیروهای غربی موجب ناامنی در این کشور شد ولی ایران کمک‌های بسیاری کرد تا امنیت به این کشور بازگردد.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۲ آذر ماه در جوار بارگاه امام رضاعليه‌السلام با تحلیل شرایط کشور تأکید کرد:

ما شرایط مشکلی در ایران داریم و مسائل خارجی نیز وضعیت را بغرنج‌تر کرده است. و به نظر می‌رسد اجماعی علیه ایران شکل گرفته است.[2]

وی که پیش از این خواستار تدبیر و دیپلماسی فعال و هوشمندانه در عرصه‌ی بین‌المللی شده بود، نسبت به اهداف قدرت‌های بزرگ در برابر ایران اظهار نگرانی کرده، افزود:

همه‌ی قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت دست به هم دادند و حق طبیعی کشور ما که می‌خواهیم از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای استفاده کنیم [را] از ما سلب کنند. این در حالی است که کشورهایی همچون اسراییل، پاکستان و هند برخلاف قانون به سلاح اتمی دست پیدا کردند، ولی ما از نظر قانونی و تحت نظارت آژانس می‌خواهیم از مسائل صلح‌آمیز هسته‌ای استفاده کنیم.

وی قطعنامه‌ی اخیر سازمان انرژی اتمی را قطعنامه‌ای ظالمانه دانست و با اشاره به شرایط پیچیده‌ی جهانی و توطئه‌های دشمنان علیه ایران، اظهار داشت:

در این شرایط ما در داخل کشور مهم‌ترین نیاز را وحدت و اتحاد می‌دانیم اگر آنها [دشمنان] احساس کنند کشور ما از نظر وحدت صدمه دیده است وسوسه می‌شوند که شرارت‌های خود را زیاد کنند.[3]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۹ آذر ماه در گفتگو با «شبکه خبری المنار» با بیان این‌که غرب در راهی که در مورد ایران پیش گرفته است به اشتباه می‌رود، گفت:

جمهوری اسلامی ایران سعی ندارد به بمب هسته‌ای دست یابد و پیوسته تهران آماده‌ی گفتگو است.[4]

---

۱. همان

۲. خبرگزاری *ایلنا*، ۱۲ آذر ۸۸، کد خبر : ۹۳۷۴۹

۳. همان

۴. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۱۹ آذر ۸۸

وی با اشتباه خواندن تهدید ایران افزود:

گفتگوها باید ادامه یابد تا اطمینان کامل حاصل شود. ایران می‌خواهد که حسن نیت خویش را به جهانیان به اثبات برساند. ایران به هیچ وجه از حق هسته‌ای خویش کوتاه نخواهد آمد و این یک موضوع استراتژیک برای ماست. غرب نمی‌خواهد ایران تکنولوژی هسته‌ای داشته باشد چرا که می‌پندارد ایران سعی در ساختن بمب هسته‌ای دارد در حالی که این چنین نیست و آن‌ها بی‌جهت قصد دارند ما را از حق خویش محروم کنند.

وی در پایان این مصاحبه خاطر نشان کرد:

غرب با سیطره‌ای که بر مجامع جهانی از جمله شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای پیدا کرده است در قطعنامه‌های این مجامع تأثیر می‌گذارد اما این امور عزم ما را در رسیدن به اهدافمان سست نخواهد کرد چراکه دست‌یابی به این فناوری مسأله‌ای حیاتی برای ماست و ابداً از آن دست نخواهیم کشید.[1]

وی در تاریخ ۲۳ دی‌ماه در پی ترور استاد مسعود علی‌محمدی (عضو برجسته‌ی هیأت علمی دانشگاه تهران)، ضمن صدور پیام تسلیتی به آغاز خط تازه‌ی توطئه علیه نظام اسلامی اشاره کرد:

ترور ناجوانمردانه‌ی این دانشمند ارزشمند فیزیک کشور، نشان از آغاز خط تازه‌ی توطئه علیه نظام اسلامی می‌باشد و مطمئناً مسئولان مربوطه با هوشیاری تمام برای خنثی شدن این توطئه‌ی شوم اقدام خواهند کرد.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۹ دی‌ماه نیز در مصاحبه با شبکه خبری «فرانس ۲۴» متعلق به کشور فرانسه گفت:

از کشور فرانسه به عنوان میزبان حضرت امام رحمه‌الله قبل از پیروزی انقلاب و موقعیتی که به همین واسطه در ایران پیدا کرد انتظار داریم در روابط خود با ایران منصفانه و آن‌طور که شایسته‌ی یک کشور متمدن است، رفتار کنند.[3]

---

۱. همان

۲. روزنامه جمهوری *اسلامی*؛ ۲۴ دی ۱۳۸۸

۳. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ کدخبر: ۲۰۲۰۰۸۸۰۱۰۰۲۸

وی با انتقاد از عدم صداقت آمریکا و اروپا در برخورد با مقوله‌ی تروریسم گفت:

طبیعتاً ما به عنوان مسئولین یک دولت با تروریسم مخالفیم و تروریست‌ها را نیز به طور معمول در تحقق اهدافشان ناکام می‌دانیم، اگر آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها در مبارزه با تروریسم «صادق» باشند و به تروریست «خوب» و «بد» معتقد نباشند و تروریسم را حتی به عنوان تأمین‌کننده‌ی برخی منافع خود تقویت و به کار نگیرند کار مناسبی است که متأسفانه در حال حاضر این‌گونه عمل نمی‌کنند.

وی در پاسخ به این پرسش که «آیا جنابعالی در افق آینده روابط ایران و آمریکا تحول مثبتی را پیش‌بینی می‌کنید؟» گفت:

با رفتار عملی فعلی آقای اوباما من افق خوبی را پیش‌بینی نمی‌کنم.

و در پاسخ به این سؤال که «آیا شما تنش روابط ایران و آمریکا را منجر به یک مقابله نظامی ارزیابی نمی‌کنید؟» گفت:

امیدوارم این‌طور نشود و دعا می‌کنیم که این‌گونه نشود.

وی همچنین درباره‌ی ارزیابی خود از آینده‌ی رابطه‌ی ایران و اتحادیه‌ی اروپا گفت:

اگر آنها با همین رویه‌ی فعلی ادامه بدهند، آینده‌ی روابط ما با آنها فرقی با آمریکا نمی‌کند چون «یکی» هستند.

وی در پاسخ این خبرنگار که پرسیده بود «من در مصاحبه‌هایی که با تنی‌چند از مردم ایران داشتم نگرانی‌هایی را از زبان آنها نسبت به تبعات اعمال مجازات‌های اقتصادی جدید علیه کشورشان شنیدم، نظر شما در این ارتباط چیست؟» گفت:

ما از تحریم استقبال نمی‌کنیم و این حرکت ظالمانه قطعاً برای ما عوارضی در پی خواهد داشت ولی «حق» ما از آن مهم‌تر است و در این راستا آن را تحمل می‌کنیم، چرا که از ابتدای انقلاب ما همواره مورد تحریم قرار داشته‌ایم و به تحمل مشکلات ناشی از آن عادت داریم.

وی همچنین درباره‌ی تهدیدات نظامی آمریکا و اسراییل گفت:

من فکر می‌کنم که آنها به اندازه‌ی کافی از اقدامات خود در عراق و افغانستان درس گرفته‌اند و به نظر نمی‌آید با توجه به سابقه‌ی قدرت ایران در دفاع خود، به چنین اقدامی مبادرت کنند، البته ما «احتمال» اشتباه آنها را می‌دهیم و این

احتمال را از چشم خود دور نگه نمی‌داریم ولی قطعاً مردم آن کشورها اجازه نخواهند داد چنین بازی خطرناکی با منافع ملی کشورشان صورت بگیرد.

وی همچنین در پاسخ به پرسشی مبنی بر رفتار ایران در صورت وقوع جنگ گفت:

همه‌ی دنیا ضرر خواهد کرد و این جنگ هم کوتاه مدت نخواهد بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگار فرانسوی درباره‌ی مسایل داخلی ایران با صراحت اعلام کرد:

من تمایلی به صحبت در مورد مسائل داخلی، در حال حاضر با یک خبرنگار خارجی ندارم، در داخل هم کم حرف می‌زنم، معمولاً با خبرنگاران داخلی هم مصاحبه‌ای ندارم، موقع خودش حرفم را خواهم زد.

وقتی خبرنگار با اصرار پرسید «با توجه به این‌که خود شما مورد حملات فراوانی قرار گرفته‌اید و حتی فرزندان شما نیز در این مسیر مورد حمله قرارگرفته‌اند آیا الآن مایل به صحبت نیستید؟» گفت:

نه! مایل نیستم در این مورد حرف بزنم.

وی همچنین به انتقاد از رفتار دولت فرانسه در قبال سازمان مجاهدین خلق پرداخته، گفت:

ما از عملکرد فرانسه درمورد تروریست‌های منافقین راضی نیستیم و اعتراض داریم، فرانسه اولین کشوری بود که اجازه داد آقای مسعود رجوی که یک تروریست فراری بود وارد فرانسه شود و استقبال کرد و از آن روز تا به حال آنها در فرانسه مستقرند. این همان نمونه‌ی دوگانه عمل کردن کشورهای غربی است. آمریکا رسماً اینها را تروریست شناخته ولی تحت حمایت هم گرفته، چه فرقی می‌کنند با القاعده؟... بالاخره تروریست همیشه تهدید است.[1]

وی درباره‌ی آینده‌ی روابط ایران و فرانسه نیز گفت:

ما معتقدیم باید با فرانسه روابطمان خوب باشد. من در دوران مسئولیت اجرایی خود خیلی تلاش کردم و پیشرفت هم کردیم، روابط را با آقای شیراک و دیگر آقایان بهتر کردیم. حالا هم اگر فرانسوی‌ها مایل باشند ما آماده هستیم روابطمان را حسنه کنیم. البته ما گله‌های زیادی از نشیب و فراز رفتار فرانسه در این ۳۰ سال داریم، ولی اگر آنها بخواهند صفحه جدیدی باز کنند، ایران استقبال

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ کدخبر: ۲۰۲۰۰۸۸۰۱۰۰۲۸

می‌کند. من شخصاً از زمان دوگل به فرانسه علاقه‌مند شدم.[۱] آن زمان تصمیم خوبی راجع به الجزایر گرفت.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۱۰ بهمن در ابتدای جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت:

استکبار جهانی به ویژه آمریکا، اخیراً تحرکات و حملات جدیدی را علیه جمهوری اسلامی ایران با همراه کردن برخی کشورهای دیگر که قبلاً موضع خصمانه نداشتند، آغاز کرده است و سعی دارند با تشدید تحریم‌ها و تهدیدها که احتمالاً بخشی از آن می‌تواند جنگ روانی نیز باشد، فشارهای سیاسی خود بر جمهوری اسلامی ایران را مضاعف کنند. آن‌ها باید بدانند که ایران در موضوع هسته‌ای چه غنی‌سازی و یا مبادله اورانیوم کاملاً جدی است و راه ما غیرقابل برگشت است و عقب‌نشینی نخواهیم کرد.[۳]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه در دیدار دکتر رمضان عبدالله (دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین) با اشاره به لشکرکشی هسته‌ای، سیاسی و نظامی کم‌سابقه‌ی جبهه‌ی استکبار علیه جمهوری اسلامی خواستار هوشیاری بیش از پیش دوست‌داران انقلاب اسلامی و جبهه‌ی مقاومت در منطقه شد:

مواضع و اقدامات آمریکا و هم پیمانان منطقه‌ای‌اش، هوشیاری بیش از پیش دوست‌داران انقلاب اسلامی و جبهه‌ی مقاومت در منطقه را طلب می‌کند.[۴]

وی جمهوری اسلامی ایران را ستون مستحکم و تکیه‌گاه همیشگی ملل و جنبش‌های ضد استکباری در منطقه و جهان خواند و گفت:

امروز چشم امید مبارزان و حق‌طلبان عالم به جمهوری اسلامی ایران است و همین امر ضرورت اتحاد داخلی و استحکام بیش از پیش بین‌المللی نظام اسلامی و دوستانش در منطقه را مضاعف می‌کند.

وی فشار ملی زایدالوصف آمریکا و غرب علیه جمهوری اسلامی ایران و دوستانش

---

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: تصمیم مهمی ایشان گرفت که مسئله فرانسه و الجزایر به نفع الجزایر حل شد. در مورد فلسطین هم موضع بهتری نسبت به دیگران اتخاذ کرد. من آن موقع می‌خواستم برای اولین بار در ایران ماشین بخرم. به خاطر دوگل یک ماشین پژو دست دوم خریدم. (همان)

۲. همان

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۱ بهمن ۸۸

۴. همان؛ ۲۷ بهمن ۸۸

را ناشی از قدرت اسلام و نظام اسلامی از یک سو و هراس از مبارزات ملل و جنبش‌های مردمی منطقه از سوی دیگر خواند.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ اول اسفند ماه در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به تحرکات منفی اخیر استکبار و کشورهای غربی علیه جمهوری اسلامی ایران، گفت:

انتظار می‌رفت پس از این حضور پرشور و حماسی مردم [در ۲۲ بهمن ماه] در حمایت از نظام اسلامی دشمنان خارجی درک می‌کردند که ماجراجویی در ایران آسان نیست و نمی‌توان با این نظام اسلامی با این پشتوانه‌ی قوی مردمی، برخورد خصمانه و مغرضانه کرد. آنها به جای این‌که اشتباهات بی‌شمار گذشته‌ی خود را جبران کنند متأسفانه در روزهای اخیر صفحات سیاه دیگری در تاریخ عناد و دشمنی خود با جمهوری اسلامی ایران ثبت می‌کنند.[۲]

وی با اشاره به تهمت‌های واهی که به جمهوری اسلامی ایران وارد می‌شود و گزارش اخیر مدیر جدید آژانس انرژی هسته‌ای گفت:

کاملاً مشخص است که بخشی از این گزارش به صورت سفارشی و تحت تاثیر عوامل خارج از آژانس تهیه شده و نمی‌تواند برآمده از موضع یک مرکز بین‌المللی مستقل باشد.

وی با محکومیت شدید شانتاژهای تبلیغاتی و جنگ روانی اخیر آمریکا و عمده کشورهای غربی در مورد استفاده‌ی صلح آمیز ایران از انرژی هسته‌ای گفت:

این حجم تهدید و القائات سیاسی مغرضانه که به دنبال دستیابی به اجماع علیه ایران هستند تاکنون بی‌سابقه بوده است و آنها مطمئن باشند که راه به جایی نبرده و نخواهند برد.[۳]

وی در تاریخ چهارم اسفند ماه نیز در نطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری با اشاره به فضای سیاسی در کشور گفت:

بین وفاداران انقلاب و ساختارشکنان که با قانون اساسی یا رهبری مشکل

---

۱. همان

۲. همان؛ ۲ اسفند ۸۸

۳. همان

دارند، مرز وجود دارد که این مرز جعلی نیست و نباید اجازه دهیم مخدوش شود. تردید ندارم کسانی که اصول قانون اساسی را قبول دارند می‌خواهند این مرز را رعایت کنند.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۶ اسفند ماه نیز در مراسم تجدید بیعت رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با امام و شهدا به «موج فتنه‌ی بزرگی که هیچ وقت نمی‌خواهد یک ذره هم کوتاه بیاید» اشاره کرد و افزود:

دشمنان خارجی خیلی حرفه‌ای عمل می‌کنند و بعضی حرف‌هایی که می‌زنند نشان می‌دهد که از کارشناسان کارکشته‌ای استفاده می‌کنند که عمدتاً از ایران به خارج رفته‌اند یا فرار کردند و از تیپ‌های فرهنگی، سیاسی، اطلاعاتی و نظامی بودند که با ایران آشنایی و ارتباط دارند و مسائل را تحلیل می‌کنند. موج «فتنه‌ی بزرگی» علیه انقلاب، اسلام، ولایت و تقدّس روحانیت شروع شده که هیچ وقت نمی‌خواهد یک ذره هم کوتاه بیاید و ضعف‌های سیاسی و اقتصادی در داخل هم به یاری آنها می‌آید تا آنها را به گذشته مربوط کند. فکر می‌کنم، ما بقایای نیروهای پیشتاز انقلاب به اضافه‌ی نسل بعدی که به دلیل رشد در فضای انقلاب بهتر هستند، وظیفه سنگینی داریم.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۶ اسفندماه در مصاحبه‌ای با پایگاه اطلاع‌رسانی خویش به گروه کشورهای موسوم به (۵+۱) توصیه کرد:

این کشورها عمدتاً بعد از انقلاب برخورد خوبی با ما نداشتند و کارهایی کردند که مناسب نبود و الآن مسائل جدیدی پیش آمده مثل مسأله‌ی هسته‌ای و موشکی و یا مسائل دیگر که اینها دارند خصومت خودشان را تشدید می‌کنند و من مطمئن هستم که اینها اشتباه می‌کنند. از این راه چیزی بدست نمی‌آورند و زحمت خودشان و ما را بیشتر می‌کنند. فکر می‌کنم اگر آنها به حق خودشان قانع باشند ایران هم به حق خود قانع است. ما بارها تأکید کردیم که اصلاً در بحث هسته‌ای نمی‌خواهیم به طرف استفاده نظامی برویم. رهبری گفته‌اند و

---

۱. همان؛ ۵ اسفند ۸۸

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۸ اسفند ۸۸

همه‌ی مدیران هم گفته‌اند. اگر بی‌اعتمادی هست باید تلاش کنند که اعتماد را تقویت کنند. البته باید ما هم در چهارچوب شرایط جهانی به‌گونه‌ای عمل کنیم که سوءظن آنها از بین برود.[1]

۲. دعوت معترضان به حفظ صبر و آرامش

ذکر نام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی توسط دکتر احمدی‌نژاد در مناظره‌ی تلویزیونی با مهندس میرحسین موسوی در تاریخ ۱۳ خرداد ماه و ایراد اتهاماتی به وی و فرزندانش[2] همگان را در انتظارِ نوعِ واکنش هاشمی به آن سخنان قرار داد.

سه روز بعد در تاریخ ۱۶ خرداد ماه دفتر وی ضمن صدور اعلامیه‌ای همگان را به صبر، تحمل و فداکاری برای نظام اسلامی، تبعیت از ولایت فقیه و مشارکت حداکثری دعوت و بر پی‌گیری اتهامات از طریق مراجع قانونی تأکید کرد. در این اعلامیه چنین آمده بود:

> همان‌گونه که مستحضرید در جریان مناظره‌ی آقای مهندس موسوی و احمدی‌نژاد مطالب خلاف واقع و سراسر کذب علیه رییس مجلس خبرگان رهبری و خانواده‌ی وی مطرح شد، در این مدت مراجعات گسترده‌ای به دفتر رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شد و طی آن بسیاری از علاقه‌مندان خواستار تجمع و تحصن در حمایت از حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بودند که ضمن تشکر و قدردانی از همه‌ی مردم آگاه و هوشیار لازم است نکاتی به اطلاع عموم رسانده شود:
>
> ۱. بر هیچ ایرانی شریف و غیوری نقش برجسته‌ی هاشمی رفسنجانی از پیش از انقلاب تاکنون و در حساس‌ترین مراحل نهضت حضرت امام خمینی پوشیده نیست، نقشی که اساس آن بر حفظ نظام اسلامی و تقویت و تثبیت پایه‌های رکین انقلاب اسلامی استوار است و لازمه‌ی انجام این مسئولیت صبر و تحمل و فداکاری برای این نظام است.
>
> ۲. همان‌گونه که در طول تاریخ انقلاب اسلامی بارها شاهد جانفشانی هاشمی

---

۱. ***پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی***؛ ۲۶ اسفند ۸۸، کد خبر: ۲۳۵۰۰۸۸۰۱۲۰۲۶

۲. متن سخنان دکتر احمدی‌نژاد را در صفحات ۴۹ تا ۵۴ و صفحه ۶۸ از همین کتاب بخوانید.

رفسنجانی در تبعیت از ولایت‌فقیه بوده‌ایم لازم است بار دیگر تأکید شود نظر و خواست کسانی که به تهمت و افترا به مقامات عالی رتبه‌ی کشور روی آورده‌اند ایجاد بدبینی و یأس و سیاه‌نمایی به تاریخ انقلاب است و هدف عمده‌ی آنها در این مقطع ناامید کردن مردم برای حضور گسترده و باشکوه در پای صندوق‌های رأی می‌باشد چرا که این افراد موفقیت خود را در حضور حداقلی مردم و نهایتاً غلبه‌ی اقلیت بر اکثریت می‌دانند، لذا از همگان درخواست می‌شود با عنایت به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر مشارکت حداکثری مردم و ایجاد آرامش با حضور گسترده برگ زرّین دیگری را به تاریخ پرافتخار انقلاب بیافزایند.

۳. با توجه به نقض صریح قانون اساسی و زیر پا گذاشتن سوگند رییس‌جمهوری اسلامی در برنامه‌ی مناظره‌ی ۸۸/۳/۱۳ در سیمای جمهوری اسلامی به طور قطع و یقین موارد اتهامی از طریق مراجع قانونی و ذی‌صلاح مورد پی‌گرد قرار خواهد گرفت. اما در این مقطع از همه‌ی علاقه‌مندان درخواست می‌شود برای نقش بر آب کردن توطئه‌ی ایجاد بلوا و آشوب و درگیری و امنیتی کردن فضای انتخاباتی از هرگونه اقدام شتاب‌زده و عجولانه خودداری شود.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خود نیز در تاریخ ۱۷ خرداد ماه در دیدار جمعی از «جوانان و دانشجویان مستقل حامی هاشمی»، نیاز اساسی امروز کشور را حفظ آرامش، اطلاع‌رسانی و دعوت گسترده‌ی مردم به مشارکت حداکثری در انتخابات، خواند و تأکید کرد:

اکنون صحنه‌ی عمومی و جامعه حاکی از آگاهی و هوشیاری مردم بخصوص جوانان، زنان و فرهیختگان نسبت به مسائل و تحولات کشور است که این هوشیاری خود خنثی‌کننده‌ی توطئه‌هاست.[2]

وی در تاریخ ۱۹ خرداد ماه در پاسخ به اتهامات مطرح شده از سوی دکتر احمدی‌نژاد اقدام به انتشار نامه‌ای خطاب به رهبر معظم انقلاب کرد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در بخشی از این نامه ضمن اشاره به خودداری خویش از عکس‌العمل فوری نسبت به سخنان رییس جمهور، به بیان گزارشی از اقدامات خود برای اصلاح

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۷ خرداد ۸۸
۲. همان؛ ۱۸ خرداد ۸۸

سخنان وی از طریقی غیر از نگارش نامه به مقام معظم رهبری، پرداخت. هاشمی در این نامه از مقام معظم رهبری درخواست کرد تا هرگونه صلاح می‌دانند، در جهت رفع فتنه‌های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم‌اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، اقدام مؤثری انجام دهند.[۱]

پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۶ تیر ماه پس از حدود سه هفته سکوت اقامه‌ی نمازجمعه‌ی تهران را بر عهده داشت. وی در ابتدای خطبه‌های خود با توجه به احتمال سوء استفاده از هیجانات موجود، گفت:

> قبل از این‌که بحث‌های خطبه‌ی نمازجمعه را آغاز کنم، لازم می‌دانم که به نمازگزارانی که امروز در دانشگاه تهران و اطراف دانشگاه و در خیابان‌ها حضور دارند یک تذکر اساسی بدهم و آن این است که مواظب باشید که جایگاه نمازجمعه و قداست نمازجمعه با اظهارات و شعارهایی که جنبه‌ی عمومی و اصولی ندارد، آلوده نشود. این جایگاه مقدس سرمایه‌ی عظیم همه‌ی دوران تاریخ اسلام بوده و امروز در کشور ما جزو مهم‌ترین میدان‌های حضور فضایل اسلامی و انسانی است و ما در آستانه‌ی سالگرد نمازجمعه هم هستیم و نمازجمعه‌ی امروز بی‌شباهت به نمازهای جمعه‌ای که در هفته‌های اول انقلاب شروع شد و آیت‌الله طالقانی اقامه‌ی نماز می‌کردند و جمع زیادی از همه‌ی سلیقه‌ها در آن نمازها شرکت می‌کردند [نیست][۲]. ان‌شاءالله ما بتوانیم از این اجتماع امروز برای آینده‌ی بهتر کشورمان و حل مشکلاتمان و ایجاد وحدت و همدلی و همراهی و حرکت در جهت اهداف انقلاب اسلامی است که همان حرکت در جهت راهی است که پیغمبر اکرمﷺ از طریق آسمان برای ما آورده‌اند، حرکت بکنیم. ان‌شاءالله با صبر و تحمل و هوشیاری این نتیجه به دست می‌آید.[۳]

وی حتی پس از شنیدن شعارهایی در حین سخنان خود توسط برخی

---

۱. همان؛ ۲۰ خرداد ۸۸

۲. علاوه بر نمازگزاران ثابت جمعه، مهندس میرحسین موسوی و حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی دو نامزد معترض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری همراه با گروهی از حامیان خود در نمازجمعه‌ی ۲۶ تیر ماه به امامت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شرکت کرده بودند.

۳. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸،* ۲۶ تیر ۱۳۸۸

از نمازگزاران، گفت:

خواهش می‌کنم بگذارید. من خواهش کردم. آقایان من خواهش کردم به عنوان خطیب شما، به عنوان خطیب جمعه خواهش کردم که شما شعار ندهید. من در این خطبه‌ها به‌خاطر شرایطی که شما می‌دانید در اینجا و اطراف خیابان‌ها و کل این منطقه هست، خواهش می‌کنم شعار ندهید. بگذارید...[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۵ شهریور ماه در دیدار اعضای برگزار کننده‌ی همایش بزرگداشت شهید قدوسی، پیدا کردن راهی برای ایجاد آرامش در جامعه را نیاز حیاتی مقطع کنونی انقلاب و نظام خواند.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۱۸ اسفند ماه در دیدار اعضای شورای عمومی و ادوار انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران نیز در پاسخ به برخی سؤالات دانشجویان تأکید کرد:

با توجه به این‌که جمهوری اسلامی اکنون سخت مورد تهاجم دشمنان واقعی و کسانی‌که به منابع آن طمع دارند، است، همه باید در ایجاد آرامش در کشور تلاش کنیم.[۳]

۳. دفاع از اسلام

از دیگر مصادیق مرزبندی با دشمنان و ساختارشکنان، دفاع از اصل اسلام است. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در طول سال ۸۸ مواضع متعددی در این راستا داشت. وی ابتدا در تاریخ ۲۵ فروردین ماه در دیدار با جمعی از «دانش آموزان، مسئولان و معلمان مدرسه‌ی ابتدایی امام رضا علیه‌السلام قم» جوهر کلیه‌ی فعالیت‌های خود را حرکت در مسیر و چارچوب دین عنوان کرد و افزود:

راهی بهتر از این در شرایط فعلی برای نسل جوان کشور وجود ندارد و با محوریت دین نسل آینده‌ی کشور می‌تواند جایگاه شایسته‌ی خود را بیابد.[۴]

---

۱. همان

۲. همان؛ ۱۶ شهریور ۸۸

۳. همان؛ ۱۹ اسفند ۸۸

۴. همان؛ ۲۶ فروردین ۸۸

وی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه در کنگره بین‌المللی بزرگداشت کلینی نیز گفت:

طبق مطالعاتم غنی‌ترین مخزن الهی را که مبنای اندیشه‌ی بشریت است در اهل‌بیت علیهم‌السلام دیدم و به نظر نمی‌رسد که در ادیان الهی مکتبی غنی‌تر از مکتب اسلام وجود داشته باشد. اهل‌بیت علیهم‌السلام با برخورداری از دانش لدنی و الهام گرفتن و ارتباط با منابع مطمئن دانش و آشنایی کامل با قرآن منبع دانش زمان هستند. اهل‌بیت علیهم‌السلام متأسفانه در زمان خود به دلیل مسائل سیاسی زمانه نتوانستند آن‌چنان که خداوند طراحی کرده بود برنامه‌هایی را در جهان اسلام عملی کنند. اما در مقاطعی با مجاهدت ائمه علیهم‌السلام، معارف ثبت شد و به عنوان یکی از اصیل‌ترین سرمایه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام جاوید ماند که بخشی از آن از بین رفته اما همین مقدار هم که باقی مانده دریای بی‌کرانه‌ای است که پایه‌ی آن قرآن است.

از دوره‌ی تبیین و تدوین که در عصر حضور است بگذریم به عصر غیبت می‌رسیم که نقطه‌ی سرنوشت‌ساز اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام است و جمعی از بزرگان شیعه توانسته‌اند این ارتباط را محفوظ نگه دارند و خدای ناکرده اگر از دوران غیبت به ویژه غیبت صغری این استفاده‌ها نمی‌شد، معلوم نبود امروز منابع ما چه سرنوشتی داشتند. باید خدا را شکر کنیم که این افراد توانستند آنچه مناسب غیبت صغری بوده انجام دهند.[1]

وی با بیان این‌که دو مکتب محدثان و فقها در غیبت صغری بروز کرده‌است، گفت:

علی بن ابراهیم قمی، کلینی، ابن بابویه، ابن قولویه، و نهایتاً مرحوم شیخ صدوق عظیم‌الشأن از جمله پایه‌گذاران مکتب محدثان بودند و در مکتب فقها، ابن عقیل، ابن جمیل، اسکافی، شیخ مفید و شیخ طوسی که سرآمد آنها بود از جمله پایه‌گذاران بودند که البته این دو مکتب نه تنها از هم جدا نیستند بلکه از لحاظ مناسباتی محدثان بر فقها مقدم بودند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به بیان شرایط زندگی مرحوم کلینی در بغداد پرداخت و گفت:

در آن روزها همه‌ی فرقه‌های اسلامی در بغداد پایگاه داشتند و بخش عظیم علوم اسلامی از آنِ ایرانیان مقیم بغداد بود. یعنی بغداد آن روز مانند قم امروز

---

۱. همان؛ ۱۹ اردیبهشت ۸۸

بود. در آن دوره‌ای که ایشان آنجا بودند بغداد با تضعیف سیاست، شرایط خوبی را برای زندگی علما فراهم کرده بود و دانشمندان زیادی را از دانشگاه جندی شاپور به بغداد می‌فرستادند و به طور کل برای شیخ کلینی مکان خوبی بود و بعید به نظر می‌رسد که ایشان ارتباط با نواب امام زمان(عج) در زمان خود نداشته باشند که البته این امر نیاز به تحقیق و مطالعه دارد.

در آن زمان تعصبات اجازه نمی‌داد که آنها به راحتی حرف بزنند مانند زمان ما که گاهی تعصبات و جاهلیت‌ها مانع از بسیاری از حرف‌ها می‌شود. در حالی که اول باید شک کرد، سؤالات را پرسید و با مباحثه به نتیجه رسید. علم این‌گونه پیشرفت می‌کند. ما باید بحث‌ها و مناظره‌ها را با سعه‌ی صدر برگزار کنیم و از آن بهره ببریم.

در بغداد آن زمان این کارها انجام می‌شد و مرحوم کلینی با استفاده از این مسائل کتاب الکافی را که شامل بخش‌های مورد نیاز است تألیف کرد و مجموعه‌ای که ایشان تنظیم کردند کمک کرد که در آن زمان فقها بتوانند فقه خود را تکمیل کنند به گونه‌ای که امروز می‌بینیم با وجود همه‌ی امکانات، آنها دستشان پرتر از ما بود. ما امروز شباهت‌های زیادی با آن زمان داریم. کی در آن زمان، شرایطی مانند امروز را داشتیم چه در زمان رضاخان، چه در زمان محمدرضا شاه پهلوی امروز بر معیار حکومت اسلامی و در سایه‌ی ولایت فقیه و ارتباطات و تحقیقاتی که مقدور شده و نیز ویدیو کنفرانس‌ها می‌توانیم با دانشمندان سراسر دنیا مباحثه کنیم البته با سعه‌ی صدر یعنی فکر نکنیم که حرف ما حق است؛ بنابراین فکر می‌کنم آنچه امروز برای ایران به خصوص حوزه‌ی علمیه به وجود آمده حجت الهی است و ما باید با مراعات زمان و مکان که نقش اساسی در اجتهاد دارند پیشرفت کنیم.

ما معتقدیم دین ما جهانی و ابدی است و باید بر همه‌ی ادیان غلبه کند که البته این کار با زور ممکن نیست چراکه امروز زمان منطق، استدلال و علم است و البته معلوم است که زمان شیخ کلینی هم چنین فضایی بوده که ایشان کتاب علم و جهل خود را نوشتند.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پایان خاطرنشان کرد:

از آن زمان که سلفی‌ها بوده‌اند تا امروز که طالبان آمدند متأسفانه بدترین نحله را در اسلام به وجود آوردند و پوشش بسیار قبیحی بر تن اسلام کردند. این

وظیفه‌ی محققان و مراجع است که با تکمیل این نعمت الهی نام اسلام را بیش از پیش در جهان زنده نگه دارند.[۱]

وی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی انتخاباتی روزنامه‌ی همشهری کاهش اعتقادات دینی را نقطه‌ی اصلی تهدید نظام دانست.[۲]

وی در تاریخ ۱۰ خرداد ماه نیز در گفتگو با خبرگزاری ایلنا ضمن تشریح شخصیت امام خمینی(ره)[۳] گفت:

---

۱. همان

۲. روزنامه **همشهری**، ویژه‌نامه‌ی انتخاباتی، ۳۰ اردیبهشت ۸۸

۳. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تشریح شخصیت امام خمینی(ره) گفت:
«امام یک شخصیت ممتاز در عصر ما بودند که نظیر ایشان را لااقل در قرون اخیر نمی‌شناسیم. امام واقعاً جامع و باهوش بودند. من هوش ایشان را براساس تعریفی که امروز از نبوغ می‌کنند، در حدّ نبوغ می‌دیدم. در همه‌ی علومی که به ایشان مربوط می‌شد، به معنای کامل دانشمند بودند. دانش ایشان در فقه، اصول، فلسفه، تفسیر، عرفان، تاریخ و همه‌ی شاخه‌های علوم انسانی خیلی زیاد بود. از لحاظ روحی بسیار شجاع بودند. غیر از خداوند از هیچ چیز نمی‌ترسیدند. اگر لازم بود، در هر موردی تصمیم می‌گرفتند. مگر این‌که در مسئله‌ای مصلحت نمی‌دیدند.» وی با بیان این‌که امام(ره) تیزبین بودند و خیلی خوب به عمق مسایل می‌رفتند، اظهار داشت: «عرفان به گونه‌ای ایشان را به خداوند نزدیک کرده بود که غیر از خدا، هیچ‌چیز و هیچ‌کس نمی‌توانست ایشان را از مسیری که انتخاب کردند، جدا کند. شاگردان زیادی داشتند که واقعاً مرید ایشان بودند. خیلی از مراجع ما شاگردان زیادی داشتند و هنوز هم دارند. ولی روابط آنها با شاگردانشان مثل روابط امام با شاگردانش نبود. افراد را به گونه‌ای تربیت می‌کردند که به عمق مسایل برسند.» وی با تأکید بر این‌که حرف‌هایی که امام می‌زدند ارزشمند بود و هنوز هم ارزشمند است در خصوص دیگر ویژگی‌های امام گفت: «امام یک عالم بزگوار و جامع‌الشرایط بودند. این‌که در حرف‌های امام اجتهاد شود، از حرف‌های خود امام است. حرف‌های دیگران و جدیدی‌ها نیست. می‌توانید تعابیری از امام در این‌باره در صحیفه‌ی امام پیدا کنید. مثلاً امام می‌فرمایند: "فقه اسلامی تئوری اداره‌ی انسان و جامعه از گهواره تا گور و در همه‌ی ازمنه است." یا یک بار دیگر خیلی صریح فرمودند: "زمان و مکان در اجتهاد مؤثر است." یعنی این‌گونه نیست که اگر ۱۰۰ سال پیش کسی حکمی را در مسئله‌ای داده باشد، ۱۰۰ سال بعد هم باید به همان حکم عمل شود. البته در اسلام اصول و احکام ثابتی داریم که در همه‌ی ازمنه لایتغیر است. مثل نماز، روزه، خمس، حج، جهاد و... احکام ثابت دارند. ولی احکام جزیی می‌تواند در هر زمانی متفاوت باشد. احکام اداره‌ی حکومت هم باید با توجه به شرایط زمان و مکان باشد. بنابراین خود امام گفتند که همیشه باید اجتهاد باشد و نباید احکام قطعی باشد و باید زمان و مکان در اجتهاد لحاظ شود. عملاً هم امام این کار را کردند. نمونه‌ی بارز آن تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام است که در دنیا اولین بار است و در هیچ یک از حکومت‌های اسلامی سابقه ندارد. ایشان گروهی از افراد نخبه را انتخاب کرده بودند که مصلحت جامعه را در مسایلی که مطرح می‌شود، تشخیص دهند. البته توجه داشته باشید که این یک حکم اسلامی است و حکم امام نیست. حکمی است که همه‌ی فقها دارند. منتها آنها در کارهای مربوط به رساله‌ها به این مسایل توجه می‌کنند. آنچه که امام گفتند، در محدوده‌ی اداره کشور در مسایل سیاسی، اقتصادی و روابط با دنیاست.» رئیس مجمع تشخیص مصلحت

پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت و تداوم آن در طول این ۳۰ سال با اندیشه‌های اجتهادی امام بوده است. تحجّر، جمود و دگماتیسم‌هایی که گاهی می‌بینیم، با این اندیشه اسلامی سازگار نیست که در قرآن می‌گوید: ﴿... فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ...﴾[1] اگر فکر کنیم خاتمیتِ دین بدون اجتهاد پویا می‌تواند مؤثر باشد، اشتباه کردیم. دین اسلام در زمانی، آن هم در عربستان آمد که مسایل محدودی بود. ولی این دین بر اساس ویژگی خاتمیت باید در عصر کنونی که عصر فضا، اتم، ذره، نانو و... است، عملیاتی شود. قطعاً با این همه دانش و تخصصی که هر روز دنیا را احاطه می‌کند، باید یک اجتهاد پویا داشته باشیم. دین اسلام و پیامبر اکرمﷺ اصولی را گفتند که باید بر اساس اصول و تابع شرایط زمان و مکان اجتهاد کنیم.[2]

وی در تاریخ پنجم مهر ماه نیز در دیدار اعضای «شورای مرکزی خانه‌ی احزاب ایران» با مهم دانستن دغدغه‌های احزاب در کشور، یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای مبارزان در پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی را حفظ و ارتقای جایگاه الهام‌بخش اسلام خواند و گفت:

تبلیغات گسترده‌ای که امروزه علیه کارآمدی و الهام بخشی دین مبین اسلام صورت می‌گیرد، وظیفه‌ی همه‌ی دلسوزان و وفاداران به نظام و انقلاب را دو چندان می‌کند و همه‌ی ما موظفیم به گونه‌ای رفتار کنیم که عملکرد نادرست هیچ‌کس به پای اسلام نوشته نشود و خدای ناکرده هیچ کدام ما حجاب اسلام نشویم.[3]

وی یکی از اهداف بلند سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور را الهام بخشی اسلام و قرآن برای ایران و منطقه خواند و تأکید کرد:

در برهه‌ی حساس کنونی همه‌ی دلسوزان نظام در معرض آزمایش بزرگی هستند و باید نهایت تلاش خود را به کار ببندیم که از آن سربلند بیرون بیاییم.

نظام با بیان این‌که امام راه اجتهاد در اندیشه‌های خود را باز کردند، گفت: «امام وقتی گفتند: "مجمع تشخیص مصلحت می‌تواند در مصالح و مفاسد حکم به اقوی و مفسده‌ی کمتر دهد"، به این معناست که اگر روزی بر خلاف نظر امام هم تشخیص مصلحت دادند، قابل عمل است. بنابراین راه اجتهاد همیشه باز است.»
(خبرگزاری *ایلنا*، ۱۰ خرداد ۸۸، کد خبر: ۵۶۶۹۴)

۱. *زمر*: آیه ۱۷ و ۱۸
۲. خبرگزاری *ایلنا*، ۱۰ خرداد ۸۸، کد خبر: ۵۶۶۹۴
۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۷ مهر ۸۸

وی با تأکید بر این‌که در حال حاضر جز حفظ نظام و منافع کشور و مردم و همچنین دفاع از اسلام به عنوان اداره‌کننده‌ی کشور آرزویی نداریم، تصریح کرد:

بزرگ‌ترین آرزوی من این است که اهدافی که پیشتازان انقلاب در بدترین شرایط به دنبال آن بودند پی‌گیری شود.[۱]

آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۶ آبان ماه نیز در دیدار جمعی از نمایندگان ادوار غرب کشور، لزوم احترام به موازین اسلامی را مورد تأکید قرار داد.[۲]

وی در تاریخ ۱۴ دی ماه در دیدار جمعی از دانشجویان رشته‌ی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در پاسخ به سؤالی درخصوص رابطه‌ی جبهه‌ی ملی و آیت‌الله کاشانی پس از ملی شدن صنعت نفت، گفت:

پیروزی ایران در ملی کردن صنعت نفت مدیون همکاری و هماهنگی آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق بود ولی پس از پیروزی به دلیل اختلافاتی که در نحوه‌ی اداره‌ی برخی مسائل بروز کرد دولت مصدق تضعیف و در نهایت به دلیل جدایی از آیت‌الله کاشانی سقوط کرد. در بررسی این موضوع نقش رابطه‌ی مسائل ملی با مذهب در قدرت سیاسی قابل رؤیت است.[۳]

وی در تاریخ ۶ بهمن‌ماه در دیدار جمعی از استادان علوم سیاسی دانشگاه‌های قم با اشاره به این‌که اسلام کامل‌ترین مکتب برای اداره‌ی همه‌ی ابعاد جامعه است و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام محکم‌ترین منبع شناخت اسلام و قرآن است، افزود:

انقلاب اسلامی ایران این راه [مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام] را انتخاب کرده و در بررسی عملکرد سی ساله‌ی جمهوری اسلامی، نقاط قوت ناشی از حرکت در مسیر اسلام و نقاط ضعف مربوط به اشخاص و انحراف آن‌ها از دستورهای اسلامی است.[۴]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۰ بهمن‌ماه در دیدار دبیر کل و اعضای «هیأت مدیره‌ی کانون زندانیان سیاسی مسلمان» تأکید کرد:

یکی از اهداف انقلاب رسالت الهام بخشی به جهانیان است لذا باید اسلام به

---

۱. همان

۲. همان؛ ۱۷ آبان ۸۸

۳. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۱۵ دی ۸۸

٤. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۷ بهمن ۸۸

گونه‌ای معرفی شود که برای نسل‌های آینده و جهانیان الگو و نمونه باشد.[1]

وی همچنین در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی به دفاع از اجتهاد و فقه حکومتی و لزوم احیای آن در حوزه‌های علمیه پرداخته، در این‌باره گفت:

حوزه‌ی علمیه‌ی قم و تقریباً تمام حوزه‌های علمیه در طول تاریخ شیعه معمولاً وارد بحث‌های مفصل حکومتی نمی‌شدند چرا که شیعه در حاشیه بوده. یا بحث تحریم هم بوده یا این‌که اعتنایی در حکومت‌ها به آنها نمی‌شده است. حوزه‌ها بیشتر به مسایل فردی، خانوادگی، روابط انسان و خدا و اخلاقی و مسایل فقهی که سرمایه‌ی بزرگ ما بوده، تفسیر، کلام، فلسفه و از این امور می‌پرداختند. البته همه‌ی اینها خوب است و لازم است. حوزه‌ها هم با همین‌ها زنده هستند. ولی اینها همه قبل از آن بوده که حکومت اسلامی بر مبنای تفکر اهل بیت‌علیهم‌السلام به وجود بیاید. این اتفاق با انقلاب اسلامی افتاد. دین مرجع اداره‌ی مردم، جامعه و همه‌ی این اهدافی که الآن شما می‌بینید شده. حوزه‌ی علمیه نمی‌تواند مثل زمان پهلوی، قاجار و یا صفویه و یا هر وقت دیگر کنار باشد. ولی الآن باید برای این هدف و برای این حکومت، حوزه‌های علمیه نوآوری بکنند. من از همین‌جا وارد باب اجتهاد شدم که مبدأ یک بحث جدی شد که نتیجه‌ی آن بحث و مخالفت‌ها و موافقت‌ها کتابی شده که اخیراً تحت عنوان «اجتهاد در محاق»[2] چاپ شده است. البته این یک سخنرانی اجتهادی من است و در جاهای دیگر سخنرانی‌های متعددی داشته‌ام. چند سال پیش رییس جمهور که بودم در قم با علمای قم بحث کردم که حوزه‌ی علمیه علاوه بر این بحث‌های سنتی که داشته و باید هم باشد نیاز دارد به یک دانشگاه جامع امروزی که علوم و فنون روز هم در آن دیده شود تا مجتهدین که ما تحویل می‌دهیم در یکی از این علوم متخصص بشوند و شورایی از اینها بتوانند جمع شوند و نیازهای واقعی جهان اسلام را تشخیص بدهند و فتوا دسته جمعی باشد. خیلی هم مورد استقبال قرار گرفت. خیلی‌ها آمدند. دانشگاه آزاد اسلامی، شهرداری قم، آیت‌الله واعظ طبسی

---

۱. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

۲. مرتضوی، سید ضیاء؛ *اجتهاد در محاق* (پاسخ به نقد سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در همایش اجتهاد در دوره‌ی معاصر)، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، چاپ اول، زمستان ۸۸

در خراسان آمدند. همه‌ی آنها که امکانات اینجوری داشتند دنبال بودند که بیایند این دانشگاه را تأسیس کنند، کمک بکنند و کارهایی هم شد. اساسنامه‌ای هم تهیه شد ولی آنهایی که باید پی‌گیری کنند، نکردند. حوزه عملاً استقبال نکرد. من فکر می‌کنم اصلاً اجتهاد، متمّم خاتمیت است. خاتمیت از ۱۴۰۰ سال پیش وقتی در دین اسلام آمد شاید تا میلیون‌ها سال آینده، تا قیامت همین مبانی که قرآن آورده همین‌ها معیار است. دین جدیدی که وارد نمی‌شود. قرآن به گونه‌ای طراحی شده که بتواند برای همه‌ی شرایط و همه‌ی جوامع جواب دهد. جواب این هم با اجتهاد است. تطبیق احکام در موضوعات، تشخیص موضوعات، تشخیص زمان و مکان، اینها همه رکن اجتهاد است. آن اجتهاد که امام خمینی‌رحمه‌الله هم خیلی روی آن تأکید داشتند. امام‌رحمه‌الله یک تعبیری دارند «تئوری اسلامی اداره‌ی جامعه اسلامی از گهواره تا گور» تا قیامت است. باید این‌طور باشد. ما اجتهاد را این‌طور می‌بینیم. البته در دوران حکومت اسلامی حوزه‌ها یک مقدار جامع‌تر شده‌اند، مراکز تحقیقاتی به وجود آمده، انسان‌های فرهیخته در جامعه و حوزه خیلی داریم ولی آن هدفی که اجتهادِ مکمّل خاتمیت باید ایفا بکند هنوز از عهده‌ی حوزه برنمی‌آید. همه‌ی این پدیده‌های جدید را که الآن در دنیا آمده در حکومت وارد شده، در مجلس برایش قانون می‌گذارند، ساختار برایش ساخته‌ایم، اینها همه احکام اجتهادی دارد. اینها را حوزه تأسیس نکرده. یک وقتی اوایل که بیمه آمده بود، در حوزه‌ها می‌گفتند: بیمه شرعی نیست! یا بعضی چیزهای دیگر. نمی‌خواهیم آن طرف‌ها برویم. بعد مجبور می‌شوند، قبول کنند. وقتی هم قبول کنند به همان ظرف معین اکتفا می‌کنند؛ نمی‌روند اجتهاد کنند تا بلکه چیز بهتر و تکامل یافته‌تری را ارائه بدهند. این کارها را حوزه نکرده که باید بکند. این اقبال عمومی جامعه و حکومت به سمت اسلام لازمه‌اش این است که متولیان امر که حوزه‌ها باشند یک انتظارات و مسئولیت‌های جدیدی از آنها وجود دارد در این زمینه چه خلأیی وجود دارد... اگر بخواهیم این کار را بکنیم حوزه خودش باید پیش‌قدم بشود. البته در اینجا مقام رهبری نقش مهمی دارند. چون ایشان هم مرجع تقلید هستند و هم اختیارات حکومتی وسیع دارند. در حوزه هم شهریه‌ی عمده را ایشان می‌دهند و مؤسسات تحقیقی زیادی هم ایشان دارند. علما و مراجع هم خیلی می‌توانند کمک کنند اگر آنها هماهنگ با رهبری عمل کنند خلأ نیست.

یک تصمیم جدی لازم دارد. ما اگر همین حالا تصمیم بگیریم چنین دانشگاهی را به وجود بیاوریم تعدادی از رشته‌هایش را در ظرف یک سال می‌توانیم تأسیس کنیم در حالی که هم استاد داشته باشیم و هم بقیه‌ی چیزهایی که لازم است. اول باید تصمیم باشد؛ تشخیص نیاز باشد. وقتی تشخیص نیاز باشد اهل نظر کم نیستند. این هم یک کار من درآوردی نیست. هر موضوعی را انسان بخواهد مرکز تحقیقات و دانشگاه و مقاطع عالی برایش درست بکند امروز عملی است. از همه‌ی دنیا می‌توان خبره‌ترین استادان را به کار گرفت و از آنها استفاده کرد. یا دانشگاه‌های مجازی و غیرمجازی می‌توانیم شکل بدهیم. بودجه هم هست. طالب هم زیاد است. ما افراد زیادی داریم که مجتهد مسلم هستند. من آن موقع می‌گفتم که اولین ورودی‌های چنین دانشگاهی باید حداقل مجتهد متجزّی باشند یعنی وقتی وارد می‌شوند اجتهاد در مبانی فقه اسلامی را بلد باشند. نمی‌خواهم بگویم مجتهد مطلق باشند. جوان هستند و می‌خواهند بیایند تحصیلات دیگری بکنند. هزارها نفر در همان مرحله‌ی اول داوطلب می‌شوند.[۱]

وی همچنین در این مصاحبه با تأکید بر قید «اسلام» در نظام جمهوری اسلامی گفت:

ما دموکراسی را تعریف کرده‌ایم. ما در قانون اساسی دموکراسی واقعی را تعریف کرده‌ایم. همه چیز را به رأی مردم واگذار کرده‌ایم. حتی نظام جمهوری اسلامی را با تأیید مردم انتخاب کردیم و مسئولیت‌ها هم با رأی مردم به وجود می‌آید. یک چیزهایی هم هست در چهارچوب دینمان که نمی‌توانیم بپذیریم. حتی اگر مردم هم بخواهند ما نمی‌توانیم قبول بکنیم. یک چیزهایی که خلاف شرع باشد، خلاف قرآن باشد، خلاف نصّ باشد و اجتهاد نتواند آن را تأمین بکند، نمی‌پذیریم. بالاخره جمهوری اسلامی، کلمه‌ی اسلامی همراهش هست. بدون «اسلامی» که نیست؛ با هم هستند. حتماً یک قیودی از طرف دین داریم در مقابل جریان جمهوری. این را باید مراعات کنیم و مردم ما این را قبول دارند. اگر ما افراط نکنیم مردم ما این را قبول دارند. البته بعضی مواقع مسائلی به نام دین مطابق سلیقه‌ی فلان آقا به جامعه تحمیل می‌شود که این بحث دیگری است. ملاکاتی می‌تواند داشته باشد؛ با آن ملاک‌ها اگر واقعاً حکم دین باشد مطابقت می‌تواند داشته باشد. دنیا هم همین‌طور است. آنهایی که قانون اساسی دارند معیارهایی دارند شاید هم

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۱ بهمن ۸۸

نمی‌توانند بعضی چیزها را پیش مردم خودشان روشن کنند. ولی مردم می‌پذیرند و این جزو معیارها است و باید عمل کنند. چیزهای خیلی جاهلانه‌ای هم در کشورهای مترقی هست که هنوز هم به آن عمل می‌کنند. هر روز هم نمونه‌هایی از آن درمی‌آید. ولی ما متکی به وحی آسمانی و خدا و قرآن به عنوان محکم‌ترین سند بشریت مسائلی داریم که شاید آرای مردم نتواند آنها را تأمین بکند. لذا تفاوت‌هایی قطعاً دارد ولی این تفاوت‌ها اصولی است که مردم خودشان تصویب کرده‌اند. مردم، قانون اساسی را اگر نقض کنند چیز دیگری می‌شود. حالا که همه‌ی مردم قانون اساسی را قبول دارند. ما هم باید طبق قانون اساسی عمل کنیم.[۱]

۴. دفاع از اصل ولایت‌فقیه

اصل ولایت‌فقیه از مهم‌ترین اصول قانون اساسی و تخریب آن همواره از مهم‌ترین اهداف دشمنان نظام اسلامی بوده است. در حوادث سال ۱۳۸۸ نیز دشمنان نظام و عوامل فریب‌خورده‌ی آنها به تخریب این اصل اقدام ورزیدند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما در این سال در مواضع متعددی به دفاع از اصل ولایت فقیه، مشروعیت الهی آن و برکات حاصل از این اصل پرداخت. وی ابتدا در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه در کنگره‌ی بین‌المللی بزرگداشت کلینی گفت:

> امروز بر معیار حکومت اسلامی و در سایه‌ی ولایت فقیه و ارتباطات و تحقیقاتی که مقدور شده و نیز ویدئو کنفرانس‌ها می‌توانیم با دانشمندان سراسر دنیا مباحثه کنیم. البته با سعه‌ی صدر.[۲]

وی در اولین روز از خرداد ماه ۸۸ در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران نیز از رهبری به عنوان «فقیهی که مشروعیت نظام به او متکی است»، یاد کرد.[۳]

وی همچنین در خطبه‌های نمازجمعه‌ی خود در تاریخ ۲۶ تیر ماه به نقل روایتی پرداخت و ضمن تأکید بر «مقبولیت مردمی» و تأثیر حضور و نقش مردم برای «به سرانجام رساندن حکومت» ولایت را صریحاً «از طرف خدا»

---

۱. همان

۲. همان؛ ۱۹ اردیبهشت ۸۸

۳. همان؛ ۲ خرداد ۸۸

معرفی کرد. وی در این رابطه گفت:

امام مبنای فقهی‌شان و همه چیزشان این بود که حکومت اسلامی بدون حضور مردم نمی‌شود. اگر مردم راضی نباشند این حکومت انجام نمی‌شود و یک روایتی من از زمان امام(ره) شنیدم... روایت جالبی است... خواهش می‌کنم به این روایت توجه کنید... خود حضرت علی بن ابیطالب(ع) می‌فرماید یک روز پیغمبر در همان روزهایی که عرض کردم، پیغمبر مهموم و نگران آینده بود در سال آخر عمرش آن‌را به علی بن ابیطالب(ع) گفته: *یا ابن ابیطالب لك ولاء امتي*[1] این بعد از غدیر است. یعنی تو ولی این امت هستی و ولایت مال توست چیزی که خدا به تو داده است. «*فان ولوك في عافية و اجمعوا عليك بالرضا فقم بامرهم*» اگر دیدی این مردم راضی بودند و آمدند تو را قبول کردند، به تو این سمت را دادند با اجماع، البته اجماع نسبی است تام نمی‌شود. یعنی به اندازه‌ی کافی و لااقل اکثریت آنها جمع شدند دور شما، اگر آمدند شما بپذیر و متولی امر شو و کارشان را اصلاح کن... و قسمت بعدی می‌گوید «*و إن اختلفوا عليك*» اگر دیدی اختلاف کردند و آن مقداری که باید بیایند، با تو نیامدند، «*فدعهم*» ولشان کن «*و ما هم فيه*». بگذار کاری که می‌خواهند، بکنند. خودشان می‌دانند «*و إن الله سيجعل لك مخرجاً*» و خداوند برای تو راهی پیدا می‌کند که به اهدافت برسی. این روایت از روایات معتبر است. ناقل آن هم که سند معتبری را ارائه می‌کند، سید بن طاووس است. نه این‌که ما فقط این روایت را داریم بلکه خیلی داریم. کتاب داریم، کتاب‌ها داریم و من فقط یک روایت صریحی را خواندم.[2]

وی در ادامه مبنای حکومت در جمهوری اسلامی را همان مبنای حکومت پیامبر(ص) معرفی کرد.[3]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ دوم مهر ماه در مراسم تجدید میثاق نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با آرمان‌های امام خمینی(ره) با تأکید بر حفظ انقلاب اسلامی به عنوان هدیه‌ای الهی گفت:

نسل انقلاب آن‌قدر به مسائل واقف هست که خودش را گم نمی‌کند، اما

---

۱. علی‌بن‌موسی ابن طاووس، *کشف‌المحجة لثمرة‌المهجة*، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص۲۴۸-۲۴۹

۲. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸*، ۲۶ تیر ۱۳۸۸

۳. همان

می‌بینیم که این‌قدر تهاجم زیاد شده که به اصل اصیل ولایت که دستاورد اساسی انقلاب است، حمله‌ی ناجوانمردانه می‌شود.[۱]

وی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد، با تفکیک صریح دو اصل «مقبولیت» و «مشروعیت» حاکم اسلامی گفت:

انقلاب ما براساس اسلام و قرآن است. قرآن جامعه‌ی مؤمن را معرفی کرده است. اصل قرآنی برای اداره‌ی جامعه بر اساس «مقبولیت» است. اگر کسانی عقیده و ایمان نداشته باشند، حتی با پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله هم کار نمی‌کنند و حتی اگر کاری هم کردند، پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله به کارشان اهمیت نمی‌داد. وقتی مردم قبول داشته باشند، با آن جامعه کار می‌کنند. وقتی این حرف را می‌زنم، بعضی از تندروهای جناح به اصطلاح اصول‌گرا نمی‌پسندند و می‌گویند: «این چه حرفی است که می‌زنید؟ خداوند کسی را تعیین کرده که بر مردم حاکم باشد و رأی مردم هم زینتی است و باید بپذیرند.» خلاصه مطلب این است و تفاوت از اینجا معلوم می‌شود. توجه داشته باشید که صحبت از «مقبولیت» و «کارایی» حاکم است و نه «مشروعیت». غیر از روایات و آیات فراوانی که در آن خطبه خواندم، روایتی را خواندم و گفتم: ولایتی روشن‌تر، حقیقی‌تر، مشروع‌تر و الهی‌تر از ولایت حضرت علی‌علیه‌السلام نداشتیم. حضرت علی‌علیه‌السلام منصوب بود. یعنی خداوند به پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور داد که اعلان کند. پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌دانست که سخت است. پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله در غدیر خم که مناسبت امروز ماست، با آن شرایط و آن زمینه‌ها در مقابل همه‌ی جمعیت، علی‌علیه‌السلام را معرفی کردند اما چند ماه نگذشت که دیدیم مردم چه کار کردند. پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله خصوصی به حضرت علی‌علیه‌السلام مطالبی را فرمودند... پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت علی‌علیه‌السلام گفتند: از طرف خداوند حق ولایت داری، ولی اگر مردم قبول کردند، اداره کن و اگر قبول نکردند، خود را تحمیل نکن و بگذار هرگونه که می‌خواهند، جامعه‌ی خود را اداره کنند.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۴ آذر ماه و در آستانه‌ی ماه محرم در دیدار

---

۱. همان؛ ۴ مهر ۸۸
۲. همان؛ ۲۵ آذر ۸۸

«جمعی از روحانیون و وعاظ» نیز گفت:

> حفظ اصل ولایت فقیه و جایگاه رهبری از ضروریات است و همگان باید در این مسیر حرکت کنند.[1]

وی طی سخنانی در جمع «کارکنان مجمع تشخیص مصلحت» و «جمعی از عزاداران سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسینؑ» که در تاریخ ۸ دی‌ماه منتشر شد به بنای نظام بر محور ولایت اشاره کرد و گفت:

> مردم ایران این افتخار را دارند که به محض آشنایی با اسلام مجذوب مکتب اهل‌بیتؑ شدند و از زمان حکومت حضرت علیؑ تا امروز این عشق و ارادت در حال رشد است و در سایه‌ی مجاهدات در این راه موفق شدند برای اولین بار در تاریخ، مکتب اهل‌بیتؑ را مذهب رسمی ایران کنند و ساختار نظام را بر محور «ولایت» شکل دهند و هیچ قدرتی نمی‌تواند این عشق و ارادت را از ما بگیرد و در شرایط گوناگون این حقیقت را ثابت کرده‌اند.[2]

وی همچنین در تاریخ ۱۲ دی ماه طی سخنانی در ابتدای جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، از حضور گسترده‌ی مردم سراسر کشور در راهپیمایی حمایت از نظام، ولایت و رهبری در روز ۹ دی تشکر و قدردانی کرد و آن را خنثی کننده‌ی توطئه‌ی معاندین علیه اصل نظام و اصل ولایت فقیه دانست.[3]

وی در تاریخ ۶ بهمن‌ماه در دیدار جمعی از استادان علوم سیاسی دانشگاه‌های قم نیز اصل ولایت فقیه را محور جمهوری اسلامی خواند و گفت:

> اگر ولایت و جایگاه رهبری آسیب ببیند نمی‌توان آینده‌ی خوبی برای کشور متصور بود.[4]

وی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه در مصاحبه با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی سیستم حکومتی نظام را سیستمی نامید که بر اساس معارف اهل‌بیتؑ برای اولین بار در ایران شکل گرفته است. او در این باره گفت:

---

۱. همان؛ ۲۶ آذر ۸۸
۲. همان؛ ۹ دی ۸۸
۳. همان؛ ۱۳ دی ۸۸
٤. همان؛ ۷ بهمن ۸۸

این تحول عظیمی که در ایران اتفاق افتاد را بدون اغراق می‌توان یک انقلاب همه جانبه به حساب بیاوریم به خصوص بُعد فرهنگی و عقیدتی که ما را به مکتبی که ما آن را اسلام ناب می‌خوانیم رساند و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام چنین سابقه‌ی حکومتی نداشت. البته یک دوران کوتاهی حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام حکومت کردند ولی بیشتر گرفتار جنگ بودند. بعدها هم حکومت‌هایی به تصدی شیعیان بوده اما هیچ وقت حالت مکتبی به صورتی که بخواهد خودش را با معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام و ساختاری ما تنظیم کند نداشته‌ایم. برای اولین بار ایرانی‌ها با رهبری امام خمینی رحمه‌الله و جهاد بسیار خوبی که کردند با حضور بی‌سابقه‌ی خود موفق شدند به این میراث گران‌بهای اهل‌بیت علیهم‌السلام شکل حکومتی بدهند. ساختار و قالبی هم برایش درست کردند. تا حدودی محتواها هم تبیین شد، کار اجرایی‌اش را هم شروع کرد.[1]

وی همچنین درباره‌ی کلمه‌ی «مشروعیت» و تعابیر مختلفی که از آن می‌شود، گفت:

کلمه‌ی «مشروعیت» در ذهن مخاطبان دو تا مصداق دارد. گاهی مشروعیت که می‌گویند منظور [این است که] شرعی هست یا نیست؟ گاهی این‌که می‌گوییم مشروعیت، یعنی قانونی هست یا نه؟ این هم باز یک نوع مشروعیت است. در اصطلاح حقوقی و سیاسی هم این کلمه را با دو معنا به کار می‌برند... گاهی مقبولیت با مشروعیت خلط می‌شود. من فکر می‌کنم حالا ما به جای این‌که برویم به این بحث‌های طولانی که الآن می‌شود موافق و مخالف و... به یک نقطه‌ی مشترک که هیچ‌کسی نمی‌تواند منکرش شود به قانون اساسی تکیه کنیم. برای این‌که الآن مشروعیت با عمل به قانون اساسی به دست می‌آید. دیگر چه کار داریم برویم بحث‌های ریزه‌کاری فقهی و دانشگاهی بکنیم که ریشه‌ی این چیست؟ دلیلش چیست؟ همین موارد است که گاهی مورد اختلاف قرار می‌گیرد. قانون اساسی ما آمده سیستم حکومت اسلامی را کاملاً مردمی کرده است. از رهبر گرفته تا مدیران اجرایی. بعضی یک مرحله‌ای است بعضی دو مرحله‌ای است. رهبر انتخابش دو مرحله‌ای است. رییس جمهور، نمایندگان مجلس و شوراها مستقیم انتخاب می‌شدند. وزرا از دل دولت و مجلس در می‌آید. مدیران بعدی هم همین‌هایی که متکی به رأی مردم بودند انتخاب

---

۱. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

می‌کنند و حتی من فکر می‌کنم در اول انقلاب خیلی در مردمی کردن حکومت شتاب کردیم. در همان سال‌های اول انقلاب شوراهای روستایی و کارگری و... را تأسیس کردیم که هنوز هم هستند و کار هم می‌کنند موفق هم بودند. خدماتی هم کردند موانعی هم گاهی ایجاد می‌کنند... قانون اساسی که جای شک و شبهه در آن نیست. قانون اساسی صراحت دارد که یک مورد استثنا کرده که جز کسی که مثل امام به رهبری رسیده باشد. از آن که بگذریم اگر چنین فرضی دیگر نباشد همیشه رهبری باید از طریق مجلس خبرگانِ منتخب مردم شکل بگیرد. همین است. من فکر می‌کنم اینها یک بحث‌هایی است که فقط به درد مدرسه و جلسات تحقیقاتی که ما طلبه‌ها یا دانشگاهی‌ها داریم می‌خورد. عملاً خیلی روشن است. قانون اساسی ملاک مشروعیت همه‌ی مدیران است. البته در همین قانون اساسی شروطی برای رهبر قید شده که امتیازات زیادی از رهبری معمول دنیا دارد. فقاهت، عدالت، تقوی، مدیریت، بینش سیاسی و...[1]

وی در ادامه، در پاسخ به این پرسش که «به عنوان یک جمع‌بندی دیدگاه شما این است (اگر اشتباه می‌کنم تصحیح بفرمایید) که در صورتی که چیزی منبعث از قانون اساسی باشد چه انتخابی چه انتصابی از دیدگاه قانون و حقوق مشروعیت دارد.» گفت:

همین‌طور است. الآن برای ما این‌طور است.

وی همچنین درباره‌ی جایگاه رهبری در قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی گفت:

رهبری جزو قانون اساسی ماست. رهبری مرکز اصلی نظام است و اختیاراتش هم در قانون اساسی دیده شده است... من فکر می‌کنم در قانون اساسی ما همان جوری که واقعیت رهبری ما را پذیرفته و نقش ایشان را پذیرفته شرایط رهبری شرایطی است که خود به خود و اتوماتیک‌وار مانع انحراف می‌شود. ما می‌توانیم مطمئن باشیم. هیچ قدرت دیگری با این شرایطی که ما داریم نمی‌تواند محفوظ باشد و مورد اعتماد باشد. در قانون اساسی رهبری محور قرار گرفته است. باید ایشان رییس جمهور را تنفیذ بکند. معنایش این است که همه‌ی دولت مورد تأیید می‌شود. فقهای شورای نگهبان را ایشان منصوب می‌کنند. رییس قوه‌ی قضاییه را ایشان معین می‌کنند. صدا و سیما دست ایشان است. نیروهای مسلح هست. این هم مایه‌ی

۱. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

قدرت رهبری است و هم مایه‌ی اعتماد مردم است که کسی با آن شرایط این اختیارات را دارد و از اینها سوء استفاده نمی‌کند و نهادی مثل خبرگان هم با حدود یکصد مجتهد عادل همیشه مراقب حفظ و ادامه‌ی شرط‌های رهبری است.[۱]

وی در تاریخ ۴ اسفند ماه در نطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری تصریح کرد:

وفاداران انقلاب، اصل انقلاب، اسلام و مکتب ولایی اهل‌بیت علیهم‌السلام را قبول دارند و این مکتب ولایی اهل‌بیت علیهم‌السلام مهم‌ترین دستاوردی است که به ما رسیده است و توانسته‌ایم بعد از ۱۴۰۰ سال این مکتب را در ایران مستقر و قانون اساسی و ساز و کارهای حکومت را بر اساس این محور تنظیم کنیم. ممکن است برخی این مکتب را قبول نداشته باشند اما اکثریت جامعه ما این‌گونه نیستند؛ باید سعی کنیم این مجموعه را در صحنه نگه داریم.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ پنجم اسفند ماه نیز در دیدار اعضای هیأت رییسه و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، «تقدّس ولایت فقیه» را به عنوان «مهم‌ترین سرمایه‌ی تشیّع و انقلاب اسلامی» برشمرد.[۳]

وی همچنین در تاریخ ۱۲ اسفند ماه در دیدار جمعی از «ائمه‌ی جماعات مساجد تهران، شمیرانات و کرج» با اشاره به تلاش دشمن برای بیرون کردن عشق ولایت از دل مردم گفت:

اکنون شاهدیم دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی هدف خود را در جدایی مردم از انقلاب و بیرون کردن عشق امام، نظام و ولایت از دل‌های آحاد جامعه پی‌گیری می‌کنند.[۴]

۵. حمایت از شخص رهبری

تخریب شخصیت رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از دیگر اموری بود

---

۱. همان

۲. همان؛ ۵ اسفند ۸۸

۳. همان؛ ۸ اسفند ۸۸

۴. همان؛ ۱۵ اسفند ۸۸

که از سوی دشمنان نظام و برخی از معترضان ساختارشکن دنبال می‌شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما با تأکید بر شایستگی‌های مقام معظم رهبری ضمن اشاره به برخی از مواضع ایشان از لزوم توجه به این مواضع سخن می‌گفت.

وی در تاریخ ۷ فروردین ماه در اولین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی تهران با اشاره به بیانات رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی و همچنین فرمایشات ایشان در حرم مطهر رضوی، خاطرنشان کرد:

خوشبختانه رهبر معظم انقلاب هم در پیام نوروزی‌شان و هم در صحبت‌هایی که در مشهد داشتند، چیزهای مهمی که مردم و مسئولان باید توجه کنند در صحبت‌های کوتاهشان گنجاندند.

...نکته‌ی دیگری که در حرف‌های ایشان مهم بود و به شایعات زیادی پایان داد این بود که گفتند من از هیچ‌کس در انتخابات قانونی که باید انجام شود، حمایت نمی‌کنم. یک رأی دارم و این رأی را به هر کسی که ترجیح بدهم به او می‌دهم.[۱] بنابر این به حساب ایشان نباید گذاشته شود که ایشان از کسی حمایت می‌کنند و از کسی حمایت نمی‌کنند. این قانون است. قانون اگر صلاحیت افراد را تأیید کرد وارد رقابت می‌شوند و حقی هم دارند و این حق را باید مجریان و ناظران فراهم کنند. این صراحتی که رهبری داشتند دیگر جای نگرانی نیست...

ایشان فرمودند ما در آمریکا تغییری نمی‌بینیم. تغییر باید در عمل

---

۱. مقام معظم رهبری در تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۸۸ در سخنان خویش در جمع زائران حرم امام رضا(ع) در مشهد مقدس فرمودند:

«درباره‌ی موضع رهبری در مورد انتخابات، گمانه‌زنی و شایعه و اینها همیشه بوده و خواهد بود. بنده یک رأی دارم، آن را در صندوق می‌اندازم. به یک نفری رأی خواهم داد، به هیچ کس دیگر هم نخواهم گفت که به کی رأی بدهید، به کی رأی ندهید؛ این تشخیص خود مردم است. بنده گاهی از دولت حمایت می‌کنم، دفاع می‌کنم؛ بعضی سعی می‌کنند برای این کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه! من از دولت‌ها همیشه دفاع می‌کنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیر منصفانه‌ای می‌شود، بیشتر دفاع می‌کنم. من طرفدار اِعمال انصافم؛ من می‌گویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم؛ این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی‌انصافی است. حمایت کردن از خدمتگزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند؛ این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجویی‌ای از محرومین، از هر ایستادگی‌ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال می‌کنم و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاسگزاری می‌کنم؛ هر دولتی باشد، هر شخصی باشد؛ این وظیفه‌ی من است.» (*پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛* ۱ فروردین ۸۸)

انجام شود. موضع آمریکا موضع جدید نیست.[1] موضع ما از اول انقلاب این بوده. تبلیغات هم شده است. همه حرف رهبری را می‌گویند. ملت ما هم حرف رهبری را می‌زند. در مسایل جهانی اگر آنها مرتکب خطایی بشوند ما

---

۱. مقام معظم رهبری در تاریخ اول فروردین ماه ۸۸ در قسمتی از سخنان خود در مشهد فرمودند: «من نمی‌دانم تصمیم‌گیر در آمریکا کیست؛ رییس جمهور است؟ کنگره است؟ عناصر پشت پرده‌اند؟ لیکن من می‌خواهم بگویم ما منطقی داریم. ملت ایران از روز اول تا امروز با منطق حرکت کرده است. ما در زمینه‌ی مسائل مهم خودمان احساساتی نیستیم؛ از روی احساسات تصمیم نمی‌گیریم؛ ما با محاسبه تصمیم می‌گیریم. می‌گویند بیایید مذاکره کنیم، بیایید روابط ایجاد کنیم. شعار تغییر می‌دهند؛ خب، این تغییر کجاست؟ چه تغییر کرده؟ این را برای ما روشن کنید؛ چه تغییر کرده است؟ دشمنی شما با ملت ایران تغییر کرده؟ کو علامتش؟ دارایی‌های ملت ایران را آزاد کردید؟ تحریم‌های ظالمانه را برداشتید؟ از لجن‌پراکنی و اتهام‌زنی و تبلیغات سوء علیه این ملت بزرگ و مسئولین مردمی آن دست برداشتید؟ دفاع بی‌قید و شرط از رژیم صهیونیستی را کنار گذاشتید؟ چه تغییر کرده؟ شعار تغییر می‌دهند، اما در عمل تغییری مشاهده نمی‌شود. ما هیچ تغییری ندیدیم. حتّی ادبیات هم عوض نشده است. رییس جمهور جدید آمریکا از اولین لحظه‌ای که رسماً به ریاست جمهوری رسید و نطق کرد، به ایران و دولت جمهوری اسلامی اهانت کرد؛ چرا؟ اگر راست می‌گویید تغییری انجام گرفته است، کو این تغییر؟ چرا چیزی دیده نمی‌شود؟ من این را به همه می‌گویم؛ مسئولین آمریکایی هم بدانند، دیگران هم بدانند؛ ملت ایران را نه می‌شود فریب داد، نه می‌شود ترساند. اولاً تغییر در الفاظ کافی نیست ـ که حالا ما چندان تغییری در الفاظ هم ندیدیم ـ تغییر باید تغییر حقیقی باشد. این را هم به مسئولین آمریکایی بگوییم؛ این تغییری که شما اسمش را می‌آورید، برای شما یک ضرورت است؛ چاره‌ای ندارید، باید تغییر کنید؛ اگر تغییر نکنید، سنت‌های الهی شما را تغییر خواهد داد؛ دنیا شما را تغییر خواهد داد. باید تغییر کنید؛ اما این تغییر نباید فقط لفاظی باشد، نباید با نیت‌های ناسالم باشد. یک وقت بگویند ما می‌خواهیم سیاست خودمان را تغییر دهیم، اما هدف‌ها را عوض نمی‌کنیم، تاکتیک‌ها را عوض می‌کنیم؛ این تغییر، تغییر نیست؛ این خدعه است. یک وقت تغییر، تغییر واقعی است؛ آن وقت باید در عمل مشاهده شود. من نصیحت می‌کنم به مسئولین آمریکایی، به هر که در آمریکا تصمیم‌گیر است ـ چه رییس جمهور، چه کنگره و چه دیگران ـ این وضعی که در گذشته دولت آمریکا داشته است، به ضرر ملت آمریکا و به ضرر خود دولت آمریکا هم هست. شما امروز در دنیا منفورید؛ اگر نمی‌دانید، بدانید. ملت‌ها پرچم شما را آتش می‌زنند، ملت‌های مسلمان در همه‌ی نقاط عالم «مرگ بر آمریکا» می‌گویند. علت این منفوریت چیست؟ این را هیچ بررسی کرده‌اید؟ تحلیل کرده‌اید؟ عبرت گرفته‌اید؟ علت این است که شما با دنیا قیم‌مآبانه برخورد می‌کنید، متکبرانه حرف می‌زنید، می‌خواهید اراده‌ی خودتان را در دنیا تحمیل کنید، در امور کشورها دخالت می‌کنید، در دنیا معیارهای دوگانه به کار می‌برید... تا وقتی دولت آمریکا روش خود را، عمل خود را، جهت‌گیری خود را، سیاست‌های خود را، مثل این سی سال علیه ما ادامه دهد، ما همان آدم سی سال قبل، همان ملت این سی سال هستیم. ملت ما از این‌که باز هم شما شعار بدهید که «مذاکره و فشار»، ما با ایران مذاکره می‌کنیم، در عین حال فشار هم وارد می‌آوریم ـ هم تهدید، هم تطمیع ـ بدش می‌آید. اینجور با ملت ما نمی‌شود حرف زد. ما سابقه‌ای از دولت جدید و رییس جمهور جدید آمریکا نداریم؛ نگاه می‌کنیم، قضاوت خواهیم کرد. شما تغییر کنید، ما هم رفتارمان تغییر خواهد کرد. شما تغییر نکنید، ملت ما این سی سال را روزبه‌روز آبدیده‌تر و متحمل‌تر و قوی‌تر و باتجربه‌تر شده است.» (همان)

مخالفت می‌کنیم نظرمان را می‌گوییم. موضع ما را رهبری روشن کردند و همه باید متفق باشیم.[۱]

وی در تاریخ ۱۸ فروردین ماه در دیدار دکتر محسن رضایی (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام) و دبیران کمیسیون‌های این مجمع گفت:

رهنمودهای بسیار مؤثر و مهم رهبری معظم انقلاب در سخنرانی مشهد در مورد انتخابات بسیار کارگشا و دل‌گرم کننده بود.[۲]

در تاریخ ۲۶ فروردین ماه حجت‌الاسلام والمسلمین، علی زادسر (نماینده‌ی سابق مردم جیرفت) متن گفتگوی خود با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را منتشر کرد. وی در گفتگو با زادسر روابط خود با رهبر معظم انقلاب را عاطفی، معرفتی، سیاسی و کاری برشمرده و گفت:

روابط من با آیت‌الله خامنه‌ای، هم عاطفی است و هم معرفتی و هم سیاسی و هم کاری.

معرفتی است؛ زیرا عمیقاً همدیگر را می‌شناسیم، خلقیات، عادات، روحیات و افکار هر یک از ما برای دیگری روشن و بسیار نزدیک است و بدین جهت است که حقیقتاً عاطفی است.

سیاسی است؛ زیرا من و آقای خامنه‌ای عمده‌ی عمر خود را با همکاری سیاسی گذرانیده‌ایم و با سیاست عجین شده‌ایم.

کاری است؛ چون‌که در طول نیم قرن گذشته، آقای خامنه‌ای و من، در حقیقت لازم و ملزوم هم و مکمل یکدیگریم، در طول مبارزه، تمام کارهای (حداقل پنجاه و چند سال عمر) من و ایشان، در راستای سروسامان دادن به امور انقلاب اسلامی، اداره کشور، و رتق و فتق مشکلات سخت روزگار دفاع مقدس ملت شجاع و مسلمان ایران، بوده و هست.[۳]

وی در پاسخ به این پرسش که «اختلافات فی مابین شما و آقا چگونه به وجود می‌آید و برای رفع آن‌ها چه می‌کنید و اگر ممکن است نمونه‌هایی از اختلافات و کیفیت حل آن‌ها را بیان بفرمایید.» گفت:

البته که اختلافات داریم؛ مگر می‌شود دو تا انسان با یکدیگر هیچ‌گونه اختلافی

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۹ فروردین ۸۸

۲. همان

۳. *وب سایت علی زادسر جیرفتی*، ۲۶ فروردین ۸۸

نداشته باشند. احتمالاً آن چیزی که موجب پرسش شماست، اختلاف در امور مهم و سیاست‌های کلان کشور در داخل و خارج است... من و رهبری، در موارد اختلافی، با یکدیگر بحث می‌کنیم تا یکی از ما دو نفر مجاب بشود. اگر من قانع شدم که تکلیف روشن است، اگر مقام معظم رهبری ادله و توجیهات مرا پذیرفتند، خوب مطابق تکلیف خود عمل می‌کند، اما اگر هیچ‌کدام از ما نظرات دیگری را نپذیرفتند و از براهین و توضیحات ارائه شده متقاعد نشدند، چه باید کرد؟ این موضوع را با آقا به مباحثه گذاشتیم و سرانجام با دلیلی که می‌گویم، بنده خود را مکلف دیده و می‌بینم که از نظرات و اوامر ولی امر، تمکین و تبعیت کنم؛ و آن دلیل این است که ایشان در فرض عدم قناعت، حجت شرعی در پذیرفتن نظرات مرا ندارند، ولیکن من جهت عمل به نظرات و تصمیمات متخذه از سوی ایشان به عنوان رهبری، عندالله حجت شرعی و قانونی دارم.

وی در ادامه به نمونه‌ای از اختلاف دیدگاه‌های خویش با مقام معظم رهبری اشاره کرده، گفت:

دو نمونه را می‌گویم که مربوط به گذشته‌ی خیلی دور هم نمی‌باشد، فقط به عنوان مثال، نمونه‌ی اول؛ بنده بنا به دلایل محکمی که داشتم، با نامزد شدن خودم برای مجلس خبرگان رهبری، مخالف بودم، مقام معظم رهبری از من توضیح خواست و دلایل مرا نپذیرفت و به من امر کردند که باید ثبت نام کنید و اضافه کردند که نام‌نویسی شما در انتخابات مجلس خبرگان یک تکلیف الهی است و واجب. گفتم من که بر خودم واجب نمی‌دانم، شما که واجب می‌دانید، تهیه‌ی مقدمات آن نیز بر شما واجب است. مقدمات مورد نظر را گفتم که ایشان پذیرفتند و عملی کردند و من هم نامزد شدم.[1]

---

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۷ اسفند ماه ۱۳۸۹ ضمن سخنانی در مراسم افتتاحیه‌ی نهمین اجلاسیه‌ی چهارمین دوره از مجلس خبرگان رهبری گفت:

«بنده از جانب خودم تاکنون نامزد هیچ پستی نبوده‌ام، از قبل از انقلاب تا به حالا، هر وقت شده یا با تکلیف شده یا با فشار به اینجانب بوده و امثال اینها در انتخابات [دوره‌ی] نهم [ریاست جمهوری] شرایطی را دیدم که نمی‌خواهم الآن بگویم. چون تجدید اختلاف می‌شود، شرایطی را دیدم که تصمیم گرفتم دیگر در هیچ انتخاباتی [به عنوان کاندیدا] خودم شرکت نکنم. اما همیشه مردم را جهت شرکت در انتخابات تشویق می‌کنم. ولی لازم نیست به علت سن زیاد، کسی از من توقع داشته باشد. هجمه‌ی زیادی در انتخابات خبرگان بر من وارد شده است. موقع انتخابات دوره‌ی قبل خبرگان که شد اولین کاری که کردند، آقایان در جامعه‌ی روحانیت مبارز آمدند دفتر ما؛ آیت‌الله مهدوی‌کنی، آیت‌الله یزدی، نوار مذاکرات را دیشب گوش

نمونه‌ی دوم؛ بنا بر دلایل متعدد سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، به عملکرد دولت نهم انتقاد دارم به جز در مورد تخلف از سیاست‌های کلی که نظارت بر آن از وظایف مجمع است، سکوت کرده‌ام تا با نظرات علنی مقام معظم رهبری، مخالفتی انجام نگیرد.[1]

وی همچنین در ارتباط با چگونگی ادای جمله‌ی معروف «خامنه‌ای عشق من است»[2] افزود:

آنچه را که در جمع دانشجویان گفتم سیاسی نبود، بلکه واقعیت را گفتم. من آقای خامنه‌ای را دوست می‌دارم و هرگز به جهت ملاحظات سیاسی و حکومتی، آن موارد را مطرح نساختم و تکرار می‌کنم که طی حداقل پنجاه سال

دادم؛ آقایان چقدر اصرار کردند. اصلاً نیامدن من را مساوی با خیلی خطرها می‌دیدند؛ می‌گفتند: باید بیایید. من گفتم نظر شما را رد نمی‌کنم ولی می‌روم با آقا [مقام معظم رهبری] صحبت می‌کنم. رفتم با رهبری صحبت کردم و رهبری گفتند: متعیّن و واجب است. قبلاً هم از طریق آقای طبسی و آقای روحانی این پیام را به من رسانده بودند، گفتم من که بر خودم واجب نمی‌دانم. من یک نفر از آن ۸۶ نفر هستم. اینها همه هستند، چرا من؟ یکی باید کاندیدا بشود؛ حال اگر شما واجب می‌دانید مقدمات واجب بر شما واجب است؛ بر من واجب نیست. ایشان گفتند: خب شما این‌قدر اصرار می‌کنید، من این واجب را انجام می‌دهم. [شرکت در] انتخابات [را] بخاطر این‌که امر بود پذیرفتم. البته باز در انتخابات بداخلاقی‌های زیادی دیدیم ولی مثل گذشته نبود؛ یک مقدار محدودتر بود. به هر حال این‌طور نیست که برای پُستی شیفته و عاشق موقعیتی باشیم؛ همه چیز را در این ۵۰، ۶۰ سال سابقه‌ام دیده‌ام. [ترجیح می‌دهم که] اگر اندوخته‌ای دارم، بنویسم و یادداشت کنم و روی نوشته‌های قبلی‌ام کار کنم. من الآن دنبال این هستم و عشق من هم همین است. لازم باشد باز در خدمت انقلاب می‌مانم تا نفس دارم می‌مانم و هر کاری باشد انجام می‌دهم از هیچ کاری هم دریغ نمی‌کنم و در خدمت شما هستم.» (روزنامه‌ی **جمهوری اسلامی**؛ ۲۱ اسفند ۸۹)

۱. ***وب سایت علی زادسر جیرفتی***، ۲۶ فروردین ۸۸

۲. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲ آذر ماه ۱۳۸۷ در جمع دانشجویان دانشگاه شریف در همایش ملی «۳۰ سال انقلاب اسلامی؛ دستاوردها، آسیب‌ها و فرصت‌ها» در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان مبنی بر رابطه‌ی وی با مقام معظم رهبری اظهار کرد: «من فکر می‌کنم در این کشور دو نفر که از من و رهبری به هم نزدیک‌تر باشند، پیدا نمی‌کنید.» وی همچنین در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر این‌که آیا ایشان را همچنان دوست می‌دارید گفت: «خیلی! عشقم آقای خامنه‌ای است. ما ۵۰ سال است که رفیق صمیمی و یار غار هستیم و اسرار جدایی نداریم.» وی ادامه داد: «تعبیرهای زیادی از ایشان درباره‌ی من هست که آن‌ها را نمی‌گویم. من هم به ایشان ارادت دارم. البته در مواردی هم مثل هر انسان متفکری اختلاف نظر داریم. یک بار درباره‌ی این موضوع بحث کردیم و نتیجه این شد که طبیعتاً ایشان حجتی ندارد که بخواهد نظر مرا بپذیرد اما من نمی‌توانم صرفاً به نظر خود عمل کنم؛ زیرا حجت دارم و قانوناً و شرعاً باید از ایشان تبعیت کنم و این قرار ما با ایشان است.» وی یادآور شد: «مواردی هست که گاهی ما جدا تصمیم می‌گیریم و به هم که می‌رسیم، می‌بینیم یک جور تصمیم گرفته‌ایم. به هر حال ایشان در مقام رهبری و ما در مقام رهروی هستیم.» (روزنامه ***جمهوری اسلامی***؛ ۳ آذر ۸۷)

گذشته در این کشور دو نفر از من و آقای خامنه‌ای به یکدیگر نزدیک‌تر، کسی را نمی‌شناسم... مطمئن باشید که ما هرگز از هم جدا نخواهیم شد.[۱]

وی همچنین درباره‌ی علت حمایت مکرر رهبری از دولت نهم و انتقادات خویش از این دولت گفت:

من این‌جوری خودم را راضی و قانع می‌کنم که رهبر معظم انقلاب اسلامی، تحلیلی را از اوضاع دارند که تشخیص‌شان این است که اگر از دولت دفاع و پشتیبانی نکنند، ممکن است دولت برای ادامه‌ی کار با مشکل جدی مواجه شود و در شرایط فعلی این به صلاح نیست... موضع من در حق دولت نهم همان سکوت من است و فکر نمی‌کنم که رهبر معظم انقلاب در این زمینه چیز بیشتری از من بخواهد، زیرا ایرادات و انتقادات مرا به این دولت در ابعاد گوناگون، مستحضر می‌باشند.[۲]

وی در تاریخ ۳ اردیبهشت ماه در دیدار اعضای حزب اعتدال و توسعه گفت:

محورهایی که مقام معظم رهبری در ابتدای سال در مشهد مقدس مبنی بر حضور گسترده در انتخابات و ایجاد فضایی برای تبلور آرای مردم بر آن تأکید داشتند، شرایط رقابت جدی را به وجود آورده است و احزاب می‌توانند با حرکت در این مسیر، منافع ملت و کشور را تأمین نمایند.[۳]

وی در تاریخ ۴ اردیبهشت در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران نیز ضمن اشاره به سخنان مقام معظم رهبری گفت:

در این دو ماهِ آینده باید کار بسیار بزرگی بکنیم. من باز تکیه می‌کنم روی صحبت‌های مقام معظم رهبری که حقیقتاً آرامش خاطری داد به توده‌ی مردم و نخبگان.[۴]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در اولین روز از خرداد ماه، در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ضمن اشاره به سفر مقام معظم رهبری به کردستان، گفت:

مسأله‌ی دیگر ما سفر مقام معظم رهبری است به کردستان که واقعاً سفر سازنده و

---

۱. *وب سایت علی زادسر جیرفتی*. ۲۶ فروردین ۸۸
۲. همان
۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ اردیبهشت ۸۸
٤. همان

> مهمی بود و آثار بابرکتی را برای انقلاب و ایران و جهان اسلام خواهد داشت... باید از مردم کردستان تشکر کنیم که آن‌گونه که شایسته‌ی حضور رهبری در بین آنها بود عمل کردند و سنگ تمام گذاشتند که این دلیلی می‌شود بر این‌که مردم کردستان علی‌رغم بمباران‌های فراوان منفی، همچنان صفای باطن و وفای به انقلاب و روحیات انسانی و اسلامی و فرهنگی‌شان و اصالت‌شان محفوظ است.[۱]

وی همچنین به نظر رهبری درباره‌ی حضور حداکثری مردم در انتخابات اشاره کرده، گفت:

> ایشان مدت‌هاست که در کلیات انتخابات حرف‌های بسیار مهمی می‌زنند که درست از جایگاه رهبری است.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از اعلام نتایج انتخابات و اعتراضات صورت گرفته به این نتایج، در تاریخ ۷ تیر ماه در جمع خانواده‌های شهدای این روز، تدبیر رهبری معظم انقلاب در تمدید مهلت شورای نگهبان برای بررسی بیشتر مسائل و ادای توضیحات قانع‌کننده و ابهام‌زدایی از انتخابات[۳] را بسیار ارزشمند ذکر کرد.[۴]

وی در تاریخ چهارم مرداد ماه در دیدار جمعی از «استادان دانشگاه علم و صنعت

---

۱. همان؛ ۲ خرداد ۸۸

۲. همان

۳. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ دوم تیر ماه با درخواست دبیر شورای نگهبان مبنی بر تمدید پنج روز دیگر برای رسیدگی به شکایات کاندیداها در مورد انتخابات موافقت کردند. در نامه‌ی آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان به محضر رهبر معظم انقلاب آمده بود:

«چنان‌که مستحضرید شورای نگهبان از تاریخ اعلام نتیجه نهایی انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم تا به امروز پیوسته به بررسی شکایات وارده پرداخته و با تمام توان و پی‌گیری کارشناسان ماهر، تحقیقات لازم را انجام داده، نتایج را در جلسات متعدد شورا مطرح کرده و سخنگوی شورا هم بیشترین اطلاع‌رسانی را داشته است. حداکثر مهلت قانونی ما جهت رسیدگی به شکایات ده روز است که فردا چهارشنبه ۸۸/۴/۳ پایان می‌یابد، اگر حضرتعالی اجازه فرمایید به منظور اتقان بیشتر و رفع هرگونه ابهام محتمل، مهلت مقرر، پنج روز دیگر تمدید شود. با تشکر و آرزوی مزید شمول الطاف و عنایات الهی بر حضرت‌عالی و همه خدمتگزاران نظام جمهوری اسلامی. احمد جنتی (دبیر شورای نگهبان قانون اساسی)»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در پی‌نوشت این نامه، با عبارات زیر موافقت خود را اعلام کردند:

«پیشنهاد حضرات آقایان محترم موافقت می‌شود، اقدام فرمایید.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲ تیر ۸۸)

۴. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۸ تیر ۸۸

ایران» با اشاره به سابقه‌ی ۵۰ سال دوستی خود با رهبری معظم انقلاب و شناخت کامل از ایشان در مقاطع مختلف مبارزه، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی گفت:

ایشان شخصیتی نواندیش و پیشرو در مسائل مختلف هستند و تبلیغ رسانه‌های خارجی مبنی بر القای جنگ قدرت در سطوح بالای نظام، انصافاً ظلمی بزرگ و ناحق در مورد انقلاب اسلامی است و آنچه که این روزها مورد اختلاف است مربوط به انتخابات و عوارض آن است که اگر این اختلافات حل شود، نزاع موجود تمام خواهد شد.[1]

وی همچنین در تاریخ ۲۶ مرداد ماه در جلسه‌ی تودیع و معارفه‌ی رؤسای قوه‌ی قضاییه ضمن تبریک به آیت‌الله صادق لاریجانی گفت:

رییس جدید قوه‌ی قضاییه مورد حمایت مقام رهبری قرار گرفته است و این مسئولیت پراهمیت را رهبری به ایشان واگذار کردند.[2]

وی در تاریخ ۱۲ آذر ماه در جوار بارگاه امام رضا علیه‌السلام با اظهار نگرانی شدید از گسترش اختلافات در جامعه، این موضوع را قابل کتمان ندانست و تنها راهِ ایجاد وحدت را از طریق رهبری انقلاب معرفی و تأکید کرد:

بنده فکر می‌کنم غیر از رهبری انقلاب، دیگران نمی‌توانند وحدت را ایجاد کنند و همه باید به رهبری کمک کنیم تا فضای همدلی به وجود بیاید تا رضایت مردم فراهم شود.[3]

وی در تاریخ ۱۴ آذر ماه در سفر به مشهد مقدس در مراسم افتتاح مرکز نمایشگاه‌ها و همایش‌های آستان قدس رضوی و نیز دارالشفای امام رضا علیه‌السلام با اشاره به شرایط سیاسی روز بر اتحاد آحاد جامعه تأکید کرد و افزود:

محور اتحاد کشور رهبری هستند و تنها با تکیه بر ایشان و تأمین رضایت مردم می‌توان مشکلات موجود را پشت سر گذاشت.[4]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از «فعالان

۱. همان؛ ۵ مرداد ۸۸
۲. همان؛ ۲۷ مرداد ۸۸
۳. *خبرگزاری ایلنا*، ۱۲ آذر ۸۸، کد خبر : ۹۳۷۴۹
٤. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۶ آذر ۸۸

دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، به دفاع از رهبری پرداخت و گفت:

مشکل دیگری که من غصه می‌خورم این است که آنچه که امروز دولت و بعضی از نیروهای امنیتی می‌کنند و بعضی از مبلغین خام حرف‌های نابجایی می‌زنند، همه را به حساب رهبری می‌گذارند... فکر می‌کنم یکی از ضررهای عمده‌ای که در شرایط فعلی می‌کنیم، این است که بسیاری از مسائلی که رهبری از آنها بیزار است، به اسم ایشان نوشته می‌شود. من که ایشان را بهتر و بیشتر از دیگران می‌شناسم. هر وقت که با هم نشسته بودیم و خبر می‌رسید که فلانی را زندانی کردند، می‌گفتند: اگر مأمورین ما یک روز در زندان بودند، این‌گونه افراد را زندانی نمی‌کردند. منتها ایشان که نمی‌توانند در هر موضوعی دخالت کنند. مأمورین کارها و وظایف ذاتی خودشان را می‌کنند... رهبری به عنوان پدر جامعه، بالای سر همه هستند. حقیقتاً روحیه‌ی رهبری این‌گونه است. من پیش شما شهادت می‌دهم. ۶۰ سال است که همدیگر را می‌شناسیم. دلیلی ندارد که به شما خلاف بگویم. ایشان این‌گونه است. منتها شرایط به گونه‌ای می‌شود که ایشان خطر را می‌بینند و احساس ناامنی می‌کنند، سخنی می‌گویند و همان حرف مستمسک انسان‌های تندرو می‌شود که به گونه‌ای دیگر عمل می‌کنند.[۱]

وی در تاریخ ۲۲ آذر ماه با صدور اطلاعیه‌ای، اهانت به تمثال حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب را از سوی هر کس و با هر هدفی تقبیح و محکوم کرد.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۲۴ آذر ماه و در آستانه‌ی ماه محرم در دیدار «جمعی از روحانیون و وعاظ» گفت:

با شناختی که از رهبری دارم با تدبیر ایشان به شرط همکاری دیگران، مشکلات سیاسی و اقتصادی قابل حل است و باید فعالان عرصه‌ی سیاسی کشور به دور از هرگونه تندروی، ایشان را در این مسیر یاری دهند.[۳]

وی در تاریخ سوم بهمن‌ماه در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی حزب

۱. همان؛ ۲۵ آذر ۸۸
۲. همان؛ ۲۳ آذر ۸۸
۳. همان؛ ۲۶ آذر ۸۸

اعتدال و توسعه» ضمن اشاره به شناخت خود از رهبری، ایشان را صالح‌ترین فرد برای حل مشکلات معرفی کرد و گفت:

> در شرایط امروز نیز برای برون رفت از وضعیت فعلی راه‌حل‌هایی را که با توجه به تجربیاتم به ذهنم می‌رسید در خطبه‌ی نمازجمعه مطرح کرده‌ام و هنوز نیز در کلیات به آن معتقدم هرچند که ممکن است نواقص و زوایدی داشته باشد... اقدامات خلاف قانون و تندروی‌ها از سوی هر جناحی هیچ‌گاه مورد تأیید ایشان [مقام معظم رهبری] نبوده و نخواهد بود. در شرایط فعلی اینجانب اصلح‌ترین فرد را برای حل مشکلات فعلی جمهوری اسلامی، ایشان می‌دانم و مطمئن هستم با کمک افراد معتدل از هر دو جناح موجود کشور با تدبیر رهبری مسائل موجود قابل حل و فصل است و در صورت حل مشکلات جاری، دشمنان خارجی و ضد انقلاب مأیوس خواهند شد.[1]

وی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی گفت:

> رهبری جزو قانون اساسی ماست. رهبری مرکز اصلی نظام است و اختیاراتش هم در قانون اساسی دیده شده است. ایشان هم بیش از اختیارات قانون اساسی نمی‌خواهند. همین مقدار را هم گاهی به کار نمی‌گیرند... در قانون اساسی رهبری محور قرار گرفته است.[2]

وی همچنین در پاسخ به پرسش روزنامه‌ی جمهوری اسلامی مبنی بر این‌که «تلاش می‌شود، وانمود شود که نوعی اختلال یا سکته در مناسبات جنابعالی و رهبری وجود دارد. می‌شود در این زمینه هم توضیحی بفرمایید؟» گفت:

> چیز تازه‌ای ندارم که بگویم. همیشه همین‌طور بوده. معمولاً ما در اکثر موارد نظراتمان متفق است. در مواردی هم که نظراتمان مختلف باشد طبعاً مطابق همین قانون اساسی من باید کوتاه بیایم. رهبری نمی‌توانند از نظرشان کوتاه بیایند. تشخیص داده‌اند و قدرت اجرا هم دارند. باید عمل کنند. من تشخیص داده‌ام ولی حجت نزد ایشان است. بنابراین اختلافاتِ این‌جوری معضل نیست. اختلافاتی است که بین همه‌ی انسان‌ها در تشخیص موضوعات و حتی اجتهاد و امثال اینها پیش می‌آید. اگر کسی نخواهد سوء استفاده بکند، اینها مفید است؛ مضر نیست. از آیات قرآن هم استفاده

۱. همان؛ ۴ بهمن ۸۸
۲. همان؛ ۷ بهمن ۸۸

می‌شود که این اختلاف‌نظرها برای تکامل جامعه مفید است.[1]

پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۱ بهمن ماه گاهنامه‌ی الکترونیکی با عنوان «هاشمی رفسنجانی در آیینه‌ی تاریخ مبارزه» را منتشر کرد. در این گاهنامه مصاحبه‌ای با هاشمی رفسنجانی انجام شده بود. وی در این مصاحبه از سابقه‌ی دوستی خویش و مقام معظم رهبری چنین گفت:

اولین بار آیت‌الله خامنه‌ای را در درس خارج مرحوم محقق داماد دیدم. آقای محقق، دامادِ مرحوم آیت‌الله حائری بودند و محور بحث در حوزه همیشه با آقای حائری بود. من در آن جمع از همه جوان‌تر بودم. یک دفعه دیدم که آقای خامنه‌ای به جلسه‌ی درس آمد. البته ایشان از مشهد آمده بود و می‌خواست درس آقایان را هم ببیند. خیلی نوجوان به نظر می‌رسیدند. بعد از درس قدری با هم صحبت کردیم و دیدیم افق دید ما در مباحث به هم نزدیک است.

بعدها با هم سفری به کربلا رفتیم. ایشان با برادرها و مادرشان و من با رفقا رفته بودیم. آنجا در کلاس درس‌ها حاضر می‌شدیم تا تفاوتشان را با قم ببینیم. ما در حجره‌ای در مدرسه‌ی آقای بروجردی بودیم و ایشان در منزل خویشانشان بودند. علما، فضلا و ایرانیان به دیدن ما می‌آمدند. محفل خوبی بود. در آن سفر به هم نزدیک شدیم. با شروع مبارزه هر دوی ما از سابقون در مبارزه بودیم. ایشان در مشهد بودند و من در قم بودم و بعدها ایشان هم به قم آمدند. معمولاً نیروها در مبارزه خیلی صمیمی می‌شوند. از آن سال تقریباً در تمام مسائل مشترک بودیم. در مشورت‌ها خیلی به اشتراک نظر می‌رسیدیم و در بعضی مواضع اختلاف کمی داشتیم. من پنج سال از آقای خامنه‌ای بزرگ‌ترم. ایشان از همان جوانی در خط مستقیمی حرکت کرده بودند. در هر دوره‌ای ایشان یکی از برجسته‌های اهل قلم بودند و همه به خوبی ایشان اعتراف داشتند.[2]

وی همچنین در این مصاحبه، در پاسخ به پرسشی مبنی بر این‌که «با توجه به این قرابت فکری در مسایل دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و بالاتر از همه وصیت حضرت امام در سفارش به هر دوی شما مبنی بر وحدت همیشگی برای تداوم

۱. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ گاهنامه‌ی الکترونیکی هاشمی رفسنجانی در آیینه‌ی تاریخ مبارزه، بهمن ماه ۱۳۸۸

انقلاب که در آخرین روزهای حیاتشان داشتند، چرا عده‌ای سعی می‌کنند به هر طریقی اختلاف شما را در جامعه القا کنند؟» گفت:

اولاً؛ این را باید از این افراد پرسید که چرا سعی می‌کنند چنین اختلافی در جامعه القا شود. انتظار طبیعی این است که این حرف‌ها در محافل خارج از کشور مطرح شود و دوستان و دلسوزان در داخل کشور با ارائه‌ی ادله‌ی فراوان، در ردّ آن بکوشند، اما الآن می‌بینیم برعکس شده است. عده‌ای در داخل به اختلافاتی که هیچ وقت نبوده و نیست، دامن می‌زنند و خارجی‌ها هم که دنبال خوراک تبلیغاتی می‌گردند، لقمه‌های چرب و نرمی پیدا می‌کنند.

ثانیاً؛ هم من و هم شخص آیت‌الله خامنه‌ای در طول بیش از ۵۰ سال آشنایی و همکاری، مخصوصاً در طول ۳۰ سال پس از پیروزی و به ویژه طی یکی دو سال اخیر بارها و بارها از استحکام روابط خویش در جلسات خصوصی و حتی در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های عمومی سخن گفته‌ایم.

ثالثاً؛ هر دوی ما انقلاب اسلامی را بیشتر از جان خویش دوست می‌داریم و آن سفارش امام‌رحمه‌الله را در گوش جان خویش طنین‌انداز می‌بینیم.

رابعاً؛ چرا باید با هم اختلاف داشته باشیم؟ همین الآن هر دو هفته یک بار با هم می‌نشینیم و درباره‌ی همه‌ی مسائل کشور بحث می‌کنیم. جلساتی است که چون ضبط نمی‌شود، هیچ محدودیتی در بیان مسائل نداریم.

من فکر می‌کنم القاکنندگان اختلاف، اگر هم سوءنیتی نداشته باشند، دچار اشتباه شده‌اند، یا شاید ادبیات صریح و غیرمتملقانه‌ی مرا نمی‌پسندند. درباره‌ی نامه‌ای که در آستانه انتخابات خدمت ایشان فرستادم، خود آیت‌الله خامنه‌ای به من گفتند: «درباره‌ی محتوای سراسر نامه ملاحظه‌ای ندارم و فقط زمان انتشار آن را اگر بعد از انتخابات بود مناسب می‌دانستم.» ولی می‌بینید که دوستان و دشمنان چه تحلیل‌هایی نوشته‌اند.

قبلاً هم گفتم که هربار در حمایت از آیت‌الله خامنه‌ای جمله‌ای گفتم، یک جریان که حالا دیگر ناشیانه هم عمل می‌کند، دست به کار می‌شود. نمونه‌ی بارز آن همین اقداماتی است که پس از حمایت اخیرم از آیت‌الله خامنه‌ای[1] می‌شود. به هر حال ما به بی‌اثر بودن این تلاش‌ها برای القای اختلاف هم ایمان داریم و

---

۱. اشاره به سخنان خود در دیدار جمعی از اعضای شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه در تاریخ سوم بهمن ماه ۱۳۸۸

هم عادت کرده‌ایم و امیدوارم دوستان هم از عادت بد خویش دست بردارند که این کارها جز القای دودستگی، یأس مردم و امیدواری دشمنان هیچ ثمره‌ای برای ملیت و اسلامیت ایران عزیز و جمهوری اسلامی ندارد.[۱]

وی همچنین در تاریخ ۴ اسفند ماه در نطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان، «رهبری» را «بهترین محور وحدت» نامید و گفت:

امروز کسی را بهتر از رهبری نمی‌شناسم که محور وحدت باشد و نباید کاری کنیم تیرهایی که نباید به سمت رهبری و نظام برود، به آن سمت برود.[۲]

وی همچنین بر حراست از جایگاه رهبری تأکید کرده، برخی از حوادث اتفاق افتاده را بر خلاف خواسته‌ی رهبری ارزیابی کرد:

من بیش از همه می‌دانم که رهبری می‌خواهند صحنه خیلی داغ نشود و کسی آسیب نبیند همان‌طور که بعد از حادثه‌ی کهریزک ایشان بیانیه زدند، درخواست دلجویی کردند و دستور مجازات عاملان آن را دادند.[۳] رهبری الآن هم مراقب هستند تا طغیان پیش نیاید و حرف‌های بی‌خودی زده نشود.[۴]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ پنجم اسفند ماه در دیدار اعضای هیأت رییسه و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری اعلام کرد که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آشنایی با امور دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، مدیریت، نظامی و استعداد، در سطح بالایی قرار دارد.[۵]

وی در تاریخ ۶ اسفند ماه نیز در مراسم تجدید بیعت رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با امام و شهدا گفت:

خوشبختانه کسی مانند مقام رهبری را در رأس کشور داریم که تفسیر امام را بیشتر از همه می‌داند و آن را بیان می‌کند.[۶]

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ گاهنامه‌ی الکترونیکی هاشمی رفسنجانی در آیینه‌ی تاریخ مبارزه، بهمن ماه ۱۳۸۸

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۴ اسفند ۸۸

۳. درباره‌ی حادثه‌ی کهریزک و مواضع رهبری در این رابطه به پاورقی صفحه‌ی ۵۸ مراجعه کنید.

۴. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۴ اسفند ۸۸

۵. همان؛ ۸ اسفند ۸۸

۶. همان

۶. محکومیت اهانت به تصاویر امام و رهبری

متأسفانه در جریان اعتراضات شکل گرفته نسبت به نتایج انتخابات ریاست جمهوری تصاویری از امام خمینیؒ و مقام معظم رهبری در آذرماه ۸۸ پاره و به آتش کشیده شد. اهانت به تصاویر رهبران نظام جمهوری اسلامی با فاصله‌ی اندکی از برخی شبکه‌های ماهواره‌ای نیز پخش شد. همچنین گزارشی از اهانت به تصویر امام خمینیؒ از سوی صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش گردید. پس از این اقدام از یک سو، مشاجراتی میان جریان‌های سیاسی مختلف درباره‌ی ماهیت عاملین این اقدام و نیز عملکرد صدا و سیما در پخش تصاویر اهانت به امام خمینیؒ و از سوی دیگر راهپیمایی‌های گسترده‌ای در سراسر کشور در محکومیت این اهانت شکل گرفت.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما در تاریخ ۲۲ آذر ماه با صدور اطلاعیه‌ای اهانت به تمثال مبارک حضرت امام خمینیؒ و رهبر معظم انقلاب را از سوی هر کسی و با هر هدفی تقبیح و محکوم کرد. متن این اطلاعیه بدین شرح بود:

> اهانت به تصویر مبارک امام راحل بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب از سوی هر کسی و با هر هدفی که انجام یافته عملی ناروا و و زیان بخش و سزاوار تقبیح است. هوشیاری و نشان دادن حساسیت از سوی اقشار ملت و به خصوص سلسله‌ی جلیلیه‌ی روحانیت درسی تاریخی به نمایش گذاشت که امید می‌رود از این پس کسی جرأت این‌گونه هتاکی‌ها را به خود راه ندهد. اینجانب به نمایندگی از سوی اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام از هوشیاری مردم عزیزمان تشکر می‌کنم و امیدوارم بروز این احساسات پاک درس عبرتی به بدخواهان باشد.[۱]

۷. لزوم پاسداری از انقلاب و اصول آن

از دیگر مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مرزبندی با دشمنان انقلاب و افراد ساختارشکن، توجه دادن به لزوم پاسداری از سرمایه‌ی انقلاب و دفاع از اصول و منافع نظام بود.

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۳ آذر ۸۸

وی در تاریخ ۲۲ فروردین ماه در دیدار اعضای «شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی» ضمن اشاره به ضرورت حضور فعال و با نشاط در انتخابات آتی، حرکت بر اساس مصالح و منافع نظام اسلامی را یکی از نیازهای تصمیم‌گیری‌های حزبی برشمرد و افزود:

> هر جمع و تشکلی که مبنای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را در قالب حزب تعریف می‌کند باید علاوه بر پایبندی به قانون اساسی بر اساس خرد و تصمیم‌گیری‌های جمعی عمل کند و آنچه که به عنوان مصالح و منافع کشور به ویژه در مقاطع مهم سیاسی، اجتماعی توسط اکثریت پذیرفته می‌شود ملاک عمل و نصب العین سایر اعضا قرار گیرد.[1]

وی در تاریخ ۲۴ فروردین ماه نیز در دیدار جمعی از «تشکل‌های دانشجویی» و «مسئولان منطقه‌ی شش دانشگاه آزاد اسلامی استان خوزستان» با اشاره به انتخابات آتی ریاست جمهوری تأکید کرد:

> در انتخابات، مصالح ملی، اسلامی و انقلابی بر همه چیز ارجحیت دارد و همه‌ی فعالان و افراد مؤثر در صحنه‌ی انتخابات باید به این موضوع توجه داشته باشند.[2]

وی در تاریخ ۱۳ تیر ماه در دیدار «جمعی از خانواده‌های بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات»، حفظ نظام اسلامی و دستاوردهای آن را وظیفه‌ی اصلی مسئولان و مردم دانست.[3] او در تاریخ ۲۶ تیر ماه نیز در خطبه‌ی نمازجمعه‌ی تهران در همین رابطه گفت:

> ما وظیفه داریم که این سرمایه‌ی عظیمی که در کنار این درخت تنومند، خون صدها هزار انسان بزرگوار، ریخته؛ آبیاری کرده و صدها هزار جانباز دارند رنج می‌برند و ده‌ها هزار انسان عمرشان را در زندان‌ها در عراق و ایران گذراندند برای این‌که این درخت آبیاری بشود، این یک سرمایه‌ی ارزان و آسانی نبوده که دست ما رسیده [است]. ما حقیقتاً باید فکر بکنیم برای این

---

۱. همان

۲. همان؛ ۲۵ فروردین ۸۸

۳. همان؛ ۱۴ تیر ۸۸

مسأله که آنهایی که به عقل من برسد، با تجربه‌ای که دارم، عرض می‌کنم.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ چهارم مرداد ماه نیز در دیدار «جمعی از استادان دانشگاه علم و صنعت ایران» گفت:

اشتباه یک حزب، فرد، گروه و جریان قابل جبران است ولی اگر انقلاب و نظام خدای ناکرده زیر سؤال برود اصلاح آن مشکل خواهد بود.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در دیدار «هیأت رییسه و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری» ضمن تشریح سیری از وقایعِ قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری به اقدامات خود در آرام کردن جو پرداخت و گفت:

آنچه مهم است حفظ اصول و منافع نظام و تأمین رضایت مردم است.[۳]

هاشمی رفسنجانی در تاریخ دوم مهر ماه در مراسم تجدید میثاق نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با آرمان‌های امام خمینی(ره) ضمن تأکید بر حفظ انقلاب اسلامی به عنوان هدیه‌ای الهی گفت:

ما هر سال که به زیارت مرقد امام می‌آییم، با آرامش خاطر و تداعی معانی دوره‌های طولانیِ جهاد مؤثر امام و شاگردان ایشان و مردم خوبمان را به یاد می‌آوریم. هنوز هستند افراد زیادی که شاهد آن دوران بودند. اینها می‌دانند ما از کجا به کجا رسیده‌ایم و ملت ایران و جهان اسلام چه دستاوردهای عظیمی را با پیش‌گامی امام به دست آورد. به نظر می‌رسد کسانی‌که از روز اول با این انقلاب سرسازگاری نداشتند و راه امام را نمی‌پسندیدند و مخالف بودند و همچنین قدرت‌های استعماری که فهمیده بودند چه عامل بزرگی وارد تاریخ شده است، فرصت پیدا کردند تا دستاوردهای ملت ایران را مخدوش کنند.[۴]

وی با بیان این‌که همه فهمیدیم که در دنیا و اطراف ما چه می‌گذرد، گفت:

معنویت امام و راه و مکتب ایشان از درون، حافظ این موفقیت است به شرط این‌که ما هم درست رفتار کنیم و ارزش این دستاورد الهی را آن‌طور که هست، ارزیابی کرده، به نسل بعدی منتقل کنیم. نگذاریم شبهات و تشویش‌های

---

۱. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸*، ۲۶ تیر ۱۳۸۸
۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ مرداد ۸۸
۳. همان؛ ۲ مهر ۸۸
۴. همان؛ ۴ مهر ۸۸

> خاطری که درست می‌کنند، نسل بعدی را به کلی از این دستاوردهای عظیم منقطع بکند. ما روح امام و اجدادشان را شفیع قرار می‌دهیم. همان‌طور که در دوران حیاتشان از اسلام و نظام دفاع کردند، امروز هم حافظ این جمهوری اسلامی هستند. ما باید این راه را ادامه بدهیم و این نظامی که شدیداً مورد تهاجم همه‌ی گروه‌های استکباری و ضد انقلاب قرار گرفته [را] حفاظت کرده و به نسل‌های بعدی منقل کنیم. نسل انقلاب آن‌قدر به مسائل واقف هست که خودش را گم نمی‌کند؛ اما می‌بینیم که این‌قدر تهاجم زیاد شده که به اصل اصیل ولایت که دستاورد اساسی انقلاب است، حمله‌ی ناجوانمردانه می‌شود... این روزها حتی محکمات رفتار امام را گاهی زیر سؤال می‌برند و می‌خواهند مخدوش بکنند. امیدواریم که هوشیاری برادران ما در خبرگان رهبری که اکثراً از شاگردان مسقیم امام هستند و جوان‌ترها که از شاگردان غیرمستقیم امام هستند، باعث شود که این وظیفه‌ی بزرگ را فراموش نکنند که پاسدار آرمان‌ها و دستاوردهای امام باشند. ما با روح امام بیعت می‌کنیم که تا هستیم با آثار، افکار و دستاوردهای ایشان هم‌نوا و همراه باشیم.[۱]

وی در تاریخ پنجم مهر ماه نیز در دیدار اعضای «شورای مرکزی خانه‌ی احزاب ایران» با تأکید بر این‌که در حال حاضر جز حفظ نظام، منافع کشور و مردم و همچنین دفاع از اسلام به عنوان اداره‌کننده‌ی کشور آرزویی نداریم، تصریح کرد:

> بزرگ‌ترین آرزوی من این است که اهدافی که پیشتازان انقلاب در بدترین شرایط به دنبال آن بودند پی‌گیری شود.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در تاریخ سوم بهمن‌ماه در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه»، پاسداری از نظام جمهوری اسلامی را وظیفه‌ی همه‌ی نیروهای وفادار به انقلاب و نظام دانست و گفت:

> نظام جمهوری اسلامی ایران با اتکا بر حمایت‌های مردمی و رهبری داهیانه‌ی حضرت امام(ره) که بر قلوب مردم حکومت می‌کرد توانست مراحل استقرار و تثبیت را به خوبی پشت سر گذارد و امروز پاسداری از این میراث عظیم بر عهده‌ی همه‌ی نیروهای وفادار به انقلاب و نظام است که در این مسیر حرکت کنند. اگر در

---

۱. همان

۲. همان؛ ۷ مهر ۸۸

عمل کشوری آباد، آزاد، مرفه و خالی از خرافات ایجاد کنیم دنیای امروز پذیرای اندیشه و عمل ما خواهد بود و روش ما به این دلیل که مبتنی بر فرهنگ اسلام ناب محمدی است می‌تواند به عنوان الگو در جهان امروز مطرح باشد.[۱]

وی در تاریخ چهارم اسفند ماه نیز در نطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری با اشاره به این‌که وظیفه‌ی اصلی اعضای این مجلس حفاظت از انقلاب است، تصریح کرد:

ما باید بیش از دیگران حساس باشیم و برای وحدت، متفرق نکردن و جلوگیری از افراط و تفریط و رفعت اسلامی همراه با حکمت اسلامی تلاش کنیم.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۲۲ اسفند ماه در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی خود خطاب به جوانان و دانشجویان معترض گفت:

دانشجویان قشر بسیار بزرگ و ارزشمند جامعه هستند که آینده‌ی مدیریت جامعه در اختیار آنهاست و توسعه و اداره‌ی کشور معمولاً به دست این گروه فارغ‌التحصیلان می‌رسد. ما از آنها تقاضا داریم که این موقعیت کنونی را خوب ارزیابی کنند. آنها صاحب نظر هستند و می‌توانند ارزیابی کنند. جمهوری اسلامی علی‌رغم آن شورش‌ها و جنگ طولانی و تحریم‌ها و اذیت‌هایی که از استکبار و نفاق دید. توانسته تا به حال ایران را با گام‌های بلندی جلو ببرد. این سرمایه و میراث متعلق به مردم است. آنها باید تلاش کنند و اگر اشکالی می‌بینند آن را مطرح کنند و اگر مایل به انجام اصلاحاتی هستند باید منطقی مطرح کنند. من هرگز از آنها نمی‌خواهم ساکت باشند. باید حرفشان را بزنند ولی ما باید به‌گونه‌ای صحبت کنیم که دشمنان خارجی و استکبار که در کمین ما هستند سوء استفاده نکنند، یا بهانه‌ای به دست کسانی که در داخل هستند و می‌خواهند فضا را امنیتی کنند ندهیم. باید فضا منطقی و عقلانی باشد. فکر می‌کنم در فضای منطقی افرادی که حرف خوب دارند ـ و دانشجویان می‌توانند از آنها باشند ـ نهایتاً موفق می‌شوند.[۳]

وی همچنین در تاریخ ۲۷ اسفندماه در مصاحبه‌ای با پایگاه اطلاع‌رسانی خویش در پاسخ به این پرسش که «به یاران و پیش‌کسوتان انقلاب و جنگ تحمیلی که اکنون بدون هیچ

---

۱. همان؛ ۴ بهمن ۸۸

۲. همان؛ ۵ اسفند ۸۸

۳. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۲ اسفند ۸۸

ادعایی در گوشه‌ای، رنج آسیب جسمانی ایام دفاع مقدس را تحمل می‌کنند و در پاره‌ای از اوقات هم تنها هستند، از زبانِ فرمانده‌ی جنگ توصیه‌ای بفرمایید؟» گفت:

باید گفت ذی‌حق‌ترین بخش جامعه نسبت به انقلاب آنهایی هستند که فداکاری کردند، ایثار کردند، سرمایه‌گذاری کردند و مشکلات را تحمل کردند، داغ عزیزانشان را دیدند، تحمل اسارت کردند و الآن دارند رنج جانبازی را تحمل می‌کنند یا عقب‌افتادگی‌هایی را به‌خاطر ۸ ـ۷ سال شرکت در جبهه پیدا کردند. حقیقتاً آنها کشور را از شرّ یک جنگ خطرناک نجات دادند. از همه‌ی اینها، ضمن این‌که متشکریم انتظار این را هم داریم که اگر رنجشی هم دارند، باز هم اصل انقلاب و آنچه برایش سرمایه‌گذاری کردند، همچنان مثل گذشته هدف اصلی‌شان باشد، و از جامعه انتظار داریم قدر این ایثارگران را بداند، ـ که البته جامعه قدر می‌داند ـ و ایثارگران الآن در جامعه عزیز هستند، بخصوص خانواده‌های شهدا و جانبازان و آزادگان و مفقودان. ولی نباید فراموشی روی این صفحه‌ی زیبای کشور کشیده شود.[1]

۸. لزوم پی‌گیری اعتراضات از مجاری قانونی

از جمله اتفاقات سال ۸۸ پی‌گیری اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری با روش‌های غیرقانونی توسط برخی نامزدها و حامیان آنها بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما در جریان حوادث پس از انتخابات ابتدا در تاریخ ۲۶ تیرماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ضمن توصیه‌ی همه ـ از جمله معترضان ـ به رعایت قانون گفت:

ما اگر از قانون تجاوز کنیم دیگر هیچ مرزی ندارد. باید با قانون مسائل‌مان را حل کنیم و همه قانع باشیم. حالا هرچه شد با این قانون. حالا اگر کسانی از بعضی قوانین دل خوشی ندارند باید بعداً سعی کنند که قوانین اصلاح شود و هر وقت که لازم است این اشکالاتی که دیده شده یک‌روزی حل می‌شود؛ ولی بیاییم چهارچوب را قانون قرار دهیم و همه آن را بپذیرند.[2]

---

۱. همان؛ ۲۷ اسفند ۸۸

۲. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸*، ۲۶ تیر ۱۳۸۸

مجمع تشخیص مصلحت نظام به ریاست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ ۶ تیر ماه پس از بحث و

در تاریخ ۱۰ مرداد ماه نیز «اداره‌ی کل روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام» با صدور تکذیبیه‌ای در واکنش به اظهارات یکی از متهمان حوادث پس از انتخابات اعلام کرد که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در جلسه‌ای که پس از برگزاری انتخابات با حضور آقایان سیدمحمد خاتمی، میرحسین موسوی و سیدحسن خمینی تشکیل شده، بر لزوم رعایت موازین قانونی در اعلام مواضع و پی‌گیری خواسته‌ها تأکید کرده است.[1]

هم‌چنین در پی طرح غیرعلنی ادعای حجة‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی درباره‌ی تجاوز به برخی از بازداشت‌شدگان کهریزک، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نامه‌ی این نامزد معترض را به رییس قوه‌ی قضاییه (به عنوان عالی‌ترین مرجع قانونی رسیدگی به این‌گونه امور) ارجاع داد.[2]

بررسی‌های مبسوط در مورد انتخابات ریاست جمهوری و تحولات پس از آن بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه نیز بر لزوم پی‌گیری اعتراضات از مجاری قانونی تأکید شده بود. متن این بیانیه به شرح زیر بود:

«بسم الله الرحمن الرحیم

مشارکت گسترده و بی‌نظیر مردم در انتخابات دوره‌ی دهم ریاست جمهوری نمایش‌گر پیوند وثیق ملت با آرمان‌های انقلاب اسلامی و امام راحل و لبیک به رهنمودهای رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی و برگ زرین دیگری بر کارنامه‌ی درخشان انقلاب اسلامی است که دنیای مدعی دموکراسی را به چالش کشید و مردم سالاری دینی را در جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذاشت.

مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن تشکر از حضور سرافرازانه‌ی مردم در انتخابات و از رهبری معظم انقلاب اسلامی به خاطر رهنمودهای حکیمانه و راهگشا؛ صمیمانه سپاسگزاری نموده و همه‌ی مردم عزیز به ویژه هواداران نامزدهای انتخاباتی را به نصب العین قرار دادن فرمایشات و توصیه‌های معظم‌له دعوت و موارد زیر را نیز توصیه می‌نماید:

۱) بهترین و مناسب‌ترین راه برای حل منازعات و اختلافات و شبهات را تمکین در برابر قانون و پی‌گیری امور تا حل مسائل از طریق مجاری مربوطه دانسته و همگان را دعوت به آن می‌نماید.

۲) شورای محترم نگهبان در جهت رسیدگی دقیق و خداپسندانه به کلیه‌ی شکایات و اعتراضات و پاسخ به شبهات با توجه به موافقت رهبر معظم انقلاب در جهت تمدید مهلت رسیدگی و استفاده از کارشناسان با ترکیب مناسب و تأکید معظم‌له بر ایجاد اعتماد لازم در جامعه توصیه‌ی مؤکد می‌نماید.

۳) از کلیه‌ی نامزدهای انتخاباتی می‌خواهد نهایت همکاری را با شورای محترم نگهبان معمول داشته و با بهره‌گیری از این فرصت مناسب و فضای ایجاد شده مدارک و شواهد خویش را برای رسیدگی همه‌جانبه و دقیق به آن شورا ارائه دهند.» (روزنامه **جمهوری اسلامی**؛ ۷ تیر ۸۸)

۱. همان؛ ۱۱ مرداد ۸۸، متن کامل تکذیبیه را در صفحه ۳۴۳ـ ۳۴۴ بخوانید.

۲. مهدی کروبی ۱۰ روز پس از نگارش نامه‌ی مذکور، ادعای خود را علنی نمود. وی اعلام کرد: به دلیل بی‌پاسخ ماندن نامه‌اش به آیت الله هاشمی رفسنجانی موضوع را علنی کرده است. روزنامه جمهوری

وی در تاریخ ۳۱ مرداد ماه نیز در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام خواستار فراهم آمدن شرایطی شد که همه و از جمله معترضان در چهارچوب قانون عمل کنند. وی در این باره گفت:

هم از معترضان و هم از مسئولان انتظار می‌رود در چهارچوب قانون عمل کنند و تخلف از قانون ضد ارزش تلقی شود که این احتیاج به گفتگوهایی دارد تا کسانی زمینه‌ی کار را فراهم کنند و این امر نیاز به شیوه‌های فراجناحی دارد.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در نطق افتتاحیه‌ی ششمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان نیز اعلام کرد:

مجریان و معترضان توقع نداشته باشند که در صورت عمل نکردن در چهارچوب قانون، نسبت به آنها بی‌تفاوت باشند؛ زیرا بی‌قانونی یعنی هرج و مرج در جامعه.[۲]

وی در تاریخ ۱۶ آبان ماه در دیدار «جمعی از نمایندگان ادوار غرب کشور»، ضرورت ایجاد وحدت از طریق پی‌گیری مطالبات از طریق قانون و پرهیز از مسائل افراطی و احترام به موازین اسلامی را مورد تأکید قرار داد.[۳]

وی همچنین در تاریخ ۹ آذر ماه در دیدار «جمعی از اساتید دانشگاه امیرکبیر» ضمن تأکید بر پرهیز از اقدامات فراقانونی گفت:

حرکت در مرز قانون نیاز کنونی کشور و نظام است و همه باید تلاش کنیم از اقدامات فراقانونی و یا خلاف قانون پرهیز کنیم.[۴]

اسلامی اما در این رابطه نوشت: «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نامه‌ی آقای کروبی را بلافاصله بعد از دریافت برای رییس قوه‌ی قضاییه ارسال نمود و از وی خواست موضوع را بررسی نماید. جواب آیت‌الله شاهرودی نیز این بود که در بازداشت‌گاه‌هایی که زیر نظر قوه‌ی قضاییه قرار دارند، چنین رفتارهایی با بازداشت‌شدگان نشده است. این پاسخ عیناً توسط دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای آقای کروبی ارسال گردید؛ البته احتمالاً تا رسیدن به دست آقای کروبی کمی بیش از ده روز وقتِ تعیین شده توسط وی، طول کشیده است.» (همان؛ ۲۲ مرداد ۱۳۸۸)

قابل ذکر است که آقای کروبی در نامه‌ی خود به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ده روز فرصت داده بود که این مسأله بررسی شود و الا پس از اتمام ده روز، ادعای شنیده شده را منتشر خواهد کرد.

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۳۱ مرداد ماه ۸۸

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸

۳. همان؛ ۱۷ آبان ۸۸

۴. همان؛ ۱۰ آذر ۸۸

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار «جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، بار دیگر خواستار حرکت همه از جمله معترضین در چهارچوب قانون شد.[1]

وی در تاریخ ۱۵ آذر ماه نیز در دیدار «جمعی از اعضای ائتلاف اصلاح‌طلبان» و «جمعی از تشکل‌های دانشگاه آزاد اسلامی مشهد» بر عمل در چهارچوب قانون و تأثیر آن در بازگشت اعتماد عمومی به جامعه تأکید کرد و گفت:

معترضین در همین چهارچوب باید حرف خود را بزنند.[2]

۹. دفاع از مردم مظلوم فلسطین و دعوت به راهپیمایی روز قدس

از جمله اتفاقات تلخی که در جریان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری رخ داد، سوء استفاده‌ی دشمنان نظام از مراسم روز قدس (مصادف با ۲۷ شهریور ماه ۸۸) و سر دادن شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» توسط برخی فریب‌خوردگان داخلی در جهت زیر سؤال بردن حمایت دولت و ملت ایران از مردم مظلوم فلسطین و مبارزان لبنان بود.

این در حالی بود که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ دوشنبه ۲۳ شهریور ماه در آستانه‌ی فرارسیدن آخرین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان با صدور پیامی، ضمن دعوت از مردم به شرکت در راهپیمایی روز قدس حضور در این راهپیمایی را بیدارباشی جاودانه به غفلت‌زدگانی دانست که گمان می‌کنند گذشتِ زمان غبارِ فراموشی بر آسمان فلسطین نشانده است. متن این پیام بدین شرح بود:

﴿وَ نُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ﴾[3] سی سال است که آزاداندیشان و عدالت‌خواهان درست‌کردار در سراسر جهان به ابتکار اعجازآمیز امام راحل رحمه‌الله جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان در محکومیت اشغال‌گری قدس شریف که نمادی از مظلومیت و اسارت در

---

۱. همان؛ ۲۵ آذر ۸۸

۲. همان؛ ۱۶ آذر ۸۸

۳. *قصص*: آیه ۵

دست یک دولت سراسر نامشروع، جعلی و غاصب می‌باشد به خیابان‌ها می‌آیند و برائت خویش را از جنایات و تمامیت‌خواهی بین‌المللی یک اقلیت محدود، فریاد می‌زنند و شاهدیم که این حضور معنادار هرساله چون زلزله‌ای پایدار پایه‌های عنکبوتی استبداد و استعمار را می‌لرزاند و روح مقاومت را بر تن مجروح این بقعه‌ی شریف اسلامی می‌دمد.

مردم مسلمان ایران و اقصی نقاط جهان!

امسال در حالی به استقبال این روز شریف می‌رویم که سردمداران جهانی با سوء استفاده از غفلت و تفرقه‌ی مسلمانان و به خصوص اختلافات در داخل مجاهدان خود فلسطین، دندان طمع را برای تعمیق جنایات خویش، تیز کرده‌اند و با القای تفرقه و دامن زدن به اختلافات مذهبی و پرهیز از بیان اشتراکات، مطامع استکباری و استعماری خویش را در آستانه‌ی تحقق نامشروع می‌بینند. نکند خدای ناکرده تدبیر پیر فرزانه‌ی این انقلاب را که روز قدس را روز بیداری اسلام نامید در اثر این اختلافات به فراموشی سپرده شود و آب در آسیاب دشمن بریزد که سال‌های سال در آرزوی حذف هویت اصیل اسلامی بیت المقدس به عنوان قبله‌ی اول مسلمین است.

ان‌شاءالله حضور غیورانه‌ی شما در راهپیمایی روز قدس در سراسر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی و روستاها و شهرهای ایران عزیز، بیدار باشی جاودانه به غفلت‌زدگانی باشد که فکر می‌کنند گذشت زمان غبار فراموشی بر آرمان فلسطین نشانده است و شما نیز مطمئن باشید که فجر صادق همیشه بعد از تیره‌ترین زمان شب طلوع می‌نماید.[۱]

وی همچنین در روز چهارشنبه ۲۵ شهریور ماه اولین مصاحبه‌ی خود بعد از انتخابات ریاست جمهوری را در حالی با «شبکه‌ی خبری العالم» انجام داد که یکی از مهم‌ترین پرسش‌های این شبکه «علل غیبت وی به عنوان خطیب نمازجمعه‌ی روز قدس»[۲] بود. وی اما در پاسخ به این پرسش گفت:

حضور افراد خیلی تفاوت نمی‌کند. بالاخره هر خطیبی که به نمازجمعه بیاید و برای مردم صحبت بکند از حق مردم فلسطین دفاع خواهد کرد و با محکوم کردن ظلم‌های رژیم اسراییل علیه ملت فلسطین خواسته‌های ملت ایران را نیز مطرح خواهد کرد.

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۴ شهریور ۸۸

۲. طی سالیان متوالی (قبل از سال ۱۳۸۸) آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همواره امام جمعه‌ی روز قدس بود.

فکر نمی‌کنم ضرورت داشته باشد که همیشه بعد از ۳۰ سال باز هم من آن روز خطبه بخوانم. بالاخره من در سایر خطبه‌های نمازجمعه هم می‌توانم حرف‌های فلسطینی‌ها را بزنم به نظر من خیلی نباید به این مسأله ابعاد سیاسی داد.[1]

وی در پاسخ به این پرسش که رسانه‌های خارجی می‌گویند عدم حضور شما بیان‌گر اختلافات است، گفت:

ما هر کاری هم که انجام بدهیم آنها مسأله‌ی اختلافات را مطرح می‌کنند. در طول ۳۰ سال انقلاب اسلامی در ایران همواره قدرت‌های استکباری مسأله‌ی اختلاف و جنگ قدرت را مطرح کرده‌اند در حالی که ما در ایران خودمان از این مسأله خبر نداریم. ما با رفاقت و همدلی همواره در راستای اداره‌ی هرچه بهتر کشور کمک می‌کنیم.

وی در پاسخ به پرسشی مبنی بر پیام خود برای ملت ایران درخصوص روز جهانی قدس گفت:

در پیامی خواستار حضور پرشور مردم در راهپیمایی روز قدس شده‌ام و این ابتکار امام خمینی(ره) را بسیار با ارزش می‌دانم و فکر می‌کنم ما باید این میراث امام را حفظ کنیم. ابتکار امام خمینی(ره) پشتوانه‌ی بسیار خوبی است برای مردم فلسطین در مقابل متجاوزان صهیونیست ولی باید بیشتر سعی کنیم که در این راه همراهان بیشتری در دنیا داشته باشیم و این مسأله بستگی به سیاست خارجی و نوع دیپلماسی ما دارد که ان‌شاءالله در این زمینه قوی‌تر عمل شود. ما سعی می‌کنیم وحدت ملت ما در این روز به نمایش گذاشته شود.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در روز جمعه ۲۷ شهریور ماه در راهپیمایی روز قدس شرکت کرد. وی چند روز بعد در تاریخ ۳۱ شهریور ماه نیز در مراسم افتتاحیه‌ی ششمین اجلاس دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری با اشاره به این‌که یکی از محورهای سخنان رهبری ابراز رضایت از راهپیمایی روز قدس است که ملت به‌طور یک‌پارچه در آن حضور یافت، ادامه داد:

این حضور نیاز به زمان و نشانه‌ی علاقه‌مندی به آرمان‌های امام در مورد ملت

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۵ شهریور ۸۸، کد خبر : ۱۱۹۰۸۸۰۰۶۰۲۵ .

۲. همان

> مظلوم فلسطین است که غذا، دارو و... در اختیار ندارند و این حضور وفاداری مردم را نشان داد.[۱]

وی در تاریخ ۲۰ مهر ماه در دیدار صلاح زواوی (سفیر فلسطین در تهران)، یک‌پارچگی مردم فلسطین و پرهیز از اختلافات داخلی را در احقاق حقوق از دست رفته‌ی مردم این سرزمین مهم ارزیابی کرد و گفت:

> رژیم صهیونیستی و قدرت‌هایی که از آن حمایت می‌کنند به دنبال ایجاد اختلاف در صفوف مسلمانان و مردم فلسطین و بهره‌گیری از آن هستند.[۲]

او مقاومت را تنها راه برای پیروزی مردم فلسطین عنوان کرد و گفت:

> اقدامات رژیم صهیونیستی در محاصره‌ی مسجدالاقصی و همچنین ایجاد مشکلات در زندگی مردم فلسطین، استحکام بیشتری برای مقاومت ایجاد می‌کند.

وی پی‌گیری جنایات رهبران رژیم صهیونیستی در غزه را از مهم‌ترین وظایف سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری عنوان کرد و گفت:

> مسلمانان در سراسر جهان خواهان پایان دادن به اقدامات ضد حقوق بشری رژیم صهیونیستی و اعاده‌ی حقوق مردم فلسطین هستند.[۳]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۳ آذر ماه نیز در دیدار خالد مشعل (رییس دفتر سیاسی حماس) موضوع فلسطین را مهم‌ترین مسأله‌ی دنیا و جهان اسلام عنوان کرد و گفت:

> اتحاد جهان اسلام در موضوع فلسطین می‌تواند مانع مهمی در مقابل زیاده‌خواهی‌های رژیم صهیونیستی باشد و کشورهای اسلامی باید تلاش کنند تا با شکستن محاصره‌ی غزه به رنج و درد مردم این منطقه پایان دهند. پی‌گیری و مجازات عاملان اصلی این جنایات ضد بشری بر ضد مردم فلسطین بر عهده‌ی سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری است و کوتاهی در این مورد می‌تواند اعتبار این سازمان‌ها را از بین ببرد.[۴]

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸
۲. همان؛ ۲۱ مهر ۸۸
۳. همان
۴. همان؛ ۲۴ آذر ۸۸

وی در تاریخ ۹ دی‌ماه نیز در مصاحبه با شبکه‌ی خبری «فرانس ۲۴» متعلق به کشور فرانسه در پاسخ به پرسشی درباره‌ی وضعیت فعلی فلسطین و روابط فعلی اسراییل با دولت خودگردان فلسطین گفت:

ما، مردم فلسطین را مظلوم می‌دانیم چرا که تعداد زیادی از آنها در خاک خود مورد تعدی قرارگرفته و بسیاری از آنها آواره شده‌اند و آنهایی که اکنون در خاک خویش به سر می‌برند «شهروند درجه » به حساب می‌آیند و این ظلم در وهله‌ی اول از سوی انگلیس آغاز و سپس با مشارکت آمریکا و بعد «دنیای غرب» و حتی «روسیه» دنبال شد، اما در مورد مذاکراتی که شما در سؤال خود به آن اشاره کردید چون در این مذاکرات به ریشه‌ی اصلی مشکل پرداخته نمی‌شود، به همین خاطر در طول سالیان متمادی از کمپ دیوید تا امروز ناکام مانده‌است... ما از یک ملت مظلومی که امروز فقط ۶ میلیون آواره دارد و دائماً تحت فشار است حمایت می‌کنیم، چه منطقی توان این را دارد که این حمایت را محکوم کند؟ شما مطلع‌اید که گزارش گلدستون نیز در این اواخر «اسراییل» را محکوم کرد که این حرف «ما» نبود بلکه حرف نماینده‌ی خود غرب بود.[۱]

وی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه در دیدار دکتر رمضان عبدالله (دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین)، جمهوری اسلامی ایران را ستون مستحکم و تکیه‌گاه همیشگی ملل و جنبش‌های ضد استکباری در منطقه و جهان خواند و گفت:

امروز چشم امید مبارزان و حق‌طلبان عالم به جمهوری اسلامی ایران است و همین امر ضرورت اتحاد داخلی و استحکام بیش از پیش بین‌المللی نظام اسلامی و دوستانش در منطقه را مضاعف می‌کند.[۲]

۱۰. محکومیت هتک حرمت عاشورا، تجلیل از راهپیمایی ۹ دی

ششم دی‌ماه ۸۸ مصادف با عاشورای حسینی بود. در این روز برخی عناصر آشوب‌طلب با زیر پا گذاشتن حرمت عزای حسینی، به آتش زدن برخی اموال عمومی و خصوصی و بیان شعارهای ساختارشکنانه پرداختند. این اقدام باعث شد

---

۱. ***پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی***؛ ۲۸ دی ۸۸

۲. روزنامه ***جمهوری اسلامی***؛ ۲۷ بهمن ۸۸

تا با ابتکار شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی بعداز ظهر چهارشنبه ۹ دی‌ماه در سراسر کشور تجمعات و راهپیمایی‌های گسترده‌ای در محکومیت هتک حرمت روز عاشورا برگزار شود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز طی سخنانی در جمع کارکنان مجمع تشخیص مصلحت و جمعی از عزاداران سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) که در تاریخ ۸ دی‌ماه منتشر شد مَثَل حق و باطل را مانند آب زلال و خالص و کف روی آن خواند و گفت:

> آب، این مایه‌ی حیات، ممکن است در چرخه‌ی طبیعت از شکلی به شکل دیگر تغییر شکل دهد اما حذف آن ناممکن است، در مقابل، کف روی آب حبابی است که دیر یا زود زوال می‌یابد.[۱]

وی راه قرآن، اسلام و ائمه(ع) را حق و حقیقت دانست و تصریح کرد که «هیچ قدرتی نمی‌تواند عشق و ارادت اهل بیت(ع) را از ما بگیرد. وی در ادامه گفت:

> اگر به درستی در این راه حرکت کنیم و به وظایف خود عمل کنیم، حق گم نمی‌شود و همیشه پایدار می‌ماند. مردم ایران این افتخار را دارند که به محض آشنایی با اسلام مجذوب مکتب اهل‌بیت(ع) شدند و از زمان حکومت حضرت علی(ع) تا امروز این عشق و ارادت در حال رشد است و در سایه‌ی مجاهدات در این راه موفق شدند برای اولین بار در تاریخ، مکتب اهل‌بیت(ع) را مذهب رسمی ایران کنند و ساختار نظام را بر محور ولایت شکل دهند و هیچ قدرتی نمی‌تواند این عشق و ارادت را از ما بگیرد و در شرایط گوناگون این حقیقت را ثابت کرده‌اند.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۱۲ دی ماه طی سخنانی در ابتدای جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، از حضور گسترده‌ی مردم سراسر کشور در راهپیمایی حمایت از نظام، ولایت و رهبری در روز ۹ دی تشکر و قدردانی کرده، آن را خنثی کننده‌ی توطئه‌ی معاندین علیه اصل نظام و اصل ولایت فقیه دانست و گفت:

---

۱. همان؛ ۹ دی ۸۸

۲. همان

نظام اسلامی با تکیه بر مردم پیروز شد و تداوم یافت و ان‌شاءالله ادامه خواهد داشت و امیدوارم هتاکان از این حضور معنادار مردم درس عبرت بگیرند.[۱]

وی همچنین در خاتمه‌ی بیانات خود، ابراز امیدواری کرد با ایجاد و تقویت وحدت و همدلی بیشتر میان مسئولان و مردم، شاهد یک‌پارچگی، انسجام و آرامش روزافزون در جامعه باشیم.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در تاریخ ۴ اسفند ماه در نطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری با اشاره به حضور گسترده و معنادار مردم در نهم دی ماه این حضور را نشانه‌ای از بهتر شدن وضع همدلی در کشور نامید.[۳]

۱۱. دعوت به راهپیمایی ۲۲ بهمن

پس از راهپیمایی روز ۹ دی، تلاش دشمنان نظام اسلامی متوجه ۲۲ بهمن ماه (سال‌روز پیروزی انقلاب اسلامی) شد تا از نماد وحدت ملی ایرانیان برای ایجاد درگیری و تبدیل آن به روز جنگ و نزاع داخلی بهره گیرند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما از ۱۵ روز قبل از سال‌روز پیروزی انقلاب اسلامی مردم را به حضور متحد در راهپیمایی ۲۲ بهمن دعوت می‌کرد.

وی ابتدا در تاریخ ۷ بهمن‌ماه در دیدار «جمعی از اعضای خانه‌ی کشاورز» ضمن گرامی‌داشت یاد حماسه‌آفرینان انقلاب، خواستار برگزاری جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی و روز ملی ۲۲ بهمن، بدون تفرقه و با وحدت کامل، با حضور همه‌ی اقشار جامعه شد.[۴]

وی همچنین در تاریخ ۱۰ بهمن در ابتدای جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، انسجام داخلی و پرهیز از تفرقه در داخل کشور را برای خنثی‌سازی فشارهای

---

۱. همان؛ ۱۳ دی ۸۸

۲. همان

۳. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۴ اسفند ۸۸

۴. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۸ بهمن ۸۸

خارجی و صیانت از نظام مقدس جمهوری اسلامی بسیار حیاتی وخطیر دانست و تأکید کرد:

دلسوزان و عاشقان نظام از همه‌ی گروه‌ها و طرف‌ها باید تلاش کنند راهپیمایی امسال روز عید ملی ۲۲ بهمن، با آرامش و عظمت خاص خود برگزار شود چون هرگونه تعارض و خشونت در جهت خواست دشمنان خواهد بود.[۱]

وی همچنین از همه‌ی آحاد مردم در سراسر کشور دعوت کرد با حضور حماسی در راهپیمایی روز عید ملی ۲۲ بهمن، این روز را به «مانور وحدت ملی» برای «حفظ نظام» و «حمایت از جمهوری اسلامی» ـ علی‌رغم برخی اختلاف سلیقه‌ها ـ تبدیل و با این حضور و مانور سراسری، دشمنان خارجی را از دست‌یابی به اهداف شوم‌شان مأیوس کنند. وی در خاتمه تصریح کرد:

۲۲ بهمن نقطه‌ی مشترک حفظ و تقویت وحدت و نماد وفاداری مردم به نظام اسلامی است که امیدواریم با شکوه خاص خود برگزار شود.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۰ بهمن‌ماه در دیدار دبیر کل و اعضای «هیأت مدیره‌ی کانون زندانیان سیاسی مسلمان» نیز تأکید کرد:

۲۲ بهمن به همه‌ی وفاداران به نظام متعلق است و باید تجلی وحدت، همدلی، عشق و وفاداری به انقلاب، اسلام، قرآن و ایران باشد و به دشمنان استکباری نشان دهد که عامه‌ی مردم ایران پای انقلاب ایستاده‌اند و انتقادات و اختلاف سلیقه‌ها در [جهت] حفظ انقلاب و رفع نواقص و پیشرفت بهتر است.[۳]

وی همچنین در تاریخ ۲۱ بهمن ماه در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی گفت:

بیشتر از سال‌های گذشته ما به حضور مردم در صحنه نیاز داریم. در دوران جنگ تهدیدها خیلی جدی‌تر و عملی‌تر بود. آن موقع هم ما از حضور مردم خیلی استفاده می‌کردیم. اما این دفعه استکبار عریان خودش آمده با طرح‌های مشخص دارند ما را تحریم می‌کنند. تهدید به جنگ می‌کنند. محاصره می‌کنند.

---

۱. همان؛ ۱۱ بهمن ۸۸

۲. همان

۳. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

در امور داخلی ما دخالت می‌کنند. تفرقه‌ی جامعه‌ی ما بهترین پنجره را برای آنها باز می‌کند که بیشتر سوء استفاده کنند. ما اگر بتوانیم ۲۲ بهمن امسال بهترین حضور مردم را داشته باشیم به نسبت ۳۰ سال گذشته و همچنین حالت وحدتی دیده شود در یک نکته یعنی وفاداری به نظام جمهوری اسلامی، اختلاف سلیقه هم در نظام می‌تواند محفوظ باشد. ما اگر بتوانیم این وحدت را به دنیا ارائه بدهیم یک توفیق بسیار بزرگ نصیب خواهد شد. همه باید ارزش محوری این روز را فراموش نکنند.[۱]

وی در اول اسفند ماه، پس از برگزاری باشکوه راهپیمایی ۲۲ بهمن، با اعلام تجلیل و قدردانی خود و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام از حضور حماسی و پرشور مردم سراسر کشور در راهپیمایی یوم‌الله ۲۲ بهمن، این حضور را دارای پیامی بسیار جدی و رسا برای دشمنان دانست و گفت:

مردم فهیم ایران بسیار حماسی و معنادار در این مراسم شرکت کردند و نشان دادند که نظام اسلامی همواره با اتکا و برخورداری از قدرت مردم، امور را اداره و مشکلات را مرتفع کرده است و یک بار دیگر همه‌ی مردم با همه‌ی سلایق وحدت ملی را نمایش دادند.[۲]

وی با اشاره به تحرکات منفی اخیر استکبار و کشورهای غربی علیه جمهوری اسلامی ایران، گفت:

انتظار می‌رفت پس از این حضور پرشور و حماسیِ مردم در حمایت از نظام اسلامی دشمنان خارجی درک می‌کردند که ماجراجویی در ایران آسان نیست و نمی‌توان با این نظام اسلامی با این پشتوانه‌ی قوی مردمی، برخورد خصمانه و مغرضانه کرد. آنها به جای این‌که اشتباهات بی‌شمار گذشته‌ی خود را جبران کنند متأسفانه در روزهای اخیر صفحات سیاه دیگری در تاریخ عناد و دشمنی خود با جمهوری اسلامی ایران ثبت می‌کنند... باید در داخل کاملاً مراقب بود که چه در گفتار و چه در عمل سنجیده برخورد شود و بیدار و هوشیار باشیم. باید از پیام حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن برای ایجاد وحدت و انسجام

---

۱. همان

۲. همان؛ ۲ اسفند ۸۸

داخلی استفاده کنیم و از روحیه‌ی طرد، حذف، فحاشی و بدنامی که سمی مهلک در داخل کشور است پرهیز و حول محورهای وحدت و مشترکات و رهنمودهای رهبری معظم انقلاب در جامعه، رسانه‌های رسمی به ویژه رسانه‌ی ملی تأکید شود.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۴ اسفند ماه در نطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری با اشاره به حضور گسترده و معنادار مردم در نهم دی ماه و ۲۲ بهمن این حضور را نشانه‌ای از بهتر شدن وضع همدلی در کشور نامید و در همین زمینه خاطرنشان کرد:

در ۲۲ بهمن انصافاً نمایش خوبی از هوشیاری مردم که انقلاب متعلق به آنهاست، نشان داده شد.[۲]

وی با بیان این‌که نقش مردم در انقلاب بیش از همه است، اظهار داشت:

البته امام راحل و شاگردان ایشان و عوامل الهی نیز دست‌اندرکار انقلاب بودند، ولی آنچه که انقلاب را به ثمر رساند حضور مردم بود و آنچه به انقلاب تاکنون مصونیت بخشیده حضور مردم در صحنه است و خوشبختانه با حضور خوب مردم در ۲۲ بهمن تبلیغات سهمگین دشمن بی‌اثر شد.

وی با تأکید مجدد بر نقش اساسی مردم در حفاظت از انقلاب تأکید کرد:

۲۲ بهمن امسال با ۲۲ بهمن سال‌های گذشته تفاوت داشت و مردم در شرایطی حضور معنادار خود را اعلام کردند که جامعه و اسلام بیشترین نیاز را به آنها داشت.

وی به شرایط منطقه و موج سهمگین تهاجماتی که علیه جمهوری اسلامی وجود دارد اشاره کرد و گفت:

آمریکا حضور کم‌سابقه‌ای در منطقه برای فشار به جمهوری اسلامی دارد که این حضور سابقه نداشته است و اکنون آنها ادعا می‌کنند ایران به سمت دیکتاتوری نظامی می‌رود که این صحبت‌ها معنادار است. اگر حضور مردم نبود شاید بعضی از ساده‌ها باور می‌کردند که مردم نیستند، ولی مردم نشان دادند که این تبلیغات، نادرست است.

---

۱. همان

۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۴ اسفند ۸۸

وی با بیان این‌که غربی‌ها نمی‌توانند روی مردم ایران حساب کنند که تا چه اندازه از انقلاب دفاع می‌کنند، اظهار داشت:

ممکن است هر بار با دعوت رهبری مردم بیایند اما این بار خودشان آمدند و از ابتدا حضور یافتند.

وی ضمن تأکید بر حفظ هوشیاری با توجه به حضور نیروهای چند ملیتی در منطقه، خاطر نشان کرد:

مردم ما نشان دادند که هوشیارند و ما نیز باید آمادگی داشته و جـواب تبلیغـات آنها را بدهیم.[1]

۱. همان

هشدارها

در جریان انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نسبت به احتمال وقوع حوادثی اعلام خطر کرده، با بیان هشدارهایی خواستار برخورد پیش‌گیرانه با آنها شد. ما در ادامه به نقل این موارد می‌پردازیم.

۱. احتمال وقوع فتنه‌های خطرناک

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اولین کسی بود که از تعبیر قرآنی «فتنه» برای حوادث و وقایع مربوط به دهمین دور از انتخابات ریاست جمهوری استفاده کرد و نسبت به احتمال وقوع «فتنه‌های خطرناک» هشدار داد. وی ابتدا در تاریخ ۱۹ خرداد ماه در نامه‌ی خود به مقام معظم رهبری خواستار اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از تکرار حوادث دوران ریاست جمهوری بنی‌صدر شد. وی در این باره نوشت:

بعد از جریان شوم ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹ با ارشاد امام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب‌عالی و اینجانب که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و به خصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سم‌پاشی‌ها اقدامات مؤثری انجام دهیم و امام راحل درد آشنا با تشکیل گروه حقیقت‌یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی «فتنه‌گران» و در نهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضد انقلاب طراحی کرده

بودند. البته اینجانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی‌صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد.[۱]

وی همچنین در بخش دیگری از این نامه ضمن اشاره به مطالب مطرح شده از سوی دکتر احمدی‌نژاد در مناظره با مهندس موسوی، به تأثیر سکوت مسئولان نظام در برابر پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی چون تهمت‌ها، دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مطرح شده در متشنّج شدن فضای عمومی کشور و شکل‌گیری «فتنه‌های خطرناک» اشاره کرد و نوشت:

با این‌همه بر فرض این‌که اینجانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی‌شک بخشی از مردم و احزاب و جریان‌ها این وضع را بیش از این برنمی‌تابند و آتش‌فشان‌هایی که از درون سینه‌های سوزان تغذیه می‌شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه‌های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدان‌ها، خیابان‌ها و دانشگاه‌ها مشاهده می‌کنیم.

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل تهمت‌ها، دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف‌های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدسش خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق‌شکن علی‌رغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

رهبر معظم انقلاب!

اکنون که امام راحل(ره) آن پیر فرزانه و حلال مشکلات و ملجاء همه و یار صبور و دیرینه‌ی هر دوی ما آیت‌الله شهید مظلوم دکتر بهشتی و بسیاری از هم‌سنگران قدیم که یا به فیض عظمای شهادت رسیدند و یا به دیار باقی شتافتند، در بین ما حضور ندارند، شما مانده‌اید و من و معدودی از یاران و هم‌فکران قدیم. از

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸

جناب‌عالی با توجه به مقام و مسئولیت و شخصیت‌تان انتظار است برای حل این مشکل و برای رفع «فتنه‌های خطرناک» و خاموش کردن «آتشی که هم‌اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است»، «هرگونه که صلاح می‌دانید» اقدام مؤثری بنمایید و مانع شعله‌ورتر شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شوید.[۱]

۱. مقام معظم رهبری در اولین جمعه‌ی پس از اعلام نتایج انتخابات که در تاریخ ۲۹ خرداد ماه برگزار شد، در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران درباره‌ی مناظرات و تبلیغات انتخاباتی نامزدها فرمودند:
«این رقابت‌ها کاملاً رقابت‌های آزاد، جدی و شفاف بین نامزدهای مختلف بود؛ همه دیدند. به قدری این رقابت‌ها و این گفتگوها و این مناظره‌ها شفاف و صریح بود، که عده‌ای به آن معترض شدند ـ حالا عرض خواهم کرد ـ حق هم تا حدودی با آنهاست. التهاباتی هم به وجود آورد که الآن هم هنوز آثارش را داریم مشاهده می‌کنیم. من به شما عرض بکنم، فرض ما این بود و هست که این رقابتی که وجود دارد بین چهار نامزد انتخابات، این رقابت میان افراد و جریان‌های متعلق به نظام اسلامی است. اینی که دشمنان سعی می‌کنند در رسانه‌های گوناگون ـ که غالباً هم این رسانه‌ها مال این صهیونیست‌های خبیث و رذل است ـ اینجور وانمود کنند که دعوا بین طرفداران نظام و مخالفان نظام است، نخیر! این جوری نبود؛ آنها غلط می‌کنند این حرف را می‌زنند؛ این واقعیت ندارد.
این چهار نفری که وارد عرصه‌ی این انتخابات جدی شدند، همه‌شان جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند. یکی از اینها رییس جمهور کشور ماست؛ رییس جمهور خدوم، پرکار، زحمت‌کش، مورد اعتماد. یکی از آنها نخست‌وزیر هشت سال در دوران ریاست جمهوری خودِ بنده است. یکی از آنها فرمانده‌ی سپاه در سال‌های متمادی و یکی از فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس بوده است. یکی از آنها دو دوره رییس قوه‌ی مقننه‌ی کشور بوده است؛ رییس مجلس شورای اسلامی بوده است. اینها عناصر نظامند؛ اینها همه‌شان متعلق به نظامند. البته اختلاف‌نظر دارند، اختلاف برنامه دارند، در جهت‌گیری‌های گوناگون سیاسی با هم تفاوت‌های متعددی دارند؛ اما همه‌شان مال نظامند؛ چهار نفر از عناصر نظامند. این رقابت درون نظام تعریف شد؛ نه رقابت بین درون نظام و بیرون نظام، که رادیوی صهیونیستی و رادیوی آمریکا و رادیوی انگلیس خبیث و دیگران هی می‌خواهند این را دامن بزنند. نخیر، رقابتی بود در درون نظام و بین عناصر وابسته‌ی به نظام؛ متعلق به نظام، و همه‌شان هم با این سوابق. همه‌شان را من از نزدیک می‌شناسم، افکارشان را می‌دانم، سلائقشان را می‌دانم، خصوصیات رفتاریشان را می‌دانم، با همه‌شان از نزدیک من کار کردم.
البته بنده همه‌ی دیدگاه‌های این آقایان را قبول ندارم؛ بعضی از نظرهایشان و عملکردهایشان از نظر من بدون شک قابل انتقاد است؛ بعضی را برای خدمت به کشور مناسب‌تر از بعضی دیگر می‌دانم؛ اما انتخاب به عهده‌ی مردم بوده و هست. مردم انتخاب کردند. خواست من، تشخیص من، نه به مردم گفته شد، نه مردم لازم بود آن را مراعات کنند. مردم خودشان طبق معیارهای خودشان تشخیص دادند، حرکت کردند، عمل کردند؛ میلیون‌ها این طرف، میلیون‌ها آن طرف. بنابراین، مسئله، مسئله‌ی درونی نظام است. اینی که بخواهند صورت مسئله را تغییر بدهند، این صد در صد مغرضانه و خباثت‌آلود است. دعوا بین نظام و بیرون از نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضد انقلاب نیست؛ اختلاف بین عناصری در درون چهارچوب نظام است.
آن مردمی هم که به این چهار نفر رأی دادند، اینها هم با اعتقاد به نظام رأی دادند، تشخیص دادند این برای کشور بهتر است، به نظام پایبندی‌اش بیشتر است، به او رأی دادند. آن کسی را که صالح‌تر برای خدمت به نظام می‌دانستند، به او رأی دادند؛ مردم هم در چهارچوب نظام عمل کردند.
اما این رقابت‌ها و مناظرات، که ابتکار مهمی بود؛ ابتکار جالبی بود؛ خیلی صریح بود، خیلی شفاف بود، خیلی جدی بود. این مناظره‌ها تو دهن آن کسانی زد که از بیرون تبلیغ می‌کردند که این رقابت‌ها نمایشی است، واقعیت ندارد. دیدند نخیر! واقعیت دارد؛ جدی در مقابل هم ایستاده‌اند، با هم بحث می‌کنند، با هم

استدلال می‌کنند. بنابراین مناظره‌ها و گفتگوها بسیار از این جهت مثبت بود. البته آثار مثبتی داشت، عیوبی هم داشت، که حالا هر دو را من عرض خواهم کرد.
آن جهت مثبت، این بود که در این مناظره‌ها و در این گفتگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخ‌گویی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخ‌گویی برآمدند و از خودشان دفاع کردند. مواضع افراد و مواضع گروه‌ها بدون ابهام، بدون پیچیده‌گویی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ سیاست‌هایشان چیست، برنامه‌هایشان چیست، پابندی‌هایشان کدام است، تا چه حد است؛ اینها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند. مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی‌آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد. همه چیز در مقابل مردم آشکار، همه‌ی نظرات در مقابل مردم بیان شد و معلوم شد رأی مردم ناشی از همین دقت‌ها و تأملات خواهد بود. رأی مردم زینتی نیست. حق انتخاب حقیقتاً متعلق به مردم است، مردم می‌خواهند آگاهانه، هشیارانه انتخاب کنند. این مناظره‌ها این را نشان داد. یقیناً یکی از علل افزایش ده میلیونی آراء نسبت به آخرین حد نصاب دوره‌های قبل همین بود که ذهن مردم، فکر مردم مشارکت داده شد، به عرصه آمد و آنها تشخیص دادند، وارد میدان شدند. این مناظره‌ها به سطح خیابان‌ها هم کشیده شد، داخل خانه‌ها هم رفت، که اینها قدرت انتخاب مردم را بالا می‌برد. اینجور مباحثات و گفتگوها ذهن‌ها را پرورش می‌دهد، قدرت انتخاب را بالا می‌برد. این از نظر جمهوری اسلامی چیز مطلوبی است.
البته همین جا من عرض بکنم که این گفتگوها نباید به جایی برسد که تبدیل بشود به کدورت و کینه. اگر این شد، آن‌وقت اثر عکس خواهد داشت. اگر به همان شکلی که آن روز بود و در همان حد باقی بود، این خوب بود؛ اما اگر بنا باشد همین طور کش پیدا کند، ادامه پیدا کند، هی بگومگو بشود، این تدریجاً تبدیل خواهد شد به کینه. البته خیلی خوب است که این‌جور مناظره‌هایی در سطوح مدیریتی ادامه پیدا کند ـ البته با حذف آن عیوبی که بعد به آن اشاره خواهم کرد ـ و افراد، مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخ‌گو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه یک انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهن‌ها را روشن کند، تبیین کنند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است؛ البته با حذف آن عیوبی که عرض خواهم کرد. اگر این جور مناظره‌ها در طول سال و در طول چهار سال ادامه داشته باشد، دیگر وقتی در هنگام انتخابات پیش آمد، حالت انفجاری پیدا نمی‌کند؛ همه‌ی حرف‌ها در طول زمان گفته خواهد شد، شنیده خواهد شد؛ نقدها، پاسخ‌ها، جواب‌ها. اینها محسنات این مناظرات بود که خیلی خوب بود؛ اما عیوبی هم داشت که این عیوب را باید برطرف کرد. در مواردی انسان می‌دید که در این مناظره‌ها جنبه‌ی منطقی مناظره ضعیف می‌شد؛ جنبه‌ی احساساتی و عصبی پیدا می‌کرد؛ جنبه‌ی تخریبی غلبه پیدا می‌کرد؛ سیاه‌نمایی وضع موجود به شکل افراطی در این مناظره‌ها دیده شد؛ سیاه‌نمایی دوره‌های گذشته هم در این مناظره‌ها مشاهده شد؛ هر دو بد بود. اتهاماتی مطرح شد که در جایی اثبات نشده است؛ به شایعات تکیه شد، بی‌انصافی‌هایی احیاناً دیده شد؛ هم بی‌انصافی نسبت به این دولت با این همه حجم خدمت، و هم بی‌انصافی نسبت به دولت‌های گذشته و دوران سی ساله. آقایان در خلال صحبت احساساتی شدند و لابلای حرف‌های خوب، حرف‌هایی هم که خوب نبود، گفته شد.
بنده هم مثل بقیه‌ی آحاد ملت نشستم پای تلویزیون و این مناظره‌ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از این‌که نظام جمهوری اسلامی توانسته است به کمک مردم بیاید تا بتوانند قدرت انتخاب خود را بالا ببرند، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد؛ متأثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخش‌های معیوب، آن تعریض‌ها، آن تصریح‌ها، التهاب‌آور و نگران‌کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود.
بنده اینجا در منبر نمازجمعه، در خطبه‌ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترک بودند. از یک طرف صریح‌ترین اهانت‌ها به رییس جمهورِ قانونی کشور شد. حتی

از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانی‌ها را برای من می‌آوردند و من می‌دیدم یا گاهی می‌شنیدم؛ تهمت‌هایی زدند، حرف‌هایی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رییس جمهور قانونی کشور است، متکی به آرای مردم است. نسبت‌های خلاف دادند، رییس جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ‌گویی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه‌های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می‌بینیم، می‌دانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رییس جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت‌های خجالت‌آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند.

این از آن طرف. از این طرف هم همین جور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری انجام گرفت. کارنامه‌ی درخشان سی ساله‌ی انقلاب کمرنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیت‌های این نظامند؛ اینها کسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نمازجمعه هیچ‌وقت رسمم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هر کس هر ادعایی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمی‌شود اینها را رسانه‌ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمی‌شود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی اینجور حرف‌ها مطرح می‌شود، تلقی‌های نادرست در جامعه به‌وجود می‌آید، جوان‌ها چیز دیگری خیال می‌کنند، چیز دیگری می‌فهمند.

آقای هاشمی را همه می‌شناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسئولیت‌های بعد از انقلاب نیست؛ من از سال ۱۳۳۶ ـ یعنی ۵۲ سال قبل ـ ایشان را از نزدیک می‌شناسم. آقای هاشمی از اصلی‌ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پی‌گیر قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز. این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب می‌کرد و به مبارزین می‌داد. اینها را جوان‌ها خوب است بدانند. بعد از انقلاب ایشان مسئولیت‌های زیادی داشت: هشت سال رییس جمهور بود؛ قبلش رییس مجلس بود؛ بعد مسئولیت‌های دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوخته‌ای درست کرده باشد. اینها یک حقایقی است؛ اینها را باید دانست. در حساس‌ترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده.

من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف‌نظر داریم، که طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رییس جمهور از همان انتخاب سال ۸۴ تا امروز اختلاف‌نظر بود، الآن هم هست؛ هم در زمینه‌ی مسائل خارجی اختلاف‌نظر دارند، هم در زمینه‌ی نحوه‌ی اجرای عدالت اجتماعی اختلاف‌نظر دارند، هم در برخی مسایل فرهنگی اختلاف‌نظر دارند؛ و نظر آقای رییس جمهور به نظر بنده نزدیک‌تر است.

در مورد آقای ناطق نوری هم همین جور. آقای ناطق نوری هم از شخصیت‌های خدوم انقلاب است؛ ایشان هم خدمات زیادی کرده و در دلبستگی ایشان به این نظام و انقلاب هیچ شکی نیست.

مناظره‌های زنده‌ی تلویزیونی خوب است؛ اما این آسیب‌ها باید برطرف بشود. من همان وقت ـ بعد از مناظره ـ به آقای رییس جمهور هم تذکر دادم؛ چون می‌دانستم ایشان ترتیب اثر می‌دهند.

در مورد مبارزه‌ی با فساد مالی، موضع نظام یک موضع روشنی است. در زمینه‌ی مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، موضع نظام یک موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه‌ای که هست، مبارزه کرد. من می‌خواهم این را عرض بکنم: ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، اگر وجود نداشت که بنده آن نامه‌ی هشت ماده‌ای را چند سال قبل خطاب به رؤسای محترم سه

لذا در فرصت باقی‌مانده ضروری به نظر می‌رسد خواسته‌ی حق حضرت‌عالی و مردم در خصوص انجام انتخاباتی سالم و پرابهت و حداکثری تحقق یابد. کاری که می‌تواند عامل نجات کشور از خطر و باعث تحکیم وحدت ملی و اعتماد عمومی باشد و فتنه‌گران نتوانند با حدس و گمان نص پیامتان در مشهد[1] و در مرقد امام راحل[2] را با هوس خود تحریف کنند و با نادیده گرفتن قانون، بنزین بر آتش افروخته بریزند.

قوه نمی‌نوشتم و این‌قدر روی آن تأکید نمی‌کردم. چرا، هست؛ اما می‌خواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالم‌ترین نظام‌های سیاسی و اجتماعی در دنیاست. این‌که ما بیاییم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست. این هم که ما اشخاص را، مسئولین را بی‌جهت در زمینه‌ی فساد زیر سؤال ببریم، این هم درست نیست. فساد مالی یکی از مسائل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جداً مبارزه کرد؛ هم در قوه‌ی مجریه، هم در قوه‌ی قضاییه، هم در قوه‌ی مقننه. همه موظفند با این مسئله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد؛ کما این‌که بسیاری از کشورهای دنیا ـ همین کشورهای غربی که اینقدر دم از مبارزه‌ی با فساد مالی و پول‌شویی و امثال اینها می‌زنند ـ تا خرخره غرق در فسادند. قضایای دولت انگلیس و مجلس پارلمان انگلیس را این روزها شنیدید و همه‌ی دنیا دانستند. این یک گوشه‌هایی از قضایاست؛ خیلی بیش از اینهاست.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۹ خرداد ۸۸)

۱. مقام معظم رهبری در تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۸۸ در سخنان خویش در جمع زائران حرم امام رضا(ع) در مشهد مقدس فرمودند:

«درباره‌ی موضع رهبری در مورد انتخابات، گمانه‌زنی و شایعه و اینها همیشه بوده و خواهد بود. بنده یک رأی دارم، آن را در صندوق می‌اندازم. به یک نفری رأی خواهم داد، به هیچ کس دیگر هم نخواهم گفت که به کی رأی بدهید، به کی رأی ندهید؛ این تشخیص خود مردم است. بنده گاهی از دولت حمایت می‌کنم، دفاع می‌کنم؛ بعضی سعی می‌کنند برای این کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه! من از دولت‌ها همیشه دفاع می‌کنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیر منصفانه‌ای می‌شود، بیشتر دفاع می‌کنم. من طرفدار إعمال انصافم؛ من می‌گویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم؛ این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی‌انصافی است.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱ فروردین ۸۸)

۲. مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۴ خرداد ماه در جمع زائران حرم امام خمینی(ره) فرمودند:

«بنده در این انتخابات یک رأی بیشتر ندارم، آن رأی را هم به نظرم می‌رسد که کسی به طور مشخص نمی‌داند، حالا ممکن است کسانی حدس بزنند. من به کسی نمی‌گویم، نگفته‌ام و نخواهم گفت به چه کسی رأی بدهید، به چه کسی رأی ندهید؛ رأی من مربوط به خود من است. این مال ملت است. آنچه که من از مردم می‌خواهم، عبارت است از این‌که همه با همه‌ی قوا، با همه‌ی توان، با همه‌ی نشاط... پای صندوق‌های رأی حاضر بشوند و رأی بدهند. خدای متعال با آن ملتی است که می‌اندیشد، تصمیم می‌گیرد، انتخاب می‌کند، و برای خدا و در راه خدا به آن انتخاب عمل می‌کند.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱۴خرداد ۸۸)

سر چشمه شاید گرفتن به بیل   چو پر شد نشاید گرفتن به پیل[۱]

وی همچنین در اولین سخنرانی خود پس از انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۷ تیر ماه در جمع خانواده‌های شهدای هفتم تیر، تحولات پس از انتخابات را «فتنه‌ای پیچیده» از سوی «عوامل مرموزی» دانست که «ایجاد نفاق و جدایی میان مردم و نظام و سلب اعتماد و اطمینان آحاد مردم از نظام اسلامی را هدف گرفته است». وی همچنین خواستار «هوشیاری مردم برای خنثی کردن این توطئه» شد.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۶ اسفند ماه نیز در مراسم تجدید بیعت رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با امام و شهدا از «موج فتنه‌ی بزرگی» خبر داد که علیه انقلاب، اسلام، ولایت و تقدس روحانیت شروع شده است. وی دراین رابطه گفت:

> دشمنان خارجی خیلی حرفه‌ای عمل می‌کنند و بعضی حرف‌هایی که می‌زنند نشان می‌دهد که از کارشناسان کارکشته‌ای استفاده می‌کنند که عمدتاً از ایران به خارج رفته‌اند یا فرار کردند و از تیپ‌های فرهنگی، سیاسی، اطلاعاتی و نظامی بودند که با ایران آشنایی و ارتباط دارند و مسائل را تحلیل می‌کنند. «موج فتنه‌ی بزرگی» علیه انقلاب، اسلام، ولایت و تقدّس روحانیت شروع شده که هیچ وقت نمی‌خواهد یک ذره هم کوتاه بیاید و ضعف‌های سیاسی و اقتصادی در داخل هم به یاری آنها می‌آید تا آنها را به گذشته مربوط کند.[۳]

۲. ایجاد فاصله میان مردم و روحانیت

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۸۸ طی مواضع متعددی نسبت به تلاش شیاطین داخلی و خارجی برای ایجاد فاصله میان مردم ـ به‌خصوص قشر تحصیل‌کرده ـ با روحانیت و خطر این فاصله هشدار داد.

وی ابتدا در تاریخ ۲۹ مهر ماه در دیدار «جمعی از فضلا و مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم»، تفکیک میان حوزه و دانشگاه را یکی از خطرات مقطع کنونی خواند و

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸
این نامه با عبارت « دوست، همراه، و هم‌سنگر دیروز، امروز و فردایتان، اکبر هاشمی‌رفسنجانی» به پایان رسیده بود.
۲. همان؛ ۸ تیرماه ۸۸
۳. همان؛ ۸ اسفند ۸۸

بر لزوم فعالیت و تحرک بیشتر حوزه‌های علمیه تأکید کرد.[۱]

وی در تاریخ ۱۲ آذر ماه نیز در جوار بارگاه امام رضاعلیه‌السلام با خطیر دانستن وظیفه‌ی روحانیت در برابر مردم گفت:

در طول تاریخ ایران، روحانیت همیشه پناهگاه مردم بوده است و هر وقت مردم در برابر حکومت به مشکل بر می‌خوردند به روحانیت پناه می‌آوردند. روحانیت در همه‌ی ادوار تاریخ پناهگاه و یار و یاور مردم بوده‌اند باید مراقبت کنیم، فاصله بین مردم و روحانیت نیفتد به خصوص بین قشر تحصیل‌کرده که افکار جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد... خدا نکند روزی که استعمارگران به فکر جدایی بین روحانیت و مردم باشند؛ زیرا در مشروطه هم همین اتفاق افتاد.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۲۹ آذر ماه در دیدار جمعی از استادان و اعضای «هیأت علمی دانشگاه‌ها» و «مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم» که به مناسبت هفته‌ی وحدت حوزه و دانشگاه انجام شد، با اشاره به الگوگیری آزادگان جهان از قیام عاشورا و امام حسین‌علیه‌السلام، وحدت حوزه و دانشگاه را از آرزوهای دیرین حضرت امام‌رحمه‌الله و سایر انقلابیون خواند و گفت:

منطق و مبانی محکم دین اسلام این جسارت را به حاملان و نمایندگان آن که روحانیون بودند می‌داد که با جرأت و استحکام در دانشگاه‌ها حضور یافته و در برابر مکاتب و تفکرات گوناگون، اسلام صحیح و راهگشا را ارائه دهند.[۳]

وی شهدای گران‌قدر حوزه و دانشگاه همچون دکتر مفتح، استاد مطهری، دکتر بهشتی و دکتر باهنر را پل‌هایی میان حوزه و دانشگاه در دوران طاغوت خواند و با اشاره به نقش بسیار مؤثر آنان در تبیین اسلام گفت:

با پیروزی انقلاب و شکل‌گیری نظام اسلامی، در میان دانشگاهیان و نخبگان سؤالات گوناگونی در مورد چگونگی هم‌خوانی اسلام با نیازهای دنیای امروز به وجود می‌آمد که متفکرین حوزه با حضور در دانشگاه این سؤالات را به خوبی پاسخ می‌دادند.

---

۱. همان؛ ۳۰ مهر ۸۸

۲. خبرگزاری *ایلنا*؛ ۱۲ آذر ۸۸، کد خبر : ۹۳۷۴۹

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۳۰ آذر ۸۸

او اقدام منافقین برای حذف پل‌های مؤثر میان حوزه و دانشگاه را محصول پیشرفت اسلام و دین در دانشگاه‌ها خواند و گفت:

دشمنان اسلام و به خصوص منافقین که موفقیت‌های افرادی نظیر بهشتی، مفتح، مطهری و باهنر را می‌دیدند رو به سوی حذف و ترور آنان آوردند.

وی فلسفه‌ی طرح ایده‌ی وحدت حوزه و دانشگاه را تعاطی افکار گوناگون و ایجاد موج آزاداندیشی در محافل علمی و حوزوی در ابتدای انقلاب خواند و گفت:

اگر وحدت این دو مرجع عظیم به درستی و با منطق صحیح و آزاداندیشی صورت گیرد حاصلش پیشرفت توأمان علم و دین و به تبع آن پیشرفت کشور خواهد بود.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۲ اسفند ماه نیز در دیدار جمعی از «ائمه‌ی جماعات مساجد تهران، شمیرانات و کرج»، هدف شیاطین داخلی و خارجی را تضعیف رابطه‌ی تاریخی روحانیت و مردم دانسته، وظیفه‌ی روحانیت در شرایط فعلی را حفظ رابطه با مردم و تلاش برای حفظ مهم‌ترین ویژگی نظام اسلامی که مردمی بودن است، عنوان کرد و گفت:

روحانیت در بدترین شرایط تاریخ ایران همیشه حامی و پناه مردم بوده و تضعیف این رابطه خواست شیاطین داخلی و خارجی است که مقابله با آن هوشیاری می‌طلبد.[2]

۳. خطر تکرار مشروطه

از دیگر اموری که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۸۸ نسبت به وقوع آن هشدار داد، خطر تکرار مشروطه بود. وی در تاریخ ۱۲ آذر ماه در جوار بارگاه امام رضا علیه‌السلام با خطیر دانستن وظیفه‌ی روحانیت در برابر مردم گفت:

خدا نکند روزی که استعمارگران به فکر جدایی بین روحانیت و مردم باشند؛ زیرا در مشروطه هم همین اتفاق افتاد.[3]

---

۱. همان

۲. همان؛ ۱۵ اسفند ۸۸

۳. خبرگزاری *ایلنا*؛ ۱۲ آذر ۸۸، کد خبر : ۹۳۷۴۹

وی همچنین در تاریخ ۶ اسفند ماه در مراسم تجدید بیعت رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با امام و شهدا تأکید کرد:

نباید بگذاریم داستان مشروطه دوباره در کشور تکرار شود، البته دشمنان خارجی خیلی حرفه‌ای عمل می‌کنند و بعضی حرف‌هایی که می‌زنند نشان می‌دهد که از کارشناسان کارکشته‌ای استفاده می‌کنند که عمدتاً از ایران به خارج رفته‌اند یا فرار کردند و از تیپ‌های فرهنگی، سیاسی، اطلاعاتی و نظامی بودند که با ایران آشنایی و ارتباط دارند و مسائل را تحلیل می‌کنند. موج فتنه‌ی بزرگی علیه انقلاب، اسلام، ولایت و تقدّس روحانیت شروع شده که هیچ وقت نمی‌خواهد یک ذره هم کوتاه بیاید و ضعف‌های سیاسی و اقتصادی در داخل هم به یاری آنها می‌آید تا آنها را به گذشته مربوط کند. فکر می‌کنم، ما بقایای نیروهای پیشتاز انقلاب به اضافه‌ی نسل بعدی که به دلیل رشد در فضای انقلاب بهتر هستند، وظیفه سنگینی داریم.[1]

وی در ادامه با بیان این‌که «دشمن حرفه‌ای عمل می‌کند و ما هم باید میدان را با حرفه‌ی اطلاع‌رسانی درست تقویت کنیم»، ابراز امیدواری کرد:

ان‌شاءالله وظیفه‌ای را که برعهده داریم بتوانیم انجام دهیم و از مسئولیت سنگین، شانه خالی نکنیم، در غیر این صورت اگر این میراث را درست به نسل بعدی نسپاریم، نمی‌دانیم پیش خدا چه جوابی بدهیم.[2]

وی در تاریخ ۱۲ اسفند ماه در دیدار جمعی از «ائمه‌ی جماعات مساجد تهران، شمیرانات و کرج»، در پاسخ به پرسشی، تکرار حوادث مشروطه در کشور را یک خطر واقعی عنوان کرد و گفت:

خطر این است که امروز عده‌ای با ادعای حمایت از اسلام، انقلاب و دفاع از نظام در حال توطئه بر ضد جمهوری اسلامی هستند.[3]

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۸ اسفند ۸۸

۲. همان

۳. همان؛ ۱۵ اسفند ۸۸

۴. لزوم جلوگیری از گسترش دامنه‌ی اعتراضات به برخی اقشار خاص

از دیگر هشدارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در جریان حوادث پس از انتخابات اعلام نگرانی وی از کشیده شدن دامنه‌ی اعتراضات به برخی اقشار و صنوف خاص در صورت عدم برخورد منطقی با معترضان بود.

وی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد، گفت:

> باید درگیری‌های میدانی در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها را تمام کنیم. این روزها می‌بینیم که هر وقت مسئولی وارد دانشگاهی می‌شود، دانشجویان این طرف و آن طرف نمی‌گذارند، آن مسئول صحبت کند و حرفش را بزنند، با هم دعوا می‌کنند و علیه هم شعار می‌دهند. این حالت که مسأله را حل نمی‌کند. چند شعار علیه همدیگر می‌دهند که کینه‌ها را بیشتر و دل‌ها را از هم دور می‌کند. در این شرایط مسأله به هیچ وجه حل نمی‌شود. یا در خیابان‌ها جمع شوند و این طرفی‌ها شعار بدهند و آن طرفی‌ها بزنند و به همدیگر اهانت کنند. واقعاً چگونه و کی حل می‌شود؟ در این شرایط باید یک طرف از پا در بیاید که معلوم است هیچ طرف از پا در نمی‌آید. حکومت همه چیز را در دست دارد، پول، نیرو و رسانه دارد و بالاخره کسانی را دارد که در مواقع لزوم در خیابان‌ها جمع شوند. بسیج و سپاه را هم دارد که خودشان از متن مردم برخاسته‌اند. در آن طرف هم عده‌ی زیادی از مردم هستند. دانشجو، دانش‌آموز، استاد، معلم، مدیر، کارگر، کاسب، زن و مرد و... که بعضی‌ها ساکت و بعضی‌ها فعال هستند. این‌گونه که به جایی نمی‌رسیم. تنها راه‌کاری که به منطق برسیم، این است که درگیری‌های خیابانی و زد و خوردهای داخل دانشگاه‌ها را کم کنیم. می‌ترسم به تدریج این مسایل به نوجوانان ما در مدارس یا به کارگران در کارخانه و واحدهای تولیدی برسد... واقعاً الآن نمی‌توان جامعه را با سرکوب اداره کرد. جامعه‌ای که سه تا چهار میلیون دانشجو و میلیون‌ها فارغ‌التحصیل دارد. خانم‌ها که تا به حال در منازل بودند و میدان مبارزه نداشتند، امروز دارند اکثریت دانشگاه‌ها را می‌گیرند. اینها که به دانشگاه آمدند، خیلی راحت‌تر و آزادتر مبارزه می‌کنند. چون مسئولیت‌هایی

را که آقایان دارند، در زندگی خود کمتر دارنـد. مراعـات آنهـا هـم از طـرف نیروهای امنیتی بیشتر است. چون هیچ‌کس ـ جز عده ای خیلی افراطـی ـــ در جامعه‌ی ما حاضر نیست با خانم‌ها با خشونت رفتار کند. اگر مبارزه، میدانی، خیابانی و شعاری شود و خانم‌ها هم حضور داشته باشند، می‌دانیم کـه وضـع چگونه می‌شود.[1]

۱. همان؛ ۲۵ آذر ۱۳۸۸

راه‌کارها

با توجه به مجموعه‌ی ویژگی‌ها، عملکردها و اقدامات گروه‌های درگیر در سال ۱۳۸۸ و نوع عمل‌کرد آنها، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این سال راه‌کارهایی را برای برون رفت از مشکلات و شرایط نامطلوب کشور در آن مقطع ارائه کرد.

وی در تاریخ ۲۶ تیرماه در خطبه‌ی نمازجمعه‌ی تهران درباره‌ی هدف خود از بیان این راه‌کارها گفت:

> ان‌شاءالله راه‌کاری، راه علاجی برای شرایطی که امروز در آن زندگی می‌کنیم عرض می‌کنم. البته اینها نظر خودم خواهد بود. امیدوارم که بقیه‌ی مسئولین هم روی همین مسئله فکر بکنند و راهی پیدا بشود که ما با همان ابهت، وحدت و همدلی که آغاز کردیم و پیروز شدیم و تا اینجا رسیدیم آینده را هم بتوانیم برای نسل‌های بعدی هم ترسیم بکنیم و بپیماییم... برادران من! خواهران من! و همه‌ی جریان‌ها! بنده را شما اولاً می‌شناسید. من هیچ‌وقت از این تریبون نخواسته‌ام جناحی استفاده کنم و همیشه فراجناحی حرف زده‌ام و من نظر به هیچ طرف الآن ندارم ولی نظرم این است که همه‌ی ماها باید فکر کنیم و راهی پیدا کنیم که متحد، هم کشورمان را به پیش ببریم و هم از این آثار بد و خطرناکی که در کینه‌هایی که دارد بروز می‌کند، از این نجات پیدا کنیم و هم دشمنانمان را مأیوس کنیم که چشم طمع به ما نبندند. چه کار باید بکنیم تا این اتفاق بیافتد؟ چند تا پیشنهاد به ذهن من می‌رسد که البته این پیشنهادها را با جمعی از خبرگان و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام که به فکرشان من اعتماد دارم، مطرح کردم و به این‌جا رسیدیم و من اینها را به عنوان راه حل عرض می‌کنم. شاید

دیگران هم بپذیرند و عمل کنند و إن‌شاءالله که با اخلاص.
مسأله‌ی مهم ما این است که آن اعتمادی که مردم را بـا آن وسعت وارد میدان کرد و امروز یک مقدار مخدوش شده، ما این اعتماد را برگردانیم و این هدفِ مقدسِ ما باید باشد و این اعتماد باید برگردد... ما همه عضو یک خانواده هستیم و همه آسیب دیده در راه انقلاب هستیم و همه جزو کسانی هستیم که در این جهاد طولانی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری کردیم و همه‌ی ما شهید در گلزارهای شهدا داریم. همه‌ی ما جانباز در منزل خودمان داریم. چرا باید یک جوری باشد که دیگران از راه‌های دور بیایند و برای ما نسخه بپیچند؟ ما خودمان هستیم. یعنی ما این‌قدر عاقل نیستیم؟! ما این مبانی را نداریم؟! ما تجربه‌ی سی سال اداره‌ی کشور را نداریم؟!...
من امیدوارم این خطبه‌ی نمازجمعه شروع یک تحولی در آینده باشد و بتوانیم از این مشکلی که متأسفانه می‌شود اسم بحران روی آن گذاشت به خوبی عبور کنیم و دوباره شاهد همدلی و هم‌رزمی و همراهی و رقابت سالم [باشیم].[1]

وی همچنین در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در دیدار هیأت رییسه و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری گفت:

علاج هر واقعه‌ای را باید با شناخت عوامل آن جست و جو کرد و با درایت، هوشیاری و آگاهی و با شیوه‌های اصولی و منطقی با آن برخورد کرد.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی علی‌رغم آن‌که مهم‌ترین راه‌کارهای خود برای عبور از شرایط نامطلوب کشور را در تاریخ ۲۶ تیر ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران بیان کرده بود اما پس از آن، در چند نوبت اعلام کرد که ممکن است این راه‌کارها دارای زوائد و نواقصی نیز بوده باشد که می‌توان به اصلاح و یا تکمیل آنها پرداخت.

وی ابتدا در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد، راه‌کارهای خود را مستند به تجربیات ۵۰ ساله‌ی خویش در دوران مبارزه و اداره‌ی کشور دانسته[3]، در پاسخ به پرسش یکی از

---

۱. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸*، ۲۶ تیر ۱۳۸۸
۲. روزنامه *جمهوری اسلامی* ؛ ۲ مهر ۸۸
۳. وی در این باره گفت: «از آن تاریخ که درگیری‌ها شدید و خونین و بازداشت‌ها زیاد شده بود، باتجربه‌ی ۵۰ ساله‌ام در مبارزه و اداره‌ی کشور گفتم...» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ آذر ۸۸)

دانشجویان درباره‌ی اهمیت حفظ نظام گفت:

در مورد اهمیت حفظ نظام با شما موافقم، اما راه حفظ، این کارهایی که این روزها انجام می‌شود نیست؛ به نظرم راه‌کار همان است که گفتم. البته مدعی نیستم حرف و راه‌کار من بی‌اشکال است؛ بلکه معتقدم با مشورت باید تکمیل شود.[1]

وی همچنین در بخش دیگری از این سخنان، ضمن بیان این مطلب که «هنوز هم محکم روی عقیده‌ام هستم»[2] به راه‌کارهای بیان شده از سوی خویش اشاره کرده، گفت:

مگر این‌که کسی اثبات کند که این راه‌کارها جواب نمی‌دهد که یا قانع می‌شوم و یا جواب می‌دهم.[3]

وی در تاریخ سوم بهمن‌ماه نیز در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه»، گفت:

در شرایط امروز برای برون‌رفت از وضعیت فعلی راه‌حل‌هایی را که با توجه به تجربیاتم به ذهنم می‌رسید در خطبه نمازجمعه مطرح کرده‌ام و هنوز نیز در کلیات به آن معتقدم هرچند که ممکن است نواقص و زوایدی داشته باشد.[4]

وی همچنین در برخی از سخنان خود به توضیح و یا تکمیل راه‌کارهای بیان شده در نمازجمعه‌ی تهران پرداخت. ما مجموعه‌ی این راه‌کارها را به هجده مورد تقسیم کرده، به تبیین آنها می‌پردازیم.

۱. تمسک به اسلام، رعایت تقوا و اخلاق اسلامی

رعایت تقوا از سوی فعالان جریان‌های مختلف سیاسی از جمله راه‌کارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود. وی حتی پیش از برگزاری انتخابات بر لزوم رعایت اخلاق اسلامی به عنوان عاملی جهت حفظ سلامت جامعه تأکید داشت. به عنوان نمونه او در تاریخ سوم اردیبهشت ماه در دیدار «شورای مرکزی خانه‌ی احزاب ایران» گفت:

---

۱. همان؛ ۲۵ آذر ۸۸

۲. هاشمی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود در این جلسه گفت: «الآن هم که حدود سه ماه از آن خطبه می‌گذرد، هنوز غیر از همان راه‌کاری که آن روز رسیده بودم، نمی‌بینم.» (همان)

۳. همان

۴. همان؛ ۴ بهمن ۸۸

همه باید تلاش کنند تا بدون توسل به حربه‌های غیراخلاقی از قبیل تخریب، تهمت و دروغ، فضای سالمی را برای فعالیت ایجاد کنند.[۱]

وی در تاریخ ۴ اردیبهشت نیز در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران گفت:

اینها [کاندیداها، احزاب و طرفداران‌شان] باید اخلاق و ادب اسلامی را مراعات کنند.[۲]

وی در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه در دیدار جمعی از اعضای «ائتلاف مردمی حامیان میرحسین موسوی» نیز تخریب، بداخلاقی انتخاباتی، استفاده از امکانات عمومی و شیوه‌های نادرست تبلیغاتی را نشانه‌های زشت انتخابات خواند و گفت:

کسانی که به این شیوه‌ها متوسل می‌شوند اهدافی نامقدس دارند.[۳]

وی در تاریخ ۱۷ خرداد ماه در دیدار جمعی از «جوانان و دانشجویان مستقل حامی هاشمی»، روند انتخابات را جدای از بداخلاقی‌ها، صحنه‌ای مبارک دانست و گفت:

در انتخابات پیش‌رو تمام سلایق به نوعی در نامزدهای موجود حضور دارند و اگر مراعات اخلاق اسلامی و انسانی شود، حضور گسترده‌ی مردم نتایج مبارکی را برای نظام و کشور به همراه خواهد داشت.[۴]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری نیز در تاریخ ۲۹ مهر ماه در دیدار «جمعی از فضلا و مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم»، اعلام کرد:

در حال حاضر تمسک به اسلام... می‌تواند بسیاری از معضلات و مشکلات پیش آمده را به خوبی برطرف نماید.[۵]

وی در تاریخ ۶ بهمن‌ماه در دیدار جمعی از «استادان علوم سیاسی دانشگاه‌های قم»، همگان به‌ویژه فعالان عرصه‌ی سیاست را به رعایت اخلاق و تقوا دعوت کرد و گفت:

رعایت نکات اخلاقی، توصیه‌های اسلام و نحوه‌ی عملکرد ائمه علیهم‌السلام در برخورد با مسائل جامعه و مردم می‌تواند نظام اسلامی را به عنوان الگوی جهانی مطرح سازد.[۶]

---

۱. همان؛ ۵ اردیبهشت ۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۱۴ اردیبهشت ۸۸
۴. همان؛ ۱۸ خرداد ۸۸
۵. همان؛ ۳۰ مهر ۸۸
۶. همان؛ ۷ بهمن ۸۸

وی در تاریخ ۱۱ اسفند ماه نیز در نطق افتتاحیه‌ی همایش بین‌المللی کنفرانس وحدت اسلامی با هشدار نسبت به این‌که موج فتنه را در منطقه می‌بینم که از اختلافات عمدتاً سیاسی سرچشمه می‌گیرد، گفت:

اشکال عمده‌ی این اختلافات در اخلاق است و لذا اخلاقیون باید به داد بشریت برسند.[1]

۲. عمل به رهنمودهای مقام معظم رهبری

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در طول سال ۱۳۸۸ ضمن تأکید بر برخی مواضع مقام معظم رهبری، یکی از راه‌های عبور موفق از شرایط آن سال را عمل به این مواضع می‌دانست.

وی از پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بر لزوم رعایت این مواضع تأکید داشت. وی ابتدا در تاریخ ۷ فروردین ماه در اولین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی تهران به بیانات رهبر معظم انقلاب در مشهد مقدس راجع به انتخابات ریاست جمهوری اشاره کرده، گفت:

خوشبختانه رهبر معظم انقلاب هم در پیام نوروزی‌شان و هم در صحبت‌هایی که در مشهد داشتند، چیزهای مهمی که مردم و مسئولان باید توجه کنند در صحبت‌های کوتاهشان گنجاندند. من دو سه نکته را از مطالب فراوانی که ایشان از مطالب فراوانشان فرمودند، توضیح می‌دهم که چقدر اهمیت دارد و ضمن تشکر از ایشان به خاطر اظهارات تاریخی که کردند چند نکته را می‌گویم:

یکی از مطالبی که ایشان فرمودند درباره‌ی الگوی مصرف بود و اصلاح الگوی مصرف را خواستند[2] که البته این همان مسأله‌ی اصلی است که الآن در

---

۱. همان؛ ۱۲ اسفند ۸۸

۲. مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خود، سال ۱۳۸۸ را سال اصلاح الگوی مصرف نامیدند. ایشان در قسمتی از پیام خویش فرمودند:

«ما در زمینه‌ی مصرف، در زمینه‌ی هزینه کردن منابع مالی کشور که به وسیله‌ی خود ما و به وسیله‌ی همه‌ی برادران هم‌میهن ما و به وسیله‌ی مسئولین کشور با زحمت زیاد به وجود می‌آید، دچار نوعی بی‌توجهی هستیم، که بایستی این را تبدیل کنیم به یک توجه و اهتمام خاص. ما دچار اسراف هستیم، ما دچار ولخرجی و ولنگاری در مصرف هستیم؛ این را من در اول سال، انشاءالله در سخنرانی، با جزییات آن برای مردم عزیزمان توضیح خواهم داد. اما امروز فقط اجمالاً عرض می‌کنم؛ بسیاری از منابع کشور، شاید بشود گفت بخش مهمی از منابع کشور در همه‌ی زمینه‌ها ـ چه در زمینه‌ی مسائل شخصی، و چه تا حدودی در

کشور است. بحثی که بین مجلس و دولت بود، بحثی که در یارانه‌ها هست و بحث‌های دیگری که این روزها در بودجه و برنامه‌ی پنجم نوشته شده، هست. ایشان این موضوعات را مطرح کردند به عنوان کار مهمی که امسال باید انجام شود [این است که] مواظب باشیم الگوی مصرف‌مان درست باشد. الگوی مصرف ما [در حال حاضر] درست نیست. بیشتر آن هم در بخش انرژی است. مصرف انرژی که امروز یک منبع بزرگ مالی ماست در کشور ما [همراه] با قسط و عدل و عادلانه و مدبرانه نیست. اولاً اسراف بسیار زیاد است. مصرف بی‌حد وجود دارد. ما در مقابل کشورهایی که چندین برابر ما جمعیت دارند از آنها بیشتر مصرف انرژی داریم. چند برابر بیشتر داریم. این اسراف هم معلوم است برای طبقات پایین نیست. طبقات پایین نه ماشین دارند نه خانه‌ی بزرگی دارند، نه مصارف عمده دارند. مخاطب بحث ما بیشتر کسانی هستند که مصرف زیاد دارند. هم مصرف آب، برق، بنزین، گازوئیل، مازوت و از این نوع اسراف است. نظر رهبری به این مسایل است که اینها باید مصرف عاقلانه پیدا کنند. ضمن این که مواظب باشیم مردمی که اسراف نمی‌کنند، آسیب نبینند. حق مردمِ ضعیف باید محفوظ باشد.

زمینه‌های عمومی ـ صرف اسراف‌ها و زیاده‌روی‌های ما در مصرف می‌شود. ما بایستی مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم. مصرف نه فقط از نظر اسلام، بلکه از نظر همه‌ی عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوی و هوس، با خواهش دل و آنچه که نفس انسان از انسان مطالبه می‌کند، نمی‌شود مصرف را مدیریت کرد. کار به جایی می‌رسد که منابع کشور به هدر می‌رود، شکاف بین فقرا و اغنیاء زیاد می‌شود، عده‌ای در حسرت اوّلیات زندگی می‌مانند و عده‌ای با ولخرجی و ولنگاری در مصرف، منابع را هرز و به هدر می‌دهند. ما بایستی الگوی مصرف را اصلاح کنیم. ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه‌ی اول ـ چه قوه‌ی مقننه، چه قوه‌ی مجریه، و چه سایر مسئولین کشور؛ قوه‌ی قضاییه و غیر آنها ـ و اشخاص و شخصیت‌ها در رتبه‌های مختلف اجتماعی، و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کنند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند. اینجور مصرف کردن در همه‌ی زمینه‌ها ـ در امور ضروری زندگی، در زیادی‌های زندگی ـ مصرف کردن بی‌رویه و بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ماست. من از عموم مردم و بخصوص از مسئولین درخواست می‌کنم، خواهش می‌کنم که در این زمینه فعالیت خودشان را در این سال زیاد کنند، افزایش بدهند و برای اصلاح الگوی مصرف برنامه‌ریزی کنند. لذا من این سال را، سال حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف می‌دانم و امیدوارم که این عنوان ـ که «اصلاح الگوی مصرف» است ـ برای همه‌ی ما دستورالعمل باشد و همه‌ی ما بتوانیم برطبق این شعار مهم و حیاتی و اساسی برای کشور عمل کنیم و از منابع کشورمان به بهترین وجهی استفاده نماییم.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱ فروردین ۸۸)

تأکید می‌کنم که برای این کار بزرگ، دانشمندان، متخصصان باید تلاش کنند. مجلس و دولت باید نهایت همکاری را داشته باشند. ما به عنوان ناظر این سیاست‌ها و مردم هم به عنوان صاحب این سیاست‌ها باید پی‌گیر باشند.

مسأله‌ی دوم که رهبری اشاره کردند و صریح هم فرمودند، بحث انتخابات بود. [این] مسأله‌ی داغ امروز ماست و ایشان دو سه نکته‌ی خیلی مهمی را گفتند.

اولاً؛ تأکید زیاد کردند که انتخابات چیزی است که حق مردم است و مردم صاحب این انتخابات هستند و رأی مردم برای جامعه‌ی ما مهم است و اشاره داشتند که ما قدرت‌مان را، صلابت‌مان را، پیروزی‌مان را و مقاومت‌مان را از حضور مردم گرفتیم.[1] این مردم اگر ایمان نداشته باشند، حضور پیدا نمی‌کنند. قبول نداشته باشند، ضعیف حرکت می‌کنند و تبلورش هم در انتخابات است. در انتخابات است که رأی می‌دهند و رأی خودشان را در ساختار جامعه می‌بینند. بنابر این انتخابات را باید به گونه‌ای برگزار کنیم که مردم با حضور انبوهی در انتخابات شرکت کنند و اطمینان به این داشته باشند که همان رأیی را که می‌دهند اثر خودش را می‌گذارد و توقعی هم ندارند که اگر رأیشان در اقلیت بود گله بکنند.

تأکید رهبری بود که انتخابات را مسئولان باید به طرز صحیح برگزار کنند. این خواسته‌ی همه مردم است. تردیدی نیست که مردم ما خواستار انتخابات صحیح هستند. کسی انتخابات مغلوق را نمی‌خواهد و رهبری هم بر این نکته تأکید کردند.[2]

نکته‌ی دیگری که در حرف‌های ایشان مهم بود و به شایعات زیادی پایان داد و آن این بود که گفتند من به هیچ‌کس در انتخابات قانونی که باید انجام شود، حمایت نمی‌کنم. یک رأی دارم و این رأی را به هر کسی که ترجیح بدهم به او می‌دهم.[3] بنابر این به حساب ایشان نباید گذاشته شود که ایشان از کسی حمایت می‌کنند و از کسی حمایت نمی‌کنند. این قانون است. قانون اگر صلاحیت افراد را تأیید کرد، وارد رقابت می‌شوند و حقی هم دارند و این حق را باید مجریان و ناظران فراهم کنند. این صراحتی که رهبری داشتند دیگر جای نگرانی نیست و الآن وظیفه‌ی احزاب و نخبگان و رسانه‌ها و مردم این است که تدارک یک انتخابات پرشوری را ببینند و ان‌شاءالله پشتوانه‌ی عظیمی برای

---

۱. به پاورقی شماره ۱ از صفحه ۳۷ مراجعه کنید
۲. به پاورقی شماره ۱ از صفحه ۳۸ مراجعه کنید
۳. به پاورقی شماره ۱ از صفحه ۱۳۰ مراجعه کنید

شرایط بحرانی جهان با انتخابات خوب و پرشور تأمین بکنند. ان‌شاءالله.

مسأله‌ی سومی که ایشان پرداختند مسأله‌ی آمریکا بود. [رییس جمهور آمریکا] پیامی ویدئویی و نه رسمی و با ارسال، صادر کرد که بخش عمده‌ی آن مربوط به ایران بود. اظهار تمایل کرد که با ایران حرف بزند ولی کلماتی در آن صحبت‌ها بود که دم خروس بود که از زیر ردا بیرون آمده بود. لزومی نداشت.

بحث تروریسم را مطرح کردند بحث سلاح و سلاح هسته‌ای و موشکی را مطرح کردند اینها باید در مذاکره بحث شود. رهبری خوب جواب دادند. گفتند ما تا اینجا تغییری در حرکات و عمل آمریکا نمی‌بینیم.[1] همان وضع سابق است منتهی با ادبیات متفاوت. این حرف کاملاً درست است. حرف امام هم همین بود. حرف همه‌ی ما در طول این ۳۰ سال همین بوده. یادتان هست امام در اوایل انقلاب فرمودند اگر آمریکا آدم شود ما با او مذاکره می‌کنیم.[2] منظور این بود که رویه‌ی انسانی پیش بگیرد. حالت استکباری و زورگویی نداشته باشد.

این حرف رهبری و آن حرف امام یک چیز است. تغییری که باید اتفاق بیفتد این است. مسأله‌ی دوم این است که آمریکا باید حسن نیت نشان بدهد. آمریکا الآن ۴۰، ۵۰ سال است که دارد به ایران ظلم می‌کند. قبل از انقلاب بعد از انقلاب ظلم کرده؛ آمریکا باید در عمل حسن نیت نشان بدهد. حسن نیت آمریکا این است که اموال مسدود شده‌ی ما را آزاد کند. ایشان فرمودند ما در آمریکا تغییری نمی‌بینیم. تغییر باید در عمل انجام شود. موضع آمریکا موضع جدید نیست.

موضع ما از اول انقلاب این بوده. تبلیغات هم شده است. همه حرف رهبری را می‌گویند. ملت ما هم حرف رهبری را می‌زند. در مسایل جهانی اگر آنها مرتکب خطایی بشوند، ما مخالفت می‌کنیم؛ نظرمان را می‌گوییم. موضع ما را رهبری روشن کردند و همه باید متفق باشیم.[3]

وی در تاریخ ۱۸ فروردین ماه در دیدار دکتر محسن رضایی (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام) و دبیران کمیسیون‌های این مجمع، آمادگی مجمع تشخیص مصلحت

---

۱. به پاورقی شماره ۱ از صفحه ۱۳۱ مراجعه کنید
۲. خمینی، روح‌الله؛ *صحیفه امام*؛ پیشین، ج ۱۹، ص ۹۵
۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۹ فروردین ۸۸

نظام در سال جاری برای همکاری کامل با دولت، مجلس، قوه‌ی قضاییه و سایر دستگاه‌ها و نهادها برای پیشبرد امور کشور در جهت منویات مقام معظم رهبری به ویژه اصلاح الگوی مصرف را اعلام داشت.[۱]

وی در تاریخ ۴ اردیبهشت بار دیگر در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ضمن اشاره به سخنان مقام معظم رهبری گفت:

در این دو ماه آینده باید کار بسیار بزرگی بکنیم. من باز تکیه می‌کنم روی صحبت‌های مقام معظم رهبری که حقیقتاً آرامش خاطری داد به توده‌ی مردم و نخبگان که این انتخابات دو سه نکته در آن هست که باید مراعات بشود. چیزی که مربوط به مسئولان است سلامت انتخابات است. سلامت انتخابات باید برای مردم مشخص شود. مردم با خیال راحت باید بروند پای صندوق‌های رأی.

دوم مربوط به کاندیداها و احزاب و طرفداران اینها است.[۲] اینها باید مراعات کنند اخلاق و ادب اسلامی را و سعی کنند با محوریت قانون هم حرفشان را بزنند. افکار عمومی بهترین پایگاه تداوم انقلاب است. ما باید پاسدار سلامت افکار عمومی باشیم. مردم را باید برای تصمیم درست آماده کنیم. نقطه‌ی درست این است که از مردم توقع داریم. توقع ملی، دینی و انقلابی ما از مردم این است که اهمیت این انتخابات را درک بکنند و اهمیت رأی خودشان را درک کنند. ما می‌توانیم بیش از ۴۰ میلیون رای در صندوق‌ها

---

۱. همان

۲. مقام معظم رهبری در تاریخ اول فروردین ماه ۸۸ در قسمتی از سخنان خود در جمع زائران بارگاه رضوی فرمودند:
«یک مطلب هم خطاب به نامزدهای محترمی که یا تا حالا اعلام حضور کرده‌اند یا بعد از این اعلام حضور خواهند کرد، عرض بکنم. کسانی که برای انتخابات خود را نامزد می‌کنند، بدانند که انتخابات یک وسیله‌ای است برای بالا بردن توان کشور، برای آبرومند کردن ملت؛ انتخابات فقط ابزاری برای قدرت‌طلبی نیست. اگر بناست این انتخابات برای اقتدار ملت ایران باشد، پس نامزدها بایستی به این اهمیت بدهند و این را در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان و در حضورشان رعایت کنند. مبادا نامزدها در اثنای فعالیت‌های انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. رقابت‌ها را منصفانه کنند، حرف‌ها را منصفانه کنند، از جاده‌ی انصاف خارج نشوند. خب، به طور طبیعی هر نامزدی حرفی دارد و حرف مقابل خود را رد می‌کند؛ این رد و ایراد فی‌نفسه اشکالی ندارد؛ اما مشروط بر این‌که تویش بی‌انصافی نباشد، کتمان حقیقت نباشد. میدان برای همه باز است؛ بیایند در میدان انتخابات خود را بر مردم عرضه کنند. اختیار با مردم است؛ مردم هر جوری که فهمیدند، تشخیص دادند، هشیاری آنها به آنها کمک کرد، ان‌شاءالله همان جور عمل خواهند کرد.»
(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱ فروردین ۸۸)

بریزیم. اگر کمتر بریزیم نشان بی‌تفاوتی است. بی‌تفاوتی مردم ضرر دارد هم برای کشور هم برای انقلاب و هم برای خودشان. مردم سرنوشت خود و فرزندانشان را نمی‌توانند ندیده بگیرند. قهر کردن از صندوق رأی جز ضرر برای خود مردم ندارد. اگرمردم نروند پای صندوق‌ها بالاخره از صندوق کسی در می‌آید. وقتی توده‌ی مردم نیایند اقلیتی رأی می‌دهند و یکی در می‌آید. این به نفع هیچ‌کس نیست. اعتبار نظام هم مخدوش می‌شود. مردم احساس وظیفه کنند، رأی بدهند. الآن فضای انتخابات رقابتی است. من فکر می‌کنم با تأکیدی که [از طرف مقام معظم رهبری] شد مسأله‌ی سلامت انتخابات تضمین است. اگر بتوانیم انتخابات نیرومندی برگزار کنیم برای چند سال آینده‌ی نظام و کشورمان را بیمه کرده‌ایم.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در اولین روز از خرداد ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ضمن اشاره به سفر مقام معظم رهبری به کردستان، گفت:

مسأله‌ی دیگر ما سفر مقام معظم رهبری است به کردستان که واقعاً سفر سازنده و مهمی بود و آثار بابرکتی را برای انقلاب و ایران و جهان اسلام خواهد داشت.

اولاً؛ باید از مردم کردستان تشکر کنیم که آن‌گونه که شایسته‌ی حضور رهبری در بین آنها بود عمل کردند و سنگ تمام گذاشتند که این دلیلی می‌شود بر این‌که مردم کردستان علی‌رغم بمباران‌های فراوان منفی، همچنان صفای باطن و وفای به انقلاب و روحیات انسانی و اسلامی و فرهنگی‌شان و اصالت‌شان محفوظ است.

ثانیاً؛ رهبری در این سفر مطالب و مسایل مهمی فرمودند. همه‌ی آنها را شما شنیده‌اید و بحث آن هم ادامه دارد. دو نکته‌ی آنها خیلی مهم است برای تاریخ ما، اسلام ما و ملت ما. این موضوع، این تکیه‌ی ایشان است بر روی مسأله‌ی وحدت. هم وحدت نیروهای داخلی و هم وحدت شیعه و سنی.[2] امروز بلای

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ اردیبهشت ۸۸

۲. مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه ۸۸ در جمع مردم کردستان فرمودند:

«شما نگاه کنید ببینید آن کسانی که می‌خواهند وحدت ملت ایران را به هم بزنند، کی‌ها هستند؟ بدانید که اینها عوامل دشمنند؛ یا خودشان از متن دشمن دارند حرف می‌زنند، یا سرانگشت دشمنند؛ برو برگرد ندارد. آن کسی که ندای تفرقه‌ی بین شیعه و سنی را سر می‌دهد و به بهانه‌ی مذهب، می‌خواهد وحدت ملی را به هم بزند، چه شیعه باشد و چه سنی، مزدور دشمن است؛ چه بداند، چه نداند. گاهی بعضی‌ها مزدور دشمنند و خودشان نمی‌دانند. خیلی از این مردم بیچاره‌ی بی‌خبر سلفی و وهّابی که بوسیله‌ی دلارهای نفتی تغذیه می‌شوند تا بروند در اینجا و آنجا عمل‌های تروریستی انجام بدهند ـ در عراق یک‌جور، در افغانستان

بزرگ در کل کشورهای دنیا این اختلافات مذهبی است. نیروهای ما دارد هدر می‌رود. کینه‌توزی‌ها را زیاد می‌کند. انسان‌ها را مبتلا می‌کند به گناهان کبیره. آنهایی که دچار افراط و تفریط هستند. از قول ایشان این تعبیر که خط قرمزشان را اعلام کردند که اهانت افراد به فرقه‌های دیگر را حرام کردند و این را خط قرمز معرفی کردند باید خیلی روی این مسأله کار شود باید صدا و سیما و علما و تریبون‌ها، این مسأله را بیشتر باز کنند. حقیقتاً خط قرمز است.

این چون غیر از خسارت هیچ چیز در آن نیست. ممکن است وقتی یک آدمی تعبیر تندی نسبت به شخصیتی از شخصیت‌های مذهب مقابل می‌کند، بعضی از جهال خوشحال می‌شوند؛ دل‌شان قدری راحت می‌شود ولی این از آن

یک‌جور، در پاکستان یک‌جور، در نقاط دیگر یک‌جور ـ نمی‌دانند که مزدور دشمنند. آن مرد شیعی هم که می‌رود به مقدسات اهل سنت اهانت می‌کند و دشنام می‌دهد، او هم مزدور دشمن است، ولو نداند که چه می‌کند. من عرض می‌کنم: عوامل اصلی دشمنانند. بعضی از این سرانگشتان ـ هم در بین اهل سنت، هم در بین شیعه ـ غافلند، نمی‌دانند و نمی‌فهمند چکار می‌کنند؛ نمی‌دانند برای دشمن دارند کار می‌کنند. چند سال قبل از این، در منطقه‌ی کُردی، یک عالم روشن‌بین در نمازجمعه سخنرانی کرد. گمانم قسم خورد ـ این‌جور به ذهنم است، چون سال‌ها گذشته است ـ گفت والله آن کسانی که می‌آیند پیش شیعه، بغض و کینه‌ی سنی را در دل او وارد می‌کنند و می‌روند پیش سنی، بغض و کینه‌ی شیعه را در دل او وارد می‌کنند، اینها نه شیعه هستند، نه سنی؛ نه شیعه را دوست دارند، نه سنی را دوست دارند؛ با اسلام دشمنند. البته نمی‌دانند؛ خیلی‌هاشان نمی‌فهمند و این مایه‌ی تأسف است که چرا نمی‌فهمند. امروز این جماعت وهّابی و سلفی، شیعه را کافر می‌داند؛ سنی محب اهل‌بیت را هم کافر می‌داند؛ سنی پیرو طریقه‌های عرفانی و قادری را هم کافر می‌داند! این فکر غلط از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ همه‌ی مردم شیعه در سراسر دنیا، مردم سنی شافعی در شمال آفریقا، یا مالکی در کشورهای آفریقایی مرکزی ـ که اینها محب و دوستدار اهل‌بیتند؛ طریقه‌های عرفانی اینها به اهل بیت منتهی می‌شود ـ کافرند؛ چرا؟ چون به مرقد حسین بن علی در قاهره احترام می‌گذارند و مسجد رأس‌الحسین را مورد تقدیس قرار می‌دهند؛ به این جهت اینها کافرند! شیعه که کافر است؛ سنی سقّزی و سنندجی و مریوانی هم اگر با طریقه‌ی قادری یا نقش‌بندی ارتباط داشته باشد، او هم کافر است! این فکر، چه فکری است؟ چرا با این فکر غلط و شوم بین برادران مسلمان اختلاف ایجاد بشود؟ به آن شیعه‌ای هم که از روی نادانی و غفلت، یا گاهی از روی غرض ـ این را هم سراغ داریم و افرادی را هم از بین شیعیان می‌شناسیم که فقط مسئله‌شان مسئله‌ی نادانی نیست، بلکه مأموریت دارند برای این‌که ایجاد اختلاف کنند ـ به مقدسات اهل سنت اهانت می‌کند، عرض می‌کنم: رفتار هر دو گروه حرام شرعی است و خلاف قانونی است.

عزیزان من! همه‌ی ملت ایران! وحدتتان را قدر بدانید. این اتحاد برای این کشور، اتحاد بسیار پرشکوه و پربرکتی است. اتحاد را قدر بدانید، همدلی را قدر بدانید، هم‌کاری را قدر بدانید، همراهی دولت با ملت را قدر بدانید، مردم‌دوستی دولت را قدر بدانید. دولت هم ایمان مردم را، حماسه‌ی مردم را، شور و شوق جوانان را و روح ابتکار و فعالیت و کارآفرینی را در نسل‌های رو به رشد این کشور قدر بداند و از این نیروها استفاده کند که ان‌شاءالله همین جور هم خواهد شد.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۲ اردیبهشت ۸۸)

راحتی‌هایی است که دنبالش هزاران مصیبت می‌آید. خونریزی‌ها و اتلاف وقت‌ها و تشدیدها و...

البته وحدت داخلی هم همین‌طور است. ایشان اشاره کردند. ما در داخل وفاداران به انقلاب که اکثریت قاطع مردم هستند باید سعی کنیم اینها در مقابل هم حالت سعه‌ی صدر و تحمل همدیگر را داشته باشند. اختلاف نظر هم قابل قبول و منطقی است. خدا هم خواسته است. خدا اینجور ما را خلق کرده است که با تفاوت نظرها جامعه را تکامل بدهیم. اما این خواسته‌ی خدا نیست که به کینه و قتل و طرد همدیگر منجر بشود. ان‌شاءالله این نصایح ایشان عمل شود و حساب بیشتری باز شود.[1]

وی همچنین به نظر رهبری درباره‌ی حضور حداکثری مردم در انتخابات اشاره کرده، گفت:

نکته‌ی دیگری که ایشان مکرر تأکید کرده بودند در این صحبت‌هایشان و من هم یکی از عناوینی که قصد دارم درباره‌ی آن صحبت کنم، همین مسأله‌ی انتخابات است. ایشان مدت‌هاست که در کلیات انتخابات حرف‌های بسیار مهمی می‌زنند که درست از جایگاه رهبری است. اولاً این‌که انتظار دارند مردم با همه‌ی وجود و با ابهت و پرشور در انتخابات شرکت کنند[2] و این از

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲ خرداد ۸۸

۲. مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه ۸۸ در قسمتی از سخنان خود در جمع مردم سنندج فرمودند:
«انتخابات یکی از آزمون‌های بزرگ ملت ایران در مقابل چشم دشمنان است؛ به همین جهت روی انتخابات ما حساسند. از حدود یک سال پیش، دستگاه‌های تبلیغاتی دشمنان ملت ایران، با یک شیب ملایمی شروع کردند علیه این انتخابات حرف زدن و اقدام کردن و مطلب ساختن؛ دستگاه‌های امنیتی‌شان هم مشغول شدند به خبرگیری و گمانه‌زنی و پیشنهاد دادن. روی این انتخابات حساسند. امروز هم شما وقتی به خبرهای رسانه‌های گوناگون خارجی ـ که بسیاری از اینها دل پرکینه و پردشمنی‌ای نسبت به ملت ایران دارند ـ نگاه کنید، خواهید دید نسبت به انتخابات ما بی‌تفاوت نیستند و سعی می‌کنند اغراض خودشان را عمل کنند. این اغراض چیست؟ در درجه‌ی اول، هدفشان تعطیل شدن انتخابات است که انتخابات نباشد. در یک دوره‌ای سعی کردند انتخابات مجلس شورای اسلامی را به انواع و اقسام حیله‌ها متوقف کنند. خدای متعال نخواست و اراده‌ی مردان مؤمن نگذاشت؛ نتوانستند. از این مأیوسند که انتخابات را به کلی تعطیل کنند. در درجه‌ی بعد، هدفشان این است که انتخابات سبک و سرد برگزار بشود. می‌خواهند ملت ایران حضور فعالی در انتخابات نداشته باشد.
ملت عزیز ایران! من به شما عرض می‌کنم، درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان، همه‌ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. انتخابات آبروی ملی ماست؛ انتخابات یکی از شاخص‌های رشد ملی ماست؛ انتخابات وسیله‌ای برای عزت ملی است. وقتی ببینند که ملت ایران با شور و با شعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوق‌های رأی می‌روند، معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حق و توان تصمیم‌گیری قائل است؛ می‌خواهد در آینده‌ی کشور اثر بگذارد و مسئولان کشور و مدیران اصلی

مهم‌ترین خواسته‌های همه‌مان هست. من فکر می‌کنم روی این مسأله اجماع است... از این موقعیت استفاده کنید چون صلابت و ابهتی که رهبری از ما خواسته شکل بدهیم. حضور پیدا کنیم رأی‌مان را در صندوق بریزیم.[۱]

وی در تاریخ ۱۸ خرداد ماه در دیدار جمعی از علمای اهل سنت افغانستان نیز اتحاد شیعه و سنی را امری مهم برای جهان اسلام برشمرد و گفت:

رهبری معظم جمهوری اسلامی ایران در سفر اخیر خود به استان کردستان توهین هر کدام از این مذاهب به یکدیگر را خط قرمز نظام عنوان کرده و این موضع جمهوری اسلامی ایران است.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری و بروز اعتراضاتی نسبت به این نتایج، در تاریخ ۷ تیرماه در جمع خانواده‌های شهدای این روز، تدبیر رهبری معظم انقلاب در تمدید مهلت شورای نگهبان برای بررسی بیشتر مسائل و ادای توضیحات قانع‌کننده و ابهام‌زدایی از انتخابات[۳] را بسیار ارزشمند ذکر کرد و گفت:

این اقدام با ارزش مقام معظم رهبری برای جلب اعتماد و اطمینان مردم به روند انتخابات بسیار مؤثر است و امیدواریم دست‌اندرکاران این امر بتوانند به طور دقیق و با رعایت انصاف و عدل و با همکاری کاندیداها به اعتراضات قانونی به طور کامل رسیدگی کنند.[۴]

کشور را انتخاب کند. انتخاب رییس جمهور یعنی انتخاب رییس قوه‌ی مجریه و کسی که اغلب امکانات کشور در اختیار اوست. و می‌بینید اگر چنانچه رییس جمهوری شور و نشاط و شوق و اراده داشته باشد، چه خدمات بزرگی را برای این کشور انجام می‌دهد؛ می‌خواهند این نباشد. من عرض می‌کنم: همه باید اصرار داشته باشید که در انتخابات شرکت کنید. به نظر من مسئله‌ی اول در انتخابات، مسئله‌ی انتخاب این شخص یا آن شخص نیست؛ مسئله‌ی اول، مسئله‌ی حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم می‌کند، پایه‌های نظام را مستحکم می‌کند، آبروی ملت ایران را زیاد می‌کند، استقامت کشور را در مقابل دشمنی‌ها زیاد می‌کند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه و فساد و فتنه منصرف می‌کند. این یک مسئله‌ی بسیار مهم است؛ پس مسئله‌ی اول، شرکت در انتخابات است.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۲ اردیبهشت ۸۸)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲ خرداد ۸۸

۲. همان؛ ۱۹ خرداد ۸۸

۳. به پاورقی شماره ۳ از صفحه ۱۳۶ مراجعه کنید

۴. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۸ تیرماه ۸۸

وی همچنین در تاریخ ۲۶ تیر ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی خود با ابراز تأسف از عدم استفاده‌ی مناسب از فرصتی که رهبری به شورای نگهبان دادند، گفت:

متأسفانه از این فرصتی که رهبری انقلاب به شورای نگهبان دادند ـ پنج روز وقت اضافه دادند و گفتند که بروید عقلا و موجّهین را بیاورید، بررسی کنند و اعتماد مردم را جلب کنیم ـ استفاده‌ی خوبی نشد و من هم الآن نمی‌خواهم بگویم تقصیر کی بود که نشد، ولی نشد.[1]

وی در تاریخ ۳۱ مرداد ماه در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن اشاره به دستورات رهبری درباره‌ی درگیری‌ها و بازداشت‌ها، گفت:

می‌شود این تعارضات خیابانی را تبدیل کنیم به تعارضات منطقی و بحث در میدان رسانه، چه رسانه‌ی ملی و چه رسانه‌های دیگر. من یکی از پایه‌های این کار را عمل کردن به دستورات مقام معظم رهبری که اخیراً درباره‌ی حوادث و درگیری‌ها و بازداشت‌ها دادند[2] که اگر جامعه احساس کند هرکس در هر مقامی ملتزم به اجرای دستورات رهبری درباره‌ی این موضوع است، فضا تلطیف می‌شود. نیازی به توضیح این دستورات هم نیست. اگر آنهایی که تریبون دارند، از دامن زدن به کارهایی که تفرقه را زیاد می‌کند، خودداری کنند، راه برای این هدف باز می‌شود. اما اگر هر کسی بخواهد آخرین ضربه را بزند که تیتر شود در روزنامه‌ها، این عمل صالح نیست.[3]

وی با ابراز امیدواری نسبت به این‌که مجمع تشخیص مصلحت نظام با حضور شخصیت‌های مؤثر کشور بتواند در تحقق این مهم پیش‌قدم باشد، با خطاب قرار

---

۱. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸*، ۲۶ تیر ۱۳۸۸

۲. در بخشی از گزارش کمیته‌ی حقیقت یاب مجلس شورای اسلامی در این رابطه آمده است:

«مقام معظم رهبری پس از دریافت اولین گزارشات از ضرب و شتم و رفتارهای غیرانسانی در بازداشتگاه کهریزک به سرعت دستور انتقال زندانیان به مکان مناسب، تعطیلی زندان کهریزک، بررسی دقیق و همه جانبه‌ی مسائل به بوجود آمده و نهایتاً برخورد با عوامل و مسببان این حوادث را صادر فرموده‌اند و در پی این دستور کمیته‌ای نیز متشکل از نمایندگان سه قوه در دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی تشکیل شده است. تاکنون مقام معظم رهبری دستورات بسیاری را برای پی‌گیری و به نتیجه رساندن این مسئله با عنایت به گزارشات کمیته‌ی تشکیل شده در دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی صادر فرموده‌اند که عملاً مسیر را جهت به ثمر رساندن کار برای مسئولان فراهم آورده است.» (روزنامه *مردم‌سالاری*، ۲۱ دی ۸۸)

۳. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۳۱ مرداد ماه ۸۸

دادن صاحبان رسانه‌ها و تریبون‌های مختلف گفت:

صاحبان رسانه‌ها و تریبون‌های مختلف عملاً پایبندی خود را به دیدگاه وحدت محور رهبری اثبات نمایند.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در نطق افتتاحیه‌ی ششمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری، «مدارای حداکثری» و «برخورد حداقلی» با مخالفان «در چهارچوب قانون» را از محورهای مهم سخنان رهبری اعلام کرد[۲] و خواستار

---

۱. همان

۲. مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۰ شهریور ماه ۸۸ در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران فرمودند:
«البته کسی عقیده‌ای مخالف داشته باشد، کاری به کار نظام نداشته باشد، نظام با او کاری ندارد. بعضی رایج کرده‌اند: "دگراندیشان". نظام با دگراندیشان چگونه رفتار می‌کند؟ نظام با دگراندیشان کاری ندارد. این همه دگراندیش هست. دگراندیش سیاسی که بالاتر از دگراندیش دینی نیست. خب، ما اقلیت‌های دینی داریم که دگراندیشند، توی مجلس شورای اسلامی هم عضو دارند، در مناصب مختلف هم حضور دارند. بنابراین بحث دگراندیشی نیست؛ بحث مخالفت است، بحث معارضه است، بحث ضربه زدن است، در مقابل نظام و در مقابل انقلاب شمشیر کشیدن است. آنی که نظام با او برخورد می‌کند، این است. اما اگر اختلاف، اختلاف در سلایق است، در روش‌هاست، نه، این اختلافات مضر نیست؛ نافع هم هست.اشکالی ندارد که مسئولان کشور، متولیان امور کشور منتقدینی داشته باشند که ضعف‌های آنها را به خود آنها نشان بدهند. وقتی انسان در مقام رقابت قرار بگیرد، مقابل منتقد قرار بگیرد، بهتر کار می‌کند. این‌جور نیست که وجود منتقدین و کسانی که این روش را قبول ندارند، آن روش را قبول دارند، برای نظام ضرری داشته باشد؛ منتها باید در چهارچوب نظام باشد؛ این اشکالی ندارد، این مخالفت هیچ مخالفت مضری نیست؛ نظام هم مطلقاً با یک چنین مخالفتی برخورد نمی‌کند. البته انتقاد باید در چهارچوب اصول باشد. اصول انقلاب هم مشخص است که چیست. اصول انقلاب امور سلیقه‌ای نیست که هر که از یک گوشه‌ای در بیاید، سنگ اصول را به سینه بزند؛ بعد که سراغ این اصول می‌رویم، می‌بینیم بیگانه‌ی از انقلاب است. اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ وصیت‌نامه‌ی امام است؛ سیاست‌های کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است که این سیاست‌های کلی بایست تدوین بشود. در این چهارچوب، اختلاف نظر، اختلاف ممشا، اختلاف سلیقه عیب نیست، که حسن است؛ مضر نیست، که مفید و نافع است. این یک مطلب است که در میدان معارضات اینچنینی، نظام با هیچ‌کس برخورد نمی‌کند. آنجایی که افراد در چهارچوب اصول رفتار کنند، دنبال خشونت نروند، درصدد بر هم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند ـ از این کارهای خلافی که انجام می‌گیرد؛ دروغ‌پراکنی و شایعه ـ نظام هیچ‌گونه مسئله‌ای ندارد. مخالفینی هستند، نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان می‌کنند؛ نظام برخورد نمی‌کند. بنای نظام در اینجا، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. این، روش نظام است؛ این را همه توجه بکنند. آن کسانی هم که نظر مخالف دارند، نظرات مخالف با نظرات رسمی دارند، در این چهارچوب می‌توانند خودشان را مقایسه کنند. اگر کسی با مبانی نظام معارضه کند، با امنیت مردم مخالفت کند، نظام مجبور است در مقابل او بایستد. ما درباره‌ی افرادی که به آنها اهانت می‌شود، تهمت زده می‌شود، می‌گوییم اینها حق دفاع دارند؛ خوب، نظام هم همین جور است؛ نظام هم حق دفاع از خودش را دارد. این خطاست که کسی خیال کند

توجه جدی کلیه‌ی مسئولان به این راهبرد رهبری شد. وی با اشاره به فراز دیگری از سخنان رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز عید سعید فطر تصریح کرد:

ایشان فضای تهمت و مشاجرات را محکوم کردند[1] که نشانه‌ی توجه به

چون نظام حاکمیت است و قدرت سیاسی است، نباید دفاع کند؛ بی‌دفاع بماند؛ در مقابلش هرگونه مخالفتی، معارضه‌ای، قانون‌شکنی‌ای، مرزشکنی‌ای انجام بگیرد، باید عکس‌العمل نشان ندهد؛ این درست نیست؛ هیچ جای دنیا هم چنین نیست. در اختلافات گوناگونی که در بین احزاب دنیا وجود دارد ـ در همین کشورهایی که خودشان را پیشرو دموکراسی می‌دانند ـ هیچ‌کدام از این احزاب متعارض و متخالف با اصول و مبانی آن نظام مخالفت نمی‌کنند؛ والا از نظر مردم مردود هستند. دستگاه‌هایی دارند؛ دستگاه‌های رعایت قانون اساسی و دادگاه قانون اساسی ـ شبیه شورای نگهبان خودمان ـ اینها را رد می‌کنند. اینجور نیست که قبول کنند یک نفری بیاید در یک نظامی علیه مبانی آن نظام مبارزه کند، معارضه کند، آن وقت نظام در مقابل او ساکت و آرام بنشیند. به کمتر از آن هم گاهی دیده می‌شود که در همین نظام‌های اروپایی برخوردهای خشن و تندی می‌کنند؛ چیزهایی که جزو اصول هم محسوب نمی‌شود. بنابراین برخورد با نظام برخورد با مبانی نظام، ایستادگی و شمشیر کشیدن روی نظام، جواب تند دارد؛ اما نظر مخالف داشتن، نظر متفاوت داشتن، آن وقتی که با این اشکالات همراه نباشد، تهمت و شایعه‌افکنی و دروغ و از این چیزها نباشد، نه، نظام هیچ‌گونه برخوردی نخواهد کرد. شیوه‌ی نظام این نبوده، امروز هم نیست و انشاءالله در آینده هم نخواهد بود. این یک نکته.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای،* ۲۰ شهریور ۸۸)

۱. سخنان مقام معظم رهبری در روز عید سعید فطر را در پاورقی شماره ۱ از صفحه ۷۱ مطالعه کنید.

ایشان همچنین در تاریخ چهارم شهریور ماه در دیدار دانشجویان در پاسخ به انتقاد برخی از دانشجویان از عدم محاکمه‌ی برخی از مجرمان پشت پرده‌ی حوادث پس از انتخابات فرمودند:

«یک بخش مهمی توی بیانات چند نفر از دوستانمان بود که اشاره داشت به مجرمانی که پشت پرده‌ی حوادث اخیر حضور داشتند، و این‌که چرا اینها محاکمه نمی‌شوند، چرا مجازات نمی‌شوند، چرا با اینها برخورد نمی‌شود. من به شما عرض بکنم؛ در قضایایی به این اهمیت، با حدس و گمان و شایعه و این چیزها نمی‌شود حرکت کرد. ما این انقلاب و این نظام عظیم را محصول مجاهدت یک ملت بزرگ و فداکاری‌های عظیم جوانانی می‌دانیم که چه در دوره‌ی انقلاب، چه در دوره‌ی دفاع مقدس، چه بعد از آن تا امروز فداکاری کردند؛ مثل خود شماها، که در صحنه‌های مختلف حضور دارید و گاهی کارهای بزرگی انجام می‌گیرد. نمی‌توانیم تداوم این نظام را و حرکت کلی این نظام را در سطحی که تصمیم‌گیری کلان رهبری در او لازم است، به حدس و گمان و این چیزها مبتنی کنیم. این را شما بدانید، هیچ‌گونه اغماضی از جرم و جنایت وجود نخواهد داشت؛ منتها ما ـ یا من یا شما، فرق نمی‌کند؛ چه شما که دانشجو هستید و زبانتان باز است و راحت حرف می‌زنید، چه من که یک مجموعه‌ای از تجربه و سال‌های متمادی کارکرد در میدان را با خودم همراه دارم؛ در این جهت با هم فرقی نداریم ـ نمی‌توانیم حکم کنیم که باید دستگاه قضا اینجور قضاوت کند؛ نه، دستگاه قضا باید نگاه کند، اگر دلایلی برای مجرمیت کسی، چه در زمینه‌ی سیاسی، چه در زمینه‌ی اقتصادی، چه در زمینه‌ی مفاسد گوناگون پیدا کرد، بر طبق او حکم کند. این شایعاتی که شما شنیده‌اید، بنده هم خیلی از این شایعات را می‌شنوم؛ ممکن است بسیاری از این شایعات مطابق واقع هم باشد و انسان شواهد و قراینی هم برایش داشته باشد؛ اما قرینه و شاهدِ متفرق نمی‌تواند جرمی را علیه کسی اثبات کند؛ به این نکته توجه داشته باشید.

نقطه‌ی چرکینی است که باعث می‌شود دل‌ها را دور کند.[۱]

وی به یکی دیگر از محورهای سخنان رهبری یعنی «توجه به قانون»[۲] اشاره کرد و گفت:

رهبری بر لزوم توجه به قانون تأکید داشتند، از این رو چه آنهایی که دست‌اندرکار هستند، باید مقید به قانون باشند و چه معترضان باید در چهارچوب قانون عمل کنند. مجریان و معترضان توقع نداشته باشند که در صورت عمل نکردن در چهارچوب قانون، نسبت به آنها بی‌تفاوت باشند؛ زیرا بی‌قانونی یعنی هرج و مرج در جامعه.[۳]

لذا اینجور نیست که فرض کنیم یک مجرم قطعی پشت پرده‌ای وجود دارد که دستگاه بنا دارد از جرم او به یک دلیلی بگذرد. این یک نکته. نکته‌ی دیگری در کنار این هست: کارهایی که نظام در سطح کلان با جنبه‌ی شمولی که بعضی از مسائل دارد، انجام می‌دهد، بایستی با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب باشد؛ یک بعدی نمی‌شود به مسایل نگاه کرد. فکر می‌کنم اگر شما با این ملاحظات نگاه کنید، آنچه که تاکنون انجام گرفته و آنچه در آینده انجام خواهد گرفت، هر ذهن باانصافی را قانع خواهد کرد.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۴ شهریور ۸۸)

مقام معظم رهبری در تاریخ چهارم آذر ماه ۸۸ نیز در دیدار جمعی از بسیجیان کشور فرمودند:

«مراقب باشید، مواظب باشید، نمی‌شود هر کسی را به مجرد یک خطایی یا اشتباهی گفت منافق؛ نمی‌شود هر کسی را به مجرد این‌که یک کلمه حرفی برخلاف آنچه که من و شما فکر می‌کنیم، زد، بگوییم آقا این ضد ولایت فقیه است. در تشخیص‌ها خیلی باید مراقبت کنید. من تأکیدم به شما جوانان عزیز، فرزندان عزیز خود من، جوانان پرشور این کشور در سرتاسر میهن عزیز، همین است. انگیزه‌ها با شدت، با قوّت، با ایمان کامل، با امید کامل به آینده حفظ بشود؛ اما در تشخیص‌ها و در مصداق‌های مختلف دقت بشود. بی‌دقتی در مصداق‌ها، گاهی اوقات ضررها و لطمات بزرگی خواهد زد.» (همان؛ ۴ آذر ۸۸)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸

۲. مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۸ شهریور ماه ۸۸ در دیدار هیأت دولت فرمودند:

«دولت به قانون اهمیت بدهد. بله اینی که آقای رییس جمهور گفتند که همه باید قانون را رعایت کنند، بله مسلم است؛ مجلس، قوه‌ی قضاییه دستگاه‌های گوناگون، باید قانون را رعایت کنند؛ به آنها هم ما توصیه‌ی این را می‌کنیم، به شما هم توصیه می‌کنیم. قانون را دقیق رعایت کنید. خب، حالا بعضی از منتقدین دولت گفتند که دولت قانون را رعایت نمی‌کند. آقای رییس جمهور هم در جواب گفتند که نه، این دولت قانون‌گراترین دولت‌هاست این، دو تا ادعا شد؛ دو طرف قضیه. باز من این جا کار ندارم که کدام طرف ترجیح دارد، کدام طرف ترجیح ندارد. من می‌خواهم به شما عنوان مسئولین مجریه‌ی کشور سفارش اکید بکنم که به قانون اهمیت بدهید. اگر چنانچه ما اینجا قانون را در مسئله‌ای خاص شکستیم و عمل نکردیم، صرفاً این نیست که یک قانون نقض شده باشد؛ بلکه معنایش این است که یک راهی، یک خطی باز شد که این خط، دنباله خواهد داشت. کار قانون‌شکنی این‌جوری است. اینجا که قانون نقض شد، نقض قانون یک فرصت تازه‌ای پیدا کرد که به وسیّله‌ی دیگران انجام بگیرد. لذاست که به مسئله‌ی قانون، خیلی اهمیت بدهید.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱۸ شهریور ۸۸)

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸

وی همچنین یکی از محورهای مهم سخنان رهبری را «ممنوع کردن پخش اعترافات متهمان در رسانه‌ها»[1] بیان کرد و گفت:

اگر اعتراف متهمان نسبت به دیگران پخش شده باید با متخلف برخورد شود و باید ایستاد و با آنها برخورد کرد. این‌که هر رسانه، هرچه دلش خواست بنویسد و آن را منتشر کند، درست نیست و باید با آن برخورد کرد. این تذکر رهبری اهمیت فوق العاده‌ای دارد.[2]

وی ضمن اشاره به بخش دیگری از سخنان رهبری مبنی بر «توجه به انتقادات و نصایح دلسوزان»[3]، گفت:

---

۱. پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، در جریان محاکمه‌ی برخی از متهمان حوادث پس از انتخابات، صدا و سیما و برخی دیگر از رسانه‌ها اقدام به پخش این محاکمات کردند. این در حالی بود که برخی از متهمان در ضمن سخنان خود از برخی شخصیت‌ها و فعالان سیاسی نام برده، اتهاماتی را متوجه آنها می‌کردند. این اتهامات توسط صدا و سیما و رسانه‌های مذکور پخش می‌شد. مقام معظم رهبری اما در تاریخ ۲۹ شهریور ماه در خطبه‌های عید سعید فطر فرمودند:
«همین‌جا من این را هم بگویم: این‌که در دادگاه ها ـ که در تلویزیون هم پخش می‌شد ـ از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته می‌شود، من این را بگویم که این، شرعاً حجیت ندارد. بله، متهم هرچه درباره ی خود در دادگاه بگوید، این حجت است. این‌که بگویند در دادگاه درباره ی خودش اگر اعترافی کرد، حجت نیست، این حرف مهملی است، حرف بی ارزشی است؛ نه، هر اقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در یک دادگاه در مقابل دوربین، در مقابل بینندگان میلیونی که متهم علیه خود بکند، این اعتراف مسموع است، مقبول است، نافذ است؛ اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست. فضا را نباید از تهمت و از گمان سوء پر کرد. قرآن کریم می‌فرماید: «لو لا اذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خیراً»؛ وقتی می‌شنوید که یکی را متهم می‌کنند، چرا به همدیگر حسن ظن ندارید؟ تکلیف دستگاه اجرایی و قضایی به جای خود محفوظ است. دستگاه های اجرایی باید مجرم را تعقیب کنند، دستگاه های قضایی باید مجرم را محکوم و مجازات کنند؛ با همان روشی که ثابت می‌شود و در قوانین اسلامی و قوانین عرفی ما هست و هیچ هم در این زمینه نباید کوتاه بیایند؛ اما مجازات مجرم که از طرق قانونی جرم او ثابت شده است، غیر از این است که به گمان، به خیال، به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم. این‌که نمی‌شود. این فضا، فضای درستی نیست.»
(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۹ شهریور ۸۸)

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸

۳. مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۲ مرداد ماه ۸۸ در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری فرمودند:
«یک دسته‌ی دیگر هم هستند که اینها جزو نظامند، با رییس جمهور، با نظام هیچ دشمنی‌ای ندارند؛ ممکن است منتقد باشند. این منتقدان را بایستی به حساب آورد؛ نظرات آنها را باید شنید؛ آنچه که قابل فهم است، قابل قبول است، آن را پذیرفت. و من امیدوارم که همین جور عمل بشود و انشاءالله خواهد شد.»
(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱۲ مرداد ۸۸)

ایشان در تاریخ ۱۸ شهریور ماه ۸۸ در دیدار هیأت دولت نیز فرمودند:
«برای شنیدن نقد، سینه‌ی گشاده و روی باز و گوش شنوا داشته باشید. هیچ ضرر نمی‌کنید از این‌که از شما انتقاد کنند. البته این انتقادهایی که می‌شود، همه یک جور نیست. بعضی‌ها به قصد اصلاح نیست، بلکه به قصد تخریب است؛ داریم می‌بینیم دیگر؛ هم از مجموعه مطبوعات خودمان، هم پشتوانه‌ی آنها. ده‌ها رادیو و تلویزیون بیگانه و رسانه‌ی عمومی و بین‌المللی در اختیار حرف‌ها و افکاری هست که بنایش بر تخریب است؛ یعنی هیچ بنای اصلاح ندارند. آنچه که نقل می‌کنند و ذکر می‌کنند، برای تخریب است. لذاست که واقعیت و غیر واقعیت و خلاف واقع و ضد واقع، همه چیز تویش است. گاهی یک چیز کوچک را بزرگ می‌کنند، گاهی یک چیزی که نبوده، به عنوان یک حقیقت مسلّم جلوه می‌دهند. اینها البته هست. این، تخریب است. لیکن در کنار اینها، نقد هم وجود دارد؛ نقدهای مصلحانه خیرخواهانه گاهی از سوی دوستان شماست، گاهی حتّی از سوی کسانی است که دوست شما و طرفدار شما هم نیستند؛ گاهی اینجوری است. به انسان یک نقدی می‌شود؛ عیبجویی‌ای از انسان می‌شود، انتقادی می‌شود، که آن طرف هم دوست آدم نیست که آدم به اعتماد دوستی او بخواهد بگوید که خب، ما گوش می‌کنیم. نه، دوست هم نیست، اما دشمن هم نیست؛ دشمنی‌اش هم ثابت نشده. لیکن نقد است؛ انتقاد است. آن را هم حتّی باید گوش کرد. شاید در خلال این نقدها حرفی وجود داشته باشد که به درد ما بخورد و باید به هر حال با سعه‌ی صدر برخورد بشود. این چند سال، خیلی اهانت‌ها به شما شد، کینه‌توزی شد، اهانت شد. اینها را تحمل کردید. این تحمل‌ها هم پیش خدای متعال اجر دارد. لیکن این موجب نشود که حالا ما سینه‌مان تنگ بشود، بگوییم ما دیگر انتقاد را گوش نمی‌کنیم، یا اگر کسی اندک انتقادی در فلان گوشه از ما کرد، این را حمل بر دشمنی بکنیم؛ نه! نخیر! انتقاد را گوش کنیم؛ انتقاد خوب است. همین طور که گفته شده، این یک هدیه‌ای است که به انسان داده می‌شود؛ نقدهای غیرمغرضانه‌ی بخصوص برخی نخبگان.
من این را اینجا خوب است عرض بکنم: نصیحت علمای دینی را قدر بدانید، مغتنم بشمارید. گاهی علمای دین بزرگان دین، مراجع حتّی، نصایحی می‌کنند، درباره‌ی مسایلی توصیه‌هایی می‌کنند؛ این را مغتنم بشمرید؛ اینها را حمل بر محبت و علاقه‌مندی بکنید. ما می‌دانیم، آقایان، بزرگان علمایی که هستند ـ حالا گوشه کنار کسانی بر خلاف این معنا باشند، او مورد محاسبه‌ی ما نیست ـ و امروز در مناطق مختلف، در مراکز حوزه‌های علمیه‌ی بزرگ و در شهرستان‌ها هستند، اینها همه طرفدار نظام جمهوری اسلامی و قدردان نظام جمهوری اسلامی‌اند. **می‌بینند که نظام جمهوری اسلامی چقدر در جهت پیشرفت اهداف اسلامی کار کرده و دارد کار می‌کند و تلاش می‌کند، تلاش‌های شما را هم می‌بینند، کمک‌های شما و خدمات شماها را هم دارند مشاهده می‌کنند. یک وقت توصیه‌ای می‌کنند، از روی علاقه‌مندی است، از روی دلسوزی است؛ اینها را خیلی باید قدر دانست. همچنین نخبگان دانشگاه‌ها هم همین جور. بعضی از نخبگان دانشگاه‌ها مردمان خیرخواهی هستند؛ ما می‌بینیم. به بنده گاهی نامه‌هایی می‌نویسند، من هم بحمدالله توفیق دارم، خیلی از این نامه‌هایی که نخبگان و فرزانگان حوزه و دانشگاه به من می‌نویسند، نگاه می‌کنم و خودم می‌خوانم. اگر چه که نامه زیاد است، همه‌ی نامه‌ها را هم انسان نمی‌تواند بخواند، اما بسیاری از این نامه‌های خاص را من بحمدالله توفیق پیدا کرده‌ام و خوانده‌ام؛ نگاه کرده‌ام و می‌بینم. انتقاد دارند؛ به بنده، به شما، به فلان کار، به فلان اقدام، به فلان تصمیم. ممکن است ایراد داشته باشند، اعتراض داشته باشند. ممکن است آن اعتراض به نظر ما وارد هم نباشد. یعنی حتّی انسان گاهی نامه‌ای را که می‌خواند، می‌بیند که نه، این اشکالش وارد نیست؛ بر اثر بی‌اطلاعی از مثلاً فلان موضوع این اعتراض را کرده است که اگر اطلاع داشت، این اعتراض را نمی‌کرد. اما یک جا هم در خلال حرف‌ها انسان می‌بیند که نه، یک نکته‌ی روشنی، یک حرف خوبی هست، انسان استفاده می‌کند. این ذهن فعالِ این انسان نخبه را، انسان برای خودش نگه دارد. شما وقتی از**

مفید بودن انتقاد و توجه به نصایح دلسوزان در چهارچوب اصول و مقررات و خودداری از مچ‌گیری، از محورهای مهم سخنان رهبری بود که باید مورد توجه قرار گیرد.[۱]

وی «لزوم رعایت حق افراد در دفاع از خود» را از دیگر محورهای مهم سخنان رهبری دانست[۲] و خاطرنشان کرد:

این موارد [محورهای سخنان رهبری] می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد و یک وظیفه‌ی قانونی است و اگر مباحث افراد صاحب نظر مورد عمل قرار گیرد، می‌تواند شرایط بهتری در جامعه پیش بیاید.[۳]

وی در تاریخ ۱۲ آذر ماه در جوار بارگاه امام رضا(ع) با اظهار نگرانی شدید از گسترش اختلافات در جامعه این موضوع را قابل کتمان ندانست و ضمن آن‌که تنها راهِ ایجاد وحدت را از طریق رهبریِ انقلاب برشمرد، تأکید کرد:

بنده فکر می‌کنم غیر از رهبریِ انقلاب، دیگران نمی‌توانند وحدت را ایجاد کنند و همه باید به رهبری کمک کنیم تا فضای همدلی به وجود بیاید تا رضایت مردم فراهم شود.[۴]

وی در تاریخ ۱۴ آذر ماه در سفر به مشهد مقدس در مراسم افتتاح مرکز نمایشگاه‌ها و همایش‌های آستان قدس رضوی و نیز دارالشفای امام رضا(ع) با اشاره به شرایط سیاسی روز جامعه بر اتحاد آحاد جامعه تأکید کرد و افزود:

محور اتحاد کشور رهبری هستند و تنها با تکیه بر ایشان و تأمین رضایت مردم می‌توان مشکلات موجود را پشت سر گذاشت.[۵]

انتقاد او، از تذکر او استقبال کردی، در واقع ذهن او و فکر او را به عنوان یک پشتوانه‌ای برای خودتان نگه می‌داری. او احساس می‌کند که می‌تواند کمک فکری برای شما باشد. این همان راهی است که ما همیشه گفتیم بین خودتان و نخبگان باز کنید.» (همان؛ ۱۸ شهریور ۸۸)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸

۲. مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۰ شهریور ماه ۸۸ در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران فرمودند: «ما درباره‌ی افرادی که به آنها اهانت می‌شود، تهمت زده می‌شود، می‌گوییم اینها حق دفاع دارند...» (*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۰ شهریور ۸۸)

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸

۴. *خبرگزاری ایلنا*، ۱۲ آذر ۸۸، کد خبر: ۹۳۷۴۹

۵. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۶ آذر ۸۸

وی همچنین در تاریخ ۲۴ آذر ماه و در آستانه‌ی ماه محرم در دیدار «جمعی از روحانیون و وعاظ» گفت:

حفظ اصل ولایت فقیه و جایگاه رهبری از ضروریات است و همگان باید در این مسیر حرکت کنند و با شناختی که از رهبری دارم با تدبیر ایشان به شرط همکاری دیگران، مشکلات سیاسی و اقتصادی قابل حل است و باید فعالان عرصه‌ی سیاسی کشور به دور از هرگونه تندروی، ایشان را در این مسیر یاری دهند.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ دی ماه در پیامی به اجلاس مرکزی همایش‌های منطقه‌ای «سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴» تصریح کرد:

با تصمیم رهبری معظم انقلاب برای اجرای عمل نشده‌ی یک وظیفه‌ی مصرح در قانون اساسی یعنی تدوین سیاست‌های کلی نظام آن هم پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام بارقه‌ی امیدی برای گذشتن از محدوده‌های تنگ و قدم نهادن در فضای تقریباً باز تصمیم‌گیری در جامعه پیدا شد... رهبری با درک هوشمندانه‌ی این ضرورت، تدوین چشم‌انداز ۲۰ ساله را به عنوان بزرگ‌راه رسیدن ایران اسلامی به تمدن و فرهنگ درخور ایرانیان ترسیم کردند و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با استفاده از نظرات دانشمندان، این موضوع را به تأیید و تصویب رهبری رساندند تا با مشخص کردن سیاست‌های فرد و ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی که انقلاب اقتصادی از آن انتظار می‌رفت، موتور محرکه برای چشم‌انداز ۲۰ ساله تعبیه کرد.[2]

وی در تاریخ ۲۱ دی‌ماه در دیدار اعضای «شورای مرکزی مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی» با اشاره به سخنان رهبری[3]، «اجماع بر محور قانون» و «دوری از اقدامات

---

۱. همان؛ ۲۶ آذر ۱۳۸۸

۲. همان؛ ۱۵ دی ۸۸

۳. مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۹ دی ماه ۸۸ در دیدار مردم قم فرمودند:
«یک نکته را هم به جوانان عزیز انقلابی، به فرزندان عزیز انقلابی خودم، به فرزندان بسیجی ـ از زن و مرد ـ عرض بکنم: جوانان از اطراف و اکناف کشور از آنچه که تهتّک بیگانگان از ایمان دینی به گوششان می‌خورد یا با چشمشان می‌بینند، عصبانی هستند؛ وقتی می‌بینند روز عاشورا چگونه یک عده‌ای حرمت عاشورا را هتک می‌کنند، حرمت امام حسین علیه‌السلام را هتک می‌کنند، حرمت عزاداران حسینی را هتک می‌کنند، دل‌هاشان به درد می‌آید، سینه‌هاشان پر می‌شود از خشم البته خوب، طبیعی هم هست، حق هم دارند؛ ولی می‌خواهم عرض بکنم جوان‌های عزیز مراقب باشند، مواظب باشند که هرگونه کار بی‌رویه‌ای، کمک به دشمن است. اینجا جوان‌ها تلفن می‌کنند ـ می‌فهمم من، می‌خوانم، غالباً تلفن‌ها و نامه‌ها را خلاصه می‌کنند، هر روز

خودسرانه» را از جمله محورهای اساسی در این بیانات عنوان کرد و افزود:

اگر این دو رعایت شود، جامعه به حالت تعادل نزدیک خواهد شد و جایی برای اختلاف باقی نمی‌ماند.[1]

ایشان در تاریخ ۲۹ دی‌ماه در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها» در پاسخ به پرسش حاضران در خصوص شیوه‌ی حل مسائل فعلی تأکید کرد:

رجوع به سخنان اخیر مقام معظم رهبری در حاکمیت قانون و پرهیز از اعمال خودسرانه، و همچنین کمک به ایشان توسط همه‌ی نیروهای سیاسی و اصیل انقلاب که به اسلام، نظام و قانون پای‌بند هستند، می‌توانند حل موضوع را به همراه داشته باشد.[2]

وی در تاریخ سوم بهمن‌ماه نیز در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه» ضمن اشاره به شناخت خود از رهبری، ایشان را صالح‌ترین فرد برای حل مشکلات معرفی کرد و گفت:

در شرایط امروز نیز برای برون رفت از وضعیت فعلی راه‌حل‌هایی را که با توجه به تجربیاتم به ذهنم می‌رسید در خطبه‌ی نمازجمعه مطرح کرده‌ام و هنوز نیز در کلیات به آن معتقدم هرچند که ممکن است نواقص و زوایدی داشته

می‌آورند، من نگاه می‌کنم - می‌بینم همین طور جوان‌ها گله‌مند، ناراحت و عصبانی؛ گاهی هم از بنده گله می‌کنند که چرا فلانی صبر می‌کند؟ چرا فلانی ملاحظه می‌کند؟ من عرض می‌کنم؛ در شرایطی که دشمن با همه‌ی وجود، با همه‌ی امکاناتِ خود درصدد طراحی یک فتنه است و می‌خواهد یک بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد. دستگاه‌های مسئولی وجود دارند، قانون وجود دارد؛ بر طبق قانون، بدون هیچ‌گونه تخطی از قانون، بایستی مُرّ قانون به صورت قاطع انجام بگیرد؛ اما ورود افرادی که شأن قانونی و سمت قانونی و وظیفه‌ی قانونی و مسئولیت قانونی ندارند، قضایا را خراب می‌کند. خدای متعال به ما دستور داده است: «ولایجرمنّکم شنئان قوم علی أن لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتّقوي» بله، یک عده‌ای دشمنی می‌کنند، یک عده‌ای خباثت به خرج می‌دهند، یک عده‌ای از خباثت‌کنندگان پشتیبانی می‌کنند - اینها هست - اما باید مراقب بود. اگر بدون دقت بدون حزم انسان وارد برخی از قضایا بشود، بی‌گناهانی که از آنها بیزار هم هستند، لگدمال می‌شوند؛ این نباید اتفاق بیفتد. من برحذر می‌دارم جوان‌های عزیز را، فرزندان عزیز انقلابی خودم را از این‌که یک حرکتی را خودسرانه انجام بدهند؛ نه، همه چیز بر روال قانون.»
(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱۹ دی ۸۸)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۲ دی ۸۸

۲. همان؛ ۳۰ دی ۸۸

باشد... اقدامات خلاف قانون و تندروی‌ها از سوی هر جناحی هیچ‌گاه مورد تأیید ایشان [مقام معظم رهبری] نبوده و نخواهد بود. در شرایط فعلی اینجانب اصلح‌ترین فرد را برای حل مشکلات فعلی جمهوری اسلامی، ایشان می‌دانم و مطمئن هستم با کمک افراد معتدل از هر دو جناح موجود کشور با تدبیر رهبری مسائل موجود قابل حل و فصل است و در صورت حل مشکلات جاری، دشمنان خارجی و ضد انقلاب مأیوس خواهند شد.[۱]

وی در تاریخ ۶ بهمن‌ماه در دیدار جمعی از استادان علوم سیاسی دانشگاه‌های قم، اصل ولایت فقیه را محور جمهوری اسلامی خواند و در پاسخ به پرسش یکی از حاضران درباره‌ی آنچه علت حملات و تخریب علیه وی توسط برخی اشخاص از جمله آقای یزدی[۲] خوانده شد، گفت:

---

۱. همان؛ ۴ بهمن ۱۳۸۸

۲. در جریان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری آیت‌الله محمد یزدی (از فقهای شورای نگهبان و رییس جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم) چندین مرتبه علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی موضع گرفت. وی ابتدا در تاریخ ۲۰ خرداد ماه پس از انتشار نامه‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس به مطالب منتشره در این نامه پاسخ گفت.
(ر.ک: روزنامه *کیهان*، ۲۱ خرداد ۸۸)
محمدنبی حبیبی دبیر کل حزب مؤتلفه‌ی اسلامی در تاریخ ۲۲ آذر ماه، نامه و واکنش آیت‌الله یزدی به نامه‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را متأثر از توصیه‌ی حزب مؤتلفه دانست و گفت: «حزب مؤتلفه دیداری با آیت‌الله یزدی داشت و در این دیدار موضوع نامه‌ی بی‌موقع هاشمی به رهبری در دو روز مانده به انتخابات مطرح شد و ما از آیت‌الله یزدی خواستیم به این نامه جواب دهد که این کار انجام شد.»
(سایت خبری ـ تحلیلی *خبرآنلاین*، ۲۲ آذر ۸۸، کد مطلب: ۲۹۷۹۶)
آیت‌الله یزدی پس از خطبه‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۶ تیر ماه در نمازجمعه‌ی تهران در واکنش به این خطبه‌ها نیز موضع گرفت. (ر.ک: روزنامه *کیهان*، ۲۸ تیر ۸۸)
وی همچنین در مهر ماه ۸۸ از عضویت در هیأت رییسه‌ی مجلس خبرگان رهبری و ریاست دبیرخانه‌ی آن استعفا داد. این استعفا اما با مخالفت هیأت رییسه‌ی خبرگان رهبری و به‌خصوص آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روبه‌رو شد. بعدها اعلام شد که این استعفا در واکنش به مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی صورت گرفته است. (ر.ک: روزنامه *ابتکار*، ۲۵ آذر ۱۳۸۸)
آیت‌الله یزدی بار دیگر در آذر ماه ۸۸ در واکنش به سخنان آقای هاشمی در جمع دانشجویان مشهد موضع گرفت. (ر.ک: روزنامه *کیهان*، ۲۵ آذر ۸۸)
آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما در تاریخ ۲۵ آذر ماه و در آستانه‌ی ماه محرم در دیدار جمعی از روحانیون و وعاظ در جواب جمعی از حضار که اجازه‌ی جواب به اظهارات آقایان محمد یزدی، روح‌الله حسینیان و زیارتی (حمید روحانی) را خواستند، گفت: «سال‌ها است که جواب من به آقای یزدی درخواست شفا برای ایشان است و ارسال سلام. متأسفانه ایشان براثر مشکلات جسمی گاهی دچار عصبانیت می‌شود و عجولانه اعلام نظر می‌کند. افرادی هم هستند که شهرت خویش را از راه اهانت به دیگران می‌خواهند که

مهم‌ترین دلیل این حملات، مواضع اینجانب درباره‌ی لزوم رعایت حقوق مردم و همچنین «دفاع از شخص رهبری» و پرهیز از افراط بر اساس عقیده و اعتقاد قلبی‌ام است. در مورد سخنان اخیر آقای یزدی همان‌گونه که قبلاً هم گفتم جوابم تاکنون به سخنان توأم با عصبانیت و غرض‌آلود ایشان سلام بوده است، ولی با صحبت‌های دیروز ایشان[1] و اطلاعات رسیده، این بار بوی توطئه به مشام می‌رسد و درباره‌ی

جواب این‌گونه افراد هم سکوت است و دعا برای هدایتشان.» (روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۲۶ آذر ۸۸)
سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در جمع اعضای حزب اعتدال و توسعه در بهمن ماه ۸۸ نیز مجدداً با واکنش آیت‌الله یزدی روبه‌رو شد. (ر.ک: روزنامه *کیهان*، ۶ بهمن ۸۸)
بیشترین تأکید آیت‌الله یزدی در اغلب سخنرانی‌های خود بر فاصله گرفتن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از مقام معظم رهبری بود. تا حدی که وی سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در جمع اعضای حزب اعتدال و توسعه را «نوعی توهین و جسارت به آیت‌الله خامنه‌ای» ارزیابی کرد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سخنان مورد اشاره‌ی آیت‌الله یزدی گفته بود: «در شرایط امروز نیز برای برون رفت از وضعیت فعلی راه‌حل‌هایی را که با توجه به تجربیاتم به ذهنم می‌رسید در خطبه‌ی نمازجمعه مطرح کرده‌ام و هنوز نیز در کلیات به آن معتقدم هرچند که ممکن است نواقص و زوایدی داشته باشد... اقدامات خلاف قانون و تندروی‌ها از سوی هر جناحی هیچ‌گاه مورد تأیید ایشان [مقام معظم رهبری] نبوده و نخواهد بود. در شرایط فعلی اینجانب اصلح‌ترین فرد را برای حل مشکلات فعلی جمهوری اسلامی، ایشان می‌دانم و مطمئن هستم با کمک افراد معتدل از هر دو جناح موجود کشور با تدبیر رهبری مسائل موجود قابل حل و فصل است و در صورت حل مشکلات جاری، دشمنان خارجی و ضد انقلاب مأیوس خواهند شد.»
(روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۴ بهمن ۸۸)

۱. به گزارش خبرگزاری فارس آیت‌الله محمد یزدی (از اعضای شورای نگهبان) در دیدار مسئولان ارشد سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با اشاره به سخنرانی اخیر هاشمی رفسنجانی در جمع اعضای حزب اعتدال و توسعه اظهار داشت: «به نظر من سخنان هاشمی با آن نوع بیان به جای این‌که احترام به رهبری باشد، نوعی توهین و جسارت به آیت‌الله خامنه‌ای بود.» وی ادامه داد: «فرمایشات مقام معظم رهبری را که می‌شنویم بسیار روشنگرانه و حاوی مطالب مهمی است اما در مقابل هاشمی با اظهارات دو پهلو معلوم نیست چه هدفی دارد.» آیت‌الله یزدی با انتقاد شدید نسبت به مواضع اخیر هاشمی گفت: «من این نوع اظهارات را نمی‌فهمم؛ شما با حکم رهبری مسئولیت گرفته‌اید آن وقت این‌طوری صحبت می‌کنید.» وی افزود: «هر چه با خودم مباحثه کردم نتوانستم خودم را نسبت به مواضع هاشمی قانع کنم.» عضو خبرگان رهبری با اشاره به فرمایشات اخیر مقام معظم رهبری که فرمودند: «خواص خط و ربط خود را با دشمنان نظام به صورت شفاف بیان کنند.» ادامه داد: «به قول یکی از نویسندگان بسیاری از خواص، خاصیت خواص بودن خود را به کلی از دست داده‌اند و در بین مردم جایگاهی ندارند.» وی اظهار داشت: «هاشمی در دیدار اعضای حزب اعتدال و توسعه که من می‌دانم چه کسانی هستند گفته است که برای برون رفت از شرایط موجود کشور راه‌حل‌هایی را که با توجه به تجربیاتم در نمازجمعه بیان کردم به آن پایبندم و باید اجرا شود.» آیت‌الله یزدی ادامه داد: «آقای هاشمی مگر شما در این ۳۰ سال از رهبر جدا بوده‌اید؟ هر کجا که رهبری بوده‌اند شما نیز بوده‌اید. تجربیات شما چه تفاوتی با تجربیات آقای خامنه‌ای دارد؟ شما در نمازجمعه گفتید نسبت به نتیجه‌ی انتخابات تردید دارید ولی مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر سالم بودن نتیجه انتخابات فرمودند اگر مشکلی است قانونی

عمل کنید.» وی گفت: «انتخابات در کمال صحت و سلامت تمام شد، در شرایط کنونی از سوی دشمنان بحث براندازی نظام مطرح است و امروز کسانی که به میدان آمده‌اند به دنبال براندازی نظام هستند.» رییس جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم با اشاره به اظهارات اخیر اوباما در کنگره‌ی آمریکا ادامه داد: «چقدر این دشمنان نظام نادان هستند که با اختصاص مبالغی می‌خواهند نظام اسلامی ایران را سرنگون کنند. آنها کور خوانده‌اند نظام اسلامی ایران مقتدر با رهبری آیت‌الله خامنه‌ای پا برجاست و دشمنان هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.» وی با اشاره به جسارت به ساحت امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا اظهار داشت: «مردم با آن اجتماع عظیم که به گفته‌ی کارشناسان در طول ۳۰ ساله انقلاب بی‌نظیر بود، جواب آنها را دادند آیا این مردم می‌گذارند نظام سقوط کند.» آیت‌الله یزدی گفت: «آقای هاشمی اگر امروز می‌خواهید صحبت کنید جسارت به عکس امام و توهین روز عاشورا را محکوم کنید. معنی ندارد که بیایید و دوباره بر مواضع خود پافشاری کنید.» وی اظهار داشت: «برخی خواص و دشمنان کشور هنوز ملت ایران را نشناخته‌اند، نظام هیچ وقت تسلیم نمی‌شود و اجازه‌ی حرکت به آنان را نخواهد داد.» عضو خبرگان رهبری بار دیگر با انتقاد شدید از سخنان هاشمی و کلمه‌ی «تجربیات خود» ادامه داد: «آقای هاشمی تجربه‌ی شما از کجا به دست آمده است؟ هر کجا که رهبری بودند شما هم بودید. رهبری در نمازجمعه تکلیف را مشخص کردند. حزب اعتدال و توسعه چه جایگاهی در این کشور دارد که شما در بین آنها سخنرانی می‌کنید و آن وقت می‌گویید برای برون رفت کشور از مشکلات راه حل دارید؟» وی تصریح کرد: «شما در آن نمازجمعه هرچه که خواستید گفتید. این سخنان را معنی کنید.» رییس جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم ادامه داد: «آقای هاشمی در دیدار اعضای حزب توسعه و اعتدال گفته است در شرایط فعلی باید افرادی از دو جناح مشکلات را در کنار رهبری حل کنند.» وی با انتقاد شدید از این سخنان آقای هاشمی اضافه کرد: «کسانی که در مقابل حکومت قرار دارند، از نظام جدا هستند، آن وقت شما می‌گویید افرادی معتدل از دو جناح باید در کنار رهبری مشکلات را حل کنند؟ بگویید افراد معتدل جناح مخالف چه کسانی هستند؟»

آیت‌الله یزدی با بیان این‌که هاشمی رفسنجانی در آن نمازجمعه خواستار آزادی زندانیان شد، افزود: «در دیداری که با وی داشتم به او گفتم چرا دخالت می‌کنید؟ کشور قانون و قوه‌ی قضاییه دارد که به این مسائل رسیدگی کند. شما اگر می‌خواهی صحبت کنی، نظام را تثبیت کن و سلیقه‌ی شخصی را در این مسائل دخالت نده.» وی با بیان این‌که سخنان هاشمی از دو پهلو صحبت کردن هم بدتر است، گفت: «معتقدم سخنان هاشمی از سه پهلو هم گذشته است!» به گزارش خبرگزاری فارس رییس جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم به سخنان دو پهلوی آقای هاشمی اشاره کرد و بیان داشت: هاشمی در دیدار اخیرش می‌گوید: رهبری را فرد اصلح برای حل مشکلات می‌دانم. به نظر من سخنان هاشمی خطاب به رهبری جسارت به ایشان بود. آقای هاشمی در واقع به رهبری توهین کرد.» وی تصریح کرد: «مجلس خبرگان رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را برای رهبری نظام اسلامی انتخاب کرده است و مردم نیز بارها از مواضع روشنگرانه‌ی رهبری تقدیر کرده‌اند؛ مانند ایشان در کشور وجود ندارد که ۲۰ سال در برابر مشکلات ایستادگی کرده و آنها را حل کرده‌اند.» آیت‌الله یزدی گفت: «در دیداری که با رهبر معظم انقلاب داشتم از ایشان در مورد مشکلات موجود و آیا این‌که در کشور مشکلی وجود دارد پرسیدم که «آقا» فرمودند: اگر مشکلی هست، طبق قانون حل می‌شود و جای نگرانی وجود ندارد. طی ۳۰ سال گذشته مشکلات از این بدتر وجود داشته که حل شده است.» وی به توهمی که برای برخی از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری ایجاد شده بود اشاره کرد و اظهار داشت: «رهبری بارها به آنها گفته بودند که اگر اعتراضی دارند، قانونی عمل کنند اما آنها همچنان حرف خود را تکرار کردند.» رییس جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم بار دیگر به سخنان هاشمی رفسنجانی در جمع اعضای حزب

مسائل ایشان در زمان امام راحل و در جلسه‌ی انتخاب رهبری بعد از ارتحال امام و در قوه‌ی قضاییه به صورت کتبی مطالبی را گوشزد خواهم کرد.[1]

توسعه اشاره کرد و گفت: «هاشمی در آن جلسه گفته بود که رهبری را «فرد اصلح» برای حل مشکلات می‌داند که به نظر من این کلام معنی رهبری را دچار تردید کرد و این بزرگ‌ترین جسارت به حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بود.» وی به یکی دیگر از جملات آقای هاشمی در این جلسه اشاره کرد و گفت: «هاشمی گفته است که با رهبری دست دشمنان را از کشور کوتاه خواهیم کرد؛ این را بگویم تا زمانی که اسلام وجود دارد، دشمنان دست از سر کشور بر نمی‌دارند و هر روز علیه نظام توطئه می‌کنند.» آیت‌الله یزدی اضافه کرد: «رهبری بارها و بارها بر خودداری خواص از دو پهلو حرف زدن تأکید کرده‌اند و ایشان در سخنان خود بارها خواسته‌اند که هاشمی به آغوش نظام باز گردد، ولی هاشمی با موضع‌گیری‌های خود هر روز از نظام دورتر می‌شود.» وی با بیان این‌که نظام ما نظامی الهی است، خاطرنشان کرد: «این نظام به سادگی به دست نیامده است که بخواهد به سادگی از دست برود.» عضو خبرگان رهبری گفت: «هنوز هم نتوانسته‌ام خودم را در مقابل اظهارات آقای هاشمی راضی کنم.» وی با اشاره به اجلاس خبرگان رهبری افزود: «در سایت‌ها و رسانه‌ها اعلام شده بود که آقای هاشمی به یزدی لبخند زده است، مگر لبخند من یا لبخند هاشمی اختلافات را حل می‌کند.» آیت‌الله یزدی تأکید کرد: «در هر جا که آیت‌الله خامنه‌ای بروند ملت و ما دنبال ایشان خواهیم بود؛ اما آقای هاشمی این را بدانید که دنبال شما نمی‌آییم.» (*خبرگزاری فارس*؛ ۵ بهمن ۸۸، شماره: ۸۸۱۱۰۵۰۶۵۸)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۷ بهمن ۸۸

پس از بیان این سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد خاتمی (امام جمعه‌ی موقت تهران و از اعضای جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم) در گفتگو با خبرگزاری فارس اعلام کرد:

«بنده وقتی مصاحبه‌ی آیت‌الله یزدی و نیز واکنش آیت‌الله هاشمی را دیدم تلاش کردم در جهت بستن پرونده‌ی این مشاجرات حرکتی کنم.» وی افزود: «به مسئول دفتر آیت‌الله یزدی پیغام دادم که از ایشان می‌خواهم که به این مشاجرات ادامه ندهند و پاسخی به نامه‌ی آیت‌الله هاشمی ندهند.» وی در ادامه خاطرنشان کرد: «از سوی دیگر روز گذشته تماسی با رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام گرفتم و عین این درخواست را نیز از ایشان داشتم و محضرشان عرض کردم که ادامه‌ی این مشاجرات به مصلحت اسلام، نظام، روحانیت و نه به مصلحت مجلس خبرگان رهبری نیست.» خاتمی با اشاره به این‌که از هاشمی رفسنجانی تقاضا کردم به واکنش خود ادامه ندهند، تصریح کرد: «آیت‌الله هاشمی فرمود "من از خدا می‌خواهم در جامعه تشاجری نباشد" و با بزرگواری پذیرفتند که به واکنش خود ادامه ندهند.»
(*خبرآنلاین*، ۸ بهمن ۸۸، کد مطلب: ۴۰۳۵۸)

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چندی بعد در تاریخ ۴ اسفند ماه درنطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری با ابراز تأسف از عدم حضور آیت‌الله یزدی (نایب رییس مجلس خبرگان) برای دومین بار، در این اجلاسیه اظهار داشت: «حتماً باید این ابراز تأسف را بکنیم که آیت‌الله یزدی نمی‌تواند در این جلسه شرکت کند و البته فرزندشان در این جا حضور دارند اما خودشان کسالت جدی برایشان پیش آمده و نتوانست در این جلسه شرکت کند، باید برای ایشان دعا کنیم.» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ اسفند ۸۸)

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در تاریخ ۱۰ اسفند ماه در پی بستری شدن آیت‌الله یزدی در یکی از بیمارستان‌های تهران، با حضور در بیمارستان از ایشان عیادت کرد. در این عیادت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از نزدیک در جریان مداوای آیت‌الله یزدی قرار گرفت و ضمن احوالپرسی از درگاه خداوند برای وی آرزوی سلامت و بهبودی کامل کرد. (همان؛ ۱۱ اسفند ۸۸)

وی همچنین در تاریخ ۴ اسفند ماه در نطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان، «رهبری» را «بهترین محور وحدت» نامید و گفت:

امروز کسی را بهتر از رهبری نمی‌شناسم که محور وحدت باشد و نباید کاری کنیم تیرهایی که نباید به سمت رهبری و نظام برود، به آن سمت برود... عده‌ای از اول مخالف اصل نظام بودند که اکنون هم هستند و زاد و ولد کرده‌اند و عده‌ای هم شاید فریب خوردند و مسائلی پیش آمد ولی آنهایی که اسلام، حاکمیت آن و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام که دستاورد انقلاب است و قانون اساسیض که یادگار علمای صدر انقلاب و سند محکم بین وفاداران نظام است، باید این قانون اساسی، اهل‌بیت علیهم‌السلام، ولایت و رهبری را محور قرار دهند و کسانی که اینها را قبول ندارند بحث دیگری دارند که اکثریت نیستند.[1]

وی همچنین بر حراست از جایگاه رهبری تأکید کرده و برخی از حوادثِ اتفاق افتاده را بر خلاف خواسته‌ی رهبری ارزیابی کرد:

برای ما مهم است که این مجموعه را در صحنه نگه داریم و کاری نکنیم تیرهایی که نباید به سمت رهبری و نظام برود، به آن سمت رفته و ایشان سیبل شود و من بیش از همه می‌دانم که رهبری می‌خواهند صحنه خیلی داغ نشود و کسی آسیب نبیند همان‌طور که بعد از حادثه‌ی کهریزک ایشان بیانیه زدند، درخواست دلجویی کردند و دستور مجازات عاملان آن را دادند. رهبری الآن هم مراقب هستند تا طغیان پیش نیاید و حرف‌های بی‌خودی زده نشود.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به «مرزبندی وفاداران به انقلاب» با «ساختارشکنانی که با رهبری مشکل دارند»، اشاره کرد و گفت:

بین وفاداران انقلاب و ساختارشکنان که با قانون اساسی یا رهبری مشکل دارند، مرز وجود دارد که این مرز جعلی نیست و نباید اجازه دهیم مخدوش شود. تردید ندارم کسانی که اصول قانون اساسی را قبول دارند می‌خواهند این مرز را رعایت کنند.[3]

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۴ اسفند ۸۸
۲. همان
۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ اسفند ۸۸

وی با اشاره به‌این‌که وظیفه‌ی اصلی اعضای این مجلس حفاظت از انقلاب است تصریح‌کرد:

ما خبرگان باید برای وحدت بکوشیم و از افراط و تفریط جلوگیری و به رأفت اسلامی، حکمت اسلامی و قاطعیت اسلامی عمل کنیم. بارها گفته‌ام کسی غیر از رهبری نیست که بتواند محور این وحدت باشد. البته همه مؤثرند اما اگر ایشان این راه را به عهده بگیرند که گرفته‌اند و دیگران هم همراهی کنند زودتر به هدفمان خواهیم رسید. امیدواریم با راهنمایی‌های ایشان از این به بعد به سمت وحدت مورد نیاز جامعه حرکت کنیم. نمایندگان خبرگان نفوذ زیادی در میان مردم دارند و مردم حتماً به اظهارات آنان توجه می‌کنند بنابراین جا دارد که ما اعضا نیز در این مسیر حرکت کنیم.[1]

وی در تاریخ ۱۲ اسفند ماه در دیدار جمعی از «ائمه‌ی جماعات مساجد تهران، شمیرانات و کرج»، عبور از شرایط فعلی کشور و حل مسائل پیش آمده را تنها در قدرت رهبری عنوان کرد و افزود:

بدون نقش‌آفرینی ایشان و همچنین حمایت همه‌ی افراد و گروه‌های داخلی نمی‌توان به حل مسائل امیدوار بود.[2]

۳. توجه به نقش مردم

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۸۸ بر لزوم توجه به اصل مقبولیت مردمی، رعایت افکار عمومی و جایگاه مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی از سوی مسئولان به عنوان یک راه‌کار همیشگی برای اداره‌ی کشور، تأکید زیادی داشت.

وی در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه در دیدار جمعی از اعضای «ائتلاف مردمی حامیان میرحسین موسوی» گفت:

این جزو عقاید دینی نظام است که مردم صاحب رأی بوده و در اداره‌ی کشور خود سهیم هستند.[3]

---

۱. همان

۲. همان؛ ۱۵ اسفند ۸۸

۳. همان؛ ۱۴ اردیبهشت ۸۸

وی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه در مصاحبه با روزنامه‌ی همشهری در پاسخ به این پرسش که «در همایش ۳۰ سال، قانونگذاری گفتید: مردم هیچ وقت ضد انقلاب نمی‌شوند، ولی شاید دلسرد شوند و نباید زمینه‌ای به وجود بیاوریم که مردم از انقلاب دلسرد شوند[1] و بعدها در یک مصاحبه علت این هشدار را به صورت کوتاه بیان کردید. این مسئله را کمی شرح و بسط دهید.» گفت:

> این حرف خیلی مبهم نیست که نیاز به شرح داشته باشد. این‌که من گفتم مردم ضد انقلاب نمی‌شوند، به خاطر این است که مردم و جوانان ما مسلمان هستند.
>
> همه‌ی ایرانیان در بدترین شرایط، اسلام خود را حفظ می‌کنند. منتها اسلامی که آنها حفظ می‌کنند در حد خدا، پیامبر، قرآن و قیامت است. وقتی به احکام و وظایف عملی می‌رسیم، به آسانی باور نمی‌کنند. اگر بخواهند خیلی بیشتر از انتظار ما کار کنند، عبادت می‌کنند تا رابطه‌ی آنها با خداوند حفظ شود. اما اگر بخواهیم مردم به عنوان یک عنصر فعال در جامعه بمانند، باید به نظرات

---

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۲ آذر ماه ۸۷ در همایش ۳۰ سال قانونگذاری که به ابتکار مجلس هشتم برگزار شده بود، از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواست سعی کنند مردم را با نشاط در صحنه نگه دارند و همه مطمئن باشیم که اگر ذره‌ای از اسلام جدا شویم این مردم با ما نیستند. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: «مردم در درجه‌ی اول بخاطر اسلام با ما هستند آنها می‌خواهند که مسئولین با آنها صادق باشند و برای آنها خدمت کنند و برای خودشان قبای دیگری ندوزند و منافع مردم را فدای سلیقه‌های غلط نکنند. اگر این دو را با هم داشته باشیم، انشاءالله این انقلاب تحویل امام زمان(عج) خواهد شد.» رئیس مجالس دوره‌های اول تا سوم شورای اسلامی ادامه داد: «ما بحمدالله با استقلال، آزادی و روی پای خود، بدون استمداد از هیچ قدرت خارجی و فقط به اتکای ملت و رهبری بی‌نظیر و تاریخی امام راحل که حقیقتاً برای تاریخ بشریت مثال زدنی است توانستیم این ۳۰ سال را خوب بگذرانیم.» رییس مجلس خبرگان رهبری با تأکید بر این‌که کشور در وضعیتی حساس به سر می‌برد گفت: «به همین دلیل نیاز به وحدت بیش از گذشته احساس می‌شود.» آیت‌الله هاشمی رفسنجانی وحدت فوری و حرکت در پشت سر رهبری را نیاز اصلی امروز کشور عنوان کرد و افزود: «هر چند خیلی بعید است مردم ایران ضد انقلاب شوند اما امکان دارد در پی بی‌اعتمادی به مسئولان دلسرد شوند.» رئیس مجلس خبرگان رهبری تصریح کرد مردم اگر احساس کنند رأی‌شان جور دیگری خوانده می‌شود و تأثیرگذار نیست و نیز احساس کنند نمی‌توانند نقش خود را به خوبی در جامعه ایفا کنند حضورشان ضعیف می‌شود. ما نیاز به حضور مردم داریم و شما نمایندگان مجلس می‌توانید مردم را در صحنه نگه دارید. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: «مردم را باید با نشاط در صحنه نگه داشت و مطمئن باشید اگر آنها احساس کنند مسئولین ذره‌ای از اسلام دور شده‌اند با آنها نخواهند بود.» رئیس مجلس خبرگان رهبری همچنین در ابتدای سخنان خود با تشکر از هیأت رئیسه‌ی مجلس و شخص دکتر لاریجانی به ذکر روایت دوران حضور مرحوم مدرس در ادوار مختلف مجلس شورای ملی پرداخت. (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۳ آذر ۸۷)

آنها توجه کنیم. درست است که دشمن انقلاب نیستند اما دیگر برای حکـومتی که از عمق دل قبول ندارند، فعالیت نمی‌کنند و بی‌تفاوت می‌شوند.

گفته بودم: مردم ضد انقلاب نمی‌شوند که علیه نظام حرکت کنند. شاید علیـه یک طبقه، یک حاکم، یک دولت و یک سیستم حرکت کنند، امـا ضـد اسـلام نمی‌شوند و کسانی هم که ایرانی اصیل هستند ضد ایـران نمـی‌شـوند؛ امـا شـاید حزب یا دولتی را ناصالح و مزاحم بدانند و نسبت به آن، حالت ضدیت پیدا کنند. این، منافاتی با انقلابی بودن آنها ندارد. لذا فکر می‌کنم نباید قانع باشـیم کـه مـردم ضد انقلاب نمی‌شوند. باید کاری بکنیم که مردم بـی‌تفـاوت نشـوند. دشـمنان مـا آنقدر زیاد هستند که بدون حامی نمی‌توانیم کارهای خود را انجام دهـیم. احتیـاج به حامی داریم که فقط مردم هستند. نباید حمایت از نظام را در خارج از مرزهای ایران جستجو کنیم. دوست‌یابی خوب است که با دیگران همکاری و تعامل کنـیم. اما نباید فکر کنیم که آنها از سیستم نظام اسـلامی حمایـت مـی‌کننـد. مـن چنـین انگیزه‌ای را در بیرون از ایران نمی‌بینم. افرادی هستند، اما قـدرت‌هـا، دولـت‌هـا و جریان‌ها این کار را نمی‌کنند. لذا نباید بگذاریم مردم ما بی‌تفاوت باشند.[1]

وی در بخش دیگری از این مصاحبه گفت:

جوانان ما گذشته‌ی ایران را در دروس تـاریخِ مدرسـه و دانشـگاه تـا حـدودی می‌خوانند از دوران قبل از اسلام می‌گذریم کـه در ایـران چـه مـی‌گذشـت. بـه دوره‌ای می‌پردازیم که اسلام به ایران آمده است به همه‌ی این دوره‌ها کـه نگـاه کنید، متوجه می‌شوید که نوعاً توده‌ی مردم معمولاً جز در کارهای شخصی خود دخالتی در حکومت‌ها نداشتند یا مثلاً هر وقت نیـاز مـی‌شـد بـه عنـوان لشـکر حاکمان وارد عمل می‌شدند. البته این وضع مربوط به ایـران نبـود بلکـه وضـع عمومی جهان بود و اروپـا دوران تاریـک قـرون وسـطی را مـی‌گذرانـد. مـوج دموکراسی برای اولین بار در تاریخ معاصر، در مشروطه، در ایران پیدا شـد کـه علما پیش‌قدم شدند و مجلس را برای ایران به ارمغان آوردند. منتها خیلـی زود از دست ایران گرفتند و حالت شاهنشاهی تا سال ۱۳۵۷ ادامه پیدا کرد که شاهد دیکتاتوری شدید در ایران بودیم که پشتیبانی خارجی‌ها از آنان در حدّ اعلا بود. آمریکایی‌ها، در همه‌ی کارهای اساسی تصمیم با آنها بود. از لحـاظ اقتصـادی و

۱. روزنامه **همشهری**؛ ویژه‌نامه‌ی انتخاباتی، ۳۰ اردیبهشت ۸۸

سیاسی کاملاً وابسته به خارج بودیم. منافع استکبار و استبداد هماهنگ شده بود و همدیگر را حفظ می‌کردند. مثل دو لبه‌ی قیچی که به تنهایی کارایی ندارند، ولی وقتی با هم هستند می‌توانند کارهای زیادی کنند. آنچه در این حرکت قیچی می‌شد منافع و آرای مردم بود. برای اقناع مردم چیزهای سطحی به مردم می‌دادند و مردم روستاها و مناطق محروم هم هیچ فکری برای آینده نداشتند. سرمایه‌ی دیگری که ایرانیان داشتند دین بود که برنامه‌ی حذف آن را از زندگی مردم داشتند. انقلاب این فرصت را به مردم داد که اولاً سرنوشت خود را به دست بگیرند. ثانیاً شرّ استکبار و استبداد را از سر مردم کوتاه کرد و این قیچی مزاحم را بیرون انداخت. مردم بودند که می‌بایست کار می‌کردند. البته انقلاب را هم مردم کردند. چون اگر آنها نبودند، کسی نمی‌توانست بر آنان پیروز شود. از وقتی که به یاد دارم، همیشه جمعیت محدودی مبارزه می‌کردند ولی همیشه خیلی زود سرکوب می‌شدند. وقتی به عنوان مبارز خود را نشان می‌دادند، یا زندانی، یا اعدام یا تبعید می‌شدند. مردم این کار را با رهبری امام و روحانیت به جایی رساندند و این فرصت را برای خود مهیا کردند. یعنی فرصت این‌که از دین خود استفاده کنند. از شر استکبار و استبداد نجات پیدا کنند و خودشان درباره‌ی سرنوشت خود تصمیم بگیرند. ما که مسئول بودیم کادر را درست کردیم و تعیین ساختار را بر اساس قانون اساسی به رأی مردم گذاشتیم. الآن هر جایی پیدا کنید مستقیم و غیرمستقیم به رأی مردم برمی‌گردد. بنابراین فرصت در ایران استثنایی است. شما تاریخ چند هزار ساله‌ی ایران را بخوانید و ببینید آیا تا به حال این اتفاق در ایران افتاده بود؟ من می‌گویم این اتفاق فقط در انقلاب اسلامی افتاد. موارد زیادی است که نمی‌توانم در یک مصاحبه‌ی کوتاه به تفصیل بگویم اکثر مواردی که بخواهیم نام ببریم در همین توضیحاتی که دادم، می‌گنجد. تهدیدها هم از این نوع است. چون استبداد و استکبار که دستشان را از ایران کوتاه کردیم. برنامه‌ریزی کردند که برگردند تا انقلاب را بشکنند و مردم را از صحنه خارج کنند. این کار با شورش‌ها شروع شد که خوابانده شد. برنامه‌ی تجزیه‌ی ایران در خوزستان، بلوچستان، ترکمن صحرا و حتی آذربایجان را داشتند که این فتنه هم برطرف شد. جنگ را بر ما تحمیل کردند که با هزینه‌ی زیاد، کشور و انقلاب را حفظ کردیم. جنگ افروزها را هم می‌بینید که چه به روز آنها آمده است. صدامی‌ها، منافقین و حتی حامیان اصلی

آنها که آمریکایی‌ها بودند، الآن دچار مشکلات فراوانی در منطقه شدند. آنها فکر می‌کردند خونریزی هشت سال جنگ آنقدر ما را ضعیف می‌کند که نمی‌توانیم تحرک تازه‌ای داشته باشیم. فکر می‌کردند جنگ کافی است که ما زانو بزنیم و بگوییم شما بیایید مشکلات ما را حل کنید و تسلیم شویم که هدف اصلی آنها بود. این هم نشد. با تدبیر درست توانستیم کشور را بسازیم، خرابی‌های جنگ را جبران کنیم. زیربناها را بسازیم. حقیقتاً دوران سازندگی، عقب افتادگی‌های گذشته را جبران کرد که کار بسیار بزرگی بود و کشور در مسیر درست افتاد. البته هنوز هم آن تهدیدها باقی است. دشمنان در این تهدیدها حتی در برنامه‌های کودتا شکست خوردند، اما دست‌بردار نیستند. چون ایران طعمه‌ای است که هوس حریص‌های دنیا را تحریک می‌کند و دنبال ایران می‌آیند. موقعیت جغرافیایی و طبیعی ایران، هوش سرشار ایرانیان که اگر نگوییم درجه‌ی اول دنیا، باید بگوییم جزو درجه اول‌های دنیا هستند و منابع سرشار ایران آنها را حریص می‌کند و این تهدید باقی است.

اگر بخواهیم هر کار بزرگ و بنیانی بکنیم، آنها مخالفت می‌کنند. ما هم باید هوشیار باشیم تهدیدهای اصلی و فرصت‌های اصلی را گفتم. آنچه که می‌تواند این تهدیدها را جدی کند، این است که از اصل عواملی که ما را پیروز کرد، غفلت کنیم. چه عواملی ما را پیروز کرد؟ مردم و حضور آنها در صحنه بود. چرا مردم به صحنه آمدند؟ به خاطر این‌که اولاً مسلمان بودند، ثانیاً مظلوم بودند و می‌دیدند حق آنها در دست دیگران است، آمدند که صاحب حق خود شوند. آمدند مسلمان بمانند. اگر این شرایط را از مردم بگیریم، عوامل دفع تهدیدات را از دست می‌دهیم و سرمایه‌ی ما بر باد می‌رود و تهدیدات به قوت خود باقی خواهد ماند.[۱]

وی همچنین در اولین روز از خرداد ماه ۸۸ در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران گفت:

از لحاظ شرعی هم، در اسلام قطعاً بدون حضور مردم و اراده‌ی مردم حکومت اسلامی «محقق» نخواهد شد. ما افرادی را داریم که فکر می‌کنند به صرف این‌که فقیه جامع‌الشرایط به عنوان نایب امام زمان(عج) در رأس امور کشور است اینجا دیگر حکومت اسلامی شکل گرفته است. اگر مردم نباشند این فقیه چگونه می‌تواند کار بکند؟ اگر اراده‌ی مردم نباشد مگر می‌شود حکومت تشکیل داد؟ مگر می‌شود

---

۱. همان

کاری کرد؟ به علاوه مگر همین فقیه در قانون اساسی ما بدون اراده‌ی مردم نصب شده است؟ مردم خبرگان را انتخاب کردند و خبرگان رهبری را.

بگذریم از شخص امام که خودشان همه چیز انقلاب بودند و با مردم و بدون رأی دیگران آمدند، فقط با اراده‌ی مردم. ولی قانون اساسی ما این است. پس خود رهبری «همان فقیهی که مشروعیت نظام به او متکی است»، همان هم اگر آرای مردم را نداشته باشد، نیست. بنابر این حضور مردم در همه‌ی زمینه‌ها کارساز و مشروعیت دهنده است.[1]

وی در تاریخ سوم خرداد ماه در اولین جشنواره‌ی فرهنگی هنری پایداری ملی (پدافند غیرعامل) گفت:

اتکا به مردم از وحدت مهم‌تر است. خداوند می‌فرمایند: «اگر تو پیروز شدی به خاطر اتکای به مردم بوده» و ما هم در هشت سال دفاع مقدس این امر را تجربه کردیم. اگر اتکا به مردم نداشتیم شکست می‌خوردیم. اتکا به مردم و پدافند غیرعامل تنها در موارد نظامی نیست بلکه در همه‌ی موارد است و بستر اصلی جلوگیری از نفوذ دشمن محسوب می‌شود. اگر اتکا به مردم وجود داشته باشد، اتحاد خود به خود در جامعه ایجاد می‌شود.[2]

وی در تاریخ ۲۰ خرداد ماه در دیدار اعضای «مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات نهج‌البلاغه»، این کتاب را حاصل عمر حضرت علی علیه‌السلام عنوان کرد و گفت:

افکار عمومی از منظر حضرت علی علیه‌السلام اهمیت بالایی داشت و وجود اعتماد میان مردم و حکومت را برای حسن اجرای امور ضروری می‌دانستند. حضرت علی علیه‌السلام تکیه بر وجدان جمعی توده‌ی مردم را به عنوان عاملی که خطاپذیر نیست عنوان می‌کردند و بر ارزش افراد با توجه به واقعیات و صلاحیت‌های آن‌ها تأکید داشتند.[3]

وی همچنین در تاریخ ۲۶ تیر ماه در خطبه‌ی نمازجمعه‌ی تهران به تفصیل درباره‌ی

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲ خرداد ۸۸

درباره‌ی مشروعیت ولایت فقیه از نگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ر.ک: صنعتی، رضا؛ *مشروعیت آسمانی*، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.

۲. همان؛ ۴ خرداد ماه ۸۸

۳. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸

نقش مردم در حکومت اسلامی سخن گفت. وی در بخشی از خطبه‌های اول نمازجمعه گفت:

آیه‌ای که اول صحبتم خواندم، آخر سوره‌ی توبه است پیغمبرﷺ را معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ﴾[1] یک فرستاده‌ای از سوی خدا آمد که از خودتان است یعنی از جنس بشر است و [از] توده‌ی خودِ مردم است. دو، سه صفت پیغمبرﷺ را رویش تکیه می‌کند. ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ﴾[2] از خودتان است. دوم این است که این‌قدر به شما مهربان است که هر چه که بر شما مشکل است او هم برایش مشکل و سخت است. یعنی مثل خود ما و خود شما در جریان زندگی شما در غم و شادی شما شریک است. ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ﴾[3] دنبال منافع و سعادت شماست. ﴿بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾[4] و قلبی دارد مملو از رأفت و رحمت برای نیروهای اسلامی که در خطه‌ی تاریخ اسلام قرار می‌گیرند. این پیامبر است. من می‌خواهم عرض کنم شما یادتان است که من بحثم در آن خطبه‌ها این بود که نظام چگونه شکل گرفت. یکی از معجزات بزرگ پیغمبرﷺ در آن زمان این بود که موفق شد در آن دوران عجیب در یک منطقه‌ی کاملاً جاهلی که یک مکتب‌خانه هم نبود و تعداد باسوادهایی که بنویسند و بخوانند به اندازه‌ی تعداد انگشتان دست و پا بود، تأسیس یک مکتبی را در آن جامعه داشته باشد که این مکتب بعد از ۱۴۰۰ سال هم امروز قوی‌ترین مکتب انسانی دنیاست و برای آینده تا قیامت هم باید همه‌ی دنیا را اداره کند و این کار از یک انسان معمولی ظاهری درس نخوانده‌ی تحصیل نکرده و بدون سابقه‌ی حکومت‌داری و بدون حرفه‌ای که دیگران در این راه داشتند با راهنمایی خدا که از طریق جبرئیل امین انجام می‌شد و با امانتی که **در شخص خود پیغمبرﷺ بود که آن روز قبل از آمدن اسلام به نام «امین» در مکه شناخته می‌شد این شرایط را حضرت رسول اکرمﷺ داشتند و با این شرایط توانستند این کار عظیم را شکل بدهند... به محض ورود به مدینه اولین**

---

۱. *توبه*: ۱۲۸
۲. همان
۳. همان
۴. همان

کارشان این بود که باز پایگاهی بسازند که با مردم سر و کار داشته باشد و مسجد را در مدت کوتاهی [ساختند.] اولاً زمین حلالی پیدا کردند و با مشارکت مردم که مصالح می‌آوردند در مدت کوتاهی ساختند. خود پیغمبرﷺ مثل مردم دیگر در آوردن مصالح کار می‌کرد. خانم‌ها شب مصالح می‌آوردند، آقایان روز مسجد می‌ساختند. البته مسجد به شکلی که ما حالا در ذهنمان هست نبود دیواری نسبتاً کوتاه و سقفی با چوب و حصیر و زمینی با سنگ ریزه‌ها مفروش و در کنار آن هم چند حجره ساختند که پیغمبر و یاران نزدیک‌شان آنجا زندگی می‌کردند. آنجا پایگاه حکومتی پیغمبرﷺ بود و از این به بعد گروه گروه مردم مدینه می‌آمدند با پیغمبرﷺ بیعت می‌کردند. شرط خودشان را می‌گفتند، پیغمبرﷺ هم مطالبات خودشان را می‌گفتند و در چنین شرایطی توانستند آن افکار اصیل اسلام را برای مردم توضیح بدهند. نتیجه این شد زمینه‌ی حرکت حکومتی پیغمبرﷺ همان سال اول در مدینه شکل گرفت. آنچه که رویش می‌شود تکیه کنیم از افکار اسلامی دو چیز است یکی «خدا» و دیگری «مردم» و واسطه‌ی مردم و خدا هم یک انسانی از جنس مردم که با مردم پیام را بیاورد.

شما قرآن را که نگاه بکنید کلمه‌ی «الله» را در حدود ۳۰۰۰ مورد می‌بینید به کار رفته و کلمه‌ی «انسان» و «ناس» در حدود ۴۰۰، ۵۰۰ مورد و مشتقاتش به کار رفته [است.] اساس این است. یعنی پیامبرﷺ سروکارشان نه با زور بود و نه با قدرت؛ با مردم بود.

با مردم وفادار، کشورشان را اداره کردند دشمنان‌شان را سر جای خودشان نشاندند و کار مهم‌ترشان ایجاد الفت و وحدت بود... پیغمبرﷺ مواظب بود هیچ حقی از هیچ انسانی در قلمرو حکومتش و بین خود افراد ضایع نشود. این قدر مطلب داریم در اینجا که چند کتاب است و الحمدلله فراوان است و شما می‌توانید بخوانید. آخرین حرکتی که خود پیغمبرﷺ در روزهای آخر عمرشان کردند برای ما مَثَل خیلی خوبی است. شاید چند ساعت از عمر پیامبرﷺ مانده بود که به کمک دیگران به زحمت از حجره به مسجد آمدند و ایستادند یا نشستند روی پله‌ی منبر و به مردم فرمودند: من آمدم از شما خداحافظی بکنم و به شما می‌گویم اگر وعده‌ای به شما دادم و عمل نکردم الآن بگویید. این خلف وعده من را نگذارید به آخرت بیفتد. اگر به کسی ستم کردم کسی از من طلبی دارد، مطرح کنید که من طلب را بپردازم. قیامت سخت است؛

من نمی‌خواهم مطالباتم به آخرت بیفتد. این شخصیت این‌چنین بنیانی گذاشت. ما امروز یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون انسان را عاشق این دین می‌بینیم و هر روز هم رو به توسعه است.[1]

وی در بخشی از خطبه‌ی دوم همین نماز با تأکید بر نقش مردم در نظام اسلامی و اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی‌رحمه‌الله گفت:

شما این حرف‌هایی که از من می‌شنوید، از کسی دارید می‌شنوید که از پیش و لحظه‌ی شروع مبارزات که امام راحلمان آغاز کردند، لحظه لحظه همراه انقلاب بوده و صحبت از ۶۰ سال پیش است و تا امروز. ما می‌دانیم که امام چه می‌خواستند و می‌دانیم که اساس تفکر امام چه بود. امام حتی در مبارزاتشان وقتی پیشنهادی می‌آمد که مثلاً از اسلحه استفاده بشود از ترور استفاده شود و یا با فلان حزب همکاری کنیم، امام می‌فرمودند: «آنچه که من می‌خواهم مردمند. شما هرچه می‌توانید کار کنید تا دل مردم را با مبارزات آشنا کنید.» و به ما طلبه‌ها می‌فرمودند که «شماها رسالت‌تان این است که بروید منبر و مسجد و حسینیه‌ها و روستاها؛ بروید و توضیح بدهید که ماها چه می‌خواهیم. مردم اگر همراه ما باشند ما همه چیز داریم». مخالفتی نمی‌کردند که گروه‌ها و احزاب هم مبارزه کنند ولی آنی که انقلاب اسلامی بود همان راه پیغمبر بود که اول مردم را با میل خودشان و اختیار خودشان و اعتقاد خودشان پای کار بیاورند. این هنر بزرگ امام بود که موفق هم شدند. کمتر از ۲۰ سال طول کشید که مردم آنچنان آگاه شدند. خب! هزینه‌ای هم پرداختیم. شهید دادیم، زندانی دادیم، تبعید امام را داشتیم و خیلی چیز داشتیم ولی سودمان خیلی بیشتر بود. مردم آن‌چنان آگاه شدند که شما و آنهایی که سن‌شان اقتضا می‌کند، می‌دانند که یکی، دو سال آخر، مردم چطور به خیابان‌ها آمدند و همین خیابان‌های پر از نیروهای حامی امام و معتقد و همراه امام، کمر دولت بسیار مغرور و متکبر رژیم پهلوی را که آن موقع از ارتجاع و شرق و غرب کمک می‌گرفت و به خاطر گران شدن نفت هم انبار پولش پر بود و هر کاری که می‌خواست، می‌توانست بکند. ولی این مردم آمدند و آن‌چنان ابهت مردم آنها را گرفت که ول کردند و رفتند و این‌طور پیروز شدیم. بعد از انقلاب هم ما با امام تقریباً روزانه کار می‌کردیم. امام مبنای

---

۱. *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۲۷ تیر ۱۳۸۸

فقهی‌شان و همه چیزشان این بود که حکومت اسلامی بدون حضور مردم نمی‌شود. اگر مردم راضی نباشند این حکومت انجام نمی‌شود و یک روایتی من از زمان امام شنیدم. آن‌موقع نپرسیدم که سندش کجاست. بعداً خودم رفتم و سندش را پیدا کردم. روایت جالبی است که مبنای استدلال امام بود. البته خیلی بیش از اینهاست. ایشان هم منابع فقهی و قرآنی فراوان دارند و این روایت هم خیلی صریح است و نقشی که امام به مردم می‌دادند و من آن روایت را یادداشت کردم و از کتاب «کشف المحجة» سید ابن طاووس که یکی از علمای بسیار با ارزش قرن هفتم ماست و شخصیت بسیار عظیمی است. خواهش می‌کنم به این روایت توجه کنید. این مبنای تفکر... نه این‌که این فقط... این صریح‌ترین روایت است که خود حضرت علی بن ابیطالب عليه السلام می‌فرماید: یک روز پیغمبر صلی الله علیه و آله ... در همان روزهایی که عرض کردم پیغمبر مهموم و نگران آینده بود در سال آخر عمرش آن‌را به علی‌بن ابیطالب عليه السلام گفته: «*یا بن ابیطالب لك ولاء امتي*»[1] این بعد از غدیر است. یعنی تو ولی این امت هستی و ولایت مال توست؛ چیزی که خدا به تو داده است. «*فان ولوك في عافية و اجمعوا عليك بالرضا فقم بامرهم*» اگر دیدی این مردم راضی بودند و آمدند تو را قبول کردند، به تو با اجماع این سمت را دادند ـ البته اجماع نسبی است؛ تام نمی‌شود ـ یعنی به اندازه‌ی کافی و لااقل اکثریت آنها جمع شدند دور شما، اگر آمدند شما بپذیر و متولی امر شو و کارشان را اصلاح کن... و قسمت بعدی می‌گوید «*و إن اختلفوا عليك*» اگر دیدی اختلاف کردند و آن مقداری که باید بیایند، نیامدند با تو، «*فدعهم*» ولشان کن «*و ما هم فيه*». بگذار کاری که می‌خواهند، بکنند. خودشان می‌دانند «*وان الله سيجعل لك مخرجاً*» و خداوند برای تو راهی پیدا می‌کند که به اهدافت برسی. این روایت از روایات معتبر است؛ ناقل آن هم که سند معتبری را ارائه می‌کند، سید بن طاووس است. نه این‌که ما فقط این روایت را داریم بلکه خیلی داریم؛ کتاب داریم. کتاب‌ها داریم و من فقط یک روایت صریحی را خواندم. مبنا این بوده، مبنای حکومت پیغمبر این بوده که ما در جمهوری اسلامی بنا شد این کار را بکنیم. بنا شد با این مردم باشیم و این مردم هم خیلی خوب آمدند و بر اساس همین تفکر امام، روزی که امام مهندس

---

۱. *کشف المحجة لثمرة المهجة*، پیشین، صص ۲۴۸ـ۲۴۹

بازرگان را به عنوان رییس دولت موقت معرفی کردند ما هنوز دولت را تحویل نگرفته بودیم و هنوز بختیار اینجا بود و او دولت داشت و امام آن‌قدر عجله داشتند که کارها را به مردم بدهیم و در حکمی که به مهندس بازرگان دادند و من آن‌را خواندم، شما ببینید همان روز ایشان می‌گوید: اولویت شما این است که اولاً دوره‌ی شورای انقلاب را کوتاه کنید. یعنی زودتر مجلس را تشکیل دهید و قانون اساسی را بنویسید که از آن به بعد مردم با قانون اساسی جدید زندگی کنند. وقتی که قانون اساسی را تهیه می‌کردیم، قبل از این‌که به مجلس خبرگان بدهیم امام روی آن نظر دادند و ایشان آن اصولی که مربوط به مردم می‌شد را تقویت کردند. شوراها را دیگران مطرح کرده بودند اما امام آنها را تقویت کردند و کار را به مردم دادند. بعداً ما وقتی کشورهای دیگر را می‌دیدیم، آنها می‌گفتند: ما تعجب می‌کنیم! الجزایر می‌گفت: ما ۲۰ سال بعد از انقلاب‌مان قانون اساسی را نوشتیم. شما چطور به این زودی و نسنجیده می‌روید، این کارها را انجام می‌دهید؟ ما می‌گفتیم چون با قدرت مردم پیروز شدیم و می‌دانیم این مردم از انقلاب‌شان و از دین‌شان حمایت می‌کنند، نگرانی نداریم و درست هم بود. شماها می‌دانید که از لحاظ قانون اساسی همه چیز کشور ما به رأی مردم است. از رهبری بگیرید که باید مردم خبرگان را انتخاب کنند، یعنی مخلوق رأی مردم [است]. رییس جمهور را مردم باید مستقیم انتخاب کنند. مجلس را باید مردم مستقیم انتخاب کنند و مردم باید اعضای شوراها را مستقیم انتخاب کنند و افرادی که بعد از اینها سِمَت می‌گیرند به اتکای رأی مردم است. یعنی این مردم هستند و این حکومت دینی است. این جمهوری اسلامی یک لفظ تشریفاتی نیست. هم «جمهوری» است و هم «اسلامی» است. جمهوری اسلامی یک لفظ نیست بلکه یک واقعیتی است که از عقاید ما، از قرآن ما، از روایات ما و از ائمه‌ی ما و از پیغمبر ما به ما رسیده و ما به آن اعتقاد داریم و این دو تا باید با هم باشد. مطمئن باشید که اگر یکی از این دو تا آسیب ببیند ما دیگر آن انقلاب را نداریم. اگر «اسلامی» نباشد اصلاً داریم به بیابان و بی‌راهه می‌رویم و اگر «جمهوری» نباشد اصلاً قابل تحقق نیست. آنجایی که مردم نباشند، رأی مردم نباشد، آن حکومت اسلامی نیست و به همان دلیل که عرض کردم و به همان دلیل که علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام ۱۹ سال خانه‌نشین بود و وقتی که دوباره مردم آمدند و به قول علی

بن ابی‌طالب علیه‌السلام مثل یال اسب و موهای یال اسب در خانه‌اش تراکم جمعیت بود، آن موقع علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام پذیرفت و با آن مشکلاتش می‌پذیرد. راه ما این بوده و ما باید به اینجا برسیم و روز به روز هم باید آن‌را تقویت کنیم.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۶ آبان ماه نیز در دیدار جمعی از «نمایندگان ادوار غرب کشور» محور اصلی نظام در دوران مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را جلب اعتماد مردم دانست.[۲]

وی همچنین در تاریخ اول آذر ماه در دیدار جمعی از اعضای «انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی»، با بیان سیر و سلوک حضرت امام رحمه‌الله در جریان مبارزات، اتکا و اعتماد به مردم را مهم‌ترین روش و منش ایشان در تمام عرصه‌های پیش و پس از انقلاب خواند و اظهار داشت:

حضرت امام رحمه‌الله همواره آگاهی و انتخاب مردم را مهم‌ترین اصل و ملاک حرکت نهضت اسلامی می‌دانستند و بر همین مبنا نیز انقلاب و سپس نظام جمهوری اسلامی را بر شانه‌ی اعتماد و اتکا به مردم به پیش بردند.[۳]

وی اتکا به مردم را اصلی دینی، اسلامی و قرآنی خواند و تأکید کرد:

نظام اسلامی تا جایی که بر شانه‌های مردم حرکت کرده همواره موفق و پیروز بوده است و اگر مردم را از نظام اسلامی بگیریم به آن خدشه وارد خواهد شد.[۴]

وی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از «فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، گفت:

انقلاب ما براساس اسلام و قرآن است. قرآن جامعه‌ی مؤمن را معرفی کرده است. اصل قرآنی برای اداره‌ی جامعه بر اساس «مقبولیت» است. اگر کسانی عقیده و ایمان نداشته باشند، حتی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هم کار نمی‌کنند و حتی اگر کاری هم کردند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به کارشان اهمیت نمی‌داد. وقتی مردم قبول داشته باشند، با آن جامعه کار می‌کنند. وقتی این حرف را می‌زنم، بعضی از تندروهای جناح به اصطلاح اصول‌گرا

---

۱. *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۲۷ تیر ۱۳۸۸

۲. همان؛ ۱۷ آبان ۸۸

۳. همان؛ ۳ آذر ۸۸

۴. همان

نمی‌پسندند و می‌گویند: «این چه حرفی است که می‌زنید؟ خداوند کسی را تعیین کرده که بر مردم حاکم باشد و رأی مردم هم زینتی است و باید بپذیرند.» خلاصه‌ی مطلب این است و تفاوت از اینجا معلوم می‌شود. توجه داشته باشید که صحبت از «مقبولیت» و «کارایی حاکم» است و نه «مشروعیت».

غیر از روایات و آیات فراوانی که در آن خطبه خواندم، روایتی را خواندم و گفتم: ولایتی روشن‌تر، حقیقی‌تر، مشروع‌تر و الهی‌تر از ولایت حضرت علی‌علیه‌السلام نداشتیم. حضرت علی‌علیه‌السلام منصوب بود. یعنی خداوند به پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله دستور داد که اعلان کند. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله می‌دانست که سخت است. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در غدیر خم که مناسبت امروز ماست، با آن شرایط و آن زمینه‌ها در مقابل همه‌ی جمعیت، علی‌علیه‌السلام را معرفی کردند. اما چند ماه نگذشت که دیدیم مردم چه کار کردند. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله خصوصی به حضرت علی‌علیه‌السلام مطالبی را فرمودند. صدور روایتی را که آن روز در خطبه خواندم، خیلی اهمیت دارد که می‌گویم چگونه صادر شد. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت علی‌علیه‌السلام گفتند: از طرف خداوند حق ولایت داری، ولی اگر مردم قبول کردند اداره کن و اگر قبول نکردند، خود را تحمیل نکن و بگذار هرگونه که می‌خواهند، جامعه‌ی خود را اداره کنند. شأن نزول این جمله از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله و این‌که حضرت امیرعلیه‌السلام کی این مطلب را گفتند، مهم است. بعد از جنگ جمل، صفین و نهروان که عمدتاً مسلمانان در آن جنگ‌ها، آن هم در زمان حضرت علی‌علیه‌السلام کشته می‌شدند، انتقاد خیلی زیاد شد. از در و دیوار به حضرت علی‌علیه‌السلام انتقاد می‌کردند که امروز چه وضعی است که مرتباً جنگ می‌کنیم و آدم می‌کشیم یا کشته می‌دهیم. دیروز چه وضعی بود که سکوت کردید و دیگران حکومت کردند و حتی شما به آنها کمک و همکاری کردید و مشورت دادید؟ این مطالب را مخلصین می‌گفتند که چرا حق خود را ندیده می‌گرفتید که شرایط به گونه‌ای شد که مردم برای نجات به شما روی آوردند؟ حالا که پذیرفتید، اوضاع ما این است که الآن ۵ سال است که داریم همدیگر را می‌کشیم. در تمام این ۵ سال جنگ و آدم‌کشی بود. واقعاً از در و دیوار انتقاد می‌بارید.

حضرت علی‌علیه‌السلام در یک جلسه، ۱۰ نفر از خصیصین اصلی و حواریّون مورد اعتمادشان را جمع کردند و برایشان داستان طولانی از زمان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله تا آن روز را توضیح دادند که «پیامبر چه گفتند؟ دعوتشان چگونه شکل گرفت؟ سقیفه چگونه انجام شد؟ در زمان خلفای اول، دوم و سوم چه مواضعی گرفتم.

در آخر وقتی مردم از همه‌جا مأیوس شدند، اطراف من آمدند و وقتی بدیلی برای من نبود، پذیرفتم؛ آمدم. ولی با شرایطی که درست شده بود، زمینه‌ی جنگ فراهم بود و اتفاق افتاد.» در این مسأله، داستانی که خیلی مهم است این است که حضرت علی‌علیه‌السلام گفتند: «شما ۱۰ نفر در نمازجمعه های منطقه‌های کشور شرکت کنید.» یکی از این ده نفر که شما دعای کمیلش را می‌خوانید، کمیل ابن زیاد و دیگری اصبغ بن نباته بود. حضرت امیرعلیه‌السلام گفتند: «اصبغ که سخنران زبردستی بود، حرف‌های مرا به گونه‌ای که گفتم، برای مردم در نمازجمعه توضیح بدهد و شما ده نفر هم شهادت بدهید.» مثل الآن نبود که مطلبی را بگویند و ظرف مدت کوتاهی همه بفهمند. حضرت در آن جلسه به مجموع سؤالاتی که مطرح بود، جواب دادند و یکی از آن جواب‌ها، همین جمله‌ای بود که خواندم. سید بن طاووس همه‌ی این داستان را از اول تا آخر آورد که واقعاً خواندنی است: «*روي السيد ابن طاووس عن رسائل الكليني، عن علي بن إبراهيم، بإسناده قال: كتب أميرالمؤمنين‌عليه‌السلام كتاباً بعد منصرفه من النهروان و أمر أن يقرأ على الناس، و ذكر الكتاب و هو طويل، و فيه: إن رسول‌الله‌صلى‌الله‌عليه‌وآله عهد إلي عهداً فقال: يا ابن أبي‌طالب لك ولاء أمتي فإن ولوك في عافية وأجمعوا عليك بالرضا فقم بأمرهم، و إن اختلفوا عليك فدعهم و ما هم فيه، فإن الله سيجعل لك مخرجاً. فنظرتُ فإذا ليس لي رافد و لا معي مساعد إلا أهل بيتي فضننت بهم عن الهلاك...*»[1] بحث ما همین بود که حکومت و انقلاب ما با مردم شروع شد. در روزهای اول جمعی از طلبه‌ها جمع شدیم و از امام خواهش کردیم که رساله بنویسند. واقعاً رساله نمی‌نوشتند. وقتی وارد میدان مبارزه شدند، طلبه‌هایی اطراف ایشان بودند که ما هم از آنها بودیم. ایشان همیشه روی مردم تکیه می‌کردند تا آخر هم روی این نکته تأکید داشتند. می‌گفتند: «اگر مردم جمع شوند، می‌توانیم کاری کنیم و اگر جمع نشوند، خودتان را اذیت نکنید، چون نمی‌توانیم کاری بکنیم.» بعد از ۱۵ خرداد که آن کشتار شد، خیلی‌ها به فکر مبارزه‌ی مسلحانه بودند. چون سرخورده شده بودند و رژیم پهلوی هم خیلی خشونت کرد و مردم را آن‌گونه قتل‌عام کرد. معلوم شد که رژیم حرف‌های مردم را نمی‌پذیرد. تا آن روز مردم حرف‌های خود را در تظاهرات می‌گفتند. هم در جریان تصویب‌نامه‌ی دولت و هم در جریان به

---

۱. *كشف المحجة لثمرة المهجة*، پیشین، صص ۲۴۸ـ۲۴۹

اصطلاح اصول انقلاب سفید شاه، با تظاهرات مردم علیه رژیم مواجه بودیم و فقط بیانیه می‌دادیم و مردم جمع می‌شدند. در مساجد و حسینیه‌ها اعتراض بود. پس از برخوردی که در ۱۵ خرداد با مردم شد، کسانی که در مبارزه جدی بودند، گفتند: این درست نیست که ما به عنوان اعتراض جمع شویم و آنها ما را بکشند، ما هم باید بکشیم. ولی امام(ره) نمی‌پذیرفتند و می‌گفتند: «باید مردم را داشته باشیم که اگر داشته باشیم، بقیه‌ی مسایل در جای خود حل می‌شود.» امام(ره) تبعید شدند و مبارزات مسلحانه شروع شد. البته چند سالی در کمون و خفی بود و از سال ۴۸ و ۴۹ خیلی علنی شد. البته قبل از آن «مؤتلفه» با ترور منصور اقدام کرد که همان اقدام باعث سرکوب شدید مؤتلفه شد و بعد از آن «حزب ملل اسلامی» با مشی مبارزه‌ی مسلحانه شکل گرفت و آقایان کاظم بجنوردی و حجتی کرمانی جزو آن گروه بودند که لو رفتند. گروه‌هایی هم بودند که لو نرفتند. از سال ۴۹ مبارزه‌ی مسلحانه علنی شد. امام(ره) در آن موقع کارشان را نه تأیید و نه محکوم می‌کردند. می‌پرسیدیم، می‌گفتند: «اینها کار خودشان را می‌کنند، ولی راه ما مردمی است. باید با مردم سر و کار داشته باشیم.» سرانجام هم این‌گونه شد. ده، پانزده سال افشاگری به جایی رسید که مردم به خیابان‌ها آمدند و انقلاب پیروز شد. واقعاً مردم بودند که انقلاب را پیروز کردند. ما در زندان بودیم، اصلاً مأیوس بودیم که روزی ما را آزاد کنند. دوره‌ی زندانی افراد تمام می‌شد، ولی می‌گفتند: باید آن‌قدر بمانید که زیر پاهایتان علف سبز شود یا موهای سرتان مثل دندان‌هایتان سفید شود. این تعبیرات را ساواکی‌ها خیلی به کار می‌بردند و دوران محکومیت خیلی‌ها تمام شده بود، ولی سال‌ها در زندان مانده بودند. به هر حال مردم آمدند و ما را از زندان‌ها بیرون آوردند. البته مبارزه ادامه داشت. کار با مردم به سرانجام رسید. در دوران جنگ که بدترین مرحله پس از پیروزی انقلاب بود، حقیقتاً اگر داوطلب‌های مردمی به میدان نمی‌آمدند، شک نکنید که ارتش و سپاه نمی‌توانستند با آن همه دشمن بجنگند. مردم در قالب بسیج به سوی جبهه‌ها هجوم آوردند. مردم در جبهه و موقع عملیات، داوطلبانه و عاشقانه سد دفاعی دشمن را می‌شکستند. ما به عنوان مسئولان جنگ، ظرفیت پذیرش بیشتر مردم را نداشتیم و امکانات پذیرش و آموزش و لجستیک محدود بود. اگر می‌توانستیم بپذیریم، همیشه سراسر جبهه‌ها پُر از رزمندگان داوطلب از جوانان

پانزده، شانزده ساله به بالا بود. لذا من در آن خطبه گفتم که براساس آن روایت معتبر که سیدبن طاووس آورده و با تبعیت از مشی امام علی(ع) و امام حسن(ع)، باید با مردم سر و کار داشته باشیم. اگر مردم ما را قبول دارند، بمانیم و اگر قبول ندارند، هرکسی را که قبول دارند، برای حکومت به سرکار می‌آورند. مردم ما مسلمان و معتقدند و نمی‌خواهند به طرف کفر بروند و کار خودشان را می‌کنند و اصولاً مقتضای انتخابات همین است که در قانون اساسی و قوانین عادی ما آمده. خطبه‌ی اول کاملاً به این موضوع اختصاص داشت و در خطبه‌ی دوم این اصل را به راه خودمان تطبیق کردم و گفتم از همان ماه‌های اول پیروزی، همه‌ی کارهای خود را مردمی و انتخاباتی کردیم. در تاریخ انقلاب‌های دنیا هیچ انقلابی را مثل انقلاب اسلامی نمی‌شناسیم که مبارزه، پیروزی، تثبیت و تداوم آن با تکیه بر مردم باشد. زمانی که مبارزه می‌کردیم، هر سال چند انقلاب سرخ در دنیا اتفاق می‌افتاد که مردم را هرگونه که می‌خواستند، تهجیر می‌کردند و به این طرف و آن طرف می‌فرستادند تا انقلابشان را تثبیت کنند و خیلی‌ها را می‌کشتند و یا در اردوگاه‌های کار اجباری نگه می‌داشتند. بعضی از شما جوان هستید و شاید تاکنون فرصت مطالعات تاریخی پیدا نکرده‌اید که انقلاب‌های سرخ با مردمی که بودند، چه می‌کردند! حکومت‌ها را ساقط می‌کردند، ولی پس از سقوط حکومت‌هایی که نوعاً استبدادی بودند، با مردم ناسازگار می‌شدند. انقلاب اسلامی به هیچ وجه چنین کارهایی نکرد. از همان روزهای اول با برگزاری انتخابات، کشور را دموکراسی کردیم. اصل ماهیت نظام را با رأی مردم برگزیدم و سپس قانون اساسی را به رفراندوم مردم گذاشتیم. الجزایری‌ها ۲۰ سال پس از انقلابشان قانون اساسی نوشتند و ما ظرف دو سال اول نوشتیم. البته همین عجله کردن‌ها و خامی، نواقصی را متوجه کار ما می‌کرد؛ اما امام(ره) می‌خواستند که در همه‌ی امور نظر مردم را داشته باشیم. فقط یک دولت موقت تشکیل دادند و در حکم دولت چند مسئولیت را یادآوری کردند که قانون اساسی را بنویسد، انتخابات مجلس را برگزار کند و تا شروع کار مجلس، کشور را اداره کند. باز هم همه چیز با مردم بود. همین الآن براساس قانون اساسی، رهبری به صورت دو مرحله‌ای از سوی مردم انتخاب می‌شود. رییس‌جمهور و نمایندگان مجلس انتخاباتی هستند. شوراها را تا سطح کارخانه‌ها و روستاها بردیم تا همه‌ی تحرکات جامعه

براساس رأی‌گیری مردم باشد. البته آن موقع در حاکمیت شورایی افراط کردیم و تند شدیم. منتها تفکر آن روز این‌گونه بود که انجام می‌دادیم.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۵ آذر ماه در دیدار جمعی از اعضای «ائتلاف اصلاح‌طلبان» و جمعی از «تشکل‌های دانشگاه آزاد اسلامی مشهد» ایجاد وحدت در اقشار مختلف جامعه را در سایه‌ی تثبیت حقوق مردم امکان‌پذیر دانست و گفت:

همه‌ی طرف‌ها باید با برخوردهای اقناعی و مبتنی بر قانون برخورد کرده و این کار به بازگشت اعتماد عمومی به جامعه کمک خواهد کرد.[۲]

وی در ادامه این دیدار افزود:

همه‌ی اهداف پیامبرﷺ ایجاد باور و ایمان در جلب اعتماد مردم بود و اهداف انقلاب نیز جلب اعتماد مردم است که بر پایه‌ی آن می‌توانیم وحدت را در کمال صفا و صمیمت و در محیطی عقلانی به دست آوریم.[۳]

وی همچنین در تاریخ ۲۴ آذر ماه و در آستانه‌ی ماه محرم در دیدار «جمعی از روحانیون و وعاظ» گفت:

انقلاب اسلامی با اتکا به نیروی مردم و حمایت آنها از رهبری امام، روحانیت و کمک نیروهای دانشگاهی و بازاریان توانست به پیروزی برسد و تداوم آن در گرو حمایت مردم و حفظ رابطه‌ی مناسب آنها با حکومت اسلامی است. نسل امروز با اتکا به از بین رفتن انحصارهای رسانه‌ای آگاه و مطلع است و در آینده نیز مطلع‌تر خواهد بود و ما نیز باید تلاش کنیم متناسب با زمان، مسائل را برای آنها تبیین کنیم. باید به گونه‌ای با مردم رفتار شود تا آنها احساس کنند نظام به دنبال احقاق حق آنها و حفظ کرامتشان است. قانون اساسی در فصول مربوط به تبیین حقوق مردم بسیار خوب تدوین شده است و مسئولان باید تلاش کنند تا با اجرای کامل آن، اعتماد جامعه را تقویت نمایند... بر اساس آموزه‌های امام‌رحمه‌الله، حرکت در کنار مردم مهم‌ترین عامل پایداری نظام است و همگان باید قدر انقلاب اسلامی را بدانند و با تنگ‌نظری و کوته‌بینی این فرصت عظیم و تاریخی را زائل نکنند.[۴]

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ آذر ۸۸
۲. همان؛ ۱۶ آذر ۸۸
۳. همان
۴. همان؛ ۲۶ آذر ۸۸

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ دی ماه در دیدار جمعی از «دانشجویان رشته‌ی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب» در پاسخ به سؤالی در خصوص تفسیر نظریه‌ی «زوال دولت» در دیدگاه ابن خلدون تأکید کرد:

> اکنون با وجود نظام‌های دموکراسی در دنیا و انعطاف‌پذیری این دولت‌ها در مقابل خواست و اراده‌ی مردم و تعیین دوره‌های زمانی در انتخاب رؤسای کشورها این نظریه، معنا و مفهوم گذشته را ندارد.[۱]

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به سؤالی در خصوص رابطه‌ی معکوس افزایش درآمدهای نفتی و دموکراسی در کشورهای نفت‌خیز گفت:

> این موضوع در تاریخ بعضی از کشورهای نفتی اتفاق افتاده است و لزوماً به این معنا نیست که همیشه این اتفاق خواهد افتاد. ثروت نفت می‌تواند وجود داشته باشد ولی دولت‌ها همواره باید خود را نیازمند مردم و احزاب و همچنین نهادهای مردم‌سالار ببینند. افزایش قیمت نفت در کشورهایی که سطح سواد سیاسی مردم بالا باشد و حقوق خود را مطالبه کنند تبدیل به عاملی برای پیشرفت و آبادانی خواهد شد.[۲]

وی در تاریخ ۲۹ دی‌ماه در دیدار جمعی از «اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی و مدرسین دانشگاه‌ها» گفت:

> برای اداره‌ی امور نیاز به رضایت و اعتماد مردم داریم و این خواست اسلام است و همه باید در این مسیر حرکت کنیم.[۳]

وی در تاریخ ۶ بهمن‌ماه در دیدار جمعی از «استادان علوم سیاسی دانشگاه‌های قم»، اظهار داشت:

> ساختار نظام اسلامی، متکی بر اسلام و سرمایه‌ی اعتماد مردم است و هرگونه انحراف از آن می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد... اسلامیت و جمهوریت در قانون اساسی جداشدنی نیستند.[۴]

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۱۵ دی ۸۸

۲. همان

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۳۰ دی ۸۸

۴. همان؛ ۷ بهمن ۸۸

وی همچنین در تاریخ ۱۲ اسفند ماه در دیدار جمعی از «ائمه‌ی جماعات مساجد تهران، شمیرانات و کرج» با اشاره به نقش اساسی مردم در حکومت اسلامی گفت:

رشد و گسترش اسلام در زمان پیامبرﷺ با توجه به عشق، علاقه و دلسوزی ایشان برای انسان‌ها و مردم میسّر شد. پیروزی انقلاب اسلامی نیز با همین اتکا به مردم توسط امام امکان‌پذیر شد و اکنون شاهدیم دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی هدف خود را در جدایی مردم از انقلاب و بیرون کردن عشق امام، نظام و ولایت از دل‌های آحاد جامعه پی‌گیری می‌کنند.[۱]

وی در تاریخ ۱۹ اسفند ماه در دیدار «رؤسا و اعضای شوراهای اسلامی شهرها و شهرستان‌های استان تهران» نیز گفت:

اسلام جایگاه ویژه‌ای برای نقش مردم در حکومت قائل است و آموزه‌های امام راحل نیز مردم را از پایه‌های اصلی حکومت می‌داند و در زمان فعلی با رشد و گسترش رسانه‌ها، هر حکومتی که پایه‌های مردمی نداشته باشد پایدار نمی‌ماند.[۲]

۴. حفظ وحدت و مقابله با عوامل ایجاد اختلاف

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۸۸ بارها بر اهمیت حفظ وحدت، اتحاد و همدلی تصریح کرد. وی در تاریخ سوم خرداد ماه در اولین جشنواره‌ی فرهنگی هنری پایداری ملی (پدافند غیرعامل) گفت:

خداوند بر دو پدافند غیرعامل تأکید کرده که یکی وحدت است و می‌فرماید اگر با تفرقه با دشمن مواجه شوید شکست می‌خورید؛ پس یکی از مسائل مهم در پدافند غیرعامل، همدلی و اتحاد جامعه است. مورد دوم اتکا به مردم است... اگر اتکا به مردم وجود داشته باشد اتحاد خود به خود در جامعه ایجاد می‌شود.[۳]

وی همچنین پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهور در تاریخ ۷ تیر ماه در جمع خانواده‌های شهدای این روز، انتخابات صحیح را عرصه‌ی تحکیم همدلی و همکاری و تبدیل رقابت‌ها به رفاقت‌های پس از انتخابات ذکر کرد و گفت:

---

۱. همان؛ ۱۵ اسفند ۸۸
۲. همان؛ ۲۰ اسفند ۸۸
۳. همان؛ ۴ خرداد ۸۸

نباید سوء عملکردها موجب تشدید کینه و تفرقه میان مردم شود و باید همه با همدلی و همکاری برای رفع موانع و مشکلات گام برداریم.[۱]

وی همچنین در تاریخ ۲۶ تیر ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ضمن اشاره به تاریخ اسلام گفت:

کار مهم‌تر [پیامبر اسلامﷺ] ایجاد الفت و وحدت بود. پیغمبرﷺ اولین مسئله‌شان این شد که مدینه را متحد کند. با قبایل مدینه پیمان بست که آن پیمان خواندنی است. ان‌شاءالله آنها که اهل تحقیق هستند این پیمان‌ها را بخوانند. ببینید چی گنجانده شده؛ بعد به ادیان دیگر پرداخت. یهودی‌ها آمدند، نصرانی‌ها آمدند، مشرکین آمدند؛ اگر ادیان دیگری مثل صائبین و مجوس هم بودند با آنها هم پیمان بستند؛ یک وحدت مثال‌زدنی در مدینه به وجود آمد. کار عمیق‌تری که کردند این بود که مسئله‌ی اخوت اسلامی را مطرح کردند پیمان برادری بین مسلمان‌ها، بین مهاجر و انصار بین افراد قبایل احکام سختی هم این پیمان دارد. پیمان برادری پیمان با احزاب پیمان با فرق و ادیان دیگر مدینه را به یک شهر متحد و نیرومند تبدیل کرد که در ظرف چند سال ـ ۷، ۸ سال طول کشید ـــ این مردم توانستند از یک شهرک کوچک تنه بزنند به امپراطوری‌های بزرگ دنیا. آن طرفشان امپراطوری روم بود و این طرفشان ایران بود و آن طرف‌تر حبشه بود؛ دورتر هم چین و هند و جاهایی بود. اروپا در آن زمان در قرون وسطی و وحشی‌گری زندگی می‌کرد. سابقه‌ی نوع حکومتی که پیغمبرﷺ آورد اصلاً وجود نداشت. قدرت‌ها بودند اما بر اساس زور و با تبعیض و فساد و تحمیل خواسته‌های خودشان، مردم را مطیع خود کرده بودند. اما پیغمبر و اسلام این راه را بست؛ مبنای سازمانی انسانی جامعه‌ی پیغمبر، جامعه‌ی مدینه این بود که تربیت مؤمنِ عالمِ متخلق به اخلاق الهی است و این سرمایه‌ی اصلی بود...

در دو آیه و در دو سوره، خداوند بر وحدت تکیه کرده است. در سوره‌ی آل عمران: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...﴾[۲] به ریسمان الهی که همین دین است متوسل شوید. بر محور قرآن متحد شوید و متفرق نشوید و یادتان باشد که چقدر با هم متفرق بودید؛ می‌جنگیدید، همدیگر

۱. همان؛ ۸ تیر ۸۸
۲. *آل عمران*: ۱۰۳

را طرد می‌کردید، می‌کشتید، اسیر می‌گرفتید. خداوند به نعمت خودش دل‌های شما را به هم نزدیک کرد. اگر این نعمت را مراعات نکنید شما لب پرتگاه جهنم بودید؛ خداوند شما را نجات داد. مبادا کفران کنید. در سوره‌ی انفال که باز فضای جنگی حاکم است، می‌فرماید از نعمت‌های خدا این است که ﴿وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ...﴾[1] خداوند بین مسلمان‌ها الفت ایجاد کرد. بعد به پیامبر می‌فرماید: ﴿لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الأَرْضِ جَمِيعاً مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ...﴾[2] اگر سرمایه‌ی زمین را جمع می‌کردی و می‌خواستی مردم را متحد کنی، نمی‌توانستی. این کارِ خدا بود که دل اینها را به هم نزدیک کرد. با معیارهای دینی شما را متحد کرد. پیامبرﷺ جامعه‌ی متحدی ساخت. در سایه‌ی اتحاد آن پیروزی‌های عظیم را کشف کرد ولی روزهای آخر عمرشان احساس کردند که دارد این سرمایه‌ها از دست می‌رود. احساس کردند که امتشان دارند دچار تفرقه می‌شوند و دارند به هم به صورت رقیب و دشمن نگاه می‌کنند. حتماً می‌دانید بعد از این‌که حادثه‌ی غدیر بود و وصی خودشان را معرفی کردند. آن‌قدر پیغمبر ناراحت بودند که نزدیکی آخر عمرشان یک بار رفتند بقیع به اسم این‌که برای مردگان بقیع مغفرت از خدا بخواهند. آنجا که رفتند، اول سلام کردند و خطاب کردند به اصحابی که آنجا خوابیده بودند، فرمودند گوارا باشد بر شما که آرامش دارید. شما نیستید که ابرهای فتنه را ببینید. برادرانتان و خواهرانتان را از هم جدا می‌کنند. اشک از چشمانشان جاری شد و بعد به بازوی علی ابن ابی‌طالب‌علیه‌السلام که همراهشان بود تکیه دادند، برگشتند و در راه گفتند که من احساس می‌کنم عمرم تمام شده و نگران این امت هستم. این الگوی همه‌ی بشریت است. این عملش بهترین نمونه‌ی امت‌سازی و حکومت‌سازی و اداره‌ی ملت است. توانست از یک شهر کوچک دورافتاده‌ی یثرب در ظرف مدت کوتاهی این قدرت را بسازد. همین پیغمبری که در جنگ احزاب گرفتار بود و همه‌ی احزاب علیه او بودند و خندق می‌کند با مشورت حضرت سلمان وقتی خودشان با تبر به سنگ‌ها می‌زدند که خندق بسازند و برقی جهید، فرمودند: من در این برق کاخ کسری را دیدم، کاخ روم را دیدم. پیامبر با آن استحکام صحبت می‌کرد ولی وقتی که بوی تفرقه را دید و دید که آنها به جان هم افتاده‌اند، آمد به مرده‌ها بشارت داد که آنها

۱. *انفال*: ۶۳
۲. همان

وضعشان خوب است و گوارا باشد برای شما! وضع ما دارد بد می‌شود و می‌دانید که چه اتفاقاتی افتاد و چه شد.[۱]

وی در بخش دیگری از همین خطبه‌ها با اشاره به وضعیت کشور گفت:

ما امروز بیشتر از همیشه نیاز به وحدت داریم. کشورمان باید متحد در مقابل این همه خطری که ما را تهدید می‌کند و امروز باج‌خواهی‌شان بیشتر شده و دارند جلو می‌آیند که این زحمت طولانی ما را در به دست آوردن هایتک‌ها و به‌خصوص هسته‌ای، اینها را از دست ما بگیرند؛ البته خداوند به اینها مهلت نمی‌دهد ولی آنها به هوس افتاده‌اند.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۳۱ مرداد ماه در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام با تبریک حلول ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت الهی و خودسازی معنوی ابراز امیدواری کرد در پرتو معنویت این ماه الهی، بهره‌برداری کامل و مناسب برای حفظ و تقویت انسجام، وحدت و وفاق جامعه انجام شود. وی در این‌باره گفت:

ماه مبارک رمضان یک هدیه‌ی بسیار مهم الهی است که برای سازندگی و اصلاح جامعه و افراد تعبیه شده و امسال ما بیش از هر سال به این هدیه‌ی الهی نیاز داریم و اگر از این ماه در این سال ویژه خوب استفاده کنیم، امید می‌رود که به خوبی از این حوادث عبور کنیم. وضعیت میدان را همه می‌دانید. به هرحال اتحادِ لازم برای جامعه‌ی ما در مقابل مشکلات نیست. توجه به وضعیت پیش‌رو و مشکلات داخلی و شرایط خارجی و پرونده‌ی هسته‌ای در ماه سپتامبر، که ما عَلایمی می‌بینیم که البته ان‌شاءالله ناموفق خواهند بود، ولی دنبالش هستند. لذا ما بیش از پیش به وحدت و اتحاد نیاز داریم که متأسفانه مخدوش شده است و هدف باید تقویت نظام در سایه‌ی همدلی جامعه باشد که اگر درست عمل کنیم مقدور است.[۳]

وی در ادامه خطاب به اصحاب رسانه و تریبون گفت:

صاحبان رسانه‌ها و تریبون‌های مختلف عملاً پایبندی خود را به دیدگاه وحدت محور رهبری اثبات نمایند... صاحبان تریبون و صاحب نفوذان و رسانه‌ها از دامن زدن به تفرقه و تیترسازی‌های جنجال‌ساز خودداری و

---

۱. *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۲۷ تیر ۱۳۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۱ شهریور ۸۸

در جهت ایجاد وحدت و وفاق جامعه راه را باز کنند.[۱]

وی در این جلسه ابراز امیدواری کرد تا مجمع تشخیص مصلحت نظام با حضور شخصیت‌های نخبه و فراجناحی بتواند در تحقق این مهم پیش‌قدم باشد.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۵ شهریور ماه نیز در دیدار «اعضای برگزارکننده‌ی همایش بزرگداشت شهید قدوسی»، پیدا کردن راهی برای گسترش وحدت ملی و ایجاد آرامش در جامعه را نیاز حیاتی مقطع کنونی انقلاب و نظام خواند و گفت:

در ماجراهای اخیر اطراف قضیه باید به گونه‌ای رفتار کنند که وحدت ملی را حراست نمایند.[۳]

وی همچنین در تاریخ ۲۹ شهریور ماه ضمن حضور در نماز عید سعید فطر در دانشگاه تهران که به امامت مقام معظم رهبری برگزار می‌شد، در گفتگویی کوتاه با واحد مرکزی خبر در پاسخ به این سؤال که بهترین هدیه‌ی مسئولان و سیاسیون نظام به مردم در این روز چیست، گفت:

بهترین هدیه این است که صادقانه خدمت کنند و دست از این دعواها بردارند.[۴]

وی در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در افتتاحیه‌ی ششمین اجلاسیه‌ی دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری به راه‌های پیدا کردن همدلی بیشتر بین اقشار مردم و کسانی که در چهارچوب قانون اساسی و قوانین موضوعه مایل به همکاری با هم هستند، گفت:

در اظهارات اخیر رهبری به اندازه‌ی کافی در این زمینه محورهایی را می‌بینیم که اگر در جامعه به آنها توجه شود و همه‌ی اطراف اعتراضات و مشاجرات و نیز دست‌اندرکاران آنها را در نظر گیرند، فکر می‌کنم مشکلی که نگران آن باشیم، پیش نیاید. البته در یک جامعه‌ی زنده مباحثات همواره می‌تواند وجود داشته باشد.[۵]

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۳۱ مرداد ماه ۱۳۸۸

۲. همان

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۶ شهریور ۸۸

۴. همان؛ ۳۰ شهریور ۸۸

۵. همان؛ ۱ مهر ۸۸

وی با تأکید بر این‌که مهم‌ترین نیاز امروز کشور اتحاد است، اظهار داشت:

اتحاد ملت ما امروز بزرگ‌ترین وسیله‌ی دفع شرها و جلو بردن امور کشور است و باید ابزار این اتحاد را به خوبی آماده کرده و زمینه‌های آن و عوامل ایجاد نشاط در جامعه به خصوص در جوانان و فارغ التحصیلان را فراهم کنیم.[۱]

وی در تاریخ ۱۴ مهر ماه در دیدار جمعی از اعضای «فراکسیون روحانیون اصول‌گرای مجلس شورای اسلامی»، از فعالیت برخی محافل و رسانه‌ها برای ایجاد و تعمیق تفرقه در جامعه و القای اختلاف میان مسئولان نظام ابراز تأسف کرد و گفت:

برای تحقق وحدت و همبستگی ملی در جامعه باید ریشه‌ها و عوامل ایجاد و القای اختلاف به طور واقعی شناخته شده و با آن مقابله شود.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۱۶ آبان ماه در دیدار «جمعی از نمایندگان ادوار غرب کشور» ضمن تأکید بر ضرورت نجات کشور از اقدامات موجدِ کینه و تفرقه‌آمیز خواستار هدایت آگاهانه‌ی فضای اجتماعی و سیاسی کشور به سوی همدلی و همکاری سازنده شد و تصریح کرد:

ما باید گفتگو را در داخل کشور برای تفاهم در عرصه‌های بین‌المللی دنبال کنیم و فضای سیاسی و اجتماعی را آگاهانه به سوی همدلی و همکاری سازنده هدایت نماییم و از اقدامات کینه‌زا و تفرقه‌آمیز نجات دهیم.[۳]

وی ضرورت ایجاد وحدت، از طریق پی‌گیری مطالبات از طریق قانون و پرهیز از مسائل افراطی و احترام به موازین اسلامی را مورد تأکید قرار داد.[۴]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۲ آذر ماه در جوار بارگاه امام رضا علیه السلام در حالی در مشهد مقدس لب به گلایه از گسترش و عمیق‌تر شدن اختلاف‌ها در جامعه گشود که به گفته‌ی وی مدت‌هاست برنامه‌های خارج از مجمع تشخیص مصلحت را به دلایلی که خود می‌داند تعطیل کرده است، ولی مراسم این روز را فرصت مناسبی دیده تا برخی نگرانی‌های خود را از وضعیت کنونی کشور اعلام کند. وی

---

۱. همان

۲. همان؛ ۱۵ مهر ۸۸

۳. همان؛ ۱۷ آبان ۸۸

۴. همان

قطعنامه‌ی اخیر سازمان بین‌المللی انرژی اتمی را قطعنامه‌ای ظالمانه دانست و با اشاره به شرایط پیچیده‌ی جهانی و توطئه‌های دشمنان علیه ایران، اظهار داشت:

در این شرایط ما در داخل کشور مهم‌ترین نیاز را وحدت و اتحاد می‌دانیم اگر آنها [دشمنان] احساس کنند کشور ما از نظر وحدت صدمه دیده است وسوسه می‌شوند که شرارت‌های خود را زیاد کنند.[1]

وی خواستار کمک همه برای تحقق وحدت در جامعه شد و با یادآوری دوران انقلاب گفت:

ما همان‌گونه که با اتحاد برابر رژیم شاه غلبه کردیم و در زمان دفاع مقدس هم در برابر دشمنان ایستادیم و پیروز شدیم و حتی در سازمان ملل غرامت صد میلیارد دلاری برای ما در نظر گرفتند، امروز هم باید با اتحاد و همدلی وضعیت کنونی را سامان داد. امروز جای مخفی کردن نیست، واقعاً مشکل اختلاف، جدی است.[2]

وی در تاریخ ۱۴ آذر ماه در سفر به مشهد مقدس در مراسم افتتاح مرکز نمایشگاه‌ها و همایش‌های آستان قدس رضوی و نیز دارالشفای امام رضا(ع) با اشاره به شرایط سیاسی روز جامعه بر اتحاد آحاد جامعه تأکید کرد و افزود:

مهم‌ترین نیاز امروز جامعه وحدت بین آحاد مردم و مخصوصاً روحانیت با مردم است.[3]

وی در ادامه رهبری را محور اتحاد در جامعه دانست و گفت:

محور اتحاد کشور رهبری هستند و تنها با تکیه بر ایشان و تأمین رضایت مردم می‌توان مشکلات موجود را پشت سر گذاشت.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۵ آذر ماه در دیدار جمعی از اعضای «ائتلاف اصلاح‌طلبان» و جمعی از «تشکل‌های دانشگاه آزاد اسلامی مشهد» بر لزوم ایجاد وحدت در اقشار مختلف جامعه تصریح کرد.[4]

وی همچنین در تاریخ ۲۱ دی‌ماه در دیدار اعضای «شورای مرکزی مجمع

---

۱. *خبرگزاری ایلنا*، ۱۲ آذر ۸۸، کد خبر : ۹۳۷۴۹
۲. همان
۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۶ آذر ۸۸
۴. همان

نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی» با اشاره به اوضاع جهانی، منطقه و حضور نظامی کشورهای غربی در مرزهای زمینی و آبی جمهوری اسلامی ایران، تأکید کرد:

> یکدلی و وحدت در میان نیروهای سیاسی و مردم بیش از هر زمان دیگری نیاز است و همه باید با گذشت و فداکاری زمینه‌های آن‌را فراهم کنند. دشمنان خارجی به وضعیت فعلی کشور و افزایش اختلافات دل بسته‌اند و این در سخنان‌شان قابل مشاهده است. اقدامات برای حل مسائل موجود و رفع اختلافات باید با درک اهمیت زمان صورت پذیرد و اتلاف وقت می‌تواند فرصت‌ها را نابود کند.[۱]

وی همچنین در تاریخ ۱۰ بهمن در ابتدای جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، انسجام داخلی و پرهیز از تفرقه در داخل کشور را برای خنثی‌سازی فشارهای خارجی و صیانت از نظام مقدس جمهوری اسلامی بسیار حیاتی و خطیر دانست.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ اول اسفند در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام اظهار داشت:

> باید در داخل کاملاً مراقب بود که چه در گفتار و چه در عمل سنجیده برخورد شود و بیدار و هوشیار باشیم. باید از پیام حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن برای ایجاد وحدت و انسجام داخلی استفاده کنیم.[۳]

وی حفظ و تقویت وحدت، همدلی و یک‌پارچگی در کشور را برای رفع مشکلات داخلی و مقابله با تهدیدات و ماجراجویی‌های کشورهای خارجی از ضرورت‌ها و اهم امور ذکر کرد و گفت:

> هرگونه حرکتی که مخدوش کننده‌ی یک‌پارچگی و اعتماد مردم باشد محکوم بوده و باید مورد مذمت دلسوزان انقلاب قرار گیرد.[۴]

وی در تاریخ ۴ اسفند ماه در نطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم

---

۱. همان؛ ۲۲ دی ۸۸
۲. همان؛ ۱۱ بهمن ۸۸
۳. همان؛ ۲ اسفند ۸۸
۴. همان

مجلس خبرگان رهبری گفت:

یکی از مهم‌ترین و مفیدترین کارهایی که اکنون می‌توانیم انجام دهیم این است که همدلی و وحدت را میان مردم تقویت کنیم. این حرف به این معنا نیست که همدلی در اکثریت مردم وجود ندارد؛ بلکه به این معناست که باید میان وفاداران به انقلاب و کسانی که به قانون اساسی و اصل ولایت اعتقاد دارند با آنان که قلباً با این انقلاب آشتی نکرده‌اند و با اصل انقلاب مشکل دارند مرز مشخصی تعریف شود.[1]

وی همچنین در تاریخ ۱۲ اسفند ماه در دیدار «جمعی از ائمه‌ی جماعت مساجد تهران، شمیرانات و کرج»، مهم‌ترین نیاز کنونی جهان اسلام را وحدت عنوان کرده، در پاسخ به پرسش‌های حاضران گفت:

وحدت در کشور با حرف به دست نمی‌آید. وحدت لوازم و ابزاری نیاز دارد که با آن بتوان با مشخص کردن راه‌کارها آن را عملیاتی کرد.[2]

۵. حرکت در چهارچوب قانون

از دیگر راه‌کارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای عبور از شرایط نامطلوب کشور در سال ۱۳۸۸، محور قرار دادن قانون از سوی تمام نامزدها و حامیان آنها، معترضان، اشخاص و گروه‌های سیاسی فعال در عرصه‌ی کشور و نیز مسئولان بخش‌های مختلف کشور و نیروهای نظامی و امنیتی بود. وی پیش از برگزاری انتخابات و در اولین روز از خرداد ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران گفت:

یکی از لوازم جذب اعتماد مردم برای حضور، قطعاً این است که همه مقید به قانون باشند. الآن قانون انتخابات داریم. بارها هم این قانون اصلاح شده، ممکن است این قانون عیوبی داشته باشد. بالاخره قانون است. یادتان هست امام یک بار فرمودند قانونی که مجلس تصویب کند و شورای نگهبان تأیید بکند اطاعتش واجب است و تخلف از آن حرام است. این قانون واجب الرعایه است بخصوص برای مسئولان و نامزدها. فکر می‌کنم بهترین کاری که امروز می‌توان

---

۱. همان؛ ۵ اسفند ۸۸

۲. همان؛ ۱۵ اسفند ۸۸

کرد این است که هم نامزدها و هم طرفدارانشان چه افراد، چه احزاب، در حدود قانون فعالیت تبلیغاتی بکنند.[۱]

وی پس از اعلام نتایج انتخابات نیز بر رعایت قانون از سوی هر دو طرف درگیر در صحنه‌ی سیاسی کشور تأکید کرد. به عنوان نمونه او در تاریخ ۲۶ تیرماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران گفت:

ما باید همه‌مان، چه نظام، چه حکومت، دولت، مجلس، نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی و مردم، یعنی به‌اصطلاح معترضان، همه باید در چارچوب قانون حرکت کنیم. ما اگر از قانون تجاوز بکنیم، دیگر هیچ مرزی ندارد. باید با قانون مسائل‌مان را مطرح کنیم؛ با قانون حل کنیم و همه قانع باشیم. قانون هم هرچه شد. با این قانون؛ حالا اگر کسانی از بعضی قوانین دل خوشی ندارند، باید بعداً سعی کنند این قوانین اصلاح شود و هر وقت که لازم است این اشکالاتی که حالا دیده شده یک روزی حل می‌شود؛ ولی بیاییم چارچوب را قانون قرار دهیم و همه قانون را بپذیرند.[۲]

وی در تاریخ ۳۱ مرداد ماه در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز گفت:

شرایطی فراهم شود تا همه در چهارچوب قانون عمل کنند. اول قانون اساسی و بعد قوانین موضوعه که هم از معترضان و هم از مسئولان، انتظار می‌رود در چهارچوب قانون عمل کنند و تخلف از قانون ضد ارزش تلقی شود که این احتیاج به گفتگوهایی دارد تا کسانی زمینه‌ی کار را فراهم کنند و این امر نیاز به شیوه‌های فراجناحی دارد.[۳]

وی یک ماه بعد در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در نطق افتتاحیه‌ی ششمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری یکی از محورهای سخنان رهبری را توجه به قانون دانست و گفت:

رهبری به لزوم توجه به قانون تأکید داشتند، از این رو چه آنهایی که دست‌اندرکار هستند، باید مقید به قانون باشند و چه معترضان باید در

---

۱. همان؛ ۲ خرداد ۸۸

۲. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸،* ۲۶ تیر ۱۳۸۸

۳. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی؛* ۳۱ مرداد ماه ۱۳۸۸

چهارچوب قانون عمل کنند. مجریان و معترضـان توقـع نداشـته باشـند کـه در صورت عمل نکردن در چهارچوب قانون، نسبت به آنها بی‌تفاوت باشند؛ زیـرا بی‌قانونی یعنی هرج و مرج در جامعه.[1]

وی در پایان سخنان خود مجدداً بر لزوم عمل به قانون که مورد تأکید رهبری بـود، تصریح کرد و افزود:

با توجه به استقرار دولت و رکود به وجود آمده در جامعه، باید با توجه بـه قانون برای حل این مسائل اقدام کرد. زیرا عمل به قانون موجـب مـی‌شـود مردم با نشاط در عرصه حضور یابنـد و مسـایلی کـه اکنـون مـردم را رنـج می‌دهد پایان می‌پذیرد.[2]

وی در تاریخ ۲۹ مهر ماه در دیدار «جمعی از فضلا و مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم» تأکید بر قانون اساسی را در کنار تمسک به اسلام به عنوان راه‌کاری بـرای حـل بسیاری از معضلات پیش آمده دانست. او در این باره گفت:

در حال حاضر تمسّک به اسلام و تأکید بر قانون اساسی مـی‌توانـد بسـیاری از معضلات و مشکلات پیش آمده را به خـوبی برطـرف نمایـد و اگـر در جـایی اشکال قانونی احساس می‌شود، می‌توان با راه‌کارهای پیش‌بینی شده نسـبت بـه اصلاح قانون عمل کرد.[3]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۶ آبان ماه در دیدار «جمعی از نمایندگان ادوار غرب کشور» ضرورت ایجاد وحدت، از طریق پی‌گیری مطالبات از مجرای قانون و پرهیز از مسائل افراطی و احترام به موازین اسلامی را مورد تأکید قرار داد.[4]

وی همچنین در تاریخ ۹ آذر ماه در دیدار «جمعی از اساتید دانشگاه امیرکبیـر»، قانون‌گرایی را نیاز کنونی کشور و نظام خواند و گفت:

حرکت در مرز قانون نیاز کنونی کشور و نظام است و همه باید تـلاش کنـیم از اقدامات فراقانونی و یا خلاف قانون پرهیز کنیم.[5]

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۳۰ مهر ۸۸
۴. همان؛ ۱۷ آبان ۸۸
۵. همان؛ ۱۰ آذر ۸۸

وی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از «فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، گفت:

این‌که الآن یکی از آقایان گفت که آیا قانون داریم یا نه؟ بله! الآن برای همه چیز قانون داریم. نمی‌گویم همه‌ی قوانین ما درست و به روز است. هنوز بعضی از قوانین مربوط به زمان قدیم و قبل از انقلاب است. خیلی از قوانینی هم که نوشته بودیم، آزمایشی بودند. عمدتاً دستگاه قضایی با قوانین آزمایشی کار می‌کند. تعزیرات قانونی است که در اوضاع فوق‌العاده‌ی مشکلات تورم و جنگ به وجود آمد و الآن بسیاری از قوانین نیاز به اصلاح دارند. ولی به هر حال قانون هستند و با همین قانون بپذیرند که در چهارچوب قوانین عمل شود. در همین مسایل اخیر، دو طرف که با هم مبارزه می‌کردند، قوانین کشور را قبول دارند. اگر حرکت‌ها در چهارچوب قوانین باشد، نه معترضین کارهای خلاف قانون می‌کنند و نه کسانی که جلوی اعتراض‌ها را می‌گیرند، کارهای خلاف قانون می‌کنند.[1]

وی در تاریخ ۱۵ آذر ماه در دیدار جمعی از «اعضای ائتلاف اصلاح‌طلبان» و جمعی از «تشکل‌های دانشگاه آزاد اسلامی مشهد» مجدداً بر عمل در چهارچوب قانون تأکید کرده، گفت:

همه‌ی طرف‌ها باید با برخوردهای اقناعی و مبتنی بر قانون برخورد کنند. این کار به بازگشت اعتماد عمومی به جامعه کمک خواهد کرد... معترضین در همین چهارچوب باید حرف خود را بزنند و حاکمین نیز در همان مسیر قانونی حرکت کرده و عکس‌العمل نشان دهند.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۱ دی‌ماه در دیدار اعضای «شورای مرکزی مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی» با اشاره به سخنان رهبری[3]، «اجماع بر محور قانون» و «دوری از اقدامات خودسرانه» را از جمله محورهای اساسی در این بیانات عنوان کرد.[4]

۱. همان؛ ۲۵ آذر ۸۸
۲. همان؛ ۱۶ آذر ۸۸
۳. اشاره‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۹ دی ماه در دیدار مردم قم است. این سخنان را می‌توانید در پاورقی شماره ۳ از صفحه ۱۹۴ همین کتاب بخوانید.
۴. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۲ دی ۸۸

وی همچنین در تاریخ ۲۹ دی‌ماه در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها» خواستار «حاکمیت قانون» و «پرهیز از اعمال خودسرانه» شد.[۱]

وی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی گفت:

محور را قانون اساسی قرار بدهیم. به قانون اساسی قناعت کنیم. بدون هیچ ذره انحراف. این قانون اساسی با چشم‌انداز و سیاست‌های کلی که رهبری تصویب می‌کنند، می‌تواند ما را شاداب کند.[۲]

۶. رعایت اعتدال، دوری از افراط و تفریط

از جمله راه‌کارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای برون رفت از وضعیت نامطلوب کشور در سال ۱۳۸۸، رعایت اعتدال، نفی افراط و تفریط، دوری از فضای هیجان‌مداری و ایجاد فضای عقلانیت بود. وی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از «فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، گفت:

باید بگویم که موضع من از اوّل انقلاب و حتّی پیش از انقلاب و در مبارزه روشن بود. همیشه با افراط و تفریط مخالف بودم راه عقلانی، معتدل و عرفی مقبول را راه درست تشخیص می‌دادم که مستند به آیات قرآن و ادله بود. در تمام این دوران هم در هر شرایطی نوعی افراط در مقابل من بود. البته انسان نمی‌تواند توقع داشته باشد که همه‌ی سلیقه‌ها در همه جا او را می‌پذیرند. فکر می‌کنم اگر اعتدال در جامعه و کشور ما حاکم باشد، بسیاری از مسایل قابل حل است. همیشه یک جریان افراطی گاهی در جناح راست، گاهی در جناح چپ بوده و هنوز هم این‌گونه است. الآن تندروی‌هایی را از دو طرف می‌بینیم که متکی به تندروهاست که یا افراطی یا تفریطی و یا هر دو است. این هم مسأله‌ی روشنی است و می‌تواند جواب آن دانشجویی باشد که گفت آن تندرو که آن موقع آن کتاب را نوشت، الآن چه می‌گوید.[۳] شاید مصلحت آنان این است که اشاره‌ای به

---

۱. همان؛ ۳۰ دی ۸۸

۲. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

۳. مهدی بادپا (دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد) در قسمتی از سخنان خود در این جلسه،

من بکنند. آنها هم مثل اینها هستند. من فرقی نمی‌بینم. تندروهای این طرف که به اصطلاح اصول‌گرا و محافظه‌کار امروز هستند هم هیچ وقت با فکر اعتدال موافق نبودند و هرگونه که دلشان می‌خواست، عمل می‌کردند. ولی اکثریت جامعه، به خصوص تحصیل‌کرده‌های اصیل، اعتدال را می‌خواهند.[۱]

وی در تاریخ سوم بهمن‌ماه در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه» با تشریح مواضع خود پیش از انقلاب، در دوران مبارزه، مرحله‌ی پیروزی انقلاب، دوران تثبیت، پس از جنگ و همچنین در شرایط فعلی کشور، گفت:

همواره اندیشه، سخن و عمل خود را بر مبنای اعتدال و دوری از افراط و تفریط قرار داده و در این مسیر حرکت کرده‌ام. در بیان مواضع خود همواره منافع اسلام، انقلاب و مردم را مورد اهمیت قرار داده‌ام و هم‌چنین در مواقعی به دلیل شرایط نامناسب با الهام از روش بزرگان دینی سکوت اختیار کرده‌ام... پس از پیروزی انقلاب، افراطیون هرگاه زمینه‌ی حضور و فعالیت پیدا کرده‌اند نتایج خوبی را شاهد نبوده‌ایم و اقدامات این‌گونه افراد برای ضد انقلاب جهت ضربه زدن به اسلام، نظام و رهبری فضا ایجاد می‌کرده است.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۹ دی‌ماه در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها»، اعتدال و سعه‌ی صدر در همه‌ی امور را اصلی‌ترین نیاز کشور در شرایط فعلی عنوان و تأکید کرد:

افراط و تفریط مهم‌ترین مشکل کشور است و دلسوزان اسلام، انقلاب و نظام باید برای آن چاره‌اندیشی کنند.[۳]

گفت: «اطرافیان بر ذهنیت مردم نسبت به افراد و انسان‌ها خیلی تأثیر دارند. متأسفانه در این انتخابات اطرافیانی به شما نزدیک شدند که ما خاطره‌ی تلخی از آنها داریم. حتماً کتاب عالیجناب سرخ پوش را خواندید که چه توهین‌هایی به شما کردند. دو سه صفحه از آن کتاب را انتخاب کرده بودم که بخوانم ولی شرمم آمد که در این جلسه آن مطالب را بخوانم. چگونه این افراد حول شما جمع شدند؟ فکر می‌کنم بایدها و نبایدهای مواضع اطرافیان مشخص شود. ما از جریانی که در کشور علیه شما به راه افتاده بود، ناراحت بودیم اما دیدیم در مقابل کسانی زیر علم حمایت از شما سینه‌زنی کردند که سابقه‌ی آنها به عنوان منافق و اپوزیسیون معلوم است. توضیحات شما برای همه ما مفید خواهد بود.» (*خبرگزاری فارس*؛ ۲۴ آذر ۸۸ کد خبر: ۸۸۰۹۲۴۱۷۹۹)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ آذر ۸۸

۲. همان؛ ۴ بهمن ۸۸

۳. همان؛ ۳۰ دی ۱۳۸۸

وی اقتصاد، سیاست (در بُعد داخلی و خارجی) و فرهنگ را نیازمند تفکر اعتدالی عنوان کرد و گفت:

> رجوع به اندیشه‌های اسلامی و سخن قرآن و همچنین سیره‌ی پیامبر می‌تواند اهمیت اندیشه و عمل اعتدالی را مشخص کند.

او حل مسائل موجود کشور و ایجاد آرامش را با ادامه‌ی حرکات افراطی از سوی افراطی‌های دو طرف و عدم التزام به قانون و تداوم هتاکی‌ها میسّر ندانست.[۱]

وی در تاریخ ۲۰ بهمن‌ماه در دیدار دبیر کل و اعضای «هیأت مدیره‌ی کانون زندانیان سیاسی مسلمان»، با توجه به ماهیت دینی ـ فرهنگی انقلاب اسلامی مشی اعتدال و پرهیز از افکار افراطی ـ که آستانه‌ی تحمل پایینی در برابر انتقاد دارند ـ را از ضرورت‌های رشد و بالندگی جامعه برشمرد و افزود:

> نباید فضایی بر جامعه حاکم شود که هر انتقادی بدون توجه به روح و ماهیت آن، موج حملات، تخریب و تهمت را از سوی افراطیون به همراه داشته باشد.[۲]

وی همچنین در تاریخ ۱۸ اسفند ماه در دیدار اعضای «شورای عمومی و ادوار انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران»، ایجاد فضای مطلوب در جامعه را در سایه‌ی حفظ اعتدال، محقق دانست و گفت:

> اعتدال توصیه‌ی دین اسلام است و با عمل به آن می‌توان فضای آرام و با طراوتی در جامعه ایجاد کرد... نیاز به فضای عقلانیت و تحمل در شرایط فعلی کاملاً محسوس است و رشد و توسعه‌ی کشور و رسیدن به اهداف انقلاب ضرورت ایجاد این فضا را دوچندان می‌کند.[۳]

۷. تلاش برای رفع تردیدها

اعتراض اکثر نامزدهای دهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری به نتایج اعلام شده و طرح ادعای تقلب از جانب برخی از آنها، در بخشی از حامیان این نامزدها تردیدهایی نسبت به سلامت انتخابات به وجود آورد. بر همین اساس

---

۱. همان

۲. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

۳. همان؛ ۱۹ اسفند ۸۸

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یکی از راه‌کارهای برون‌رفت از شرایط این سال را تلاش برای رفع تردیدهای ایجاد شده در برخی از مردم می‌دانست. وی ابتدا در تاریخ ۲۶ تیر ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران گفت:

الحمدلله در انتخاباتی که انجام شد و تمام شد ما خیلی خوب شروع کردیم؛ رقابت خوبی شکل گرفت؛ مقدمات خوب انجام شد. یک رقابتی بود که چهار نفری که از نظر شورای نگهبان صالح تشخیص داده شده بودند، آمدند و رقابت کردند. رقابت را هم خوب انجام می‌دادند و مردم امیدوار شدند و آزادی کامل در انتخابات و حضور بی‌سابقه‌ای واقعاً از خودشان نشان دادند و در این شرایط که همه چیز آماده‌ی یک افتخار بزرگ برای کشور ما بود که این افتخار را ما باید به مردم بدهیم یعنی این حق مردم است؛ مردم بودند که خوب آمدند و رکورد حضور پای صندوق‌ها را مردم شکستند و باید همه‌مان از این مردم متشکر باشیم که در این زمانی که هیچ کشوری به این اندازه نصاب حضور مردم را ندارد، آزادانه آمدند و در انتخابات شرکت کردند؛ این بسیار ارزشمند بود. ای‌کاش همان شرایط تا امروز ادامه می‌یافت و امروز ما سربلندترین شرایط را ـ و نتیجه انتخابات هم هر چه می‌خواست، باشد ـ در دنیا می‌توانستیم داشته باشیم ولی آن‌طوری‌که می‌خواستیم نشد... این انتخاباتی که ما انجام دادیم اگر مشکلاتی در آن پیش نمی‌آمد ما در ۳۰ سالگی‌مان بهترین گام بزرگ‌مان را در جهت تحقق اسلامی بر می‌داشتیم. من الآن نمی‌خواهم بگویم برنداشتیم؛ می‌خواهم بگویم چرا این‌طور شد. آنچه که من می‌فهمم و راه حل از درونش می‌خواهم دربیاورم این است که اواخر دوران تبلیغات، ما دچار تردید شدیم؛ یعنی افرادی پیدا شدند، تردید کردند؛ بذر تردید حالا به هر دلیل، یا تبلیغات نادرست یا عمل نادرست صدا و سیما و یا چیزهای دیگر باعث شد بذر تردید در ذهن مردم پیش بیاید.[1] ما تردید را بدترین مصیبت می‌دانیم...[2] این تردید مثل خوره افتاد به جان ملت ما.

---

۱. تکبیر جمعی از نمازگزاران

۲. پس از بیان این جملات برخی از حاضران به سر دادن شعارهایی اقدام کردند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما برای جلوگیری از ایجاد تنش در نمازجمعه گفت: «آقا! اجازه بدهید؛ من که بهتر از شما دارم می‌گویم. شما با شعار تائیدتان کافی است؛ ول کنید.»

البته خب دو جریان هستند. یک جریان که تردید ندارند، قاطع اند، ایستاده‌اند، کار خودشان را می‌کنند؛ یک عده هم هستند که آنها هم کم نیستند، بخش زیادی از مردم فهیم کشور ما و عالم کشور ما هستند، می‌گویند ما تردید داریم و برای رفع تردیدِ اینها باید کار بکنیم. امروز، الآن تلخ است. یعنی شرایطی که بعد از اعلام انتخابات و نتیجه پیش آمد، دوران تلخی است. من فکر نمی‌کنم هیچ‌کس از همه‌ی جریانات، همه دل‌شان نمی‌خواست این‌طوری بشود. الآن همه ضرر کردیم؛ همه ضرر کردیم؛ چرا این‌طور باید بشود؟[1]

وی همچنین در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در محل دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام میزبان هیأت رییسه و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری بود. او در این دیدار گفت:

علاج هر واقعه‌ای را باید با شناخت عوامل آن جست و جو کرد و با درایت، هوشیاری و آگاهی و با شیوه‌های اصولی و منطقی با آن برخورد کرد.[2]

وی با اشاره به زمان بازگشایی دانشگاه‌های کشور و حضور قشر تحصیل‌کرده در عرصه‌های مختلف اظهار داشت:

قشر جوان به دنبال اقناع و منطق است و نظام می‌تواند با قابلیت‌هایی که دارد از عرصه‌های مختلف گذر کند.[3]

وی در تاریخ ۹ آذر ماه در دیدار «جمعی از اساتید دانشگاه امیرکبیر» ضمن تأکید مجدد بر لزوم پاسخ‌گویی به ابهامات ایجاد شده در افکار جوانان و دانشجویان در جهت هموارسازی مسیر اعتماد مردم به نظام، تصریح کرد:

دانشگاهیان صالح‌ترین قشر در کارشناسی و تشخیص معضلات کشور و نیز امر به معروف و نهی از منکر مسئولان نظام می‌باشند. اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها در کنار روحانیت و انقلابیون همواره نقش بسزایی در پیشبرد انقلاب و مبارزه علیه رژیم پهلوی داشتند.[4]

وی دغدغه‌های قشر دانشگاهی، بخصوص اساتید را در برهه‌ی حساس کنونی به

---

۱. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸*، ۲۶ تیر ۱۳۸۸
۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲ مهر ۸۸
۳. همان
۴. همان؛ ۱۰ آذر ۸۸

حق خواند و تصریح کرد:

استادان دانشگاه پس از انقلاب صادقانه تلاش نموده‌اند راه‌های توسعه‌ی علمی، فنی و صنعتی کشور را هموار کنند و ما به این جهت باید همواره قدردان دانشمندان و اساتید مبرز کشور باشیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود اعتماد میان مردم و مسئولان را سرمایه‌ای اساسی در رسیدن به توسعه و پیشرفت کشور خواند و گفت:

همه‌ی دلسوزان نظام، به خصوص نخبگان و دانشگاهیان باید تلاش کنند به سؤالات و ابهامات ایجاد شده در قشر جوان و دانشجو به گونه‌ای پاسخ دهند که مسیر رشد، تعالی و اعتماد مردم به نظام بیش از پیش هموار گردد.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از «فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، ضمن اشاره به سخنان خود در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران گفت:

در آن خطبه هیچ نظری درباره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ندادم و همین الآن در بین شما هم قضاوت نمی‌کنم، چون تحمّل نمی‌کنند. در آن خطبه نگفتم که انتخابات درست بود یا باطل بود. گفتم: به هر دلیل برای بخش مهمی از جامعه تردید پیدا شد. این حالت که منکر ندارد. بعضی‌ها گفتند: چرا در خطبه سخن از بذر تردید کردید؟! مطمئناً چند میلیون جمعیت که به خیابان‌ها می‌آمدند و تظاهرات می‌کردند، یقین داشتند و من سخن از تردید کرده بودم. گفتم: گروهی از مردم با تردیدی که پیدا کردند، معترض شدند. راه درست این بود که تردید مردم را برطرف کنیم و جواب قانع‌کننده بدهیم. راه آن هم روشن است که چگونه می‌توان عمل کرد. لذا راه‌حل دادم.[۲]

وی در تاریخ ۲۰ بهمن ماه نیز در جمع اعضای «هیأت مدیره‌ی مسجد همت شمیران» با اشاره به اصالت اسلامی محلات قدیمی تهران و بافت مذهبی این مناطق، جوانان را آینده‌سازان کشور و از امیدهای انقلاب اسلامی خواند و گفت:

متأسفانه انواع دسیسه‌ها و آفت‌های فرهنگی و اجتماعی با توطئه‌های گسترده‌ی

---

۱. همان

۲. همان؛ ۲۵ آذر ۸۸

خارجی و برخی بی‌تدبیری‌های داخلی قشر جوان ایران را تهدید می‌کند و باید دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط به ویژه در حوزه‌ی فرهنگی در این ارتباط هوشیار باشند و برای اقناع و توجیه جوانان به ویژه قشر دانشجو و تحصیل‌کرده برنامه‌ریزی و تدبیر ویژه داشته باشند.[۱]

وی در تاریخ ۱۲ اسفند ماه در دیدار جمعی از «ائمه‌ی جماعات مساجد تهران، شمیرانات و کرج»، نسل جوان جامعه را نیازمند توجه بیشتر عنوان کرد و گفت:

باید به سؤالات آنها با دلیل و برهان پاسخ داد و آنها را اقناع کرد و به جز این طریق هر راهی محکوم به شکست است.[۲]

۸ . تبدیل درگیری‌های فیزیکی به نقادی‌های فکری

از دیگر راه‌کارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تبدیل منازعات و درگیری‌های فیزیکی به مناظرات و نقادی‌های فکری در چهارچوب قانون و نیز خودداری از برخوردهای امنیتی با منتقدان و رسانه‌های آنها بود.

وی در تاریخ ۲۴ فروردین ماه در دیدار جمعی از «تشکل‌های دانشجویی» و «مسئولان منطقه‌ی شش دانشگاه آزاد اسلامی استان خوزستان» گفت:

برای این‌که در آینده، کشور وضع مطلوب‌تری داشته باشد باید دانشجو، مطلع، آگاه و در صحنه باشد و تشکل‌های دانشجویی در ایجاد این فضا نقش مؤثری دارند.[۳]

وی در ادامه بزرگ‌ترین خطر برای انقلاب را بی‌تفاوتی مردم دانست و تأکید کرد:

اگر بی‌تفاوتی از دانشگاه‌ها شروع شود خطرناک‌تر است؛ از این رو باید تلاش شود تا صحنه برای اظهارنظر و فعالیت سیاسی دانشجویان مهیا باشد.[۴]

وی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه در بخشی از سخنان خود در کنگره‌ی بین‌المللی بزرگ‌داشت کلینی به بیان شرایط زندگی مرحوم کلینی در بغداد پرداخت و گفت:

در آن زمان تعصبات اجازه نمی‌داد که آنها به راحتی حرف بزنند مانند زمان ما

---

۱. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸
۲. همان؛ ۱۵ اسفند ۸۸
۳. همان؛ ۲۵ فروردین ۸۸
۴. همان

که گاهی تعصبات و جاهلیت‌ها مانع از بسیاری از حرف‌ها می‌شود. در حالی که اول باید شک کرد، سؤالات را پرسید و با مباحثه به نتیجه رسید. علم، این‌گونه پیشرفت می‌کند. ما باید بحث‌ها و مناظره‌ها را با سعه‌ی صدر برگزار کنیم و از آن بهره ببریم... ما معتقدیم دین ما جهانی و ابدی است و باید بر همه‌ی ادیان غلبه کند که البته این کار با زور ممکن نیست چراکه امروز زمان منطق، استدلال و علم است.[1]

وی در تاریخ ۲۶ تیر ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران نیز با اشاره به محدودیت‌های ایجاد شده برای رسانه‌ها گفت:

مسأله‌ی مهم ما این است که آن اعتمادی که مردم را با آن وسعت وارد میدان کرد و امروز یک مقدار مخدوش شده، ما این اعتماد را برگردانیم. این هدف مقدس ما باید باشد؛ این اعتماد باید برگردد... به‌گونه‌ای عمل کنیم که آن اعتماد را [بازسازی کنیم]؛ البته یک روز و یک شب نمی‌شود. این یک جریان نسبتاً طولانی است. باید انجام بدهیم؛ بالاخره باید یک فضایی به وجود بیاوریم که همه‌ی اطراف بتوانند بیایند آنجا حرفشان را بزنند و هر طرف منطقی، بدون دعوا، بدون مشاجره، منطق حاکم باشد. البته عمده‌ی این کار مال صدا و سیماست که باید انجام بدهد که مستمعین زیادتری دارد و سایر رسانه‌ها هم باید این کار را بکنند؛ بحث‌ها هم باید منطقی باشد. برادرانه، خواهرانه، بنشینند با هم حرف بزنند، این دلیلش را بگوید و آن هم دلیلش را بگوید؛ بالاخره مردم در این بین خودشان می‌فهمند؛ آخرش هم می‌شود از مردم پرسید. یک‌طوری باشد که ما این اعتماد را برگردانیم... اگر این دو کار را بپذیریم که قانونی باشد و راه برای مناظره و مذاکره و مباحثه و استدلال باز باشد، شاید در مدت کوتاهی به قناعت برسیم... بالاخره این رسانه‌ها اگر با معیارهای قانونی اجازه گرفته‌اند، محدودشان نکنیم، در حد قانون، من عرض کردم ملاک قانون است؛ چهارچوب قانون است. نه رسانه‌ها انتظار داشته باشند بیشتر از اجازه‌ی قانونی عمل کنند، نه نظام از آنها توقع بکند که حق قانونی‌شان را ندیده بگیرند. همه با هم بگذاریم یک فضای آرامِ آزادِ انتقادی یا تأییدی ـ هر دویش ـ به وجود بیاید. من فکر می‌کنم اگر این فضا را مسئولان ما، نیروهای انتظامی ما و نظامی ما، امنیتی ما انجام بدهند، ما همه عضو یک خانواده هستیم؛ همه آسیب

۱. همان؛ ۱۹ اردیبهشت ۸۸

دیده‌ی در راه انقلاب هستیم. همه جزو کسانی هستیم که در این جهاد طولانی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری کردیم، همه‌ی ما شهید در گل‌زارهای شهدا داریم، همه‌مان جانباز در منزل خودمان داریم. چرا باید یک‌جوری باشد که دیگران از راه‌های دور بیایند و برای ما نسخه بپیچند؟ ما خودمان هستیم.[۱]

وی در تاریخ چهارم مرداد ماه در دیدار جمعی از «استادان دانشگاه علم و صنعت ایران» با استناد به قرآن کریم و سیره‌ی عملی پیغمبر(ص) و حضرت علی(ع) در مواجهه با منتقدین و شنیدن حرف‌های حق دیگران، گفت:

یکی از افتخارات مکتب اسلام و قرآن، انتقادپذیری و پایبندی به اصول قانونی است که باید در نظام اسلامی این امر مهم نهادینه شود.[۲]

وی به افزایش سطح آگاهی و دانش جامعه به ویژه قشر عظیم تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی ـ به‌خصوص خانم‌ها ـ اشاره کرد و افزود:

آگاهی کم‌سابقه‌ای که در مردم ایران اتفاق افتاده ایجاب می‌کند سطح مدیریت‌های جامعه نیز متناسب با این آگاهی و قانع کننده باشد.[۳]

وی در تاریخ ۳۱ مرداد ماه در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز گفت:

تغییر فضای هیجانی به فضای عقلانی یک ضرورت است که کار سختی نیست. باید نشست و صحبت کرد و نقادی کرد که اگر این اتفاق بیفتد، جامعه هم به سرعت به منابع خبری داخل توجه می‌کند و این ارتباط فعلی مردم با رسانه‌های خارج که معمولاً آلوده است، کم می‌شود و مردم به رسانه‌های داخلی و رسمی رجوع می‌کنند و می‌شود این تعارضات خیابانی را تبدیل کنیم به تعارضات منطقی و بحث در میدان رسانه، چه رسانه‌ی ملی و چه رسانه‌های دیگر.[۴]

وی در تاریخ ۱۵ شهریور ماه در دیدار اعضای برگزار کننده‌ی همایش بزرگداشت شهید آیت‌الله قدوسی گسترش «روح آزادگی»، «پرسش‌گری» و «تحمل مخالف» را از خصوصیات برجسته‌ی شهید قدوسی خواند و تأکید کرد:

این‌گونه خصایل و منش‌ها بود که طلاب و شاگردان بسیاری را اطراف ایشان

---

۱. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸*، ۲۶ تیر ۱۳۸۸

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ مرداد ۸۸

۳. همان

۴. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۳۱ مرداد ۸۸

جمع کرد به گونه‌ای که بسیاری از همین شاگردان، اکنون مسئولیت‌های مهمی در نظام دارند.

وی در تاریخ ۲۹ مهر ماه در دیدار «جمعی از فضلا و مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم»، ترس و تملق را آفت حیات جامعه‌ی اسلامی دانست و با اشاره به «حریت» و «آزادی‌خواهی» در اسلام، حوزه‌ها و روحانیون در طول تاریخ، وظیفه و مسئولیت فضلا، طلاب و حوزه‌های علمیه را در مقطع کنونی سنگین توصیف کرد.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در تاریخ اول آذر ماه نیز در دیدار جمعی از «اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی»، نقد اجتماعی و سیاسی را مبنای حیات نظام اسلامی خواند و گفت:

بهترین و صالح‌ترین کسانی که می‌توانند در عرصه‌ی نقد وارد شوند، دانشجویان و دانشگاهیان هستند و بدین لحاظ مسئولین باید با سعه‌ی صدر بیشتر، عرصه را برای بیان ضعف‌ها و نارسایی‌ها هموار و به نقدهای منصفانه توجه کنند.[2]

وی در تاریخ ۸ آذر ماه در دیدار جمعی از اعضای «تیم مکاترونیک دانشگاه آزاد اسلامی» فضای کنونی کشور را نیازمند همدلی و همراهی بیشتر و دوری از کینه‌توزی و جدال میان فعالان عرصه‌ی سیاسی عنوان کرد و افزود:

بحث و مناظره در رسانه خطری ندارد و آگاهی‌بخش است و به مردم حق انتخاب می‌دهد ولی زمانی که در فضای بسته این مسائل به برخوردهای خیابانی و درگیری منتج شود نتیجه‌ی نهایی آن برای هیچ‌کس مشخص نخواهد بود.[3]

وی در تاریخ ۹ آذر ماه در دیدار جمعی از «اساتید دانشگاه امیرکبیر»، دانشگاه، اساتید و دانشجویان را صالح‌ترین قشر در طرح کارشناسانه‌ی معضلات کشور و نیز امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مسئولان نظام خواند و گفت:

امیدوارم با گسترش فضای نقدِ منصفانه و ایجاد زمینه‌ی آگاهی‌بخشی در جامعه، فضای کشور به فضای دوستی و همدلی بیشتر تبدیل گردد.[4]

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۳۰ مهر ۸۸
۲. همان؛ ۳ آذر ۸۸
۳. همان؛ ۹ آذر ۸۸
۴. همان؛ ۱۰ آذر ۸۸

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از «فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، با اعلام عدم رضایت از جریاناتی که در کشور رخ می‌دهد، گفت:

از جریاناتی که در کشور می‌گذرد، راضی نیستم و هیچ مناسب نبود جامعه‌ی ما در شرایطی که از طرف دشمنان کاملاً تحت فشار است، شاهد این مسایل باشد. به خصوص که فاصله گرفتن بخشی از قشر آگاه، دانشجو، استاد، مدیر و جریان‌های فکرساز و انسان‌سازِ جامعه مصیبتی برای نظام اسلامی نوپاست که بخواهند جدا باشند یا دو تفسیر باشد که با هم نخواند.

یک جمله در مورد امنیت عرض کنم: ﴿*الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَـٰنَهُم بِظُلْمٍ أُولَـٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ*...﴾[1] این تعریف قرآن است که جامعه‌ی مؤمن، آلوده به ظلم نشده باشد. اگر این دو صفت را داشته باشند، می‌توانند امنیت جامع داشته باشند. این دو از خواسته‌های اصلی انقلاب بود که واقعاً مؤمن باشیم. با ایمان در مقابل ظلم مبارزه کردیم، کشور را تحویل گرفتیم و ساختار کشور را تنظیم کردیم. هدف این بود که ظلم در کشور نباشد. البته ظلم می‌تواند صور مختلفی داشته باشد. ولی به هر حال هرگونه ظلمی با راهی که انتخاب کرده‌ایم و راه خدا، قرآن و اسلام است، سازگار نیست...

راه‌کاری که قبلاً دادم و هنوز هم محکم روی آن عقیده‌ام هستم، این است که باید درگیری‌های میدانی در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها را تمام کنیم. این روزها می‌بینیم که هر وقت مسئولی وارد دانشگاهی می‌شود، دانشجویان این طرف و آن طرف نمی‌گذارند، آن مسئول صحبت کند و حرفش را بزنند؛ با هم دعوا می‌کنند و علیه هم شعار می‌دهند. این حالت که مسأله را حل نمی‌کند. چند شعار علیه همدیگر می‌دهند که کینه‌ها را بیشتر و دل‌ها را از هم دور می‌کند.[2]

---

۱. *انعام*: ۸۲

۲. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در همین جلسه در پاسخ به سخن ایوب توکلیان (دبیر سابق جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد و عضو شورای مرکزی این تشکّل) مبنی بر این‌که «در لابلای سخنان شما احساس کردم که شاید برداشت شما از فضای دانشگاه این است که دانشجویان کاملاً مخالف هستند. چون در سخنان خود دانشجویان و استادان را جزو صف اوّل مخالفین و منتقدین مطرح می‌کردید، من که در فضای دانشگاه هستم، زیاد با این تحلیل موافق نیستم که فضای دانشگاه را به کلی یک فضای معترض یا مخالف بدانیم.» گفت:

در این شرایط مسأله به هیچ وجه حل نمی‌شود. یا در خیابان‌ها جمع شوند و این طرفی‌ها شعار بدهند و آن طرفی‌ها بزنند و به همدیگر اهانت کنند. واقعاً چگونه و کی حل می‌شود؟ در این شرایط باید یک طرف از پا در بیاید که معلوم است هیچ طرف از پا در نمی‌آید... تنها راه‌کاری که به منطق برسیم، این است که درگیری‌های خیابانی و زد و خوردهای داخل دانشگاه‌ها را کم کنیم... باید رسانه‌ها و احزاب را طبق قانون آزاد کنیم. رسانه‌ی ملی را که از اسمش پیداست، متعلق به همه است آزاد بگذاریم و اجازه بدهیم صاحب‌نظران بحث کنند. البته قبول دارم که همه‌ی مسایل ظرف یک روز، دو روز یا یک هفته، دو هفته حل نمی‌شود؛ ولی اگر این مناظره‌ها، مباحثه‌ها و مسایل مورد اختلاف در بحث‌های کارشناسی و قانونی را برای مردم پخش کنیم، گوش می‌دهند. در آن صورت کسانی که منتظرند تا سر و صداها و حرف‌ها را از خیابان‌ها بشنوند، از صدا و سیما می‌شنوند و یا در روزنامه‌ها می‌خوانند. نباید دعوا باشد و باید بر اساس منطق باشد. الحمدلله الآن به اندازه‌ی کافی انسان‌های فرهیخته در دو طرف داریم که می‌توانند بحث کنند. در آن صورت به مردم آگاهی می‌دهیم و اگر عده‌ای از هر دو طرف فریب خوردند، متوجه می‌شوند. می‌توانیم حرف‌ها را با استدلال بزنیم و چند بار تکرار کنیم و ظرف چند ماه جامعه را روشن کنیم. واقعاً الآن نمی‌توان جامعه را با سرکوب اداره کرد... ولی اگر نظام بپذیرد و باز بگذارد که همه بحث کنند، خیلی از مسایل حل می‌شود.[1]

وی در بخش دیگری از سخنان خود به فضای باز فکری و سیاسی در زمان حکومت امام علی علیه‌السلام اشاره کرد و گفت:

حضرت علی علیه‌السلام در زمانی که حاکم بودند و انتقاد زیاد شده بود، در مسجد

«در مورد دانشگاهیان من نگفتم همه‌ی آنها مخالفند. [شما خودتان دیدید که نماینده‌ی رهبری در دانشگاه‌ها اخیراً گفته‌اند: هفتاد درصد دانشگاهیان به کسانی که امروز زمام امور را در دست دارند رأی نداده‌اند]... این‌که می‌گویید در داخل دانشگاه این‌گونه است یا نیست، چون خودم نیستم، قضاوت آن‌چنانی ندارم. ولی آنچه که از دانشگاه‌ها خبر می‌رسد، می‌گویند اکثریت دانشجویان معترض هستند. ممکن است این‌گونه نباشد... البته من نظرسنجی نکردم. از دانشگاه آزاد که کمی به ما گزارش می‌دهند، از دانشگاه‌های دولتی آرام‌تر است. بالاخره ما این مقدار می‌بینیم که یک وزیر نمی‌تواند در دانشگاه صحبت کند. من این را می‌گویم که چرا فضای دانشگاه که فضای منطق است، این‌گونه باشد که وزیر نتواند برای دانشجویان صحبت کند. هر وقت این‌گونه بود، بد بود. می‌گویم فضای دانشگاه باید به گونه‌ای باشد که دو طرف حرف‌های خود را بزنند.»

(*خبرگزاری فارس*؛ ۲۴ آذر ۸۸ کد خبر: ۸۸۰۹۲۴۱۷۹۹)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ آذر ۸۸

موعظه می‌کردند که یک نفر عصبانی برخاست تا سؤال و انتقاد کند که بدگویی کرد. دوستان حضرت علی‌علیه‌السلام نتوانستند تحمل کنند و دست او را گرفتند، کشیدند و اهانت کردند و می‌خواستند کتکش بزنند که حضرت فرمودند: رهایش کنید چرا کتکش می‌زنید؟ «*إنما هو سبٌّ بسبٍّ أو عفوٌ عن ذنبٍ*»[۱]؛ اگر بدگویی کرد، جوابش بدگویی ـ و نه کتک ـ است و یا ببخشیم.

حضرت علی‌علیه‌السلام با مخالفین و منتقدین خود، آن هم نهروانی‌ها که همه چیز را به هم می‌ریختند، این‌گونه رفتار می‌کرد. لذا ما نباید با نوجوان و جوان با دانشجویان و استادان خود رفتاری کنیم که خودمان هم نمی‌توانیم قبول کنیم.

وقتی انسانی ببیند که یک استاد، یک دانشجو و یا خانم در ابراز عقیده‌ی خود احساس بی‌پناهی کند، دلش خون می‌شود. این قابل تحمل نیست و به جایی هم نمی‌رسد. یا رسانه‌ها را ببندیم که کسی خبری نداند.

مثلاً صدا و سیما یک طرفه حرف بزند. حرف‌های یک طرف را کاملاً خوب نمایش بدهد و حرف‌های یک طرف را اصلاً نگوید یا تغییر بدهد. روزنامه‌های منتقد آزاد نباشند و خیال روزنامه‌های طرفدار حکومت کاملاً راحت باشد. این وضع قابل دوام نیست. شرایط امروز هم مثل ۳۰ ـ ۴۰ سال پیش نیست. در گذشته وقتی اعلامیه‌ای پخش می‌کردیم، تنها خودمان می‌دانستیم و چند نفری که اعلامیه به دست آنها می‌رسید. به تعداد اعلامیه‌ای که بین مردم پخش می‌کردیم، زندانی می‌دادیم، مردم خبر نداشتند که چه می‌گذرد. ما به روستاها و شهر می‌رفتیم و دو، سه روز سخنرانی می‌کردیم و ما را می‌گرفتند و به قم یا زندان می‌فرستادند. الآن این‌گونه نیست. اگر کسی حرف کوچکی بزند یا در خیابان حرکت کوچکی بکند، کسی آن طرف‌تر فیلم‌برداری می‌کند و همه‌ی سایت‌ها و تلویزیون‌های دنیا می‌گذارند. اگر ما رسانه‌های خود را ببندیم و مردم خبرهایشان را از رادیو بی.بی.سی یا آمریکا بگیرند، خوب است؟! آنها که این‌گونه خبررسانی نمی‌کنند. یک تصویر خیابانی از زد و خوردها را نشان می‌دهند و می‌گویند انقلاب اسلامی همیشه این‌گونه بود. امام‌رحمه‌الله هم این‌گونه بود، اصلاً اسلام این‌گونه است. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله هم این‌گونه بود. همیشه این کار را می‌کردند؛ همیشه مردم را می‌کشتند. متأسفانه اسنادی می‌سازند که نشان بدهند و یک موضوع مسلم

---

۱. حر عاملی، محمدبن حسن بن علی، *وسائل الشیعة*، ج ۲۰، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چ اول، قم ۱۴۰۹ ق، ص ۱۰۶

و روشن را دلیلی برای آلوده کردن انقلاب می‌کنند. شاید الآن خبرها از طریق رسانه‌های خارجی، اجنبی و دشمن زودتر از رسانه‌های خودمان می‌رسد. هرکس وقت داشته باشد، می‌تواند در تمام ۲۴ ساعت رادیو یا تلویزیونی پیدا کند و حرف‌های دشمن‌پسند بشنود. هیچ‌کس نمی‌تواند در این شرایط فکر کند که سانسور و محدود کردن جواب می‌دهد. ولی اگر فضا برای بحث آزاد باشد، خیلی خوب است. شاید بخشی از جامعه قانع نشوند، ولی اکثریت جامعه که منصف هستند، قانع می‌شوند. در آن صورت یک جوان به هیچ وجه کلاس درسش را تعطیل نمی‌کند که در خیابان دعوا کند. چون احساس می‌کند که می‌تواند حرفش را بزند. شاید در راهپیمایی خیابانی جلوی ۱۰۰ نفر حرف بزند، ولی اگر فضا باز باشد، می‌تواند در صدا و سیما جلوی میلیون‌ها نفر بگوید... آزاد کردن رسانه‌ها در چهارچوب قانون.[1] اگر کسی بخواهد خلاف قانون عمل کند، خیلی صریح به مردم می‌گوییم، این رسانه که آزاد بود و می‌توانست حرف بزند، این‌گونه عمل کرد. یا اگر کسی در تلویزیون حرف‌هایی برخلاف قانون بزند، می‌توانیم بگوییم با این‌که یک ساعت وقت داشت، نتوانست در چهارچوب قانون استفاده کند. باید کسی بیاید که حرف‌های قانونی بزند. این طرف هم این‌گونه باشد. اگر زور گفت و برخورد شد، می‌توان استدلال کرد. امروز اکثریت جامعه‌ی ما استدلال را می‌فهمد. کم‌کم بچه‌های هفت، هشت ساله، دختر و پسر سیاسی می‌شوند.[2]

آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۵ آذر ماه در دیدار جمعی از «اعضای ائتلاف اصلاح‌طلبان» و جمعی از «تشکل‌های دانشگاه آزاد اسلامی مشهد» ایجاد

---

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان مبنی بر این‌که «آیا در زمان ریاست جمهوری حضرت‌عالی هم رسانه‌ها مثل زمان آقای احمدی‌نژاد و سال‌های اخیر و حتی قبل از ایشان اجازه انتقاد داشتند، واقعاً چقدر آزادی بود؟» گفت:

«در مورد بستن رسانه‌ها، این‌که الآن را با آن موقع مقایسه کردید، باید بگویم که من الآن بحث دولت آقای احمدی‌نژاد و یا دولت دیگری را ندارم. بحث من مربوط به شرایط فعلی است. در زمان ما این‌قدر لازم نبود با رسانه‌ها برخورد شود. مگر چند روزنامه در طول ۸ سال ریاست جمهوری من بسته شد؟ اگر یادتان باشد، در زمان دولت من روزنامه‌ی سلام تقریباً هر روز همه چیز را زیر سؤال می‌برد. امّا من حتی یک ذره هم به آنها تعرض نکردم؛ کاری به آنها نداشتم. آن زمان همین جناح به اصطلاح چپ در مجلس چقدر حرف می‌زدند؟ مطالب زیادی می‌گفتند که به آنها تعرض نمی‌کردیم. اگر گاهی به جاهایی تعرض می‌کردند که نمی‌بایست می‌کردند، جواب آنها را می‌دادند. من اصلاً عقیده ندارم که بتوان از راه سرکوب به جایی رسید.» (*خبرگزاری فارس*؛ ۲۴ آذر ۸۸، کد خبر: ۸۸۰۹۲۴۱۷۹۹)

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ آذر ۸۸

فضای آزاد رسانه‌ای، حزبی و تریبونی را در دانشگاه‌ها برای طرح مباحث منطقی و به دور از جنجال‌آفرینی ضروری دانست.[۱]

وی همچنین در تاریخ ۲۴ آذر ماه و در آستانه‌ی ماه محرم در دیدار «جمعی از روحانیون و وعاظ»، با بیان این‌که باید به گونه‌ای با مردم رفتار شود تا آنها احساس کنند نظام به دنبال احقاق حق آنها و حفظ کرامتشان است، به انتقاد از برخی افراد، احزاب و گروه‌های سیاسی که با انحصارگرایی و برخورد حذفی مانعی مهم در رسیدن جامعه به حد تعادل هستند پرداخت و تصریح کرد:

اگر برخی فکر کنند با ارعاب و فضاسازی می‌توانند مسائل را حل نمایند در اشتباهند و اگر هم به صورت ظاهری آنرا حل کنند پس از گذشت زمان کوتاهی آن موضوع وسیع‌تر از گذشته مطرح خواهد شد.[۲]

وی در تاریخ ۲۸ آذر ماه در دیدار مسئولان «ستاد مرکزی احیای امر به معروف و نهی از منکر» گفت:

درحال‌حاضر با تمامی زحمات کشیده شده، نه «ظاهر» جامعه‌ی ما و نه «باطن» جامعه وضعیت پسندیده‌ای ندارد. اشکالات که در امور کسب، قضا، ادارات و... جامعه وجود دارد جملگی ناشی از عدم توجه جملگی ما به تقویت «وجدان اجتماعی» است و اکنون وظیفه‌ی بزرگ تمامی نخبگان امروز کشور ما اعم از دانشگاهیان، طلاب، رسانه‌ها، تریبون‌ها و همه و همه آن است که کمک کنند تا بی‌تفاوتی نسبت به بدی و زشتی در جامعه کنار رفته و با تقویت وجدان آگاه «انسان‌ها» خود به تقابل و تنفر از زشتی‌ها و بدی روی آورده و بی‌تفاوت از کنار آن نگذرند.

یادمان باشد که هم خوبی و هم بدی قابل سرایت است و قرآن به ما مژده‌ی «بهترین امت» را با داشتن «امر به معروف و نهی از منکر» داده است و بی‌تفاوتی در این مهم جایی ندارد. در زمان پیامبرﷺ که این آیات نازل شد مسلمانان واقعاً آزادی ابراز عقیده ناشی از همین موضوع داشتند و حتی با ادب از پیامبر خداﷺ سؤال می‌کردند و پاسخ خود را نیز می‌گرفتند و این دلیل

---

۱. همان؛ ۱۶ آذر ۸۸
۲. همان؛ ۲۶ آذر ۸۸

زنده ماندن امت اسلامی بود. امروز با تمامی ایثارها و جهادهای صورت پذیرفته در طول تاریخ مبارزه و انقلاب هنوز «فرهنگ نظارت عامه» در بین مردم جایگاه اصلی خود را نیافته است و کار بزرگ شما آن است که در تحقق این موضوع کوشا باشید.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۹ آذر ماه در دیدار جمعی از استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم آیه‌ی کریمه‌ی ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...﴾[2] را سند و مبنای بسیار خوبی برای ترویج فضای آزاداندیشی در جامعه و پاسخ به سؤالات قشر فرهیخته و به خصوص جوانان خواند و گفت:

امروزه ارتباطات به قدری گسترده شده که طالبان آگاهی به سهولت به اخبار دسترسی دارند و اگر ما نتوانیم به سؤالات مردم و جوانان با منطق و استدلال و ارائه‌ی اطلاعات صحیح پاسخ گوییم، دشمنان با رسانه‌های فراگیر، پاسخ‌های مدنظر خود را به جامعه‌ی هدف خواهند رساند. اگر امروز فضای کشور، عاقلانه و مدبرانه اداره شود، از برخورد آزادانه‌ی اندیشه‌ها به نقطه‌ی خوبی می‌رسید که برآیند آن هوشیاری، بیداری و انتخاب احسن مردم است و البته هر حرکتی هزینه‌هایی هم به همراه دارد.[3]

وی با اشاره به این‌که امروز هیچ قدرت و توجیهی نمی‌تواند با جزم‌اندیشی و دگماتیسم، مردم را قانع کند، تصریح کرد:

تاریخ اسلام نشان داده است هرگاه فضای آزاداندیشی وجود داشته، اسلام پله‌پله رشد کرده و به اوج و عظمت رسیده است که مثال بسیار خوب آن عصر ائمه‌ی معصوم علیهم‌السلام، امام صادق علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام است.

وی ایجاد رنسانس در اروپا پس از قرون وسطی را محصول آزاداندیشی و رشد علوم گوناگون در جوامع اسلامی و سپس ترجمه‌ی متون علمی دانشمندان مسلمان به لاتین خواند و تأکید کرد:

در حال حاضر به واسطه‌ی وجود قشر عظیم دانشگاهی و حوزوی در کشور

---

۱. همان؛ ۲۹ آذر ۸۸

۲. زمر: ۱۷ـ ۱۸

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۳۰ آذر ۸۸

زمینه‌ی بسیار خوبی برای طرح آزاد مباحث گوناگون بر مبنای منطق و استدلال به وجود آمده است که امید است با تحقق کامل و عینی وحدت حوزه و دانشگاه، برکات آن که پیشرفت و توسعه‌ی پایدار است نصیب کشور و جهان اسلام گردد.

وی یأس و ناامیدی را سم مهلک هر جامعه‌ای خواند و گفت:

نخبگان حوزوی و دانشگاهی باید با صبر و حوصله و تلاش برای ارائه پاسخ‌های صحیح و منطقی به سؤالات مردم و جوانان، دوران کنونی را در پناه تعالیم حکیمانه‌ی اسلام عزیز به خوبی پشت سر بگذارند.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۹ دی‌ماه در دیدار جمعی از اعضای «شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها» در پاسخ به پرسش حاضران در خصوص شیوه‌ی حل مسائل فعلی تأکید کرد:

اقداماتی نظیر انجام مناظرات مستدل و اظهارات رسانه‌ای به جای برخوردهای خیابانی می‌تواند این مسیر را هموار کند.[2]

وی در تاریخ ۲۰ بهمن‌ماه در دیدار دبیر کل و اعضای «هیأت مدیره‌ی کانون زندانیان سیاسی مسلمان»، استدلال صحیح وقایع، تبادل فکر و اندیشه و اقناع افکار را در عصر ارتباطات برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و همراهی افکار عمومی بسیار مؤثر دانست و از بی‌تدبیری در امور به عنوان آفت ترویج افکار صحیح و مانع تحقق اهداف انقلاب نام برد. وی همچنین با توجه به ماهیت دینی ــ فرهنگی انقلاب اسلامی مشی اعتدال و پرهیز از افکار افراطی را که آستانه‌ی تحمل پایینی در برابر انتقاد دارند از ضرورت‌های رشد و بالندگی جامعه برشمرد و افزود:

نباید فضایی بر جامعه حاکم شود که هر انتقادی بدون توجه به روح و ماهیت آن، موج حملات، تخریب و تهمت را از سوی افراطیون به همراه داشته باشد.[3]

---

۱. همان
۲. همان؛ ۳۰ دی ۸۸
۳. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۷ اسفندماه در مصاحبه‌ای با پایگاه اطلاع‌رسانی خویش نیز گفت:

ما به فضای نقادی و بحث‌های منطقی در کشور نیاز داریم.[۱]

۹. برقراری عدالت رسانه‌ای

از دیگر راه‌کارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای برون رفت از وضعیت نامطلوب کشور در سال ۱۳۸۸، برقراری عدالت رسانه‌ای از طریق خودداری از یک جانبه‌گرایی در صدا و سیما و برخی دیگر از رسانه‌ها بود. وی که پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نیز به عملکرد صدا و سیما و عدم رعایت انصاف از سوی این رسانه معترض بود، در تاریخ سوم اردیبهشت ماه در دیدار «شورای مرکزی خانه‌ی احزاب ایران» گفت:

اعتبار صدا و سیما به این است که بر اساس اصول اسلامی و صداقت، عمل کرده و آیینه‌ی تمام‌نمای نظرات مردم باشد.[۲]

وی در اولین روز از خرداد ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران گفت:

صدا و سیما هم به عنوان یک رسانه‌ی ملی که اعتبارش با رضایت مردم و تشخیص مردم و اعتماد مردم بالا می‌رود از این به بعد سعی کند این دوره‌ی ۲۰ روزه‌ای که ما داریم منصفانه و بدون جانبداری از هیچ طرف و بر وفق قانون و بر مبنای وظیفه‌ی صدا و سیما عمل کند که مردم مطمئن بشوند حالا که می‌آیند پای صندوق رأی دیگر آن تبلیغات مسمومی که هست که آرایتان را دیگران می‌برند، دیگر آن اتفاق نمی‌افتد و ان‌شاءالله اعتماد جدیدی در جامعه‌ی ما خلق خواهد شد.[۳]

وی در تاریخ ۱۰ خرداد ماه نیز در دیدار جمعی از «مجمع دانش‌آموختگان استان گلستان» و گروهی از فعالان «شاخه‌ی جوانان خانه‌ی احزاب ایران»، عدالت تبلیغاتی را باعث افزایش اعتماد عمومی در جامعه دانست.[۴]

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۷ اسفند ۸۸

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ اردیبهشت ۸۸

۳. همان؛ ۲ خرداد ۸۸

۴. همان؛ ۱۱ خرداد ۸۸

پس از اعلام نتایج انتخابات نیز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۶ تیر ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران گفت:

> مسأله‌ی مهم ما این است که آن اعتمادی که مردم را با آن وسعت وارد میدان کرد و امروز یک مقدار مخدوش شده، ما این اعتماد را برگردانیم. این هدف مقدس ما باید باشد؛ این اعتماد باید برگردد... به گونه‌ای عمل کنیم که آن اعتماد را [بازسازی کنیم]؛ البته یک روز و یک شب نمی‌شود. یک جریان نسبتاً طولانی است. باید انجام بدهیم؛ بالاخره باید یک فضایی به وجود بیاوریم که همه‌ی اطراف بتوانند بیایند آنجا حرفشان را بزنند و هر طرف منطقی، بدون دعوا، بدون مشاجره، منطق حاکم باشد.
>
> البته عمده‌ی این کار مال صدا و سیماست که باید انجام بدهد که مستمعین زیادتری دارد و سایر رسانه‌ها هم باید این کار را بکنند؛ بحث‌ها باید منطقی باشد. برادرانه، خواهرانه، بنشینند با هم حرف بزنند، این دلیلش را بگوید و آن هم دلیلش را بگوید؛ بالاخره مردم در این بین خودشان می‌فهمند؛ آخرش هم می‌شود از مردم پرسید. یک‌طوری باشد که ما این اعتماد را برگردانیم... من فکر می‌کنم، برای آینده، برای اتحاد ما، برای جلوگیری از خطر [متوجه] نظام و برای حفظ این ارزش‌هایی که انقلاب خلق کرد، برای این بنای باشکوهی که امام راحل و خون شهدا و مجاهدات مردمی که در این راه تلاش کردند و رزمندگان ما، برای ما مانده، برای نسل سوم و چهارم و نسل‌های بعد بماند، در این مقطع ما می‌توانیم این حرکات را بکنیم. خب اگر این دو کار را بپذیریم که قانونی باشد و راه برای مناظره و مذاکره و مباحثه و استدلال باز باشد، شاید در مدت کوتاهی به قناعت برسیم.[1]

از جمله اقدامات صدا و سیما که موجب تشدید اختلافات و درگیری‌ها شد، پخش اعترافات متهمان حوادث پس از انتخابات و نام بردن از برخی اشخاص و ایراد اتهامات گوناگون از زبان متهمان نسبت به آنها بود که مورد اعتراض مقام معظم رهبری قرار گرفت.[2] آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در نطق افتتاحیه‌ی

---

۱. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸*، ۲۶ تیر ۱۳۸۸

۲. موضع مقام معظم رهبری در این رابطه را در پاورقی شماره۱ از صفحه ۱۹۲ بخوانید.

ششمین اجلاس دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری یکی از محورهای مهم سخنان رهبری را ممنوع کردن پخش اعترافات متهمان در رسانه‌ها بیان کرد و گفت:

اگر اعتراف متهمان نسبت به دیگران پخش شده باید با متخلف برخورد شود و باید ایستاد و با آنها برخورد کرد. این‌که هر رسانه هرچه دلش خواست بنویسد و آن را منتشر کند، درست نیست و باید با آن برخورد کرد. این تذکر رهبری اهمیت فوق العاده‌ای دارد.[1]

وی همچنین لزوم رعایت حق افراد در دفاع از خود را از محورهای مهم سخنان رهبری دانست و خاطرنشان کرد:

این موارد [محورهای سخنان رهبری] می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد و یک وظیفه‌ی قانونی است و اگر مباحث افراد صاحب‌نظر مورد عمل قرار گیرد، می‌تواند شرایط بهتری در جامعه پیش بیاید.[2]

وی در تاریخ ۲۹ مهر ماه در دیدار «جمعی از فضلا و مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم» با تأکید بر لزوم اطلاع‌رسانی آزاد و بدون سانسور از وقایع و مسائل کشور، تصریح کرد:

رسانه‌های ما نباید با اطلاع‌رسانی خلاف واقع مخاطبان خود را به سوی رسانه‌های خارج از کشور که اخبار راست و دروغ و تحریف شده به خورد مردم می‌دهند، سوق دهند.[3]

وی در تاریخ ۱۶ آبان ماه نیز در دیدار جمعی از «نمایندگان ادوار غرب کشور» تأکید کرد:

مطبوعات به ویژه رسانه‌ی ملی به عنوان رکن چهارم مشروعیت، امکان نقد مسایل را در فضای رسانه‌ای کشور فراهم کنند.[4]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از «فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، گفت:

رسانه‌ی ملی را که از اسمش پیداست، متعلق به همه است، آزاد بگذاریم و اجازه بدهیم صاحب‌نظران بحث کنند. البته قبول دارم که همه‌ی مسایل ظرف

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸
۲. همان؛ ۱ مهر ۸۸
۳. همان؛ ۳۰ مهر ۸۸
۴. همان؛ ۱۷ آبان ۸۸

یک روز، دو روز یا یک هفته، دو هفته حل نمی‌شود؛ ولی اگر این مناظره‌ها، مباحثه‌ها و مسایل مورد اختلاف در بحث‌های کارشناسی و قانونی را برای مردم پخش کنیم، گوش می‌دهند.[1]

وی یکی از مصادیق اقدامات یک‌جانبه‌ی صدا و سیما که می‌بایست اصلاح شود را با این عبارات بیان کرد:

مثلاً صدا و سیما یک طرفه حرف بزند. حرف‌های یک طرف را کاملاً خوب نمایش بدهد و حرف‌های یک طرف را اصلاً نگوید یا تغییر بدهد.

وی در ادامه مجدداً بر لزوم ایجاد بحث‌های آزاد در صدا و سیما تأکید کرده، گفت:

اگر فضا برای بحث آزاد باشد، خیلی خوب است. شاید بخشی از جامعه قانع نشوند، ولی اکثریت جامعه که منصف هستند، قانع می‌شوند. در آن صورت یک جوان به هیچ وجه کلاس درسش را تعطیل نمی‌کند که در خیابان دعوا کند. چون احساس می‌کند که می‌تواند حرفش را بزند. شاید در راهپیمایی خیابانی جلوی ۱۰۰ نفر حرف بزند، ولی اگر فضا باز باشد، می‌تواند در صدا و سیما جلوی میلیون‌ها نفر بگوید.

وی در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان مبنی بر آن‌که «آیا اجازه می‌دهید در حالی که آقایان و منتسبین به آنها با رسانه‌های بیگانه علیه نظام صحبت کردند، از رسانه‌ی ملی مطلبی را بگویند؟ واقعاً خیلی از بحث‌های آنها شایسته بود؟ آیا به نظر شما این شایسته است؟ چون ما دیدیم و همه مردم شاهد بودند. مصاحبه‌هایی که با رسانه‌های بیگانه کردند، به هیچ وجه شایسته نبود که از رسانه‌ی ملی پخش شود»، گفت:

در مورد این‌که معترضین در رسانه‌ی ملی حرف بزنند، من نمی‌گویم هر مطلبی را در رادیو و تلویزیون بگویند. گفتم باید در چهارچوب قانون باشد. اگر قانون اجازه می‌دهد، حرفی زده شود، بگویند. بالاخره وقتی می‌خواهد بحث شود، یک گروه ناظر می‌گذارند. اگر از قانون خارج شوند، اجازه ندارند و مسئولین هم نباید وقت بدهند. حرف‌هایی که شما درباره‌ی مطالب این افراد گفتید، مربوط به زمانی است که دعوا شد. یعنی پس از آن حوادث، آن حرف‌ها را

---

۱. همان؛ ۲۵ آذر ۸۸

زدند. من می‌گویم به هر دلیلی دعوا شد، بیاییم بنا را بر این بگذاریم که از این پس دو طرف قانونی حرفی بزنند.[۱]

وی در تاریخ ۲۳ اسفندماه نیز در مصاحبه‌ای با پایگاه اطلاع‌رسانی خویش، خطاب به صدا و سیما گفت:

صدا و سیما اگر بخواهد موفق باشد، باید سرلوحه‌ی کارش این باشد که ملی باشد. یعنی نگاهش به همه‌ی مردم باشد و به منافع کل نگاه کند. این نقطه‌ی ضعف صدا و سیماست. اگرخدایی نکرده باندی شود و برای یک باند بخواهد کار کند. در این صورت اعتماد مردم را از خود سلب می‌کند اگرچه در یک بخشی از جامعه ممکن است طرفدارانی پیدا کند. این عملکرد، رسالت صدا و سیمایی که اصل اسمش رسانه‌ی ملی است، نیست.[۲]

۱۰. آزادی دستگیرشدگان

در جریان حوادث پس از انتخابات تعداد قریب به چهار هزار نفر از معترضین به نتایج انتخابات، آشوبگران و فعالان سیاسی دستگیر و زندانی شدند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما بدون آن‌که افراد بازداشت شده را فاقد جرم بنامد و یا حتی خواستار عدم محاکمه‌ی آنها باشد، یکی از راه‌کارهای عبور از وضعیت نامطلوب کشور را آزادی زندانیان سیاسی در شرایط خاص کشور دانست.[۳]

وی ابتدا درتاریخ ۱۳ تیرماه در دیدار جمعی از «خانواده‌های بازداشت‌شدگان[۴]

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ آذر ۸۸

۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۳ اسفند ۸۸

۳. در جریان گفتگوی تلویزیونی آقایان علاالدین بروجردی (رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس) و حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان (رییس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس) که در روز پنج‌شنبه اول بهمن ماه ۸۸ با حضور در برنامه‌ی زنده تلویزیونی «رو به فردا» پیرامون مسائل و حوادث پس از انتخابات برگزار شد، آقای بروجردی با اشاره به بازدید کمیته‌ی ویژه‌ی مجلس از زندانیان حوادث پس از انتخابات گفت: «کسانی که در حوادث پس از انتخابات دستگیر شده بودند حدود چهار هزار نفر اعلام شد که خیلی از این تعداد با دادن تعهد آزاد شدند.» (سایت *خبر آنلاین*، ۱۱بهمن ۱۳۸۸، کد خبر: ۳۸۸۶۴)

۴. برخی از فعالان سیاسی در جریان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری بازداشت و زندانی شدند. این دستگیری‌ها که از اولین ساعات روز ۲۳ خرداد ماه آغاز شد، شماری از فعالان سیاسی را در بر گرفت. اسامی برخی از افراد بازداشت شده عبارت بود از: محسن میردامادی (نماینده‌ی مردم تهران و رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس ششم و دبیرکل جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی)، عبدالله رمضان‌زاده

(سخنگوی دولت دوم سیدمحمد خاتمی و قائم مقام دبیر کل جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی)، سیدمصطفی تاج‌زاده (معاون سیاسی وزیر کشور در دولت خاتمی، عضو شورای مرکزی جبهه‌ی مشارکت، عضو شوای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، سعید حجاریان (منتخب مردم تهران در شورای شهر اول و مشاور ارشد سیدمحمد خاتمی، عضو جبهه‌ی مشارکت)، سید محمدعلی ابطحی (رییس دفتر سیدمحمد خاتمی، عضو مجمع روحانیون مبارز)، محمد عطریان‌فر (عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی)، بهزاد نبوی (نماینده مردم تهران در مجلس ششم و عضو هیأت رییسه‌ی آن، عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، فیض الله عرب سرخی (عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، صادق نوروزی (عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، محسن صفایی‌فراهانی (نماینده‌ی مردم تهران در مجلس ششم، عضو شورای مرکزی و رییس هیأت اجرایی جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی)، محسن امین‌زاده (معاون وزیر امور خارجه در دولت سیدمحمد خاتمی، عضو مؤسس جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی)، هدایت‌الله آقایی (عضو حزب کارگزاران سازندگی)، محمدجواد امام (عضو شوای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، محمد قوچانی (سردبیر روزنامه اعتماد ملی)، علی تاجرنیا (نماینده مردم مشهد در مجلس ششم، رییس شورای منطقه‌ی تهران جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی)، سعید شیرکوند (معاون وزیر اقتصاد در دولت سیدمحمد خاتمی، عضو شورای مرکزی جبهه ی مشارکت ایران اسلامی)، شهاب‌الدین طباطبایی (عضو شورای مرکزی جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی، رییس ستاد ۸۸ کل کشور)، علی‌اصغر خدایاری (استاد دانشگاه و عضو سابق شورای مرکزی جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی)، داوود سلیمانی (نماینده‌ی مردم در مجلس ششم و عضو شورای مرکزی جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی)، مجید نیّری (عضو شوای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، عباس کوشا (عضو دفتر سیاسی جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی)، رمضان‌پور (رییس شورای منطقه‌ی هرمزگان جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی)، سعید نورمحمدی (عضو شاخه‌ی جوانان حزب مشارکت)، حمزه غالبی (عضو ستاد مهندس موسوی و عضو شاخه‌ی دانشجویان جبهه‌ی مشارکت)، امیرحسین مهدوی (عضو شوای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، جهان‌بخش خانجانی (عضو حزب کارگزاران سازندگی)، محمدرضا جلایی پور (سخنگوی کمپین موج سوم حمایت از خاتمی و موسوی)، عبدالرضا تاجیک (روزنامه‌نگار)، احمد زیدآبادی (عضو سازمان دانش‌آموختگان دفتر تحکیم وحدت)، عبدالله مؤمنی (عضو سازمان دانش‌آموختگان دفتر تحکیم وحدت)، عباس‌میرزا ابوطالب (قائم مقام دبیرکل حزب همبستگی)، سعید لیلاز (روزنامه‌نگار)، محمد توسلی (عضو نهضت آزادی ایران)، عماد بهاور (عضو نهضت آزادی ایران)، محسن حکیمی (عضو نهضت آزادی ایران)، علوی (عضو نهضت آزادی ایران)، سمیه توحیدلو (فعال در جامعه‌ی مجازی)، بهزاد باشو (روزنامه‌نگار و کاریکاتوریست)، عبدالفتاح سلطانی (عضو کانون مدافعان حقوق بشر)، ژیلا بنی‌یعقوب (روزنامه‌نگار)، بهمن احمدی‌امویی (روزنامه‌نگار)، کیوان صمیمی (روزنامه‌نگار)، مهسا امرآبادی (روزنامه‌نگار)، مسعود باستانی (روزنامه‌نگار)، عیسی سحرخیز (روزنامه‌نگار)، محمدعلی دادخواه (وکیل دادگستری)، یحیی کیان تاج‌بخش (فعال جامعه‌ی مدنی)، مجید سعیدی (عکاس و خبرنگار)، شمس‌الدین عیسایی (عضو ستاد مهندس موسوی)، سید علیرضا بهشتی (فرزند شهید بهشتی)، مرتضی الویری (شهردار اسبق تهران)، حسین مرعشی (عضو حزب کارگزاران سازندگی)، سردار محمد عزلتی‌مقدم (مسئول کمیته ایثارگران ستاد مهندس موسوی)، محمد نوری‌زاد (کارگردان سینما) و...

(ر.ک: *گذر از فتنه ۸۸*، ج ۱، معاونت سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، نشر اعتدال، چاپ اول، ص ۵۰۳ _ ۵۰۲)

حوادث پس از انتخابات» با اشاره به شور و اشتیاق زایدالوصف ایجاد شده در مردم قبل از برگزاری انتخابات که در نهایت به حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رأی انجامید، گفت:

> مردم سراسر کشور بسیار خوب و حماسی در صحنه انتخابات حاضر شدند، ولی متأسفانه وقایع پس از آن و مشکلاتی که برای برخی به وجود آمده، ذائقه‌ها را تلخ کرد و فکر نمی‌کنم هیچ وجدان بیداری از وضع به وجود آمده راضی باشد.[۱]

وی با ابراز تأسف از اوضاع پیش آمده در جریان انتخابات و پس از آن گفت:

> امیدوارم با درایت و حسن مدیریتِ مسائل، در روزهای آینده شاهد بهتر شدن اوضاع، حل مشکلات و کاهش آلام خانواده‌های چشم انتظار باشیم. باید به فکر حفظ منافع و مصالح نظام در درازمدت بود.[۲]

وی حفظ نظام اسلامی و دستاوردهای آن را وظیفه‌ی اصلی مسئولان و مردم دانست و تأکید کرد:

> باید سعی کنیم با مراعات حقوق همه‌ی شهروندان موجب حفظ همدلی و وحدت، ضمن افزایش اعتماد و اعتبار نظام در نزد افکار عمومی، جلوی سوء استفاده‌ی دشمنان را نیز سد کنیم.[۳]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۶ تیرماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران نیز گفت:

> لازم نیست در این شرایط ما افرادی را به این نامی که الآن هست در زندان داشته باشیم. اجازه بدهیم اینها بیایند به خانواده‌هایشان برسند.[۴] نگذاریم که[۵] به‌خاطر زندانی بودن یک عده، دشمنان ما را سرزنش کنند، شماتت کنند، به ما بخندند، برای ما نقشه بکشند؛ ما این‌قدر خودمان باید رشادت، حلم و صبر داشته باشیم که همدیگر را تحمل کنیم.[۶]

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۴ تیر ۸۸
۲. همان
۳. همان
۴. تکبیر جمعی از نمازگزاران
۵. بیان این جملات با گریه‌ی کوتاه سخنران همراه بود.
۶. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸،* ۲۶ تیر ۱۳۸۸

وی در تاریخ چهارم مرداد ماه در دیدار «جمعی از استادان دانشگاه علم و صنعت ایران» گفت:

امید من به رهبری است که با توجه به افکار و تجربه‌ی خودشان برای حل مشکلات جاری اقدام کنند و نظر خود من برای حل کوتاه مدت همان پیشنهاداتی است که در نمازجمعه مطرح کردم. اینجانب بارها از زبان رهبری معظم شنیده‌ام که فرمودند: اینها که به آسانی مردم را به زندان می‌برند اگر مثل من و تو طعم زندان را چشیده بودند چنین نمی‌کردند.[۱]

۱۱. دل‌جویی از خانواده‌های آسیب دیده

در جریان حوادث پس از انتخابات برخی از افراد دچار آسیب‌های جانی[۲]، مالی و یا

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۵ مرداد ۸۸

۲. سایت خبری پرچم (نزدیک به دولت) در تاریخ ۱۱ مهر به تعداد ۳۶ نفر از کشته شدگان اشاره کرده، نام ۳۳ نفر از آنها را ذکر و از سه نفر دیگر با عنوان مجهول‌الهویه یاد کرد. اسامی این افراد عبارت بود از: میثم عبادی، رامین رمضانی، ناصر امیرنژاد، حسام حنیفه، مصطفی غنیان، حسین غلام‌کبیری، سرور برومند، فاطمه رجب‌پور، داوود صدری، سهراب اعرابی، احمد نعیم‌آبادی، کیانوش آسا، حسین طوفان‌پور، یعقوب بروایه، حمیدحسین بیگ‌عراقی، مسعود خسروی دوست‌محمد، بهمن جنابی، سعید عبای قزگلی، محمدحسین فیض، سجاد قائد رحمتی، فاطمه سمسارپور، محرم چگینی قشلاقی، سعید اسماعیلی، سجاد سبزعلی‌پور، مسعود هاشم‌زاده، اشکان سهرابی، ندا آقاسلطان، علی فتحعلیان، بهزاد مهاجر، علیرضا افتخاری، سه نفر دیگر مجهول الهویه بوده و سه نفر دیگر نیز در کهریزک کشته شده‌اند. محسن روح الامینی، امیر جوادی‌فر و محمد کامرانی از کشته شدگان کهریزک می‌باشند که پیش از این اسامی آنان اعلام شده بود.

همچنین مطابق با اعلام منابع رسمی حدود ۷ نفر دیگر در حوادث روز عاشورا (مطابق با ششم دی ماه) کشته شدند. با احتساب این آمار، مجموع افرادی که در جریان حوادث پس از انتخابات در سال ۱۳۸۸ کشته شدند، حدود ۴۳ نفر بود.

در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۸۹ مدیرکل پذیرش و امور اداری بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: «از ابتدای آشوبگری‌ها و اغتشاشات فتنه‌گران پس از انتخابات سال گذشته، تاکنون شهادت ۱۲ نفر از کشته‌شدگان حوادث، احراز شده است.» سیدحسن آسیابان در گفت و گو با دادنا، کشته شدن افراد در راستای اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و مبارزات امام خمینی(ره) را از مصادیق شهادت بیان کرد. این مقام مسئول با بیان این‌که احراز شهادت افراد کشته شده در حوادث پس از انتخابات سال گذشته به عهده‌ی دستگاه‌های امنیتی است، افزود: «در صورتی که این دستگاه‌ها در گزارشات خود به بنیاد شهید، مصادیق شهادت را در فرد کشته شده تأیید کنند، بنیاد شهید آن کشته شده را شهید محسوب می‌کند.»

(سایت خبری ـ تحلیلی *دادنا*، ۳ اسفند ۸۹، کد خبر: ۱۱۵۵۵)

مقام معظم رهبری نیز در تاریخ ۱۲ مرداد ماه در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری فرمودند:

آبرویی شدند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یکی از راه‌کارهای عبور از وضعیت نامطلوب کشور را دلجویی از این افراد و خانواده‌هایشان و برخورد با آسیب‌زنندگان می‌دانست.

وی ابتدا در تاریخ ۲۶ تیر ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران گفت:

> مسأله‌ی بعدی ما این است که با آسیب‌دیدگان این حوادثی که اتفاق افتاد باید هم‌دردی و دل‌جویی بشود؛ آنهایی که عزا دارند هم به آنها تسلیت بدهیم و هم دل آنها را دوباره با نظام نزدیک کنیم و این کار شدنی است. کسانی‌که وفادار به انقلاب باشند و ببینند که نظام به سراغ‌شان می‌رود، آنها زود می‌توانند با دل و جان‌شان با ما همراهی کنند؛ این کار را باید انجام دهیم؛ دل‌جویی از اینها بکنیم و با سعه‌ی صدر، اینجا دیگر لازم نیست که ما عجله داشته باشیم، لازم نیست ما در اینجا خودمان را گرفتار کنیم.[1]

وی همچنین در تاریخ ۴ اسفند ماه در نطق افتتاحیه‌ی هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری بخشی از سخنان خود را به تحولات جامعه اختصاص داد و با اشاره به حوادث ناگواری که در فاصله‌ی بین دو اجلاس خبرگان اتفاق افتاد، گفت:

> در فاصله‌ی دو اجلاس باید نسبت به این موضوع اظهار تأسف کرد و به آنها رسیدگی کرد. حوادث ناگواری در کشور رخ داد که بی‌سابقه بود که این حوادث باعث اختلافات و احیاناً کینه‌هایی در دل شد و حوادثی رخ داد که هیچ دل مسلمانی نمی‌تواند از آن راضی باشد. در این میان آسیب‌هایی به خانواده‌های معترضین و هم مأموران رسید که باید نسبت به این موضوع اظهار تأسف کرد و به آنها رسیدگی کرد.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۷ اسفندماه در مصاحبه‌ای با پایگاه

«ملت همه با یکدیگر برادرند. از جمله‌ی کارهایی که باید انجام بگیرد، این است که در این حوادث اخیر عده‌ای آسیب دیدند ـ آسیب‌های مالی، آسیب‌های جانی، احیاناً آسیب‌های آبرویی ـ مسئولین کشور باید به کمک آنها بشتابند. آسیب‌دیدگان باید مورد حمایت قرار بگیرند. آسیب‌زنندگان باید شناسایی بشوند، مورد مؤاخذه قرار بگیرند؛ هر کی باشند.» (*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ی*، ۱۲ مرداد ۸۸)

۱. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸*، ۲۶ تیر ۱۳۸۸

۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۴ اسفند ۸۸

اطلاع‌رسانی خویش در پاسخ به این پرسش که «توصیه‌ی حضرت عالی برای بخش معدودی از مردم که اعضای خانواده‌شان یا فرزندشان یا به هرصورت در نزدیکانشان فردی در حوادث بعد از انتخابات آسیب جسمانی، روحی دیده و یا جان خود را از دست داده، چیست؟» گفت:

> توصیه‌ی من همان توصیه‌ی اسلامی است. ما در قرآن چقدر صفت رحمت الهی را می‌بینیم، رأفت الهی را می‌بینیم. جامعه و مسئولان ما باید نسبت به این بخش رأفت نشان بدهند. برای کسی که ناراحتی پیش آمده باید به گونه‌ای ترمیم و دلجویی شود. آنها هم دلشان برای کشورشان می‌سوزد. وقتی می‌بینند تلاطف انجام می‌شود، بیشتر همکاری می‌کنند و راه همدلی بیشتر می‌شود. ان‌شاءالله این وضع خیلی طول نکشد و ما به آرامش برسیم. در عین حال ما به فضای نقادی و بحث‌های منطقی در کشور نیاز داریم.[1]

۱۲. رفع نگرانی‌های مراجع

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یکی دیگر از راه‌کارهای عبور از شرایط نامطلوب سال ۱۳۸۸ را رفع نگرانی‌ها و دغدغه‌های مراجع معظم تقلید می‌دانست.[2] وی ابتدا در تاریخ ۲۶ تیرماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران، گفت:

> مراجع ما که همیشه پشتیبان و حقیقتاً بدون توقع در حوزه‌های علمیه در خدمت بوده‌اند، چرا باید بعضی‌شان برنجند؟ باید آنها را کنار خودمان حفظ کنیم. باید آنها را پشتیبان‌مان [داشته] باشیم. باید همه‌مان به آنها متکی باشیم.[3]

وی در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در بخشی از نطق افتتاحیه‌ی اجلاس ششم از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری با بیان این‌که ارتباط بین حوزه و دانشگاه بسیار مهم است، از برخی تلاش‌ها برای ایجاد فاصله بین این دو نهاد انسان‌ساز خبر داد و

---

۱. همان؛ ۲۷ اسفند ۸۸

۲. در دولت دوم دکتر احمدی‌نژاد نگرانی و ناراحتی برخی مراجع به حدی رسید که از پذیرش رییس‌جمهور و یا اعضای دولت وی خودداری می‌کردند.

۳. *متن پیاده شده از فیلم آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی در سال ۸۸،* ۲۶ تیر ۱۳۸۸

ضمن تأکید بر اهمیت همکاری حوزه‌ها و مراجع با کل نظام اظهار داشت:

در طول ۳۰ سال گذشته هیچ‌گاه در این زمینه مشکل نداشته‌ایم و ان‌شاءالله در آینده هم نخواهیم داشت و باید تهدیدات رفع شده و مشکلات کوچک باعث شکاف بیشتر بین آنها نشود که خوشبختانه علما و روحانیون به این امر توجه دارند.[۱]

وی همچنین در تاریخ ۱۴ دی ماه در دیدار جمعی از «دانشجویان رشته‌ی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب»، در پاسخ یکی از دانشجویان که در مورد نقش مرجعیت در فقه شیعه و اقدام اخیر جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم در رد صلاحیت یک مرجع[۲] سؤال کرد، گفت:

مرجعیت همواره به عنوان شخصیت‌های پرنفوذ و تأثیرگذار در عرصه‌ی دینی و سیاسی مردم حضور ارزشمند و غیرقابل انکار داشته‌اند ولی همیشه استقلال خود را حفظ کرده و غیروابسته به دولت‌ها و با اتکا به مردم حضور داشته‌اند. در مطالعه‌ی زندگی مراجع در تاریخ تشیّع هیچ‌گاه مرجعی توسط جایی نصب یا عزل نشده بلکه مردم با تشخیص خود و پرداخت وجوهات، فرد مناسب به عنوان مجتهد را انتخاب کرده‌اند.[۳]

۱۳. نقش‌آفرینی فعال و اخلاق‌مدارانه‌ی روحانیت

یکی دیگر از راه‌کارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای برون رفت از شرایط این سال، نقش‌آفرینی فعال، اخلاق‌مدارانه و به دور از ترس و تملق از سوی روحانیت بود.

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸

۲. جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم در تاریخ ۱۲ دی ماه ۸۸ در پاسخ به پرسش جمعی از استادان و فضلای حوزه‌های علمیه مبنی بر این‌که «مرجعیت شیعه خورشید پر فروغی است که در قرون متمادی همواره پشتیبان اسلام و خط راستین اهل بیت(ع) بوده است. این مسئولیت خطیر همواره شایسته‌ی مردانی بوده است که واجد شرایط شرعی مذکور در روایات ائمه اطهار(ع) باشند نظر به اهمیت این موضوع و با توجه به پرسش‌های مکرّر هموطنان درباره‌ی مرجعیت آقای حاج شیخ یوسف صانعی خواهشمند است آن جامعه محترم که همواره مرجع تشخیص این موضوع بوده نظر خود را درباره‌ی مرجعیت ایشان اعلام فرمایند.» اعلام کرد: «با توجه به پرسش‌های مکرّر مؤمنان، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم براساس تحقیقات به عمل آمده در یک سال گذشته و پس از جلسات متعدد به این نتیجه رسیده است که ایشان فاقد ملاک‌های لازم برای تصدّی مرجعیت می‌باشد.» (*پایگاه اطلاع‌رسانی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم*، ۱۲ دی ۸۸)

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۵ دی ۸۸

وی ابتدا در تاریخ ۲۳ فروردین ماه در دیدار اعضای «کمیسیون مطالعات اسلامی و تأمین منابع دینی دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام» تلاش‌ها و فعالیت‌های این کمیسیون را بسیار مفید و اساسی برای سیاست‌گذاری‌های کلان مجمع خواند و با اشاره به فواید بسیارِ ارتباط حوزه با مجمع در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور گفت:

مهم‌ترین اثر ارتباط بیشتر حوزه و مجمع تشخیص مصلحت نظام این است که حوزه‌ها خارج از مسیر طبیعی پژوهش‌های خود به صورت ملموس با نیازهای جامعه و حکومت آشنا و تلاش خود برای یافتن پاسخ‌های لازم برای مشکلات و معضلات بیش از پیش افزایش خواهند داد و نظام هم از اقیانوس ژرف حوزه در جهت تعمیق مبانی اسلامی امور بهره می‌گیرد.[1]

وی با تأکید بر لزوم ارتباط نزدیک‌تر حوزه‌های علمیه با مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد:

کمیسیون مطالعات دینی و تأمین منابع دینی دبیرخانه باید کوشش کند حاصل مطالعات صورت گرفته را در اختیار اعضای مجمع و کمیسیون‌های مربوط قرار دهد و با دعوت از نخبگان و پژوهشگران حوزوی به جلسات کمیسیون‌ها و مجمع درباره‌ی مطالعات صورت گرفته، بحث و تبادل نظر صورت گیرد. مجمع تشخیص مصلحت نظام و حوزه‌های علمیه می‌توانند متقابلاً به یکدیگر کمک کنند و از این رهگذر ضمن گسترده‌تر شدن ارتباطات حوزه‌ها و روحانیت با نیازهای حکومتی از توان نخبگان حوزه به صورت تخصصی استفاده و همچنین نیروهای لازم را برای آینده نظام نیز تربیت کنند.[2]

وی در تاریخ ۲۶ فروردین ماه در دیدار «مدیران، اساتید و مسئولان گروه‌های معارف اسلامی منطقه‌ی هشت دانشگاه آزاد اسلامی و منطقه‌ی یک دانشگاه‌های دولتی ایران»، گسترش ارتباط میان حوزه و دانشگاه را از آرزوهای دیرین خود و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی برشمرد و با اشاره به این‌که «بخشی از ورود روحانیان به دانشگاه در دوران پهلوی علی‌رغم مقاومت‌ها صورت می‌گرفت»، گفت:

شخصیت‌هایی نظیر آیت‌الله مطهری، باهنر، بهشتی، مفتح و... با ورود به دانشگاه

---

۱. همان؛ ۲۴ فروردین ۸۸
۲. همان

به شخصیت‌های مقتدر و مؤثری تبدیل شدند و آثار بسیار مفیدی نیز از خود به جای گذاشتند.[۱]

وی موج عظیم حضور روحانیان در دانشگاه‌ها را حاصل انقلاب پربرکت اسلامی دانست و تصریح کرد:

اکنون موقعیت مناسبی فراهم شده است که روحانیون و علما بیش از گذشته مرجع جوانان و دانشجویان قرار گیرند و نیازها و چالش‌های فکری، اجتماعی و دینی آنان را عالمانه و محققانه پاسخ دهند.

او تحول روزافزون حوزه‌های علمیه را نیاز ضروری دنیای پیچیده و شتاب‌آلود امروزی خواند و گفت:

اگرچه همواره در برابر نوآوری‌ها مقاومت نیز وجود داشته است اما لازم است حرکتی جدید در تحقیقات، استنتاجات و اجتهاد مطابق با نیازها و تحولات سریع ایران و جهان امروز صورت گیرد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حضور روحانیت در حوزه و بهره‌گیری از متدهای جدید علمی را دو شیوه‌ی مناسب دانست که محققان علوم دینی ما می‌توانند با سعه‌ی صدر و سینه‌ی باز به بحث درباره‌ی مسائل مستحدثه بپردازند و نتایج این مباحث علمی ان‌شاءالله مفید به حال جامعه و راه گشای مشکلات کشور باشد.[۲]

وی در تاریخ ۲۱ تیر ماه در دیدار جمعی از «طلاب مرکز مشاوره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان» نیز گفت:

روحانیت همواره در مقاطع حساس کشور جلودار و پیشتاز بوده است و باید برای پاسخ‌گویی نیازهای کشور برنامه داشته باشند و نباید از وقایع عقب بماند.[۳]

وی در تاریخ ۲۹ مهر ماه در دیدار «جمعی از فضلا و مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم»، روحانیت را استوانه‌ی اسلامی و ملی جامعه و حوزه‌های علمیه را سرمایه‌های اسلام و انقلاب اسلامی دانست و با اشاره به تکاپوی طلاب و علما گفت:

توجه حوزه‌های علمیه به مسائل و مشکلات کشور با توجه به مبانی اسلام و

---

۱. همان؛ ۲۷ فروردین ۸۸
۲. همان
۳. روزنامه *رسالت*، ۲۳ تیر ۸۸

انقلاب و به دور از ترس و تملق پدیده‌ی مبارکی است که می‌تواند زمینه‌ی اصلاح اساسی بسیاری از معضلات کنونی کشور را فراهم کند.[۱]

وی مبانی تدوین شده و ساختار نظام و انقلاب زیر سایه‌ی ارشادات حضرت امامﷺ را خوب و صحیح عنوان کرد و گفت:

متأسفانه علی‌رغم مبانی و ظرفیت‌های خوب و صحیحی که در نظام وجود دارد برخی عملکردهای نادرست، دغدغه‌ها و شائبه‌هایی را در اذهان عمومی و بین‌المللی ایجاد کرده است.

وی «ترس» و «تملق» را آفت حیات جامعه‌ی اسلامی دانست و با اشاره به «حریت» و «آزادی‌خواهی» در اسلام، حوزه‌ها و روحانیان در طول تاریخ، وظیفه و مسئولیت فضلا، طلاب و حوزه‌های علمیه را در مقطع کنونی سنگین توصیف کرد و گفت:

انقلاب اسلامی و مبارزات پیش از انقلاب با حرکت حوزه‌ها و انتقادات سازنده‌ی آنان به وضع موجود شروع شد که به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید.

وی اساس و پایه‌های انقلاب اسلامی را قابل دفاع خواند و تصریح کرد:

همه باید توجه کنیم که هیچ‌گاه عمل‌کردهای نادرست به پای اسلام و نظام دینی نوشته نشود.

وی فضای بالنده‌ی ایجاد شده در حوزه‌های علمیه را به نفع اسلام، نظام، ایران و تشیّع خواند و تصریح کرد:

حرکت اصلاحی معمولاً در کوتاه مدت ثمر نمی‌دهد و دلسوزان باید با صبر و متانت، مباحث را به پیش ببرند.

وی با تأکید بر لزوم فعالیت و تحرّک بیشتر حوزه‌های علمیه، روحانیت را در طول تاریخ ملجأ و پناه مردم دانسته و گفت:

روحانیت در طول تاریخ ملجأ و پناه مردم بوده و هر وقت قدرت به مردم ستم روا می‌داشته روحانیت در کنار مردم قرار داشتند.[۲]

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۳۰ مهر ۸۸

۲. همان

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۲ آذر ماه در جوار بارگاه امام رضا(ع) با خطیر دانستن وظیفه‌ی روحانیت در برابر مردم گفت:

در طول تاریخ ایران، روحانیت همیشه پناه‌گاه مردم بوده است و هر وقت مردم در برابر حکومت به مشکل بر می‌خوردند به روحانیت پناه می‌آوردند. روحانیت در همه‌ی ادوار تاریخ پناه‌گاه و یار و یاور مردم بوده‌اند.[1]

وی در تاریخ ۱۴ آذر ماه در سفر به مشهد مقدس در مراسم افتتاح مرکز نمایشگاه‌ها و همایش‌های آستان قدس رضوی و نیز دارالشفای امام رضا(ع) با اشاره به شرایط سیاسی روز جامعه بر اتحاد آحاد جامعه تأکید کرد و افزود:

مهم‌ترین نیاز امروز جامعه وحدت بین آحاد مردم و مخصوصاً روحانیت با مردم است.[2]

وی در ادامه با اشاره به ملجأ بودن روحانیت برای مردم گفت:

روحانیت در طول تاریخ همواره پناه‌گاه مردم بوده و مشکلات جامعه را حل کرده است لذا نباید بین روحانیت و قشر تحصیل‌کرده‌ی جامعه فاصله بیفتد که در این صورت به اتحاد جامعه لطمه وارد می‌شود.[3]

وی در تاریخ ۲۴ آذر ماه و در آستانه‌ی ماه محرم در دیدار «جمعی از روحانیون و وعاظ» با خطاب قراردادن فعالان عرصه‌ی سیاست در کشور به ویژه قشر روحانیت گفت:

مردم را زیر پرچم اسلام، متحد نگه داریم و نگذاریم اهداف اصلی انقلاب اسلامی در پس منازعات سیاسی گم شود.[4]

وی در تاریخ پنجم اسفند ماه در دیدار اعضای «هیأت رییسه و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری» با اشاره به مباحث فرهنگی مطرح شده در این جلسه با بیان این‌که نگرانی از تنگناهای فرهنگی جوانان جدّی است و باید به شکل اصولی به آن پرداخت و نیازهای جوانان را درک کرد، تأکید کرد:

نسل اول نیاز به صیانت نداشت. نسل دوم تحت شرایط دفاع مقدس مصّون

---

۱. *خبرگزاری ایلنا*، ۱۲ آذر ۸۸، کد خبر : ۹۳۷۴۹

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۶ آذر ۸۸

۳. همان

۴. همان؛ ۲۶ آذر ۸۸

ماند، نسل سوم هم تحت تأثیر نسل‌های اول و دوم بودند؛ اما باید برای تربیت و مسائل فرهنگی و اخلاقی نسل چهارم برنامه‌ریزی کرد.[۱]

وی با رندانه خواندن برنامه‌های تبلیغاتی، سیاسی و فرهنگی دشمنان گفت:

با بزرگ‌نمایی نقاط ضعف امور سیاسی، دین را هدف قرار می‌دهند و نمی‌گذارند مقدسات فعلی اسلام برای جوانان الهام‌بخش باشد.

وی ضمن تأکید بر قداست روحانیت در تاریخ ایران افزود:

وظیفه‌ی ما به عنوان روحانیت این عصر، این است که آن قداست تاریخی را حفظ کنیم.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۲ اسفند ماه در دیدار «جمعی از ائمه‌ی جماعات مساجد تهران، شمیرانات و کرج»، وظیفه‌ی روحانیت در شرایط فعلی را حفظ رابطه با مردم و تلاش برای حفظ مهم‌ترین ویژگی نظام اسلامی که مردمی بودن است، عنوان کرد و گفت:

روحانیت در بدترین شرایط تاریخ ایران همیشه حامی و پناه مردم بوده و تضعیف این رابطه خواست شیاطین داخلی و خارجی است که مقابله با آن هوشیاری می‌طلبد.[۳]

وی همچنین در تاریخ ۲۵ اسفندماه در مصاحبه‌ای با پایگاه اطلاع‌رسانی خویش خطاب به طلاب جوان گفت:

طلبه‌ها عموماً خیرخواه هستند، جوان هم که باشند حساسیت دارند، صبرشان کم است. توصیه‌ی من این است که روحانیت همیشه معلم جامعه بوده و باید هم باشد. روحانیت با همان شیوه‌هایی که در گذشته و امروز در بزرگان روحانیت می‌بینند دل مردم را به اسلام نزدیک کند. نه این‌که یک گروهی بشوند و به این و آن توهین کنند و توقعات بی‌جا داشته باشند، شاید هم توقعشان به جا باشد ولی زبانشان باید ادبی و علمی باشد، نه ادبیاتی که در فضای دینی مطلوب نیست.[۴]

---

۱. همان؛ ۸ اسفند ۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۱۵ اسفند ۸۸
۴. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۵ اسفند ۸۸

۱۴. برقراری عدالت قضایی

یکی دیگر از راه‌کارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای برون‌رفت از شرایط نامطلوب سال ۸۸، برقراری امنیت قضایی و حاکمیت قضاوت عادلانه بود. وی در تاریخ ۲۰ مرداد ماه در دیدار جمعی از اعضای «هیأت مدیره‌ی کانون وکلای دادگستری» با اشاره به سیاست کلی قضایی نظام جمهوری‌اسلامی ایران، تأمین حق دفاع مردم به نحو مطلوب را از ارکان مهم توسعه‌ی قضایی عنوان کرد. وی گسترش فرهنگ حقوقی و قضایی در سطح جامعه را در ایجاد فضایی مناسب برای کاهش جرایم و همچنین کاهش اطاله‌ی دادرسی پراهمیت بیان کرد و گفت:

> حفظ شأن و جایگاه کلیه‌ی امور قضایی از جمله قضاوت و وکالت و همچنین حقوق متهم می‌تواند ضامن مهمی برای وجود عدالت در احکام صادره باشد.[۱]

وی در تاریخ ۲۶ مرداد ماه ۸۸ نیز طی سخنانی در مراسم تودیع و معارفه‌ی رؤسای قوه‌ی قضاییه، ضمن تشکر از تلاش‌های آیت‌الله سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی در طول دوران ۱۰ ساله‌ی مسئولیت در دستگاه قضایی، گفت:

> [آیت‌الله] هاشمی‌شاهرودی در طول این ۱۰ سال تلاش و زحمت بسیاری برای تقویت این قوه کشیده و افکاری را مطرح کردند که به نظرم مرزش بالاتر از دستگاه قضایی و سایر دستگاه‌هاست.[۲]

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین ضمن تبریک به آیت‌الله صادق لاریجانی گفت:

> رییس جدید قوه‌ی قضاییه مورد حمایت مقام رهبری قرار گرفته است و این مسئولیت پراهمیت را رهبری به ایشان واگذار کردند.

وی مسئله‌ی اصلی دستگاه قضایی را قضاوت عادلانه دانست و گفت:

> در صورت قضاوت عادلانه، جامعه احساس امنیت کرده و هیچ‌کس از احقاق حقوق تضییع شده‌ی خود مأیوس نخواهد شد اما اگر خدایی نکرده چنین یأسی حاکم شود در بدنه‌ی جامعه هرج و مرج به وجود خواهد آمد.

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۱ مرداد ۸۸

۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۶ مرداد ۸۸

اگر مردم بدانند مسیرشان به دستگاه قضایی افتاده و قضات عادلی حقوق آنها را رعایت کرده و تحت تأثیر قدرت‌ها و نفوذها قرار نمی‌گیرند، امنیت در جامعه به وجود می‌آید و مردم به نظام اطمینان خواهند کرد. اگر دستگاه قضایی این امر را انجام دهد می‌توان افتخار و اقتدار این نظام را در جهان مشاهده کرد.

اگر به جای امنیت قضایی، در جامعه همه چیز وجود داشته باشد، مانند این است که انسان غذای خوبی بخواهد بخورد اما در آن شیشه خرده وجود داشته باشد.

وی با تأکید بر مسئله‌ی پیش‌گیری از وقوع جرم اظهار داشت:

باید کارهای مهمی را که در دوران تصدی آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی انجام نشده، در این دوره انجام بدهیم.

وی در پایان تأکید کرد:

امیدوارم همچنان از حضور هاشمی‌شاهرودی در مجمع تشخیص مصلحت نظام بهره‌مند باشیم، هرچند که این موضوع در اختیار ما نیست.[1]

۱۵. تشکیل احزاب قوی و بابرنامه در جهت مصالح نظام

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تشکیل و تقویت احزاب قدرتمند و با برنامه را یکی از راه‌کارهای مقابله با خطراتی که ممکن است نظام را تهدید کند، می‌داند. بر همین اساس وی در دیدارهایی که در سال ۸۸ با برخی احزاب اصلاح‌طلب و اصول‌گرا داشت، بر این مهم تأکید ورزید.

---

۱. همان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۶ مرداد ماه طی حکمی آیت‌الله هاشمی شاهرودی را به عنوان عضو فقهای شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب کردند. متن حکم به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم

آیت‌الله جناب آقای سید محمود هاشمی شاهرودی

با پایان گرفتن دوران مسئولیت در قوه‌ی قضائیه و با تقدیر و تشکر از زحمات و خدمات ماندگار جنابعالی در آن دستگاه، جنابعالی را بر اساس اصل نود و یکم قانون اساسی به عضویت شورای محترم نگهبان برای مدت مقرر قانونی و نیز به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره‌ی پنجساله‌ی جاری منصوب می‌کنم. از خداوند متعال دوام توفیقات شما را در این مسئولیت‌های خطیر و حساس مسئلت می‌نمایم.» (*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۶ مرداد ۸۸)

وی در تاریخ ۲۲ فروردین ماه در دیدار اعضای «شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی» ضمن اشاره به ضرورت حضور فعال و با نشاط در انتخابات ریاست جمهوری، حرکت بر اساس مصالح و منافع نظام اسلامی را یکی از نیازهای تصمیم‌گیری‌های حزبی برشمرد و افزود:

> هر جمع و تشکلی که مبنای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را در قالب حزب تعریف می‌کند باید علاوه بر پایبندی به قانون اساسی بر اساس خرد و تصمیم‌گیری‌های جمعی عمل کند و آنچه که به عنوان مصالح و منافع کشور به ویژه در مقاطع مهم سیاسی، اجتماعی توسط اکثریت پذیرفته می‌شود ملاک عمل و نصب العین سایر اعضا قرار گیرد.[۱]

وی مشورت، هم‌فکری، تبادل آرا بین اعضا و سایر احزاب و تشکل‌ها را از مزیت‌های حرکت‌های جمعی و حزبی برای اداره‌ی امور کشور برشمرد و گفت:

> فعالیت‌ها و حرکت‌های حزبی باید برآمده از آرای آحاد جامعه و مردم باشد و باید فعالیت احزاب به گونه‌ای باشد که ضمن جلب اعتماد و اطمینان جامعه، تأثیرپذیری و تعامل دوجانبه بین افکار عمومی و احزاب جدی گرفته شود.[۲]

وی در تاریخ سوم اردیبهشت ماه در دیدار «شورای مرکزی خانه‌ی احزاب» گفت:

> ریشه‌ی تحزب و همکاری در فطرت بشر است و در اداره‌ی مسائل عمومی جامعه همکاری یک امر طبیعی و ضروری است. کار جامعه را فردی نمی‌توان انجام داد و این‌که در جامعه‌ی ما کثرت حزب وجود دارد خود دلیل واضحی است که این مسأله از سوی مردم نیز مهم تلقی می‌شود. بر همین اساس شکی نیست که نبود احزاب نیرومند در کشور ضعفی برای کارهای حزبی است و انقلاب اسلامی با توجه به رهبری عالمانه‌ی امام و حضور قوی روحانیت که خود در نقش و کارکرد یک حزب قدرتمند ظاهر شده بود، توانست حکومت اسلامی در کشور تشکیل دهد. نهاد روحانیت با تشکیلات منسجم در سراسر کشور و وجود مساجد و حوزه‌ی علمیه‌ی قم نظرات خود را به خوبی به مردم انتقال داده است.[۳]

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۳ فروردین ۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۵ اردیبهشت ۸۸

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه نیز در دیدار اعضای شورای مرکزی تشکّل اصول‌گرای «جمعیت آبادگران جوان» این تشکل را دارای افرادی متدیّن، آگاه و مقیّد به اسلام، انقلاب و نظام خواند و با تأکید بر ضرورت گسترش تحزّب در کشور گفت:

> رشد تحزب پس از انقلاب اسلامی پدیده‌ی مبارکی است که تأسیس حزب جمهوری اسلامی بلافاصله پس از پیروزی نمونه‌ی بارز آن است و اکنون دوستداران نظام با وجود سلیقه‌های گوناگون با تشکیل احزاب قصد خدمت‌گزاری به نظام را دارند.[1]

وی با اشاره به این‌که امروزه نظام‌های پیشرفته بدون احزاب قوی و قدرتمند نمی‌توانند ادامه‌ی حیات دهند، تصریح کرد:

> در حال حاضر احزاب کشور باید به سوی ائتلاف‌ها و اتحادها حرکت کنند تا بتوانند با تدوین برنامه‌های مفید و عملی گام‌های اساسی برای پیشرفت توسعه و تعالی کشور بردارند.

وی پیروزی انقلاب اسلامی را در سایه‌ی رهبری‌های داهیانه‌ی امام راحل(ره) حاصل کار تشکیلاتی مبارزین و انقلابیون به خصوص روحانیت دانست و تأکید کرد:

> نظامی که داعیه‌ی دین جهانی و بشری دارد حتماً باید متکی به تشکیلات و نیروهای کارآزموده باشد تا بتواند با ایمان و قدرت، آینده‌ی نظام و کشور را بیمه کند.

وی تفرقه و انشعاب‌های مکرر را از آفات کارهای تشکیلاتی و حزبی خواند و گفت:

> اختلاف سلیقه و فکر در همه‌ی جامعه و از جمله احزاب وجود دارد اما باید با احترام به عقاید از اختلاف و تفرقه پرهیز کرد.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ پنجم مهر ماه نیز در دیدار اعضای «شورای مرکزی خانه‌ی احزاب ایران»، وظیفه‌ی احزاب کشور را در شرایط کنونی خطیرتر از گذشته خواند و تأکید کرد:

---

۱. همان؛ ۲۱ اردیبهشت ۸۸
۲. همان

منطق و تجربه‌ی بشری نشان می‌دهد که اگر قرار است کشور با انتخابات و رأی مردم اداره شود، بدون احزاب قدرتمند و برنامه‌دار امکان‌پذیر نخواهد بود.[۱]

وی احزاب را پیش‌برنده و ضربه‌گیر نظام خواند و با تأکید بر این‌که هیچ چیز جای احزاب را در اداره‌ی کشور نمی‌تواند بگیرد، تأکید کرد:

خانه‌ی احزاب می‌تواند در نبود احزاب نیرومند در کشور در حل بسیاری مسائل و مشکلات کشور کارساز و مؤثر باشد.[۲]

وی در تاریخ ۱۹ اسفند ماه نیز در دیدار رؤسا و اعضای «شوراهای اسلامی شهرها و شهرستان‌های استان تهران»، گفت:

در دموکراسی رازی نهفته است که بر اساس آن با برگزاری هر انتخاباتی حزب یا احزاب برنده، یک ضربه‌گیر برای آن نظام سیاسی محسوب می‌شوند و در صورت عمل‌کرد نادرست منتخبان، بسیاری از مسئولیت‌ها بر دوش احزاب برنده در انتخابات است و نظام‌ها آسیبی نمی‌بینند.[۳]

۱۶. توجه ویژه به نخبگان و جوانان

از جمله راه‌کارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای حل مشکلات کشور توجه ویژه به جوانان، رفع مشکلات آنها و فراهم آوردن زمینه‌های نقش‌آفرینی آنها در عرصه‌های مختلف کشور بود. به عنوان نمونه وی در تاریخ ۲۴ فروردین ماه در دیدار جمعی از «تشکل‌های دانشجویی» و «مسئولان منطقه‌ی شش دانشگاه آزاد اسلامی استان خوزستان» مهم‌ترین سرمایه‌ی کشور را نیروی انسانی برشمرد و گفت:

از قشر آگاه و تحصیل‌کرده‌ای که در دانشگاه‌های کشور فعال است باید به نحو مطلوبی برای پیشرفت کشور استفاده کرد و نگذاشت این سرمایه معطل بماند.[۴]

---

۱. همان؛ ۷ مهر ۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۲۰ اسفند ۱۳۸۸
۴. همان؛ ۲۵ فروردین ۸۸

وی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی انتخاباتی روزنامه‌ی همشهری کاهش اعتقادات دینی را نقطه‌ی اصلی تهدید نظام دانست و تأکید کرد:

> هرچند بخشی از این موضوع به فعالیت‌های رسانه‌ای دشمنان خارجی مربوط است ولی این موضوع نباید به عنوان سرپوشی بر ناتوانی‌های داخلی برای ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب و متعادل با طیف وسیع جوانان جویای کار مورد استفاده قرار گیرد.[۱]

وی همچنین در پاسخ به این پرسش که «این روزها و ایام مشابه یعنی در آستانه‌ی انتخابات، همه از ورود جوانان به صحنه سخن می‌گویند و تأکید می‌کنید که آنها افراد مورد قبول را برای دولت و مجلس انتخاب کنند. پیش از این هم هشدارهایی درباره‌ی سلامت انتخابات داده بودید. به نظر شما جوان برای ورود به این عرصه چگونه باید به این اطمینان دست پیدا کند؟ مسئولان چگونه این اطمینان را به جامعه بدهند؟» می‌گوید:

> می‌دانم جوانان به تنهایی نمی‌توانند این جریان را به ثمر برسانند ولی جوانان بزرگ‌ترین بخش نیروهایی هستند که اگر در این مسیر همراهی کنند، می‌توانند تأثیرگذار جدی باشند. ما یک جامعه‌ی جوان داریم. ناظر هستیم که نقطه‌ی اصلی دخالت جوانان در کشور فعلاً از انتخابات شروع می‌شود. بعد از انتخابات، نظارت است که نباید در این دو مرحله بی‌تفاوت باشند. چگونه می‌توانیم قبول کنیم بیش از سه تا چهار میلیون دانشجو در سراسر کشور داشته باشیم و اکثر آنها اطلاعات دارند اما نسبت به حوادث کشور بی‌تفاوت باشند؟ ممکن است حوادث خوبی هم باشد که باید تأیید کنند یا حوادث بدی باشد که باید انتقاد کنند. اگر در این حد جواب نداد، در انتخابات بعدی، با رأی خود نقطه‌ی آغاز خوبی را برای مدیریت کشور به وجود بیاورند. الآن همه چیز انتخاباتی است. شوراها توسط مردم انتخاب می‌شوند. مجلس و رییس جمهور با رأی مردم و دولت با رأی مجلس انتخاب می‌شوند. رهبری هم با واسطه‌ی خبرگان توسط مردم انتخاب می‌شود. چرا باید کاری کنیم تا در شهری مثل تهران که طبیعتاً باید آگاه‌ترین شهر کشور باشند، ۳۰ درصد در انتخابات شرکت

---

۱. روزنامه همشهری؛ ویژه‌نامه‌ی انتخاباتی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸

کنند؟ مگر رفتن پای صندوق‌های انتخاباتی و رأی دادن، چقدر هزینه دارد؟ می‌توانید بگویید که مردم مأیوس هستند و فکر می‌کنند رأی آنها تأثیر ندارد. من این حرف را قبول ندارم. شاید در یک سطح معمولی که انتخابات با ۳۰ تا ۴۰ درصد حضور مردم باشد، آرای مردم کمتر تأثیر داشته باشد چون دست‌کاری در آن خیلی آسان‌تر می‌شود و یا کسانی که علاقه‌مندند پای صندوق‌ها می‌آیند و کسانی که علاقه‌مند نیستند، کمتر می‌آیند. در این حالت حضور مردم بی‌تأثیر می‌شود. ولی اگر انبوه مردم بیایند، یعنی از همه نزدیک ۴۷ تا ۴۸ میلیون نفر حائز شرایط رأی دادن به صحنه بیایند، فکر می‌کنم کسی نمی‌تواند به این آسانی سلامت انتخابات را مخدوش کند. به نظرم با راهی که در انقلاب باز شد و سیستم و ساختاری که درست شد، مسیر برای حضور مردم باز است و باید خود مردم به خصوص جوانان بیشتر به صحنه بیایند. شاید الآن غیرجوانان بیشتر شرکت می کنند، چون جوانان کمتر می‌آیند.[1]

وی در بخش دیگری از همین مصاحبه درباره‌ی لزوم استفاده از ظرفیت جوانان کشور گفت:

حرکت بزرگی در مسائل آموزشی کردیم که قسمت عمده‌ی آن را دانشگاه آزاد اسلامی ـ یعنی در حقیقت خود مردم ـ به عهده گرفتند. یعنی مردم پول می‌دهند و تحصیل می‌کنند. به هر حال زمینه‌ای فراهم شد که اگر جوانان بخواهند می‌توانند با پرداخت هزینه‌ها درس بخوانند. در این صورت باید ثمره‌ی این تحصیل را بگیرند. ثمره‌ی تحصیلات برای دانشجویان اشتغال است. اینها که نمی توانند در زندگی آینده کارگر باشند. شاید بشوند اما حق کشور است که در فن تحصیلی خود خدمت کنند تا آنچه را که آموختند به کار گیرند. الآن چنین فضایی در کشور نیست و همه‌ی متخصصین نمی‌توانند جذب تخصص‌های خود شوند. یا جوانان باهوش ایران اختراعاتی دارند که خیلی زیاد است. با مسئولان بین‌المللی اختراعات که صحبت می‌کردم، می‌گفتند: «در مسابقات و نمایشگاه‌ها تعجب می‌کنیم، چون ایرانی‌ها هم رکوردشکنی می‌کنند و هم از همه‌ی کشورها ـ حتی از کشورهای پیشرفته ـ جلوتر هستند.» اما این

---

۱. همان

اختراعات در کشور نمود اجرایی ندارند. کسانی که استعداد داشتند، زحمت کشیدند و سال‌ها کار کردند و کارشان از حدود آزمایشگاه‌ها عبور می‌کند، ولی وقتی قرار است به حدود پایلوت و صنعت برسد، متوقف می‌شود. با این کار جوانان دلسرد و در حقیقت خفه می‌شوند. بعضی‌ها فرار می‌کنند و به خارج می‌روند و بعضی افسرده در کشور می‌مانند و دیگران هم تشویق نمی‌شوند. فکر می‌کنم توجه به این مسئله‌ی جدید یکی از ضرورت‌های این دهه است. چون در گذشته به این وسعت نداشتیم و الآن داریم.[۱]

وی در بخش دیگری از این مصاحبه در پاسخ به این پرسش که «برخی معتقدند که یکی از عوامل مهمی که انقلاب را تهدید می‌کند، دین‌گریزی بخشی از جامعه، به ویژه نسل جوان است. حتی بر اساس برخی از آمار و شواهد می‌گویند، این دین‌گریزی به وجود آمده و در حال گسترش است. شما به این موضوع اعتقاد دارید؟» گفت:

دو عامل یکی مردم و دیگری دین، انقلاب را پیروز کرد. در بخش اول شاید بخشی از مردم به خاطر مشکلات به صحنه آمدند، اما انگیزه‌ی اصلی اکثریت مردم حفاظت از دین بود. اگر احساس شود که اکثریت مردم، به خصوص جوانان، اعتقادی به دین ندارند، نقطه‌ی اصلی تهدید شروع می‌شود. البته تاکنون سرمایه‌ی دین در بخش اعظم جوانان حفظ شده و در بخشی از آنها تقویت هم شده است. بخشی از این تهدیدها به تبلیغات رسانه‌هایی مربوط می‌شود که علیه ما کار می‌کنند و مقداری به رفتار خود ما مربوط می‌شود، اگر جوانان را قانع نکنیم. در حرف‌های قبلی درباره‌ی جوانان گفتم که وقتی با هزار زحمت درس می‌خوانند و می‌بینند نظام نمی‌تواند آنها را به شغل برساند و از تخصص‌شان استفاده کنند، دلسرد می‌شوند. البته نسل دهه‌ی چهارم بیشتر از جوانان نسل‌های قبل علاقه‌مند به آزادی، انتخابات و دخالت در سرنوشت هستند. اطلاعات آنها هم بیشتر است. خیلی چیزها را که نسل‌های گذشته نمی‌دانستند الآن بچه‌های ۱۰ تا ۱۵ ساله‌ی ما خیلی خوب می‌دانند. هر خبری در هر گوشه‌ی دنیا شود، فردا مطلع می‌شوند. اگر ندانند، رفقایشان با پیامک‌ها

---

۱. همان

به آنها می‌گویند. پس در این شرایط هیچ چیز مخفی نمی‌ماند. اگر نظام اسلامی به جوانان هوشیار، مطلع و طلبکار نرسد، طبعاً نسبت به نظام بدبین می‌شوند. راه حل این حالت هم این است که در انتخابات شرکت کنند و کسی را بیاورند که بتواند مشکلات آنها را حل کند. گذشتگان نمی‌توانستند این کار را بکنند و این امتیاز جوانان امروز ایران است. فکر می‌کنم اگر غفلت شود این خطر می‌تواند ما را تهدید کند. از این بگذریم که عده‌ای هستند در هر شرایطی حتی با جانبازی، فداکاری و شهادت حاضرند پای دین و کشور خود بایستند و می‌ایستند. اما رسالت ما این نیست که فقط اینها را حفظ کنیم. اینها در هر شرایطی هستند. در دوره‌ی رضاشاه و محمدرضا شاه هم بودند و هیچ وقت کوتاه نیامدند. ما باید جمعیت انبوهی جذب کنیم که در داخل ایران این حالت را ندارند و یا حتی خارج از ایران هستند.[1]

وی در تاریخ ۱۰ خرداد ماه در دیدار جمعی از نخبگان «مرکز اندیشه ولایت» بر توجه به نیروهای جوان جامعه و فراهم آوردن محیط مناسب برای ادامه‌ی تحصیل آن‌ها تأکید کرد و گفت:

فضای تحقیق و تحصیل با اجبار و اکراه رابطه‌ای ندارد و در فضایی آزاد می‌توان امیدوار بود اندیشه‌ها رشد پیدا کند.[2]

وی ضمن تأکید بر حمایت از نخبگان به عنوان سرمایه‌های مهم کشور گفت:

نقطه‌ی اساسی توسعه‌ی کشور، اتکا به فکر و علم انسان‌هاست. بهره‌وری واقعی از منابع خدادادی و زیرزمینی زمانی میسّر است که از نیروی انسانی کشور استفاده‌ی بهینه برده شود و بر همین اساس سند چشم انداز توسعه بر اساس دانایی محوری تنظیم شده است.[3]

وی در تاریخ ۲۷ مرداد ماه در دیدار اعضای «هیأت مدیره‌ی خانه‌ی صنعت و معدن جوانان ایران» و اعضای «شورای مرکزی خانه‌های صنعت و معدن ایران»، نگاه به واقعیت‌های میدانی و ظرفیت‌های موجود در تصمیم‌گیری بر اساس توانایی‌های

---

۱. همان
۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۱ خرداد ۸۸
۳. همان

جامعه را شرط موفقیت جامعه دانست و گفت:

تجربه‌ی کشورهای موفق نشان می‌دهد که باید به نیروی انسانی مستعد و توانا در جهت تولید صنعت، ابتکار و اختراع توجه کرد.[۱]

هاشمی در تاریخ ۲۵ آبان ماه در دیدار جمعی از اعضای «اتحادیه‌ی صادرکنندگان فرآورده‌های نفت گاز و پتروشیمی» بهره‌وری مناسب در کشور را نیازمند توجه به نیروهای تحصیل‌کرده، توانا و مجرب عنوان کرد و گفت:

سرمایه‌های واقعی کشور که باید به آن‌ها توجه کرد و مانع مهاجرت و جذب آن‌ها توسط دیگر کشورها شد نیروهای عظیم فکری و نخبگان کشور هستند.[۲]

وی در تاریخ ۸ آذر ماه در دیدار جمعی از اعضای «تیم مکاترونیک دانشگاه آزاد اسلامی» با اشاره به انتشار برخی گزارش‌ها در خصوص موج جدید مهاجرت از کشور میان دانشگاهیان و نخبگان و با توجه به اوضاع فعلی به ویژه در دانشگاه‌ها، تأکید کرد:

ایجاد امید به آینده میان نخبگان عامل مهمی در جلوگیری از مهاجرت‌ها از کشور است و انتظار می‌رود شرایط به نحوی فراهم شود تا سرمایه‌های علمی که قبلاً کشور را ترک کرده‌اند، جهت خدمت به وطن بازگردند.[۳]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از «فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، با اعلام عدم رضایت از جریاناتی که در کشور رخ می‌دهد، گفت:

از جریاناتی که در کشور می‌گذرد، راضی نیستم و هیچ مناسب نبود جامعه‌ی ما در شرایطی که از طرف دشمنان کاملاً تحت فشار است، شاهد این مسایل باشد. به‌خصوص که فاصله گرفتن بخشی از قشر آگاه، دانشجو، استاد، مدیر و جریان‌های فکرساز و انسان‌سازِ جامعه مصیبتی برای نظام اسلامی نوپاست که بخواهند جدا باشند یا دو تفسیرِ باشد که با هم نخواند.[۴]

---

۱. همان؛ ۲۸ مرداد ۸۸
۲. همان؛ ۲۶ آبان ۸۸
۳. همان؛ ۹ آذر ۸۸
۴. همان؛ ۲۵ آذر ۸۸

۱۷. اجرای سیاست‌های کلی، چشم‌انداز ۲۰ ساله و اصل ۴۴

توجه ویژه به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی نظام و اجرای دقیق اصل ۴۴ قانون اساسی و خودداری از شعارگرایی در مباحثی چون عدالت اجتماعی یکی دیگر از راه‌کارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای برون‌رفت از شرایط نامطلوب کشور بود.

وی در تاریخ اول اردیبهشت ماه در دیدار اعضای «شورای مرکزی اتحادیه‌ی مراکز آموزش عالی غیردولتی» با اشاره به تأکید سند چشم انداز ۲۰ ساله‌ی کشور بر دانایی‌محوری و رسیدن به قله‌های دانش در منطقه، بهره‌وری در کشور را علی‌رغم وجود امکانات مناسب پایین خواند و گفت:

> اساسی‌ترین سرمایه‌ی هر کشور داشتن انسان‌های عالم و دانشمند و بهره‌گیری از نیروی کار ماهر است و ما اگر می‌خواهیم به اهداف سند چشم‌انداز برسیم باید تقویت علم و دانش و مؤسسات آموزش عالی را وجهه‌ی همت خود قرار دهیم.[۱]

وی ایجاد مؤسسات آموزش عالی غیردولتی را از نیازهای همیشگی نظام جمهوری اسلامی ایران خواند و گفت:

> تقاضای شدید سال‌های ابتدایی پس از انقلاب برای حضور و تحصیل جوانان در مؤسسات آموزش عالی، مسئولان نظام را به فکر ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی انداخت که با حمایت جدی حضرت امام(ره) این مسیر باز و هموار شد.

وی حرکت مؤسسات آموزش عالی غیردولتی به سوی ایجاد مقاطع بالاتر و تکمیلی و نیز حمایت‌های قانونی مالی و تسهیلاتی دولت را دو راه‌کار مفید برای ادامه‌ی حیات مراکز آموزش غیردولتی خواند و تصریح کرد:

> با تفسیر و فلسفه‌ی جدید اصل ۴۴، دولت از رقابت با بخش خصوصی منع و مکلف شده است در جاهایی که این بخش می‌تواند با توانمندی وارد شود، عرصه را به بخش خصوصی واگذار کرده و تنها به سیاست‌گذاری و حمایت بپردازد.

وی با اشاره به این‌که فعالان بخش غیردولتی مؤسسات آموزش عالی، اساتید و اندیشمندانی هستند که به دنبال سودجویی و طلب ثروت نیستند، گفت:

---

۱. همان؛ ۲ اردیبهشت ۸۸

همین امر دلیل محکمی است که مسئولان را موظف به حمایت جدی و همه جانبه از این بخش می‌کند.[۱]

وی در تاریخ ۳ اردیبهشت ماه در دیدار اعضای «حزب اعتدال و توسعه» نیز گفت:

با اتخاذ تصمیمات صحیح و حرکت در مسیر برنامه‌های تعیین شده می‌توانیم تبدیل به قدرت اول منطقه شویم.[۲]

وی با اشاره به بحران اقتصادی در جهان گفت:

بحران اقتصادی در جهان تهدیدی است که با توجه به امکانات و منابعی که در اختیار داریم، می‌توانیم آن را تبدیل به فرصتی برای پیشرفت کشور کنیم.[۳]

وی در تاریخ ششم اردیبهشت ماه در دیدار «محسن رضایی» و اعضای «کمیسیون اقتصاد کلان دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام» با اشاره به روند طولانی و سخت تصویب سیاست‌ها در مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ از کار کارشناسی در کمیسیون‌ها و سپس تصویب در صحن مجمع و تصویب توسط مقام معظم رهبری و سپس ابلاغ ـ تصریح کرد:

علی‌رغم زحمات فراوانی که توسط کارشناسان زبده در مجمع تشخیص برای تصویب سیاست‌های کلی و کارشناسانه انجام می‌شود، به دلیل وجود حساسیت‌ها، پروسه‌ی تصویب نهایی و ابلاغ و سپس اجرای این مصوبات گاهاً چند سال به طول می‌انجامد.[۴]

وی همچنین بر این نکته تصریح کرد که:

اگر بخواهیم سیاست‌های کلی که با زحمات بسیار به دست می‌آید تأثیر اساسی خود را بگذارد باید به سرعت ابلاغ و اجرایی شود.[۵]

وی درتاریخ ۸ اردیبهشت ماه نیز در دیدار «جمعی از نمایندگان تشکل‌های کارگری» گفت:

اگر عرضه‌ی شغل از نیروهای آماده کار در جامعه بیشتر باشد فضایی ایجاد

---

۱. همان
۲. همان؛ ۵ اردیبهشت ۸۸
۳. همان
۴. همان؛ ۷ اردیبهشت ۸۸
۵. همان

خواهد شد تا کارگران با حق انتخاب به حقوق خود رسیده و وضعیت مطلوبی را داشته باشند.[1]

وی عمل به سیاست‌های کلی و برنامه‌های کشور در حوزه‌های اقتصادی را در شکل‌گیری فضای مطلوب کسب و کار مؤثر بیان کرد و افزود:

راه نجات کشور خصوصی سازی به معنای واقعی است و این می‌تواند در رفع معضلات مؤثر باشد... ایجاد احساس رضایت در نیروی کار می‌تواند افزایش تولید و بهره‌وری را به همراه داشته باشد.[2]

وی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه در جمع «دانشجویان دانشگاه آزاد پرند» گفت:

بر اساس آن چه در سند چشم‌انداز به عنوان افق آینده طراحی شده و مقام معظم رهبری هم آن‌را تأیید و ابلاغ کرده‌اند، کشور باید بر محور دانایی حرکت کند. با توجه به این‌که مشکل اساسی این کشور ضعف بهره‌وری است، اگر خودمان را با ژاپن یا کره‌ی جنوبی مقایسه کنیم جای شرمندگی است که ما پیرو قرآنی هستیم که اولین حرف آن علم و قلم است و وقتی از آفرینش سخن می‌گوید اشاره دارد به این‌که خداوند دلیل آفرینش انسان را به ملائکه، علم عنوان می‌کند. ما چنین مکتبی داریم. چرا باید بهره‌وری‌مان این قدر ضعیف باشد. ما الآن از منابع کشورمان با اسراف استفاده می‌کنیم. چه آب، چه نفت ما، از ماشین‌آلات بهره می‌بریم اما در استفاده از نیروی انسانی ضعیف هستیم... اگر در این شرایط بهره‌وری را اصلاح نکنیم، سرمایه‌گذاری در کشور اتفاق نمی‌افتد. چطور است که ما از نظر منابع طبیعی در رتبه‌های دوم و سوم هستیم و از نظر نیروی انسانی هوشمندترین نقطه‌ی دنیا هستیم و خطوط لوله‌ی نفت و گاز و فیبر نوری داریم، هم‌چنین جمعیت دانشجویی عظیمی را دارا هستیم اما باید بنشینیم و غصه بخوریم که چرا بهره‌وری‌مان ضعیف است. این احتیاج به مدیران شایسته‌ای دارد که بتواند از همه چیز به نفع مردم استفاده کند.[3]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ماه در مراسم افتتاحیه‌ی

---

۱. همان؛ ۹ اردیبهشت ۸۸

۲. همان

۳. همان؛ ۱۹ اردیبهشت ۸۸

نمایشگاه گل وگیاه با اشاره به بازدید خود از تونل توحید اظهار کرد:

در مدیریت هر کشور و مجموعه‌ای، مدیر لایق کسی است که به همه‌ی بخش‌ها در قلمرو مسئولیت خود توجه مناسب داشته باشد. ممکن است مدیری روی یک بخش متمرکز شود و آن را رشد دهد اما اگر این مسأله به قیمت ضایع کردن بخش‌های دیگر باشد، این یک شکست است؛ چراکه در جایی برخورداری و در جای دیگر محرومیت اتفاق می‌افتد.[۱]

وی در ادامه تفکر جامع و مهندسی اساسی را جزو نیازهای مدیریت مدرن دانست.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه در دومین نشست هم‌اندیشی مشترک مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه‌ی قضاییه، اجرای سیاست‌های کلی نظام را از نمونه‌های مشخص دینی شدن حکومت خواند و گفت:

پس از پذیرفتن قطعنامه حضرت امام(ره) دستور بررسی سیاست‌های سازندگی را دادند و در حقیقت برنامه‌ی اول توسعه بر این اساس تهیه و اجرا شد.[۳]

وی با اشاره به اصلاح قانون اساسی گفت:

مقام معظم رهبری مسئولیت تهیه‌ی سیاست‌های کلی نظام را به مجمع تشخیص محول کردند و با تصویب این سیاست‌ها در مجمع و تأیید رهبر انقلاب مقرر شد امور کشور براساس این سیاست‌ها بگردد و این توقع از حکومت اسلامی و دینی است. این وظیفه‌ی دینی برای تمام کسانی است که در این حکومت کار می‌کنند و برای آن سوگند خورده‌اند.

وی در ادامه افزود:

اجرای سیاست‌های کلی نظام قضیه‌ای جدی است و تخلف از آن به هیچ وجه قابل قبول نیست.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با بیان این‌که همه‌ی سیاست‌های کلی تهیه نشده و ۱۴۰ مورد مشخص شده و مورد تأیید و ابلاغ رهبری قرار گرفته است، گفت:

تعداد کمی از سیاست‌ها نوشته شده است و نیمی از آنچه خدمت رهبری فرستادیم [را] ایشان ابلاغ کردند.

---

۱. همان؛ ۲۲ اردیبهشت ۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۲۴ اردیبهشت ۸۸

وی با اشاره به تدوین برنامه‌ی پنج ساله و سیاست‌های کلی نظام گفت:

خیلی روشن است که اجرای این برنامه و سیاست وظیفه‌ی همه است؛ وظیفه‌ای ملی، قانونی و شرعی که باید به آن عمل شود.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این‌که معتقدیم این سیاست‌ها خوب عمل نمی‌شود، گفت:

البته کسی را متهم نمی‌کنیم اما انصافاً در مقام عمل کمتر به این سیاست‌ها عمل شده است و موارد عمل نشده به آن خیلی زیاد است.

وی سپس به برخی شاخص‌های برنامه‌ی چهارم توسعه که مورد تأکید رهبری قرار گرفته، اشاره کرد و گفت:

کم شدن وابستگی جامعه به درآمد نفت از جمله‌ی این تناقض‌های مورد تأکید است و همه‌ی صاحب‌نظران قبول دارند که این مسأله موجب عقب‌ماندگی می‌شود. اگر سرمایه‌ی عظیم نفت مایه‌ی وابستگی نباشد و برای پشتیبانی تولید از آن استفاده شود به برداشتن گام‌های بلند توسعه کمک می‌کند اما متکی شدن نیازهای مصرفی و هزینه‌های جاری کشور به نفت همواره مایه‌ی عقب‌افتادگی و وابستگی می‌شود و این یک خطر است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی وابستگی به درآمدهای نفتی را به نوعی تخدیر در زندگی تشبیه کرد و گفت:

باید قضاوت کرد بر اساس آمار موجود پس از برنامه‌ی چهارم چقدر به این هدف رسیدیم؛ آیا امروز نسبت به پنج سال پیش کمتر به نفت وابسته هستیم یا این وابستگی بیشتر شده است؟! جای تردید نیست که مقدار درآمدی که داشتیم و هزینه کردیم و امروز دیگر نداریم نشان می‌دهد که به درآمدهای بالای نفتی معتاد شده‌ایم. خطر اصلی این است که با راه کجی که با وابستگی بیشتر می‌رویم به توسعه‌ی پایدار نمی‌رسیم. اجرای سیاست‌های کلی نظام حکم شرعی، ملی و قانونی است.[1]

وی با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری بر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در پنج سال گفت:

با بررسی‌های کارشناسی در مجمع این زمان به ۱۰ سال افزایش یافت؛ حال

---

۱. همان

باید قضاوت کرد که به چه میزان به این شاخص دست یافته‌ایم.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به سال پایانی برنامه‌ی چهارم توسعه گفت:

حسرت گذشته را خوردن درست نیست بلکه باید از این حسرت برای آینده تصمیم درست بگیریم و با دقت و ظرافت و به طور جامع با سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در صدد تدوین برنامه‌ی پنجم توسعه برآییم.

وی با اشاره به این‌که نزدیک به ۵۰ سیاست مصوب مجمع که به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است به دولت و دیگر دستگاه‌ها ابلاغ شده است، گفت:

باید سعی کنیم برنامه‌ی پنجم توسعه در چهارچوب این سیاست‌ها نوشته شود. باید با دولت و مجلس همکاری کنیم تا این برنامه در این چهارچوب نوشته و تصویب شود و برای اجرای آن هم ساز و کارهای خوبی در نظر بگیریم.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر این‌که ساز و کارهایی که در قوه‌ی قضاییه برای اجرای سیاست‌های کلی ایجاد شده است باید در دیگر دستگاه‌ها هم ایجاد تا نظارت‌ها درست انجام شود، گفت:

پیشنهاد آیت‌الله شاهرودی برای اصلاح آیین‌نامه‌ی نظارت بر سیاست‌های کلی در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده و برای تأیید به مقام معظم رهبری تحویل شده است.

وی کم کردن مسئولیت‌های غیرضروری و کوچک کردن نهاد دولت را از دیگر شاخص‌های سیاست‌های کلی نظام و خواست رهبری خواند و گفت:

مقام معظم رهبری تأکید کردند که دولت حق ندارد در موارد صدر اصل ۴۴ یا خارج از آن سرمایه‌گذاری و اقدام کند بلکه مردم باید این امور را انجام دهند.[1]

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به این نکته که «رهبری بر این مسئله اصرار فوری داشتند اما به علت آماده نبودن بخش خصوصی و دولت، زمان واگذاری‌ها و اجرای اصل ۴۴ در مجمع پنج سال در نظر گرفته شد»، گفت:

حال قضاوت کنید کدام کارها را دولت انجام می‌داده است که الآن انجام نمی‌دهد؟! آیا این کارها کم شده یا زیادتر شده است؟!

---

۱. همان

وی شاخص دیگر مورد ارزیابی را یارانه‌ها و هدفمند کردن آنها دانست و گفت:

تصمیم گرفته شد یارانه‌ها در پنج سال هدفمند شود و در جایی اختصاص یابد که مصرف آن دیگر ناعادلانه نباشد.

وی کم بودن بهره‌وری در تولید، توسعه و اقتصاد را اشکال اساسی جامعه خواند و گفت:

هم در استفاده از انرژی، مواد اولیه و مواد معدنی اسراف می‌کنیم و هم در ماشین‌آلات چون با ارز نفتی وارد کشور می‌شود همین‌طور عمل می‌کنیم.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این‌که «مقرر شده بود دو و نیم درصد از هشت درصد رشد کشور از ناحیه‌ی اصلاح و بهره‌وری باشد»، گفت:

حال قضاوت کنید که این مسأله محقق شده است یا این‌که درجا زده‌ایم؟ اگر می‌خواهیم به بهره‌وری مناسب در استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های کارخانه و منابع انسانی دست یابیم باید نمونه‌ی دیگر کشورها را ببینیم و بررسی کنیم.

هاشمی رفسنجانی سرمایه‌گذاری را شاخص دیگر سیاست‌های کلی و برنامه‌ی چهارم توسعه خواند و گفت:

به این مسأله هم تأکید فراوان بود و به علت این‌که نتوانستیم به آن دست یابیم ضرر زیادی متحمل شدیم. البته در برخی شاخص‌ها از جمله آموزشی وضع‌مان بد نیست اما در آن هم به هدف نرسیدیم و اگر در آن هم جلو هستیم به‌خاطر بخش غیردولتی بود که باید در همه‌ی بخش‌ها این‌گونه می‌شد.[1]

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت:

بخش عمده‌ی اصل ۴۴ که موتور اجرای سند چشم‌انداز به شمار می‌رود، واگذاری‌های صدر این اصل در زمینه‌ی نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، ساخت فولاد، پتروشیمی و راه‌سازی به مردم بود که باید بررسی شود چه قدر انجام داده‌ایم.[2]

وی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی انتخاباتی روزنامه‌ی همشهری درباره‌ی الزامات دهه‌ی چهارم انقلاب، گفت:

الزامات این دهه با الزامات گذشته در موارد زیادی مشترک است و این‌گونه نیست

---

۱. همان

۲. همان

که فضای ما و دنیا در دهه‌ی چهارم به کلی عوض می‌شود. معمولاً مواردی عوض می‌شود که همیشه این‌گونه بود. هر صفحه‌ای که از تاریخ بشریت ورق می‌خورد، سطرهای تازه‌ای بر آن نوشته می‌شود. دهه‌ی چهارم انقلاب هم این‌گونه است. البته در بحث ضرورت‌ها دو نگاه هست؛ یک نگاه ضرورت‌هایی است که حوادث ۱۰ سال آینده برای انقلاب پیش می‌آورد و نگاه دوم به خاطر همان ضرورت‌هایی است که از گذشته برای انقلاب اسلامی باقی مانده است.

در انقلاب اهدافی داشته‌ایم که تا به حال به خیلی از آنها رسیده‌ایم و خیلی از آنها هنوز انجام نشده‌اند. یکی از ضرورت‌ها این است که آن اهداف را تکمیل کنیم که دو، سه مورد مهم را می‌گوییم: ایران با شرایطی که دارد مستحق این است که توسعه یافته باشد. منابع انسانی ایران بسیار بالاست. زیربناها تهیه و وعده‌هایی به مردم داده شده است. رسالت ملی و دینی داریم که کشور خود را به عنوان یک کشور پیشرفته، الگوی دیگران کنیم. علاوه بر این، در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله افقی را مشخص کردیم و گفتیم باید تا آن افق در منطقه‌ی خود و در بین ۲۸ کشور از لحاظ همه‌ی شاخص‌ها مقام اول را داشته باشیم. این کارها جزو گذشته و از اهداف قدیم ما بود و الآن زمان‌بندی و تعریف کردیم. این یک بخش است. در همین بخش کارهای مهمی است که باید توجه کنیم. مثلاً عدالت یک اصل مهم در انقلاب بود. یکی از انگیزه‌های اصلی مردم برای مبارزه با رژیم پهلوی مقابله با ظلمی بود که در کشور وجود داشت. از طرف دیگر ما مسلمانیم و یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های اسلام، تأمین عدالت و توجه به آن است. بنابراین باید در تأمین عدالت که شاخص‌های بسیار مشخص دارد کارهای اساسی و نه کارهای شعاری و حرف‌های بدون عمل و برای فریب شود. اگر شعار باشد، جواب نمی‌دهد و اهداف را معکوس می‌کند. مسأله‌ی مهم برای هر کشوری که می‌خواهد مردمش راحت باشد. باید به گونه‌ای عمل شود که ضرورت‌های زندگی یک بچه که به دنیا می‌آید تا زمانی که از دنیا می‌رود، از طرف نظام تأمین شده باشد. این ضرورت‌ها هم عبارتند: از غذا، بهداشت، مسکن، تحصیل و شغل. یعنی همان مواردی که هر انسان آزاده‌ای در زندگی خود به آن نیاز دارد. تجربه‌ی دنیا به گونه‌ای است که این نیازها را با تأمین اجتماعی برای جامعه تأمین می‌کند. تأمین اجتماعی به معنای

سیستم یارانه‌ها نیست. یک سیستم و نظام بیمه‌ای است که بخشی از منابع را خود سیستم دارد و بخشی از منابع را از مردم می‌گیرد و در طول عمر برای این نیاز هزینه می‌کند. بعضی از کشورها را که مطالعه کردم، دیدم مردم آن کشورها از این جهت راحت هستند. البته وقتی از این سطح بالاتر می‌رویم و دوره‌ی رقابت‌ها شروع می‌شود با این‌که بعضی‌ها جلو و بعضی‌ها عقب می‌افتند، خیلی رنج‌دهنده نیست. رنج‌دهنده این است که کسانی زیر خط فقر زندگی کنند و مشکلاتی از این نوع داشته باشند. بعضی‌ها فکر می‌کنند باید این کار را با یارانه‌ها و کمک به مردم بکنند، در حالی که واقعیت تأمین اجتماعی این نیست. باید سیستم داشته باشد که اتفاقاً از شغل شروع می‌شود. باید به گونه‌ای عمل کنیم که اگر کسی به سن شغل رسید و دلش می‌خواهد شغل داشته باشد زمینه برای اشتغالش باشد. این یک آرزوی دست نیافتنی نیست، واقعیتی است که در کشور ما ممکن است. منابع ما خیلی غنی است. جزو چند کشور دنیا هستیم که کلکسیون منابع دنیا را در اختیار داریم. فکر می‌کنم ایران بعد از آمریکا و روسیه باشد که همه چیز در درون کشور وجود دارد که باید استحصال شود.

حرکت بزرگی در مسائل آموزشی کردیم که قسمت عمده‌ی آن را دانشگاه آزاد اسلامی، یعنی در حقیقت خود مردم به عهده گرفتند. یعنی مردم پول می‌دهند و تحصیل می‌کنند. به هر حال زمینه‌ای فراهم شد که اگر جوانان بخواهند می‌توانند با پرداخت هزینه‌ها درس بخوانند. در این صورت باید ثمره‌ی این تحصیل را بگیرند. ثمره‌ی تحصیلات برای دانشجویان اشتغال است. اینها که نمی‌توانند در زندگی آینده کارگر باشند. شاید بشوند اما حق کشور است که در فن تحصیلی خود خدمت کنند تا آنچه را که آموختند به کار گیرند. الآن چنین فضایی در کشور نیست و همه‌ی متخصصین نمی‌توانند جذب تخصص‌های خود شوند. یا جوانان باهوش ایران اختراعاتی دارند که خیلی زیاد است. با مسئولان بین‌المللی اختراعات که صحبت می‌کردم، می‌گفتند: «در مسابقات و نمایشگاه‌ها تعجب می‌کنیم، چون ایرانی‌ها هم رکوردشکنی می‌کنند و هم از همه‌ی کشورها ـ حتی از کشورهای پیشرفته ـ جلوتر هستند.» اما این اختراعات در کشور نمود اجرایی ندارند. کسانی که استعداد داشتند، زحمت کشیدند و سال‌ها کار کردند و کارشان از حدود آزمایشگاه‌ها عبور می‌کند، ولی

وقتی قرار است به حدود پایلوت و صنعت برسد، متوقف می‌شود. با این کار جوانان دلسرد و در حقیقت خفه می‌شوند. بعضی‌ها فرار می‌کنند و به خارج می‌روند و بعضی افسرده در کشور می‌مانند و دیگران هم تشویق نمی‌شوند. فکر می‌کنم توجه به این مسئله‌ی جدید یکی از ضرورت‌های این دهه است، چون در گذشته به این وسعت نداشتیم و الآن داریم. شرایط سیاسی جهانی بعد از این بحران متحول خواهد شد. البته الآن نمی‌توانم چشم‌انداز را حداقل برای خودم درست ترسیم کنم اما می‌دانم به خاطر این بحران تحولات عمده‌ای در دنیا اتفاق می‌افتد که شامل مسایل سیاسی، اقتصادی و غیره خواهد بود.

ایران در این مقطع باید باهوش باشد و مدبّرانه عمل کند. الآن می‌توانیم بهره‌های زیادی از خلأ موجود در دنیا ببریم، چون امکانات ذاتی کشور ما بالاست. شرکت‌های بزرگی در دنیا هستند که الآن نمی‌توانند ادامه بدهند. می‌توان این شرکت‌ها را خرید و از ارتباطات آنها استفاده کرد و از تخصص‌هایشان بهره گرفت. الآن خلأهایی در بازار پیش آمده که می‌توانیم پر کنیم. سرمایه‌های سرگردانی وجود دارند که می‌توانیم جذب کنیم. خود ایرانی‌ها که ثروت‌های زیادی در خارج از کشور دارند، الآن اطمینان سابق را در آنجاهایی که هستند، ندارند. خیلی‌ها ضد انقلاب نیستند و به ایران و انقلاب اسلامی علاقه‌مند هستند و می‌توانیم از آنها برای حضور در ایران دعوت کنیم.

در مجموع سؤال شما آن‌قدر کلی است که می‌توان همه‌ی مسائل را در قالب بحران‌ها و فرصت‌ها آورد و مطرح کرد.[1]

وی در همین مصاحبه در پاسخ به این پرسش که «اگر شما در این شرایط مسئول اجرایی کشور بودید، چه موردی برای شما اولویت داشت و بیشتر پی‌گیری می‌کردید؟» گفت:

در گذشته‌های دور یعنی دهه‌ی اول، سیاست‌های کلی درازمدت نداشتیم حتی به فکر تدوین آن نبودیم. آنچه که فکر می‌کردیم، برنامه‌های درازمدت بود که در زمان دولت سازندگی احساس کردیم تدوین برنامه‌های درازمدت نیاز ضروری کارهای اساسی و بنیانی است. در همان زمان برنامه‌ی «ایران ۱۴۰۰» یا

۱. روزنامه **همشهری**؛ ویژه‌نامه‌ی انتخاباتی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸

«تمدن بزرگ اسلامی» را مطرح کردم که عمر آن برنامه ۲۵ سال بود، چون در سال ۱۳۷۵ مطرح شده بود. خیلی از کارها را انجام دادیم که دولت سازندگی تمام شد و دولت آقای خاتمی هم آن موضوع را پی‌گیری نکرد. با توجه به علاقه‌ی رهبری به تدوین برنامه‌های درازمدت که اسم طرح «ایران ۱۴۰۰» را «حیات طیبه» گذاشته بودند و با توجه به عدم مسئولیت مجمع در تدوین برنامه، رهبری به ما فرمودند: «تدوین سیاست‌های کلی نظام بر اساس قانون اساسی از وظایف رهبری، آن هم پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است.» اگر توجه کرده باشید، من حتی در دوران ریاست جمهوری هم رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام بودم. اما در ۱۷ اسفند ماه ۱۳۷۵ رهبری با آن صحبت‌هایی که با هم کرده بودیم، حکم جدیدی به من دادند و در آن حکم هم به تدوین سیاست‌های کلی اشاره کردند. بعد از تشکیل جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام با اعضای متفاوت در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۷۶، رهبری بیش از ۱۳۰ مورد را به ما ارجاع دادند تا سیاست‌های کلی آن موارد را بنویسیم. تا به حال بیش از ۴۰ مورد را نوشتیم که خیلی از سیاست‌ها از طرف رهبری تأیید و به دستگاه‌ها ابلاغ شد و بعضی‌ها نیز در مرحله‌ی بررسی توسط رهبری هستند.

در کنار تدوین سیاست‌های کلی، دو کار عمده‌ی دیگر نیز کردیم که یکی تهیه‌ی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی نظام و دیگری اصلاح سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی است. چون در بررسی‌ها متوجه شدیم که تفسیر سابق اصل ۴۴ قانون اساسی با صدر و ذیلی که داشت، مانع اجرای سیاست‌های کلی و سند چشم‌انداز خواهد بود. این اصل را نیز با خواست رهبری اصلاح کردیم. بنابراین براساس این موارد که گفتم، فکر می‌کنم الآن نظام کادر گرفته است. باید برنامه‌ی پنج ساله و بودجه‌های سالانه در این کادر نوشته شوند تا خیال مردم راحت باشد که ۱۰ سال دیگر به کجا می‌رسیم. برای نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها نیز به شاخص‌هایی نیاز داریم که معلوم شود در یک سال چقدر جلو رفتیم. همه‌ی این موارد در مجمع تشخیص تعیین شده است. یکی از اولویت‌های نظام در دهه‌ی چهارم مراعات سیاست‌های کلی و عمل بر اساس چهارچوب‌هایی است که تعیین کردیم. اگر در این میان کسی موافق این سیاست‌ها نباشد، راهش این نیست

که عمل نکنیم. راهش این است که اشکالات را بگوید تا سیاست‌ها اصلاح شود. چون بسته نیست. سیاست‌ها در هر مقطعی با موافقت رهبری قابل تجدیدنظر هستند تا مناسب با زمان اصلاح شوند. بر این اساس الآن نظام، ساختار و چهارچوب بسیار درستی دارد و تا ۲۰ سال آینده را دیده است. سیاست‌های برنامه‌ی پنج ساله بر اساس آن ساختار نوشته می‌شود. قانون اساسی بر همه‌ی این قوانین و سیاست‌ها حاکم است. وظایف همه در دولت، مجلس، قوه‌ی قضاییه و نهادها کادربندی شده و مشخص است. نباید در حرکت‌های جامعه انحراف داشته باشیم باید داخل کادر حرکت کنیم.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ سوم خرداد ماه در اجلاس «بازمهندسی کاداستر (مدیریت زمین) در جهت حمایت از دولت الکترونیک»، دولت الکترونیک را نیاز بشر امروز دانست و گفت:

امروز دیگر نمی‌توان تنها با قلم، کاغذبازی، مسافرت و یا فرستاده‌ی ویژه دنیا را اداره کرد و این جز با فناوری پیشرفته الکترونیک که خوشبختانه تا روستاها جای خود را باز کرده و مردم از خانه‌های خود می‌توانند از آن بهره ببرند، میسر نیست. دولت‌ها اگر بتوانند برنامه‌های خود را با این وسیله ارتباطی اداره کنند هزینه‌ها به شدت کاهش پیدا می‌کند، کارها پیشرفت می‌کند، امور موازی حذف می‌شود، اتلاف انرژی صرفه‌جویی می‌شود و تلفات جاده‌ای و آلودگی هوا به شدت کاهش می‌یابد.[۲]

وی در تاریخ ۱۰ خرداد ماه در دیدار جمعی از «نخبگان مرکز اندیشه ولایت»، انحراف از برنامه‌ها و سیاست‌های کلی کشور را موجب اتلاف منابع مادی و معنوی بیان کرد و گفت:

مجمع تشخیص مصلحت نظام در سیاست‌های کلی برنامه پنجم به انطباق با سند چشم‌انداز توجه ویژه‌ای کرده است و تلاش خواهد شد جهشی مناسب برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز برداشته شود.[۳]

---

۱. همان

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۴ خرداد ۸۸

۳. همان؛ ۱۱ خرداد ماه ۸۸

وی در تاریخ ۱۱ خرداد ماه در دیدار جمعی از اعضای «جمعیت تولیدگرایان» با اشاره به برخی مشکلات اقتصادی کشور تصریح کرد:

عمل به برنامه‌ها و حرکت در چهارچوب قوانین و سند چشم‌انداز می‌تواند بسیاری از معضلات را حل کند.[۱]

وی حرکت دولت آینده در مسیر برنامه‌ی پنجم توسعه را در رفع مشکلات اقتصادی مهم ارزیابی کرد و افزود:

بر اساس سند چشم‌انداز باید شرایطی فراهم کرد تا اقتصاد به طور واقعی توسط خود مردم و بخش خصوصی اداره شود و دولت در این مسیر حرکت کند.[۲]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۷ خرداد ماه در دیدار اعضای «هیأت مدیره‌ی تعاونی مرغ‌داران»، ایجاد زمینه‌های مناسب برای رشد تولید و بهره‌وری در صنایع کشور را از مهم‌ترین سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه خواند و تصریح کرد:

تأکید بر اولویت نوسازی و بازسازی تجهیزات در صنایع به خصوص مرغ‌داری، اعطای تسهیلات کم‌بهره، لزوم توجه ویژه به نرخ ارز و اعطای یارانه و جایزه‌ی صادراتی به مرغ‌داران را از محورهای مهمی است که می‌تواند به رشد و شکوفایی صنعت مرغ‌داری کمک شایانی نماید.[۳]

وی در تاریخ ۲۷ مرداد ماه در دیدار اعضای «هیأت مدیره‌ی خانه‌ی صنعت و معدن جوانان ایران» و اعضای «شورای مرکزی خانه‌های صنعت و معدن ایران» با تشریح شرایط دشوار کشور بعد از خاتمه‌ی جنگ تحمیلی و اشاره به این‌که مهم‌ترین استراتژی دولت سازندگی ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز رونق اقتصادی کشور بود، اظهار داشت:

اهتمام به اجرای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی نظام با بهره‌گیری از تجارب پرافتخار گذشته‌ی کشور به همراه «صداقت» و «صراحت» آینده‌ی درخشانی را برای کشور رقم خواهد زد.[۴]

---

۱. همان؛ ۱۲ خرداد ۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۱۸ خرداد ۸۸
۴. همان؛ ۱۱ خرداد ۸۸

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۶ مهر ماه در دیدار اعضای «هیأت مدیره‌ی انبوه‌سازان مسکن کشور»، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت مسکن و ساختمان را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای رفع مشکل بیکاری جامعه و فعال‌تر کردن سایر صنایع و تقویت تولید و رونق اقتصادی و حل معضل مسکن مردم به ویژه جوانان برشمرد و تصریح کرد:

> اقتصاد جهانی مانند ظروف مرتبطه، به یکدیگر وابسته است و نادیده گرفتن معادلات آن موجب عقب‌ماندگی و غفلت از علم روز در بخش اقتصاد و صنعت از جمله صنعت مسکن و ساختمان می‌شود.[۱]

وی حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و کارآفرینان انبوه‌ساز در داخل را موجب رونق این بخش و تشویق و ترغیب جذب سرمایه‌های خارجی بدون وابستگی به بودجه‌های دولتی و به صورت خودکفا خواند و گفت:

> نبود حمایت لازم و مناسب از بخش ساخت و ساز مسکن و انبوه‌سازان می‌تواند موجب رکود در صنعت ساختمان و مسکن شود.[۲]

وی در تاریخ ۲۷ مهر ماه در دیدار اعضای برگزارکننده‌ی «سمینار بین‌المللی پوکی استخوان» با اشاره به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور و نقش اساسی بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این سند گفت:

> خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران هم به لحاظ علمی و هم به لحاظ پزشکی و درمانی در رده‌های اول در سطح منطقه قرار دارد و این امر جز با توجه مسئولان نظام طی ۳۰ سال گذشته به علم و پژوهش میسر نبوده است.[۳]

وی برگزاری همایش‌های علمی بین‌المللی و حضور پژوهش‌گران و متخصصان سایر کشورها را یکی از راه‌های توسعه‌ی علم به خصوص دانش پزشکی خواند و تأکید کرد:

> امروزه ثابت شده است که هزینه‌ی پیش‌گیری از بیماری‌ها بسیار کمتر و مؤثرتر از هزینه‌ای است که جهت درمان بیماری‌ها و تأمین اجتماعی می‌شود و این امر نیز تنها با آگاهی‌بخشی و آموزش عمومی میسّر خواهد بود.[۴]

---

۱. همان؛ ۲۷ مهر ۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۲۸ مهر ۸۸
۴. همان

وی در تاریخ ۲۵ آبان ماه در دیدار جمعی از اعضای «اتحادیه‌ی صادرکنندگان فرآورده‌های نفت گاز و پتروشیمی» تأکید کرد:

تنظیم و اجرای صحیح برنامه‌ی پنجم می‌تواند شرایط اقتصادی کشور را به حالت تعادل باز گرداند.[1]

وی ارائه و تصویب برنامه‌ی پنجم در زمان مطلوب با توجه به تدوین قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۹ بر اساس این برنامه را مهم عنوان کرد و در پاسخ به نقش نظارتی مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت:

مجمع بر اساس دستور صریح رهبری معظم انقلاب به شورای نگهبان در خصوص هرگونه انحراف از سیاست‌های کلی در این برنامه نظارت به عمل خواهد آورد.

وی استفاده‌ی بی‌رویه از منابع نفتی برای هزینه‌های جاری را به ضرر آیندگان دانست و گفت:

تولید و صادرات فرآورده‌های نفتی می‌تواند موقعیت مناسبی برای جلوگیری از فروش منبع عظیم نفت خام به عنوان یک کالای ارزان قیمت باشد.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۹ آذر ماه در دیدار «جمعی از اساتید دانشگاه امیرکبیر»، جمهوری اسلامی ایران را به لحاظ موقعیت استراتژیک، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی دارای استعداد بسیار خوب در منطقه و حتی جهان دانست و گفت:

بر طبق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور، بخش تحقیقات و توسعه‌ی علمی سهم مهمی را می‌باید در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به خود اختصاص دهد.[3]

وی غفلت در دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی کشور را خسرانی جبران‌ناپذیر برای کشور، نظام و انقلاب خواند و گفت:

با توجه به استعداد بالای کشور در تمام زمینه‌ها و اهداف حداقلی سند چشم‌انداز، اگر در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به درستی عمل کنیم بسیار زودتر از ۱۴۰۴ به اهداف این سند می‌رسیم.[4]

---

۱. همان؛ ۲۶ آبان ۸۸
۲. همان
۳. همان؛ ۱۰ آذر ۸۸
۴. همان

وی در تاریخ ۱۲ آذر ماه در جوار بارگاه امام رضا(ع) با بیان این‌که هزینه‌های هنگفتی برای توسعه اطراف حرم صورت گرفته و مطمئناً این هزینه‌ها با کمک‌های مردم تأمین نمی‌شود، گفت:

با توجه به رکودی که در بخش‌های مختلف صنعت شاهد آن هستیم، به خصوص در بخش‌های قند، شکر و چغندر باید به فکر توسعه‌ی زیربنایی باشیم.[۱]

وی در تاریخ ۱۴ دی ماه در پیامی به اجلاس مرکزی همایش‌های منطقه‌ای «سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴» ضمن تأکید بر رفع موانع اجرایی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی نظام به عنوان وظیفه‌ای شرعی و ملی خواستار تسریع در رسیدن جمهوری اسلامی ایران به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه شد. وی در این پیام تصریح کرد:

اگر تا چندی پیش کلمه‌ی مرکب چشم‌انداز بر اساس تعاریف کتاب‌های فرهنگ و لغت‌نامه‌ها به مساحت مکانی اطلاق می‌شد، امروز در فرهنگ اجتماعی ایرانیان به عصاره‌ی مجموعه سیاست‌های کلی اطلاق می‌شود که دورنمای زمانی را برای یک کشور پیشرفته در بر می‌گیرد.[۲]

وی با اشاره به مسیر تبیین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ از زمان جنگ تا تبیین این سند عنوان کرد:

دومین برنامه‌ی پنج‌ساله در سومین سال اجرای خویش بود که دلسوزان نظام با توديع منطقی کم بودن برنامه‌های میان‌مدت برای ملتی که با سابقه‌ترین فرهنگ و تمدن را داراست طرح تمدن اسلامی یا ایران را تدوین کردند که از آن تعبیر به حیات طیبه شد.

وی در ادامه‌ی این پیام به تصمیم مقام معظم رهبری برای تدوین سیاست‌های کلی نظام اشاره و تصریح کرد:

تصمیم رهبری معظم انقلاب برای اجرای عمل نشده‌ی یک وظیفه‌ی مصرّح در قانون اساسی یعنی تدوین سیاست‌های کلی نظام آن هم پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، بارقه‌ی امیدی برای گذشتن از محدوده‌های تنگ و قدم نهادن در فضای تقریباً باز تصمیم‌گیری در جامعه پیدا شد.

---

۱. *خبرگزاری ایلنا*، ۱۲ آذر ۸۸، کد خبر: ۹۳۷۴۹

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۵ دی ۸۸

وی در ادامه‌ی این پیام به نقش دولت‌ها برای اجرای سند چشم‌انداز اشاره و تصریح کرد:

اگرچه دولت‌ها به عادت معلوف اقدام به تدوین و اجرای برنامه‌ها کردند که تا حدودی بر اساس سیاست‌های کلی بود اما آن فضا برای کشوری که بر اساس منابع سرشار طبیعی و انسانی می‌بایست مقام اول رتبه‌ی علمی را در میان کشورهای منطقه داشته باشد، کم بود.

وی در ادامه، خاطرنشان کرد:

رهبری با درک هوشمندانه‌ی این ضرورت، تدوین چشم‌انداز ۲۰ ساله را به عنوان بزرگ‌راه رسیدن ایران اسلامی به تمدن و فرهنگ درخور ایرانیان ترسیم کردند و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با استفاده از نظرات دانشمندان، این موضوع را به تأیید و تصویب رهبری رساندند تا با مشخص کردن سیاست‌های صدر و ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی که انقلاب اقتصادی از آن انتظار می‌رفت موتور محرکه برای چشم‌انداز ۲۰ ساله تعبیه گردد.

وی با اشاره به این‌که تدوین آیین‌نامه‌های نظارتی و تعیین شاخص‌ها هنوز در میانه‌ی راه است، تصریح کرد:

اینک این چشم‌انداز به عنوان یک سند ملی و مکمّل قانون اساسی در دست ماست که مانند هر پدیده‌ی نوظهور اولاً برای جامعه حتی برای بعضی از نخبگان غریب است و ثانیاً موافقان و مخالفان پر و پا قرصی دارد که می‌توانند حرکت آن را کند، متوقف حتی معکوس یا عقب‌گرد کنند.

وی در پایان این پیام خواستار تلاش همگانی در جهت اجرا و رفع موانع اجرایی به عنوان وظیفه‌ی شرعی و ملی دستگاه‌های فرهنگ‌ساز کشور شد.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۴ دی ماه در دیدار «جمعی از دانشجویان رشته‌ی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب» در پاسخ به سؤالی درباره‌ی رابطه نفت و انرژی با قدرت، گفت:

در عرصه‌ی بین‌المللی امروز، نفت در کشورهای دارای تکنولوژی و پیشرفته ایجاد قدرت سیاسی مضاعف کرده است و آنها با اعمال مالیات‌های سنگین

---

۱. همان

برای دولت‌های خود تولید هزاران محصول صنعتی از این ماده‌ی ارزشمند، ایجاد درآمدی به مراتب بیش از کشورهای تولیدکننده می‌کنند. عمده‌ی کشورهای تولیدکننده‌ی نفت به دلیل عدم استفاده‌ی مطلوب از این ماده‌ی پر ارزش و نقش منفی سیاست‌های کشورهای استعمارگر در این کشورها، نتوانسته‌اند از این سرمایه‌ی ملی به نحو مطلوب در اداره‌ی کشور خود استفاده کنند و بهره‌ی اصلی از این ماده را کشورهای پیشرفته می‌برند.[1]

وی در پاسخ به سؤالی درخصوص نحوه‌ی استفاده‌ی بهینه از درآمدهای نفتی تأکید کرد:

مجمع تشخیص مصلحت نظام در سیاست‌های کلی که به تأیید مقام معظم رهبری نیز رسید تعیین کرد تا هزینه‌ی جاری کشور ظرف ۱۰ سال از درآمدهای نفتی منقطع و از منابع مالی ناشی از نفت به عنوان یک سرمایه برای توسعه‌ی کشور استفاده کنیم. عمل به این سیاست می‌تواند این ثروت عظیم را در اختیار توسعه و پیشرفت کشور قرار دهد و مسائل و مشکلات ناشی از استفاده‌ی غیربهینه از این ماده را حل کند که البته تاکنون این سیاست محقق نشده است.

وی در جواب به پرسش دیگری درخصوص رابطه‌ی تحریم ایران با قیمت نفت در عرصه‌ی جهانی تأکید کرد:

کشورهای سلطه‌گر اکنون از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران جلوگیری می‌کنند و این تحریم موذیانه، درآمد نفتی ایران را در سالیان آینده کاهش می‌دهد و آنها اگر بتوانند تولید نفت را در برخی کشورهای منطقه افزایش دهند شاید به دنبال تحریم خرید نفت ایران باشند و در غیر این صورت می‌تواند بر قیمت نفت تأثیر مضاعف گذارد که البته اقتصاد جهانی امروز تحمل چنین تحریمی را ندارد.

وی در پاسخ به سؤال دیگری درخصوص وجود رانت در صنعت نفت کشور گفت:

در فضایی که تمرکز امور اقتصادی در دستان دولت باشد این رانت وجود دارد و راه حل موجود در دنیا این است که دولت سیاست‌گذار باشد و امور اقتصادی به مردم واگذار شود. در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که مجمع آن‌را تدوین و به تصویب مقام معظم رهبری رسید تعیین شد تا سالی ۲۰ درصد از فعالیت‌های اقتصادی دولت به مردم واگذار شود که در صورت اجرای صحیح این موضوع،

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۱۵ دی ۸۸

می‌توانست ظرف پنج سال فضای سالم و رقابتی در عرصه‌ی اقتصادی کشور با حضور مردم تبلور یابد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به پرسشی در خصوص دلیل عدم استفاده‌ی ایران از ذخایر نفت خزر گفت:

استفاده از این ذخایر با توجه به عمق زیاد آب در این دریا نیاز به فن‌آوری پیشرفته دارد و ایران درخصوص دستیابی به این فن‌آوری‌ها قدم‌هایی را برداشته است که در حال تکمیل است.

وی تلاش برای گرفتن سهم واقعی ایران از منابع عظیم ذخایر نفتی در این منطقه را پر اهمیت عنوان کرد و گفت:

با رایزنی و پی‌گیری می‌توانیم به حق خود در منابع نفتی موجود در این دریا دست یابیم.[1]

وی در تاریخ ۱۵ دی‌ماه در دیدار شرکت‌کنندگان «اجلاس مرکزی همایش‌های منطقه‌ای سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران»، این سند را نتیجه‌ی تلاش طولانی مدت بسیاری از متخصصین، اساتید دانشگاه، مدیران و دلسوزان نظام دانست و گفت:

البته این سند الزاماتی هم دارد که با اصل ۴۴ قانون اساسی و این الزامات به منزله‌ی موتور محرکه‌ی سند چشم‌انداز، تدوین و به تصویب رهبری رسید.[2]

وی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی گفت:

ما امیدمان این است که سند چشم‌انداز با محتوایی که ترسیم شده محقق شود (گرچه نزدیک به پنج سال از عمرش گذشته و در این پنج سال جدی گرفته نشده است) ولی امیدمان این است که سند چشم‌انداز جدی گرفته و اجرا شود. راه‌کارمان روشن است. ما سیاست‌های کلی را نوشته‌ایم. باید برنامه‌ها براساس آن تنظیم بشود و ما در پایان آن ۲۰ سالی که در نظر گرفته بودیم که چند سالش حالا گذشته، موقعیت ممتاز خودمان را پیدا بکنیم. اما این‌که چه جور عمل بشود جای بحث دارد.[3]

---

۱. همان

۲. روزنامه جمهوری *اسلامی*؛ ۱۶ دی ۸۸

۳. همان؛ ۲۱ بهمن ۸۸

۱۸. مدیریت مناسب شرایط کشور تا انتخابات مجلس نهم

یکی از نکاتی که در سال ۱۳۸۸ مورد توجه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی قرار داشت، مدیریت مناسب شرایط سیاسی کشور تا زمان برگزاری انتخابات نهمین دوره از مجلس شورای اسلامی بود.[۱]

وی در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار جمعی از «فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد»، گفت:

> من با دو طرف حرف دارم و نمی‌خواهم بگویم فقط یک طرف این‌گونه است. در مجموع بحث این است که باید فضای گفت و گو را جدّی بگیریم تا مردم باور کنند که می‌توانند استدلال کنند. روزنامه‌ها می‌نویسند و صدا و سیما نقل می‌کند. احزاب هم بتوانند افکار خود را به مردم بگویند. اگر سه چهار ماه این‌گونه کار کنیم، به انتخابات می‌رسیم. انتخابات هم باید آزاد باشد تا هر کس که با شرایط قانونی صلاحیت دارد، وارد میدان شود. شورای نگهبان بی‌طرفانه عمل کند. وزارت کشور به عنوان مجری انتخابات نمی‌تواند طرفدار یک جناح باشد. مجری و ناظر باید کاملاً بی‌طرف باشند و بی‌طرف عمل کنند. در آن صورت مردم به رأی خود اهمیت می‌دهند. اگر یک انتخاب درست برگزار شود، هر گروه و جریانی که پیروز شد، کار می‌کند و رهبری هم به عنوان پدر جامعه، بالای سر همه هستند. حقیقتاً روحیه‌ی رهبری این‌گونه است.[۲]

---

۱. انتخابات مجلس نهم در اسفند ماه ۱۳۹۰ برگزار شد.

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ آذر ۱۳۸۸

چند چالش

در جریان حوادث سال ۸۸ برخی از موضوعات مرتبط با شخص آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در رسانه‌ها مطرح شد که واکنش‌هایی را از سوی وی به همراه داشت. ما در ادامه به این موارد اشاره می‌کنیم.

۱. طرح دولت وحدت ملی

در تاریخ ۲۶ فروردین ماه حجت‌الاسلام والمسلمین علی زادسر جیرفتی به انتشار متن گفتگوی خود با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اقدام کرد.[۱] در این گفتگو رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام از طرحی جهت وحدت اصول‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری دهم یاد کرد و گفت:

> در مورد انتخابات دوره‌ی دهم، اعتقاد من همان است که در جلسه‌ی جامعه‌ی روحانیت بحث شد و آن این است که چنانچه همه‌ی کسانی که خود را به هر نوعی جزو اصول‌گرایان می‌دانند، یکی از چهار نفر مطرح شده یعنی حجج اسلام ناطق‌نوری و روحانی و آقایان لاریجانی و ولایتی را، نامزد کنند و متفرق نشوند، بنده نیز به سهم و توان خود از نامزدی آن نامزد واحد، حمایت خواهم کرد، و با جریان اصلاح‌طلب هم موافقت بشود که سهم مناسبی را در کابینه و مدیریت اجرایی کشور داشته باشد که امید بر موفقیت چنین طرحی نیز فراوان است.[۲]

---

۱. این گفتگو که در تاریخ ۱۲ آذر ماه ۸۷ انجام شده بود، در تاریخ ۲۶ فروردین ۸۸ منتشر شد. زادسر اعلام کرد که متن فوق را قبل از انتشار به رؤیت و تأیید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رسانده است.

۲. *وب سایت علی زادسر جیرفتی*، ۲۶ فروردین ۸۸

انتشار این سخنان بار دیگر طرح «دولت وحدت ملی» که اواخر سال ۱۳۸۷ مطرح شده بود[1] را زنده و انتقاداتی را به واسطه‌ی نام بردن از «جامعه‌ی روحانیت مبارز» متوجه وی کرد.

در تاریخ ۳۰ فروردین ماه، «اداره‌ی کل روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام» در خصوص مطالب منتشر شده درباره‌ی دیدار زادسر نماینده‌ی سابق جیرفت با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و مباحث مطرح شده درباره‌ی طرح دولت وحدت ملی در جلسه‌ی جامعه‌ی روحانیت مبارز، توضیحاتی ارائه کرد. متن توضیحات دفتر رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام بدین شرح بود:

پس از انتشار ماجرای دیدار آقای زادسر جیرفتی با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، چند سایت خبری و به تبع آنها چند روزنامه سعی در وارونه جلوه دادن حقیقت مطلب دارند در صورتی که:

اولاً؛ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نگفتند که من در جلسه‌ی جامعه‌ی روحانیت بوده‌ام و یا جلسه‌ی جامعه‌ی روحانیت در حضور من تشکیل شده است. بلکه گفتند نظر من همان است که در جلسه‌ی جامعه‌ی روحانیت مطرح شد. پس اصرار برخی رسانه‌ها برای شنیدن این جمله از اعضای جامعه‌ی روحانیت که «جامعه‌ی روحانیت مبارز جلسه‌ای با هاشمی رفسنجانی نداشته است» نوعی تلاش برای کم‌رنگ کردن اصل ماجراست.

ثانیاً؛ این موضوع را برای اولین بار حجت‌الاسلام و المسلمین ناطق نوری به صورت رسمی و رسانه‌ای اعلام داشت[2] و آقایان نوّاب، باهنر و روحانی هم

---

۱. رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۲۰ آذر ماه ۱۳۸۷ در حاشیه‌ی «همایش علمی کاربردی اصل ۴۴، موانع و راه‌کارها» که در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما و از سوی بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران برگزار شده بود در پاسخ به پرسش خبرنگاری که طرح دولت وحدت ملی را به اصلاح‌طلبان منتسب می‌کرد، گفت:

«این طرح را اول آقای ناطق نوری مطرح کرد که جزو اصلاح‌طلبان نیست؛ بعد هم آقای لاریجانی مطرح کرد که او هم جزو اصلاح‌طلبان نیست. بعد هم جامعه‌ی روحانیت مبارز با خواست عسگراولادی، باهنر و حبیبی به میدان آمد. فقط وقتی آقای کرباسچی آن را قبول کرد موج برگشت و گفتند اصلاح‌طلبان این را مطرح کرده‌اند؛ در حالی که اصلاح‌طلبان با این طرح مخالف هستند؛ چرا که این طرح به این معنی است که رییس جمهور اصول‌گرا و کابینه مشترک باشد این طرح آقای ناطق است؛ آن را وارونه نکنید.» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۱ آذر ۱۳۸۷)

۲. به گزارش ایسنا حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری (رئیس دفتر بازرسی مقام معظم رهبری) در تاریخ ۳ شهریور ماه ۸۷ در حاشیه‌ی مراسم بزرگداشت شهید لاجوردی در پاسخ به پرسشی درباره‌ی اخبار

خبر تشکیل این جلسه را برای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نقل کردند و گفتند: اساس بحث‌های «جامعه» بر همان طرح وحدت ملی است و تصمیم گرفته شد چهار نفر به عنوان داور برای انتخاب یک نفر از چند نفر اصول‌گرا انتخاب شوند و حتی پیشنهاد دادند که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یکی از آن چهار داور باشد که ایشان نپذیرفتند و گفتند: اصل طرح را قبول دارم و باید خودتان برای اجرای جزئیات آن تصمیم بگیرید.

ثالثا؛ نقل این موضوع در جلسه‌ی جامعه‌ی روحانیت مربوط به امروز و دیروز نیست، خوب است دوستان را به منابع و مأخذ زیر ارجاع دهیم:

۱. ۱۳۸۷/۵/۳۰، خبرگزاری مهر: حجت الاسلام احمد سالک، سخنگوی جامعه‌ی روحانیت مبارز اعلام کرد که موضوع طرح دولت وحدت ملی در اولین جلسه‌ی آتی که در شهریور ماه برگزار می‌شود، بحث و بررسی خواهد شد.

۲. ۱۳۸۷/۹/۱۹، سایت خبری شهاب نیوز: آقای ناطق نوری، عضو جامعه‌ی روحانیت مبارز در خصوص طرح وحدت ملی گفت: راه‌حل موفقیت در کشور استفاده از همه‌ی نیروهای موجود و تشکیل دولت وحدت از میان همه‌ی کسانی است که درد دین و دغدغه‌ی ایران دارند.

منتشرشده مبنی بر پیشنهادش برای تشکیل دولت وحدت ملی گفت: «زمانی بحث می‌شد و هر کسی پیشنهادی می‌داد... من هم پیشنهاد داده بودم اگر می‌خواهیم کار درستی انجام شود، وحدت ملی ایجاد شود؛ چرا که قائل بودم یک گروه به تنهایی نمی‌تواند کشور و جامعه را اداره کند و همه‌ی نیروهای شایسته و معتقد که چهار اصل اسلام، انقلاب، امام و رهبری را قبول دارند، می‌توانند همه با هم جمع شوند، شایسته‌ها کنار یکدیگر قرار گیرند و نتیجتاً یک دولت وحدت ملی تشکیل دهند و کشور را اداره کنند.» وی افزود: «این یک پیشنهاد و تئوری است.» ناطق نوری همچنین در پاسخ به این پرسش که «برای اجرایی شدن این تئوری چه کارهایی انجام داده‌اید؟» گفت: «این یک پیشنهاد کلی بود که گفتیم همه جمع شوند و بر کسی اتفاق نظر داشته باشند که مورد قبول مقام معظم رهبری باشد؛ به این معنا که اصول و ارزش‌های انقلاب را قبول داشته باشد و قابل تحمل جریان‌ها باشد، همه جمع شوند و چنین فردی را انتخاب کنند اما مع‌الاسف هر گروهی دنبال کار خودش است و این تئوری هم در همان نطفه منتفی شد. من فقط تئوری دادم و دنبالش نیستم اما آنچه از قرائن می‌بینم این است که هر گروهی آتش را برای نان خود می‌خواهد.» وی همچنین در پاسخ به این پرسش که «آیا در انتخابات آتی نمی‌خواهید نقش محوری داشته باشید و بحث ائتلاف اصول‌گرایان را دنبال کنید؟» گفت: «نه! حتماً خودشان خواهند داشت و قبل از این، در انتخابات مجلس هم این ائتلاف را داشتند. من هم گفتم ما دیگر پیرمرد شده‌ایم و جوان‌ها باید کار کنند.» ناطق نوری در پاسخ به این پرسش که «فکر می‌کنید اصول‌گرایان چه ساز و کاری را در پیش بگیرند؟» نیز گفت: «ان شاءالله خودشان بلد هستند.» در ادامه یکی از خبرنگاران پرسید «آیا دیدارهایی داشته‌اید؟» که ناطق نوری پاسخ داد: «ما آنها را می‌بینیم، آنها دوستان ما هستند اما برای انتخابات دیدار رسمی نداشته‌ایم.» (روزنامه *اعتماد*، ۴ شهریور ۸۷)

۳. ۱۳۸۷/۹/۲۴، خبرگزاری ایلنا: حجت الاسلام اکرمی، عضو شورای مرکزی جامعه‌ی روحانیت مبارز ضمن تأیید طرح ایده‌ی دولت وحدت ملی، آن را مربوط به آقایان ناطق نوری، محسن رضایی و علی لاریجانی دانست و گفت: به نظر من تشکیل دولت وحدت ملی جلوی فرافکنی دولت را برای توجیه ناکارآمدی می‌گیرد.[1]

۲. علت نگارش نامه به مقام معظم رهبری

از جمله اقدامات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در جریان دهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری نگارش نامه‌ای سرگشاده به مقام معظم رهبری بود. این نامه در تاریخ ۱۹ خرداد ماه و در ایام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری منتشر شد. انتشار عمومی این نامه واکنش‌های متفاوتی را در فضای سیاسی این سال برانگیخت.

پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما همزمان با انتشار این نامه در بیان علت نگارش آن نوشت:

> به دنبال خلاف‌گویی‌ها و تهمت‌های دکتر محمود احمدی‌نژاد درباره‌ی بسیاری از بزرگان کشور از جمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مبارز نستوه انقلاب از سال ۴۲ تا ۵۷، عضو کمیته‌ی حل مشکلات سوخت مردم در زمستان ۵۷ برای مذاکره با اعتصابیون شرکت نفت آبادان، عضو هیأت حل مشکلات کردستان در سال ۵۸، عضو شورای انقلاب، سرپرست وزارت کشور در دولت موقت، رییس مجلس شورای اسلامی از سال ۶۰ تا ۶۸، فرمانده‌ی هشت سال دفاع مقدس، رییس‌جمهوری ایران از سال ۶۸ تا ۷۶، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس مجلس خبرگان رهبری، بسیاری از مردم شریف ایران در سراسر کشور به انحای مختلف خواستار پاسخ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به اتهامات و دفاع از دستاوردهای ارزشمند نظام اسلامی شدند و دفتر ایشان نیز در اولین فرصت از صدا و سیما خواستار وقتی برای پاسخ‌گویی شد، اما صدا و سیما انجام این مهم را به بعد از برگزاری انتخابات موکول کرد که عملاً تأثیری نخواهد داشت.[2]

---

۱. سایت *عصر ایران*، ۳۰ فروردین ۸۸، کد خبر: ۷۰۱۱۲

۲. دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با ارسال نامه‌ای به صدا وسیما خواستار تعیین فرصت در اسرع وقت برای پاسخ‌گویی و شفاف‌سازی گردید. به گزارش سایت تابناک در این نامه آمده بود:
جناب آقای مهندس عزت‌الله ضرغامی

از آنجایی که طی روزهای اخیر موج اعتراض‌های مردمی از اقصی نقاط کشور برای علت عدم پاسخ به این دروغ‌سازی‌ها افزایش یافته و به خاطر این‌که موج‌سواران بیش از این با احساسات پاک و صادقانه‌ی مردم بازی نکنند،

رییس محترم سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی
با سلام و احترام
در پی مناظره‌ی مورخ ۸۸/۳/۱۳ در شبکه‌ی سه سیما میان جناب آقای محمود احمدی‌نژاد و جناب آقای میرحسین موسوی و نسبت دادن دروغ‌ها و تهمت‌های مکرر به شخص آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و فرزندان ایشان و ایجاد شبهه در فضای انتخاباتی توسط آقای احمدی‌نژاد که فرصت دفاع و پاسخ‌گویی نیز وجود نداشت، خواهشمند است دستور فرمایید قبل از اتمام مهلت در اسرع وقت فرصتی مناسب در همان شبکه جهت پاسخ‌گویی و شفاف‌سازی در خصوص موارد کذب ادعا شده فراهم گردد.»
(روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۶ خرداد ۱۳۸۸)
به گزارش خبرگزاری مهر عزت‌الله ضرغامی در پاسخ به سؤالی درباره‌ی امکان استفاده از رسانه‌ی ملی برای افرادی که در این مناظره‌ها به نحوی از آنان نام برده می‌شود، گفت:
«رسانه‌ی ملی موظف به اجرای مصوبات قانونی کمیسیون ماده‌ی ۶۲ بوده و تلاش می‌کند تا اگر در جریان مناظره‌ها نسبت به نامزدهای غایب مطالب انتقادی مطرح شود فرصت مساوی پاسخ‌گویی را برای آنان فراهم کند ولی در سایر موضوعات به حسب رویه‌ی گذشته و نظرات قانونی شورا پس از برگزاری انتخابات تصمیم‌گیری می‌شود. وی افزود: در حال حاضر درخواست‌های فراوانی از سوی افراد حقیقی و حقوقی مربوط به هر دو طرف مناظره‌ی ۱۳ خرداد به رسانه‌ی ملی واصل شده است که با مشورت نهادهای نظارتی نحوه‌ی پاسخ و انعکاس توضیحات آنان بررسی و اقدام خواهد شد.» (همان)
روزنامه‌ی جمهوری اسلامی نیز در تاریخ ۱۸ خرداد در خبری نوشت:
«در پی ادعاهای کذب و تهمت‌های آقای احمدی‌نژاد در مناظره‌ی تلویزیونی با آقای میرحسین موسوی دفتر حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بلافاصله با ارسال نامه‌ای خطاب به آقای مهندس ضرغامی درخواست تعیین وقتی مناسب برای پاسخ‌گویی به این موارد قبل از اتمام زمان تبلیغات ریاست جمهوری کرد که متأسفانه رییس سازمان رسانه‌ی ملی در مصاحبه‌ای رسمی اعلام داشت این درخواست قبل از انتخابات قابل انجام نیست و پس از اتمام انتخابات دهمین دوره‌ی ریاست جمهوری در شورایی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. متعاقب این اعلام موضع رسمی رییس سازمان صدا و سیما دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با صدور بیانیه‌ای ضمن دعوت آحاد مردم به حفظ وحدت و آرامش به ویژه در آستانه‌ی برگزاری انتخابات اعلام کرد که با توجه به نقض صریح قانون اساسی و زیر پا گذاشتن سوگند ریاست جمهوری اسلامی موارد اتهامی از طریق مراجع قانونی و ذی‌صلاح مورد پی‌گرد قرار خواهد گرفت که این بیانیه در اکثر مطبوعات کشور درج شده است. پس از پاسخ منفی رییس سازمان صدا وسیما به درخواست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی متأسفانه در سطح وسیعی پیامک‌هایی که منشأ و مأخذ آن مشکوک و اغراض توزیع کنندگان آن معلوم نیست شایعه کرده است که امشب (۸۸/۳/۱۷) ساعت ۹ شب آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به موارد اتهامی در شبکه‌ی خبر پاسخ خواهد داد. ضمن تکذیب این پیامک بار دیگر یادآوری می‌شود که صدا وسیما با درخواست این دفتر برای پاسخ‌گویی به موارد اتهامی مخالفت کرده و موضوع پیامک‌ها ساختگی و قابل پی‌گرد قانونی خواهد بود.»
(روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۸ خرداد ۸۸)

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تصمیم گرفته‌اند پاسخ به اتهامات رییس‌جمهور را به مقام معظم رهبری و از طریق معظم‌له به مردم شریف ایران بدهند تا حداقل تاریخ انقلاب اسلامی در آینده‌های دور این تجربه‌ی تاریخی را در اختیار نسل‌های متمادی ایران عزیز قرار دهد که نگذارند پدیده‌ی زشت دروغ، افترا و تهمت در این کشور نهادینه شود.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خود در بیان انگیزه‌ی نگارش این نامه، به تخریب‌های صورت گرفته از سوی دکتر احمدی‌نژاد اشاره کرده، این سخنان را برنامه‌ریزی شده نامید. وی در نامه به مقام معظم رهبری در این باره نوشت:

متأسفانه اظهارات عاری از حقیقت و غیرمسئولانه‌ی آقای احمدی‌نژاد در جریان مناظره با مهندس موسوی و مقدمه‌چینی‌های قبل و حوادث بعد از آن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهک‌های ضد انقلاب در سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب و نیز تهمت‌زدن‌ها در انتخابات ۸۴ و انتخابات مجلس ششم ولجن‌پراکنی‌های باند پالیزدار که در دادگاه محکوم شده[2] را به نمایش گذاشت و از آنجا که بخشی از این اظهارات قبلاً در رسانه‌های دولتی و آتش تهیه‌ی آن در سخنرانی مشهد مقدس مطرح شده، ادعای این‌که مطالب او تحت تأثیر فضای مناظره گفته شده و فاقد برنامه‌ریزی قبلی است، پذیرفتنی نیست و گویا برای تحت‌الشعاع قرادادن گزارش‌های مستند و مکرر دیوان محاسبات در خصوص مفقودالاثر بودن یک میلیارد دلار و ارتکاب چند هزار تخلف در اجرای بودجه‌ها می‌باشد و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می‌داند.[3]

وی در بخشی از این نامه سخنان دکتر احمدی‌نژاد را مصداق تخریب افتخارات نظام اسلامی دانسته، می‌نویسد:

ده‌ها میلیون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ‌پردازی‌ها و خلاف‌گویی‌هایی بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی‌مان را نشانه گرفته بود.

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۱۹ خرداد ۸۸

۲. به پاورقی شماره ۲ از صفحه ۶۶ مراجعه کنید.

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸

زیر سؤال بردن تصمیمات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم‌القدر که در نیم قرن گذشته با مجاهدت‌های خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی‌شد.[۱] دوران مشعشعی که خود شما پشت سر امام(ره) در قامت مجاهد پیشتاز، رییس‌جمهور و نهایتاً رهبری نظام نقش و مسئولیت‌های ممتازی به عهده داشته‌اید.

نقطه‌ی قابل توجه در این تهمت‌ها این است که غیرمستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل(ره) و جناب‌عالی که هادی دولت‌ها بوده‌اید و با اظهارات صریح، مدیریت‌ها را مورد تأیید و تحسین قرارداده‌اید[۲]، نشانه گرفته است.[۳]

وی در بخش دیگری از نامه‌ی خود ضمن یادآوری حوادث سال ۱۳۵۹ به تشکیل گروه حقیقت‌یاب توسط حضرت امام خمینی(ره) اشاره کرده، در این رابطه نوشت:

بعد از جریان شوم ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹ با ارشاد امام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب‌عالی و اینجانب که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و به خصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سم‌پاشی‌ها اقدامات مؤثری انجام دهیم و امام راحل درد آشنا با تشکیل گروه حقیقت‌یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه‌گران و در نهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضد انقلاب طراحی کرده بودند.

---

۱. متن اظهارات دکتر احمدی‌نژاد را در صفحات ۴۹ تا ۵۴ و صفحه ۶۸ از همین کتاب بخوانید.

۲. مقام معظم رهبری علاوه بر آن‌که در طول هشت سال ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی همواره از او و دولت سازندگی دفاع می‌کرد، در تاریخ دوم خرداد ۱۳۷۶ نیز در پای صندوق رأی در مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما صریحاً اعلام کرد: «من قبلاً هم گفته‌ام: هرکس که امروز، ان‌شاءالله رأی بیاورد و نامش از این صندوق‌ها بیرون بیاید، من با او همان‌طور رفتار خواهم کرد که در هشت سال گذشته با آقای رئیس جمهور، جناب آقای هاشمی رفسنجانی رفتار کرده‌ام. البته خوب؛ برای شخص من، هیچ‌کس آقای هاشمی رفسنجانی نخواهد شد؛ اما امیدواریم برای ملت بشود و بتواند برای کشور همان‌طور شخصیتی باشد و همان‌طور تلاشی بکند و بلکه بیشتر و بهتر؛ چون باب رحمت الهی واسع است.» (*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲ خرداد ۱۳۷۶)

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸

البته اینجانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی‌صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد.[۱]

---

۱. همان

پس از شدت گرفتن اعتراض برخی اشخاص و جریان‌های خاص به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به واسطه‌ی نگارش و انتشار نامه‌ی وی به مقام معظم رهبری، پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اقدام به انتشار دو نامه کرد. این دو نامه عبارت بود از نامه‌ی مشترک حضرات آیات خامنه‌ای، بهشتی، باهنر، موسوی اردبیلی و هاشمی رفسنجانی به امام خمینی(ره) که در تاریخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۸ در انتقاد از عملکرد بنی‌صدر نگاشته شده بود و نیز نامه‌ی هاشمی به امام خمینی(ره) که در تاریخ ۲۵ اسفند ماه ۱۳۵۹ نگاشته شده بود.

هاشمی که در سال ۱۳۵۸ مأمور دادن نامه‌ی خود و ۴ تن دیگر از یاران امام راحل(ره) به ایشان بود، به دلیل کسالت امام، از دادن نامه‌ی مذکور صرف‌نظر می‌کند و در سال ۱۳۵۹ نامه‌ی مذکور را به همراه نامه‌ای جدید به امام تقدیم می‌کند. متن نامه‌ی اول بدین شرح است:

«بسم لله الرحمن الرحیم

محضر مقدس رهبر و استاد عظیم‌الشأن امام خمینی دام‌ظله

چه خوب بود ضرورتی برای نوشتن این مطالب در این شرایط نبود، اما مع‌الاسف پس از بحث و بررسی، تذکر ندادن را گناه تشخیص دادیم و تذکر دادن را وظیفه و لذا برخلاف میل و احساس و به حکم عقل و مسئولیت موارد زیر را به اختصار به نظر شریف می‌رسانیم:

۱) با تحلیل منطقی و تجربه می‌دانستیم و می‌دانیم پذیرفتن مسئولیت‌های بزرگ (مخصوصاً اجرایی) در چنین شرایطی خواهی نخواهی سقوط اعتبار انسان را به همراه دارد و در مقابل انزوا گزیدن و گاهی انتقاد و اظهار نظر کردن آسایش و اعتبار می‌آورد و انسان را خالی از هوا و دلسوز جلوه می‌دهد.

۲) به امر شما و با تشخیص و احساس وظیفه پیش از ورود شما به ایران و پس از تشریف‌فرمایی‌تان، خطیرترین مسئولیت‌ها را پذیرفتیم و با اتکا به اعتماد عمیقی که از جانب شما احساس می‌کردیم تا امروز با پشتکار و تصمیم خلل‌ناپذیر ادامه دادیم و هنوز هم به همان امر و تکلیف و اعتماد تکیه داریم. پیش از پیروزی و بعد از آن و امروز معتقد بودیم و هستیم که نظام اسلامی در ایران بدون پشتوانه‌ای از تشکیلات مذهبی - سیاسی تضمین دوام ندارد و به همین جهت با مشورت با جنابعالی و جلب موافقت و گرفتن وعده‌ی حمایت غیرمستقیم از شما با همه‌ی گرفتاری‌ها از همان روزهای اول پیروزی، مسئولیت تأسیس «حزب جمهوری اسلامی» را به عهده گرفتیم و در ماه‌های اول موفقیت‌های چشم‌گیری به دست آوردیم.

۴) دشمنان و مخالفان به عمق و عظمت اقدام پی‌بردند و برای تضعیف حزب و رهبران حزب دست به کار شدند. غرب و شرق در خارج و راستی‌ها و چپی‌ها و بعضی از خودمانی‌ها در داخل عملاً در این خصوص هماهنگ گردیدند؛ کار را با ترور اشخاص و شخصیت‌ها شروع کردند و هنوز هم کشتن‌ها و پخش شایعات و رواج دادن اتهامات ادامه دارد.

۵) تبلیغات گمراه کننده‌ی آنها موقعی کارگر شد که بعضی از نزدیکان و منتسبان به بیت جنابعالی با آنان همصدا شدند. گرچه تأییدات گاه و بی‌گاه شما و روابط رسمی ما با حضرت عالی از اثر این اقدامات می‌کاست و در مقابل سکوت ما به خاطر مراعات مصلحت انقلاب و نداشتن فرصت بررسی و دفاع هم از عوامل جرأت و پیشرفت آنان بوده و هست.

۶) موفقیت «حزب جمهوری اسلامی» در انتخابات مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی که امید غیر

مذهبی‌ها را به کلی از بین برد از عوامل تشدید مبارزات مخالفان ما است.

۷) حذف «حزب جمهوری اسلامی» از جریانات انتخابات ریاست جمهوری که با مقدمات حساب شده‌ای پیش آمد مخالفان را جری و امیدوار کرد و تلاش‌ها را مضاعف کردند. خیلی بعید است که انتشار نامه‌ی آقای میرزا علی‌آقا تهرانی که در آن ما را متهم به قدرت طلبی از طرق نامشروع و خیانت و به طور مبهم همکاری با آمریکا و امیرانتظام می‌کرد و در ظرف یک هفته در سراسر کشور، حتی در روستاها و خارج کشور پخش گردید بی‌ارتباط با جریانات قبل و بعد و همراه حذف حزب از انتخابات شد.

۸) چند روزی که کسالت جنابعالی اعلام نشده بود نامه‌ها و تلگراف‌هایی از طرف افراد و گروه‌ها در جراید خطاب به شما منتشر شد که از شما تقاضا داشتند، نظرتان را نسبت به اظهارات آقای تهرانی بیان فرمایید و شما بی‌خبر از تقاضای مردم بودید و مردم بی‌اطلاع از بیماری شما و سکوت شما را دلیل بر رضایت می‌گرفتند و تبلیغ می‌کردند. و ما نه می‌توانستیم خبر بیماری جنابعالی را به مردم بدهیم و نه روا می‌دانستیم که به طرف مقابل مثل ایشان حمله کنیم و حتی همان مختصر جوابمان به اندازه‌ی انکار تهمت بر روحمان سنگینی می‌کرد، زیرا دشمنان می‌خندیدند و تحریک می‌کردند و مردم خون دل می‌خوردند و مأیوس می‌شدند.

۹) پخش شایعاتی حاکی از خشم امام نسبت به حزب جمهوری اسلامی و به ما در چنین شرایطی اوج گرفت و هیچ چیز نبود که بتواند کذب شایعات را ثابت کند و بلکه اظهارات برادر و نوه و داماد و افرادی دیگر از نزدیکان شما محیط را برای پذیرش شایعات آماده‌تر کرد.

۱۰) در تمام مدت غیبت صغرای شما حتی یک خبر از رسانه‌های جمعی پخش نشد که نشان ارتباط و علاقه‌ی شما به ما باشد و حتی از ذکر نام ما پنج نفر در خبر آمدن شورای انقلاب به قم برای انتقال شما به تهران که مسئولیت آن را به عهده گرفته بودیم جلوگیری شد. و در مقابل به کرات اخبار و صحنه‌هایی حاکی از ارتباط رقبای حزب [جمهوری اسلامی] با شما پخش گردید. حتی در چنین شرایطی که مردم به خاطر بیماری شما سخت تأثیرپذیر بودند شایعه‌سازان ما را از عوامل کسالت شما معرفی می‌کردند و ما غیر از سکوت اقدامی نداشتیم.

۱۱) دستور جنابعالی در خصوص حمایت از رئیس جمهور منتخب که کاملاً بجا و لازم بود و ما خود بدان معتقد و پایبندیم مورد سوء استفاده در جهت پیشبرد اهداف خاصی قرار گرفت و می‌گیرد و ما در شرایطی نبوده و نیستیم که بتوانیم جلو سوء استفاده را بگیریم، زیرا هرگونه اظهار و عمل مستقلی برای جلوگیری از انحراف به عنوان کارشکنی و تخلف از دستور امام و قدرت طلبی معرفی می‌شود و متأسفانه این خطر به طور جدی وجود دارد که انتخابات مجلس شورای ملی تحت تأثیر همین جو ناسالم منجر به انتخاب شدن افرادی که تسلیم رئیس جمهورند بشود و از داشتن مجلسی مستقل و حافظ اسلام در مقابل انحراف احتمالی مجریان محروم گردیم.

۱۲) طرح «کنگره‌ی وحدت» برای انتخابات که تبلیغات یک‌جانبه‌ی آن را مصداقی برای اجرای دستور امام در مورد همکاری با رئیس جمهور ادعا می‌کند، و حمایت بی‌پرده و صریح برادر و بعضی منسوبان بیت شما از آن، این ادعا را تقویت می‌نماید، وسیله‌ای برای به مجلس رفتن افرادی خواهد شد که به عاقبت آن خوشبین نمی‌توان بود و مخصوصاً با توجه به این‌که رییس جمهور بارها گفته است که اگر مجلس با من هماهنگ نباشد ایران منفجر خواهد شد و یا من کنار می‌روم، که می‌خواهند مجلس تابع ایشان باشد و نه ایشان تابع مجلس.

۱۳) در شرایطی این‌چنین که هرگونه تلاش ما برای جلوگیری از انحراف در محتوای اسلامی انقلاب اتهام قدرت طلبی به همراه دارد (چیزی که با همه‌ی وجود از آن تنفر داریم) چگونه می‌توان انتظار داشت که ما در جهت حفظ راه انقلاب نقش خودمان را ایفا نماییم.

۱۴) از این‌که تحت تأثیر عوامل خارج از اراده و خواست خود مسئولیت کمتری به عهده داشته باشیم ممکن است ناخرسند نباشیم، ولی از این که انقلاب اسلامی به این آسانی و سادگی برخی از وسایل (هر چند ناچیز) تضمین محتوای اسلامی خود را از دست بدهد نمی‌توانیم نگران و ناراحت نشویم.
۱۵) ای کاش افرادی که اثر قابل توجه در برانگیختن این جریانات داشته و دارند بتوانند مسئولیت عظیمی را که تا به امروز بر دوش ما بوده به عهده بگیرند و یا لااقل ما مطمئن شویم که خود جنابعالی به صلاحیت آنان ایمان دارید و به عواقب آن خوشبین هستند که تشخیص و درک شما که صحت آن را آزموده‌ایم می‌تواند برای ما مایه‌ی آرامش باشد.
۱۶) خلاصه: علایم تکرار تاریخ مشروطه به چشم می‌خورد. متجددهای شرق‌زده و غرب‌زده علی‌رغم تضادهای خودشان با هم در بیرون راندن اسلام از انقلاب همدست شده‌اند. (نمونه جلسه‌ای که از مذهبی‌های چپ‌گرا و محافظه‌کاران غرب‌گرا یا ملی‌گرا برای همکاری در مقابله با حزب جمهوری اسلامی در انتخابات اخیر تشکیل شده بود.) احتمال این که روال موجود مانع تشکیل مجلس شورای اسلامی احتمالی گردد که جنابعالی بدان دل بسته‌اید و امیدوارید بتواند نارسایی‌ها و کمبودهای رییس جمهور را جبران کند قابل توجه و تکلیف‌آور است.
ما به امید این‌که رهبری‌های پیامبرگونه‌ی آن امام عزیز و عظیم بتواند نگرانی‌های ما را از آینده مرتفع کند، در این موقع ـ که اگر خیلی سرنوشت‌ساز نبود مزاحمتان نمی‌شدیم ـ بخشی از گفتنی‌ها را به عرضتان رساندیم و بقیه را به زمانی موکول می‌کنیم که جنابعالی آماده شنیدن باشید. والسلام‌علیکم و رحمة‌الله و برکاته
محمد حسینی بهشتی، عبدالکریم‌موسوی(اردبیلی)، سیدعلی خامنه‌ای، محمدجواد باهنر، اکبر هاشمی ـ ۵۸/۱۱/۲۸
متن نامه‌ی دوم که توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نگاشته و امضا شده بود نیز بدین شرح است:
«بسم الله الرحمن الرحیم
امام و رهبر و مرجع تقلید عزیز و معظم
به نظر می‌رسد در ملاقات‌های معمولی، به خاطر کارهای زیاد و خستگی جنابعالی، فرصت کافی برای طرح و بحث مطالبی اساسی که داریم به دست نمی‌آید، ناچار چیزهایی که تذکرش را وظیفه تشخیص می‌دهم تحت عنوان: «النصیحة لائمة المؤمنین» در این نامه بنویسم؛ خواهش می‌کنم توجه فرمایید و در ملاقات بعدی جواب لطف کنید:
۱) یکسال پیش پس از انتخابات ریاست جمهوری نامه‌ای به خدمتتان نوشتیم که نسخه‌ای از آن ضمیمه‌ی این نامه است. شما در بیمارستان قلب بستری بودید و ملاحظه‌ی حال شما مانع تقدیم نامه گردید، خواهش دارم، اول نامه را ملاحظه نمایید و سپس این یکی را.
۲) احساس می‌کنم که روابط و ملاقات‌های ما با جنابعالی، صورت تشریفاتی به خود می‌گیرد و محدودیت‌هایی در طرح و بحث مطالب ـ من جمله خوف از این‌که جنابعالی موضع‌گیری سیاسی و رقابت تلقی کنید ـ به وجود آمده و من خائفم که این حالت خسارت‌بار باشد.
۳) تبلیغات متمرکز مخالفان ـ که از مقام رسمی و تریبون‌های رسمی در رُل مخالف و اقلیت سخن می‌گویند ـ و نصایح کلی و عام جنابعالی و سکوت و ملاحظات ما که علل موضع‌گیری‌ها را روشن نکرده‌ایم، وضعی به وجود آورده که خیلی‌ها خیال می‌کنند ما و طرف ما بر سر قدرت اختلاف داریم و دو طرف را متساویاً مقصر یا قاصر یا ... می‌دانند. ما برای حفظ آرامش نمی‌توانیم مطالب واقعی خودمان را بگوییم و جنابعالی هم صلاح ندانسته‌اید که مردم را از ابهام و تحیر درآورید.
خود شما می‌دانید که موضع نسبتاً سخت مکتبی امروز ما، دنباله‌ی نظرات قاطع شما از اول انقلاب تا به امروز است، بعد از پیروزی معمولاً ما مسامحه‌هایی در این‌گونه موارد داشتیم و جنابعالی مخالف بودید،

اما نظرات شما را با تعدیل‌هایی اجرا می‌کردیم؛ شما اجازه‌ی ورود افراد تارک‌الصلوة یا متظاهر به فسق را در کارهای مهم نمی‌دادید، شما روزنامه‌ی آیندگان و... تحریم می‌کردید، شما از حضور زنان بی‌حجاب در ادارات مانع بودید، شما از وجود موسیقی و زن بی‌حجاب در رادیو تلویزیون جلوگیری می‌کردید؟ همین‌ها موارد اختلاف ما با آنها است. آیا رواست که به خاطر اجرای نظرات جنابعالی ما درگیر باشیم و متهم و جنابعالی در مقابل اینها موضع بی‌طرف بگیرید؟ آیا بی‌خط بودن و آسایش‌طلبی را می‌پسندید؟ البته اگر مصلحت می‌دانید که مقام رهبری در همین موضع باشد و سربازان خیر و شر جریانات را تحمل کنند، ما از جان و دل حاضر به پذیرش این مصلحت هستیم، ولی لااقل به خود ما بگویید. آیا رواست که همه‌ی گروه دوستان ما به اضافه اکثریت مدرسین و فضلاء قم و ائمه‌ی جمعه و جماعات و... در یک طرف اختلاف و شخص آقای بنی صدر در یک طرف و جنابعالی موضع ناصح بی‌طرف داشته باشید؟ مردم چه فکر خواهند کرد؟ و بعداً تاریخ چگونه قضاوت می‌کند؟

۴) ما جایز نمی‌دانیم که میدان را برای حریف خالی بگذاریم و مثل بعضی از همراهان سابق، قیافه‌ی بی‌طرف بگیریم و به اصطلاح جنت مکان و بی‌آزار و زاهد جلوه کنیم، به خاطر حفاظت از خط اسلامی انقلاب در صحنه می‌مانیم و از مشکلات، مخالفت‌ها و تهمت‌ها نمی‌هراسیم و به صلاحیت رهبری جنابعالی ایمان داریم، ولی تحمل ابهام در نظر رهبر برایمان مشکل است. مگر این‌که بفرمایید، همین ابهام صلاح است. احتمال این‌که این ابهام در رابطه با خطوط سیاسی و فکری جاری و خطی که در ارتش تعقیب می‌شود، آثار نامطلوبی در تاریخ انقلابمان بگذارد، وادارم کرد به عنوان وظیفه روی این مطالب، صراحت و تأکید داشته باشم و امیدوارم مثل همیشه این جسارت را ببخشید.

۵) قبل از انتخابات ریاست جمهوری، به شما عرض کردیم که بینش آقای بنی‌صدر مخالف بینش اسلام فقاهتی است که ما برای اجرای آن تلاش می‌کنیم و اکنون هم بر همان نظر هستیم و شما فرمودید ریاست جمهوری مقام سیاسی است و کاری دستش نیست؛ امروز ملاحظه می‌فرمایید که چگونه در کار کابینه و... می‌تواند کارشکنی کند و چگونه با استفاده از مقام، مجلس و دولت و نهادهای انقلابی را تضعیف می‌کنند و ما فقط می‌توانیم دفاع کنیم؛ چون تضعیف متقابل را با گفتن نواقص رییس جمهور صلاح نمی‌دانیم و همان دفاع هم مشاجره تلقی می‌شود و بحق مورد مخالفت جنابعالی قرار می‌گیرد و آتش‌بس می‌دهید و خودتان هم دفاع لازم را نمی‌فرمایید که: اختلاف دو بینش است که یک طرف مصداق اسلامش غضنفرپور و سلامتیان و سعید سنجابی و طرف دیگر رجائی و گنابادی و منافی و موسوی و... می‌باشند.

۶) در خصوص جنگ و فرماندهی ارتش، مطالب و احتمالات زیادی داریم. فرماندهی به خاطر ناهماهنگی و وحشت از نیروهای خالص اسلامی، مایل است نیروهای غیر اسلامی را در ارتش حاکم کند ـ که منافع مشترک پیدا کرده‌اند ـ و نیروهای خالص دینی را یا منزوی و یا منفصل نماید. خلبان شیرودی که سمبل ایمان و شجاعت و تلاش است، در پادگان ابوذر به من می‌گفت که امروز ایمان می‌جنگد نه تخصص و می‌خواهند دست مؤمنان را کوتاه کنند، ایشان همراه و همرزم خلبان شهید کشوری و خلبان شهید آشوری است. وحشت داشت و به من گفت پیامش را به شما بگویم و ضبط هم شده؛ احتمال این‌که مدیران جنگ به علل سیاسی طالب طولانی شدن جنگ باشند، وجود دارد و این احتمال تکلیف‌آور است. احتمالاً آقای بنی‌صدر به منظور تضعیف دولت و شاید ـ بعضی‌ها هم باشند ـ برای اجرای منویات آمریکا و... مخصوصاً کمبود مهمات و اسلحه قابل توجه است. در این مورد لازم است، جنابعالی سریعاً فکری بفرمایید و بهتر است در یک جلسه‌ی طولانی و محرمانه با دوستان مورد اعتماد ارتشی نظیر صیاد شیرازی، نامجو، سلیمی، شیرودی و... با حضور ماها در خدمتتان بحث و تصمیم‌گیری شود.

۷) ما «حزب جمهوری اسلامی» را با مشورت با شخص جنابعالی و گرفتن قول مساعدت و تأیید غیر

وی همچنین به تلاش خود برای اصلاح سخنان رییس جمهور به روشی غیر از نگارش نامه به رهبر معظم انقلاب و بی‌نتیجه بودن این تلاش اشاره کرد و نوشت:

اینجانب برای پرهیز از آلوده‌شدن فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات به تشنجات بیشتر، از عکس‌العمل فوری که مورد انتظار ملت است، خودداری کردم.

در مراسم بزرگداشت سالگرد امام(ره) به آقای احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف‌گویی‌های فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبا و اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام، از جمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیرسؤال بردن اقدامات امام راحل(ره) را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهام‌های نادرست را پس بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده‌هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرار گرفته‌اند، نباشد.

مستقیم ـ من شخصاً در مدرسه‌ی علوی با شما در این باره مذاکره کردم ـ تأسیس کردیم و با توجه به این‌که قانون اساسی، تعدد احزاب را پذیرفته فکر می‌کنیم یک حزب اسلامی قوی برای تداوم انقلاب و حکومت اسلامی ضرورت دارد و جنابعالی هم روزهای اول در تهران و قم مکرراً تأیید فرمودید ـ ممکن است فعلاً فراموش کرده باشید ـ و اکنون اعتبار حزب از نفوذ شما تغذیه می‌شود ـ غیر مستقیم ـ ولی رنگ حمایت از روزهای اول کمتر شده. میل داریم لااقل در جلسات خصوصی نظر صریحی بفرمایید. اگر مایلید ما حزب را کنار بگذاریم، ما را قانع کنید و اگر لازم می‌دانید که حزب بماند باید جور دیگری عمل بشود و اگر همین‌گونه که عمل می‌فرمایید، مصلحت است ما را قانع کنید تا ما هم دوستان حزبی را قانع کنیم.

۸) اینجانب که جنابعالی را مثل جانم دوست دارم و روی زمین کسی را صالح‌تراز شما سراغ ندارم، گاهی به ذهنم خطور می‌کند که تبلیغات و ادعاهای دیگران شما را تحت تأثیر قرار داده و قاطعیت و صراحت لازم را ـ که از ویژگی‌های شما در هدایت انقلاب بوده ـ در موارد فوق‌الذکر ضعیف‌تر از گذشته نشان می‌دهید، بسیاری از مردم هم متحیرند که چرا امام قاطع و صریح در این مسائل سرنوشت‌ساز صراحت ندارد. خدای نخواسته اگر روزی شما نباشید و این تحیّر بماند، چه خواهد شد؟ واقعاً و حقاً ما انتظار داریم در مقام رهبری و مرجع تقلید اگر تعدیلی در شیوه‌ی حرکت ما لازم می‌دانید صراحتاً امر بفرمایید که مطیعیم؛ ما انتظار نداریم که نصایح ذووجوهی از رسانه‌های جمعی بشنویم، احضار کنید و امر بفرمائید.

۹) آخرین مطلب ـ که در ترتیب مطالب جایش اینجای نامه نیست ـ این‌که ما پس از پیروزی آقای بنی‌صدر برای این‌که ایشان خیالش از جانب ما راحت باشد، ایشان را به ریاست شورای انقلاب برگزیدیم و به جنابعالی پیشنهاد نیابت فرماندهی کل قوای ایشان را دادیم که سریعاً تصمیم بگیرند و کار کنند، اما ایشان به اینها هم قانع نشد و مرتباً کمبودها را متوجه ما می‌کرد و می‌گفت: «من می‌خواهم کار کنم ولی نمی‌گذارند»، در مرکز قدرت بود و دیگران را مقصر معرفی می‌کرد و امروز هم می‌بینید نقش اقلیت مخالف را. پس چه باید کرد؟ با سپاس و معذرت / اکبر هاشمی ـ ۱۳۵۹/۱۱/۲۵

(پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی)

از صدا و سیما هم خواسته شد که فرصتی در اختیار طرف‌های ذی‌حق براساس مقررات سازمان قرار دهد که از خود دفاع نمایند. گرچه در گذشته به بخشی از این اتهامات پاسخ داده شده و رییس قوه‌ی قضاییه‌ی وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری اینجانب، در عمل به اصل ۱۴۲ قانون اساسی رسماً اعلام پاکی و منزّه بودن خانواده‌ی رییس‌جمهور و حتی کم‌شدن دارایی‌ها در دوران مسئولیت را نمودند[۱]، ولی تکرار اتهام، تکرار جواب را می‌طلبد.

مع‌الاسف، این دو پیشنهاد خیرخواهانه عملاً پذیرفته نشده و رهبر معظم هم صلاح را در سکوت‌شان دیدند[۲] و بی‌شک جامعه و به‌خصوص نسل جوان نیازمند اطلاع از حقیقت است. حقیقتی که با اعتبار نظام و همدلی ملت ارتباط جدّی دارد و اگر محدود به حق چند نفر بود، اقدام به نوشتن چنین نامه‌ای نمی‌کردم.[۳]

وی در بخش دیگری از این نامه پس از یادآوری صبر و تحمل همیشگی خود در برابر تخریب‌ها، به تفاوت تهمت‌های اخیر با موارد قبل اشاره کرد:

معتقدم جناب‌عالی به خوبی می‌دانید که اینجانب و بسیاری از بزرگان تأثیرگذار

---

۱. آیت‌الله محمد یزدی پس از انتشار نامه‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ضمن تأیید استناد مذکور به انتقاد از آقای هاشمی پرداخت. وی در قسمتی از سخنان خود، در پاسخ به سئوال خبرگزاری فارس که درباره‌ی صحت و سقم این جمله‌ی هاشمی رفسنجانی که خطاب به رهبری نوشته بود: «رئیس قوه قضاییه وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری اینجانب، رسما اعلام پاکی و منزه بودن خانواده‌ی رئیس جمهور و حتی کم شدن دارایی‌ها در دوران مسئولیت را نمودند» گفت: «این سئوال در جاهای دیگر هم از من سئوال شده که این جمله که آقای هاشمی در نامه‌ی سرگشاده خطاب به مقام معظم رهبری نوشته‌اند که فلانی یعنی من به عنوان رییس قوه‌ی قضائیه گفته است که مثلاً درباره‌ی اموال ایشان بحثی نبوده است، مربوط به ۱۰ سال قبل است.» وی اضافه کرد: «از ده سال به این طرف، من دیگر در دستگاه قضایی نبودم. این انتساب برای ۱۰ سال پیش است. در زندگی هم می‌دانیم و تاریخ نشان می‌دهد خیلی حوادث مختلف پیش می‌آید. بنابراین باید مشخص شود که این جمله مال الآن نیست و نباید الآن مورد استناد قرار گیرد!» (سایت خبری، تحلیلی *فردا*، ۲۰ خرداد ۸۸ کدخبر: ۸۴۶۹۴)

۲. پس از انتشار نامه‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری نیز دفتر مقام معظم رهبری در واکنش به انتشار شایعاتی در برخی رسانه‌ها درباره‌ی پاسخ مقام معظم رهبری به این نامه اعلام کرد: «در پی شایعات مطرح شده در خصوص پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه‌ی حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، یک مقام آگاه در دفتر مقام معظم رهبری ضمن تکذیب این شایعه اعلام داشت: هیچ‌گونه پاسخ شفاهی یا کتبی به این نامه از سوی معظم‌له داده نشده است.»
(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۱ خرداد ۸۸)

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸

انقلاب و حتی خود جناب‌عالی از دوران مبارزه و سال‌های اول انقلاب و در تعدادی از مقاطع، مورد تهاجم افراد لاابالی و ضد انقلاب بوده‌ایم و همیشه صبورانه تهمت‌ها و اهانت‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم و در دور جدید تهمت‌ها و هجمه‌ها هم از حدود پنج سال پیش تاکنون دندان روی جگر دارم و بخاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور اندوه خویش را مکتوم می‌دارم و از این جهت هم مورد گلایه‌ی بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می‌گیرم و مهم این است که این‌بار این تهمت‌ها توسط رییس جمهور و در رسانه‌ی ملی مطرح شده است. البته در موقع مناسب انحرافات و حق‌کشی‌های ناگفته‌ی انتخابات و اعمال دولت نهم در اختیار مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت.

وی همچنین ضمن اشاره به اهمیت برخورد با این تهمت‌ها، نوشت:

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل تهمت‌ها، دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف‌های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدسش خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق‌شکن علی‌رغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

وی البته در بخش دیگری از این نامه، از مقام معظم رهبری درخواست کرد تا با توجه به مقام، مسئولیت و شخصیتشان «هرگونه صلاح می‌دانند»، در جهت رفع «فتنه‌های خطرناک» و خاموش کردن «آتشی که هم اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است»، «اقدام مؤثری» انجام دهند.[۱]

انتشار این نامه باعث شد تا مخالفان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با طرح موضوعاتی چون «نگارش نامه‌ی بدون سلام به رهبری» این نامه را «توهین‌آمیز»[۲] و به واسطه‌ی

---

۱. همان.
متن کامل نامه‌ی آیت الله هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری را می‌توانید در ضمیمه‌ی شماره یک از همین کتاب بخوانید.
۲. سایت آینده در مقاله‌ای به قلم «سید ح. حسینی» عدم به کارگیری «سلام» در ابتدای نامه به مقام

«پیش‌بینی وقوع فتنه‌های خطرناک» آن را «تهدیدآمیز» بنامند. مقام معظم رهبری اما یک هفته پس از انتخابات ریاست جمهوری در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران به تجلیل از شخصیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و نکوهش اتهاماتی که از سوی دکتر احمدی‌نژاد به ایشان و برخی شخصیت‌های دیگر نظام وارد آمد، پرداخت.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ ۲۱ بهمن ماه در ضمن مصاحبه‌ای با پایگاه

ولایت‌فقیه را امری مسبوق به سابقه دانست و نوشت: در کتاب صحیفه‌ی نور بیش از ۳۰ نامه‌ی بدون سلام توسط افراد مختلف، از جمله حضرات آیات مهدوی کنی (۱ نامه)، خامنه‌ای (۴ نامه)، هاشمی (حداقل ۲ نامه) و... به حضرت امامؒ ثبت شده است. در میان این نامه‌ها به صورت خاص از نامه‌ی مشترک رهبر معظم انقلاب و آقای هاشمی به امام خمینیؒ درباره‌ی انحلال حزب جمهوری اسلامی (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۷۵) می‌توان یاد کرد.

۱. مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۹ خرداد ماه در بخشی از سخنان خود در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران فرمودند: «...کارنامه‌ی درخشان سی ساله‌ی انقلاب کمرنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیتهای این نظامند؛ اینهاکسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نمازجمعه هیچوقت رسمم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هر کس هر ادعایی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمی‌شود اینها را رسانه‌ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمی‌شود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی اینجور حرف‌ها مطرح می‌شود، تلقی‌های نادرست در جامعه به وجود می‌آید، جوان‌ها چیز دیگری خیال می‌کنند، چیز دیگری می‌فهمند. آقای هاشمی را همه می‌شناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسئولیت‌های بعد از انقلاب نیست؛ من از سال ۱۳۳۶ ـ یعنی ۵۲ سال قبل ـ ایشان را از نزدیک می‌شناسم. آقای هاشمی از اصلی‌ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پیگیر قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز. این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب می‌کرد و به مبارزین می‌داد. اینها را جوان‌ها خوب است بدانند. بعد از انقلاب ایشان مسئولیت‌های زیادی داشت: هشت سال رییس جمهور بود؛ قبلش رییس مجلس بود؛ بعد مسئولیت‌های دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوخته‌ای درست کرده باشد. اینها یک حقایقی است؛ اینها را باید دانست. در حساس‌ترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده. من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف‌نظر داریم، که طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رییس جمهور از همان انتخاب سال ۸۴ تا امروز اختلاف‌نظر بود، الآن هم هست؛ هم در زمینه‌ی مسائل خارجی اختلاف‌نظر دارند، هم در زمینه‌ی نحوه‌ی اجرای عدالت اجتماعی اختلاف‌نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف‌نظر دارند؛ و نظر آقای رییس جمهور به نظر بنده نزدیک‌تر است. در مورد آقای ناطق نوری هم همین جور. آقای ناطق نوری هم از شخصیت‌های خدوم انقلاب است؛ ایشان هم خدمات زیادی کرده و در دلبستگی ایشان به این نظام و انقلاب هیچ شکی نیست.» (*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۹خرداد۸۸)

اطلاع‌رسانی خود درباره‌ی نظر مقام معظم رهبری نسبت به نامه‌ی مورد بحث گفت:

درباره‌ی نامه‌ای که در آستانه‌ی انتخابات خدمت ایشان فرستادم، خود آیت‌الله خامنه‌ای به من گفتند: «درباره‌ی محتوای سراسر نامه ملاحظه‌ای ندارم و فقط زمان انتشار آن‌را اگر بعد از انتخابات بود، مناسب می‌دانستم.» ولی می‌بینید که دوستان و دشمنان چه تحلیل‌هایی نوشته‌اند.[1]

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ گاهنامه‌ی الکترونیکی هاشمی رفسنجانی در آیینه‌ی تاریخ مبارزه، ۲۱ بهمن ۸۸

ماهنامه‌ی مدیریت ارتباطات نیز در خرداد ماه ۱۳۸۹ مصاحبه‌ای با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی منتشر کرد. وی در این مصاحبه زوایای دیگری از این نامه را بیان نمود. وی در پاسخ به این پرسش که «انگیزه‌ی شما از نگارش آن نامه‌ی سرگشاده به مقام معظم رهبری چه بود؟ چه چیزی شما را مجبور به انتشار آن نامه کرده بود؟» گفت:

«دیدم کار بسیار زشتی انجام شد. همه می‌دانستند که نسبت به دیگر نامزدها بی‌طرف هستم. کاری نداشتم که مردم به چه کسی رأی می‌دهند ولی همه می‌دانستند که روحیه‌ی کاری من با این شیوه‌ی اداره‌ی جامعه سازگار نیست. متأسفانه در مناظره، آقای احمدی‌نژاد حرف‌هایی را زده بود که غیرواقعی بود. تأسف بیشتر از این بود که همان حرف‌ها را پایه‌ی تبلیغات خویش قرار دادند و در اجتماعات از آنها سوء استفاده می‌کردند. انتظار من و همه‌ی دلسوزان واقعی نظام این بود که رهبری عکس‌العمل نشان دهند. چون من تنها نبودم. در آن مناظره شما نوعی ستیز با روحانیت را مشاهده کردید که به بهانه‌ی مخالفت با من، آقای خاتمی، آقای ناطق نوری و آقای کروبی که رؤسای جمهوری و رؤسای مجلس بودیم، همه‌ی دستاوردهای انقلاب را حراج گذاشت و این‌گونه القا کرد که روحانیت در اداره‌ی جامعه کارایی ندارد. در سالگرد رحلت امام در مرقد به ایشان گفتم حرف‌های ناقص گفته‌اند. ترجیح می‌دهم خودشان اصلا ح کنند وگرنه ناچارم توضیح بدهم. چند روز هم صبر کردم و جوابی ندیدم. پس از آن نامه‌ای تهیه کردم. چون می‌بایست جواب آن حرف‌ها داده می‌شد. می‌گویند چرا قبل از انتخابات نامه را دادم. این سؤال دیگر سفسطه است چون مگر ایشان هدفی غیر از انتخابات در طرح آن مباحث خلاف واقع داشت؟ نامه را تهیه کردم و در آخرین فرصت قبل از انتخابات که عصر سه‌شنبه بود، برای رهبری فرستادم. چون اگر سه‌شنبه می‌دادم، روزنامه‌ها چهارشنبه می‌نوشتند واگر چهارشنبه می‌دادم، پنجشنبه کسی حق نداشت بنویسد. چون فرصت تبلیغات تمام می‌شد. می‌خواستم جواب آن حرف‌ها را بدهم. در کنار آن کارها در رفت و آمد و اخبار موثق، شور و اشتیاق مردم را می‌دیدم، از برنامه‌های محافل مجریان انتخابات هم خبر داشتم. به هر حال در همان فرصت باقی‌مانده برای رهبری معظم فرستادم و متأسفانه در آن فاصله‌ی دو ساعته باقی‌مانده، نامه به ایشان نرسیده بود، چون جوابی به من نرسیده بود. در آخرین لحظاتی که می‌خواستم خدمت ایشان بروم، منتشر کردم. وقتی رفتم، ایشان گفتند: داشتم نامه‌ی شما را از روی کامپیوتر می‌خواندم. یعنی پس از این‌که پخش شده بود هم هنوز متن اصلی را ندیده بودند. پرسیدم از نظر شما چگونه بود؟ گفتند: از لحاظ محتوا هیچ ملاحظه‌ای ندارم و فقط یک نکته دارم که آقای احمدی‌نژاد شخص شما را به فساد متهم نکرد و درباره‌ی بچه‌های شما گفت. گفتم: فضا به گونه‌ای بود که اگرچه از من اسم نبرد، اما همه چیز متوجه من شد. ایشان گفتند واقعاً هیچ ملاحظه‌ای روی نامه ندارم ولی اگر جای شما بودم بعد از انتخابات منتشر می‌کردم. گفتم: خواست خدا بود که شما تا قبل از انتشار نبینید چون اگر می‌خواندید و به من می‌گفتید، منتشر نمی‌کردم و این مناسب نبود. چون اگر بعد از انتخابات منتشر کنم دو حالت دارد: اگر آقای احمدی‌نژاد شکست بخورد که درست نیست با ایشان درگیر شوم. چون اخلاقاً کار درستی نیست. اگر هم پیروز شود که

اواخر بهمن ماه ۸۸ نیز برخی از سایت‌ها، خبری مبنی بر نگارش نامه‌ی دوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری را منتشر کردند. این خبر اما از سوی دفتر هاشمی مورد تکذیب شدید قرار گرفت.[1]

۳. کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبای دکتر احمدی‌نژاد

در ایام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری شایعات متعددی مبنی بر حمایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از برخی نامزدهای انتخاباتی منتشر می‌شد. همزمان با طرح این شایعات، برخی از خبرگزاری‌ها و سایت‌های حامی دکتر احمدی‌نژاد متنی را شامل بخش‌های تحریف شده‌ای از خطبه‌های نمازجمعه‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ منتشر کردند که از آن، انتقاد هاشمی

اصلاً درست نیست با منتخب مردم درگیر شوم و جشن انتخابات را در کام مردم تلخ کنم ولی الآن حق من است که جواب بدهم و دادم. ایشان هم در مقابل این منطق من اعتراض نکردند.»

(ماهنامه‌ی *مدیریت ارتباطات*، ش ۲، خرداد ۱۳۸۹)

وی همچنین در پاسخ به این پرسش که «به نظر می‌رسد این نامه روابط شما را با ایشان دچار تغییرات کرده است.» گفت: «نه! ایشان صراحتاً گفتند که هیچ ملاحظه‌ای درباره‌ی محتوای نامه ندارم. حتی در همان جلسه گفتند به حق از من انتظار دارید که جواب بدهم. صلاح ندیدم که پیش از انتخابات جواب بدهم. چون روی حضور مردم تأثیر می‌گذارد ولی بعد از انتخابات جواب می‌دهم. حتی گفتند که به آقای احمدی‌نژاد هم گفتم که حرف‌های ناحقی زدید و جواب شما را می‌دهم. واقعاً هیچ وقت ایشان به خاطر نامه از من گله نکردند. چون روابط ما به گونه‌ای است که اگر گله هم داشته باشند، می‌گویند. الحمدلله همکاری ۶۰ ساله‌ی ما به گونه‌ای است که با هم رودر بایستی نداریم.» (همان)

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در پاسخ به این پرسش که «ولی هنوز هم شاهدیم که می‌خواهند به بهانه‌ی آن نامه شما را مقابل رهبری قرار دهند.» گفت: «اینها در سیاست طبیعی است. گروهی که وارد بازی‌های سیاسی می‌شوند از این حرف‌ها زیاد می‌زنند، ولی همیشه واقعیت‌ها خود را بر احتمالات سیاسی تحمیل می‌کند و دیر یا زود همه چیز مشخص می‌شود.» (همان)

۱. متن این تکذیبیه که به امضای محمد هاشمی (رییس دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی) رسیده بود، بدین شرح است:

«اخیراً در برخی سایت‌های خبری، بعضاً مجهول‌الهویه، متأسفانه مطالبی با عنوان نامه‌ی دوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به رهبر معظم انقلاب منتشر گردیده که با توجه به ابعاد شیطنت‌آمیز بانی یا بانیان اصلی و منتشرکنندگان آن لازم می‌دانیم به دلیل سئوالات مردمی از این دفتر و احتمال سوء استفاده‌ی سایر رسانه‌های معاند نظام اسلامی، ضمن تکذیب شدید این موضوع به اطلاع عموم برسانیم که این نامه و محتوای آن از اساس جعلی و کذب محض بوده و توطئه و دسیسه‌ای مرموز از جانب معاندین و دشمنان انقلاب اسلامی ارزیابی می‌شود. لذا از دستگاه امنیتی ذی‌ربط انتظار می‌رود، ضمن شناسایی عوامل این‌گونه اعمال و اقدامات مشابه توطئه‌آمیز، با آنان برخورد قاطع قانونی صورت گیرد.»

(روزنامه جمهوری اسلامی؛ ۲۳ بهمن ۸۸)

از عملکرد دولت مهندس میرحسین موسوی برداشت می‌شد.[۱]

این متن که به هدف سوءاستفاده از جایگاه هاشمی در تضعیف یک نامزد و در نتیجه تقویت کاندیداتوری نامزدی دیگر تنظیم شده بود، با واکنش دفتر ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام مواجه شد. این دفتر در تاریخ ۱۳ خرداد ماه با صدور بیانیه‌ای علاوه بر آن‌که برخی شایعات از جمله سفارش خرید ۲۰۰ هزار مانتوی سبز در حمایت از یکی از نامزدها[۲]، حمایت‌های مالی از برخی نامزدها و تشکیل جلسات توجیهی برای آنها از جانب برخی اعضای خانواده‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و... را تکذیب کرد، به بیان تحریفات صورت گرفته در متن تنظیم شده از خطبه‌های نماز جمعه‌ی هاشمی پرداخت. در قسمتی از این بیانیه نیز حمایت هاشمی از نامزدی خاص نفی شده بود. در سطور پایانی این بیانیه آمده بود:

> اگرچه دفتر تا به حال بر این تصمیم بود که به‌خاطر شرایط انتخابات، از پاسخ‌گویی به برخی از دروغ‌ها سکوت نماید، ولی احساس می‌شود سکوت در زمینه‌ی هجمه‌های تخریبی حامیان یکی از نامزدها با جعل اخبار غیرواقعی منسوب به خانواده‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مانند سفارش خرید ۲۰۰ هزار مانتو، حمایت‌های مالی از نامزدها و تشکیل جلسات توجیهی برای نامزدها و سخنانی که علیه دیگران است، نوعی جفای اطلاع‌رسانی می‌باشد و با استفاده از فرصت، اعلام می‌شود: تأکید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی زمینه‌سازی جامعه برای حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رأی و اعتمادسازی برای اجرای درست انتخابات در مرحله‌ی اخذ رأی و شمارش آن می‌باشد.[۳]

---

۱. ر.ک: *خبرگزاری فارس*؛ «روایت هاشمی رفسنجانی از ۴۰ شاخص فقر و بی‌عدالتی در دولت موسوی»، ۱۰ خرداد ۸۸ کد خبر: ۸۸۰۳۱۰۱۰۸۱

۲. مهندس میرحسین موسوی رنگ سبز را به عنوان نشانه‌ی حامیان خود انتخاب کرده بود.

۳. متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

«اخیراً چند خبرگزاری رسمی و چندین سایت اینترنتی در راستای به روز کردن اطلاعات و اخبار! با بازگشتی ۲۰ ساله به تاریخ، ۴۰ جمله از خطبه‌های نمازجمعه‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ را روی خروجی اخبار! خویش قرار دادند و در فردای آن روز سه روزنامه «ایران»، «وطن امروز» و «رسالت» در حرکتی هماهنگ با آب و تاب فراوان آن خطبه‌ها را بهانه‌ای برای انتقاد از عملکرد دولت مهندس موسوی قرار دادند. اگرچه تلاش رسانه‌ای برای کم کردن فشار انتقادات از عملکرد ۴ ساله‌ی یکی از نامزدها در آستانه‌ی انتخابات امری موجه است، امّا روشی که این رسانه‌ها حداقل در این مقوله اتخاذ

کرده‌اند، نه تنها غیرموجه و غیراخلاقی، بلکه نوعی تحریف تاریخ و به طریق اولی نوعی توهین آشکار به سابقه‌ی ذهنی جامعه و حتّی فهم کنونی مردم است. باتوجه به ۴۰ بندی که خبرگزاری‌ها و سایت‌ها و به تبع آن سه روزنامه انتشار داده‌اند و روزنامه‌ی رسالت از آن سریال درست کرد، موارد ذیل قابل مداقه است:
الف) به نظر می‌رسد تحقیق یا مقاله‌ای که در قالب خبر منتشر شده، یک پروژه‌ی سفارشی بوده و به همین خاطر بسیار ناشیانه عمل شده است. چرا که تقریباً تمام ٤٠ موردی که به عنوان انتقاد از عملکرد دولت مهندس موسوی انتخاب شده، در واقع تأیید و به نوعی تأکید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، به عنوان یکی از مسئولین وقت، بر دوراندیشی دولتی بود که کشور را در طول ۸ سال دفاع مقدس اداره می‌کرده است. شتاب محققان در انجام این پروژه‌ی تحقیقاتی! آن قدر بالا بود که مواردی را که به عنوان نکات انتقادی ذکر کرده‌اند، برای هر عقل سلیمی با کمترین دانش سیاسی بی‌اساس جلوه می‌کند. معلوم نیست کجای جملات هاشمی رفسنجانی انتقاد از عملکرد دولت میرحسین موسوی است که این رسانه‌ها با این رویکرد نسبت به انتشار آن اقدام کرده‌اند؟! به جملات زیر که سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در همان موضوع ۴۰ مورد است، توجه شود:
۱) چند مسأله‌ی عمده داریم که من در اینجا به آنها اشاره خواهم کرد. یکی مسئله‌ی سوءاخلاق بخشی از انسان‌هاست. بدحجاب‌ها و آن افرادی که اخلاق اسلامی را مراعات نمی‌کنند و یکی هم همین مسئله‌ی سیاسی است که از بیرون دائماً برای کشور مسئله می‌سازند. اگر فساد اخلاقی موجود باشد، جامعه‌ی ما آن جامعه‌ی ایده‌آل اسلامی نمی‌تواند باشد. (۱۳۶۸/۰۲/۰۲)
۲) مشکلاتی که ما در باب مالیات داشتیم و یا در خیلی از ابواب دیگر مانند تعزیرات که یک مشکل جدّی در مسیر قانونگذاری و اداره‌ی کشور بود که امام به راحتی حل کردند (۱۳۶۸/۳/۲۰)
۳) ما قبلاً برنامه نداشتیم. الآن برنامه‌ی پنج ساله‌ای دارد آماده می‌شود که داشتن برنامه خودش تکلیف خیلی چیزها را روشن می‌کند. آینده روشن می‌شود. خطوط مشخص است. (۱۳۶۸/۵/۱۴)
۴) مشکل دیگر ادامه‌ی محاصره است. علی‌رغم اظهاراتی که می‌شد، ما از محاصره بیرون نیامده بودیم و هنوز هم بیرون نیامدیم و در محاصره هستیم. (۱۳۷۰/۵/۱۹)
۵) در حال حاضر دو میلیون افغانی در ایران هستند و کار نیز می‌کنند و بعضی از کارفرماها از بین یک کارگر ایرانی و یک کارگر افغانی، کارگر افغانی را انتخاب می‌کنند. (۱۳۶۸/۸/۲۷)
۶) مشکل دیگری که ما گرفتار آن بودیم و هنوز هم حل نشده و در بعضی از جاها مشکل خاصی داریم، فرسودگی کارخانجات ماست. (۱۳۷۰/۵/۱۹)
۷) بحث این است که شرافت و کرامت کار باید در جامعه ما جا بیفتد. اگر این‌طور شد، کارهای انگلی و خیالی و کاذب در کشور ما از بین می‌رود. اقتصاد کشور ما مریض است. (۱۳۶۸/۸/۲۷)
۸) من به عنوان رییس جمهور منتخب شما و مسئول اجرایی کشور می‌گویم: سیاست دولت شما بر این است که امکانات کشور، زمین، آب، معدن، صنعت و هرچه امکانی در این کشور هست را در اختیار مردم بگذارد. برای این‌که مردم موجودی و امکانات و سرمایه‌شان را صرف آبادی کشور کنند. (۱۳۶۸/۱۰/۲۳)
۹) بعد از انقلاب، در آن دو سال اول نتوانستیم تولید را سامان بدهیم. مدیریت‌ها به هم خورد. خیلی از مدیران فرار کردند یا کارخانه‌ها مصادره شد. سرمایه‌ها را بردند. (۱۳۷۰/۵/۱۹)
۱۰) مشکل دیگر، وابستگی شدید مردم به سوبسید و هزینه‌ی دولت بود. عمده‌ی زندگی مردم اعم از نان، قند، چای، گوشت، شکر و روغن نباتی وابسته به کمک دولت شده بود. هنوز برای حل آن، مشکل داریم و آسان نیست که یک دفعه حمایت دولت را برداریم. بنا هم نداریم تا این کار را انجام دهیم.(۱۳۷۰/۵/۱۹)
ده جمله‌ی فوق به عنوان نمونه از آن ۴۰ جمله انتخاب شده تا خوانندگان خود مقایسه نمایند که آیا این جملات کمترین نقدی را متوجه دولت مهندس موسوی می‌نماید یا نه؟

ب) معلوم نیست که این تحقیق! فردی بوده یا جمعی، امّا آنچه که معلوم است این‌که محقق یا محققین تدوین این مقاله با تاریخ انقلاب اسلامی بیگانه بوده‌اند. چون در لابلای همین جملات، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به کرات از جنگ سخن گفتند، جنگی که اساس تاریخ انقلاب در دوره‌ی مورد مطالعه می‌باشد. جالب اینجاست که در انتخاب جملات به اصطلاح انتقادی، شرایط جنگی را نیز لحاظ نکرده‌اند. به موارد ذیل توجه فرمایید:

۱) نقدینگی بسیار زیادی الآن در دست مردم است. این مقدار پول که ما در دست مردم داریم، این خودش یک خطر جدی است برای اقتصاد کشور، علتش هم این است که این پول‌ها در دوران جنگ خرج تولید نمی‌شد یا در جنگ مصرف می‌شد که برمی‌گشته دوباره در بازار و در دست مردم و یا می‌رفتیم کالای خارجی می‌خریدیم (۱۳۶۸/۷/۰۸)

۲) دولت در گذشته به خاطر جنگ برای این‌که جلوی فقر عمومی را بگیرد، یک مشکل را اجباراً به کار برده که ما هم هنوز به کار می‌بریم و آن سوبسید است. (۱۳۶۹/۶/۰۳)

۳) ما در این هفت، هشت سال اقدامی در جهت خرید کامیون به عمل نیاوردیم و یا کم خریدیم... راه‌ها را مرمت ننمودیم... بندرها را نساختیم... نیروگاه نساختیم... سد نساختیم... پالایشگاه نساختیم... همه‌ی این مسایل در ارتباط با جنگ می‌باشد. (۱۳۷۰/۳/۰۴)

۴) انبارها در زمان جنگ تقریباً خالی شده بود و باید این انبارها شارژ شود. (۱۳۷۰/۳/۰۴)

۵) در ساختار اقتصادی که حالا می‌خواهیم از اقتصاد متمرکز عبور کنیم و به طرف اقتصاد متمایل زمان صلح برویم، یک مشکلات بسیار جدی داریم. من جمله قیمت‌های بعضی از کالاهای دولتی است که حل آن در زمان جنگ خطرناک بود. (۱۳۷۰/۴/۲۲)

۶) در خارج حدود ۱۲ میلیارد تعهد ارزی داشتیم که اینها خریدهای نسیه و گشایش اعتبارات بود و بدهی به بانک مرکزی در طول این مدت که عراق از بیرون قرض می‌کرد، مخارج خود را از بانک مرکزی می‌گرفتیم. (۱۳۷۰/۵/۱۹)

۷) مسئله‌ی سوم مسئولیتی که نظام در برابر رزمندگان و خانواده‌های آسیب دیده از جنگ داشت. این‌ها نوعاً از طبقات محروم روستاها و مردم مستضعف بودند که در دوران جنگ حسابی خدمات بسیجی اینها را با مشکلات اقتصادی رو به رو کرده بود. (۱۳۷۰/۵/۱۹)

۸) شاخص‌ها در سال ۱۳۶۷ بدتر شد. چون مردم توقعات بعد از جنگ پیدا کردند. دولت درآمد بعد از جنگ پیدا نکرد و مخارج جنگ هم مانده بود و خیلی از مشکلات مثل دردهای خاصی که تا گرم است خودش را نشان نمی‌دهد، در بقیه‌ی سال ۱۳۶۷ خودش را نشان داد. ما بیشترین کسر بودجه را در سال‌های ۱۳۶۷ پیدا کردیم. در سال‌های قبل کسر بودجه به این نسبت نبود. نصف بودجه‌ی ما در سال ۱۳۶۷ کسری داشت. ۵۰/۱ درصد رشد کسری بودجه ما از حدود ۴۰۰ میلیارد تومانی که ما خرج کردیم، حدود یکصد میلیاردش را از بانک قرض کردیم. این نتیجه همان چندماهی بود که بعد از جنگ به آن شرایط گرفتار شدیم. (۱۳۷۰/۵/۱۹)

ج) در بین این ۴۰ جمله‌ای که به عنوان دلیل نارضایتی هاشمی رفسنجانی از عملکرد دولت مهندس موسوی نقل کرده و انتشار داده‌اند، تنها این جمله قابل قبول بود: «این شیوه‌ای که الآن دولت دارد زندگی مردم را اداره می‌کند، بدترین نوع اداره‌ی مردم است!»

نمی‌دانم مدعیان اصول‌گرایی و صداقت که در روزنامه‌های خود حداقل یک صفحه‌ی ثابت روزانه برای توصیه‌های اخلاقی دارند، چگونه حاضر می‌شوند که وجدان خود را زیر پا بگذارند تا وجدان عمومی جامعه را مخدوش نمایند. در این جمله، تحریفی بزرگ و حذفی سترگ انجام گرفته که حکایت آن، داستان ویرگول در عبارت «عفو، لازم نیست اعدام شود» و «عفو لازم نیست، اعدام شود» است. حکایتی که با یک جابجایی کوچک جان کسی را می‌گیرد یا نجات می‌دهد.

اصل جمله‌ی هاشمی رفسنجانی را ببینید و درباره‌ی آن و نیت حامیان دولت نهم قضاوت کنید: «این شیوه‌ای که

دولت دارد زندگی مردم را اداره می‌کند و در حال جنگ اتفاق افتاده، بدترین نوع اداره‌ی جامعه هست.»
د) قریب به اتفاق جملاتی که در این تحقیق از خطبه‌های نمازجمعه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، استخراج شده، مربوط به خطبه‌های مورخ ۱۳۶۸/۷/۷می‌باشد.
آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خطبه‌ی دوم آن تاریخ با بیان این جمله که «اولین چیزی که برای من در بحث خطبه‌ی دوم اهمیت دارد، یک گزارش از وضع کشور به مردم بزرگوار است که من هنوز بعد از مسئولیت ریاست جمهوری‌ام این گزارش را نداده‌ام» به تبیین اوضاع کشور پرداخت که با توجه به گنجایش این مقال و برای روشن شدن روش رسانه‌های حامی دولت در تحریف اسناد تاریخی به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌شود:
«بیشتر بحث من در میدان اقتصادی و مسائل زندگی است. یک مقدار کمی از آن سیاسی و یا چیزهای دیگر است که البته آنها هم باز به همین برمی‌گردد. ما در این فاصله، عمده‌ی وقت دسته‌جمعی‌مان را در هیأت دولت درباره‌ی برنامه به کار گرفتیم که برنامه پنج‌ساله‌مان را متناسب با شرایطی که در پیش داریم، تنظیم کنیم که بزودی آنچه که به آن می‌رسیم، به مجلس خواهیم داد. البته برنامه قبلاً به مجلس داده شده، شور اول آن هم تصویب شده، اما قرار ما در مجلس این بود که شور دوم را با توجه به شرایط جدید بعد از جنگ آماده بکند. یعنی ارقام، جدول‌ها، مخارج و منابع درآمد و طرح‌ها را باتوجه به شرایط جدید بیاوریم. دولت قبل از ما این کار را کرده و پیش از آن‌که در دولت تصویب شود، عمر دولت گذشته تمام شد و دولت جدید دارد آنچه را که دولت قبلی تهیه کرده بررسی می‌کند. ارقام و جداول و به اصطلاح بخش کمی را به مجلس بدهد که ـ ان‌شاءالله ـ در یکی دو هفته‌ی آینده این تمام می‌شود. از لحاظ سیاسی، جمهوری اسلامی با پشت سر گذاشتن دوران بسیار مشکل شرایط بعد از انقلاب، محاصره‌های سخت امپریالیست‌ها و جنگ نابرابری که نیروهای اهریمنی علیه ما تحمیل کردند و تا آخر جنگ هم پشت سر دشمن رو در روی ما ایستادند و او را تحریک کردند و شورش‌ها و همه‌ی اینهایی که درست کردند، توانست موقعیت سیاسی خودش را در دنیا تثبیت کند، یعنی از لحاظ سیاسی تقریباً احساس ما در دنیا این است که دشمنان ما از آن مسیری که می‌رفتند، نتیجه نگرفتند و مایل نیستند که شرایط گذشته تجدید شود. یعنی دیدند هرچه فشار بیاورند، به تحکیم موقعیت و استحکام انقلاب در این جامعه و بیرون از آن می‌انجامد... مسأله‌ی جنگ هم آن جوری که ما ارزیابی می‌کنیم، دشمن ما و طرف مستقیم ما که عراق است دیگر توان برگشت به جنگ را ندارد... ما اهل تجدید جنگ نیستیم و عراق هم توان این کار را ندارد. ما احتمال برگشت به جنگ را کاملاً ضعیف می‌دانیم، ولی این ضعف را به این دلیل می‌دانیم که ما نیرومندیم. یعنی اگر فرض این باشد که دشمنان ما احساس کنند ما در درون ضعیفیم... باز احتمال تجدید جنگ هست و لذا ما ضمن این‌که در جنگ نیستیم و احتمال تجدید جنگ را هم کم می‌دهیم، آثاری از جنگ را داریم. یعنی یک مقداری از امکانات کشور را که می‌توانیم ببریم صرف کارهای عمرانی و اقتصادی و رفاهی مردم کنیم، حتماً باید صرف تقویت نیروهای نظامیان کنیم که با تقویت آنها ما اطمینان پیدا کنیم که جنگ نداریم و این کار را داریم می‌کنیم و نه جنگ و نه صلح هست. بخشی از امکاناتمان را داریم صرف تقویت بنیه‌ی نظامی می‌کنیم که عمدتاً در ساخت اسلحه و تحقیقات نظامی است که این مجموعه چیزهایی است که از عوارض جنگ است. همان‌طور که عرض کردم، این برنامه‌ی پنج ساله چند سال پیش به مجلس داده شده و مال دوره‌ی قبل است، اما به خاطر جنگ نمی‌توانیم برنامه‌ی پنج ساله بریزیم. معنای برنامه‌ی پنج ساله این است که از حالا ما پنج سال دیگر را ببینیم و بگوییم مثلاً در سال پنجم ما چه مقدار ارز، چه مقدار ریال، چه مقدار نیرو و امکانات می‌خواهیم صرف این پروژه‌ها بکنیم. کسی که در جنگ است، نمی‌تواند چنین تصمیماتی برای پنج سال دیگر بگیرد و اصلاً

معلوم نیست که چه اتفاقی خواهد افتاد. لذا این‌که الآن برنامه را جدی گرفته‌ایم و داریم تنظیم می‌کنیم، خودش نشان اطمینان به وضع آینده است. اما در شرایط کشور همان طوری که خودتان بهتر از دیگران هم می‌دانید، ما در داخل کشور مشکل سیاسی نداریم. یعنی ملت ما یک‌پارچه در پشت سر رهبری و دولت و مجلس و دستگاه‌های اجرایی و نهادهای انقلابی، همه یک جهت و در خدمت انقلاب هستند...
و) اگر محققان پروژه عجله نداشتند و آن‌گونه که خودشان می‌خواستند، خطبه‌های نمازجمعه‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را بهانه‌ای برای انتقاد از عملکرد سابق یکی از نامزدها قرار دهند، می‌توانستند با مراجعه به خطبه‌ی ۱۳۷۱/۱۱/۱۶ که به مناسبت پانزدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایراد کرده بود، موارد بسیاری را پیدا کنند. البته هیچ یک از مواردی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این خطبه نیز گفته‌اند، انتقاد از دولت نیست، بلکه تبیین و شرح صادقانه‌ی مسایل با مردم است. خوب است در این قسمت به گوشه‌هایی از آن خطبه اشاره شود:
«ما در شرایطی کشور را از نظام ستم‌شاهی تحویل گرفتیم که اشکالات بسیار جدی داشت... اداره‌ی همان [کشور] بدون مشکلاتی که بعداً اضافه شد کار آسانی نبود... علاوه بر همه‌ی این محرومیت‌های گذشته، مشکلاتی نیز به واسطه‌ی وقوع انقلاب، جنگ و محاصره‌ی اقتصادی بر بار مشکلات و گرفتاری‌های گذشته افزوده شد که هریک از سه عامل فوق برای به زانو درآوردن یک انقلاب کفایت می‌کرد. به یاد داریم که وقتی دشمن با تحمیل جنگ از شکست نظام و انقلاب مأیوس شد و ما قدم به قدم با عقب راندن عراقی‌ها از جبهه‌های جنگ، موفقیت‌هایی را کسب نمودیم، دشمن کوبیدن و در هم شکستن مراکز و صنایع اقتصادی و صنعتی کشور را هدف قرار داده بود. به عنوان مثال دشمن آمد در کناره سواحل دریای خزر نیروگاه نکاء را بمباران کرد و یا در کنگان پالایشگاه گازی که در مراحل میانی کار قرار داشت را بمباران نمود. یا این‌که در اصفهان تأسیسات پتروشیمی و یا پالایشگاه را بمباران کرد. و عملاً جنگ را به یک جنگ نابرابر اقتصادی مبدل ساخت و این توطئه را با این هدف اجراء کرد که امکانات نیمه‌کاره‌ای را که از گذشته در اختیار ما قرار داشت را هم نابود کند. این شرایط باعث شد که ما، در جنگ مقدار زیادی از همان موقعیت نامطلوب به جای مانده از رژیم منحوس پهلوی را هم در جنگ از دست بدهیم. وقتی که جنگ پایان یافت، متوجه شدیم که کشور را با تحمیل این شرایط به مرحله‌ی عقب‌مانده‌ای کشاندند. عقب‌افتادگی‌های قبلی که خود از یک وابستگی جدی برخوردار بود، خرابی‌های ناشی از جنگ نیز بدان افزوده شد. توانایی‌ها در زمینه‌ی انرژی و نیروگاه را ارزیابی می‌کنیم، متوجه این نارسایی می‌شویم، که نیروگاه در اختیار نداریم، آن موقع با این‌که صنایع ما نیمه‌کاره بود و کار نمی‌کرد باز هم مجبور بودیم که ساعت‌ها خاموشی داشته باشیم. حمل و نقل کشور هم وضعی شبیه به دیگر موارد داشت یعنی کامیون و اتوبوس چه درون شهری و بین شهری در اختیار نداشتیم و همچنین لوکوموتیو و واگن و راه‌آهن به اندازه کافی در دسترس نبود. چون همه‌ی اینها در طول جنگ آسیب دیده بود و آنچه هم که باقی مانده بود، در شرف نابودی بود. معادن را که مورد رسیدگی قرار می‌دادیم، مشاهده می‌کردیم که از کار افتاده و کارگران معادن در بیکاری به سر می‌برند. چون این معادن فعالیتشان یا از زمان شاه شروع نشده بود و یا این‌که اگر آغاز به کار کرده بود در زمان جنگ آسیب دیده بودند و در زمینه‌ی نیازمندی‌هایمان به مواد اولّیه هم عمدتاً این نیازها از طریق واردات تأمین می‌گشت. کارخانه‌ی مس را که در داخل کشور موجود بود چون در طول جنگ آسیب دیده بود و مورد بازسازی قرار نگرفته بود، نهایتاً مفتول مس را می‌بایست از خارج وارد می‌کردیم... من قبلاً هم یکی، دو بار موارد اساسی مشکلات را در نمازجمعه برشمردم که حدود بیست و چند مورد مشکلات مادر بود که علاوه بر اینها حوادثی از قبیل زلزله و حوادث طبیعی به آنها اضافه شد. در کنار همه‌ی این مشکلات بازسازی مربوط به

منابعی که در طول جنگ دچار آسیب‌دیدگی شده بود که این پروژه‌ها هزینه‌های سنگینی در بر داشته است. ما هزار میلیارد دلار خسارات ناشی از جنگ را در کشور داشتیم. اخیراً که از طرف سازمان ملل آمده‌اند و این خسارات را ارزیابی کردند و آنچه را که خودشان به قیمت دلار ارزیابی کردند پرداخت مبلغ صد میلیارد دلار را به ما پذیرفتند. چنانچه ما اکنون با ده و پانزده شهر و هزار روستای به کلی ویران شده و نیز راه‌های به کلی ویران شده و هزاران پل شکسته و نخلستان‌ها و مزارع، کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که در غرب کشور به کلی از بین رفته بود مواجه هستیم...

هـ) در کنار همه‌ی این جملاتی که رسانه‌ها به عنوان انتقاد از عملکرد دولت مهندس موسوی از سوی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مطرح کردند و ثابت شد که به هیچ وجه انتقاد نیست، جملات بسیار صریح و روشنی از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در حمایت از شخص مهندس موسوی و دولت ایشان وجود دارد که یادآوری آن جملات خالی از لطف نیست.

۱) عملکرد کل نظام و دولت را در این دوره‌ی گذشته باید جزو کارهای موفق تاریخ کشورداری در دنیا به حساب آوریم. قدری ظالمانه است اگر ما با توجه به شرایطی که در آن زندگی می‌کنیم، برخورد غیرمنصفانه کنیم و مجریانمان و کسانی را که برای انقلاب زحمت می‌کشند، به ندانم‌کاری، یا ضعف یا چیزهایی از این قبیل متهم کنیم. به نظر من، این دولت و مجریان ما و مجلس و سایر ارگان‌ها، سپاه، ارتش، کمیته و دیگران، بهترین حد ممکن را در عمل پیش رفتند و این منصفانه نیست که بیاییم به خاطر کمبودهایی که طبیعی است و هیچ کس نمی‌تواند در این شرایط آنها را رفع کند، خودمان را زیر سوال ببریم... نزدیک به یک سوم از امکانات مادی ما خرج جنگ می‌شود، غیر از بودجه‌ی رسمی که چهل میلیاردی، یک جا ما به جنگ داده‌ایم و معمولاً ده میلیارد هم اضافه می‌شود و در آخر سال کم می‌آید، یک مبلغ عظیمی به بنیاد شهید می‌دهیم، یک مبلغ عظیمی به بنیاد امور جنگ‌زدگان و مهاجران جنگی می‌دهیم، یک مبلغ عظیمی مخارج دیگری (مثلاً بیمارستان‌ها و مسافرت‌ها و امثال این‌هایی که مربوط به جنگ است) می‌کنیم که اینها در بودجه‌ی جنگ نیست و مبلغ زیادی از امکانات وزارتخانه‌ها را همین طوری بدون محاسبه به جنگ می‌دهند، ماشین، لودر، بلدوزر، نیرو و کارگر می‌فرستند، حقوقش را هم می‌دهند و این همه نیروهای دولتی که از کارخانه‌ها به میدان می‌روند و حقوق آنها هم باید پرداخت شود، اینها همه مربوط به جنگ است. از آن طرف، این پنج استانی که گرفتار جنگ است؛ این اراضی که ما کار را در آنجا ممنوع کرده‌ایم. اینها کشاورزی و معادنشان مختل است، کارخانه‌هایشان مختل است و هیچ خبری نیست، پنج استان نیمه جان است، این شرایط وضع بودجه و امکانات مالی ماست، آن وقت از این طرف شما خدمات دولت را در نظر بگیرید. شما وقتی که می‌بینید، در همین چند سال، با همین شرایط، ما گاز را این‌گونه به مردم می‌رسانیم. اینها در این مدت بین سیصد تا چهارصد هزار انشعاب گاز به مردم داده‌اند. گازرسانی یک کار بسیار بسیار زیربنایی است که دولت الآن بودجه‌ی عظیمی خرج آن می‌کند و شما می‌بینید و تهرانی‌ها می‌بینند که چقدر این خیابان‌ها را کنده‌اند و دارند به خانه‌ها گاز می‌رسانند. در روستاها، در مسیر لوله‌ها، از مشهد که به طرف نکا می‌آییم در این مسیر چقدر گاز داده‌اند؟ نزدیک به ۵۰ یا ۶۰ شهر را الآن گاز رسانده‌اند، به روستاهای فراوانی گاز رسانده‌اند و آن چنان روی گازرسانی عمل می‌شود که تمام گازهایی که در گذشته فروخته می‌شده و تقریباً مفت به شوروی‌ها می‌دادند، امروز در مملکت مصرف می‌شود و کم هم داریم، یعنی الآن ما بخواهیم گاز زیادی بدهیم، باید گاز را از منابع گازمان برداریم و این از افتخارات دولت (دولت موسوی) است که انجام می‌دهد. برق و آبی که به روستاها می‌دهند، چون اینها معمولاً در سال بین هزار تا هزار و پانصد روستا را برق می‌دهند؛ یعنی اینها هر روز که صبح آفتاب طلوع می‌کند و عصر غروب می‌کند، در پنج روستا برق می‌کشند. این چیز عظیمی است. خانواده‌هایی که تمام عمرشان در تاریکی شب زندگی کرده‌اند و بوی این گونه

امکانات جدید را نشنیده بودند، حالا می‌بینند که برق بالای سرشان می‌آید. در کشاورزی می‌بینید که گندم امسال نزدیک یک برابر و نیم سال قبل از مردم خریده‌اند. این نشان از این است که کشاورزی بوده، نشان این است که پول بوده، نشان این است که کار کرده‌اند، نشان این است که دولت حضور دارد. همه‌ی اینها را در حالی انجام داده‌اند که در حال جنگیم، البته اگر جنگ نبود توقعات ما از اینها خیلی بود. چقدر به روستاها الآن پست برده‌اند، تلفن برده‌اند، تلگراف هست. شما می‌بینید، در هفته کم اتفاق می‌افتد که یک جایی را افتتاح نکنند. تلفن جدید بردند، ارتباط بین شهری برقرار کردند، ارتباط با خارج برقرار کردند. اینها همین جوری می‌شود، این پست‌خانه‌ها و تلفن‌خانه و تلگراف‌خانه‌ها از کارشناسان خارجی پُر بوده، در هر دستگاهی یک خارجی دزد نشسته بود. (۱۳۶۴/۶/۰۱)

۲) سال قبل در آمارشان گفتند، ۲۴ درصد صنعت ما رشد داشته، اینها دروغ نیست، تبلیغ نیست، بلکه واقعیت است. صنعت رشد داشته، حالا یک کارخانه ممکن است، یک جا کار نکرده باشد، این‌طور حرف ناصحیح نزنند، این ظلم به انقلاب می‌شود، ما به افراد کار نداریم، این جامعه، جامعه‌ی ماست، این کارگران، کارگران ما هستند، این مهندسین، مهندسین ما هستند، این خدمتگزاران کشور هستند. و ما هم افتخارمان این است که این مردم، ما را انتخاب کرده‌اند که برایشان خدمت کنیم. مدعی هم نیستیم که ما از آسمان آمده‌ایم و بهتر از ما وجود ندارد. چرا! ممکن است کسانی ناشناخته باشند، و خیلی هم از ما صالح‌تر باشند، اما شرایط را در نظر بگیرند و بعد حرف بزنند! با همین توسعه‌ی نیروگاه‌ها ما برقمان در همین هفت سال تقریباً چهل درصد اضافه تولید دارد. اگر باز خاموشی دارید، علتش این است که مقدار زیادی برق به کارخانه‌ها و روستاها و جاهای دیگر می‌دهند و مصارف خانوادگی هم اضافه شده است. این همه مصرف برق بالا رفته و این شرایط، مصرف را هم اضافه می‌کند، دولت در این مدت چهل درصد نیروگاه‌ها را تقویت کرده و باز برنامه‌ریزی می‌کنند و آن هم در حال جنگ. اداره کردن جنگ از این حرف‌ها بالاتر است. من الآن آن قدر فرصت نمی‌بینیم که وارد جزئیات شوم، در مجموع باید گفت که الحمدلله در شرایط جنگ به گونه‌ای رفتار می‌شود که دشمنان ما که به تهران می‌آیند، می‌گویند: اینجا مثل این‌که جنگ نیست. (۱۳۶۴/۶/۱)

۳) یکی از کارهای مهم ما (همه‌مان از وظایف قطعی‌مان که امام بارها روی آن تأکید کردند) حمایت بی‌دریغ از دولتمان است؛ دولتی که مورد تأیید امام و مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و اکثریت قاطع این مردم است و دولتی که تحقیقاً مشکل‌ترین دوران اداره‌ی کشور را دارد می‌گذارند. شما حتماً می‌توانید زود این مسأله را تأیید و تصدیق کنید که کار دولت در این مقطع بسیار دشوار است و فقط با همراهی مردم می‌تواند موفق‌تر باشد. دولتی که بودجه‌اش (اگر قیمت نفت هم سقوط نکرده بود و همان وضع طبیعی گذشته را داشتیم) به خاطر این‌که بیش از یک سوم بودجه با متعلقاتی که دارد خرج جنگ می‌شود، شما در خانواده‌ای در نظر بگیرید، خانواده‌ای که مثلاً ۶ هزار تومان در ماه حقوق دارد، اگر ۲ هزار تومان آن را در سال از او بگیرند، شما ببینید چه بر سر آن خانواده می‌آید. ناچار است از لباس بچه خودش، از غذا، از کیفیت منزل، مسافرت و تفریح و غیره بزند تا این‌که خودش را اداره کند. این مقایسه را خیلی آسان می‌توانید بکنید. دولت وضعش از خانواده هم مشکل‌تر است، چون دولت آن مسئولیت‌هایی را بر عهده دارد که ضرورت دارد. در خانواده همیشه چیزهای قابل حذف کردن وجود دارد، چون همه‌ی مستحبات خانواده را هم در همان شرایطی که هست، انسان تنظیم می‌کند. اما دولت مسئول قسمت‌های ضروری جامعه است و قسمت‌های عادی جامعه بیشتر در دست بخش خصوصی و اینهاست. بنابراین یک دولتی داریم که در حال جنگ یک سوم بودجه‌اش را به طور غیرعادی به جنگ می‌دهد؛ علاوه بر فشارهایی که خود جنگ می‌آورد. (۱۳۶۵/۶/۷)

۴) من مشکلات دولت را عرض می‌کنم، شما می‌توانید بفهمید، همه می‌توانند بفهمند؛ روزنامه‌ها، نمایندگان مجلس، مردم عادی، خارجی، داخلی، همه می‌توانند بفهمند دولتی که برای اداره‌ی کشور کمتر از نصف بودجه‌ی جاری و عمرانی‌اش در اختیارش هست و بعضی چیزها هم هست که دولت نمی‌تواند

نپردازد (حقوق این کارمندان دولت را که جزو مستضعفان کشور هستند، نمی‌شود پرداخت نکرد. حقوق این کارگران کارخانه‌ها را به دلیل کمبود تولید نمی‌شود پرداخت نکرد) چه وضعی دارد. اینها باید پرداخت بشود و کارهای جنگ باید باشد. کارهای انتظامی باید باشد. کارهای مرزداری باید باشد. کارهای بهداری بیمارستان‌ها نمی‌تواند تعطیل شود. یک کارهایی است که باید انجام شود. این دانشگاه‌ها باید اداره شود. همه‌ی اینها هست و باید اداره شود. طبعاً یک مقدار روی قسمتی از نیازهای مصرفی ما اثر می‌گذارد. از طرفی اقدامات مؤثری دولت شروع کرده تا مردم بخش خصوصی بیشتر وارد صحنه بشوند و کمبودهای دولت را تا حدودی که می‌شود، جبران کنند و ما از این ناحیه خودمان را به یک حدی از خودکفایی برسانیم که ان‌شاءالله سیاست صحیحی که الآن آدم به چشمش می‌خورد و می‌بیند که اجرا می‌شود، ما را از این مضیقه‌هایی که خواستند بر ما تحمیل کنند، آزاد کند و بتوانیم برای خودمان وسیله‌ی رفاه درست بکنیم ـ که ان‌شاءالله می‌کنیم ـ و راه استقلال واقعی را بتوانیم پیدا کنیم. (۱۳۶۵/۶/۷)

۵) بنده معتقدم در شرایط جنگ و مشکلات و تنگناها و شرایط بسیار سختی که اداره‌ی مملکت در چنین شرایطی از دشوارترین کارهاست کسانی که در سمت‌های اجرایی به این مردم خدمت می‌کنند و مخصوصاً هیأت دولت، ریاست جمهوری، کسانی که در رده‌های اجرایی هستند و در هر جا، خدمات فراوانی کردند. البته مشکلات ناشی از جنگ ممکن است تصوراتی در ذهن دیگران بگذارد که به پای مسئولان اجرایی بنویسند، که شاید عادلانه نباشد. اگر می‌شد و صلاح بود مشکلاتی که در اثر کمی بودجه و کم بودن امکانات و دادن امکانات مملکت به جنگ برای اداره‌ی مملکت پیش می‌آید برای شما بازگو می‌کردیم، شما همه مثل ما قانع می‌شدید. اما به همان اطمینان کلی اکتفا می‌کنیم و تأکید می‌کنیم آنهایی که مصدر کار هستند، یعنی هیأت دولت، تمامشان افراد انتخاب شده و صالح و شناخته شده هستند. (۱۳۶۷/۶/۱۱)

۶) باید صمیمانه و متواضعانه از زحمات دولت گذشته تشکر کنم که انصافاً در سخت‌ترین شرایط این مردان زحمت‌کش ما توانستند دستگاه اجرایی را روی پای خودش نگاه دارند، با این‌که معمولاً مشکلات جدّی داشتند. بودجه‌ی ما معمولاً تا نصف آن کسری داشت. برای یک مجری بسیار دشوار است که اگر یکصد تومان خرج دارد، پنجاه تومان در اختیارش بگذارند. [با] این فشاری که کسری بودجه روی مردم می‌آورد و تورّمی که ایجاد می‌کرد که این هم به دولت منتقل می‌شد و با وجود جنگ که هر لحظه یک بار جدیدی به دوش دولت می‌گذاشت، دولت (دولت مهندس موسوی) انصافاً زحمت زیادی کشید. (۱۳۶۷/۱۱/۱۴)

ز) درباره‌ی دوراندیشی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آن سال‌ها همین بس که وقتی مسایل مربوط به اوضاع کشور را مطرح می‌کردند، می‌دانستند که احتمالاً در آینده گروه یا گروه‌هایی با اهداف بهره‌برداری‌های سیاسی، مسایلی را مطرح می‌کنند که یا برخواسته از حبّ و بغض‌های سیاسی و یا ناشی از کج‌فهمی‌ها باشد. به همین خاطر در سال ۱۳۶۹ توضیحات کوتاهی در خصوص بخشی از مشکلات کشور در زمان جنگ دادند که دقیقاً می‌تواند پاسخ ادعاهای این‌گونه رسانه‌ها باشد. ایشان در خطبه‌های نمازجمعه گفت: «سال گذشته وقتی که مسئولیت اجرایی به دولت موجود واگذار شد، من در یکی از خطبه‌های نماز جمعه با زبان ساده بخشی از مشکلات را برای شما شرح دادم که البته این شرایط را به خاطر جنگ و شرایط انقلاب داشتیم و کسی مقصر آن نیست، بلکه خیلی هم زحمت کشیده شده بود، در دولت گذشته، تا این‌که وضع را توانستند تحویل دولت جدید دهند و ما در همه‌ی شرایط از زحمات کسانی که در گذشته در بخش اجرایی زحمت کشیدند، ممنون هستیم. این توضیحات دلیل آن نمی‌شود که آنها بدکار کرده بودند. شرایط آن زمان با این زمان کاملاً تفاوت دارد». (۱۳۶۹/۶/۲)

ح) اگرچه دفتر تا به حال بر این تصمیم بود که به خاطر شرایط انتخابات، از پاسخ‌گویی به برخی از دروغ‌ها سکوت نماید؛ ولی احساس می‌شود سکوت در زمینه‌ی هجمه‌های تخریبی حامیان یکی از نامزدها با جعل اخبار غیرواقعی منسوب به خانواده‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مانند سفارش خرید ۲۰۰ هزار مانتو؛

علی‌رغم این تکذیبیه، دکتر احمدی‌نژاد در تاریخ ۱۳ خرداد ماه در مناظره‌ی زنده‌ی تلویزیونی خود با مهندس میرحسین موسوی مدعی شد که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از کاندیداتوی مهندس موسوی حمایت و برای مقابله‌ی با او رقبای انتخاباتی‌اش را صحنه‌گردانی می‌کند.[1] وی حتی مدعی شد که آقای هاشمی به یکی از پادشاهان کشورهای خلیج فارس مبنی بر ساقط کردن دولت نهم پیغام داده است.[2]

حمایت‌های مالی از نامزدها و تشکیل جلسات توجیهی برای نامزدها و سخنانی که علیه دیگران است، نوعی جفای اطلاع‌رسانی می‌باشد و با استفاده از فرصت، اعلام می‌شود تأکید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی زمینه‌سازی جامعه برای حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رأی و اعتمادسازی برای اجرای درست انتخابات در مرحله‌ی اخذ رأی و شمارش آن می‌باشد.» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۷ خرداد ۸۸)

۱. دکتر احمدی‌نژاد در این مناظره گفت:

«باور من این است که امروز آقای موسوی در برابر من نیست؛ تنها آقای موسوی نیست بلکه سه دولت پی در پی در برابر بنده قرار گرفته‌اند. هم آقای موسوی هم آقای هاشمی و هم آقای خاتمی که این سه در گذشته با هم بودند. در دور گذشته هم آقای موسوی از آقای خاتمی حمایت کرد و هم از آقای هاشمی حمایت کرد و هم آقای خاتمی از آقای هاشمی حمایت کرد. در واقع اینها همه با هم بودند؛ از روز اولی که این دولت تشکیل شد هجوم‌ها بود برای ضربه زدن البته مردم اینها را می‌دانند اما باید جوان‌ها هم بدانند که بنده در برابر یک کاندیدا نیستم، در برابر یک مجموعه‌ای هستم که با محوریت آقای هاشمی و همکاری آقای موسوی و خاتمی علیه بنده حرکت کردند. علت این فشار سنگین به بنده در طول چهار سال و فشارهای سنگین‌تر در ایام انتخابات به نظر من به یک مسئله برمی‌گردد. این‌که در این سه دوره یک ساختار اداری و حلقه‌های مدیریتی شکل گرفت که از مسیر انقلاب و ارزش‌های انقلاب فاصله گرفت نه این‌که در این سه دوره خدماتی نشد، چرا شد اما آرام آرام یک جریانی شکل گرفت که خود را مالک ملت، مالک انقلاب، حاکم بر مردم و دست خودش را در بیت‌المال و مسایل کشور باز می‌دید. آنها در انتخابات قبل صف‌آرایی کردند اما ملت بر آنها غلبه کرد. در طول این چهار سال تلاش کردند که دولت را ناموفق جلوه بدهند و بشکنند اما خدای متعال عنایت کرد با حمایت مردم تا اینجا آمدیم... شما سخنرانی دختر آقای هاشمی در جلسه‌ای که همسر شما و جناب آقای خاتمی هم حضور دارند را ببینید. ایشان قشنگ تشریح می‌کند و می‌گوید دوره‌ی اصلاحات [که] ادامه‌ی راه سازندگی است، در این دولت آسیب دیده است. ما آقای موسوی را می‌خواهیم برای این‌که استمرار همان راه است. یعنی اشرافیتی که جناب آقای هاشمی در این کشور پایه‌گذاری کرد، قرار است ادامه پیدا بکند. الآن نگرانی؟ آقای موسوی مردم هم می‌دانند. جنابعالی فرمودید افتخار می‌کنید به حمایت آقای هاشمی؛ معنایش چیست؟ بالاخره یک معنایی دارد. باور ما این است که صحنه‌گردان اصلی آقای هاشمی است. بالاخره ما می‌بینیم رییس ستاد انتخاباتی چه کسی است و اینها کجا می‌روند و جلسه می‌گذارند و چگونه ارتباطاتشان را برقرار می‌کنند. شما نفرمایید که ارتباطی نیست. مگر می‌توانیم چشممان را ببندید؟ مگر ملت می‌تواند چشم خود را ببندد؟ این حلقه‌ها چه شده است؟»

(متن پیاده شده از فیلم مناظره‌ی انتخاباتی دکتر احمدی‌نژاد و مهندس موسوی، ۱۳ خرداد ۸۸)

۲. دکتر احمدی‌نژاد در مناظره با مهندس موسوی گفت:

«در انتخابات قبل، از داخل وخارج، رقیب من پشتیبانی و کمک شد. در همان اوایل این دولت آقای هاشمی پیغامی برای یکی از این پادشاهان حاشیه‌ی خلیج فارس فرستاد که شما نگران نباشید؛ ظرف شش ماه این

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما در تاریخ ۱۹ خرداد ماه در واکنش به سخنان دکتر احمدی‌نژاد، در نامه‌ی خود به مقام معظم رهبری نوشت:

در مراسم بزرگداشت سالگرد امامؒ به آقای احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف‌گویی‌های فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبا و... را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهام‌های نادرست را پس بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده‌هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرار گرفته‌اند، نباشد.[1]

وی همچنین در بخش دیگری از این نامه به عدم موضع‌گیری رسانه‌ای به نفع یا ضرر افراد و جریان‌های درگیر در انتخابات اشاره کرد و نوشت:

خوب می‌دانید که در جریان انتخابات جاری، تاکنون به خاطر مسئولیت‌های رسمی‌ام، در رسانه‌ها مطلبی به نفع یا ضرر افراد و جریان‌های درگیر در انتخابات نگفته‌ام و در موارد ضروری به کلیاتی مبتنی بر حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌ها و سلامت انتخابات اکتفا کرده‌ام و رسماً گفته‌ام برنامه‌ی شرکت در انتخابات ندارم. چهار نامزد موجود برای آمدن به صحنه با اطلاع از نظر و سیاست اینجانب از من نظر نخواسته‌اند و بعد از نامزدی هم از اینجانب درخواست حمایت نکرده‌اند و اگر هم در جلساتی به هم رسیده باشیم، چیزی جز همان کلیات فوق‌الذکر را از من نشنیده‌اند و اگر حزب یا گروهی در مورد جهت‌گیری در انتخابات نظر خواسته‌اند، گفته‌ام براساس آیین‌نامه‌ی خود عمل کنند و حقیقتاً آنها با تصمیم خودشان و همکارانشان در صحنه‌اند و عمل می‌کنند و انصافاً تهمت دست‌نشانده بودن آنان ستم و بی‌حرمتی غیرقابل توجیه است.[2]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در ادامه، به برخی انتقادات خود به دولت اشاره کرده، درباره‌ی علت بزرگ‌نمایی این انتقادها گفت:

بجاست که به این حقیقت هم توجه شود که احتمالاً عوامل دولت از نظر

دولت ساقط می‌شود که بعداً افرادی رفتند، توضیح دادند و مسأله تا حدودی حل شد. معنای این حرف به روشنی طراحی‌های گسترده علیه این دولت را می‌رساند در حالی که این دولت در خدمت مردم بود.» (همان)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸

۲. همان؛ ۲۰ خرداد ۸۸

اینجانب مطلعند که من ادامه‌ی وضع موجود را به صلاح نظام و کشور نمی‌دانم و خود جناب‌عالی هم از این نظر من مطلعید و دلایل آن را هم می‌دانید.[۱] ولی این نظر را رسانه‌ای نکرده‌ام و خود عوامل دولت در این مورد بزرگ‌نمایی کرده‌اند که هدف بزرگ‌نمایی در آن مناظره روشن شد.[۲]

جستجو در مجموعه مواضع منتشر شده‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۸۸ نشان می‌دهد که شخصِ وی در ایام تبلیغات انتخاباتی تنها در یک مورد با نام بردن از یکی از کاندیداهای این انتخابات از وی تجلیل کرده است که البته از این مورد نیز نمی‌توان به «حمایت انتخاباتی» تعبیر کرد. وی در تاریخ ۵ خرداد ماه در همایش تجلیل از پیش‌کسوتان دفاع مقدس در حسینه‌ی شماره یک جماران، ضمن اشاره به مسائل جنگ و روند پذیرش قطعنامه با نام بردن از دکتر محسن رضایی از شجاعت وی در نگارش نامه به امامؒ تجلیل کرد. وی در این باره گفت:

آقای رضایی در زمانی عنوان کرد که من برای ادامه‌ی جنگ و عملیات لیست بزرگی از اقلام و تجهیزات نیاز دارم. من هم گفتم این را بنویسید تا به امام بدهیم. البته بعضی فکر می‌کنند من به ایشان گفتم که آن چیزها را بنویسند. بالاخره ایشان گزارش میدان را تقدیم امام کرد. همه‌ی اقلام مورد نیاز خود را نوشت و گفت که با این وضعیت ۵ سال دیگر می‌توانیم اولین عملیات را انجام دهیم. ایشان واقعاً شهامت کرد که واقعیت نیاز میدان جنگ را گفت.[۳]

پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری نیز شایعاتی با این مضمون منتشر شد که هاشمی رفسنجانی در هنگام رأی دادن، در مقابل دوربین‌ها شماره‌ی کد آقای موسوی را می‌پرسد. دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما با صدور اطلاعیه‌ای به تکذیب این شایعه پرداخت.[۴]

---

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خرداد ماه ۱۳۸۹ در مصاحبه‌ای با ماهنامه‌ی مدیریت ارتباطات گفت: «همه می‌دانستند که نسبت به دیگر نامزدها بی‌طرف هستم. کاری نداشتم که مردم به چه کسی رأی می‌دهند ولی همه می‌دانستند که روحیه‌ی کاری من با این شیوه‌ی اداره‌ی جامعه سازگار نیست.»
(ماهنامه‌ی *مدیریت ارتباطات*، ش ۲، خرداد ۱۳۸۹)

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸

۳. همان؛ ۹ خرداد ۸۸

۴. دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۳ دی‌ماه ۸۹ با صدور اطلاعیه‌ای در واکنش به اظهارات حجت

۴. صحنه‌گردانی حوادث پس از انتخابات

یکی از مسایلی که در جریان حوادث پس از انتخابات به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نسبت داده شد، اتهام صحنه‌گردانی حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری و مدیریت پشت صحنه‌ی مدعیان تقلب در انتخابات بود.

این ادعا خصوصاً پس از بازداشت و دستگیری برخی از شخصیت‌های اصلاح‌طلب و محاکمه‌ی آنها در دادگاه و اظهارات یکی از متهمان مبنی بر هم‌قسم شدن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با آقایان خاتمی و موسوی در جهت پشتیبانی از یکدیگر[1] و نیز پخش این سخنان از برخی رسانه‌ها شکل جدی‌تری به خود گرفت.

الاسلام والمسلمین ذوالنوری نوشت:
«مدتی هست که حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی ذوالنوری، جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در همه‌ی سخنرانی‌های خویش مانند ترجیع‌بند شعرا، می‌گوید: «آقای هاشمی روز انتخابات ریاست جمهوری دهم جلوی دوربین‌ها می‌گویند کُد آقای موسوی چند است و از این طریق می‌خواهند به داخل و خارج پیام بدهند» اوایل به دلیل دروغ‌های فراوان دیگری که به ایشان منتسب می‌کنند و جامعه نیز به ماهیت و اغراض سیاسی گویندگان این‌گونه مطالب پی برده‌اند، آن را کم‌اهمیت تلقی می‌کردیم، ولی وقتی این مطلب کذب بارها و بارها در محافل و سخنرانی‌ها توسط ایشان به عنوان یک سند متقن! معرفی می‌شود و اخیراً هم به بهانه‌ی پرداختن به راهپیمایی روز نهم دی مجدداً توسط ایشان تکرار شده، لازم است به‌عنوان افشای یک نمونه از صدها دروغ و خلاف‌گویی به آن پاسخ دهیم. در مراجعه به فیلم حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در حسینیه‌ی جماران، که فایل صوتی و تصویری آن نیز موجود می‌باشد، از لحظه‌ی اول تا پایان مصاحبه، نامی از هیچ یک از نامزدها برده نمی‌شود و جای تأسف دارد مسئولی در این رده که وظیفه‌ی خویش را این روزها بصیرت‌افزایی در جامعه می‌داند، به گزارش‌های بی‌اساس و از پایه دروغ استناد نماید. مگر این‌که ایشان سند این اظهارات خود را از جای دیگری گرفته یا دیده باشد که ما بی‌خبریم. نکته‌ی جالب این است که در یکی از همین سخنرانی‌ها می‌گوید: من که مانند معرکه‌گیرها این‌ور و آن‌ور می‌گردم و حرف می‌زنم، برای هر حرف خود سند دارم. ضمن دعوت خوانندگان به مشاهده‌ی مشروح فیلم رأی دادن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در حسینیه‌ی جماران، و قضاوت در مورد میزان صحت ادعای آقای ذوالنوری با واقعیت، امیدواریم بقیه‌ی گزارش‌هایی که ایشان در مقام جانشین نماینده‌ی ولی‌فقیه در سپاه پاسداران به مسئولان و مردم می‌دهند، از این دست نباشد که در آن صورت همگان بر ادعای صداقت ایشان تشکیک می‌نمایند و این به هیچ‌وجه به صلاح انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران و نهاد منتسب به آن نخواهد بود.» *(پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی)*

۱. سید محمدعلی ابطحی در جریان محاکمات خود در دادگاه گفت:
«ما بعد از انتخابات روز شنبه جلسه‌ی مشترکی که من از آن اطلاع داشتم، جناب آقای هاشمی رفسنجانی و جناب آقای خاتمی و جناب آقای مهندس موسوی داشتند که در آنجا تقریبا هم قسم شده بودند که پشت هم را خالی نکنند و به همدیگر کمک کنند و در حقیقت تنها نگذارند همدیگر را در حالی‌که معلوم نبود که این تنها گذاشتن برای چیست؟ یعنی بعد از ۱۱ میلیون؛ شنبه مشخص شده بود. در آنجا این حمایت‌ها هیچ‌کدام به

اداره‌ی کل روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام اما در تاریخ ۱۰ مرداد ماه با قاطعیت این ادعا را تکذیب کرد. متن این تکذیبیه بدین شرح بود:

با توجه به اظهارات یکی از بازداشت‌شدگان اخیر در خصوص هم‌قسم شدن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با آقایان خاتمی و موسوی در جهت پشتیبانی از همدیگر، به اطلاع می‌رساند این خبر از اساس کذب محض است و معلوم نیست در چه شرایط و ملاحظاتی بیان شده است.

جهت تنویر افکار عمومی به اطلاع می‌رساند در دیداری که بعدازظهر شنبه و بعدازظهر جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام و نه روز دوشنبه با حضور آقایان خاتمی، موسوی و حاج حسن خمینی انجام شده بود، آقای خاتمی اعلام مواضع خود را به تشکیل جلسه‌ی مجمع روحانیون مبارز موکول کرده و آقای موسوی نیز مواضع خود را با صدور بیانیه‌ای که قبلاً منتشر شده اعلام کرده و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در آن جلسه بر رعایت موازین قانونی در اعلام مواضع و پی‌گیری خواسته‌ها تأکید کرده بودند و همان‌گونه که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نامه‌ی مورخه ۱۳۸۸/۳/۱۹ خود تصریح کرده‌اند، در این انتخابات از هیچ یک از نامزدها حمایت نداشتند و در جریان حوادث بعد از انتخابات کوچک‌ترین دخالتی نکرده‌اند و نظر ایشان برای برون رفت از وضع

دلیل حمایت از شخص آقای موسوی نبود. حمایتی بود از یک اتفاقی که هر کسی دلیل خودش را داشت. من معتقدم آقای موسوی شاید کشور را نمی‌شناخت. دلیل آقای موسوی که اینجور ایستاده بود این بود که اتفاقات کشور را نمی‌شناخت. آقای خاتمی من با همه‌ی ارادتی که خدمت ایشان دارم و هویتم را از ایشان دارم و در آینده و گذشته هم ارادت دارم خدمت ایشان ـ آقای خاتمی اتفاقاً برعکس؛ همه‌ی اتفاقات را می‌دانست، قدرت کشور را می‌شناخت، قدرت نظامی و انتظامی کشور را می‌شناخت. قدرت رهبری را می‌شناخت، توانایی‌ها و اقتدار رهبری را می‌شناخت. اما در عین حال شاید بخاطر شکستی که در این انتخابات اتفاق افتاده بود با آقای موسوی همراه شدند که کاری که آقای خاتمی کردند یک نوع معنای خائنانه‌ای برای کشور می‌توانست داشته باشد.» *(متن پیاده شده از فیلم اعترافات سید محمدعلی ابطحی)*

ابطحی اضافه کرد: «هاشمی در ذهن خود قصد انتقام از احمدی‌نژاد و مقام معظم رهبری را داشت؛ اینها، همه مسائلی بود که در ذهن موسوی به عنوان توهم همراهی شکل گرفته بود.» عضو مجمع روحانیون مبارز با بیان این‌که موضع هاشمی رفسنجانی موضعی انتقام‌گیرانه بود، گفت: «موضع هاشمی نسبت به احمدی‌نژاد موضعی انتقام‌گیرانه بود و دلایل این انتقام‌گیری هم در سه یا چهار سال گذشته شکل گرفته بود که در مناظره‌ها هم قوی‌تر شد و علاوه بر احمدی‌نژاد، مواضع هاشمی یک نوع مقاومت و انتقامی نیز از رهبری تلقی می‌شود که البته نامه‌ی وی هم خود نشانه‌ای بر این فضا است.»

(*خبرگزاری فارس*؛ ۱۰ مرداد ۸۸، کد خبر: ۸۸۰۵۱۰۰۵۷۲)

نامناسب جاری همان است که در خطبه‌های نمازجمعه مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۴ بیان کرده‌اند. پس هرگونه مطلبی خارج از این چهارچوب کذب محض می‌باشد. انشاءالله همه‌ی ما در بیان مطالب و همچنین اعتراف گرفتن از بازداشت‌شدگان اخیر برای خوشایند یک جریان خاص، اصل و اساس نظام را زیر سؤال نبریم.[1]

۵. امتناع از اقامه‌ی نمازجمعه‌ی تهران

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ مجموعاً سه مرتبه به ایراد خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران پرداخت. وی ابتدا در تاریخ هفتم فروردین ماه اولین نمازجمعه‌ی این سال را اقامه کرد. سپس در تاریخ چهارم اردیبهشت ماه به ایراد خطبه پرداخت. وی در اولین روز از خرداد ماه نیز سومین خطبه‌ی خویش را ایراد کرد.

پس از اعلام نتایج انتخابات ۲۲ خرداد ماه، فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور شاهد نوعی سکوت و کاهش اتخاذ موضع از جانب وی بود.

در این فاصله تنها اخباری کوتاه از مواضع وی در چهار دیدار رسمی منتشر شد. این چهار دیدار عبارت بود از دیدار با «خانواده‌ی شهدای هفتم تیر» در تاریخ ۷ تیر، دیدار با جمعی از «خانواده‌های بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات» در تاریخ ۱۳ تیر، دیدار با «جمعی از طلاب مرکز مشاوره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان» در تاریخ ۲۱ تیر و دیدار با «جمعی از اعضای اتحادیه‌ی مسکن طلاب قم» در تاریخ ۲۳ تیر ماه.[2] در این فاصله پایگاه اطلاع‌رسانی وی از دریافت نظرات مردم و انتقال آنها به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خبر می‌داد.[3]

---

۱. روزنامه ***جمهوری اسلامی***؛ ۱۱ مرداد ۸۸

سیدمحمدعلی ابطحی یک سال پس از سخنان خود در صفحه‌ی فیس بوکش با انتشار عکسی از خود در دادگاه متهمان حوادث بعد از انتخابات نوشت: «پارسال مثل امروزی دادگاه داشتیم. روز قبلش تمرین کرده بودیم! چه روزی بود...» (سایت خبری، تحلیلی *آفتاب نیوز*، کد مطلب: ۱۰۴۵۳۳)

۲. در اخبار منتشر شده از دو دیدار آخر هیچ‌گونه موضع‌گیری سیاسی مشاهده نمی‌شد.

۳. این پایگاه ابتدا در یادداشتی چنین نوشت:

«ضمن پوزش از بروز برخی مشکلات فنی در برخی ساعات روزهای گذشته و سپاس و قدردانی از

با توجه به طولانی شدن زمان عدم حضور هاشمی در نمازجمعه‌ی تهران عده‌ای شایعه‌ی استعفای وی از امامت موقت جمعه‌ی تهران را مطرح کردند. لذا حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا تقوی (رییس شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی

عموم کاربران محترم پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ریاست مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام که با ارسال حجم وسیعی از پیام‌ها و اظهارنظرها آمار بی‌سابقه‌ای را در بازدید از سایت شخصی ایشان رقم زدند به اطلاع کلیه‌ی علاقه‌مندان می‌رساند تمامی دیدگاه‌های دریافتی در اسرع وقت به اطلاع ایشان خواهد رسید.» ***(پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی)***

این پایگاه اطلاع‌رسانی چندی بعد در پیام دیگری خطاب به کاربران خود نوشت:

«هزاران بازدید روزانه و ارسال انبوه یادداشت‌های کاربران محترم سایت در شرایطی که از سقف امکانات و خدمات فنی پیش‌بینی شده‌ی پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بسیار فراتر رفته و موجبات عذر تقصیر مجدد ما را نیز فراهم آورده و لیکن از منظری دیگر ما را مجدانه متعهد به حفظ و ارتقای تعامل درخواستی اقشار مختلف مردم با معظم‌له از طریق این فضای محدود رسانه‌ای نموده است لذا ضمن قدردانی مجدد از کلیه‌ی هم‌میهنان داخل و خارج کشور نظیر نخبگان، همراهان و یاران دفاع مقدس، پیش‌کسوتان دوران مبارزه، جوانان، نوجوانان، روزنامه‌نگاران، طلاب و فضلای حوزه‌ی علمیه‌ی قم، بازرگانان و تجار و کلیه‌ی اقشار مختلف مردم قدرشناس اعم از زن و مرد که با ابراز علاقه‌مندی و ارسال یادداشت‌های بسیار گسترده‌ی روزانه به طرح دیدگاه‌ها، نقطه نظرات، پیام‌های قدردانی، انتظارات و حتی برخی انتقادات پرداخته‌اند، می‌رساند که این یادداشت‌ها در حال حاضر در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با رعایت امانت کامل به استحضار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌رسد.» (همان)

سومین پیام پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به کاربران خود نیز به شرح زیر بود:

«رد پای توجه ویژه به افکار عمومی در بیش از نیم قرن عمر سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به وضوح در ادوار مختلف مشهود و ملموس است و این مهم به شکل نهادینه‌ای در اندیشه و تفکرات فقهی، سیاسی و حتی مبارزاتی ایشان در این پنج دهه جانمایی گردیده است. نکته‌ی فوق از آن جهت یادآوری گردید که خاطر عزیزان و علاقه‌مندان بسیار بازدیدکننده از پایگاه اطلاع‌رسانی را آسوده گرداند که ما همواره امانتدار و تکریم‌کننده‌ی مجموعه پیام‌ها، پیشنهادات، انتقادات و اظهارنظرهای متنوع و متکثر شما در سطوح مختلف خواهیم بود چرا که این توجه خاص و ویژه به دیدگاه‌های افکار عمومی تفکر همیشگی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بوده، هست و خواهد بود و تلاش ما در آینده‌ی نزدیک معطوف به شکل‌گیری برقراری تعامل متقابل علاقه‌مندان و ایشان در همین راستا قرار دارد.» (همان)

آخرین پیام این پایگاه در فاصله‌ی اعلام نتایج انتخابات تا ایراد خطبه‌های نمازجمعه توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز به شرح زیر بود:

«قدردانی و تکریم مجدد ما را نسبت به تعامل و بازدیدهای فوق‌العاده‌ی خود پذیرا باشید و توجه داشته باشید که دقت شما در ارسال یادداشت‌ها همراه با یکی از موضوعات پیشنهادی (پیام حمایت و همراهی، گلایه و انتقاد، درخواست و تقاضا، پیشنهاد، گزارش مردمی، سؤال و رهنمود)، ما را در تسریع ایجاد ارتباط درخواستی، یاری خواهد بخشید. لذا خواهشمند است حتماً موضوع یادداشت‌ها را با یکی از پیش فرض‌های پیشنهادی فوق مشخص و ارسال فرمایید. ضمن آن‌که مجدداً یادآور می‌شویم کلیه‌ی یادداشت‌ها و آدرس‌های پست الکترونیک بازدیدکنندگان امانتی گران‌مایه از شما نزد ماست که تمام مساعی خود را به کار می‌گیریم تا امانتداری متناسب با صداقت شما عزیزان باشیم.» (همان)

جمعه‌ی تهران) در تاریخ ۱۵ تیر ماه با تکذیب این شایعه گفت:

قبلاً نیز این مسایل پیش می‌آمد که اقامه‌ی نماز نوبت ایشان بود و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به جای ایشان نماز خواندند[1] و بعد نیز نوبت دیگران بود که نماز را بخوانند. ان‌شاءالله در هفته‌های آتی روند مانند همیشه ادامه پیدا خواهد کرد و ما شاهد اقامه‌ی نمازجمعه‌ی تهران به امامت آقای هاشمی خواهیم بود.[2]

در حالی که افکار عمومی جامعه منتظر اتخاذ موضع از جانب هاشمی بود، پایگاه اطلاع‌رسانی وی در تاریخ ۲۱ تیر ماه از اقامه‌ی نمازجمعه‌ی تهران توسط وی در روز ۲۶ تیر ۸۸ خبر داد.[3]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ مذکور ضمن حضور در نماز جمعه‌ی تهران، راه‌کارهای خویش برای برون رفت از شرایط خاص کشور را در قالب خطبه‌های نمازجمعه بیان کرد. این راه‌کارها واکنش‌های متفاوت شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی را برانگیخت.

پس از هاشمی، ائمه‌ی جمعه‌ی تهران هر یک بنا به نوبه‌ی خود خطبه‌های جمعه را ایراد کردند تا این‌که در تاریخ ۱۵ مرداد ماه نوبت به آیت‌الله امامی کاشانی رسید. با توجه به این‌که نوبت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از آیت‌الله امامی کاشانی بود. لذا روزنامه‌ی خبر به منظور بررسی این‌که آیا هاشمی در نمازجمعه‌ی هفته آینده [۲۳ مرداد ماه] حضور خواهد داشت با سیدرضا تقوی (رییس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه) تماس گرفت که او در پاسخ گفت:

حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نمازجمعه آینده هنوز مشخص نیست و بستگی به صحت و سلامت و نوبت ایشان دارد.[4]

---

۱. مقام معظم رهبری یک هفته پس از انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۲۹ خرداد ماه خطبه‌های نمازجمعه را ایراد کردند

۲. سایت خبری، تحلیلی *خبرآنلاین*، ۱۵ تیر ۸۸، کد خبر: ۱۲۱۱۵

۳. در متن این خبر چنین آمده بود:

«دانشگاه تهران ۲۶ تیرماه میزبان رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس مجلس خبرگان رهبری است و نمازجمعه‌ی این هفته‌ی تهران به امامت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اقامه خواهد شد.»

(پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی)

۴. سایت خبری، تحلیلی *خبرآنلاین*، ۱۵ مرداد ۸۸، کد مطلب: ۱۴۱۱۶

تقوی با بیان این‌که رهبر انقلاب امام جمعه‌ی تهران هستند، اظهار داشت:

حضور خطیب جمعه یک هفته زودتر و توسط مقام معظم رهبری تعیین می‌شود. از دفتر مقام معظم رهبری با امامان موقت جمعه هماهنگی می‌شود.[۱]

هم‌زمان نیز شایعاتی مبنی بر عدم اقامه‌ی نماز توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی منتشر می‌شد لذا پایگاه اطلاع‌رسانی وی در تاریخ ۱۷ مرداد ماه اعلام کرد:

نمازجمعه‌ی این هفته توسط امام جمعه‌ی موقت تهران آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رییس مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام در روز جمعه بیست و سوم مرداد ماه اقامه خواهد شد.[۲]

پس از اعلام این خبر حجت الاسلام مسعود مرادی (رییس ستاد اقامه‌ی نمازجمعه‌ی تهران) در مورد خطیب این هفته‌ی تهران ابراز بی‌اطلاعی کرد و عنوان داشت:

اگر دفتر رهبری به خطیب اعلام کرده برای وی رسمی است ولی اعلام عمومی بر عهده‌ی ستاد اقامه‌ی نمازجمعه است. ستاد نمازجمعه‌ی تهران هنوز اطلاعی از خطیب این هفته‌ی نمازجمعه ندارد و طبق روال، روز سه شنبه خطیب این هفته‌ی نمازجمعه به ما اعلام می‌شود. انتخاب ائمه‌ی جمعه یک روال ترتیبی دارد مگر این‌که موارد استثنایی پیش بیاید و این روال را دفتر مقام معظم رهبری و با نظر ایشان تعیین می‌شود. دفتر مقام معظم رهبری هر هفته روز دوشنبه، سه شنبه به خود امام جمعه اعلام می‌کنند که این هفته نوبت شماست و به ستاد نمازجمعه هم اطلاع می‌دهند که ما به رسانه‌ها اعلام کنیم.[۳]

وی در خصوص اعلام سایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای امامت نمازجمعه‌ی این هفته تهران اظهار داشت:

شاید دفتر مقام معظم رهبری به ایشان اعلام کرده‌اند ولی ما خبر نداریم و به ستاد نمازجمعه هم هنوز اعلام نشده است و هر وقت به ما اعلام کنند ما به رسانه‌ها اطلاع خواهیم داد. خبر رسمی امام جمعه‌ی تهران را ستاد برگزاری نمازجمعه‌ی تهران اعلام می‌کند و اگر دفتر مقام معظم رهبری به دفتر خطیب اعلام کرده برای وی رسمی است ولی اعلام عمومی بر عهده‌ی ستاد اقامه‌ی نمازجمعه است. ستاد

---

۱. همان

۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۱۷ مرداد ۸۸

۳. روزنامه *مردم‌سالاری*، ۱۸ مرداد ۸۸

نمازجمعه هنوز اطلاعی از خطیب این هفته‌ی نمازجمعه ندارد و طبق روال روز سه شنبه خطیب این هفته‌ی نمازجمعه به ما اعلام می‌شود.[۱]

پس از این واکنش، پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۸ مرداد ماه ضمن حذف خبر مذکور اعلام کرد که حذف خبر اقامه‌ی نمازجمعه‌ی این هفته‌ی تهران در راستای احترام و رعایت مراتب همیشگی اعلام نام خطیب نمازجمعه صورت گرفته است. توضیحات این پایگاه به شرح زیر بود:

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام بر ثبات و اعتدال و رعایت ضوابط حرکت جمعی در ساختار نظام مقدس جمهوری اسلامی چنان معتقدند که انجام هرگونه حرکتی را در تخطی از این مسیر بر نمی‌تابند و این مهم استثنایی برای ایشان ندارد چرا که رعایت تقوا و پرهیز از هرگونه تندروی آموزه‌ی اصلی و همیشگی معظم‌له برای نسل دیروز، امروز و فردای انقلاب است. از این رو وقتی «خبر موثّق» اقامه‌ی نمازجمعه‌ی این هفته‌ی تهران به جهت پاسخ به مطالبات انبوه کاربران و علاقه‌مندان بی‌شمار ایشان بر روی سایت قرار گرفت، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عنوان قدیمی‌ترین خطیب نمازجمعه که در آستانه‌ی ورود به دهه‌ی چهارم تصدی امامت جمعه‌ی موقت تهران قرار دارند، به حذف خبر و رعایت مراتب همیشگی «اعلام نام امام جمعه‌ی نماز تهران» از سوی مرجع مرتبط، دستور فرمودند تا جملگی ما بار دیگر در محضر تجربه، تعهد و کیاست ایشان آموزه‌ای دیگر بیاموزیم.[۲]

اما در تاریخ ۱۹ مرداد ماه حجت‌الاسلام والمسلمین تقوی با اشاره به انتشار خبر حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نمازجمعه‌ی ۲۳ مرداد ماه، گفت:

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده‌های سیاسی و غیرقابل قبول از جایگاه نمازجمعه، در نمازجمعه شرکت نمی‌کنند. نمازجمعه به عنوان یک امر سیاسی، عبادی همیشه از منزلت خاصی در افکار عمومی و عامه‌ی متدینین برخوردار بوده و هست لذا حفظ این منزلت بر همه‌ی ما لازم و واجب است. طبعاً همه موظفیم با تدبیر و هوشمندی، همه‌ی زمینه‌ها و بسترهایی که این جایگاه رفیع و معتمد در نظام اسلامی را مورد تعرض قرار

---

۱. همان

۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۱۸ مرداد ۸۸

می‌دهد از بین برده و اجازه‌ی شکل‌گیری آنها را ندهیم خصوصاً این‌که نمازجمعه میعاد حضور همه‌ی علاقمندان به نظام اسلامی با همه‌ی سلیقه‌ها و گرایش‌های مختلف می‌باشد.[۱]

رییس شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی جمعه‌ی کشور با اشاره به این‌که همه مایلند در محیطی معنوی و دور از هیاهوهای شبهه‌برانگیز سیاسی با آرامش خاطر در این مراسم عبادی سیاسی شرکت کنند، افزود:

لذا با این‌که بر اساس ترتیب معمول، نمازجمعه‌ی این هفته باید به وسیله‌ی حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اقامه می‌شد، خبردار شدیم که ایشان برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده‌های سیاسی و غیرمتعارف و غیرقابل قبول از این جایگاه منیع ترجیح دادند و تصمیم گرفته‌اند اقامه‌ی نمازجمعه توسط یکی دیگر از حضرات آقایان ائمه‌ی جمعه‌ی موقت تهران برگزار شود تا فضای صمیمی و روحانی این عمل سیاسی و عبادی به آنچه که نباید، آلوده نشود.[۲]

دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در همان روز در قالب انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد:

با توجه به تماس‌های بی‌شمار مردمی مبنی بر صحت و سقم اقامه‌ی نمازجمعه‌ی این هفته‌ی تهران به امامت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به اطلاع می‌رساند، رییس مجلس خبرگان رهبری و رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌خاطر جلوگیری از درگیری‌های احتمالی در مراسم سیاسی، عبادی نمازجمعه، اقامه‌ی نماز نخواهند داشت.[۳]

چندی بعد با انتشار خبر انتخاب حجت‌الاسلام والمسلمین صدیقی به عنوان امام جمعه‌ی موقت جدید تهران شایعاتی مبنی بر جانشینی وی به جای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در برخی رسانه‌ها منتشر شد که این شایعه با تکذیب روابط عمومی شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی جمعه روبه‌رو شد.[۴]

---

۱. روزنامه *کیهان*، ۲۰ مرداد ۸۸، ص ۱۴

۲. همان

۳. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۱۹ مرداد ۱۳۸۸

۴. امیرعباس جهانی مدیر روابط عمومی شورای سیاستگذاری ائمه‌ی جمعه در اول شهریور ماه شایعه‌ی جایگزینی حجت‌الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی به جای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عنوان خطیب جمعه‌ی تهران را تکذیب کرد. وی در پاسخ به این سؤال که آیا صدیقی جایگزین هاشمی رفسنجانی شده است با رد این موضوع گفت: «آقای صدیقی نیز در کنار دیگر امامان موقت جمعه‌ی تهران به

۲۷ شهریور ماه مصادف با آخرین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان و روز قدس بود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی طی سالیان گذشته همواره خطیب نمازجمعه‌ی روز قدس بود. همین مناسبت کافی بود تا بار دیگر بحث امامت جمعه‌ی وی به عنوان بحث روز مطرح شود.

در تاریخ ۲۱ شهریور ماه پیرو انتشار اخباری مبنی بر انصراف آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از اقامه‌ی نمازجمعه‌ی روز قدس و تعیین حجت الاسلام والمسلمین سیداحمد خاتمی به عنوان امام جمعه‌ی این روز، دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی صحت این خبر را تکذیب کرد. به گزارش «پایگاه خبری تحلیلی آینده» دفتر هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سؤال «آینده» با اعلام این‌که تا این لحظه درباره‌ی امامت جمعه‌ی این هفته‌ی تهران برنامه‌ای به دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اعلام نشده، هرگونه اخبار درباره‌ی انصراف یا تغییر امام جمعه را بی‌اساس دانست.[1]

چندی بعد «شبکه‌ی تلویزیونی العربیه» و برخی سایت‌های اینترنتی شایعاتی مبنی بر اعتراض آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری نسبت به عدم اجازه به وی برای اقامه‌ی نمازجمعه را منتشر کردند که این شایعه در تاریخ ۲۳ شهریور ماه توسط پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نقل از یک منبع آگاه در بیت مقام معظم رهبری تکذیب شد.[2]

وظیفه‌ی خطیر اقامه‌ی نماز جمعه‌ی تهران خواهد پرداخت.» (روزنامه *ابتکار*، ۲ شهریور ۸۸)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۲ شهریور ۸۸

۲. شبکه‌ی تلویزیونی العربیه و برخی سایت‌های اینترنتی در گزارشی مدعی شدند: «اکبر هاشمی رفسنجانی در دیدار اعضای مرکز تحقیقات استراتژیک وابسته به مجمع تشخیص مصلحت نظام که ریاست آن را حسن روحانی به عهده دارد با اشاره به دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای گفته است: «من از همه چیز کناره‌گیری خواهم کرد، اجازه‌ی اقامه‌ی نمازجمعه را هم نمی‌دهند.» هاشمی رفسنجانی رییس مجلس خبرگان رهبری به آیت‌الله خامنه‌ای گفته است: «شما نباید دستور دستگیری مهدی کروبی را صادر می‌کردید.» هاشمی در این دیدار همچنین اعلام کرده‌است که «با ادامه‌ی این روند، اوضاع پیچیده‌تر خواهد شد» و پاسخی که آیت‌الله خامنه‌ای به او داده تنها سکوت بوده است! در پی انتشار ادعای فوق، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۲۳ شهریور ماه ۸۸ اعلام کرد: «خبرنگار ما در تماس با یک منبع آگاه در بیت مقام معظم رهبری کسب اطلاع کرد که این ادعا از اساس نادرست بوده و تکذیب می‌شود.» (*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۳ شهریور ۸۸)

اما در روز چهارشنبه ۲۵ شهریور ماه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در اولین مصاحبه‌ی خود بعد از انتخابات ریاست جمهوری با پاسخ به پرسش «شبکه‌ی خبری العالم» مبنی بر علل غیبتش به عنوان خطیب نمازجمعه‌ی روز قدس به بحث امامت خود در نماز جمعه‌ی این روز پایان داد. وی در پاسخ پرسش «العالم» گفت:

> حضور افراد خیلی تفاوت نمی‌کند. بالاخره هر خطیبی که به نمازجمعه بیاید و برای مردم صحبت بکند از حق مردم فلسطین دفاع خواهد کرد و با محکوم کردن ظلم‌های رژیم اسراییل علیه ملت فلسطین خواسته‌های ملت ایران را نیز مطرح خواهد کرد. فکر نمی‌کنم ضرورت داشته باشد که همیشه بعد از ۳۰ سال باز هم من آن روز خطبه بخوانم. بالاخره من در سایر خطبه‌های نمازجمعه هم می‌توانم حرف‌های فلسطینی‌ها را بزنم به نظر من خیلی نباید به این مسأله ابعاد سیاسی داد.[۱]

وی در پاسخ به این پرسش که رسانه‌های خارجی می‌گویند عدم حضور شما بیان‌گر اختلافات است، گفت:

> ما هر کاری هم که انجام بدهیم آنها مسأله‌ی اختلافات را مطرح می‌کنند. در طول ۳۰ سال انقلاب اسلامی در ایران همواره قدرت‌های استکباری مسأله‌ی اختلاف و جنگ قدرت را مطرح کرده‌اند؛ در حالی که ما در ایران خودمان از این مسأله خبر نداریم. ما با رفاقت و همدلی همواره در راستای اداره‌ی هرچه بهتر کشور کمک می‌کنیم.[۲]

در اسفند ماه ۸۸ دو سایت خبری نزدیک به دولت از بازگشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به نماز جمعه‌ی تهران خبر دادند. روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام اما در این زمینه اظهار بی‌اطلاعی کرد.[۳] آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تا

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۵ شهریور ۸۸ کد خبر : ۱۱۹۰۸۸۰۰۶۰۲۵

۲. همان

۳. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در این باره نوشت:

«دو سایت خبری نزدیک به دولت از بازگشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به نماز جمعه‌ی تهران خبر دادند. به گزارش شفاف به نقل از پرچم یک منبع آگاه در این باره گفت: رایزنی‌هایی نیز در این زمینه انجام شده و شخصیت‌های سیاسی مختلفی از حضور دوباره‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نمازجمعه‌ی تهران استقبال کرده‌اند. روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام دیروز در این زمینه اظهار بی‌اطلاعی کرد.»

(روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۹ اسفند ۸۸)

پایان سال ۱۳۸۸ هیچ نمازجمعه‌ای را امامت نکرد.[1]

---

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۲ فروردین ماه ۸۹ در دیدار مدیر مسئول و اعضای شورای سردبیری روزنامه فرهنگ آشتی در پاسخ به یکی از حاضران درباره‌ی عدم شرکتش در نمازجمعه‌ی تهران تأکید کرد: «وظیفه‌ی امام جمعه آگاه کردن جامعه در خصوص مسایل جاری کشور و روابط بین‌المللی است و زمانی که احساس کنم ضرورت دارد، شرکت خواهم کرد.»

(روزنامه *فرهنگ آشتی*؛ ۲۳ فروردین ۱۳۸۹، ص ۱)

حجت‌الاسلام و المسلمین تقوی (رییس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه) اما در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۸۹ درباره‌ی احتمال حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نمازجمعه با توجه به حاکم شدن آرامش در جامعه اظهار کرد: «در حال حاضر آرامش در کشور حاکم است، ولی این مسأله‌ی دیگری است که باید در مورد آن تصمیم گرفت و صحبت کرد.» وی در عین حال گفت: «نمی‌خواهم در این مورد اظهارنظر کنم.» (*خبرگزاری ایسنا*؛ ۱۲ اردیبهشت ۸۹، کد خبر: ۶۵۶۱-۰۶-۸۹۰۲)

پایگاه‌اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۶ تیر ماه ۸۹ در کنار انتشار مجدد خطبه‌های نمازجمعه‌ی سال گذشته‌ی وی و اخذ نظرات کاربران خویش درباره‌ی آن نمازجمعه، با طرح پرسشی ویژه از کاربران خود خواست تا نظر خویش درباره‌ی انتظار خود از نمازجمعه‌ی بعدی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را بیان کنند. دیگر پرسش‌های این سایت از کاربران خود عبارت بود از: آیا نمازجمعه هاشمی مقبول مردم شد یا مغضوب؟ در کنار تفکر تشریفاتی بودن آرای مردم قرار گرفت یا در مقابل آن؟ ایراد چنین خطبه‌هایی در آن شرایط عافیت طلبانه بود یا خیر؟ راه‌گشای گشایشی برای شرایط موجود زمان خود شد یا خیر؟ مسیر تندروی‌ها را سد کرد یا هموار؟ دریچه‌ای را برای آینده باز گذاشت یا خیر؟ همراه با فشارهای روانی بر مردم شد یا در مقابل آنها ایستاد؟ اگر هاشمی نمازجمعه را نخوانده بود پیش‌بینی شما از روند امورچه بود؟ (*پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ ۲۶ تیر ۱۳۸۹)

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدرضا تقوی بار دیگر در تاریخ ۲۹ تیر ماه ۸۹ در حاشیه‌ی همایش نمازجمعه و رسانه در پاسخ به سؤالی مبنی بر دلیل عدم اقامه‌ی نمازجمعه‌ی تهران توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با توجه به سابقه‌ی وی در این زمینه خاطرنشان کرد: «ممکن است یک امام جمعه مدتی خطبه‌های نمازجمعه را بخواند و نماز به امامت ایشان برگزار شود و بعداً به دلایلی این اقدام را انجام ندهد و این فقط مربوط به آقای هاشمی رفسنجانی نیست.» وی یادآور شد: «زمانی آیت‌الله مهدوی‌کنی در تهران نمازجمعه می‌خواند، آیت‌الله یزدی نیز همچنین، ولی بعد از مدتی نخواندند و کنار رفتند. این مسأله در ارتباط با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز پیش آمده است. در فضای بعد از انتخابات عده‌ای می‌خواستند از نمازجمعه‌ی ایشان سوء استفاده کنند. من در نمازجمعه‌ی آخر ایشان سخنران پیش از خطبه بودم و هنگامی که سخنرانی می‌کردم با مشکلات زیادی مواجه شدم؛ چراکه در موقعی که صحبت می‌کردم عده‌ای چند متر آن طرف‌تر شعار می‌دادند.» وی خاطرنشان کرد: «اگر این باب را در نمازجمعه باز کنیم که هر کسی ناکامی سیاسی دست پیدا می‌کند، بخواهد جرأت کند و بیاید و نمازجمعه را به هم بریزد نمی‌توانیم در کشور نمازجمعه اقامه کنیم، ما همیشه از این‌که مسائل سیاسی و این رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی وارد مقوله‌ی نمازجمعه شود، پرهیز داشته‌ایم.» رییس شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی جمعه ادامه داد: «در آن نمازجمعه عده‌ای شعار می‌دادند و حتی در موقع خطبه‌ها نیز ساکت نبودند، و در واقع حواس مردم را پرت می‌کردند و چنین فضایی نیز هنگامی که آقای هاشمی رفسنجانی نماز را اقامه می‌کردند، به وجود آمد. هر موقع که بحث و خبری منتشر می‌شد که قرار است آقای هاشمی نمازجمعه را اقامه کند، پیامک‌هایی فرستاده می‌شد که برویم نمازجمعه را به هم بریزیم. خود حضرت آقای هاشمی

۶. عدم حضور در مراسم تنفیذ و تحلیف رییس جمهور

پس از خطبه‌های نمازجمعه‌ی هاشمی آنچه باعث شد تا وی بار دیگر در کانون توجه رسانه‌ها قرار گیرد، عدم حضور او در مراسم تنفیذ و تحلیف ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد بود. این دو مراسم به ترتیب در تاریخ ۱۲ و ۱۴ مرداد ماه برگزار شد.[1]

اعلام کردند که عده‌ای سعی می‌کنند از نمازجمعه و حضور من در نمازجمعه سوء استفاده کنند و خودم در نمازجمعه نمی‌آیم. من تلفنی با ایشان صحبت کردم، تماس داشتیم و همین صحبت را مطرح کردم و در واقع آقای هاشمی مصلحت نمازجمعه را بالاتر از این مسائل می‌دانست و چنین تصمیمی را گرفتند.» وی با بیان این‌که «چه ایرادی دارد که فردی جدید برای ایراد خطبه‌ها بیاید و فرد قدیمی برود» گفت: «اکنون در تابستان که فصل نقل و انتقالات است ما بیش از ۶۰ امام جمعه را جا به جا می‌کنیم. عده‌ای از ائمه‌ی جمعه خود کنار می‌روند و عده‌ای نیز جا به جا می‌شوند و عده‌ای نیز خودشان خودشان را بازنشسته می‌کنند.» وی خطاب به خبرنگاران گفت: «حساسیت‌هایی که شما بیان کردید را مسائل سیاسی و سیاسیون ایجاد می‌کنند، وگرنه این مسأله در نمازجمعه یک امر طبیعی است که کسی مدتی نمازجمعه را نخواند و یا فرد قدیمی کنار برود و فرد جدیدی بیاید.» (روزنامه *کیهان*، ۳۰ تیر ۸۹)

حجت الاسلام تقوی، رییس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، در تاریخ ۴ مرداد ماه ۸۹ نیز در گفتگو با روزنامه‌ی شرق درباره‌ی علت جدایی آقای هاشمی رفسنجانی از نمازجمعه گفت: «این فقط مختص ایشان نبوده. آیت‌الله موسوی اردبیلی، آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله یزدی و آیت‌الله طاهری خرم آبادی مدت زمانی امامت نمازجمعه را بر عهده داشتند و بعداً نیامدند. آقای هاشمی هم مثل این آقایان روزی امامت نمازجمعه را بر عهده داشتند.» وی افزود: «البته نیامدن ایشان در شرایطی بوده که مسائل پس از انتخابات به وجود آمد. هر روزی که ایشان قصد داشت به نمازجمعه برگردد یک جبهه بندی حول و حوش نمازجمعه پیش می‌آمد که خود ایشان گفتند من نمازجمعه نیایم به صلاح است.» حجت الاسلام تقوی در ادامه‌ی گفت‌وگویش با روزنامه‌ی شرق درباره‌ی دعوت از آقای هاشمی برای حضور در نمازجمعه هم اظهار داشت: «اول چرا ولی بعداً تقاضا نکردیم. شرایط هم باید مناسب باشد. اگر با آمدن ایشان همین مسائل و فتنه‌ها بازهم راه بیفتد، ما مصلحت نمی‌دانیم نمازجمعه را در این مسائل بیندازیم.» وی در پایان در پاسخ به این سوال که شرایط چه موقع برای آمدن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به نمازجمعه‌ی تهران مهیا می‌شود، گفت: «نمی‌دانم. هنوز به آنجا نرسیده‌ایم.» (روزنامه *شرق*، ۴ مرداد ۸۹)

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در ایام برگزاری مراسم تحلیف ریاست جمهوری سفری به شمال کشور داشت. برخی از سایت‌های حامی دولت مطالبی را درباره‌ی این سفر منتشر کردند که توسط روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام تکذیب شد. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در این رابطه نوشت:

«روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام خبر ایرنا را که به نقل از شبکه‌ی ایران به موضوع سفر اخیر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به شمال پرداخته بود و در آن از پرداخت چک پول به روستاییان توسط رییس مجمع تشخیص مصلحت خبر داده بود را نادرست خواند. در توضیحات اداره کل روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام آمده است: «خبر حاشیه‌های سفر هاشمی رفسنجانی به شمال که در آن خبرگزاری منتشر شده، از زمره‌ی خبرهایی است که می‌توان به کذب بودن آن پی‌برد.» اداره‌ی کل روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه افزود: «جهت تنویر افکار عمومی به اطلاع می‌رساند که همراهی آقای کرباسچی، اهدای مبالغ یکصد و پنجاه هزار تومانی به روستاییان، شایعه‌ی سئوال مضحک

این مسأله باعث شد تا عده‌ای ـ خصوصاً رسانه‌های بیگانه ـ عدم حضور وی را به معنای مخالفت با رهبری و اصل نظام ارزیابی کنند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اما در گزارشی از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد پس از اشاره به عدم حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این مراسم نوشت:

> از این میان، نبودِ هاشمی رفسنجانی چندان غیرمنتظره نبود و البته غیرقابل توجیه بود. غیرمنتظره نبود همچنان که وی در عید سعید مبعث هم که جمعی از مسئولان و مردم با "آقا" دیدار داشتند غایب بود. دل‌خوری و ناراحتی هاشمی رفسنجانی و احمدی‌نژاد نسبت به یکدیگر اگر به گذشته‌ی خیلی دور برگردانده نشود در طول ۴ سال گذشته‌ی دولت نهم نمودهای عینی داشت.
>
> محمود احمدی‌نژاد در بسیاری از جلسات مجمع تشخیص مصلحت شرکت نمی‌کرد و هاشمی رفسنجانی هم در بعضی از جلساتی که احمدی‌نژاد به نمایندگی از جمع سخن می‌گفت، شرکت نمی‌کرد که یکی از مهم‌ترین این جلسات، که در سال گذشته و قبل از انتخابات اخیر برگزار شد دیدار مهم هر ساله‌ی کارگزاران نظام با آقا بود که هاشمی رفسنجانی در آن شرکت نکرد.[1]

پس از مراسم تنفیذ و تحلیف ریاست جمهوری دهم، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در بسیاری از مراسم‌های رسمی نظام حضور یافت.

وی ابتدا در تاریخ ۲۶ مرداد ماه در مراسم تودیع و معارفه‌ی رؤسای قوه‌ی قضاییه حضور یافته و سخنان کوتاهی را نیز ایراد کرد. این مراسم با حضور رییس جمهور، رییس مجلس شورای اسلامی و برخی دیگر از مسئولان نظام برگزار شد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در تاریخ ۲۷ شهریور ماه نیز در راهپیمایی روز قدس شرکت کرد. مراسمی که پیش از آن، مردم را به شرکت گسترده در آن فراخوانده بود.

درباره‌ی انتخابات، پاره کردن نامه‌های مردمی و بقیه‌ی داستان سرایی‌ها کذب محض است.»
(روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۴ مرداد ۸۸)

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱۴ مرداد ۸۸

وی دو روز بعد در تاریخ ۲۹ شهریور ماه نیز در مراسم نماز عید سعید فطر به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حضور یافت.

وی در تاریخ دوم مهر ماه نیز پس از برگزاری ششمین اجلاسیه از چهارمین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری همراه با اعضای این مجلس به دیدار آیت‌الله خامنه‌ای رفته، گزارشی از عملکرد این اجلاسیه را ارائه داد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین پس از آن‌که مردم را به حضور گسترده در مراسم ۲۲ بهمن ماه فرا خوانده بود، خود در این روز به صفوف گسترده‌ی راهپیمایان پیوست.

وی در تاریخ ششم اسفند ماه نیز بار دیگر پس از اجلاسیه‌ی پنجم مجلس خبرگان رهبری، همراه با اعضای این مجلس به حضور رهبر معظم انقلاب رسیده ضمن ارائه‌ی گزارش این اجلاسیه، شنوای سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در تاریخ ۱۳ اسفند ماه در کنار سایر مسئولان نظام به مناسبت ولادت پیامبر مکرم اسلامﷺ به دیدار مقام معظم رهبری رفت.

وی البته در طول سال ۸۸ بدون وقفه و مطابق با برنامه‌ی روزانه‌ی خود به محل کار خویش در مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته و جلسات این مجمع را مدیریت کرد.

۷. حمایت از طرح گروهی از اصول‌گرایان

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۳۱ شهریور ماه در نطق افتتاحیه‌ی ششمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری پس از اشاره به راه‌کارهای خود در نمازجمعه‌ی تهران، از تدوین متنی توسط جمعی از دلسوزان نظام برای برون رفت از شرایط سال ۱۳۸۸ خبر داد و گفت:

> گروهی از افراد خیّر و خیرخواهان و دلسوزان نظام متنی را بر اساس مطالبی که از رهبری شنیدیم و دیدگاه‌های افراد صاحب‌نظر برای انتقال فضای فعلی جامعه به فضای نقادی صحیح در حال تنظیم کردن هستند.[1]

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱ مهر ۸۸

پس از بیان این سخنان برخی از گروه‌ها و شخصیت‌ها با نسبت دادن این طرح به هاشمی رفسنجانی و انتقاد از عدم اطلاع اعضای مجلس خبرگان رهبری از آن، انتقاداتی را متوجه وی کردند. دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما در پاسخ به سؤال «سایت آینده» درباره‌ی جزئیات طرح گفت:

> متن مذکور توسط تعدادی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و با نظارت آیت‌الله هاشمی در حال تهیه بوده و ارتباطی به دستور کار مجلس خبرگان نداشته است و رییس مجلس خبرگان به عنوان خبری جهت اطلاع اعضای مجلس خبرگان به آن اشاره کرده‌اند.[۱]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ پنجم مهر ماه در دیدار اعضای «شورای مرکزی خانه‌ی احزاب ایران» با اشاره به موضع برخی رسانه‌ها در مورد سخنانش در اجلاس خبرگان رهبری در خصوص طرح برخی افراد دلسوز و خیرخواه گفت:

> متأسفانه برخی افراد و رسانه‌ها که خود را در بهشت برین می‌بینند، شتاب‌زده در خصوص این اظهارات عکس‌العمل نشان دادند ولی باید متذکر شوم افرادی دلسوز در مجمع تشخیص مصلحت نظام پیشنهاد دهنده‌ی این طرح به اینجانب بودند[۲] که مورد موافقت بنده نیز قرار گرفت

---

۱. سایت خبری ـ تحلیلی *فردا*، ۲ مهر ۸۸، کدخبر: ۹۱۸۰۰

۲. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در تاریخ ششم مهر ماه با اشاره به واکنش‌های مثبت و منفی صورت گرفته نسبت به سخنان رییس مجلس خبرگان نوشت:

«براساس اطلاعات موثق یک جمع شش نفره از سران اصول‌گرایان در مرداد ماه به دیدار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌روند و با ایشان درباره‌ی پیدا کردن راهی صحبت می‌کنند که براساس آن در صدد حل مشکلات پدید آمده بعد از انتخابات ریاست جمهوری دهم و ایجاد آرامش در جامعه هستند. این افراد عبارت بودند از: آقایان حبیب‌الله عسگراولادی، حسین مظفر، مرتضی نبوی، محمدرضا باهنر، سید مصطفی میرسلیم و غلامعلی حداد عادل. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ضمن استقبال از تلاش این جمع ۶ نفره به آنها می‌گویند در عین حال که من در هیچ طرف ماجرا نیستم اما این اقدام را مفید می‌دانم و هر جا کمکی از من ساخته باشد دریغ نخواهم کرد. ایشان اضافه می‌کنند بهتر است شما طرحتان را به اطلاع رهبر معظم انقلاب هم برسانید و نظر ایشان را هم داشته باشید. این جمع ۶ نفره نقطه نظرهای خود را برای رهبری ارسال می‌نمایند و نظر ایشان را می‌خواهند. رهبر معظم انقلاب نیز با چنین اقدامی مخالفت نمی‌کنند؛ می‌فرمایند منتظر نتیجه‌ی بررسی‌ها هستند. این جمع که همگی از افراد شناخته شده‌ی جناح اصول‌گرا هستند به اقدامات خود ادامه می‌دهند و براساس اخباری که در دست می‌باشد در صدد هستند به زودی جمع‌بندی خود را ارائه نمایند. آنچه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سخنرانی افتتاحیه‌ی مجلس خبرگان مورد اشاره قرار

و قرار است نتایج آن به زودی در دیداری که با آنان خواهم داشت مورد بحث قرار گیرد.[۱]

طرح مذکور پس از تکمیل به مقام معظم رهبری تقدیم شد.[۲]

۸. خانواده‌ی هاشمی

از جمله وقایع سال ۱۳۸۸ بیان و انتشار اخبار و اتهاماتی درباره‌ی برخی از اعضای خانواده‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود. طرح این اتهامات در این سال از سخنان دکتر احمدی‌نژاد در مناظره‌ی زنده‌ی تلویزیونی با مهندس میرحسین موسوی در تاریخ ۱۳ خرداد ماه آغاز شد.[۳]

دادند این اقدام است که طبعاً نفس اقدام، خیرخواهانه است و اقدام‌کنندگان نیز براساس خیرخواهی و دلسوزی برای نظام و جامعه مبادرت به چنین اقدامی کرده‌اند.» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۶ مهر ۱۳۸۸)

۱. همان؛ ۷ مهر ۸۸

۲. حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری) در تاریخ ۲۶ مهر ماه از ارائه‌ی مطالب و پیشنهادات تنظیم شده ـ در کمیته‌ای که از سوی برخی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام برای خروج از مشکلات فعلی عنوان شده بود ـ به مقام معظم رهبری خبر داد.
به گزارش خبرنگار ایسنا، عسگراولادی طی یک نشست مطبوعاتی با اشاره به این‌که «این مطالب این هفته ارائه شده است» افزود: «ما منتظریم که مقام معظم رهبری ارشادات مورد نظر خود را در این باره برای ما ایراد بفرمایند.» وی همچنین تأکید کرد: «من از این که بخواهم جزئیات مطالب مورد نظر این کمیته را نقل کنم، معذورم؛ چراکه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خودشان جزئیات این طرح را عنوان نکردند به این دلیل که ممکن است قبل از این‌که دوستان این مطالب را بشنوند، دشمنان بشنوند و از آن‌جا که دشمن شنوایی‌اش بیشتر است نباید جزئیات این طرح را بیشتر منعکس کنیم.» وی در این نشست خبری تصریح کرد: «باید مشکلات را درون نظام حل کنیم.» عسگراولادی سپس در پاسخ به سئوال خبرنگاری که پرسید آیا طرح برخی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر تشکیل کمیته‌ای برای برون رفت از شرایط فعلی مانع از محاکمه‌ی عوامل اصلی اغتشاش نخواهد شد؟ گفت: «ما معتقد نیستیم آقایان موسوی، کروبی و خاتمی فتنه‌گر هستند.» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۷ مهر ۸۸)

۳. احمدی‌نژاد در تاریخ ۱۳ خرداد ماه در مناظره با مهندس میرحسین موسوی گفت:
«جناب آقای موسوی! بسیاری از مدیران شما و آقای هاشمی با دست خالی آمدند و با یک امتیاز دلار هفت تومانی و با واردات و صادرات میلیاردر شدند... فهرست بلندی است من نمی‌خواهم اینجا اسم ببرم شما می‌گویید میلیاردر شدند، پسرهای آقای هاشمی چه کار می‌کنند در کشور؟ کدام یک از وزرای بنده در دوره‌ی وزارتشان میلیاردر شدند؟ یا رانتی را خوردند؟ یا ملکی را گرفتند؟... جناب آقای موسوی! استات اویل بی‌قانونی است که طرف می‌آید اینجا محاکمه می‌شود و محکوم می‌شود از زندان فراری داده می‌شود و می‌رود خارج و تهش پسر آقای هاشمی است. بی‌قانونی در پسران بعضی از همین آقایانی است که امروز از شما حمایت می‌کنند. پسر آقای ناطق چه طوری میلیاردر شد؟ خودِ آقای ناطق

فردای آن روز، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مراسم بزرگداشت ۱۴ خرداد در حرم امام خمینیؒ در گفت‌وگویی خصوصی با دکتر احمدی‌نژاد خواستار اصلاح اتهامات وارد آمده به برخی اشخاص ـ از جمله فرزندان خود ـ شد. هاشمی همچنین تلاش کرد تا افراد ذی‌حق از طریق صدا و سیما به اتهامات مطرح شده در آن مناظره پاسخ گویند که این درخواست با مخالفت صدا و سیما مواجه شد.

در تاریخ ۱۸ خرداد ماه محسن هاشمی (پسر بزرگ آیت الله هاشمی رفسنجانی) در نامه‌ای سرگشاده به سخنان رییس جمهور پاسخ داد.[1]

چه‌طوری دارد زندگی می‌کند؟ اینها حامیان شما هستند. بی‌قانونی آنهاست...»

(متن پیاده شده از فیلم مناظره‌ی انتخاباتی دکتر احمدی‌نژاد و مهندس موسوی)

۱. محسن هاشمی در این نامه‌ی سرگشاده خطاب به دکتر احمدی‌نژاد نوشت: «جناب آقای احمدی‌نژاد! یادم نمی‌رود نوجوان که بودم، هر چند هفته یک بار همراه مادر برای ملاقات پدر به زندان می‌رفتیم. آن موقع به انقلابیونی که علیه شاه فعالیت می‌کردند، خرابکار می‌گفتند. یک بار در زندان متوجه شدم، پدر سعی می‌کند آثار شکنجه را پنهان کند و خود را آسوده و راحت نشان دهد. آن روزها تحمل شکنجه وحشیانه ساواک برای انقلابیون دل‌پذیر بود، چرا که برای هدفی بزرگ می‌جنگیدند و این شکنجه‌ها برایشان حلاوت داشت. انقلاب که پیروز شد، انقلابیون بر مصدر کار نشستند و هرکس مسئولیت مهم‌تر و بزرگتری داشت، بیشتر هدف تهاجم ضدانقلاب قرار می‌گرفت. بخشی از تهاجم دشمنان، بسترسازی نرم و آهسته برای بی‌اعتماد کردن مردم به انقلابیون بود. سال ۵۹ هنگامی که آقای هاشمی برای سخنرانی به شهر تبریز رفته بود، مارکسیست‌ها و منافقین، پلاکاردهای زیادی در شهر نصب کردند و ایشان را سرمایه‌دار، دارای باغ‌های پسته، فئودال، ارباب و... خواندند. اثر این تبلیغات سوء به حدی بود که ایشان نتوانست سخنرانی کند. نقش ممتاز ایشان در تثبیت انقلاب، اداره و ختم جنگ، انتخاب رهبری، بازسازی، سازندگی و کنترل بحران‌ها، دشمنان را در پرداختن و بال و پر دادن به شایعات جری‌تر کرد. خانواده ایشان نیز هدف تهاجم قرار گرفت و هر روز مطلب تازه‌ای مانند کارخانه خودرو، املاک خارج از کشور، هواپیمایی و... که حاصل تخیلات شایعه‌سازان بود، ساخته و به سرعت و وسعت پخش می‌شد. رسوب این شایعات به تدریج بستر بزرگی از اتهامات کذب را فراهم آورد.

آقای احمدی‌نژاد! در انتخابات سال ۸۴، شما با سوار شدن بر موج بستر شایعاتی که در طول سه دهه علیه آقای هاشمی و خانواده ایشان شکل گرفته بود، به اصطلاح پیروز شدید .چهار سال ضعیف‌ترین کارنامه دولت‌های پس از انقلاب را برجای گذاشتید. جهش غیرمنتظره آقای موسوی در نظرسنجی‌ها و ایجاد موج فراگیر در پشت کردن به دروغ و گرایش به صداقت، اردوگاه شما را به حدی نگران کرد که باز به فکر استفاده از همان اهرم موج سواری بر بستر شایعات دشمن ساخته افتادید. شبهه‌افکنی‌های شما در جلسه مناظره تلویزیونی با آقای موسوی وادارم کرد تا برای آن صحبت‌های غیرمسئولانه پاسخی دهم، گرچه می‌دانم شما بهتر از همه به پوچ و واهی بودن آن ادعاها واقف هستید اما میل به ماندن درقدرت، شما را از انصاف و تقوا دور کرده است. برادر عزیزم سیدعلیرضا بهشتی فرزند شهید مظلوم بهشتی، در مقاله‌ای می‌نویسد: «نگرانی‌ام از تکرار تاریخی است که خود شاهد آن بوده‌ام. شیوه‌ای که به

کار برده شد، صحنه فراموش نشدنی ۱۴ اسفند ۵۹ را تداعی کرد و تلخ‌کامی انتخاب کسی که با استفاده از شیوه‌های تخریبی و هتاکانه، افشاگری‌هایی کرد که با تکیه بر اسناد جعلی، ترور شخصیتی رهبران انقلاب و یاران نزدیک امام را هدف گرفت و تا هفتم تیر و هشتم شهریور اتفاق نیافتاد، یکه تاز قدرت و پیروز میدان می‌نمود. رئیس‌جمهوری که سخنانش مملو از پرده‌دری‌هایی بود که خوراک روزمره بنگاه‌های خبرپراکنی ضدانقلاب را فراهم می‌کرد. آن‌چه از آن روزها به عنوان سند افتخاری باقی ماند، راست قامتی جاودانگان تاریخ است. آن‌چه به یادگار ماند، هوشیاری همگانی بود که تا سال‌ها راه را بر ترور شخصیتی افراد بست. آن‌چه در تاریخ ثبت شد، اقدام شجاعانه نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی در جهت تصویب عدم کفایت ریاست‌جمهوری بود که با تصمیم تاریخی امام در عزل او در آمیخت و آن‌چه بر تارک تاریخ انقلاب ما خواهد درخشید، پیروزی اخلاق بر بد اخلاقی است.»

آقای احمدی‌نژاد! خود نیک می‌دانید که شایعات مربوط به خانواده رفسنجانی یک روزه ایجاد نشده است و از همان اوان انقلاب با شروع فعالیت ضدانقلاب و سلطنت‌طلب‌ها، افراطیونی چون گروه فرقان، گروه‌های مارکسیستی و... حالا شما در تکمیل و تداوم شایعات نقش داشته و داشتید. حفظ و تداوم قدرت چقدر می‌ارزد که به خاطر آن حاضرید مطالبی را بر زبان آورید که بیش از هرکس دیگری به واهی بودن آن واقف هستید. آیا جلب آرای مردم به هر قیمت ممکن با ادعاهای دینداری شما، سازگاری دارد؟

آقای احمدی‌نژاد! جنابعالی برای عوام فریبی می‌گویید آقای هاشمی اشرافی‌گری را در حاکمیت رواج داد. آیا شما زمانی که در کنار ایشان، حکم استانداری گرفتید، این اشرافی‌گری را حس نمی‌کردید و اکنون پیدا شده است؟ چطور در آن موقع به مجیزگویی می‌پرداختید و می‌گفتید نام هاشمی در تاریخ ایران می‌درخشد و اکنون هتاکی می‌کنید؟ زیرا که متوجه شده‌اید، اقبال مردم به رقیب شما است و عطش بی‌حد به قدرت، عوام فریبی به هر قیمت ممکن را برایتان موجه ساخته است!

آقای احمدی‌نژاد! این بزرگترین جنایت است که شایعات دروغ را در حجم وسیعی برای کسانی که امکان دفاع در سیما را ندارند، طرح و پخش کنید. مومن آن است که با مدرک صحبت کند نه این که روی بستر شایعات، مانند ضدانقلاب اتهامات کلی بزند. باید بگوئید کجا فسادی از ما دیده‌اید. نه این که با یک جمله که «پسران رفسنجانی چه می‌کنند؟» ، روی بستر شایعات رأی جمع کنید.

آقای احمدی‌نژاد! شما خوب می‌دانید که من ۱۲ سال است هر روز بعد از نماز صبح تا پاسی از شب در مترو فعال هستم و توانسته‌ایم تاکنون بیشتر از ۱۰۵ کیلومتر و ۶۰ ایستگاه مترو بسازیم و ۷۰۰ واگن را در خطوط مترو فعال کنیم و ۲ میلیارد سفر را ساماندهی نماییم. اگر مرا به عنوان مفسد می‌شناختید، چرا در دو سالی که شهردار تهران بودید و من مدیرعامل مترو بودم و سه معاون شما (بهبهانی، سعیدلو و علی‌آبادی) عضو هیات مدیره مترو بودند، با من برخورد نکردید. بلافاصله بعد از انتخابات نیز استعفا دادم، اما نپذیرفتید. چرا در طول چهار سالی که رئیس‌جمهورید، هیچ اقدامی نکردید و مدارک خود را به دستگاه قضائی ندادید. شما خود از مدیران آقای هاشمی بودید و در دوره اصلاحات کنار گذاشته شده‌اید. در زمانی که شهردار تهران بودید، بارها از آقای هاشمی برای سخنرانی و افتتاح پروژه‌ها و برنامه‌های خود دعوت کردید.

آقای احمدی‌نژاد! شما که مدعی ارائه لیست اموال خود هستید، بعید است ندانید که ما لیست اموال خود را سه بار به قوه قضائیه داده‌ایم. یک بار در سال ۶۸، یک بار در سال ۷۲ و یک بار در سال ۷۶ و مگر آیت‌الله یزدی رئیس وقت قوه قضائیه در نماز جمعه نگفت که اموال ما نسبت به قبل از انقلاب کمتر نیز شده است. پس چرا دروغ می‌گویید و عوام‌فریبی می‌کنید.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ ۱۹ خرداد ماه در بخشی از نامه‌ی سرگشاده‌ی خویش به مقام معظم رهبری به رد اتهامات مطرح شده از سوی رییس جمهور پرداخت. در بخشی از این نامه آمده بود:

اینجانب برای پرهیز از آلوده شدن فضای سیاسی کشور در آستانه‌ی انتخابات به تشنجات بیشتر، از عکس‌العمل فوری که مورد انتظار ملت است خودداری کردم.

در مراسم بزرگداشت سالگرد امام‌رحمه‌الله به آقای احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف‌گویی‌های فراوانی وجود داشته... اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام از جمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیر سؤال بردنْ اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهام‌های نادرست را پس بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده‌هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرار گرفته‌اند نباشد.

آقای احمدی‌نژاد! شما در مقابل دیدگان ده‌ها میلیون بیننده تلویزیون با آبرویم بازی کردید. چگونه می‌توانید پاسخ خدا را بدهید؟ چگونه خود را به عنوان مسلمان به مردم معرفی می‌کنید، در حالی که می‌دانید حتی اگر یک نفر به خاطر حرف‌های بی‌اساس شما نسبت به من بدبین شود، در آتش جهنم خواهید سوخت. چگونه می‌خواهید جبران کنید؟ قطعاً نمی‌توانید و... شما خوب می‌دانید که ثروت و قدرتی که ما را به آن متهم می‌کنید وجود خارجی ندارد، لذا جرات اهانت به استوانه انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله هاشمی را پیدا کردید و خود را این‌گونه شجاع قلمداد می‌کنید.

آقای احمدی‌نژاد! در ۸ روزنامه، ۷ خبرگزاری و ۵۰ سایت اینترنتی وابسته که معلوم است هزینه‌های آن از کجا تأمین می‌شود، ادعا می‌کنید که ستاد انتخاباتی ندارید. در همین رسانه‌ها، مرا به دروغ متهم به فعالیت انتخاباتی در مترو به نفع آقای موسوی می‌کنید. چرا به جای رقابت با آقای موسوی، با دروغ‌پردازی و عوام‌فریبی، فضای انتخابات را هاشمی ـ احمدی‌نژادی می‌کنید. برای این که می‌خواهید دوباره از بستر شایعات موجود در کشور علیه هاشمی، که به خاطر جان‌فشانی برای انقلاب اسلامی در طول ۳۰ سال ایجاد شده است، سوءاستفاده نمایید و برای خود رای دست و پا کنید.

آقای احمدی‌نژاد! فرض کنید که با دروغ‌گویی و دروغ‌پردازی و تهمت به امثال من و دیگران که جز خدمت به اسلام و کشور، کار دیگری نکرده‌ایم، رای هم اضافه کردید. مگر این رای برای شما حلال است. این حق الناس است و حتماً در آخرت جز آتش دوزخ برای شما نتیجه دیگری نخواهد داشت.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «کسی که از راه شر (دروغ و تهمت) به پیروزی دست یابد، در حقیقت مغلوب است.» در فرازی از نهج‌البلاغه آمده است: «کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه، باحیا و از خاندانی پاکیزه و با تقوا که مسلمانی با سابقه درخشانی دارند انتخاب کن زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع‌ورزی‌شان کمتر و آینده‌نگری آن‌ها بیشتر است.»

در خاتمه از رهبر معظم انقلاب تقاضا می‌کنم دستور رسیدگی به مراجع ذی‌صلاح بدهند که منظور واقعی آقای احمدی‌نژاد در مناظره تلویزیونی چه بوده است؟ تا سیه‌روی شود هرکه در او غش باشد

و السلام علیکم و من اتبع الهدی، محسن هاشمی (روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۱۹ خرداد ۸۸)

از صدا و سیما هم خواسته شد که فرصتی در اختیار طرف‌های ذی‌حق بر اساس مقررات سازمان قرار دهد که از خود دفاع نمایند. گرچه در گذشته به بخشی از این اتهامات پاسخ داده شده و رییس قوه‌ی قضاییه‌ی وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری اینجانب در عمل به اصل ۱۴۲ قانون اساسی رسماً اعلام پاکی و منزّه بودن خانواده‌ی رییس جمهور و حتی کم شدن دارایی‌ها در دوران مسئولیت را نمودند ولی تکرار اتهام تکرار جواب را می‌طلبد.

معالاسف این دو پیشنهاد خیرخواهانه عملاً پذیرفته نشده و رهبر معظم هم صلاح را در سکوت‌شان دیدند و بی‌شک جامعه و بخصوص نسل جوان نیازمند اطلاع از حقیقت است. حقیقتی که با اعتبار نظام و همدلی ملت ارتباط جدی دارد و اگر محدود به حق چند نفر بود، اقدام به نوشتن چنین نامه‌ای نمی‌کردم.

معتقدم جناب‌عالی به خوبی می‌دانید که این‌جانب و بسیاری از بزرگان تأثیرگذار انقلاب و حتی خود جناب‌عالی از دوران مبارزه و سال‌های اول انقلاب و در تعدادی از مقاطع، مورد تهاجم افراد لاابالی و ضدانقلاب بوده‌ایم و همیشه صبورانه تهمت‌ها و اهانت‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم و در دور جدید تهمت‌ها و هجمه‌ها هم از حدود پنج سال پیش تاکنون دندان روی جگر دارم و به خاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور اندوه خویش را مکتوم می‌دارم و از این جهت هم مورد گلایه‌ی بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می‌گیرم و مهم این است که این بار این تهمت‌ها توسط رییس‌جمهور و در رسانه‌ی ملی مطرح شده است.[1]

مقام معظم رهبری نیز یک هفته پس از انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۲۹ خرداد ماه در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ضمن دفاع از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره‌ی اتهامات منسوب به بستگان وی فرمودند:

بنده در نمازجمعه هیچ‌وقت رسمم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هر کس هر ادعایی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات

۱. همان؛ ۲۰ خرداد ۸۸

نمی‌شود اینها را رسانه‌ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمی‌شود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی این‌جور حرف‌ها مطرح می‌شود، تلقی‌های نادرست در جامعه به وجود می‌آید، جوان‌ها چیز دیگری خیال می‌کنند، چیز دیگری می‌فهمند... در مورد مبارزه‌ی با فساد مالی، موضع نظام یک موضع روشنی است. در زمینه‌ی مسایل مربوط به عدالت اجتماعی، موضع نظام یک موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه‌ای که هست، مبارزه کرد. من می‌خواهم این را عرض بکنم: ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، اگر وجود نداشت که بنده آن نامه‌ی هشت ماده‌ای را چند سال قبل خطاب به رؤسای محترم سه قوه نمی‌نوشتم و این‌قدر روی آن تأکید نمی‌کردم. چرا، هست؛ اما می‌خواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالم‌ترین نظام‌های سیاسی و اجتماعی در دنیاست. این‌که ما بیاییم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست. این هم که ما اشخاص را، مسئولین را بی‌جهت در زمینه‌ی فساد زیر سؤال ببریم، این هم درست نیست. فساد مالی یکی از مسایل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جداً مبارزه کرد؛ هم در قوه‌ی مجریه، هم در قوه‌ی قضاییه، هم در قوه‌ی مقننه. همه موظفند با این مسئله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد؛ کما این که بسیاری از کشورهای دنیا ـ همین کشورهای غربی که این‌قدر دم از مبارزه‌ی با فساد مالی و پولشویی و امثال اینها می‌زنند ـ تا خرخره غرق در فسادند. قضایای دولت انگلیس و مجلس پارلمان انگلیس را این روزها شنیدید و همه‌ی دنیا دانستند. این یک گوشه‌هایی از قضایاست؛ خیلی بیش از اینهاست.[1]

پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری نیز شایعات متعددی مبنی بر نقش خانواده‌ی هاشمی در «مدیریت اغتشاشات صورت گرفته» از سوی برخی رسانه‌های حامی دولت منتشر شد.

انتشار فیلم کوتاه و تقطیع شده‌ای از سخنان احساسی خانم عفت مرعشی (همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی) پس از شرکت در انتخابات[2] و نیز حضور خانم

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۲۹ خرداد ۸۸

۲. همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این فیلم «۴۰ ثانیه‌ای» در حال خارج شدن از محل رأی‌گیری

فائزه هاشمی (دختر دوم آیت‌الله) در جمع معترضین به نتایج انتخابات و تأکید بر وقوع تقلب در دهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری باعث تقویت این اتهامات شد.

علاوه بر آن، اقدام صدا و سیما در پخش سخنان یکی از متهمان حوادث پس از انتخابات[1] در دادگاه رسیدگی به اتهامات خویش مبنی بر نقش مهدی هاشمی (پسر دوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی) در سوء استفاده از بیت‌المال جهت تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴، پول‌شویی و اداره‌ی سایت جمهوریت در جهت تضعیف سازمان‌های نظامی و دولتی بر افکار عمومی تأثیر گذاشت.[2]

(حسینیه‌ی جماران) می‌گوید: «احتمالش زیاد است.» او در پاسخ به این پرسش‌که «با توجه به تمهیداتی که در نظر گرفته شد فکر نمی‌کنید احتمال خیلی کاهش پیدا کرده است؟» می‌گوید: «نه! کاهشی هم پیدا نکرده به شرطی که مردم خودشان بیایند جلو.» وی همچنین در پاسخ به این پرسش که توصیه‌ی شما به هوادارها و نامزدها بعد از روز انتخابات چیست؟ می‌گوید: «اگر تقلب کردند بریزند توی خیابان‌ها» بخش پایانی این فیلم خانم مرعشی را در محلی نزدیک به منزل وی نشان می‌دهد که در حال بیان این جملات است: «بچه‌های من با دیگران چه فرقی دارند؟ خانه‌ی من با دیگران چه فرقی دارد؟ همه بیایید خانه‌ی ما را ببینید. من در را باز می‌کنم، همه بیایید زندگی ما را ببینید.» (*فیلم منتشر شده از سخنان خانم عفت مرعشی در روز انتخابات*)

سایت خبری آفتاب اما روایت دیگری از سخنان خانم مرعشی را منتشر کرد. این سایت در این رابطه نوشت: «همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از این‌که با حضور در حسینیه‌ی جماران رأی خود را به صندوق انداخت، خطاب به مردم و خبرنگاران گفت: "شما شاهد هستید که من در رأی خود نام میرحسین موسوی را نوشتم و امیدوارم که تقلبی صورت نگیرد که اگر این اتفاق بیافتد من در پل صراط از آنها نخواهم گذشت." به گزارش خبرنگار سیاسی آفتاب، خانم عفت مرعشی، در حالی که از رفتار روزهای اخیر حامیان دولت به شدت متأثر و اشک از چشمانش جاری بود، ادامه داد: "اینها به فرزندان، همسر و خانواده‌ی ما توهین کرده و آنها را متهم می‌کنند." وی در حالی که از حسینیه‌ی جماران خارج می‌شد به منزل خود که در نزدیکی حسینیه‌ی جماران قرار دارد اشاره کرد و اظهار داشت: "خانه‌ی ما را ببینید. همه‌ی شما بیایید و ببینید آیا این تهمت‌ها درست است؟" خانم مرعشی همچنین در پاسخ به سؤال فردی که می‌پرسید اگر تقلب شود چه اتفاقی می‌افتد، گفت: "در صورتی که تقلب انجام نشود مطمئن هستم که میرحسین موسوی رأی خواهد آورد." (سایت *آفتاب*، ۲۲ خرداد ۸۸، کد خبر: ۹۰۶۳۷)

۱. حمزه کرمی؛ مدیر سایت جمهوریت و یکی از متهمان حوادث پس از انتخابات

۲. پس از انتشار این اتهامات مهدی هاشمی با ارسال نامه‌ای به رییس سازمان صدا و سیما ضمن رد اتهامات بیان شده و فرمایشی خواندن این ادعاها اعلام کرد:

«نکته‌ی قابل توجه این‌که، این اقدام فرمایشی درست پس از آن انجام گرفته که شکایت خانواده‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از آقای احمدی‌نژاد برای قوه‌ی قضاییه ارسال شده است.»

(روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۴ شهریور ۸۸)

پیش از آن محمد هاشمی در تاریخ ۱۵ خرداد ماه از تصمیم خانواده‌ی هاشمی برای شکایت از رییس جمهور، پس از انتخابات ریاست جمهوری خبر داده بود. (ر.ک: همان؛ ۱۶ خرداد ۸۸)

مقام معظم رهبری اما در تاریخ ۲۹ شهریور ماه در خطبه‌های عید سعید فطر نسبت به پخش اعترافات برخی از متهمان واکنش نشان داده و سخنان متهمان درباره‌ی افراد دیگر را «فاقد حجیت» و «غیرمسموع» نامیدند. ایشان در این باره فرمودند:

به اخلاق خودمان هم برسیم؛ به اخلاق خودمان هم برسیم. اخلاق اهمیتش از عمل هم بیشتر است. فضای جامعه را فضای برادری مهربانی حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم با این‌که فضای جامعه را فضای سوءظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. این‌که متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاه‌های گوناگون ارتباطی ـــ که امروز روزبه‌روز هم بیشتر و گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود ـــ روشی را در پیش گرفته‌اند برای متهم کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک می‌کند، فضای زندگی ما را ظلمانی می‌کند. هیچ منافات ندارد که گنهکار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه‌ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات به خیالات همین جا من این را هم بگویم: این‌که در دادگاه‌ها ـ که در تلویزیون هم پخش می‌شد ـ از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته می‌شود، من این را بگویم که این، شرعاً حجیت ندارد. بله، متهم هرچه درباره‌ی خود در دادگاه بگوید، این حجّت است. این‌که بگویند در دادگاه درباره‌ی خودش اگر اعترافی کرد، حجّت نیست، این حرف مهملی است، حرف بی ارزشی است؛ نه! هر اقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در یک دادگاه در مقابل دوربین، در مقابل بینندگان میلیونی که متهم علیه خود بکند، این اعتراف مسموع است، مقبول است، نافذ است؛ اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه! مسموع نیست. فضا را نباید از تهمت و از گمان سوء پر کرد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَوْلا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْراً...﴾[1]؛ وقتی می‌شنوید که یکی را متهم می‌کنند، چرا به همدیگر حسن ظن ندارید؟ تکلیف دستگاه اجرایی و قضایی به جای خود محفوظ است. دستگاه های اجرایی باید مجرم را تعقیب کنند، دستگاه‌های قضایی باید مجرم را محکوم و مجازات کنند؛ با همان روشی که ثابت می‌شود و در

---

۱. نور: ۱۲

قوانین اسلامی و قوانین عرفی ما هست و هیچ هم در این زمینه نباید کوتاه بیایند؛ اما مجازات مجرم که از طرق قانونی جرم او ثابت شده است، غیر از این است که به گمان، به خیال، به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم. این‌که نمی‌شود. این فضا، فضای درستی نیست.[۱]

این در حالی بود که فرزندان هاشمی نیز یک روز قبل از خطبه‌های مقام معظم رهبری یعنی در تاریخ ۲۸ شهریور ماه در نامه‌ای سرگشاده خطاب به رییس قوه‌ی قضاییه خواسته بودند تا مرجعی صلاحیت‌دار، مستقل و با اختیارات کامل و دور از بازی‌های سیاسی، ضمن رسیدگی به شکایات آنها، رسیدگی به شایعات و اتهامات مطرح شده پیرامون آنها را نیز در دستور کار خود قرار داده، نتایج را به اطلاع ملت ایران و مسئولان کشور برساند و با اجرای عدالت، از تکرار این رویه پیش‌گیری کند.[۲]

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر حضرت آیةالله خامنه‌ای*، ۲۹ شهریور ۱۳۸۸

۲. متن نامه‌ی فرزندان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به آیت‌الله صادق لاریجانی چنین بود:

حضرت آیت‌الله آملی لاریجانی!

ریاست محترم قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

احتراماً، آغاز مسئولیت جناب‌عالی در دارالعدل ایران که با تأکید بر اجرای قانون همراه بود، امید به بالندگی «سیستم قضایی بر پایه‌ی عدل اسلامی» و «پاسداری از حقوق مردم» و برقراری «امنیت قضایی عادلانه برای همه» را چنان که در قانون اساسی کشور ـ این خونبهای هزاران شهید انقلاب اسلامی ـ آمده است، دو چندان کرد و ما را بر آن داشت، با نگارش این نامه تظلم نزد شما بریم، باشد که از ره‌گذر روشن شدن حقایق، حقوق فردی و اجتماعی و تحقق عدالت نیز که پشتیبانی از آن، بر اساس اصل ۱۵۶ منشور ملی از وظایف آن قوه است، تضمین شود. همان‌گونه که مستحضرید، یکی از حربه‌های دشمنان انقلاب اسلامی در ۳۰ سال گذشته، هتک حرمت و ترور شخصیت رهبران انقلاب بوده است تا ضمن تخریب الگوهای اصیل، در مورد اهداف راستین انقلاب و از جمله عدالت، پاک‌دستی مسئولان و خدمت بی‌چشم‌داشت آنان به ملت شبهه‌افکنی شود و این نهضت بی‌مانند، از چشم مردم ایران و جهان بیفتد و زمینه‌ی بازگشت به دورانی فراهم آید که قدرت‌های مسلط، بی‌دغدغه از عدالت خواهی مردمان، سلطه‌ی غارت‌گرانه‌ی خود را تداوم بخشند. متأسفانه علاوه بر برخی افراد غافل، گروه‌ها و جناح‌های دارای مطامع سیاسی در داخل نیز با دشمنان همنوا شده، بر بستر شایعات و شبهاتی که بنیان‌های حقوقی و اخلاقی و سیاسی انقلاب و کشور را درهم می‌شکنند، با سوء استفاده از احساسات عمومی، به قدرت و مناصب مورد نظر دست یافتند.

پدر ارجمند ما و فرزند خدوم و فداکار نهضت و ملت «هاشمی رفسنجانی» کسی است که به دلیل نقش بی‌بدیل و ماندگار خویش در همه‌ی عرصه‌های انقلاب در بیش از نیم قرن اخیر، بیشترین سهم را از این حملات و اقدامات مخالف با شرع و قانون و اخلاق داشته است. رمز ناکامی دشمنان و بدخواهان درباره‌ی ایشان را به رغم تکالب آنان، باید در خدمات جاویدان ایشان در مبارزه و دفاع مقدس و سازندگی و در کلام شگفت‌انگیز امام راحل(ره) یافت که مانایی هاشمی را با زندگی و حیات نهضت پیوند زدند، سخنی که با چنین اطلاق و قاطعیتی، در مورد کس دیگری صادر نشده است. هدف از

نگارش این نامه اما دفاع از این استوانه‌ی انقلاب و کشور نیست که «للبیت رب یحمیه». آخرین حربه‌ی دشمنان، پس از ناکامی در تخریب چهره‌ی این شخصیت خدوم و آگاهی از ناکارآمدی شیوه‌های گذشته، تلاش برای طرح شایعات، اتهامات و اکاذیب درباره‌ی فرزندان هاشمی رفسنجانی است که از دیرباز و به خصوص در سال‌های اخیر رواج یافته است. ما «هاشمیان» اگرچه همچون سایر شهروندان این کشور می‌توانیم خواهان احقاق حقوق خود باشیم، و به رغم آن که اذعان داریم، خدمات پدر هرگز امتیازی برای ما ایجاد نمی‌کند و هیچ کس، جز به تقوا و تلاش خالصانه برای اسلام و انقلاب و ملک و ملت بر دیگری برتری ندارد، اما از آنجا که طرح این اتهامات، به عنوان اهرم فشار و ابزاری برای حذف هاشمی رفسنجانی به کار گرفته می‌شود و خواسته یا ناخواسته آب به آسیاب دشمن می‌ریزد، بر احقاق حق خود پافشاری می‌کنیم، وگرنه امر خود به خدای عادل منتقم و به رسیدگی در روز جزا وامی‌نهادیم

آیت‌الله آملی لاریجانی!

روشن است که استمرار شیوه‌ی گذشته که افرادی با احساس مصونیت از برخورد قانونی، به ترویج این شایعات بپردازند، نه با موازین شرعی، قانونی و اخلاقی سازگاری دارد و نه به مصلحت کشور و جامعه‌ی ماست و آسیب‌های جدی به انقلاب و کشور و ملت وارد می‌کند، زیرا: از باب تضییع حقوق فردی، مایه‌ی هتک حرمت افراد، از راه ایراد اتهام‌های اثبات نشده و ناروا می‌شود و ناقض «کرامت و ارزش والای انسان» است که در اصل دوم قانون اساسی، از پایه‌های نظام ج.ا.ا شمرده شده است، و نیز از حیث عدم رسیدگی در محاکم صالح، موجب سلب حق دفاع متهمان و دسترسی آنان به دادگاه‌های صالح (مصرح در اصل ۳۴ قانون اساسی) است. از حیث نقض اصول و موازین حقوقی و لطمه به اعتبار قانون، موجب نادیده گرفتن اصل برائت ـ که دراصل ۳۷ قانون اساسی نیز بر آن تاکید شده است ـ و بی‌توجهی به حفظ و احیای حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و امنیت قضایی عادلانه است، و با توجه به رفتارهای فراقانونی برخی نهادهای رسمی کشور و همراهی در گسترش شایعات، مروج عبور از قانون و در مواردی منجر به جرم انگاری اموری که قانون آنها را جرم ندانسته و نیز القای محکومیت افراد در اذهان عمومی شده و در نتیجه ناقض استقلال قوه‌ی قضاییه است.

از نظر مخالفت با نظم، اخلاق و حقوق عمومی و شأن نهادهای قانونی و مدیریت عالی کشور: شکست اخلاق حسنه از راه گسترش شایعه و دروغ و افترا و تهمت و اهانت و فریب افکار عمومی و تشویش اذهان و ...، سلب اعتماد عمومی به مسئولان و به تبع آن انقلاب و کشور که متأسفانه با توجه به آنچه افشاگری قلمداد می‌شود و آمیخته شدن با دروغ پردازی‌های منظومه‌ی خبری گسترده‌ی دشمنان جهانی انقلاب، حد یقفی برای آن متصور نیست، و در نتیجه ایجاد نومیدی و بی‌تفاوتی در مردم و آسیب‌پذیر کردن نظام در برابر توطئه‌ها و فشارهای روزافزون خارجی؛ بازکردن دست بیگانگان و بدخواهان برای جاانداختن ادعاهای سی‌ساله‌ی خود و درست انگاری آنها و سوء استفاده از شایعات برای هجمه به بالاترین ارکان نظام، متزلزل کردن مدیریت اجتماعی کلان کشور، به دلیل آن‌که کسانی با هر ابزاری ـ از جمله تهمت و دروغ ـ هدف خود را در دستیابی به مناصب قدرت توجیه می‌کنند، القای ناتوانی مدیریت عالی کشور در برخورد با صاحبان قدرت و مکنت و رانت خواران و اعمال نفوذ آنان و در نتیجه ترویج عدم مشروعیت یا ناکارآمدی نظام، ادعای عجز دستگاه قضایی از رسیدگی به جرایم این افراد و در نتیجه القای فقدان امنیت قضایی در کشور، نادیده گرفتن حقوق عمومی و نقض مبانی شریعت اسلامی و قانون اساسی، بخشی از آسیب‌های این روند است.

از همه‌ی اینها بالاتر، آسیب به مبانی اعتقادی انقلاب و نظام، از راه القای ناکارآمدی الگوی حکومت مبتنی بر احکام شریعت است که برگرفته از تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است و زیر نظر ولایت امر و امامت امت و با برخورداری از اختیارات ولایت مطلقه‌ی فقیه، ایجاد «جامعه‌ی نمونه و

اسوه‌ی اسلامی» را بر اساس جهان‌بینی و اصول و ضوابط اسلامی و مکتبی هدف خود قرار داده، دولت را موظف به «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی» کرده است.

آیت‌الله آملی لاریجانی!

تاکنون نهادهایی همچون وزارت اطلاعات و سازمان بازرسی کل کشور و در یک مورد، هیأتی ویژه که با موافقت مسئولان عالی نظام تشکیل شد، رسیدگی‌هایی معمول داشته‌اند که متأسفانه به علل نامعلوم نتایج آن به اطلاع افکار عمومی نرسیده است. به رغم آن‌که دست کم در چهار سال گذشته، دولت محترم به همه‌ی اسناد در همه‌ی نهادهای اجرایی دست یافته، اما هیچ دلیلی برای اثبات این شایعات که متأسفانه احیاناً مدعای دولت‌مردان هم واقع شده است، ارائه نشده است. به گمان ما هم از این روست که تاکنون، به رغم همه‌ی درخواست‌های مکرر و مصرانه‌ی قربانیان این اتهامات و انتظار افکار عمومی و الزامات قانونی، از ارجاع موارد به محاکم، به جای تلاش برای اثرگذاری بر افکار عمومی از راه پخش شایعات خودداری شده است. و شاید به همین دلیل، اخیراً شاهد آن بوده‌ایم که از راه پخش اظهارات بعضی متهمان حوادث اخیر ـ که در صورت داشتن اعتبار اقرار قانونی، تنها علیه شخص قابل استناد است ـ تلاش می‌شود تا ادعاهای بی‌سند، علیه احدی از امضاکنندگان این نامه با نقض ابتدایی‌ترین اصول حقوقی، به زعم طراحان این سناریو مستندسازی شود. و از سوی دیگر، متأسفانه تاکنون به چندین شکایت ارائه شده به دستگاه قضایی که برابر اصل ۳۴ و ۳۶ و ۶۱ و ۱۵۶ قانون اساسی تنها مرجع دادخواهی به عنوان حق مسلّم افراد جامعه است، رسیدگی نشده است.

اینجانبان فاطمه، محسن، فائزه، مهدی و یاسر هاشمی با اتکال بر خدای متعال، نخست بر اساس حق شخصی خود، و برای احیای حقوق عامه و عمل به مبانی شریعت و اصول قانون و پاسداشت ارزش‌های اخلاقی، و بالاخره به عنوان درخواست از مسئولان قضایی برای اطاعت از دستور آیت‌الله خامنه‌ای برای نهادهای قانونی کشور که در نمازجمعه‌ی ۲۹ خرداد ۱۳۸۸، ضمن تنزیه شخصیت موجه آقای هاشمی رفسنجانی و اظهار این که «مردم باید به این حقایق توجه داشته باشند» و تاکید بر منع بیان ادعاها «قبل از اثبات در مراجع و مجاری قانونی» که به تعبیر ایشان «این‌گونه اقدامات در جامعه و به ویژه در اذهان جوانان تلقی نادرست ایجاد می‌کند»، امر به تعقیب عوامل این تخریب‌ها از سوی مسئولان قضایی و غیرقضایی به عنوان یک وظیفه داده‌اند؛ از جناب‌عالی که مستظهر به پشتوانه‌ی علمی و دینی هستید و از شائبه‌ی اثرپذیری از قدرت و نقض موازین قانونی و اخلاقی دوری می‌جویید و ادعای استقلال نهاد قضایی را دارید و در صورت عدم رعایت موازین و حرکت به سوی دنیاطلبی و قدرت‌گرایی به جای قانون‌مداری و آخرت ترسی، بنا به حدیث شریف و چنان که درنظام‌های نامشروع شاهد آن بوده‌ایم، به جایگاه اشقیا بدل خواهد شد که ساحت مقدس دارالعدل نشینان ایران همواره از آن مبرا باد، استدعا داریم که دستور فرمایید، مرجعی صلاحیت‌دار، مستقل و با اختیارات کامل، و دور از بازی‌های سیاسی، رسیدگی به این شایعات و اتهامات را در دستور کار خود قرار دهد و نتایج را به اطلاع ملت فهیم و رشید ایران اسلامی و مسئولان محترم کشور برساند و با اجرای عدالت، از تکرار این رویه‌ی مجرمانه پیش‌گیری کند، گرچه ریاست قوه‌ی قضاییه در سال ۱۳۷۶، در انجام تکلیف قانونی خود در رسیدگی به دارایی‌های رییس جمهوری و خانواده‌ی وی، با صراحت کاهش آن را نه تنها نسبت به آغاز دوره‌ی مسئولیت، اعلام داشته، به نادرستی شایعات موجود شهادت داد، اما دست‌های فتنه همچنان به کار است تا علاوه بر تخطئه‌ی آن حکم قانونی، ارتکاب تخلفاتی را در سال‌های اخیر که از همه‌ی مناصب و دسترسی به قدرت و بیت‌المال دور بوده‌ایم، به ما نسبت دهد و چنان به تکرار آن از تریبون‌های رسمی و رسانه‌ها ادامه می‌دهد که رسیدگی به تخلفات احتمالی حاکمان در سایه قرار گیرد و بدتر از اینها به ناحق

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در طول سال ۸۸ در پاسخ به مطالبه‌ی افکار عمومی نسبت به اعلام موضع در برابر اخبار و شایعات مربوط به خانواده‌ی خویش در چند نوبت سخنانی را بیان کرد.

در این راستا، ابتدا پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی متنی را منتشر کرد که در آن، هاشمی توضیحاتی درباره‌ی همسر و فرزندان خود داده بود. در این متن آمده بود:

> در سال ۱۳۳۷ در رفسنجان برایم خواستگاری کردند؛ دختر حجت‌الاسلام آسید محمدصادق مرعشی که اسناد رسمی داشتند و از تحصیلات حوزوی بهره‌مند بودند. همسرم از خانواده‌ای است روحانی، از فامیل بزرگ مرعشی و نوه‌ی حضرت آیت‌الله سید کاظم طباطبایی یزدی صاحب کتاب عروة الوثقی که جایگاه معتبری در همه‌ی حوزه‌ها دارد. ثمره‌ی این ازدواج پنج فرزند به ترتیب: فاطمه، محسن، فائزه، مهدی، یاسر هستند. دخترانم با پسران آقای لاهوتی که یکی پزشک و دیگری دندانپزشک است، ازدواج کردند که قرار این ازدواج در آخرین زندان ـ زندان اوین که در آنجا هم زندان بودیم ـ گذاشته شد.
>
> خانواده‌ی من وارد سیاست نشدند. دخترانم، یکی وارد کار ورزش و دیگری وارد بنیاد بیماران خاص شدند. پسرانم، «محسن» که در اروپا جزو انجمن اسلامی بود که زمینه‌ی سیاسی داشت، به ایران آمد، مشغول کار در موشک‌سازی شد. رشته‌اش مربوط به بدنه‌ی موشک‌سازی بود و به همین خاطر تحصیلش را نیمه‌کاره رها کرد و آمد. چون به او نیاز داشتیم. کارش مخفی بود و بعد به بازرسی رییس جمهوری آمد که آن هم کاری مخفی بود. کسی را می‌خواستیم که

ادعا دارند که مراکز قدرت مانع رسیدگی به اتهامات‌اند. رجاء واثق داریم، جناب‌عالی که درنخستین لحظات تصدی رسمی خود اعلام داشته‌اید که تخلف از قانون را هرگز روا نمی‌دارید، به قضات شریف و عادل ابلاغ خواهید فرمود، ضمن بررسی همه‌ی ادعاها و شایعات و اعلام نتایج، رسیدگی به شکایات مطرح شده از سوی اینجانبان را نیز وجهه‌ی همت خود قرار دهند. در پایان تأکید می‌کنیم و برآنیم که با این درخواست، حجت را بر اهل حل و عقد تمام کرده‌ایم که اگر امروز که بسط ید و قوه‌ی قهریه دارند، داد مظلوم از بدخواهان نستانند، فردا در روز حسرت که همه در محضر دادگاه عدل خدای قاهر حاضر خواهیم شد، داد خویش از آنان، از دادستان منتقم خواهیم ستاند. باسپاس از دستور جناب‌عالی و اقدام شایسته‌ی قضات شریف، امر خود به خدای متعال که احکم الحاکمین و به بندگان خود بصیر و آگاه است، تفویض می‌کنیم. و آخردعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

فاطمه هاشمی، محسن هاشمی، فائزه هاشمی، مهدی هاشمی، یاسر هاشمی»
(روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۳۰ شهریور ۸۸)

از اطلاعات سوء استفاده نکند. بعد به مترو رفت که الآن هم هست.

«مهدی» به صنعت علاقه داشت و فهمید که وضع ما در دریا ضعیف است. صنایع دریایی ما خیلی ضعیف بود. او دنبال سکوسازی و لوله‌های کف آب و حفاری در دریا رفت که وابسته بودیم. آخرش به پارس جنوبی و عسلویه رسید و الآن به CNG رفت که برای صرفه‌جویی و محیط‌زیست خوب است.

«یاسر» هم با آقای فروزش وزیر سابق جهاد سازندگی درباره‌ی خودکفایی پنیر کار می‌کرد. آن موقع مشکل ما در کشور این بود که کسی دنبال صنایع تبدیلی نمی‌رفت. دامداران مشکل داشتند و پنیر هم وارداتی بود. مشاور وزیر بود، ولی این سمت برای راه‌اندازی کارش بود. الآن هم در دفتر من در مرکز تحقیقات است. پس بچه‌های ما در کار سیاست نیامدند.[1]

وی در ادامه ضمن اشاره به یکی از ویژگی‌های فرزندان خود، نوع رفتار خویش با آنها را چنین بیان کرد:

حُسن یا اشکالی وجود دارد که خیلی بی‌رودربایستی برخورد می‌کنند. مخفی‌کاری و ریاکاری نمی‌کنند و هر چه هستند، نشان می‌دهند. در کارهایی که به آنها مربوط نیست دخالت می‌کنند. این روش در جامعه‌ی ما باب نیست. به معنای مصطلح وارد سیاست نشدند، ولی وارد میدان شدند. البته یک بحث اساسی دارم که می‌توانستم جلویشان را بگیرم که معلم شوید و یا درس بخوانید و این‌که پسر رییس‌جمهور هستید، برایتان بس است.

اگر این تفکر عام شود، بچه‌های شخصیت‌ها نمی‌توانند کار کنند که نوعاً دلسوز هستند. فرهنگ درستی نیست. البته شاید بعضی‌ها سوء استفاده کنند. شاید بعضی‌ها راضی باشند که بچه‌هایشان هیچ کاری نکنند و نانی بخورند و بگردند! چرا باید این‌گونه باشند؟ حداقل باید مثل مردم عادی کار کنند.

جرمشان این است که پدرشان مسئولیت بالایی دارد. هر مدیری در سطح خود می‌تواند این مشکل را داشته باشد. آن طرفش هم سخت است. دستشان به خاطر قدرت باز باشد و سوء استفاده کنند، که نقطه‌ی فسادانگیزی است. خودم مواظبت می‌کردم که آلوده نشوند. ضمن این‌که نمی‌خواستم جلویشان را بگیرم که برای مملکت کار نکنند. دلم برای مملکت می‌سوزد و هر کسی که کار

---

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ بخش زندگی‌نامه

می‌کند، خوشم می‌آید. مثلاً در ورزش بانوان شاید کسی جز فائزه‌ی من نمی‌توانست این طلسم را بشکند. همین بنیاد بیماری‌های خاص ده، پانزده سال است دارد کار می‌کند، ولی هنوز در کشور فاجعه است. بیماری‌های بد هموفیلی، تالاسمی، سرطان و کلیوی متولی مشخص نداشتند.

در خانواده‌ی ما هیچ چیز تحمیلی نیست. در مورد خود من هم نبود. همیشه با انتخاب و آزادی کار کردیم. گاهی پدرم سخت‌گیری‌هایی می‌کرد. ما سخت‌گیری نمی‌کنیم که بچه‌ها چه شغلی انتخاب می‌کنند. البته تا حدی که کار بدی نکنند و مباح و عادی باشد.

از دور مواظبم که مسایل دینی و عقاید و اعمال عبادی را رها نکنند. مثلاً به گونه‌ای ترتیب می‌دهم که صبح‌ها برای نماز بیدار شوند. اما سعی می‌کنم خودشان انتخاب کنند. احتیاجی به اوقات تلخی نداریم که فضای عاطفی خانواده را به هم بزنیم. می‌دانند که اگر خلافی از آنها ببینم، نمی‌گذرم. این‌که چگونه جبران کنند، بستگی به شرایط من دارد. لذا مجموعه‌ای داریم که هم مواظبت مرئی و غیرمرئی در آن هست و هم آزاد می‌شوند و هر کاری که می‌خواهند ـ ولو با سلیقه‌ی من نسازد ـ دنبال می‌کنند. مثلاً دلم می‌خواست یکی از بچه‌هایم طلبه شود. اما آنها انتخاب نکردند و من هم نگفتم حتماً بروید طلبه شوید. معمولاً روحانیون معروف یکی از بچه‌هایشان را طلبه می‌کنند تا وارث آنها در آن بخش باشند. من به خودشان واگذار کردم.[1]

یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در سال ۸۸ مسافرت مهدی هاشمی به خارج از کشور بود که طرح اتهامات متعددی علیه وی را به دنبال داشت. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما در تاریخ ۱۴ آذرماه در دیدار «جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد» در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان درباره‌ی سفر فرزند خود و برخی از اتهامات منتسب به او گفت:

یکی از آقایان درباره‌ی سفر خارج مهدی پرسید که چرا نمی‌آید؟ خیال مهدی از پرونده‌هایش راحتِ راحت است. بارها در این مسایل به مراکز مسئول جواب داد. در جریان استات اویل مجلس وارد شد و پس از تحقیق و تفحص

---

۱. همان

اعلام کرد که ایشان مبراست.[1] وزارت اطلاعات دو سال کار کرد و گزارش داد

۱. دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۶ مرداد ماه ۸۹ ضمن پاسخ به یکی از مقالات روزنامه‌ی ابتکار بخش‌هایی از مذاکرات مجلس هفتم درباره‌ی ماجرای استات اویل را منتشر کرد. در قسمتی از این پاسخ آمده بود: «[پرونده‌ی استات اویل] از زمان طرح تاکنون، بارها و بارها در قالب تحقیق و تفحص وزارت اطلاعات و مجلس شورای اسلامی در ایران و گزارش پلیس ضدفساد اقتصادی در نروژ و حتّی گزارش پلیس نیویورک در آمریکا به خاطر سهام استات اویل در بورس نیویورک، دروغ بودن آن اثبات شده است، امّا گروهی معلوم‌الحال در کشور که قدرت سیاسی خویش را از دروغ و تهمت به دست آورده‌اند و تداوم حضورشان را به جهت ضعف‌های مفرط تصمیم‌گیری و اجرایی در فرافکنی و مشغول شدن مردم به مسایل حاشیه‌ای می‌دانند، با تقسیم کار رسانه‌ای، به نوبت اقدام به نشر اکاذیب می‌نمایند. به همین جهت و برای تنویر افکار عمومی توجه همگان را با سندی غیرقابل انکار جلب می‌نماییم: در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۱ آقای بیژن نامدار زنگنه، وزیر وقت نفت، جهت پاسخ‌گویی به سؤال آقای اکبر اعلمی، نماینده‌ی وقت مردم تبریز، به مجلس [هفتم] احضار می‌شود و آقای اعلمی می‌گوید: «سؤالی که بنده از وزیر محترم نفت دارم درباره‌ی رشوه‌ای است که در رابطه با شرکت استات اویل مطرح شد و اگر این شایعه صحت ندارد، چه اقدام قانونی در جهت پی‌گیری کسانی که ایراد اتهام می‌کردند، به عمل آمده است؟» پس از آن آقای زنگنه در پاسخ به این نماینده مجلس می‌گوید: «در شهریور سال گذشته یک روزنامه‌ی نروژی خبری را در مورد قرارداد «استات اویل» نروژ منتشر کرد. شرکت استات اویل، شرکت ملی نفت نروژی که عمده‌ی سهامش متعلق به دولت نروژ است و یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در اروپاست و از نظر تکنولوژی، شرکت صاحب تکنولوژی و شرکت پیشرفته‌ای است و ما در طول چهار، پنج سال گذشته با تلاش پی‌گیری که سفیر محترم ما در آنجا جناب آقای نقره‌کار شیرازی داشتند، تلاش کردیم که پای این شرکت را که فعالیت‌های بین‌المللی‌اش بسیار کم بود، به ایران بازکنیم، چون نمایندگان محترم مستحضرند که ما در تحریم کامل از جانب آمریکا در مسائل نفت قرار داریم و هیچ شرکت آمریکایی حتی حق ندارد یک دلار در ایران سرمایه‌گذاری کند و ما فقط با تعداد معدودی از شرکت‌های اروپایی کار می‌کردیم و از این جهت برای ما مهم بود که یک شرکت هم در سطح بالا در ایران اضافه شود که دامنه‌ی انحصار را کاهش بدهیم و در واقع یک مقداری تحریم را بشکنیم. چیزی که منتشر شد توسط روزنامه‌ی نروژی این بود که شرکت استات اویل قراردادی با یک شرکت خارجی به نام «هورتن» می‌بندد. شرکت «هورتن» در یکی از جزایر دریای کارائیب ثبت شده، صاحب آن هم کسی است بنام آقای عباس یزدان‌پناه (یزدی) که ایرانی‌الاصل است، اما الآن تبعه‌ی انگلیس است و بنابر اطلاعات از ایران متواری است و دارای سابقه‌ی محکومیت در ایران هم بود. به هر حال فردی که انگلیسی و ساکن انگلیس بود، شرکت ثبت کرده و استات اویل با این شرکت قراردادی منعقد کرده بوده که خدمات مشاوره‌ای درباره‌ی ایران طی مدت ۱۱ سال به استات اویل بدهد و ۱۵/۲ میلیون دلار هم از این بابت دریافت کند. به دنبال انتشار این خبر ما بلافاصله مقامات استات اویل را به ایران احضار کردیم و رسماً به وزارت خارجه‌ی خودمان نوشتیم که به دولت نروژ بگوید اطلاعات درباره‌ی این قرارداد و محتوایش و اطلاعاتی که از ایران دریافت کردند و همه‌ی سوابق و اطلاعاتی را که دارند، در اختیار ما بگذارند. با فاصله‌ی چند روز یک تیم حقیقت یاب را به نروژ فرستادیم که از رییس محترم وقت مجلس هم درخواست کردیم یک نفر را به عنوان نماینده‌ی خودشان معرفی کنند تا در این هیأت باشند که جناب آقای کروبی، آقای دکتر آفریده را معرفی کردند که در هیأت حضور پیدا کردند. هیأت ما با همکاری سفارتخانه با وزیر نفت، با دادستان کل و با مقامات پلیس نروژ مذاکره کردند و آنها گفتند: هیچ اطلاعاتی

در این مرحله نمی‌توانیم به شما بدهیم، بخاطر این‌که پرونده در حال تحقیق است. به همین دلیل نامه‌ای خدمت آقای خاتمی (رئیس جمهور وقت) و بعد هم خدمت جناب آقای یونسی (وزیر اطلاعات وقت) نوشتم، که این کار، یک کار تخصصی است و ابزار تخصصی کشف جرم در اختیار ما نیست. جناب آقای یونسی مسأله را دنبال و حقیقت را پیدا کنند. از وزارت خارجه هم خواستیم که پی‌گیری کند و در واقع طلبکار دولت نروژ باشد، چون چیزهایی که گفتند اگر اثبات شود، موظفیم قاطعانه برخورد کنیم و اگر اثبات نشود، باید با آنها برخورد کنیم که چرا اتهام زدید که هم به شهرت شرکت نفت ما آسیب می‌زند، هم به یک سری افراد اتهام وارد می‌کنید.
بعد از یک مدت خود مجلس ششم به دنبال این افتادند که تحقیق و تفحص کنند. تحقیق و تفحصی در مجلس صورت گرفت و در آخرین روز عمر مجلس، نتیجه‌ی آن مفصل خوانده شد، وزیر اطلاعات هم در ماه اسفند گزارشی خدمت آقای رئیس جمهور فرستادند و رونوشت آن را به رییس مجلس دادند در اوایل تیرماه، گزارش پلیس اقتصادی نروژ هم که همه منتظر آن بودند، به دست ما رسید.
گزارش وزارت اطلاعات می‌گوید: «عدم ارائه‌ی هیچ‌گونه مدرک از سوی دولت و شرکت نروژی و نتایج حاصله از حساب‌های آقای عباس یزدی در سوییس - این را هم عرض کنم که به عنوان یکی از نادرترین مواردی که قابل تأمل است، تمام حساب‌های شرکت هورتن و سایر شرکت‌هایی که متعلق به این آقا بود، در سوییس، انگلیس و کشورهای دیگر با همکاری پلیس سوییس و پلیس انگلیس بررسی شد - که ارتباط مالی وی با (همان آقایی که ایشان گفتند) را نشان نمی‌دهد، حاکی از عدم صحت ادعای پلیس نروژ و اتهام منتسبه می‌باشد که گزارش از طریق غیررسمی دریافت و موجود می‌باشد. در راستای اقدامات اطلاعاتی و مطالعه‌ی حساب‌ها در داخل و خارج و بازجویی از مرتبطین امر، تاکنون ما را به سرنخی که مؤید دریافت وجه از سوی آقای مورد نظر ایشان و یا اعمال نفوذ در جهت انعقاد قرارداد شرکت پتروپارس با «استات اویل» در پروژه‌ی فازهای ۶ و ۷ و ۸ پارس جنوبی باشد، نرسانده است.
پیشنهاد: باتوجه به عدم حصول ادلّه‌ی کافی در جهت اثبات اتهام و این‌که تحقیقات وقوع جرمی را نشان نمی‌دهد، پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از تکرار این روش توسط بیگانگان، پس از بررسی پلیس مالی نروژ و اعلام رأی آنها، پرونده مختومه گردد.»
همانطور که عرض کردم بعداً گزارشی را برای تحقیق و تفحص در مجلس ششم می‌دهند که الآن اسنادش در اینجا هست، اطلاعات مفصل، مصاحبه‌های مفصل شاید تا چند هزار صفحه الآن اطلاعات در کمیسیون انرژی وجود دارد که اصلاً لزومی ندارد برای بررسی این سؤال و نتیجه‌گیری، اطلاعات جدیدی خدمت مجلس بدهیم، چون همه‌ی اطلاعات ما را دارند، اطلاعات بازرسی کل کشور را دارند، اطلاعات وزارت اطلاعات را دارند، همه‌ی اطلاعاتی را که گروه رفتند و در نروژ دوباره مصاحبه کردند، دارند. یکی از موارد مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد، نقش شرکت هورتن با آقای مورد نظر ایشان در شکل‌گیری قرارداد ۶، ۷ و ۸ پارس جنوبی است.
در گزارش هیأت تحقیق و تفحص مجلس هم آمده است: «باتوجه به سیر مذاکرات و تصمیم‌گیری موضوع توسط مذاکره‌کنندگان، احتمال نفوذ به نظر نمی‌رسد. هیأت تا زمان تنظیم گزارش در تحقیقات خود به هیچ نوع ارتباط مستند و مستدل بین آقای «م.هـ» و شرکت هورتن دست نیافت. همچنین تا این زمان هیچ نوع مستنداتی مبنی بر هرگونه پرداخت به مشارالیه دریافت نگردیده است.»
در تاریخ ۸۳/۴/۹ (۲۹ ژوئن ۲۰۰۴) بیانیه‌ی رسمی پلیس ضدفساد نروژ منتشر شد که رسمی است و یک مقدمه و چند بخش دارد و می‌گوید: «تحقیق و تفحص، «اوکاکریم [همان پلیس مبارزه با فسادمالی نروژ]

که تحقیق نسبتاً گسترده در رابطه با این موضوع انجام داده است. بیش از ۵۰ مصاحبه با افراد انجام شده است. در برخی جاها مدارک جمع‌آوری و جستجوهایی شده است. در جریان تحقیق، مطالعه تعداد قابل توجه از اسناد خاصه مکاتبات الکترونیک لازم بود. ما از مقامات انگلیس و سوییس هم کمک گرفتیم. به این نتیجه رسیدیم از ۴ جولای ۲۰۰۳ به بعد این قراردادی که شرکت هورتن و استات اویل داشتند، از آن زمان به بعد غیرقانونی بوده، تخلف قانونی در آن صورت گرفته است ـ توجه کنید که رشوه نمی‌گویند، ولی تخلف قانونی بود ـ موظف به فسخ آن بودند که اینها تا سپتامبر این را فسخ نکردند و به این دلیل آقای «ریچارد هاوارد» مقصر است، شرکت استات اویل هم مقصر است و یکی از آنها باید ۲۰۰ هزار کرون و یکی هم باید ۲۰ میلیون کرون نروژ جریمه بدهند. پلیس اقتصادی به این نتیجه رسیده است که پایه‌ای برای مجازات افرادی دیگر غیر از آقای هاوارد نیست.» از رسانه‌ها دریافتیم که آقای «اولاف فیر» رییس قبلی استات اویل رسماً به عنوان یک مظنون شناخته شده بود که استعفا داده بود، ولی قضیه شکایت علیه او به لحاظ عدم کفایت مدارک رها شد.

گزارش پلیس نروژ فصلی دارد که «آیا هیچ اعمال نفوذی در ایران رخ داده؟» بر این نکته تأکید می‌شود که این تحقیق هیچ پایه‌ای برای این‌که نتیجه‌گیری شود که در واقع اعمال نفوذی بر روند تصمیم‌گیری در طرف ایرانی صورت گرفته باشد، نیافته است.»

باتوجه به این اطلاعات، آیا واقعاً می‌توانیم بگوییم کسی رشوه گرفته و کسی تخلف کرده؟ چون باید یا به گزارش وزارت اطلاعاتمان اتکاء کنیم یا به گزارش تحقیق و تفحص مجلس اتکاء کنیم و یا به گزارش پلیس مالی نروژ. در هیچ کدام از اینها وقوع جرم و متوجه شدن اتهام به کسی از ایران و صنعت نفت ایران ـ چه کسانی که مستقیماً در قراردادها مرتبط بودند و چه کسانی که به هر حال در صنعت نفت بودند و حتی ارتباط مستقیم هم نداشتند ـ پیدا نشده است.

براساس اطلاعات موجود تحقیقاتی هم توسط پلیس نیویورک با توجه به این‌که سهام استات اویل در بورس نیویورک هم معامله می‌شود، در دست انجام است که به احتمال زیاد با هدف‌های سیاسی در جهت تشدید تحریم علیه ایران و یا مخدوش کردن چهره‌ی مدیران عالی نظام باشد.

نکته‌ی دیگری که درخصوص این پرونده گفته شد، این است که در قراردادی که با استات اویل بستیم، یک نفر در جایی مثلاً در جنوب مخالف بود. مگر هر کاری که در یک وزارتخانه انجام می‌شود، باید اتفاق نظر همه در آن باشد؟ استات اویل یک شرکت درجه اول دنیاست و کاری که استات اویل در مخازن بی‌بی حکیمه و مارون آسماری و اهواز آسماری برای ما کرد، هیچ شرکت بین‌المللی حاضر نبود انجام بدهد، مبلغ قرارداد ۷/۵ میلیون دلار بود. تا الآن مبلغی پرداخت نکردیم و شرکت استات اویل هم بسیار بیش از این هزینه کرد. بیش از ۱۰ میلیارد بشکه بر ذخایر ما افزوده شد، به دلیل مطالعات درجه یکی که استات اویل در این میدان‌ها کرده و مطالعه را در سطح عالی برای ما انجام داده است. درست است که بگوییم چون یک نفر مخالف است، تصمیم لغو شود؟ شما خودتان که در مجلس تصمیم می‌گیرید، ۲۴۰ نفر هستید. ۱۱۹ نفر مخالفند و ۱۲۱ نفر موافقند، ولی تصمیم رسمیت دارد.

می‌فرمایند اطلاعات مخازن خوزستان را خارج از کشور بردند، خیر! اطلاعات همان مخازن را برده‌اند. اطلاعات مخازن نفت محرمانه است، اما طبق قانون، مرجعی که اجازه دارد تصمیم بگیرد که اطلاعات به کسی داده شود یا داده نشود، هیأت مدیره‌ی شرکت نفت است که هیأت مدیره طبق قانون تصمیم گرفته است. اگر کسی از مدیر مناطق نفت‌خیز جنوب اطلاعاتی بخواهد، حق ندارد بدهد. باید همان مرجعی که اجازه دارد اطلاعات را تصویب کند، بگوید اطلاعات محرمانه در اختیار کسی قرار بگیرد یا نه.

پس از پاسخ مفصل آقای زنگنه، آقای دکتر حداد عادل، رئیس وقت مجلس از آقای اعلمی می‌پرسند: «قانع

که مبراست. وزارت نفت یک تیم را مشخص کرد و من از رهبری خواهش کردم برادر ایشان هم عضو آن تیم باشد تا همه‌ی شرایط را به ایشان بگوید که آن تیم گزارش داد: «ما دلیلی برای این اتهام ندیدیم.»

در داخل شرکت نروژی استات اویل خلافی اتفاق افتاد و پولی بین چند نفر ردّ و بدل شد و آنها با سیاسی‌کاری مسایل خودشان را حل کردند و مسأله را داخل ایران انداختند که اسراییل پشت قضیه بود.

حتّی بسیج دانشجویی ـ به اعتراف روزنامه‌ی جوان که با ضدیت هم عمل می‌کند ـ در این مورد به دادستان کل کشور شکایت کرد و دادستان به محکمه‌ی کارکنان دولت ارجاع داد که پس از بررسی اسناد گفتند: «هیچ دلیلی نمی‌بینیم و حکم تبرئه دادند.» ولی گروهی رها نمی‌کنند و همیشه این مسأله را مطرح می‌کنند.

من مطمئنم مهدی در این انتخابات در هیچ بخشی جز در مسأله‌ی کمیته‌ی صیانت از آرا[1] دخالت نداشت.

شدید یا نه؟» آقای اعلمی در جواب می‌گوید: «اگر مجلس قانع شدند، ما هم قانع شدیم.» دکتر حداد عادل از نمایندگان سئوال می‌کنند که اکثر قریب به اتفاق اعلام می‌کنند که «با توضیحات آقای وزیر قانع شدیم» و آقای اعلمی نیز می‌گویند «من هم قانع شدم» با این توضیحات معلوم می‌شود که هر دو جناح موجود در کشور، در زمان مسئولیت، هرگاه به خاطر ضعف عملکرد، تحت فشار افکار عمومی قرار می‌گیرند، راه چاره را تکرار اتهاماتی می‌بینند که خود به بی‌اساس بودن آنها آگاهی کامل دارند (روزنامه *ابتکار*، ۶ مرداد ۸۹)

۱. کمیته‌ی صیانت از آرای انتخابات ریاست جمهوری دهم در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه از سوی ستاد مهندس میرحسین موسوی و حجت الاسلام والمسلمین مهدی کروبی راه‌اندازی شد. حجت الاسلام والمسلمین سید علی‌اکبر محتشمی‌پور از سوی مهندس موسوی و مرتضی الویری از سوی حجت الاسلام والمسلمین کروبی مسئولیت این کمیته را بر عهده داشتند. یک روز پس از آن، سخنگوی شورای نگهبان تشکیل چنین نهاد ناظری را فاقد وجاهت قانونی دانست. محتشمی‌پور در مصاحبه با خبرنگار سایت «کلمه» درباره‌ی هدف از تشکیل این کمیته می‌گوید: «این کمیته با پیشنهاد مهندس موسوی تشکیل شده و از من خواستند که مسئولیت کمیته را بر عهده بگیرم. عنوان این کمیته نیز کمیته‌ی صیانت از آرای مردم است. ولی این‌که آیا دغدغه‌ای در صیانت از آرای مردم بوده که کمیته تشکیل شده، باید عرض کنم که از دوران همکاری با مهندس موسوی که به دولت خدمتگزار در زمان حیات حضرت امام(ره) معروف بود چالش‌هایی را با شورای نگهبان داشتیم که در اثر این چالش‌ها (که اکثراً برداشت غیر صحیح شورای نگهبان از حوزه وظایف نظارتی خودش بود) مجبور شدیم که بر اساس عمل به قانون در مقابل شورای نگهبان مقاومت کنیم و اجازه ندهیم که اقدامی خلاف قانون رسمی کشور که یا در قانون اساسی آمده و یا در مجلس تصویب شده انتخابات شکل بگیرد.» وی همچنین در پاسخ پرسشی مبنی بر شأن قانونی این کمیته گفت: «منشوری پس از گذر زمان و مطالعات فراوانِ تمام دستگاه‌های سیاسی نظارتی و اجرایی کشور منتشر شده با عنوان منشور اخلاق انتخاباتی، که اخیراً وزارت کشور در دفترچه‌ای آن را منتشر

آنها نگران بودند و او که در [انتخابات] مجلس خبرگان در این زمینه کار کرده بود، تجربه‌ی خود را در اختیار آنان گذاشت. نه پولی دارد و نه به کسی پول داد. گفتند: او پول داده تا افرادی در اغتشاشات شرکت کنند، در حالی که [او] از این کارها بیزار است.

درباره‌ی سفر خارجی‌اش پرسیدید. ما در دانشگاه آزاد اسلامی شش واحد در خارج از کشور داریم که همه‌ی آنها مشکل دارند. می‌بایست کسی می‌رفت و رسیدگی می‌کرد. از لندن شروع کردیم و به لبنان رفتیم که باید توسعه پیدا کند. واحد دوبی مشکلات خاصی دارد. در زنگبار زمین دادند که هنوز نتوانستیم شروع کنیم. در ارمنستان و تاجیکستان هم واحد داریم. باید رسیدگی می‌کرد که رفت. ...دلش می‌خواهد بیاید و من می‌گویم اول کارهایت را تمام کن و انجام بده و بعد بیا. از این طرف هم مرتب تهمت می‌زنند که او هم همیشه جواب می‌دهد.[1] جالب این است که هیچ کسی از هیچ دادگاهی او را احضار نکرده است. او به دادستان نوشت که نه احضاریه دادید و نه از من

کرده و در اختیار گذاشته است. در همین جزوه‌ای که برای تدوین آن تمام دستگاه‌ها از جمله وزارت ارشاد، شورای نگهبان، وزارت کشور و همه‌ی دستگاه‌ها بر آن نظارت داشتند و منشوری قوی، مهم و مفید است بحث صیانت از آرا مطرح شده و آمده است: «صیانت از آرا بر عهده‌ی همه‌ی مردم و دستگاه‌ها است.» بسیار خوب! اگر چنانچه صیانت از آرا بر عهده‌ی همه‌ی مردم است پس برای چه می‌گویید این کمیته جنبه‌ی قانونی ندارد؟ خودتان گفته‌اید صیانت از آرا بر عهده‌ی تمام مردم است. بالاخره نامزد انتخاباتی که ممکن است رییس جمهور شود و رأی مردم را بگیرد به عنوان نماینده مردم نمی‌تواند از آرای مردم صیانت کند؟ و به عنوان یک شهروند نیز حق دارد جمعی را به عنوان نماینده انتخاب کند تا از آرای مردم صیانت کند.»

۱. مهدی هاشمی در زمان حضورش در خارج از کشور با صدور جوابیه‌های متعدد، به اتهاماتی که نسبت به وی مطرح می‌شد، پاسخ می‌داد. به عنوان نمونه به موارد زیر رجوع کنید:
نامه به مهندس عزت‌الله ضرغامی رییس سازمان صدا و سیما در واکنش به پخش سخنان حمزه‌ی کرمی و تأکید بر لزوم پخش جوابیه‌ی خود از صدا و سیما (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۴ شهریور ۸۸) / بیانیه‌ی مهدی هاشمی از لبنان (خبرگزاری *ایرنا*، ۲۵ شهریور ۸۸) / نامه به دادستان تهران در واکنش به سخنان وی (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۳ آذر ۸۸) / پاسخ مهدی هاشمی به خبرگزاری فارس درباره‌ی خروجش از کشور (*خبرگزاری فارس*؛ ۲۸ بهمن ۸۸) / بیانیه‌ی مهدی هاشمی (سایت *دی پرس*، ۱ اردیبهشت ۸۹) / نامه‌ی مهدی هاشمی به ضرغامی (سایت *رجانیوز*، ۲۸ خرداد ۸۹) / نامه به محسنی اژه‌ای دادستان تهران (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۳۰ آبان ۸۹) / نامه مهدی هاشمی به رییس مجلس هشتم در اعتراض به گزارش کمیسیون اصل نود مجلس درباره حوادث سال ۸۸ (سایت *خبرآنلاین*، ۲۴ بهمن ۱۳۹۰، کد خبر: ۱۹۸۸۴۸) و...

خواستید که به دادگاه بیایم.[1] تا به حال هیچ مقام امنیتی یا قضایی احضار نکرده است.[2] از روزی که رفت، این حرف‌ها را می‌زنند و هر وقت لازم باشد، کارش

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی* ، ۳ آذر ۸۸

۲. سخنان آیت الله هاشمی در تاریخ ۱۴ آذر ماه ۸۸ بیان شد. پیش از آن برخی از مسئولان قضایی بدون ارسال احضاریه‌ی قانونی در مصاحبه‌هایی به مهدی هاشمی توصیه می‌کردند تا با برگشت به کشور به اتهامات وارد شده به خود پاسخ گوید. به عنوان نمونه عباس جعفری دولت‌آبادی به عنوان دادستان عمومی و انقلاب تهران ابتدا در مصاحبه با ایرنا به مهدی هاشمی توصیه کرد هرچه زودتر به ایران برگشته و اگر معتقد است اتهامی به او وارد نیست از خود دفاع کند. (ر.ک: خبرگزاری *ایرنا*، ۲۲ آبان ۸۸)

مهدی هاشمی اما در واکنش به این مصاحبه با انتشار نامه‌ای خطاب به دادستان تهران ضمن رد اتهاماتی که در برخی رسانه‌ها به وی وارد می‌شود، اعلام کرد که تا این لحظه از سوی مسئولان قضایی و امنیتی اخطار یا احضاریه‌ای به او داده نشده است. وی با یادآوری قانون به دادستان تهران اعلام کرد که احضار متهم باید به وسیله‌ی احضارنامه‌ی کتبی به عمل آید و نه از طریق رسانه‌های عمومی. (ر.ک: خبرگزاری *ایرنا*، ۲ آذر ۸۸)

دادستان تهران اما یک روز بعد در پاسخ به این پرسش که «مهدی هاشمی رفسنجانی در نامه‌ای که دیروز منتشر کرد مطالبش را به گونه‌ای نوشته است که هیچ‌گونه احضاری از سوی قوه‌ی قضاییه درباره‌ی وی صورت نگرفته و شما از طریق رسانه وی را احضار کرده‌اید، پاسخ شما به این بخش از اظهارات مهدی هاشمی چیست؟» گفت: «اظهارات ما در متن مصاحبه مشخص بود، بهتر است آقای مهدی هاشمی متن مصاحبه را یک بار دیگر مطالعه کند و به حرف‌های زده شده‌ی ما به دقت نگاه کند و بعد قضاوت کند. (ر.ک: سایت *راسخون*، ۳ آذر ۸۸)

چندی بعد حجت الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای (دادستان کل کشور) در مصاحبه‌ای ضمن لزوم پاسخ‌گویی مهدی هاشمی به اتهامات مطرح شده، از سیستم انتظامی و امنیتی کشور خواست اگر مدرکی درباره‌ی او دارند، به دادستانی ارائه کنند تا تکلیف این پرونده هرچه زودتر مشخص شود. اژه‌ای از دادستان تهران نیز خواست تا اگر پرونده‌ای علیه مهدی هاشمی وجود دارد هرچه زودتر او را احضار و رسیدگی کند. (ر.ک: خبرگزاری *ایرنا*، ۱۷ آذر ۸۸)

بالاخره دادستانی تهران در اسفند ماه ۸۸ احضاریه‌ای برای مهدی هاشمی به آدرس محل زندگی وی در زمان حضور در ایران فرستاد. سیدمحمود علیزاده طباطبایی (وکیل مهدی هاشمی) اما در مصاحبه‌ای به برخی از اشکالات این احضاریه اشاره کرد. وی در این رابطه گفت: «قبل از تعطیلات، احضاریه‌ای بدون درج علت احضار که مشخص شود به عنوان مطلع احضار شده یا متهم به نام آقای مهدی هاشمی به آدرس منزل وی ارسال شده بود و در احضاریه محل حضور را شعبه چهارم بازپرسی مستقر در دادسرای مرکز اعلام کرده بودند. اینجانب به عنوان وکیل مدافع وی با مراجعه به دفتر دادستانی اعلام کردم که چنین شعبه بازپرسی در محل دادسرای مرکز و دادسرای انقلاب وجود ندارد. مشخص شد شعبه‌ی چهارم بازپرسی اخیراً تشکیل شده و در محل زندان اوین مستقر است. با مراجعه به بازپرسی مستقر در زندان اوین به وی اعلام کردم احضاریه‌ی ارسالی چندین اشکال قانونی دارد، نخست این که مشخصات احضار شونده و نام پدرش با مشخصات موکل همخوانی ندارد. دیگر این‌که محل احضار دادسرای مرکز اعلام شده و هم چنین علت احضار اعلام نشده است. سپس طی لایحه‌ای با اعلام وکالت از آقای مهدی هاشمی به بازپرس اعلام کردم با توجه به این که موکل در خارج از کشور مشغول تحصیل است اگر حضورش در ایران ضرورت دارد رسماً به من اعلام کنید تا آدرس قانونی وی را اعلام کنم که اوراق قضایی طبق قانون آیین دادرسی کیفری به آدرس وی ابلاغ و در مهلت قانونی برای حضور اقدام شود. اما

تاکنون هیچ درخواستی مبنی بر اعلام آدرس قانونی وی از سوی بازپرسی ارسال نشده است.»
(ر.ک: روزنامه *کیهان*، ۲۹ فروردین ۱۳۸۹)
جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) اما در پاسخ به پرسش‌های «رادیو گفتگو» احضار مهدی هاشمی را مطابق با مقررات دانست. وی حتی اعلام کرد: «در ایام پایان سال، گزارشاتی به دست ما رسید که آقای مهدی هاشمی در تعطیلات نوروزی عازم ایران هستند، لذا مأمورینی را در فرودگاه تهران و کیش مستقر کردیم و رسماً و کتباً اعلام کردیم که در صورتی که ایشان به ایران وارد شود، به دادسرای تهران معرفی شود و طبیعی بود که اگر ایشان وارد ایران می‌شد، مأمورین مکلف و آماده بودند ایشان را به دادسرای تهران، هدایت کنند و به شورای بازپرسی تحویل دهند. که برخی از خبرگزاری‌ها موضوع را در قالب حکم جلب مطرح کردند و ما از خبرگزاری‌های داخلی خودمان انتظار داریم که در انتشار اخبار قضایی دقت کنند و اخباری که منتشر می‌کنند، حتماً با مرجع قضایی چک کنند. به هر حال به مأمورین اعلام شده در صورت حضور ایشان در ایران به مرجع قضایی اعلام شود و این موضوع به هیچ عنوان لغو نشده.» جعفری دولت‌آبادی البته اعلام کرد که قوه‌ی قضاییه در حال حاضر تنها در مرحله‌ی تحقیق درباره‌ی مهدی هاشمی است. وی در پاسخ به این پرسش که «تا به حال به موارد اتهام آقای هاشمی افزوده شده؟» گفت: «خیر! چون هنوز در مرحله اثباتی نیست و ما در مرحله‌ی تحقیقات هستیم، نمی‌توانیم اعلام کنیم. چون ایشان اول باید در مرجع قضایی حاضر شود. وقتی حاضر شد ما این موارد را به اطلاع می‌رسانیم. در حال حاضر، هرگونه اعلام اتهام از سوی دادستانی موجب مشکلاتی در آینده خواهد شد... حتماً اتهام متوجه ایشان است که منجر به احظار دادستانی شده و در صورت عدم حضور، به مأمورین اعلام کرده که ایشان هرگاه به ایران وارد شود حتماً باید به دادستانی معرفی شود.»
(سایت *رادیو گفتگو*، ۳۰ فروردین ۱۳۸۹)
پس از آن‌که در آبان ماه ۸۹ بار دیگر زمزمه‌ی بازگشت مهدی هاشمی به ایران شنیده شد، آیت‌الله احمد جنتی در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۸۹ در خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران بر لزوم برخورد با افرادی که هنوز دستگیر نشده‌اند، تأکید کرد و گفت: «باید این موضوع جدی گرفته شود که اگر این فرد به ایران بیاید دستگیر شود؛ زمانی بود که بچه‌های اطلاعات می‌گفتند فسادهای گوناگونی از این فرد وجود دارد که ما جرأت نمی‌کنیم دم بزنیم زیرا که ممکن است چشم ما را کور کند؛ اما حالا امنیت از فرد گرفته شده است، ولی شرایطی برای دستگیری آن گذاشته شده که عادلانه نیست.» وی افزود: «گفته شده است که این فرد در فرودگاه دستگیر نشود چرا که هتک احترام صورت می‌گیرد. بلکه باید به خانه برود، استراحت کند و پس از بازدید با دوستانش دستگیر شود که البته گفته می‌شود نباید به زندان اوین فرستاده شود بلکه باید در خانه‌ای تحت نظر باشد و تنها ترددها محدود باشد.» دبیر شورای نگهبان ادامه داد: «حتی گفته شده است که پرونده‌های این فرد به وزارت اطلاعات و سپاه داده نشود چرا که این دو نهاد دارای اطلاعاتی هستند که دستگاه قضایی آنها را دارا نیست.» وی از دیگر شرایط دستگیری این فرد را که برخی مطرح کردند، قضاوتِ یک قاضی عادل عنوان کرد و گفت: «البته قاضی عادل از دید این افراد فردی است که یا ایشان را تبرئه کند و یا مختصری آنها را محکوم کند.» امام جمعه‌ی موقت تهران با بیان این‌که این شرایط بی‌عدالتی است، گفت: «ما اسراییل را برای بی‌عدالتی محکوم می‌کنیم و دنیا را به مبارزه با فساد دعوت می‌کنیم و من این توصیه را دارم که در کشور خودمان نیز این موضوع عملی شود.»
(خبرگزاری *ایلنا*، ۲۱ آبان ۸۹)
پس از انتشار سخنان آیت‌الله جنتی سایت آینده نوشت: «یک منبع آگاه در گفتگو با خبرنگار آینده درباره‌ی سرنوشت پرونده‌ی مهدی هاشمی گفت: پیرو ملاقات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با رهبر معظم

انقلاب و ابراز آمادگی وی برای تعیین تکلیف پرونده‌ی فرزندش و رسیدگی به اتهامات وی، هاشمی رفسنجانی درخواست‌هایی را جهت رسیدگی به این پرونده اعلام می‌کند که مهم‌ترین آن تجمیع پرونده‌ی مهدی در دستگاه قضایی و رسیدگی قوه‌ی قضاییه به این پرونده توسط یک قاضی مستقل می‌باشد. این منبع آگاه ادامه داد: رهبر معظم انقلاب با کلیت این درخواست آیت‌الله هاشمی موافقت کرده و موضوع را جهت اجرا به قوه‌ی قضاییه ابلاغ می‌نمایند که پیرو آن، هیأتی در قوه‌ی قضاییه با حضور حجت الاسلام والمسلمین رییسی (معاون اول قوه‌ی قضاییه و معتمد ویژه‌ی رهبر انقلاب) تشکیل می‌گردد. وی افزود: این هیأت مکاتباتی را با نهادهای مسئول در این موضوع از جمله وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه و نیروی انتظامی انجام می‌دهد تا کلیه‌ی اتهامات و پرونده‌های مربوط به مهدی هاشمی را جهت رسیدگی در اختیار قوه‌ی قضاییه قرار دهند و اتهاماتی که پس از این مرحله طرح گردد دیگر مسموع نخواهد بود. این منبع آگاه در خاتمه گفت: با توجه به حضور عالم شاخص و بابصیرتی نظیر آیت‌الله آملی لاریجانی در رأس دستگاه قضایی که کاملاً معتمد نظام بوده و حضور شخصیت‌های دیگری نظیر حجج اسلام رییسی و محسنی اژه‌ای که از چهره‌های مورد وثوق رهبر معظم انقلاب می‌باشند، در رده‌های ارشد قوه‌ی قضاییه و همچنین مسئولیت اشخاص معتمدی چون دکتر جعفری دولت آبادی در دادستانی، هیچ‌گونه نگرانی از بابت امکان اعمال نفوذ در این پرونده وجود ندارد؛ همان‌گونه که در موضوع وقف دانشگاه آزاد نیز هیأت تشکیل شده تحت نظر آیت‌الله آملی لاریجانی با دقت به وظایف محوله عمل کرد. وی درخاتمه با انتقاد از فضاسازی‌های رسانه‌ای اخیر گفت: امیدواریم عملکرد برادرانی که اکنون با پیش ذهنیت به موضوع نگاه می‌کنند، به گونه‌ای نباشد که پس از صدور حکم باعث شرمندگی آنان در برابر جفا به دستگاه قضایی و فراهم کردن زمینه برای بیگانگان در جهت استناد به این مطالب برای تضعیف استقلال و بی‌طرفی قوه قضاییه باشد.» (سایت *آینده*، ۲۲ آبان ۸۹ کد خبر: ۲۰۳۸۳)

مهدی هاشمی اواخر آبان ماه ۱۳۹۰ نامه‌ای خطاب به محسنی‌اژه‌ای (دادستان کل کشور) منتشر کرد. وی در قسمتی از این نامه ضمن اعلام آمادگی برای پاسخ‌گویی به اتهامات خود نوشت: «آماده‌ی حضور در محکمه می‌باشم و شرط‌های من را هم می‌دانید که هیچ درخواست غیرقانونی در آن نیست. مهم‌ترین آنها دادگاه مستقل و مصون از تحمیل‌های نیروهای امنیتی است با همه‌ی حقوق دادگاه و متهم و نیز توجه به شکایات متهم. خودتان می‌دانید که احضاریه مورد اشاره‌ی شما همان‌گونه که وکیل اینجانب اعلان کرده؛ قانونی صادر نشده، گویا فقط برای اعلان و انجام وظیفه بوده. زیرا در آن اسم متهم و اسم پدر غلط نوشته شده. اگر منظور شما احضار اینجانب بوده و ثانیاً اتهام ذکر نشده و ثالثاً احضاریه به شعبه‌ای بازپرسی در گلوبندگ صادر شده که وجود ندارد... هر زمان که لازم می‌بینند که اینجانب در محکمه‌ای حاضر باشم، احضاریه‌ای در فرم قانونی توسط وکلای اینجانب ابلاغ کنند و من در وقت قانونی حضور خواهم داشت. چون مطمئنم یک دادگاه عادل منع تعقیب صادر خواهد کرد و تهمت‌زنان رسوا خواهند شد. البته انتظار شخص اینجانب این است که جلوی این شانتاژها را بگیرید و فضا را برای یک دادرسی معتبر، عادلانه، منصفانه و ترجیحاً علنی مناسب کنید. البته این تقاضا فقط برای شخص خودم نیست؛ بلکه انتظار همه‌ی دوستان انقلاب این است که برای تمام شاکیان و متهمان چنین فضایی در محاکم جمهوری اسلامی وجود داشته باشد.» (ر.ک: سایت *آفتاب*، ۳۰ آبان ۱۳۹۰)

محسنی‌اژه‌ای اما در واکنش به این نامه با نشان دادن احضاریه به خبرنگاران گفت: «هیچ یک از ابهامات در نامه مهدی هاشمی صحت ندارد... کپی نامه را از دادستان تهران گرفتم و ملاحظه می‌کنید که تمام جزئیات لازم از جمله اسم مهدی هاشمی، نام پدر و آدرس به درستی قید شده است. احضار وی در

تاریخ ۱۲ اسفند ۸۸ بوده و این نامه در تاریخ ۱۵ اسفند ۸۸ توسط مأمور ابلاغ ارسال شده و وکیل آنها آقای طباطبایی در تاریخ ۱۸ اسفند ۸۸ مراجعه کرده و گفته که پیرو ابلاغ برگه احضاریه به آدرس منزل موکل رسیده است.» (ر.ک: *خبرگزاری فارس*؛ ۲ آذر ۱۳۸۹)

حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رییسی (معاون اول قوه قضاییه) نیز در خصوص پرونده مهدی هاشمی گفت: «حکم جلب مهدی هاشمی صادر شده و وی دستگیر و روانه‌ی زندان خواهد شد، بنابراین پرونده‌ی ایشان مانند بقیه‌ی پرونده‌های دیگر، عادلانه رسیدگی خواهد شد. در دستگاه قضایی قضات عادل کم نیستند و توسط قاضی عادلی که از طرف دستگاه قضایی تعیین شود، به پرونده‌ی مهدی هاشمی رسیدگی می‌شود.» (*خبرگزاری ایسنا*؛ ۲ آذر ۱۳۸۹)

یکی از مسائلی که درباره‌ی مهدی هاشمی در برخی از رسانه‌ها مطرح می‌شد امکان محاکمه‌ی غیابی وی بود. مسئولان قوه‌ی قضاییه اما مخالفت خود را با محاکمه‌ی غیابی اعلام می‌کردند. به عنوان نمونه حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای (دادستان کل کشور) در پاسخ به سوالی درباره‌ی امکان محاکمه‌ی غیابی مهدی هاشمی گفت: «در برخی موارد از جمله مسایل مالی امکان رسیدگی غیابی وجود دارد اما در برخی مسایل این امکان نیست.» (ر.ک: *واحد مرکزی خبر*، ۱۵ آذر ۱۳۸۹)

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) نیز درخصوص اظهارات دادستان کل کشور مبنی بر این‌که امکان برگزاری دادگاه مالی مهدی هاشمی به صورت غیابی وجود دارد گفت: برای برگزاری این دادگاه منع قانونی وجود ندارد. اما به نظرم مردم ما منتظر هستند این متهم در دادگاه حاضر شده و به دفاع از خود بپردازد. این فرد که قرص و محکم اعلام می‌کند قطعاً از دادگاه تبرئه بیرون خواهد آمد، پس چرا در دادگاه حاضر نمی‌شود اگر ایشان مدعی است که هیچ اتهامی ندارد پس بهتر است زودتر به ایران برگشته و پرونده خود را سنگین‌تر نکند.» (خبرگزاری *ایلنا*، ۱۶ آذر ۸۹)

محسنی اژه‌ای (دادستان کل کشور) بار دیگر در پاسخ به سووال یکی از خبرنگاران مبنی بر این‌که با توجه به برنگشتن مهدی هاشمی به کشور آیا وقت آن نرسیده که این فرد به صورت غیابی محاکمه شود، گفت: «تشخیص این موضوع که این فرد به صورت غیابی محاکمه شود یا خیر به عهده‌ی قاضی است اما در برخی پرونده‌ها مواردی وجود دارد که مانع می‌شود از این موضوع که قاضی به صورت غیابی فرد را محاکمه کند و ضرورت دارد در هنگام محاکمه حتماً فرد متهم حضور داشته باشد.»

(*خبرگزاری فارس*؛ ۱۱ بهمن ۱۳۸۹)

در حالی که سیدمحمود علیزاده طباطبایی (وکیل مهدی هاشمی) اعلام کرده بود که از قوه‌ی قضاییه خواسته است که چنانچه حضور موکلش در ایران ضرورت دارد رسماً به وی اعلام کنند تا آدرس قانونی مهدی هاشمی در خارج از کشور را اعلام کند و اوراق قضایی طبق قانون آیین دادرسی کیفری به آدرس وی ابلاغ و در مهلت قانونی برای حضور اقدام شود اما قوه قضاییه نه تنها چنین اقدامی را انجام نداد بلکه همه چیز را به بازگشت اختیاری مهدی هاشمی به ایران موکول کرد. عباس جعفری دولت آبادی (دادستان تهران) در پاسخ به سوال خبرنگاری که درباره روند رسیدگی به پرونده مهدی هاشمی پرسید، گفت: «این پرونده از دستور کار دستگاه قضایی خارج نشده است و همچنان در دستور کار قرار دارد و مفتوح است و به آن همچنان رسیدگی خواهد شد. مهدی هاشمی یک ایرانی است و هر وقت قصد ورود به ایران را داشته باشد به طور حتم با این اتهام روبه روست و باید پاسخ‌گوی مردم باشد.» وی درباره‌ی احضار مهدی هاشمی به کشور نیز گفت: «از آنجا که وی خارج از کشور به سر می‌برد، به همین دلیل شیوه‌های احضار او با موارد عادی متفاوت است.» عباس جعفری دولت آبادی درباره‌ی درخواست از اینترپل برای بازداشت و استرداد مهدی هاشمی به ایران نیز افزود: «به علت مسائلی که در حوزه‌ی بین‌المللی وجود دارد، باید به‌گونه‌ای عمل

شود که بتوانیم به نتیجه برسیم.» (سایت *رجانیوز*: ۲۴ شهریور ۱۳۸۹)

دولت‌آبادی همچنین در مصاحبه‌ای صریحاً اعلام کرد که قوه‌ی قضاییه به جز احضاریه‌ی اولیه اقدامی درباره‌ی مهدی هاشمی انجام نداده است. او در این باره گفت: «قبلاً هم گفته شده است دادستانی و دستگاه قضایی "دیر گیر" ولی "شیر گیر" است و مهدی هاشمی هم یک روز مجبور است به مراجع قضایی مراجعه کند.» جعفری دولت‌آبادی با بیان این‌که مهدی هاشمی همچنان تحت تعقیب است گفت: «به دلیل این‌که بحث رسیدگی به پرونده‌ی وی به صورت غیابی با موانع روبه‌رو است تا این لحظه به جز احضار اولیه کاری انجام نشده است ولی به محض ورود به ایران دستگیر می‌شود.»

(*خبرگزاری فارس*: ۸ خرداد ماه ۱۳۹۰)

سیدمحمود علیزاده طباطبایی (وکیل مهدی هاشمی) اما بار دیگر در مصاحبه با روزنامه شرق اعلام کرد: «مهدی هاشمی در معرض هیچ اتهامی نیست. از ۲۳خرداد۱۳۸۸ نهادهای مربوطه هرکسی را که سوءظنی به او داشتند، بازداشت کردند. اما مهدی هاشمی در آن زمان و تا پیش از خروج از کشور در دفتر کارش بود و هیچ تعرضی به او نشد. حتی در حد یک اخطار کوچک. پس می‌شود نتیجه گرفت اصلاً در معرض سوءظن نبوده و نیست... مهدی اواخر شهریور ۸۸ به خارج از کشور رفت و مأموریتش را انجام می‌داد. اما ناگهان دی و بهمن ۸۸ شایعات شروع شد... همسر مهدی گفت از وقتی که مهدی رفته، من کمتر خانه خودمان می‌روم، بیشتر یا خانه مادرم هستم یا خانه اقوام. روز جمعه که به خانه آمدم، دیدم یک احضاریه‌ای از شعبه ٤ بازپرسی زندان اوین داخل خانه انداخته شده. بعد از تعطیلات نوروز ۸۹ من این احضاریه را برداشتم و به دفتر بازپرس با وکالتنامه‌ای که از مهدی داشتم، رفتم... در احضاریه‌ای که آمده بود باید می‌نوشتند که شخص را به چه دلیل احضار کردند. اما چیزی ننوشته بودند و خالی بود. آدرسی که داده بودند، اشتباه بود. گفته بودند باید به شعبه‌ی ۴ بازپرسی کارکنان دولت مراجعه شود در صورتی‌که بازپرسی کارکنان دولت در میدان ارگ و بازپرسی امنیت در اوین مستقر است. در احضاریه اسم مهدی را اشتباه نوشته بودند آن هم در حالی که در اوراق قضایی باید اسم دقیق باشد. اسم ایشان «مهدی هاشمی‌بهرمانی» است که نوشته بودند «مهدی هاشمی رفسنجانی» حتی اسم پدر را به جای «اکبر» نوشته بودند «علی‌اکبر». من رفتم ایرادهای این احضاریه را به بازپرس اطلاع دادم و بعد هم به او گفتم مهدی الآن در لندن مشغول تحصیل و به مأموریت رفته است. لازم است بدانید که قبلاً آقای هاشمی به من گفتند که در طول این مدت مهدی چند بار خواسته برگردد و چون هنوز مأموریتش تمام نشده می‌خواهد ترددی بیاید ولی گفته‌اند، بگذارید مهدی آنجا بماند و درسش تمام شود. به من هم گفتند تو برو و به مقام‌های قضایی بگو علت این‌که مهدی نمی‌آید چیست. من رفتم به بازپرس گفتم داستان نیامدن مهدی این است؛ مهدی مایل است که بیاید ولی اجازه ندادند بیاید. به بازپرس گفتم اگر شما مشکل را حل کردید، راه قانونی‌اش این است که برای مهدی به آدرسش احضاریه بفرستید و چون مهدی الآن در دانشگاه آکسفورد درس می‌خواند و از طرف دانشگاه آزاد مأمور است، اقامتگاه قانونی‌اش لندن است. اگر می‌خواهید من آدرس اقامتگاه قانونی‌اش را بدهم، قانون نحوه‌ی احضار متهمان خارج از کشور را مشخص کرده که باید از طریق سفارت احضاریه را به اقامتگاه قانونی‌اش ابلاغ کنید تا به دادگاه بیاید؛ دو ماه هم مهلت دارد. ایشان گفت شما به او بگویید که به صلاحش است که بیاید. به او گفتم اگر شما از نظر قانونی حضورش را ضروری می‌دانید، این روال را طی کنید که گفت من با مسئولان صحبت می‌کنم. اما بعد دادستان تهران مصاحبه کرد که حکم جلب مهدی صادر شده و دادستان کل کشور هم در گفت‌وگویی با رسانه‌ها اعلام کرد مهدی از هر فرودگاهی بیاید، همان‌جا بازداشت می‌شود... با این اوضاع

من پیش رییس دفتر رییس قوه‌قضاییه رفتم. ایشان گفتند مسئولان مربوطه هم می‌گویند مصلحت نیست که مهدی بیاید اما اگر خودش اصرار دارد که بیاید، ما آمادگی رسیدگی داریم. من گفتم اگر همه گفتند که نیاید پس چرا دادستان این حرف را زده؟ آقای خلفی در جواب گفت: شما موضوع را رسانه‌ای نکنید. خبرنگاران سووال کردند و دادستان هم یک جوابی دادند... من به آقای خلفی گفتم اگر این‌طور باشد ما مجبوریم جواب دهیم و دیدیم که دادستان تهران مصاحبه کردند و به صراحت گفتند: هر زمان احضار مهدی ضرورت باشد، براساس روش احضار متهمان خارج از کشور اقدام می‌کنیم؛ این آخرین حرفی بود که از طرف مقام‌های رسمی در مورد مهدی زده شد... یک دلیلی که مهدی اصرار دارد به ایران برگردد همین فضاسازی رسانه‌ای است که یک عده علیه او انجام داده‌اند. مهدی می‌گوید من خودم می‌دانم که مرتکب هیچ جرمی نشده‌ام، پس نگران نیستم.» (روزنامه *شرق*، ۱۰ خرداد ۱۳۹۰)

مهدی هاشمی در مهر ماه ۱۳۹۱ تصمیم قاطع خود برای بازگشت به کشور را اعلام کرد. پس از آن‌که روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در تاریخ اول مهر ماه خبر داد که «مهدی هاشمی عصر امروز وارد تهران می‌شود.» دستگاه قضایی در همان روز نسبت به بازداشت و انتقال فائزه هاشمی (خواهر وی) به زندان اوین، اقدام کرد! این در حالی بود که از زمان صدور حکم حبس «فائزه» تا آن زمان بیش از هشت ماه می‌گذشت.

فائزه هاشمی در دی ماه ۱۳۹۰ به اتهام تبلیغ علیه نظام به شش ماه حبس تعزیری و پنج سال محرومیت از فعالیت و عضویت در احزاب، گروه‌ها، انجمن‌ها، فضای مجازی، و فعالیت رسانه‌ای محکوم شده بود. این حکم به دلیل بیان سخنانی در سال ۱۳۹۰ در مصاحبه با سایت روزآنلاین صادر شده بود.

این بازداشت نیز مانع از تصمیم مهدی هاشمی برای بازگشت به کشور نشد. او ـ با یک روز تأخیر از زمان اعلام شده ـ در شامگاه یکشنبه دوم مهر ۱۳۹۱ ساعت ۲۱:۲۴ با پرواز هواپیمایی امارات، از طریق دوبی وارد ایران شد. بعد از ورود مهدی هاشمی به فرودگاه و طی مراحل تشریفات ورود به کشور، نماینده‌ی دادستانی برگ احضاریه را به او تقدیم کرده، تعهد گرفت تا ۲۴ ساعت بعد، خود را به دادستانی معرفی کند. (ر.ک: *خبرگزاری فارس*؛ ۲ مهر ۱۳۹۱، کد خبر: ۱۳۹۱۰۷۰۲۰۰۱۴۴۱)

مهدی هاشمی ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۳ مهر ماه همراه با وکیل خود برای تفهیم اتهام در دادسرا حاضر شد. محمود علیزاده طباطبایی وکیل مهدی هاشمی در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: «دیروز در فرودگاه تفهیم اتهام صورت نگرفت و به احتمال قوی امروز اتهامات به موکلم تفهیم خواهد شد.» وی افزود: «ابلاغیه از سوی قاضی رشته احمدی سرپرست دادسرای شهید مقدس صادر شده و ما برای رسیدگی به پرونده به دفتر وی خواهیم رفت.» (خبرگزاری *مهر*، ۳ مهر ۱۳۹۱)

علیزاده طباطبایی همچنین در متن مکتوبی درباره علت بازگشت موکل خود به کشور نوشت: «به دلیل پایان یافتن بخش مقدماتی تحصیلی مهدی هاشمی در دوره‌ی دکترا و مشکلات ناشی از تحریم برای واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی این فرد به کشور بازگشته است. البته آقای هاشمی در طول سه سال گذشته بارها تصمیم به رفت و آمد به کشور داشته است که عمدتاً به دلیل توصیه‌ی بعضی از بزرگان و دلسوزان نظام از این رفت و آمد منصرف شده‌اند. این عدم تردد به کشور باعث بعضی از سوء تفاهمات نیز شد و در این رابطه بزرگ‌نمایی انجام شد که خوشبختانه با حضور این فرد در کشور ان‌شاءالله این سوء‌تفاهمات برطرف می‌شود. مطمئناً ایشان با نظر خودش مراجعت کرده و براساس گفته‌هایش دیگر هیچ توصیه‌ایی را برای نیامدن نپذیرفته است و اعلام کرده که هیچ حجتی برای ماندن در خارج از کشور ندارد.»

(سایت *الف*، ۳ مهر ۱۳۹۱، کد خبر: ۱۶۷۰۱۳)

مهدی هاشمی در همان روز به هدف بازجویی، به صورت موقت بازداشت و راهی زندان اوین شد.
(*خبرگزاری فارس*؛ ۳ مهر ۱۳۹۱)
محسن هاشمی نیز در پاسخ به سؤالی درباره نظر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره بازداشت مهدی و فائزه هاشمی، گفت: «ایشان می‌گویند، بچه‌های من مثل بچه‌های بقیه افراد هستند و فرقی بین بچه‌های من با بچه مردم نیست.» وی افزود: «نظر ایشان این است که نباید تبعیضی صورت بگیرد و باید بدون تبعیض با فرزندان ایشان برخورد شود.» وی با بیان این‌که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جویای حال مهدی و فائزه است، گفت: «ایشان از بازداشت مهدی و فائزه نگران نیستند؛ حاج آقا به این بحران‌ها عادت دارند.»
(سایت *خبرآنلاین*، ۳ مهر ۱۳۹۱)
مهدی هاشمی بالاخره پس از ۸۴ روز بازداشت موقت در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۹۱ با قرار وثیقه از زندان آزاد شد. حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای (سخنگوی قوه قضائیه) درباره‌ی پرونده‌ی وی گفت: «پس از ۸۴ روز تحقیقات و بازداشت موقت برای مهدی هاشمی قرار مجرمیت وی صادر شد و به زودی پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه فرستاده می‌شود.» وی افزود: «مهدی هاشمی در آخرین ساعات اداری روز گذشته با قرار وثیقه‌ی صد میلیارد ریالی آزاد شد.» سخنگوی قوه قضائیه در خصوص این‌که چرا مهدی هاشمی بازداشت موقت شد و چگونه با وثیقه آزاد شد، گفت: «در ماده ۳۲ و ۳۵ قانون آئین دادرسی کیفری مشخص شده است که در کجا فرد جایز است که آزاد باشد و در چه جرایمی الزامی است که فرد در بازداشت موقت باشد. در خصوص مساله‌ای همانند ارتشا، بازداشت موقت الزامی است و اگر بیم تبانی با افراد دیگری یا فرار او وجود داشته باشد با نظر بازپرس متهم، بازداشت می‌شود. هنگامی که این قیود رفع شد متهم با قرار وثیقه می‌تواند آزاد شود.» سخنگوی قوه قضائیه گفت: «در خصوص پرونده‌ی مهدی هاشمی بیم فرار وجود نداشت اما بیم امحای آثار جرم و تبانی با افراد وجود داشت که قاضی اقدام به بازداشت موقت کرد.» اژه‌ای ادامه داد: «پس از ۸۴ روز بازداشت این فرد در انفرادی با صدور قرار، بازداشت او به وثیقه تبدیل شد.» (خبرگزاری *مهر*، ۲۷ آذر ۱۳۹۱، کد خبر: ۱۷۶۸۹۰۵)
خبرگزاری فارس در تاریخ ۵ اسفند ۹۱ از انتخاب ناصر سراج به عنوان قاضی پرونده‌ی مهدی هاشمی خبر داد. (*خبرگزاری فارس*؛ ۵ اسفند ۹۱، کد خبر: ۱۳۹۱۱۲۰۵۰۰۰۰۵۹)
اولین جلسه‌ی دادگاه مهدی هاشمی در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲ برگزار شد. وکیل‌مدافع مهدی هاشمی پس از جلسه‌ی دادگاه در پاسخ به پرسش خبرنگار ایسنا با بیان این‌که «جلسه دادگاه در وقت خود تشکیل شد» گفت: به دلیل درخواست استمهال ما و وجود نقایص در کیفرخواست، دادگاه تصمیم گرفت برای تکمیل تحقیقات، پرونده را به دادسرا مسترد کند.» علیزاده طباطبایی خاطرنشان کرد: «کیفرخواست دارای نقایص زیادی بود و ما به آن‌ها اشاره کردیم، البته ناگفته نماند که اکثر نقایص کیفرخواست شکلی بود و تحقیقاتی باید انجام می‌شد که متأسفانه این تحقیقات به عمل نیامده بود.» وی درباره‌ی زمان جلسه بعدی دادگاه موکلش گفت: «منتظر ابلاغ وقت از سوی دادگاه هستیم.»
(*خبرگزاری ایسنا*؛ ۱۶ اردیبهشت ۹۲، کد خبر: ۹۲۰۲۱۶۱۰۶۹۴)
قاضی ناصر سراج نیز در پاسخ به این پرسش خبرگزاری تسنیم که زمان جلسه‌ی بعدی دادگاه مهدی هاشمی مشخص شده است یا خیر؟ گفت: «باید دادسرا اعلام کند که چه زمانی است؛ تا تحقیقات پرونده تکمیل نشود، دادگاه تکلیفی ندارد.» (*خبرگزاری تسنیم*؛ ۲۳ اردیبهشت ۹۲، کد خبر: ۵۵۵۱۰)
سراج در تاریخ ۷ تیر ماه ۱۳۹۲ در گفتگو با تسنیم درباره آخرین وضعیت پرونده‌ی مهدی هاشمی و این‌که پرونده از دادسرا برگشته است یا خیر گفت: «پرونده هنوز در دادسرا است و به دادگاه برنگشته

را ناتمام می‌گذارد و می‌آید. البته در شرایطی که در آنجا بود، گفتم: الآن که کار اجرایی آنچنانی نداری و وقت تو ضایع می‌شود، چون در حال تحصیل در مقطع دکتراست، بناست رساله‌اش را در یکی از دانشگاه‌های خارج بگذارند. البته لازم نیست دائم بماند و می‌تواند رفت و آمد کند.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه نیز در مصاحبه‌ای با پایگاه اطلاع‌رسانی خود در پاسخ به این پرسش که «مقام معظم رهبری در نمازجمعه‌ی امسال اشاره‌ای به بحث پشتیبانی مالی شما در دوران مبارزه کردند. ممکن است برای جوانان امروز جالب باشد که بدانند شما چطور توانستید هم‌زمان به مجالس و منابر خود بپردازید، زندانی شوید و توان این را داشته باشید که با همکاری

است و آن‌طور که اطلاع دارم تحقیقات دادسرا روی این پرونده به زمان زیادی احتیاج دارد.»
(پایگاه خبری ـ تحلیلی *مشرق*؛ ۷ تیر ۱۳۹۲، کد خبر: ۲۲۷۳۲۲)

وی همچنین در تاریخ ۲۷ تیر ۹۲ در حاشیه‌ی مراسم جشن حمایت از خانواده‌های زندانیان نیازمند در جمع خبرنگاران در مورد آخرین جزییات پرونده‌ی مهدی هاشمی گفت: «ممکن است روند رسیدگی به پرونده‌ی مهدی هاشمی بیشتر از این حرف‌ها طول بکشد.» وی ادامه داد: «دلیل طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده‌ی مهدی هاشمی ایرادهایی است که نسبت به پرونده گرفته شده که البته این ایرادات سنگین بوده و رسیدگی به آن زمان می‌برد.» (*خبرگزاری ایسنا*؛ ۲۷ تیر ۱۳۹۲، کد خبر: ۹۲۰۴۲۷۱۶۶۷۷)

۲۸ مرداد ماه قاضی محمد منصوری بازپرس پیشین شعبه دوم دادسرای فرهنگ و رسانه عهده‌دار انجام تحقیقات درباره‌ی پرونده مهدی هاشمی و رفع نواقص سنگین این پرونده شد. با تعیین بازپرس، رفع نواقص این پرونده به طور رسمی آغاز شد و بنابر اعلام حجت الاسلام محسنی اژه‌ای (سخنگوی قوه قضاییه)، مهدی هاشمی ۲۱ مهر ماه به منظور ارائه‌ی پاره‌ای توضیحات در دادسرا حضور یافت. اژه‌ای یادآور شد: «دادسرا در حال رفع نواقص است و بازپرس، پرونده را به طور کامل مطالعه کرده و در ۲۱ مهر ماه نیز یک جلسه تحقیق از آقای هاشمی به عمل آمده است.» حدود یک ماه پس از این اظهاراتیعنی ۲۰ آبان ماه سخنگوی قوه قضاییه در نشست خبری هفتگی خود از دادسرا خواست نسبت به رفع نواقص پرونده مهدی هاشمی سرعت عمل بیشتری به خرج دهد. محسنی اژه‌ای گفت: «دستگاه قضایی همچنان در تلاش برای رسیدگی هرچه زودتر به این پرونده است!» سخنگوی قوه‌ی قضاییه افزود: «مردم توقع دارند برخی از پرونده‌های قضایی به سرعت رسیدگی شوند که توقع به جایی است و اگر از من هم بپرسند می‌گویم روند رسیدگی به این پرونده قدری طولانی شده است که امیدواریم دادسرا هر چه زودتر نواقص آن را برطرف کند.» (*خبرگزاری جمهوری اسلامی*؛ ۷ دی ۱۳۹۲، کد خبر: ۸۰۹۶۹۶۵۷)

قاضی سراج نیز در آذر ماه ۹۲ نیز در جمع خبرنگاران در خصوص پرونده‌ی مهدی هاشمی و طولانی شده آن در دادسرا گفت: «پرونده در دادسرای تهران است و موضوع طولانی شدن آن را از دادسرا باید پی‌گیری کنید.» (*خبرگزاری فارس*؛ ۱۶ آذر ۱۳۹۲، کد خبر: ۱۳۹۲۰۹۱۶۰۰۱۰۳۶)

تا زمان انتشار این کتاب، همچنان تکلیف پرونده‌ی مهدی هاشمی مشخص نشده است. (نویسنده)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ آذر ۸۸

اشخاصی مثل شهید رجایی، بحث مؤسسه‌ی فرهنگی و خیریه‌ی رفاه و کارهای اقتصادی و کمک به خانواده‌ی زندانیان را ساماندهی کنید؟» گفت:

چند منبع داشتیم. یک مقدارش از اموال خودم بود. زیرا زمانی که منبر من محدود شد، برای مبارزه پوششی لازم داشتم که به همین خاطر به سراغ ساخت مسکن و فروش آن رفتم که آن زمان شغل پرسودی بود. با توجه به این‌که خواهرزاده‌ی من بنّا بود (هنوز هم هست) برای من کار آسانی بود. زمینه‌ی مساعدی درست می‌کردیم، زمینی می‌گرفتیم و چند خانه می‌ساختیم و می‌فروختیم. نصف یک پاساژ [را] هم ساختیم. در سال‌های آخر شرکت وسیعی به نام «البرز» در قم ایجاد کردیم که کارهای وسیعی می‌کردیم و درآمد خوبی داشتیم. البته احتیاج زیادی به این درآمدها نداشتیم و معمولاً صرف همین کارها می‌کردیم. به همین خاطر کسانی هم که می‌خواستند کمک کنند، به من مراجعه می‌کردند. ما هم به جاهایی که لازم بود، کمک می‌کردیم.

افراد زیادی از طلبه‌ها در همان زمان ممنوع‌المنبر می‌شدند. منبعی هم غیر از منبر نداشتند. باید اینها را اداره می‌کردیم.

چند موضوع تحقیقی مطرح کردیم. یک موضوع راجع به زندگی ائمه، یک موضوع راجع به قرآن و یک موضوع راجع به نهج‌البلاغه بود و هر کدام از این آقایان روزی پنج الی شش ساعت برای ما کار می‌کردند و ساعتی ۵ تومان به آنها می‌دادیم که زندگی آنها کاملاً اداره می‌شد. نهج‌البلاغه‌ای که آقای معادی‌خواه منتشر کرد، نتیجه‌ی همین حرکت بود. کارهای مربوط به تحقیق راجع به قرآن را خودم انجام دادم و زندگی ائمه را هم به دفتر تبلیغات دادیم که متأسفانه هنوز کامل نگردیده، ولی رویش کار می‌کنند و فکر کنم نتیجه‌ی آن، مجموعه‌ی باارزشی شود. از طرفی اجازه‌ی سهم امام را هم داشتیم که در صورت لزوم از آن هم استفاده می‌کردیم. گاهی هم وجوهی به دستمان می‌رسید.

سال‌های آخر وضع بهتری ایجاد شده بود. در آن زمان آقای تولیت، طرفدار مبارزه شده بود، ایشان فرزندی نداشت و اموال زیادی هم داشت. به فکر افتاد که اموالش را صرف حکومت اسلامی کند با این‌که آن موقع نمی‌دانستیم کی به پیروزی می‌رسیم. من با آقای فلسفی خیلی رفیق بودم. زمانی که ایشان به قم می‌آمدند در منزل تولیت بودند، من هم می‌رفتم و در آنجا با ایشان آشنا شده

بودم. بعد از آن در قضیه‌ی کاپیتولاسیون زمانی که امام مرا برای جمع‌آوری مدرک به تهران فرستادند، آقای تولیت به ما کمک کردند و اسنادی به من دادند. بعد که دیدیم ماجرا لو نرفت، به ایشان اطمینان پیدا کردیم. از طرف دیگر برادر من در قم برای آقای تولیت پسته‌کاری می‌کرد. تولیت با من مشورت کرد که من می‌خواهم اموالم را وقف کنم، ولی نه به صورت وقف‌های معمولی!

می‌خواست مقداری را برای همسرش بگذارد. مقداری هم تا هست زندگی کنند و بقیه را در راه مبارزه برای حکومت اسلامی صرف کند. هیئت مدیره‌ای با حضور شهید باهنر، مهندس بازرگان، من و دکتر سحابی و آقاسید جوادی تشکیل داد. تولیت زمین‌هایی در خارج از شهر داشت که بایر و دورافتاده بودند. رفقایی که کار ساخت و ساز می‌کردند، آمدند و بخشی از اینها را خریدند و اموال تولیت ارزش پیدا کرد. ایشان هم مرتب اموال و مستغلاتش را می‌فروخت و پولش را در حسابی در لندن به دور از دسترس شاه قرار می‌داد. با توجه به این‌که ما هیئت مدیره‌ی ایشان بودیم، می‌توانستیم برای مبارزه به خارج و داخل ایران خیلی کمک کنیم. وقتی امام در پاریس بودند، آقای تولیت با وجود این‌که هیئت مدیره داشت، باز هم خدمت امام رفته، ماجرا را گفته و اختیار را به امام داده بود. ایشان هم به آقای منتظری، مهدی عراقی و من واگذار کرده بودند. یعنی از طرف امام هم به همین مسئولیت رسیدیم. بعد از این‌که ایشان فوت کرد، وارث دست چندمش فردی به نام موسی‌خان که اهل ساوه و قاضی دیوان عالی کشور بود، ادعای ارث کرد. با توجه به چیزهایی که آقای تولیت بخشیده بودند، دیگر ارثی باقی نمی‌ماند، اما او شکایت کرد و بانک لندن پرداخت پول را به ارائه‌ی تسویه حساب و انحصار وراثت موکول کرد. سرانجام امام تصمیم‌گیری در مورد اموال تولیت را به آقای منتظری سپردند. ایشان هم خمس پول را گرفتند و بقیه را به دانشگاه امام صادق علیه‌السلام سپردند و پول‌ها هم در بانک ماند تا چند سال قبل که خوشبختانه یکی از بازاری‌های قدیمی وکالت گرفت و آقای موسی‌خان را راضی کرد که ۱۵ درصد را بگیرد و رضایت بدهد. در زمانی که دلار در ایران خیلی کم بود، این پول‌ها به دانشگاه امام صادق علیه‌السلام آمد و دانشگاه ثروت زیادی پیدا کرد.[۱]

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*؛ گاهنامه‌ی الکترونیکی هاشمی رفسنجانی در آیینه‌ی تاریخ مبارزه، بهمن ماه ۸۸

وی در ادامه‌ی این مصاحبه درباره‌ی همسر و فرزندان خود گفت:

از وقتی که من وارد مبارزه شدم تا زمانی که شناخته شدم و پایم به سربازی و زندان رسید، بچه‌هایمان در اضطراب زندگی می‌کردند، زیرا یا در زندان و یا مورد سوءظن ساواک بودم. با یک نوشته و سخنرانی ما را احضار می‌کردند. معمولاً زمانی که منتظر مهمان نبودیم و درب خانه را می‌زدند، فکر می‌کردند که پلیس است.

پنج فرزند داشتیم که همسرم باید آنها را در هر شرایطی حفظ می‌کردند. دوران سختی بود. البته هیچ وقت مضیقه‌ی مالی پیدا نمی‌کردند، چون خودشان داشتند. زندگی ما عمدتاً روی همان درآمد حاصل از ارث ما و مادر بچه‌ها بود و اگر کمبودی پیدا می‌کردند، می‌توانستند خودشان را تأمین کنند. ولی تا پیروزی انقلاب همیشه در اضطراب بودند. آن سال‌ها به این شکل گذشت، ولی صبورانه تحمل کردند و مزاحم من نمی‌شدند. پایه‌ی زندگی ما روی دارایی‌هایی بود که از پدرمان داشتیم. ولی به اندازه‌ی کافی نبود. من هم کار می‌کردم و وضع ما خوب بود. زمانی هم که کار نمی‌کردم، از امکاناتی که داشتیم، استفاده می‌کردیم. بعد از انقلاب هم به تدریج هر کدام از بچه‌ها به دنبال علاقه‌ی خود وارد خدمات کشوری شدند.

مهدی بیشتر دنبال تکنولوژی ساخت صنایع دریایی بود، آن زمان وضع کشور در این زمینه بد بود و او می‌خواست جبران کند.

یاسر به دنبال صنایع جنبی لبنیات رفت و عمده‌ی کارهایش با وزارت در جهاد بود. آنها از زمانی که به ۱۶ سالگی رسیدند، دائماً در جنگ بودند.

فاطمه وارد بنیاد امور بیماری‌های خاص شد و عمرش را در این راه صرف می‌کند.

فائزه هم به دنبال سیاست و ورزش زنان رفت. این‌که در کشور به زن‌ها میدان نمی‌دهند، یک نقص است، او رفت و تابویی را شکست و هنوز هم در امور ورزش زنان در کشورهای اسلامی فعال است.

محسن زمانی که به دانشگاه رسید، در شرایط ناامنی، اول انقلاب می‌گفتند در دانشگاه برایش محافظ بگذارید. او قبول نمی‌کرد. بد هم بود که در دانشگاه برایش محافظ بگذاریم. به همین خاطر برای تحصیل به خارج از کشور رفت،

ما در موشک‌سازی به تخصص او نیاز پیدا کردیم. تحصیل در مقطع دکترا را رها کرد و به ایران آمد و در صنایع موشکی کمک زیادی کرد. بعد هم در دفتر من و بعد در مترو به کار مشغول است.[۱]

۹. پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸

موضوع پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ و پایان دادن به جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق از جمله موضوعاتی بود که در سال ۱۳۸۸ به یک چالش سیاسی تبدیل شد.[۲] به عنوان

---

۱. همان

۲. چالش در بحث پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ و مباحث مربوط به آن به سال ۱۳۸۸ اختصاص نداشت. پیش از آن نیز در رابطه با همین موضوع مباحثات و چالش‌هایی در سطح رسانه‌ها مطرح شده بود.

به عنوان نمونه در مهر ماه ۱۳۸۵ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مناسبت هفته‌ی دفاع مقدس در مصاحبه با روزنامه‌ی همشهری گوشه‌ای از بحران‌های نظام انقلابی ایران در ماه‌های منتهی به پذیرش قطعنامه را بازگو و در آن تصریح کرد: «وضع اقتصادی ما بد شده بود و دنیا تصمیم گرفته بود بدون رعایت مقررات جنگ اجازه بدهد صدام هر کاری می‌خواهد، انجام دهد... ما نگذاشتیم این شرایط حاد به وجود بیاید و با پذیرش قطعنامه و تحمیل شرایط، ما جنگ را به پایان رساندیم». وی همچنین با اشاره‌ای گذرا به اختلافات سپاه و ارتش در آن مقطع به ذکر این نکته پرداخت که: «دولت مهندس میرحسین موسوی در آن موقع اعلام کرد دیگر قادر به تدارک مالی نیست، از لحاظ ابزار جنگ هم آقای محسن رضایی نامه‌ای به امام نوشت و تجهیزات متعددی از جمله چند صد هواپیما و تعداد زیادی توپ و تانک خواست.» وی ادامه داد: «مجموعه‌ی این عوامل ما را به این نتیجه رساند که ادامه‌ی جنگ بیش از آن درست نیست.»

این بخش از گفته‌های هاشمی رفسنجانی با واکنش محسن رضایی فرمانده‌ی سابق سپاه پاسداران روبه‌رو شد. سایت بازتاب در اولین خبر خود پیرامون این مصاحبه نوشت «اصولاً فرمانده‌ی سابق سپاه پاسداران نامه‌ای در این باره به حضرت امام ننوشته‌اند» و آورد: «در شرایطی که آقای هاشمی رفسنجانی اظهار کرده‌اند فرمانده سپاه نامه‌ای به امام نوشت و لیست بزرگی از لوازم مورد احتیاج داد، اصولاً فرمانده سابق سپاه پاسداران، نامه‌ای در این باره به حضرت امام ننوشته‌اند». محسن رضایی البته در مصاحبه‌ی مفصلی که با بازتاب انجام داد اصل این نامه را مورد تأیید قرار داد و فقط اعلام کرد که این نامه را نه به امام که به هاشمی رفسنجانی به عنوان مسئول وقت جنگ نوشته است. فرمانده‌ی سابق سپاه در ادامه‌ی این مصاحبه گفت: «آقای هاشمی هم این نامه، هم چند نامه‌ی دیگر از جمله نامه‌ی آقای خاتمی (وزیر ارشاد وقت)، نامه‌ی میرحسین موسوی به عنوان مسئول دولت، و نامه‌ی فرماندهان ارتش را با هم خدمت امام برد. گفته بود که نظامیان این‌گونه می‌گویند و مسئولان سیاسی و اقتصادی هم می‌گویند پول نداریم. شما تکلیف را روشن کنید و امام هم با پذیرش قطعنامه موافقت کردند.» او در عین حال ابعاد بیشتری از وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور در آن مقطع را که توسط هاشمی رفسنجانی بازگو نشده بود فاش کرد و افزود: «بیشتر نامه‌ها از جنبه‌ی دیگری بود. مثلاً نامه‌ی آقای خاتمی، حکایت از آن داشت که بسیجی‌ها و مردم به جبهه نمی‌روند و ما در جبهه نیرو کم داریم. صحبت آقای میرحسین درباره‌ی این بود که اقتصاد کشور نمی‌تواند جنگ را تحمل کند. نامه‌ی فرماندهان ارتش را یادم نیست چه بود.» مهم‌ترین

بخش از گفته‌های محسن رضایی به بازتاب اما بخشی بود که در آن آمده بود: «من در نامه‌ام... آمدم برنامه‌ای را که برای این پنج سال می‌خواهیم، نوشتم و در حدود چهار و نیم میلیارد دلار نیز پیش‌بینی ارزی کرده بودیم که می‌بایست طی پنج سال به ما بدهند... در حقیقت، آن نامه‌ای که من نوشته بودم، ارائه‌ی یک برنامه‌ی بلندمدت برای جنگ بود.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اما پس از بیان این سخنان اقدام به انتشار نامه‌ی حضرت امام خمینی(ره) به مسئولان نظام کرد. این نامه البته پیش از آن در کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری منتشر شده بود. متن نامه‌ی امام خمینی(ره) بدین شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم

با یاری خداوند متعال و با سلام و صلوات به انبیاء بزرگوار الهی و ائمه‌ی معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) حال که مسئولان نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ می‌باشند، صریحاً اعتراف می‌کنند که ارتش اسلام به این زودی‌ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد و نظر به این‌که مسئولان دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی‌دانند و با قاطعیت می‌گویند که یک دهم سلاح‌هایی را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده‌اند به هیچ وجه و با هیچ قیمتی نمی‌شود در جهان تهیه کرد و با توجه به نامه‌ی تکان دهنده‌ی فرمانده‌ی سپاه پاسداران که یکی از ده‌ها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست‌های اخیر به اینجانب رسیده و به اعتراف جانشینی فرمانده‌ی کل نیروهای مسلح، فرمانده‌ی سپاه یکی از معدود فرماندهانی است که در صورت تهیه‌ی مایحتاج جنگ معتقد به ادامه‌ی جنگ می‌باشد و با توجه به استفاده‌ی گسترده‌ی دشمن از سلاح‌های شیمیایی و نبود وسایل خنثی‌کننده‌ی آن، اینجانب با آتش‌بس موافقت می‌نمایم و برای روشن شدن در مورد اتخاذ این تصمیم تلخ به نکاتی از نامه‌ی فرمانده‌ی سپاه که در تاریخ ۶۷/۴/۲ نگاشته است اشاره می‌شود. فرمانده‌ی مزبور نوشته است تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم، ممکن است در صورت داشتن وسایلی که در طول پنج سال به دست می‌آوریم قدرت عملیات انهدامی و یا مقابله به مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال ۷۱ اگر ما دارای ۳۵۰ تیپ پیاده و ۲۵۰۰ تانک و ۳۰۰۰ توپ و ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلیکوپتر... که از ضرورت‌های جنگ در آن موقع است، داشته باشیم می‌توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آفندی داشته باشیم. وی می‌گوید قابل ذکر است که باید توسعه‌ی نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دو برابر و نیم افزایش پیدا کند، او آورده است البته آمریکا را هم باید از خلیج فارس بیرون کنیم والا موفق نخواهیم بود. این فرمانده مهم‌ترین قسمت موفقیت طرح خود را تهیه‌ی به موقع بودجه و امکانات دانسته است و آورده است که بعید به نظر می‌رسد دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتوانند به تعهد عمل کنند. البته با ذکر این مطالب می‌گوید باید باز هم جنگید که این دیگر شعاری بیش نیست. آقای نخست وزیر از قول وزرای اقتصاد و بودجه وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کرده‌اند، مسئولان جنگ می‌گویند تنها سلاح‌هایی را که در شکست‌های اخیر از دست داده‌ایم به اندازه‌ی تمام بودجه‌ای است که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود. مسئولان سیاسی می‌گویند از آنجا که مردم فهمیده‌اند پیروزی سریعی به دست نمی‌آید شوق رفتن به جبهه در آنها کم شده است. شما عزیزان از هر کس بهتر می‌دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است ولی راضی به رضای خداوند متعال هستم و برای صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی اگر آبرویی داشته باشم خرج می‌کنم، خداوندا ما برای دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش‌بس را قبول می‌کنیم. خداوندا! تو خود شاهدی که ما لحظه‌ای با آمریکا و شوروی و

تمام قدرت‌های جهان سرسازش نداریم و سازش با ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها را پشت کردن به اصول اسلامی خود می‌دانیم. خداوندا! در جهان شرک و کفر و نفاق در جهان پول و قدرت و حیله و دورویی ما غریبیم، تو خود یاری‌مان کن. خداوندا! در همیشه‌ی تاریخ وقتی انبیا و اولیا و علما تصمیم گرفته‌اند مصلح جامعه گردند و علم و عمل را در هم آمیزند و جامعه‌ای دور از فساد و تباهی تشکیل دهند با مخالفت‌های ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌های زمان خود مواجه شده‌اند. خداوندا! ما فرزندان اسلام و انقلاب‌مان را برای رضای تو قربانی کردیم غیر از تو هیچ‌کس را نداریم. ما را برای اجرای فرامین و قوانین خود یاری فرما، خداوند از تو می‌خواهم تا هرچه زودتر شهادت را نصیبم فرمایی. گفتم جلسه‌ای تشکیل گردد آتش‌بس را به مردم تفهیم نمایند. مواظف باشید ممکن است افراد داغ و تند با شعارهای انقلابی شما را از آنچه صلاح اسلام است دور کنند، صریحاً می‌گویم باید تمام همتتان در توجیه این کار باشد. قدمی انحرافی حرام است و موجب عکس‌العمل می‌شود. شما می‌دانید که مسئولان رده بالای نظام با چشمی خونبار و قلبی مالامال از عشق به اسلام و میهن اسلامی‌مان چنین تصمیمی گرفته‌اند خدا را در نظر بگیرید و هر چه اتفاق می‌افتد از دوست بدانید. والسلام علینا و علی عباد الله الصالحین.

روح‌الله الموسوی الخمینی / شنبه ۲۵ تیر۶۷» (ر.ک: سایت *آفتاب*؛ ۷ مهر ۸۵ کد خبر: ۵۱۴۹۹)

مقام معظم رهبری نیز در تاریخ ۱۸ مهر ماه ۱۳۸۵ در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام فرمودند:

«بعضی از بگومگوها هم هست که آدم می‌بیند این بگومگوها، آن مقداری که اهمیت دارد، بعضی از تبلیغات آنها را چند برابر دارای اهمیت می‌کند! آن وقت بار سنگینش روی دوش ملت می‌افتد؛ همین گفتگوهایی که راجع به مسئله‌ی پایان جنگ و قطعنامه اتفاق افتاد. البته اگر این بگومگوها نشود، بهتر است؛ اما وقتی شد، نبایستی درباره‌ی تأثیرش، آن‌چنان اغراق‌گونه حرف زد که گویا یک حادثه‌ی عظیمی اتفاق افتاده است؛ نه! حقیقت را درباره‌ی مسئله‌ی جنگ، همه‌ی مردم و مسئولان ما می‌دانند. در جنگ، مسئولان نظامی و سیاسی، همه‌شان تلاش کردند و همه‌شان خدمت کردند. ما اینها را به چشم خودمان از نزدیک مشاهده کردیم؛ همه‌شان هم ضعف‌هایی داشتند. اینها چیزهایی نیست که بتوان انکارشان کرد. سیاستمدارها هم ضعف‌هایی داشتند، نظامی‌ها هم ضعف‌هایی داشتند؛ اما بی‌تردید، خدماتشان از ضعف‌هایشان بیشتر بوده است. برآیند این ضعف‌ها و این خدمات، همینی بود که اتفاق افتاد که امام تصمیم‌گیری کردند. اینها با جزییات دقیقش، یقیناً در زمان خود، به‌تدریج در معرض اطلاع مردم قرار خواهند گرفت و مردم می‌دانند، اما آنچه که من عرض می‌کنم، این متن واقع است که حالا ان‌شاءالله اینها یک روز مستدل خواهد شد. برآیند همه‌ی این توانایی‌ها و ضعف‌ها و موفقیت‌ها و خوبی‌ها و کوتاهی‌ها، همین بود که اتفاق افتاد؛ و این به معنای شکست نبود و مطلقاً به معنای تسلیم‌طلبی نبود. امام مظهر استقامت و ایستادگی و مظهر امید به آینده و پیشرفت به سمت آینده‌ها بود. در جنگ هم همین‌طور عمل کرد؛ در پذیرش قطعنامه هم همین‌طور عمل کرد؛ در اعلامیه‌های خود و بیانیه‌های خود هم همین‌طور عمل کرد؛ این راه را به ما هم یاد داد و ما هم در همین راه قدم گذاشتیم و به فضل و به کمک الهی، در همین جهت هم پیش خواهیم رفت؛ بدون هیچ‌گونه تعلّل و تبانی؛ به حول و قوّه‌ی خداوند... در جنگ، عقب‌نشینی یک تاکتیک است؛ عقب‌نشینی فرار نیست ـ این را آدم‌هایی که جنگ را دیده‌اند، خوب می‌دانند، می‌فهمند ـ همچنانی که پیشروی تاکتیک است، عقب‌نشینی هم تاکتیک است. یک جا فرمانده لازم می‌داند عقب‌نشینی تاکتیکی بکند، که اگر نکند، خیانت است؛ همچنانی که اگر آنجایی که باید پیشروی کند، پیشروی نکند، خیانت است. فرق عقب‌نشینی تاکتیکی با فرار چیست؟ تفاوتش این است که تحت انتظام فرماندهی و یک عمل منضبط است. فرار، یک عمل غیرمنضبط است و ناشی از رها شدنِ آن ریسمان محکمی است که

نمونه دکتر محمود احمدی‌نژاد در تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۸۸ در ایام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری در برنامه‌ی تلویزیونی گفتگوی ویژه‌ی خبری که به صورت زنده از شبکه‌ی دو سیما پخش می‌شد، از خاتمه دادن به جنگ با عنوان اعلام ناامیدی، ضعف و ناتوانی یاد کرد.[1]

این در حالی بود که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از ابتدای سال ۸۸ از خاتمه دادن به جنگ به عنوان تصمیم درست امام و نظام اسلامی یاد می‌کرد و به نقش خود در آن افتخار می‌نمود.

وی ابتدا در تاریخ ۱۸ فروردین ماه در دیدار «دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «دبیران کمیسیون‌های این مجمع»، با اشاره به سفر اخیرش به کشور عراق[2] گفت:

> سفر یک روزه‌ی بوش در آخرین روزهای عمر سیاسی‌اش به عراق با آن افتضاح سیاسی مواجه شد که حاکی از شکست سیاست‌های اشغالگران در

انسان به آن چنگ زده و ناشی از خالی شدن و تهی شدن است. آنجایی که لازم است، به جلو حرکت می‌کنیم؛ آنجایی که لازم است، با تندی؛ آنجایی که لازم است، با کندی؛ آنجایی که لازم است، یک قدم به عقب، دو قدم به جلو. خدای متعال هم کمک می‌کند.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱۸ مهر ۸۵)

۱. دکتر احمدی‌نژاد در این باره گفت:

«در فضای عمومی کشور ما یادمان رفته چه ناامیدی بود؟ ضعف امید در کشور حاکم شده بود. همه فکر می‌کردند، نمی‌توانیم. یک ملت قدرتمند می‌گوید: نمی‌توانیم. مثل کسانی که امضا کردند، دادند به امام در شرایط جنگ که ما نمی‌توانیم بجنگیم یعنی ناتوانی خودشان را به حساب ملت بزرگ ایران گذاشتند! اما الآن می‌بینیم که می‌توانیم. تازه ما در ابتدای راه توانستنیم! ظرف چهار سال چه اتفاقات عظیمی افتاد؟ ما فضایی شدیم. هسته‌ای شدیم. نانوتکنولوژی، بیوتکنولوژی، اصلاً جایگاه ایران در دنیا بسیار برجسته شد. من منکر خدمات قبلی نیستم. دارم مقایسه می‌کنم. دارم می‌گم چی بود؟ چی شد؟ به نظرم مردم و بدنه‌ی دولت خیلی زحمت کشیدند. در طول این ۳۰ سال اما ریشه‌ی اصلی مشکل در همان حلقه‌ی مدیریتی و ضعف مدیریتی بود که شجاعت و پایبندی لازم به ارزش‌ها را نداشت؛ تکیه به ملت نداشت.»

(*متن پیاده شده از فیلم گفتگوی ویژه‌ی خبری شبکه دو سیما با دکتر احمدی‌نژاد*؛ ۱۵ خرداد ۸۸)

۲. این سفر از ۱۲ تا ۱۷ اسفند ماه ۱۳۸۷ و به دعوت جلال طالبانی (رییس جمهور عراق) و حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالعزیز حکیم (رییس مجلس اعلامی عراق) انجام شد. در این سفر برخی از شخصیت‌های سیاسی و نظامی از جمله دکتر محسن رضایی، هاشمی را همراهی می‌کردند. حضور فرمانده‌ی جنگ ایران به همراه فرمانده‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمان جنگ و به خصوص سان دیدن فرمانده جنگ ایران از ارتش عراق صحنه‌ی باشکوهی را خلق کرد که از آن می‌توان به اجر مجاهدت و ایثار امام و شهدا یاد کرد.

(ر.ک: مسیح مهاجری، *با هاشمی در حیات خلوت سردار قادسیه*؛ تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، پاییز ۱۳۸۸)

عراق است و سفر ۶ روزه‌ی هیأت ایرانی به عراق حاکی از عمق روابط دوستانه و مودت‌آمیز بین مسئولان و مردم دو کشور است و امیدواریم در آینده بتوانیم از این زمینه‌ی مستعد و مساعد بهتر استفاده کنیم. سایه‌ی تلخی‌های جنگ بین دو کشور کاملاً برطرف شده و اجر مجاهدت‌های امام راحل و رزمندگان و شهدا با تحکیم دوستی و همکاری میان مردم و مسئولان دو کشور ادا شده است.[1]

وی در تاریخ ۲۵ فروردین ماه نیز در دیدار با «جمعی از دانش آموزان، مسئولان و معلمان مدرسه‌ی ابتدایی امام رضا(ع) قم» در پاسخ به پرسشی با بیان خاطرات دوران کودکی، نوجوانی، طلبگی، فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، دوران مبارزه، جنگ و سازندگی گفت:

خاتمه دادن به جنگ و تلاش برای توسعه‌ی کشور را دو کار مهم در طول دوران زندگی سیاسی خود می‌دانم. صبر، مجاهدت و شهادت رزمندگان اسلام در طول دوران جنگ تحمیلی برکات بزرگی برای کشور به همراه داشت که در سفرم به عراق و استقبال گسترده‌ی مردم این کشور نتایج آن قابل مشاهده بود.[2]

وی چندی بعد در تاریخ ۵ خرداد ماه در «همایش تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس» در حسینه‌ی شماره یک جماران، ضمن اشاره به مسایل جنگ و روند پذیرش قطعنامه گفت:

به نظر می‌رسد جنگ تحمیلی ایران و عراق خیرات و برکات زیادی از جهات مختلف برای ایران داشته و جام زهری‌که امام برای پایان جنگ نوشید[3] امروز

---

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۱۹ فروردین ۸۸

۲. همان؛ ۲۶ فروردین ۸۸

۳. امام خمینی(ره) در قسمتی از بیانیه‌ی خود که در تاریخ ۲۹ تیر ماه ۱۳۶۷ به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸ صادر کردند، فرمودند:

«در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله‌ی بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه‌ی دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه‌ی حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که

همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلّم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود. من در اینجا از همه‌ی فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم. و همه‌ی ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره‌ی خون‌ها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد؟ اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه‌ی شهادت بی‌خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله‌ی طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلّم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند. خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند. خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند. خداوندا! این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا! کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم. و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند. بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه‌ی بزرگِ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی‌تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند. آری! دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت. و فردا امتحان دیگری است که پیش می‌آید. و همه‌ی ما نیز روز محاسبه‌ی بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشانَ و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه‌ی مردم و مسئولین عرض می‌کنم که حساب این‌گونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند؛ و نگذارند این مدعیان بی‌هنر امروز و قاعدین کوته نظر دیروز به صحنه‌ها برگردند. من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتانِ شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره‌ی خود به فراموشی سپرده شوند. اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله‌ی جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه‌ی تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است؛ ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به‌طور قطع و جدی پیش بینی نمود. و هنوز دشمن از شرارت‌ها دست برنداشته است؛ و چه بسا با بهانه جویی‌ها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم. و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه‌ی دفاعی کشور

در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سال‌های جنگ و مبارزه ابعاد کینـه و قسـاوت و عـداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شـکل‌هـای مختلـف را جدی‌تر بدانند. و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریت‌های خود ادامه دهند. در صورتی کـه ایـن مرحلـه از حادثـه‌ی انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاردیم برای بعد از آن و سـازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به‌طور جدّ از همه‌ی گویندگان و دست اندرکاران و مسـئولین کشـور و مـدیران رسـانه‌هـا و مطبوعـات می‌خواهم که خود را از معرکه‌ها و معرکه آفرینی‌ها دور کنند؛ و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دسـت افکار و اندیشه‌های تند نگردند؛ و با سعه‌ی صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.
در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پـرداختن بـه آن نیست. چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سـقوط نظـام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده‌ی دیگری را مطرح نمایند؛ و جیره خواران استکبار، همان‌ها که تا دیروز در زیرنقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند. و ملی‌گراهـای بـی‌فرهنـگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان‌شاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد. من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و بـرای رضـایت او ایـن جرعـه را نوشیدم. و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشـور ایـران بـه اتکای خود تصمیم گرفته‌اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است. مردم عزیز و شریف ایران! من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم. و شما می‌دانید که من به شما عشق مـی‌ورزم؛ و شـما را می‌شناسم؛ شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی‌ام بود. شما مـی‌دانیـد که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط بـرای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویـی داشـته‌ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضـایت حـق و راحتـی شما مقدّم ندارم. خداوندا، تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم. خداوندا! تو می‌دانی که اسـتکبار و امریکای جهانخوار گل‌های باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا! در جهان ظلم و سـتم و بیـداد، همـه‌ی تکیه گاه ما تویی، و ما تنهای تنهاییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم کـه کسـی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداونـدا! تلخـی ایـن روزهـا را بـه شـیرینی فـرج حضرت بقیة الله ـ ارواحنا لتراب مقدمه الفداء ـ و رسیدن به خودت جبـران فرمـا. فرزنـدان انقلابـی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه‌ی عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد. می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد؛ ولی مگر به پدر پیـر شـما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرین‌تر از عسل در پیش شماست؛ مگر برای این خادمتان این‌گونـه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه‌ی انقلابی‌تان را در سـینه‌هـا نگـه داریـد؛ بـا غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید؛ و بدانید که پیروزی از آن شماست. و تأکید می‌کنم که گمان نکنید کـه من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند. آنها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که ان‌شـاءالله خداونـد

شیرینی‌اش را روح مبارکشان می‌بینند.[1]

وی در ابتدای این مراسم با ابراز خرسندی از حضور در جمع فرماندهان ارشد دفاع مقدس گفت:

من با اشتیاق فراوان وارد این جمع شدم و پیش از آن با رهبری ملاقات داشتم به خاطر این جلسه نیم ساعت ملاقات را کوتاه کردیم که بتوانم به اینجا برسم.

وی که در جمع فرماندهان دفاع مقدس سخن می‌گفت، اظهار کرد:

این جلسه به مناسبت پس گرفتن خرمشهر برگزار شده است. آن روزها من سخنگوی شورای عالی دفاع بودم و در جریان جزییات این عملیات و عملیات‌های پیش از آن هم قرار داشتم. پس از گذشت این همه سال هرگاه به تعبیر «خدا خرمشهر را آزاد کرد» فکر می‌کنم، برایم بسیار جالب است؛ واقعاً کلام حقی بود که به زبان امام‌رحمه‌الله آمد. البته این از جهادی که شما انجام دادید کم نمی‌کند و این کار به دست شما و جمع دیگری از نیروهای رزمنده صورت گرفته که یا امروز نیستند و یا گمنام هستند. مقدمات کار به گونه‌ای بود که از لحاظ سیاسی زمینه‌ی مناسبی به وجود آمده بود. آنها روی خرمشهر حساب کرده بودند و هدف حداقلی آنها کل خوزستان بود که زمانی که دیدند زمین‌گیر شدند می‌خواستند خرمشهر را به عنوان هدف حداقلی نگه دارند. فتح خرمشهر واقعاً فتح‌الفتوح بود پس از آن هم ماهیت جنگ عوض شد؛ چرا که تا آن لحظه صدامی‌ها به فکر دستاورد بزرگی بودند و از آن به بعد کاملاً در لاک دفاعی رفتند تا خودشان را در داخل کشور حفظ کنند و ما هم می‌خواستیم به داخل عراق برویم.

در جلسه‌ای که به همراه فرماندهان عالی سپاه و ارتش و آیت‌الله خامنه‌ای خدمت امام داشتیم بحثی واقعاً جدی در این باره مطرح شد. امام‌رحمه‌الله نظرشان این بود که درست نیست وارد خاک عراق شویم و ادله‌ی محکمی نیز داشتند. ایشان می‌گفتند در این صورت انگیزه‌ی آنها برای ورود به ایران بیشتر می‌شود. علاوه بر این دنیا ما را متهم به اشغال‌گری می‌کند. دلیل سوم‌شان این بود که

همه‌ی ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید...»
(خمینی، سید روح‌الله، *صحیفه‌ی امام*، ج۲۱، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌رحمه‌الله، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ص۷۴)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۹ خرداد ۸۸

ملت عراق که با جنگ موافق نبودند ممکن بود در صورت ورود ایران به خاک‌شان پشت سر صدام بروند و اما دلیل آخرشان این بود که کشورهای عربی و خارجی مسأله را جدی می‌گیرند و پشتیبانی‌ها بیشتر می‌شود. این حرف‌ها با منطق نظامی و سیاسی جور در می‌آمد.

اما نظامی‌ها خطاب به امام(ره) استدلال کردند که اگر این حرف به معنای ختم جنگ است این حق شماست اما امام گفت باید جنگ را ادامه دهیم تا به اهدافمان برسیم. آنها گفتند این حرف با منطق جور در نمی‌آید؛ چرا که انگیزه‌ی حماسی رزمنده‌ها تضعیف می‌شود و آنها شک می‌کنند که ما در جنگ جدی باشیم. بالاخره امام این مسأله را پذیرفت و شرط کرد که ما فقط در جاهایی وارد شویم که مردم آسیب نبینند. این شرط بسیار سختی بود بالاخره نظامی‌ها منطقه‌ی زید پشت دجله و کانال ماهی را انتخاب کردند که آنجا کویر بود و جمعیتی نداشت. منطقه‌ی فاو را هم که گرفتیم آنجا هم به همین صورت بود و صرفاً رابطه‌ی عراق را با دریا قطع می‌کرد.

وی با بیان این‌که این توصیه‌ی امام می‌بایست تا پایان جنگ مراعات می‌شد، گفت:

سیاستی که امام گذاشته بود سیاستی بود که آثار آن را من در سفر اخیر خود به عراق به خوبی درک کردم که احساسات مردم در بخش زیادی با ایران همراه بود و با ایران ماند. آنها فهمیدند که ایرانی‌ها قصد کشورگشایی ندارند. زمانی که من به عراق رفته بودم وقتی بعضی بعثی‌ها می‌گفتند چرا از کسانی استقبال می‌کنند که هشت سال با ما جنگیده‌اند و بچه‌های ما را کشتند، عراقی‌ها خودشان جواب می‌دادند که ایرانی‌ها این افتخار را دارند که جنگ را عراق شروع کرده و آنها [ایرانی‌ها] جنگ را تمام کرده‌اند. این بسیار باارزش است. ما هشت سال جنگیدیم و این مقدمه‌ای برای تباهی حزب بعث شد. زمانی هم که من به عراق رفتم مانند قهرمان محبوب مردم عراق و از صمیم دل مردم و مسئولان از ما استقبال کردند.

البته نحوه‌ی ختم شدن جنگ در آن روزها خود مسأله‌ای بود و آن روز اندوه، ما را گرفت. ما فکر می‌کردیم باید با فتح نظامی جنگ تمام شود و می‌خواستیم نقطه‌ی ارزنده‌ای از خاک عراق را گرو بگیریم تا حقوق‌مان را از آنها پس بگیریم. وقتی این اتفاق نیفتاد همه سرخورده بودیم اما شرایط جنگ به جایی رسیده بود که

چاره‌ای نبود و باید ختم جنگ را می‌پذیرفتیم. تیمسار شمخانی اولین فردی در فرماندهی سپاه بود که گفت دیگر مصلحت نیست بجنگیم و توضیحاتی منطقی داد. بالاخره ایشان شخص دوم سپاه و فرمانده‌ی عملیات حساس بود.

آقای رضایی در زمانی عنوان کرد که من برای ادامه‌ی جنگ و عملیات لیست بزرگی از اقلام و تجهیزات نیاز دارم. من هم گفتم این را بنویسید تا به امام بدهیم. البته بعضی فکر می‌کنند من به ایشان گفتم که آن چیزها را بنویسند. بالاخره ایشان گزارش میدان را تقدیم امام کرد. همه‌ی اقلام مورد نیاز خود را نوشت و گفت که با این وضعیت ۵ سال دیگر می‌توانیم اولین عملیات را انجام دهیم. ایشان واقعاً شهامت کرد که واقعیت نیاز میدان جنگ را گفت. نهایتاً امام قانع شدند که این طور نمی‌توانیم بجنگیم و واقعاً در شیوه‌ی اعلام پایان جنگ فداکاری کردند البته پیش از آن، چیزی گفتند و پیشنهادی دادند که من هنوز آن را نگفته‌ام و نمی‌دانم که چه زمانی باید آن را بگویم.

بالاخره من پیشنهادی کردم و گفتم من جانشین شما هستم و حق اعلام آتش‌بس دارم؛ پس آتش‌بس را اعلام می‌کنم، شما هم بگویید من را محاکمه کنند. ایشان نگاهی کرد و گفت من این را قبول ندارم که شما بگویید و به ما گفتند: بروید علما، شخصیت‌ها و فرماندهان ارشد نظامی را جمع کنید و همین حرف‌ها را برایشان بزنید تا آنها مردم را توجیه کنند. ما هم قبول کردیم. آیت‌الله خامنه‌ای جلسه‌ای گرفتند اما پیش از آغاز جلسه حاج احمد آقا به ما گفتند که امام گفته من خودم این مسأله را می‌گویم و اگر آن نامه‌ی امام نبود واقعاً به دشواری می‌خوردیم.

وی با اشاره به نحوه‌ی پایان جنگ ایران و عراق تأکید کرد:

آن طوری که جنگ به پایان رسید درست همانی بود که به مصلحت ایران بود اگر ما بصره را می‌گرفتیم و جنگ آن‌گونه تمام می‌شد واقعاً مشخص نبود در ادامه‌ی آن چه اتفاقی می‌افتاد.[1] ما با قدرت خواسته‌های خود را در قطعنامه گنجاندیم و آن را

---

۱. امام خمینی رحمه‌الله در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷ در منشور روحانیت می‌نویسند:

«من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که

تا حدودی به نفع خود تمام کردیم اما عراق به باتلاق افتاد. به کویت حمله کرد و علاوه بر آن غرامت و مسئولیت جنگی ایران هم به عهده‌ی آنها افتاد.[1]

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۹ خرداد ماه در نامه‌ی خود به مقام معظم رهبری ضمن اشاره به سخنان و مواضع دکتر احمدی‌نژاد، نوشت:

زیر سؤال بردن تصمیمات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم‌القدر که در نیم قرن گذشته با مجاهدت‌های خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی‌شد. دوران مشعشعی که خود شما پشت سر امام‌رحمه‌الله در قامت مجاهد پیشتاز، رییس‌جمهور و نهایتاً رهبری نظام نقش و مسئولیت‌های ممتازی به عهده داشته‌اید.[2] نقطه قابل توجه در این تهمت‌ها این

مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از این‌که به وظیفه‌ی خود عمل کرده است، نگران باشد؟» (*صحیفه امام*؛ ج ۲۱، صص ۲۸۵-۲۸۳)

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۹ خرداد ۸۸

۲. در زمان پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۶ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر مسئولیت ریاست جمهوری، امامت جمعه‌ی تهران را نیز بر عهده داشتند (که هنوز هم ایشان به طور رسمی امام جمعه‌ی دائم تهران می‌باشند). چهار روز پس از پذیرش قطعنامه در ۲۷ تیر ماه سال ۱۳۶۷، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اولین نماز جمعه‌ی پس از این حادثه را امامت فرمودند و در دومین خطبه‌ی این نمازجمعه‌ی تاریخی، تحلیل مشروح و مبسوطی از مسائل مربوط به قطعنامه ۵۹۸ ارائه کردند. ایشان در قسمتی از سخنان خود فرمودند: «اولاً باید دانست که این مسأله، مسأله قبول قطعنامه یکی از پدیده‌های بسیار مهم تاریخ انقلاب است چه قبول قطعنامه به آتش‌بس و خاتمه‌ی جنگ منتهی بشود و چه با خباثت دشمن، بهانه‌گیری و جنگ افروزی او به اتمام جنگ منتهی نشود. به هر حال این حرکت یکی از مهم‌ترین حوادث و مهم‌ترین حرکات و مهم‌ترین آزمایش‌ها در تاریخ انقلاب ما بود، خیلی چیزها را و خیلی حقایق زیبا را از انقلاب ما آشکار کرد. چیزهایی که اگر این تجربه‌ها پیش نیاید به این روشنی دیده نخواهد شد. شجاعت رهبری کشور و انقلاب را، آن قدرت و صلابت معنوی و شجاعت روحی و اخلاقی که در یک لحظه یک موضعی را بخاطر مصلحت و اسلام و مسلمین اتخاذ می‌کند و اعلام می‌کند که دنیا در مقابل این موضع‌گیری متحیر می‌ماند. این شجاعت از شجاعت در جنگ بالاتر است، این شجاعت اخلاقی و روحی است که کمتر کسی از بزرگان عالم این‌قدر توانسته است آن را در اعمال و رفتار خود نشان بدهد. دلبستگی رهبر و امتِ دنباله‌روی او به اسلام و مسلمین به مصالح اسلامی آن، وقتی که مصلحت اسلام ایجاب می‌کند ناگهان یک موضعی را در پیش می‌گیرد که علی‌الظاهر با موضع گذشته‌ی او ۱۸۰ درجه اختلاف جهت دارد چون اسلام این را می‌خواهد، چون مصلحت انقلاب و کشور و ملت این را ایجاد می‌کند، یعنی فانی شدن در مصالح اسلام و مسلمین... این حادثه در دنیا تحلیل‌های زیادی را برانگیخت. بعضی‌ها در دنیا تحلیل اقتصادی کردند گفتند که ضرورت‌های اقتصادی ایران را به این موضع رساند؛ بعضی‌ها تحلیل نظامی کردند، بعضی‌ها تحلیل سیاسی کردند و هر کسی یک حرفی زد. و حقیقت این است که از اول انقلاب تا حالا دشمنان ما هرگز در هیچ حادثه‌ای از جمله در این حادثه نتوانسته‌اند یک

تحلیل درست و واقع‌بینانه‌ای به دست بیاورند و ارائه بدهند. بنده عرض می‌کنم تحلیل‌های دنیا نسبت به آنچه که اتفاق افتاد تحلیل‌هایی ناقص یا سرتاپا غلط و دروغ است. تحلیل واقعی این نیست؛ مسأله را در آن حد مجملی که می‌شود گفت من در یک جمله عرض می‌کنم و آن جمله را برای شما تبیین می‌کنم آن جمله این است که «مسئولین نظام تشخیص دادند و امام بزرگوار بر این تشخیص صحه گذاشتند که امروز قبول قطعنامه به صلاح اسلام و انقلاب و کشور است.» حالا چطور به صلاح است، چه عواملی وجود دارد و چه حوادثی وجود دارد که قبول قطعنامه امروز به نفع انقلاب است؟ همه‌ی مردم مشتاقند که این عوامل و حوادثی که امام در پیام‌شان اشاره کردند، اینها را بدانند؛ بنده این عوامل و حوادث را خوب می‌دانم و می‌توانم برای شما بیان کنم و هیچ جمله‌ای که به مردم نشود گفت در این عوامل و حوادث نیست؛ من این را قرص و محکم عرض می‌کنم. ما اگر این عوامل و حوادثی را که امام اشاره کردند به شما ملت عزیز بگوییم مطمئناً نیروی عظیم شما بیشتر به کار خواهد آمد تا در این مرحله آن کاری را که باید انجام بدهید، انجام دهید. تمام ملت ایران مگر افراد معدودی که خائنند و مزدور بیگانه هستند که بالاخره گوشه و کنار از این قبیل پیدا می‌شوند؛ غیر از آنها تمام ملت ایران محرم هستند که به آنها این عوامل و حوادث گفته بشود. البته در حالی که شما محرم‌ها این مطلب را از دهان من می‌شنوید گوش‌های نامحرم هم متأسفانه خواهد شنید. اگر ما می‌توانستیم راهی را پیدا کنیم یا به وجود آوریم که آنچه را به شما گفته می‌شود و ملت ایران محرم دانستن او هست فقط ملت ایران آن را بشنود و دشمن از او اطلاع پیدا نکند اگر این چنین فضایی را ما پیدا می‌کردیم شک نداشته باشید بنده و دیگر مسئولین نظام می‌آمدیم یکی، یکی عوامل و حوادث را می‌گفتیم و مطمئناً نظر موافق همه را جلب می‌کرد. اما چه کنیم هرچه که به شماها گفته بشود، دشمن شما هم آن را خواهد شنید. گوش نامحرم و خائن دشمن نباید بشنود ما رموز انقلابمان و اسرار کشورمان را مایل نیستیم دشمن بشنوند؛ لذا نمی‌گوییم. یک عده‌ای ممکن است در ذهنشان خلجان کند که شاید ما محرم نبودیم، نخیر! شما محرمید و شما خودی هستید. قضیه، قضیه‌ی خود شماست مربوط به خود شماست؛ ما هم که تصمیم می‌گیریم کارگذار شما هستیم چون شما به ما اطمینان کردید ما داریم مسأله‌ی شما را به نفع شما آن‌طور که تشخیص می‌دهیم و طبق حجت و وظیفه‌ی شرعی خودمان راه می‌بریم؛ چطور شما محرم نیستید؟! شما محرمید؛ دشمن شما محرم نیست، آن گوش نامحرمی که نباید بشنود از رموز و اسرار کار شما آگاه خواهد شد؛ لذا حالا وقتش نیست و نباید گفت. همان‌طور که امام فرمودند ان‌شاءالله یک روزی خواهد رسید و آن روز هم مال چند سال دیگر نیست. خیلی زودتر از اینها ان‌شاءالله وقتی خواهد شد که ما بتوانیم ان‌شاءالله برای مردم شرح بدهیم و دلایل و آن عوامل و حوادث و عللی که امام در پیامشان اشاره فرمودند آن را تشریح کنیم و بگوییم اینهاست. و مردم خواهند فهمید و درک خواهند کرد، و آن چیزی را که امروز باید فهمید این است که آن چیزی که تصمیم گرفته شد این برگشت از شعارهای اصولی ما به هیچ وجه نیست. دشمن نمی‌تواند در اینجا ما را متهم کند که ما از اصول خودمان برگشته‌ایم. حاشا و کلا انقلاب اسلامی و رهبری عظیم‌الشأن و مسئولین این انقلاب و این نظام با ذره ذره‌ی وجود خودشان و با لحظه لحظه‌ی عمر خودشان از اصول انقلاب اسلامی و از روح آشتی‌ناپذیری این انقلاب در مقابل ابرقدرت‌ها و مستکبران عالم حراست و دفاع خواهند کرد... یک نکته‌ی دیگری که باید بگویم این است، یک عده‌ای آدم‌های منافق و دورو و خبیث ممکن است در داخل کشور پیدا بشوند و تبلیغات خارجی هم به آنها کمک بکنند و دامن بزنند که بخواهند غرور ملی ما را بشکنند. این‌جور به ملت ما تفهیم کنند که با قبول قطعنامه غرور ملی ما جریحه‌دار شده و بخواهند با حرف و کار خودشان غرور این ملت مقاومت و بزرگ را جریحه‌دار بکنند.» (سایت خبری ـ تحلیلی بصیرت؛ ۲۷ تیر ۸۸ شماره مطلب: ۱۰۱۱۹۳)

است که غیرمستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جناب‌عالی که هادی دولت‌ها بوده‌اید و با اظهارات صریح، مدیریت‌ها را مورد تأیید و تحسین قرارداده‌اید، نشانه گرفته است... در مراسم بزرگداشت سالگرد امام(ره) به آقای احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف‌گویی‌های فراوانی وجود داشته... بدتر از همه زیرسؤال بردن اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهام‌های نادرست را پس بگیرد.[1]

وی در تاریخ ۹ آذر ماه در دیدار «مسئولان پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس» با اشاره به این‌که باید نگارش تاریخ جنگ از مسائل جناحی و خطی مصون بماند، تأکید کرد:

نحوه‌ی شروع، اداره و پایان جنگ و شیوه‌ی دفاع مقدس از موضوعاتی است که در مورد آن سؤالات فراوانی در ذهن نسل نو و کسانی که آن دوران را تجربه نکرده‌اند وجود دارد و باید محیط‌های دانشگاهی شرایطی را فراهم کنند تا در مورد این موضوعات، کار علمی و تحقیقاتی انجام شود.[2]

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین تصریح کرد:

نقاط حساس جنگ و مقاطع پراهمیت آن باید با اسناد و مدارک و به طرز صحیح و علمی توضیح داده شود تا بتواند ذهن پرسش‌گر جوانان را اقناع کند.

وی دخالت مسایل خطی و جناحی در نگارش تاریخ جنگ را از آفات این موضوع عنوان کرد و گفت:

گذشت زمان و کاهش حساسیت‌ها در مورد ارائه‌ی برخی مسایل جنگ شرایط را برای بیان مسایلی که قبلاً امکان طرح آن نبود فراهم خواهد کرد.

وی پرداختن به بُعد انسانی جنگ در کنار مسایل نظامی آن را موضوعی مهم خواند و گفت:

حضرت امام(ره) بر رعایت مسایل انسانی در جنگ تأکید ویژه‌ای داشتند که از آن‌جمله می‌توان به عدم مقابله به مثل با دشمن درخصوص حملات شیمیایی[3] و

۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۰ خرداد ۸۸
۲. همان؛ ۱۱ آذر ۸۸
۳. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۹۰ طی سخنانی در مراسم بزرگداشت حماسه‌سازان جامعه پزشکی در دوران جنگ تحمیلی گفت:
«ما در آن دوران توانستیم امام(ره) را برای متوقف کردن جنگ قانع کنیم، بطوری که در یک جلسه با حضور پنج نفر از سران خدمت امام(ره) رفتیم و وضع را تشریح کردیم. امام(ره) نیز خیلی سریع فهمیدند و آن نامه عجیب و تاریخی را نوشتند و خودشان مسئله را حل کردند.» وی افزود: «البته می‌توان این‌گونه به جنگ نیز

بمباران مناطق مسکونی اشاره کرد.

وی با تقدیر از تلاش‌های پژوهشگاه علوم و تاریخ دفاع مقدس در خصوص ارائه‌ی درس آشنایی با دفاع مقدس در دانشگاه‌های کشور تأکید کرد:

موضوع بیان مسایل دفاع مقدس و مسایل آن در دانشگاه‌ها نیاز به ایجاد رویه‌ای واحد جهت تدریس و هم‌کاری و هم‌فکری مسئولان دفاع مقدس دارد که باید به آن توجه شود.

وی طرح موضوع دفاع مقدس در دانشگاه‌ها را تبلور حقیقی آرزوهای فعالان عرصه‌ی دفاع مقدس عنوان کرد وگفت:

خلأ موجود در این خصوص به مرور زمان بیشتر احساس می‌شود و امید است این تلاش‌ها بتواند موجب انتقال فرهنگ پایداری و مقاومت به نسل جوان کشور شود.[1]

نگاه کرد که اگر عراق شهرهای مهم چون تبریز، کرمانشاه و حتی تهران را همچون حلبچه بمباران شیمیایی می‌کرد، چه بر سر مردم می‌آمد؟ همان موقع بمباران شیمیایی تهران برای عراق با داشتن هواپیماهای بلندپرواز روسیه کار آسانی بود. اگر بمباران شیمیایی می‌کردند شاید ده‌ها هزار نفر شهید شیمیایی داشتیم و اکنون به اینجاها نمی‌توانستیم برسیم.» وی همچنین تأکید کرد: «نصرت خداوند را می‌توان دید از آنچه بر سر حزب بعث عراق، صدام، نظامیان مقصر عراقی و منافقان جاسوس آمده است. دیگر وعده نصرت خدا بهتر از این نمی‌شد.» وی در ادامه با مرور خاطراتی از عملیات کربلای ۴ به بیان خاطره‌ای از عملیات حلبچه در خاک عراق پرداخت و گفت: «هنگامی که نیروهای ایرانی حلبچه را تصرف کردند عراقی‌ها بسیار عصبانی و دیوانه شدند و مردم خود را بمباران شیمیایی نمودند. این برای من بدترین صحنه‌ی جنگ بود. عراقی‌ها با داشتن پیشرفته‌ترین سلاح شیمیایی که حتی در جنگ جهانی دوم نیز بکار برده نشده بود، مردمانشان را تنها به این دلیل که با نیروهای ایرانی نجنگیدند، بمباران شیمیایی نمودند.» وی افزود: «در آن دوران پنج هزار نفر از مردمان عراق در حلبچه شهید شدند و ما همه‌ی مصدومانشان را برای معالجه به ایران آوردیم. آن وقت بود که دنیا قدرت پزشک ما را فهمیدند و پزشکان این مردمان را همچون بقیه‌ی رزمندگان‌مان معالجه کرده و نجات دادند که با بهبودی‌شان بسیاری از آنها به عراق بازگشتند.» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۷ خرداد ۹۰)

۱. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۶ تیر ماه ۸۹ به مناسبت سالروز پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ اقدام به انتشار متن زیر کرد:

«بسم الله الرحمن الرحیم

از نخستین ماه‌های پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، صدام حسین و ارتش بعث که خوب درک کرده بودند، محاسبات آنان از وضعیت سیاسی ایران و اوضاع ارتش به خاطر تسویه و تصفیه‌ی امرا و قطع لجستیک اشتباه بوده، دست به دامان میانجی‌ها شدند، اما در همان حال می‌خواستند با در اختیار داشتن بخشی از خاک ایران اسلامی، توجیهی برای ملت خویش داشته باشند.

امام امت که به واسطه‌ی تبعید چندین ساله در عراق، از روحیات حزب بعث آگاهی داشتند، در واکنش به نخستین صلح‌جویی‌های ظاهری آنان و در پاسخ به میانجی‌های فراوانی که می‌آمدند، سوابق زیاده‌طلبی

صدام را یادآوری می‌کردند و همه را در مقابل سئوال‌های بی‌پاسخ می‌گذاشتند که «چه تضمینی برای عدم تکرار تجاوز می‌دهید؟» و «برای کیفر یک دیکتاتور متجاوز که این همه خونریزی کرده و خرابی به بار آورده، چه می‌کنید؟!»

به یاد دارم در همان ماه‌های آغازین جنگ مرحوم یاسر عرفات که به ایران آمده بود، در یک دیدار به من گفت: در اتاق جنگ ارتش عراق نقشه‌ای دیدم که سه هدف را برای خود ترسیم کرده‌اند:

۱. سقوط انقلاب اسلامی با تسخیر پایتخت و یا با محروم کردن ایران از نفت جنوب
۲. تجزیه خوزستان و الصاق آن به عراق
۳. پیشرفت در خوزستان تا مسجد سلیمان و بهبهان

زمین‌گیر شدن ارتش عراق در همان سرزمین‌های اشغال‌شده در روزهای نخستین و عدم توانایی آنها در عبور از جاده‌ی اهواز ـ اندیمشک، حزب بعث را عملاً در آرزوهای خویش ناکام گذاشت، اما نام‌گذاری شهرهای ایران با اسامی عربی، مانند الاهواز، محمّره و عبّادان برای اهواز، خرمشهر و آبادان و کشف نقشه‌ی جدیدی از خوزستان به نام عربستان در سنگرهای عراقی‌ها، نشان از اهداف شوم آنان بود، اهدافی که برای ایرانیان از هر قوم و قبیله و زبان ناخوشایند بود و خواهد بود. به همین جهات و همچنین تحت تأثیر انفاس قدسیه‌ی حضرت امام(ره) به عنوان رهبر انقلاب و مرجع تقلید و فرمانده‌ی کل قوا، مردم ایران از سراسر کشور به سوی جنوب و غرب کشور به حرکت درآمدند و به دفاع از کیان جمهوری اسلامی پرداختند. مقاومت ۳۲ روزه در برابر مجهزترین لشکر عراق برای اشغال خرمشهر درس و الهام امکان مقاومت داد و شکستن حصرآبادان نمونه‌ی روشنی از امکان در هم شکستن دشمن در مهم‌ترین نقطه‌ی هدف و آمادگی‌اش شد. اگرچه حمله‌ی دشمن به خاطر عدم آمادگی ارتش و بعضی ندانم‌کاری‌ها و مشکلات سیاسی در مرکز و غافل‌گیری در قدم اول موفقیت‌های سریعی به دست آورد، ولی همان فرهنگ ایثار، فداکاری و شهادت‌طلبی که ریشه در فرهنگ تشیّع و کربلا دارد، اقیانوس ژرف نیروهای داوطلب مردمی را به جبهه کشاندند و نیروهای مسلح را با تقویت روحیه امیدوار کرد. پس از حل مشکلات و رفع موانع و شکل‌گیری جدید نیروها و ایجاد هماهنگی بین ارتش و سپاه و نیروهای مردمی، شاهد سلسله پیروزی‌های ایران از دارخوین، ثامن الائمه، فتح بستان و فتح‌المبین تا والفجرها، بیت‌المقدس‌ها و کربلاها بودیم. پیروزی‌هایی که علاوه بر ارتش عراق، حامیان آنها، یعنی غرب، شرق و ارتجاع منطقه را به وحشت می‌انداخت تا علاوه بر تجهیز عراق به سلاح‌های غیرمتعارف، رژیم حزب بعث را ترغیب به انجام کارهای غیرانسانی و جنایت‌های جنگی مانند موشکباران شهرها و بمباران‌های شیمیایی نمایند. اقداماتی که با هیچ یک از مفاد قوانین بین‌المللی که خود نوشته‌اند، سازگاری نداشت، اما ترس از موفقیت‌های ایران هر کاری را برای آنها توجیه می‌کرد. بازپس‌گیری بسیاری از سرزمین‌های اشغال شده و ورود به خاک عراق به اذن امام راحل در بعضی از مناطق سوق‌الجیشی و خالی از سکنه‌ی عراق، مانند فاو و جزایر مجنون در جنوب و ماووت و حلبچه در شمال غرب، ارتش بعث و حامیانش را به تکاپو انداخت که با هر وسیله‌ی ممکن ایران را وادار به قبول قطعنامه‌های پایان جنگ کنند. تشدید تحریم‌ها، جنگ نفت‌کش‌ها، حمله به هواپیماهای مسافربری، بمباران شهرها، بمباران زیربناهای اقتصادی، جلوگیری از صدور نفت، تقویت منافقین برای تشدید کارهای تخریبی در داخل و مناطق جنگی وارونه جلوه دادن پیروزی‌های ایران، استفاده از امپریالیسم خبری، مظلوم‌نمایی برای حزب بعث و سرانجام قتل‌عام مردم مظلوم عراق در حلبچه با استفاده از خطرناک‌ترین سلاح شیمیایی تاریخ از جمله کارهای دشمنان برای تقویت روحیه‌ی متلاشی ارتش عراق بود که وقتی دیدند هیچ یک از این توطئه‌ها جواب نمی‌دهد، خودشان از پشت پرده بیرون آمدند و وارد کارزار شدند. همزمانی مداخله‌ی آمریکا برای رویارویی با ایران و آغاز دور جدید پیشروی ارتش بعث نشان از استراتژی مشترک آنها برای ممانعت از

پیروزی ایران داشت تا از این طریق خواسته‌های نامشروع خویش را در قالب بندهای قطعنامه بر ملت ایران تحمیل نمایند. شورای امنیت سازمان ملل که متأسفانه سایه‌ی شوم «وتو» را هنوز نیز بر سر خویش دارد، در طول ۸ سال دفاع مقدس کارنامه‌ی نه چندان موفقی از خویش بر جای گذاشت و همیشه سعی می‌کرد منافع عراق را که با منافع بعضی از کشورها گره خورده بود، حفظ نماید. قطعنامه‌هایش به‌گونه‌ای بود که اگر اجرا می‌شد، ننگی بر دامان تاریخ ایران می‌نشست و معلوم نبود نسل‌های بعدی چه قضاوتی درباره‌ی مسئولان جمهوری اسلامی می‌کردند. اگرچه همه‌ی ما به‌عنوان مسئولان رده‌های مختلف سیاسی و نظامی تحت لوای فرماندهی امام راحل عمل می‌کردیم، اما مسئولیت من در میدان جنگ و میدان سیاست به‌گونه‌ای بود که بعضی از اتفاقات چون کوهی بر دوشم سنگینی می‌کرد و اگر نبود امداد الهی، تلاش‌ها هرچند صادقانه در مقابله دشمنی تا بن دندان مسلح کارایی لازم را نداشت. مثلاً شبی که همه‌ی مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی از عدم موفقیت عملیات کربلای چهار در قرارگاه سر در جیب غم و اندوه فرو برده بودند و نعره‌های شوم عراقی‌ها برای پیروزی از همه جا بلند بود، تا سپیده‌ی سحر مذاکره کردیم که چه کنیم و وقتی تبادل‌نظرها به نتیجه‌ای نرسید، همه چیز به من موکول شد که تصمیم بگیرم. چه تصمیم سختی بود! براساس معادلات نظامی آماده کردن نیروهایی که همرزمان خویش را آن‌گونه از دست داده بودند، برای عملیاتی دیگر سخت است. می‌دانستم که بسیاری از کارهای نیروهای ایران در طول جنگ برخلاف معادلات نظامی بود. مانند زدن پل در جزایر مجنون برای عملیات خیبر، گذشتن از خیزاب‌های خطرناک اروند در عملیات والفجر هشت که برای فتح فاو، زدن پل بعثت روی رودخانه‌ی خروشان اروند و عبور از کوه‌های سر به فلک کشیده در مهران، دهلران، میمک، پل ذهاب، پاوه، مریوان، بوکان، بانه و نهایتاً حلبچه. آن شب با توکل بر خدا و با ایمان به قدرت نیروهای ایرانی، عملیات کربلای ۵ را آغاز کردیم، عملیاتی که علاوه بر فتح بسیاری از سرزمین‌های اشغال شده و ورود به خاک عراق، معادلات سیاسی را نیز به هم زد، به‌گونه‌ای که می‌گفتند مشاوران نظامی غرب و شرق برای تقویت روحیه‌ی بعثی‌ها به ستادهای جنگ آنها آمده بودند. از قطعنامه‌ها می‌گفتم که علاوه بر محتوا، حتی ترتیب بندهای آن نیز شیطنت‌آمیز بود. مثلاً در همین قطعنامه‌ی ۵۹۸ ماه‌ها تلاش کردیم که ترتیب دو بند آتش‌بس و برگشت به مرزهای بین‌المللی را عوض کنیم. چرا که اگر آتش‌بس قبل از برگشت به مرزها بود، چه بسا سال‌ها عراق در سرزمین‌های اشغال شده مخصوصاً در حوالی نفت شهر می‌ماند و هرگونه واکنش ایران را نقض آتش‌بس معرفی می‌کرد. به هر حال خواسته‌های ایران، به‌ویژه متجاوز شناختن صدام برای آغاز جنگ با درایت سیاسیون و مقاومت نظامیان در قطعنامه گنجانده شد و دشمنان نیز هم صدا شده بودند که نگذارند ایران بیش از این در میدان سیاست و جنگ پیش‌روی نماید. عقلای قوم در سطح فرماندهان عالی نظامی و مردان تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در جلسات متعدد کم و کیف دفاع و حمله را بررسی می‌کردند و به‌عنوان امنای صدیق حضرت امام، همه چیز را به فرمانده‌ی بزرگ خویش گزارش می‌کردند. امام عزیزی که به خاطر ویژگی‌های منحصر به فرد خویش در رهبری، گاه صخره‌ی صمّا بود و گاه لطیف و منعطف. امامی که عقل و عشق دو خصیصه‌ی بارز ایشان در ۱۷ سال مبارزه و ۱۰ سال پس از پیروزی بود. امامی که در کنار لطافت شاعرانه و عارفانه‌ی طبع، صلابت تصمیمات قاطعانه را نیز داشت. جلسات متعدد نظامی و سیاسی در حدّ مسئولان میدانی منتهی به چند جلسه‌ی مهم با حضور سران قوا و فرماندهان عالی رتبه در خدمت امامؒ شد و سرانجام جلسه‌ی سرنوشت‌سازی که امام؛ تاریخی‌ترین تصمیم دوران رهبری خویش را برای قبول قطعنامه گرفتند. به محض قبول قطعنامه و اعلان آن از سوی ایران، آن پیش‌بینی امام مبنی بر «چه تضمینی برای تکرار تجاوز می‌دهید؟» عملی شد و صدام که خیال می‌کرد. پذیرش قطعنامه از موضع ضعف است، با لشکرهای مجهز خویش و با منافقینی که روحیه‌ی خیانت‌پیشگی خویش را برملا کرده بودند، از همان

۱۰. سکوت در برابر اتهامات

سکوت و عدم پاسخ‌گویی به برخی از اتهاماتی که در سال ۸۸ متوجه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌شد، از جمله اشکالاتی بود که برخی محافل و رسانه‌ها در انتقاد از عملکرد وی مطرح می‌کردند.

این در حالی بود که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ششم خرداد ماه همین سال در جمع «مسئولین و کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی» گفته بود:

> گاهی انسان یک چیزهایی می‌داند که مطرح کردنش مشکلاتی دارد، مانع کار می‌شود، مانع خدمت می‌شود، عوارض دارد. هر اطلاع‌رسانی ولو حق هم باشد در جای خودش باید انجام شود. حتماً یک ملاحظاتی باید بکنیم همان طور که ائمه‌ی ما به ما یاد دادند و راهی است که همیشه در خود قرآن هم هست.

محورهای آغاز جنگ، یورش به خاک ایران را از سر گرفت. نمی‌دانست که ایران و ایرانی و مسئولان آن هر تصمیمی را براساس سنجش کامل امور می‌گیرند. هجوم سراسری مردم به خطوط مقدم و وادار کردن ارتش بعث به عقب‌نشینی و در هم شکستن منافقین در عملیات مرصاد همه‌ی دشمنان را برانگیخت تا هر چه سریع‌تر دست به کار شوند و نگذارند این روزنه‌ی رهایی بسته شود. حضور کارشناسان سازمان ملل برای برآورد خسارات ما در جنگ ـ هرچند خیلی کمتر از خسارت‌های واقعی برآورد شد ـ و متجاوز شناختن صدام و سرانجام برگشت پیروزمندانه فرزندان این آب و خاک که سال‌ها در سیاه‌چال‌های حزب بعث بودند، برگ زرینی دیگر بود که علاوه بر پیروزی‌های نظامی در کارنامه‌ی سیاسی دفاع مقدس ثبت شده است. دستاورد مشعشی که با وادار شدن صدام به قبول رسمی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بعد از پاره کردن آن در مقابل دوربین‌ها قبل از شروع جنگ بر تارک تاریخ ایران درخشیدن گرفت و پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی را که ماحصل خون بهترین جوانان این سرزمین است، در نقطه‌نقطه‌ی مرز ایران و عراق به اهتزاز درآورد. دستاوردی که نه فقط مربوط به آن دوران، که مربوط به همه‌ی دوره‌ها در همه‌ی اعصار خواهد بود و دشمنان ایران و انقلاب اسلامی فهمیدند که این آب و خاک با جوانانی که از نسل همان دلاوران می‌باشند، لقمه‌ی گوارای سهل‌الوصول و سهل‌الهضمی نخواهد بود. گرامی می‌دارم یاد و خاطره‌ی همه‌ی کسانی را که از نخستین روزهای شروع جنگ تا آخرین روزهای آن با اهدای خون خود و عزیزترین موجودی، یعنی جان و سلامت خویش نگذاشتند وجبی از خاک ایران از مام وطن جدا شود و امروز تا همیشه به عنوان شهدا، مفقودان، جانبازان، آزادگان و ایثارگران عزیز و عزیزتر خواهند بود. بر خویش فرض می‌دانم به‌عنوان فرمانده‌ی جنگ و جانشین فرمانده‌ی کل قوا، خدمت همه‌ی رزمندگان عرصه‌های دفاع مقدس، خانواده‌های مکرم و معزز شهدا، جانبازان، رزمندگان و به‌ویژه خانواده‌های مظلوم مفقودان عرض کنم که اولاً به خاطر آن سوابق درخشان هیچ احساس غبن نکنید و ثانیاً قصورات را ببخشند. البته باید اعتراف کنم که ایران اسلامی در آن سال‌ها با تمام توان در خدمت جنگ بود و اگر کوتاهی‌هایی احساس می‌شد، به خاطر اختلاف سلایق در نوع جنگیدن و چگونگی هزینه کردن‌ها بود که فکر می‌کنم برای کاری وسیع در آن سطح طبیعی بوده است. والسلام» (روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۷ تیر۸۹)

خداوند که از کسی نمی‌ترسد ولی همیشه همه چیز را در هر شرایطی نمی‌گفت. جبرییل نمی‌آورد. موقع خودش می‌آورد برای این‌که تأثیرگذار باشد.[1]

وی در تاریخ ۱۴ آذرماه نیز در دیدار «جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد» در پاسخ به پرسشی درباره‌ی علت سکوت خود[2]، گفت:

درباره‌ی این‌که گفتید چرا ساکتم؟ باید بگویم به آن معنا ساکت نیستم. شرایط کشور به گونه‌ای نیست که من در سخنرانی‌های عمومی مسایل را به صورت صریح مطرح کنم. می‌دانید که همیشه با صراحت حرف می‌زدم، امّا الآن شرایطی است که هر حرفی را که در جهت خودشان نباشد، تحمل نمی‌کنند. عکس‌العمل‌ها هم به گونه‌ای است که مفسده دارد. گاهی خود انسان دچار زحمت می‌شود که اهمیتی ندارد. ولی گاهی از حرف‌ها مفسده‌ای برای جامعه بیرون می‌آید.[3] در مورد این‌که موضع من چیست هم، موضع خود را به صورت صریح در نمازجمعه‌ای که بعد از این حوادث داشتم، گفتم.[4]

---

۱. همان؛ ۹ خرداد ماه ۸۸

۲. در این جلسه یکی از اعضای مجمع اسلامی دانش‌آموختگان ایران (از تشکل‌های سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی) در سخنانی گفت: «درباره‌ی سکوت می‌گویند گاهی اوقات در مقام رضایت، گاهی در مقام مخالفت و گاهی در مقام بی‌طرفی است. البته اگر احیاناً بحث حق و باطل باشد، سکوت نشان مخالفت است اما سخنی در موافقت هم گفته نمی‌شود. مثل کسی که درباره‌ی قاتل صحبتی نمی‌کند و از طرف دیگر از حق هم دفاع نمی‌کند. در واقع می‌توان گفت این مصداق همان موضع سکوتی است که حضرت امیرالمومنین(ع) در برابر آن می‌گوید: «الساكت اخ الراضي و من لم يكن معنا كان عدونا» این سکوت‌هاست که باعث می‌شوند تا به فتنه‌ها بیشتر دامن زده شود. می‌توان گفت که الآن در دوران فتنه هستیم که یکی از خصوصیات این دوره امتزاج حق و باطل است و مهم‌تر این‌که این امتزاج باعث گمراهی می‌شود و در این گمراهی علما و روحانیون دینی روشنفکران و کسانی که رسالت تاریخی دارند باید پرده‌برداری کنند. اگر قرار باشد علمای دینی هم در زمان فتنه سکوت کنند اگر قرار باشد اندیشمندان هم در دوران فتنه سکوت کنند پس کی می‌خواهند صحبت کنند؟ الآن زمانی است که احتیاج به موضع‌گیری علمای قوم داریم تا راه را به مردم بشناسانند. ما به عنوان جوانانی که اوضاع سیاسی کشور را رصد می‌کنیم و حرف‌های متناقض و بعضاً متنافری می‌شنویم باید بدانیم راه کجاست. در فضایی که به شایعات دامن زده می‌شود نقش علما و صحبت و مواضع آنهاست که نقشه راه را نشان می‌دهد.» (*خبرگزاری فارس*؛ ۲۴ آذر ۸۸، کد خبر: ۸۸۰۹۲۴۱۷۹۹)

۳. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۲ آذر ماه در جوار بارگاه امام رضا(ع) در مشهد مقدس اعلام کرده بود: مدت‌هاست برنامه‌های خارج از مجمع تشخیص مصلحت را به دلایلی که خودش می‌داند تعطیل کرده است، ولی مراسم آن روز را فرصت مناسبی دیده تا برخی نگرانی‌های خود را از وضعیت کنونی کشور اعلام کند. (*خبرگزاری ایلنا*؛ ۱۲ آذر ۸۸، کد خبر : ۹۳۷۴۹)

۴. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۵ آذر ۸۸

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۴ آذر ماه و در آستانه‌ی ماه محرم در دیدار «جمعی از روحانیون و وعاظ» در جواب جمعی از حضار که اجازه‌ی جواب دادن به اظهارات آقایان محمد یزدی، روح‌الله حسینیان[۱] و زیارتی [حمید روحانی][۲] را خواستند، گفت:

> سال‌هاست که جواب من به آقای یزدی درخواست شفا برای ایشان است و ارسال سلام. متأسفانه ایشان براثر مشکلات جسمی گاهی دچار عصبانیت می‌شود و عجولانه اعلام نظر می‌کند. افرادی هم هستند که شهرت خویش را از راه اهانت به دیگران می‌خواهند که جواب این‌گونه افراد هم سکوت است و دعا برای هدایتشان.[۳]

وی در تاریخ ۲۱ دی‌ماه نیز در دیدار اعضای «شورای مرکزی مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی» در پاسخ به سؤال یکی از حاضرین تصریح کرد:

> سکوت نکرده‌ام و همواره برای کمک به حل مشکلات بدون جنجال خبری تلاش خود را کرده‌ام. راه‌حل‌هایی را به تشخیص خود برای حل مشکلات پیش آمده قبلاً بیان کرده‌ام و تکرار مداوم آن را ضروری نمی‌بینم، مضافاً این‌که متأسفانه برخی افراد آلوده به اغراض سیاسی و جناحی دنبال جوسازی و ایجاد جنگ روانی در کشور هستند که ادامه‌ی این روند را به صلاح کشور نمی‌دانم.[۴]

وی همچنین در ۲۱ بهمن ماه در پاسخ به این پرسش روزنامه‌ی جمهوری اسلامی که «بسیاری از حرف‌هایی که در مورد جنابعالی در طول ماه‌های اخیر و حتی سال‌های اخیر

---

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین روح الله حسینیان در سال ۸۸ بارها به مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اعتراض کرد. وی همچنین بعدها در کتابی با عنوان «نظریه‌ی فتنه» با تعابیر و اوصافی چون هواپرستِ قدرت طلب، طرفدار اسلام اشرافیت و از انقلابیون دنیازده از هاشمی رفسنجانی یاد کرده و او را به خودبزرگ‌بینی، خودنمایی و خودستایی متهم کرد. وی از هاشمی به عنوان شخصیتی که رهبری را تهدید کرده و علی‌رغم تحمیل خویش بر مردم، مورد نفرت آنها قرار گرفته است، یاد نمود. این کتاب توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی در پاییز ۱۳۸۹ به عنوان مجموعه «دانستنی‌های انقلاب اسلامی برای جوانان» منتشر شد.

۲. ر.ک: سایت رجانیوز، سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمید روحانی با موضوع «انتظار» در شهرستان خمین، مردادماه ۸۸ / دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۳ آذر ماه به این سخنان پاسخ داد.

۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۶ آذر ۸۸

۴. همان؛ ۲۲ دی ۸۸

شنیده‌ایم هرگز پاسخ و واکنشی از سوی شما همراه نداشته است. چرا؟» گفت:

البته هیچ اتهامی را بی‌جواب نگذاشته‌ام. تکرار نمی‌کنم. پاسخ دادن به این‌گونه حرف‌ها را هم من چالش‌زا می‌بینم. این‌طور نیست که آدم اگر یک حرف منطقی گفت، فوری بپذیرند. بعدش دوباره یک بحث‌های دیگری شروع می‌شود. گاهی جواب ندادن مصلحت است. گاهی هم جواب دادن مصلحت است. من هم خیلی دیگر آن حالات قدیمی‌ام را ندارم که زیاد بخواهم میدان‌داری کنم. سکوت و انزوا جزو خواص این سن است. مخصوصاً کسانی که دوران طولانی با اضطراب و چالش‌ها زندگی کرده‌اند چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز یک تمایل نفسانی پیدا می‌کنند. معلوم نیست این تمایل عقلانی هم باشد. تمایل نفسانی پیدا می‌کنند که خوب است کمتر حرف بزنند، کمتر مطرح بشوند. یک مقدار این جوری است.[1]

---

۱. روزنامه جمهوری در ادامه پرسید: «این روش شما با روش امام خمینی‌رحمه‌الله منافات ندارد؟ امام در آخر رهبری سن‌شان از سن امروز شما بیشتر بود. مخصوصاً آن سال‌های آخر؛ بیانیه، سخنرانی و مطالب دیگر از امام خیلی زیاد باقی مانده است. صحیفه‌ی امام را که آدم نگاه می‌کند، می‌بیند سال‌های آخر حیات امام رحمه‌الله مطالبش بیشتر از سال‌های قبل هست. خوب امام‌رحمه‌الله با آن سن زیادشان خیلی صحبت می‌کردند. یک بخش آن قابل فهم است. چون به هر حال امام‌رحمه‌الله ایجاد کننده‌ی این انقلاب و این نظام جمهوری اسلامی بودند و خیلی حرف داشتند. برای آیندگان و می‌گفتند اما شما هم وقتی این حالت مقایسه‌ای را در نظر بگیریم از افرادی هستید که در رده‌های بعد از امام قرار می‌گیرید؛ بنابر این شما هم حرف برای گفتن زیاد دارید. بخصوص در شرایط خاص جامعه. برای این شرایط و این بیان شما چه کنیم؟ خیلی جور در نمی‌آید؟» و آیت‌الله هاشمی پاسخ داد: «اولاً که خودتان گفتید که تفاوت زیادی بین ما و امام‌رحمه‌الله هست. ایشان به هر حال بنیان‌گذار یک بنای عظیمی بودند. بایستی تا آن چند سالی که فرصت داشتند بنیان‌های بنایشان را محکم بکنند. ما الآن مثل امام که نیستیم. صدها نفر مثل من از نیروهای اول انقلاب هستند. رسالت شبیه هم داریم. با هم کار می‌کنیم. ثانیاً خود امام هم همچنین حالتی داشتند منتهی ضرورت‌ها ایجاب می‌کرد که امام وارد صحبت می‌شدند. گاهی می‌شد که ایشان یک ماه سکوت می‌کردند. حتی شایعه می‌شد که امام رحلت کرده‌اند یا کسالت دارند و از این چیزها ولی ایشان اعتنایی نمی‌کرد. ما بودیم که می‌رفتیم خواهش می‌کردیم که چهار کلمه حرف بزنید. یک وقت امام تصمیم گرفت عکسش را در هیچ روزنامه‌ای در صفحه اول نیندازند، خوشش نمی‌آمد. ما آن موقع این حالات را خیلی نمی‌فهمیدیم. ولی من الآن می‌فهمم. البته من الآن سنّم آن‌قدر نیست که امام در آن سن قرار داشت. ایشان یک دوره سکوت در تبعید داشتند. ۱۴، ۱۵ سال نبودند. خیلی کم حرف می‌زدند. درسی می‌دادند، خانه بودند، حرم می‌رفتند. ما این‌جوری نبودیم. همه‌ی زندگی‌مان پر از تحرک و اضطراب و حالات خیلی نگران‌کننده و خوشحال کننده بود. هنوز هم هست. گفتم: اولاً شخصیت‌ها را نمی‌شود مقایسه کرد با امام. ثانیاً اگر امام ضرورت قاطعی نمی‌دیدند دلشان می‌خواست حرف نزنند کاملاً برایمان محسوس بود.»
(روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۱ بهمن ۸۸)

۱۱. تحمیل نظرات خود به امام و رهبری

از جمله اتهاماتی که نسبت به شخصیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی وارد می‌آمد، تلاش برای انتساب تصمیمات حضرت امام خمینی‌رحمه‌الله به خود و تلاش برای تحمیل نظرات خویش به امام و رهبری بود.

روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۱ بهمن ماه در ضمن مصاحبه‌ای مفصل، برای شنیدن پاسخ وی به این اتهام، پرسشی را مطرح کرد. این روزنامه در این باره پرسید: «لحن بعضی از نوشته‌های شما در خاطراتتان طوری است و یا طوری تدوین شده که بعضی‌ها این‌طور برداشت کرده‌اند که شما می‌گویید من به امام خط می‌دادم، امام می‌پذیرفتند، تحت تأثیر من بودند. آنها از این جور حرف‌ها این استفاده‌ها را می‌کنند و بعد کلمه‌ی تحمیل را به کار می‌برند. شما خوب است که در این زمینه هم توضیحی بفرمایید.» وی در پاسخ به این پرسش گفت:

> توضیح من همین است. من هرجا نظر دیگری داشته باشم وقتی می‌بینم کار مهمی است نظرم را می‌گویم. ولی درباره‌ی امام احتمالش هم نیست که بتوان به ایشان چیزی را تحمیل کرد. درباره‌ی دیگران هم همین است. من حتی در دولت خودم که همه منصوب خودم بودند، می‌پذیرفتم. گاهی در دولت یک بحثی بود مدت طولانی روی آن بحث می‌شد. من تحمیل نظریه به وزرا نمی‌کردم. بخصوص در شورای اقتصاد از این جور بحث‌ها زیاد داشتیم. ساعت‌ها بحث می‌کردیم دست آخر هم با رأی‌گیری عمل می‌کردیم. من طبعم این جوری است.[۱] فکر می‌کنم کار مثبتی است. آدم وقتی چیزی را می‌فهمد اگر نگوید هم ظلم به خودش کرده و هم ظلم به دیگران.[۲]

خبرنگار در ادامه می‌پرسد: «از فرمایشات شما این طور برداشت می‌شود که امام خیلی انعطاف‌پذیر بودند. البته شما فرمودید که در بیشتر مواقع ما قانع می‌شدیم

---

۱. مقام معظم رهبری درباره‌ی این سبک مدیریتی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌فرمایند:
«شیوه‌ی مدیریت باز که در ایشان وجود داشت، و این به همکارهای ایشان، امکان می‌داد که ابتکار و تلاش خودشان را به کار بیندازند و از آنها استفاده بکنند.»
(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۹ مرداد ۷۶)

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۱ بهمن ۸۸

گاهی امام قبول می‌کردند. در مجموع جمع‌بندی شما از امام به عنوان یک شخصیت سیاسی در سطح رهبری جامعه این است که به هر حال امام آنجا که یک مطلبی را می‌شنیدند که منطقی پشتش بود، سریعاً می‌پذیرفتند یا مقاومت می‌کردند؟» و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پاسخ می‌دهد:

گفتیم گاهی می‌پذیرفتند. ولی اکثراً ما می‌پذیرفتیم. همین الآن هم با رهبری همین‌طور است. وقتی بحثی پیش می‌آید، اکثراً من قانع می‌شوم و گاهی ایشان. مواردی هم که قانع نمی‌شوم متابعت می‌کنم. در زمان امام هم همین اتفاق می‌افتاد. اصلاً کلمه‌ی «تحمیل» حقیقتاً اهانت به امام است. اگر این‌جور بود چرا امام تا آخرین لحظه‌ی عمرشان این‌قدر به من اعتماد داشتند[1]، متناقض است. آنهایی که این حرف‌ها را می‌زنند باید در قاطعیت و عدالت امام شک کنند. شاید متوجه نیستند چه می‌گویند![2]

۱. مقام معظم رهبری در سال ۱۳۶۹ در جمع علما، روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم استان خراسان درباره‌ی میزان اعتماد امام به آقای هاشمی فرمودند:

«امام(ره) نهایت اعتماد و اطمینان را به رییس جمهور ما [آیت الله هاشمی رفسنجانی] داشتند. امروز بحمدالله در رأس دستگاه‌های اجرایی کشور، کسی است که امام در تمام طول دوران انقلاب و قبل از آن و بیشتر از همه بعد از انقلاب تا لحظه‌ی وفاتشان، نهایت اعتماد و اطمینان را به او داشتند، رییس جمهور ما. ایشان کسی است که این‌قدر مورد اعتماد امام بود، این‌قدر به امام (قدس سره) نزدیک بود، حرف‌های امام را بیشتر از آنها شنیده، درد دل‌های امام را بیشتر از دیگران شنیده و خبر دارد. حالا عده‌ای همین طور حرف می‌زنند و اصلاً نمی‌دانند که حرف دل امام (قدس سره) چه بود. مؤذن بانگ بی‌هنگام برداشت / نمی‌داند که چند از شب گذشته است. چنین آدمی حالا در رأس امور ماست.»

(*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*؛ ۱۱ مهر ۶۹)

۲. روزنامه *جمهوری اسلامی*؛ ۲۱ بهمن ۸۸

ضمایم

نامه‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به رهبر معظم انقلاب
متن کامل آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی
روزشمار دیدارها و مواضع

نامه‌ی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به رهبر معظم انقلاب

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مقام معظم رهبری؛ آیت‌الله خامنه‌ای (زیده عزّه)

متأسفانه اظهارات عاری از حقیقت و غیرمسئولانه‌ی آقای احمدی‌نژاد در جریان مناظره با مهندس موسوی و مقدمه‌چینی‌های قبل و حوادث بعد از آن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهک‌های ضدانقلاب در سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب و نیز تهمت‌زدن‌ها در انتخابات ۸۴ و انتخابات مجلس ششم ولجن‌پراکنی‌های باند پالیزدار که در دادگاه محکوم شده را به نمایش گذاشت و از آنجا که بخشی از این اظهارات قبلاً در رسانه‌های دولتی و آتش تهیه آن در سخنرانی مشهد مقدس مطرح شده، ادعای این‌که مطالب او تحت تأثیر فضای مناظره گفته شده و فاقد برنامه‌ریزی قبلی است، پذیرفتنی نیست و گویا برای تحت‌الشعاع قرادادن گزارش‌های مستند و مکرر دیوان محاسبات در خصوص مفقودالاثر بودن یک میلیارد دلار و ارتکاب چند هزار تخلف در اجرای بودجه‌ها می‌باشد و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می‌داند.

ده‌ها میلیون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ‌پردازی‌ها و خلاف‌گویی‌هایی بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی‌مان را نشانه گرفته بود.

زیر سؤال بردن تصمیمات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم‌القدر که در نیم قرن گذشته با مجاهدت‌های خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی‌شد. دوران

مشعشعی که خود شما پشت سر امام(ره) در قامت مجاهد پیش‌تاز، رییس‌جمهور و نهایتاً رهبری نظام نقش و مسئولیت‌های ممتازی به عهده داشته‌اید.

نقطه‌ی قابل توجه دراین تهمت‌ها این است که غیرمستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جناب‌عالی که هادی دولت‌ها بوده‌اید و با اظهارات صریح، مدیریت‌ها را مورد تأیید و تحسین قرارداده‌اید، نشانه گرفته است.

بعد از جریان شوم ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹ با ارشاد امام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب‌عالی و اینجانب که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و بخصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سم‌پاشی‌ها اقدامات مؤثری انجام دهیم و امام راحل درد آشنا با تشکیل گروه حقیقت‌یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه‌گران و در نهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضد انقلاب طراحی کرده بودند.

البته اینجانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی‌صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد.

اینجانب برای پرهیز از آلوده‌شدن فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات به تشنجات بیشتر، از عکس‌العمل فوری که مورد انتظار ملت است، خودداری کردم.

در مراسم بزرگ‌داشت سالگرد امام(ره) به آقای احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف‌گویی‌های فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبا و اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام، از جمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیرسؤال بردن اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهام‌های نادرست را پس بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده‌هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرار گرفته‌اند، نباشد.

از صدا و سیما هم خواسته شد که فرصتی در اختیار طرف‌های ذی‌حق براساس مقررات سازمان قرار دهد که از خود دفاع نمایند. گرچه در گذشته به بخشی از این اتهامات پاسخ داده شده و رییس قوه‌ی قضاییه‌ی وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری اینجانب، در عمل به اصل ۱۴۲ قانون اساسی رسماً اعلام پاکی و منزّه بودن خانواده‌ی

رییس‌جمهور و حتی کم‌شدن دارایی‌ها در دوران مسئولیت را نمودند، ولی تکرار اتهام تکرار جواب را می‌طلبد.

مع‌الاسف، این دو پیشنهاد خیرخواهانه عملاً پذیرفته نشده و رهبر معظم هم صلاح را در سکوت‌شان دیدند و بی‌شک جامعه و بخصوص نسل جوان نیازمند اطلاع از حقیقت است. حقیقتی که با اعتبار نظام و همدلی ملت ارتباط جدّی دارد و اگر محدود به حق چند نفر بود، اقدام به نوشتن چنین نامه‌ای نمی‌کردم.

معتقدم جناب‌عالی بخوبی می‌دانید که اینجانب و بسیاری از بزرگان تأثیرگذار انقلاب و حتی خود جناب‌عالی از دوران مبارزه و سال‌های اول انقلاب و در تعدادی از مقاطع مورد تهاجم افراد لاابالی و ضدانقلاب بوده‌ایم و همیشه صبورانه تهمت‌ها و اهانت‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم و در دور جدید تهمت‌ها و هجمه‌ها هم از حدود پنج سال پیش تاکنون دندان روی جگر دارم و بخاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور اندوه خویش را مکتوم می‌دارم و از این جهت هم مورد گلایه‌ی بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می‌گیرم و مهم این است که این‌بار این تهمت‌ها توسط رییس جمهور و در رسانه‌ی ملی مطرح شده است. البته در موقع مناسب انحرافات و حق‌کشی‌های ناگفته انتخابات و اعمال دولت نهم در اختیار مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت.

تاریخ گواه است که اکثریت مردم متعهد و انقلابی‌مان کمتر تحت تأثیر خلاف‌گویی‌ها قرار می‌گیرند و دلیل آن آرای افتخارآمیز مردم به اینجانب در آخرین انتخابات مجلس خبرگان رهبری است و نیز خوب می‌دانید که در جریان انتخابات جاری، تاکنون به خاطر مسئولیت‌های رسمی‌ام در رسانه‌ها مطلبی به نفع یا ضرر افراد و جریان‌های درگیر در انتخابات نگفته‌ام و در موارد ضروری به کلیاتی مبتنی بر حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌ها و سلامت انتخابات اکتفا کرده‌ام و رسماً گفته‌ام برنامه‌ی شرکت در انتخابات ندارم.

چهار نامزد موجود برای آمدن به صحنه با اطلاع از نظر و سیاست اینجانب از من نظر نخواسته‌اند و بعد از نامزدی هم از اینجانب درخواست حمایت نکرده‌اند و اگر هم در جلساتی به هم رسیده باشیم، چیزی جز همان کلیات فوق‌الذکر را از من نشنیده‌اند و اگر حزب یا گروهی در مورد جهت‌گیری در انتخابات نظر خواسته‌اند، گفته‌ام براساس آیین‌نامه‌ی خود عمل کنند و حقیقتاً آنها با تصمیم خودشان و همکارانشان در صحنه‌اند و عمل می‌کنند و انصافاً تهمت دست‌نشانده بودن آنان ستم و

بی‌حرمتی غیرقابل توجیه است.

بجاست که به این حقیقت هم توجه شود که احتمالاً عوامل دولت از نظر اینجانب مطلعند که من ادامه‌ی وضع موجود را به صلاح نظام و کشور نمی‌دانم و خود جناب‌عالی هم از این نظر من مطلعید و دلایل آن را هم می‌دانید؛ ولی این نظر را رسانه‌ای نکرده‌ام و خود عوامل دولت در این مورد بزرگ‌نمایی کرده‌اند که هدف بزرگ‌نمایی در آن مناظره روشن شد.

با این‌همه بر فرض این‌که اینجانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی‌شک بخشی از مردم و احزاب و جریان‌ها این وضع را بیش از این برنمی‌تابند و آتش‌فشان‌هایی که از درون سینه‌های سوزان تغذیه می‌شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه‌های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدان‌ها، خیابان‌ها و دانشگاه‌ها مشاهده می‌کنیم.

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل تهمت‌ها، دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف‌های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدسش خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق‌شکن علی‌رغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

رهبری معظم انقلاب؛

اکنون که امام راحل(ره) آن پیر فرزانه و حلال مشکلات و ملجاء همه و یار صبور و دیرینه‌ی هر دوی ما آیت‌الله شهید مظلوم دکتر بهشتی و بسیاری از هم‌سنگران قدیم که یا به فیض عظمای شهادت رسیدند و یا به دیار باقی شتافتند؛ در بین ما حضور ندارند، شما مانده‌اید و من و معدودی از یاران و هم‌فکران قدیم. از جناب‌عالی با توجه به مقام و مسئولیت و شخصیت‌تان انتظار است برای حل این مشکل و برای رفع فتنه‌های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، هرگونه که صلاح می‌دانید اقدام مؤثری بنمایید و مانع شعله‌ورتر شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شوید.

لذا در فرصت باقی‌مانده ضروری به نظر می‌رسد خواسته‌ی حق حضرت‌عالی و مردم در خصوص انجام انتخاباتی سالم و پرابهت و حداکثری تحقق یابد. کاری که می‌تواند عامل نجات کشور از خطر و باعث تحکیم وحدت ملی و اعتماد عمومی باشد و فتنه‌گران نتوانند با

حدس و گمان نصّ پیامتان در مشهد و در مرقد امام راحل را با هوس خود تحریف کنند و با نادیده گرفتن قانون، بنزین بر آتش‌افروخته بریزند.

سرچشمه شاید گرفتن به بیل　　چو پر شد نشاید گرفتن به پیل

دوست، همراه، و هم سنگر دیروز، امروز و فردایتان

اکبر هاشمی رفسنجانی

متن کامل آخرین خطبه‌ی نمازجمعه‌ی هاشمی[1]

خطبه اول

بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله ربّ العالمین والصلواة والسلام علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین. أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾[2]. اوصیکم عباد الله بتقوی الله فإنّه ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾[3]

امیدواریم که خداوند هیچ‌یک از مسلمانان را از لطف و مرحمتش و روحیه‌ی تقوا و وظیفه‌شناسی محروم نفرماید و ملکه‌ی تقوا همیشه در وجودمان تقویت شود.

قبل از این‌که بحث‌های خطبه‌ی نمازجمعه را آغاز کنم، لازم می‌دانم که به نمازگزارانی که امروز در دانشگاه تهران و اطراف دانشگاه و در خیابان‌ها حضور دارند یک تذکر اساسی بدهم و آن این است که مواظب باشید که جایگاه نمازجمعه و قداست نمازجمعه با اظهارات و شعارهایی که جنبه‌ی عمومی و اصولی ندارد آلوده نشود. این جایگاه مقدس سرمایه‌ی عظیم همه‌ی دوران تاریخ اسلام بوده و امروز در کشور ما جزو مهم‌ترین میدان‌های حضور فضایل اسلامی و انسانی است و ما در آستانه‌ی سالگرد نمازجمعه هم هستیم و نمازجمعه‌ی امروز بی‌شباهت به نمازهای جمعه‌ای که در هفته‌های اول انقلاب شروع شد و آیت‌الله طالقانی اقامه‌ی نماز می‌کردند و جمع زیادی از همه‌ی سلیقه‌ها در آن نمازها شرکت می‌کردند چنین است و ان شاءالله ما بتوانیم از این اجتماع امروز برای آینده‌ی بهتر کشورمان و حل مشکلاتمان

---

۱. این خطبه در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۸۸ در دانشگاه تهران ایراد شد. متن حاضر از فیلم خطبه‌هاپیاده شده است.
۲. توبه: ۱۲۸
۳. طلاق: ۵

و ایجاد وحدت و همدلی و همراهی و حرکت در جهت اهداف انقلاب اسلامی است که همان حرکت در جهت راهی است که پیغمبر اکرمﷺ از طریق آسمان برای ما آورده‌اند، حرکت بکنیم . ان شاءالله با صبر و تحمل و هوشیاری این نتیجه به دست می‌آید.

من سه بخش اساسی در صحبتم دارم بخش اول در توضیح اساسی در معیارهای اسلامی و اصول اسلامی است که این روزها احساس می‌شود دشمنان اسلام درصددند حقانیت اسلام را و صلاحیت مدیریت اسلام را در زمان ما زیر سئوال ببرند که البته موفق نمی‌شوند اما ما وظیفه‌ی توضیح و تبیین داریم که این قسمت را در قالب مسئله‌ی «بعثت» عرض می‌کنم. چون ما در آستانه‌ی حلول سالگرد بعثت پیغمبر اکرمﷺ هستیم و معمولاً خطبه‌ی اول را در این شرایط ما درباره‌ی آن موضوعات اساسی عرض می‌کنیم. ضمن این‌که ادامه‌ی بحث‌های قرآنی هفته‌های گذشته‌مان هم هست. یادتان هست که من در خطبه‌های اول یکی دو سال اخیر درباره‌ی شکل‌گیری نظام بر اساس قرآن صحبت می‌کردم و رسیدیم در آن بحث‌ها از عبادت شروع کردیم و از عبادت به نماز رسیدیم و از نماز عبور کردیم به مسجد رسیدیم. دو خطبه هم درباره‌ی مسجد خواندم که ارتباطی با این خطبه‌ی امروز من هم دارد یعنی هم ادامه‌ی بحث‌های دو سال اخیر است و هم متناسب با بعثت پیغمبر اکرمﷺ؛ سعی می‌کنم مختصر عرض کنم.

بحث دوم صحبتم درباره‌ی انقلاب است یعنی اهداف اصیل انقلاب که مردم برای آن جهاد کردند و امام راحل ما بنیان‌گذار و مؤسس بودند و این همه خون‌های مقدس پای این شجره‌ی مبارک ریخته شده [است]. من بخشی از اهداف و اصول انقلاب را برای نسل امروز عرض می‌کنم که بدانند ما از اول با چه نیتی شروع کردیم و به کجا می‌رویم و بحث سوم را می‌پردازم به مسائل روزمان و شرایطی که الآن در آن هستیم. کمی این را توضیح می‌دهم و ان شاءالله راه‌کاری، راه علاجی برای شرایطی که امروز در آن زندگی می‌کنیم عرض می‌کنم. البته اینها نظر خودم خواهد بود امیدوارم که بقیه‌ی مسئولین هم روی همین مسئله فکر بکنند و راهی پیدا بشود که ما با همان ابهت، وحدت و همدلی که آغاز کردیم و پیروز شدیم و تا اینجا رسیدیم، آینده را هم بتوانیم برای نسل‌های بعدی هم ترسیم بکنیم و هم بپیماییم. این اسکلت بحث‌های دو خطبه‌ی من است. پس از بعثت شروع می‌کنم. آیه‌ای که اول صحبتم خواندم آخر سوره‌ی توبه است. پیغمبر را معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لقد جائکم رسول من انفسکم» یک فرستاده‌ای از سوی خدا آمد که از خودتان است؛ یعنی از جنس بشر و از توده‌ی خود مردم است. دو سه صفت پیغمبرﷺ را رویش تکیه می‌کند. «عزیز علیه ما عنتّم» اول این بود که از خودتان است. دوم این است که این‌قدر به شما مهربان است که هرچه بر شما سخت و مشکل است او هم برایش مشکل و سخت است. یعنی مثل خود ما و خود شما در جریان زندگی شما، در غم و شادی شما شریک است. «عزیز علیه ما عنتّم حریص علیکم» دنبال منافع و

سعادت شماست. «بالمؤمنین رئوف رحیم» و قلبی دارد مملو از رأفت و رحمت برای نیروهای اسلامی که در خطه‌ی تاریخ اسلام قرار می‌گیرند. این پیغمبر است. من می‌خواهم عرض کنم چون یادتان است که من بحثم در آن خطبه‌ها این بود که نظام چگونه شکل گرفت. یکی از معجزات بزرگ پیغمبرﷺ در آن زمان این بود که موفق شد در آن دوران عجیب در یک منطقه‌ی کاملاً جاهلی که یک مکتب‌خانه هم نبود و تعداد باسوادهایی که بنویسند و بخوانند به اندازه‌ی تعداد انگشتان دست و پا بود تأسیس یک مکتبی را در آن جامعه داشته باشد که این مکتب بعد از ۱۴۰۰ سال هم امروز قوی‌ترین مکتب انسانی دنیا است و برای آینده تا قیامت هم باید همه‌ی دنیا را اداره بکند و این کار از یک انسان معمولی ظاهری درس نخوانده، تحصیل نکرده و بدون سابقه‌ی حکومت‌داری و بدون حرفه‌ای که دیگران در این راه داشتند با راهنمایی خدا که از طریق جبرییل امین انجام می‌شد و با امانتی که در شخص خود پیغمبرﷺ بود که آن روز قبل از آمدن اسلام به نام امین در مکه شناخته می‌شد این شرایط را حضرت رسول اکرمﷺ داشتند و با این شرایط توانستند این کار عظیم راشکل بدهند. جریان هم خیلی معلوم است. در خطبه‌های قبل گفتم آن ۱۳ سالی که در مکه بودند بیشتر به سازندگی کادر خودشان و نیروهای اصلی‌شان و یاران دست اولشان پرداختند چون آنجا اصلاً زمینه‌ی کار حکومتی و اجتماعی وسیع نبود و اصول دین‌شان را و افکار الهی را و آنچه که لازم بود به این مردم تعلیم دادند و بعد از این در دو سال آخر کم‌کم راهشان به خارج از مکه باز شد و شهرت افکار پیغمبرﷺ به مدینه رسید. مدینه هم شهر کوچکی بود ولی گرفتار اختلاف و تفرقه و جنگ داخلی بود. قبایل با هم می‌جنگیدند. آنجا یهود نیرومند بودند اقتصاد و فرهنگ مدینه دست آنها بود. نصاری یک جریان بی‌زحمتی بود. مسیحی‌ها و مشرکین هم بودند. مردم بومی هم که به آنها «امیّون» می‌گفتند در جنگ داخلی اوس و خزرج و چندین قبایل دیگر زندگی بسیار تلخی داشتند. اینها از دور با افکار پیامبر آشنا شدند. در سال دوازدهم در ایام حج در «منا» نمایندگانشان با پیامبرﷺ آشنا شدند؛ با ایشان مباحثه کردند، روشن شدند، مسلمان شدند؛ با پیغمبرﷺ بیعت کردند و نماینده‌ای از پیغمبرﷺ گرفتند که دین را معرفی کند، به مدینه بردند و سال سیزدهم ۷۰ نفر از همه‌ی قبائل برای بیعت با پیغمبرﷺ آمدند. این‌ها را دیگر نمی‌شود الآن توضیح داد. آن بیعت افکار حکومتی پیغمبرﷺ را، مطالبات پیغمبر از مردم را، مطالبات مردم از پیغمبرﷺ را انسان در آن می‌بیند. به هر حال نتیجه این شد که در مدینه زمینه‌ای مهیا شد و پیغمبرﷺ با آن شکلی که شما مطلعید بعد از «لیلة المبیت» فرار کردند و به مدینه رفتند، در «قبا» متوقف شدند؛ به انتظار آمدن علی ابن ابیطالب‌علیه‌السلام و فواطم که مانده بودند که تعهدات پیغمبرﷺ را عمل کنند. آنها خودشان را به پیغمبرﷺ رساندند. مردم مدینه معمولاً هر روز در دروازه‌ی جنوبی مدینه می‌ایستادند، منتظر

بودند که پیامبرﷺ به آنها برسد. پیامبر هم چشم‌شان به راه بود تا علی ابن ابیطالب‌علیه‌السلام برسد. با آمدن علی‌علیه‌السلام و دوستان نزدیک دیگر به سمت مدینه حرکت کردند. در مدینه ـ اینجا مربوط می‌شود به بحث گذشته‌ی من ـ اولین کارشان این بود که پایگاه اساسی خودشان ـ مسجد قبا ـ را ساختند تا با مردم سر و کار داشته باشند. اولاً زمین حلالی پیدا کردند و با مشارکت مردم که مصالح می‌آوردند و کار می‌کردند مسجد را در مدت کوتاهی ساختند. خود پیغمبرﷺ مثل مردم دیگر در آوردن مصالح و راهنمایی کار می‌کرد. خانم‌ها شب مصالح می‌آوردند و آقایان روز مسجد می‌ساختند. البته مسجد به شکلی که ما حالا در ذهنمان هست نبود. دیواری نسبتاً کوتاه و سقفی با چوب و حصیر و زمینی با سنگ ریزه‌ها مفروش و در کنار آن هم چند حجره ساختند که پیغمبر و یاران نزدیک‌شان آنجا زندگی می‌کردند. این مجموعه‌ی پایگاه حکومتی پیغمبرﷺ بود. از این به بعد ـ بحث اساسی من از اینجا شروع می‌شود ـ گروه گروه مردم مدینه می‌آمدند با پیغمبرﷺ بیعت می‌کردند؛ شرط خودشان را می‌گفتند. پیغمبرﷺ هم مطالبات خودشان را می‌گفتند و در چنین شرایطی توانستند آن افکار اصیل اسلام را برای مردم توضیح بدهند و نتیجه این شد که زمینه‌ی حرکت حکومتی پیغمبرﷺ از همان سال اول در مدینه شکل گرفت.

آنچه که می‌شود رویش تکیه کنیم از افکار اسلامی در حکومت اسلامی دو چیز است. یکی خداست و دیگری مردم؛ واسطه‌ی بین این مردم و خدا هم یک انسانی از جنس مردم [است] که با مردم پیام را بیاورد. شما قرآن را که نگاه بکنید کلمه‌ی «الله» را در حدود ۳۰۰۰ مورد می‌بینید که به‌کار رفته و کلمه‌ی «انسان» و «ناس» و مشتقات‌شان در حدود ۴۰۰، ۵۰۰ مورد به کار رفته [است]. اساس این است. یعنی پیغمبرﷺ سر و کارشان در بین خودشان و در جامعه‌ی اسلامی نه با زور بود و نه با قدرت بود؛ با مردم بود.

با مردم وفادار کشورشان را اداره کردند، دشمنانشان را سر جای خودشان نشاندند و کار مهم‌ترشان ایجاد الفت و وحدت بود که این هم جزو اهداف این خطبه‌ی من است. پیغمبرﷺ اولین مسئله‌شان این شد که مدینه را متحد کند. با قبایل مدینه پیمان بست که آن پیمان خواندنی است. ان‌شاءالله آنهایی که اهل تحقیق هستند این پیمان‌ها را بخوانند. ببینید چی گنجانده شده [است]. بعد به ادیان دیگر پرداخت. یهود آمدند، نصرانی‌ها آمدند، مشرکین آمدند و اگر ادیان دیگری مثل صائبین و مجوس هم بودند با آنها هم پیمان بستند؛ یک وحدت مثال‌زدنی در مدینه به وجود آمد. کار عمیق‌تری که کردند این بود که مسئله‌ی اخوت اسلامی را مطرح کردند؛ پیمان برادری بین مسلمان‌ها، بین مهاجر و انصار، بین افراد قبائل؛ این پیمان احکام سختی هم دارد. پیمان برادری، پیمان با احزاب، پیمان با فرق و ادیان دیگر، مدینه را به یک شهر متحد و نیرومند تبدیل کرد که در ظرف چند سال ـ ۷، ۸ سال ـ طول کشید که این

مردم توانستند از یک شهرک کوچک تنه بزنند به امپراطوری‌های بزرگ دنیا. آن طرف‌شان امپراطوری روم بود و این طرف‌شان ایران بود و آن طرف‌تر حبشه بود؛ دورتر البته چین و هند و جاهایی بود. اروپا در آن زمان در قرون وسطی و وحشی‌گری زندگی می‌کرد. سابقه‌ی نوع حکومتی که پیغمبرﷺ آورد اصلاً وجود نداشت. قدرت‌ها بودند اما براساس زور و با تبعیض و فساد و تحمیل خواسته‌های خودشان مردم را مطیع خودشان کرده بودند. اما پیغمبر و اسلام این راه را بست. مبنای سازمانی انسانی جامعه‌ی پیغمبر، جامعه‌ی مدنی تربیت مؤمنِ عالمِ متخلقِ به اخلاق الهی بود؛ این سرمایه‌ی اصلی بود. از لحظه‌ای که در آسمان باز شد ــ بعد از ۵۰۰ سال که بر روی بشر بسته بود ــ جبرییل آمد در حرا و اولین کلمات خدا را بر قلب نازنین پیغمبرﷺ نشاند، معیارها برای پیغمبر و کسانی که بعد آشنا شدند، روشن بود. سوره‌ی علق را بخوانید: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ * كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَى * أَن رَّآهُ اسْتَغْنَى﴾[1] در همین دو، سه سطر برائت و استعلا و افق حکومت اسلامی آینده‌ی پیغمبرﷺ روشن شد. انسانی که به اینها توجه کند و خدای خالق که این‌قدر خالق و عالم است که از یک لخته‌ی خون بسته انسانی را تولید می‌کند که این انسان عالم کبیر است و عالم صغیر در زمین شبیه همه‌ی جهان؛ این آفرینش خداست. رب کریمی که به انسان قدرت فهم و نوشتن را داد؛ ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾.[2] در جزیرة العرب ارزش قلم چیزی نبود که کسی توجه بکند. اینجا شروع کار این است که من دنبال انسان‌های باسواد و تحصیل کرده و دانشمند هستم. بعد قدرت بزرگی که به دانش از همین کلمات بر می‌آید. دنبالش هم یک اخطاری می‌کند که همین انسان‌ها اگر احساس بی‌نیازی بکنند و غرور آنها را بگیرد؛ اینها اهل طغیانند. اخطار می‌کند که شما در مقابل خودتان داوری مثل خدا دارید؛ ﴿إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى﴾؛[3] هم در زمین و هم در آخرت. این داور با سنتی که دارد در بین شما به داوری عادلانه می‌پردازد و در قیامت هم هیچ چیز را از قلم نمی‌اندازد. مبادا متکبر بشوید، مبادا غرور شما را بگیرد، مبادا بندگان خدا را ضعیف حساب بکنید، چون خدا داور است. خدا دادگاهش عمل می‌کند، هم به صورت سنتی و هم به صورت داوری خاص؛ خب این از اولش بعد در آیات دیگر آنچنان مسئله‌ی سواد و تحصیل و پیشرفت و توسعه را به رخ انسان‌ها می‌کشد؛ برمی‌گردد به داستان خلقت آدم، آن روزی که خداوند خواست آدم را بیافریند و به ملائکه اطلاع داد که مخلوق جدیدی می‌سازم، ملائکه وقتی نگاه کردند به افقی که در اختیارشان بود و دیدند در این آدم جنگ است،

---

۱. علق: ۱ـ۷

۲. علق: ۴

۳. علق: ۸

خونریزی است، فساد است. تعجب کردند و گفتند: شما مخلوقی مثل ما دارید، همه‌جا را پرکرده‌ایم و عبادت می‌کنیم، تقدیس می‌کنیم، فساد نداریم؛ چرا چنین مخلوقی را می‌سازید؟ جوابی که خداوند به اینها می‌دهد، می‌گوید: به خاطر علمشان و اثبات می‌کند که آدم از شماها عالم‌تر است و ملائکه قانع می‌شوند. ببینید ابتدای خلقت، ابتدای وحی به پیغمبرﷺ صحبت از دانش و علم است. انسانی که با این روحیه باید جلو برود. جامعه‌ی اسلامی این را نشان می‌دهد. وقتی که می‌خواهد قسم بخورد گاهی به آسمان، گاهی به ماه، گاهی به دریاها و من‌جمله به قلم سوگند می‌خورد. در جزیرة العرب قلم چه ارزشی داشت که در مقابل این مقدسات عظیم خداوند به قلم قسم بخورد؟ ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾[1]؛ [قسم به قلم و] به سطرهای نوشته‌ی انسان‌ها»؛ وقتی به صراحت می‌گوید: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾[2]؛ انسان‌های عالم و جاهل را نمی‌شود در یک ردیف دید. انسانیت‌شان مثل هم است ولی فضیلت علم چیز دیگری است و از این چیزها خیلی فراوان است که پیغمبرﷺ دنبال چه جامعه‌ای بود. از لحاظ انسانی و حقوق مردم پیغمبرﷺ مواظب بود که هیچ حقی از هیچ انسانی در قلمرو حکومتش و بین خود افراد و فامیل ضایع نشود. این‌قدر مطلب داریم در اینجا که خودش چند کتاب است و الحمدلله فراوان است و شما می‌توانید بخوانید. و آخرین حرکتی که خود پیغمبرﷺ در روزهای آخر عمرشان کردند برای ما مَثَل خیلی خوبی است؛ شاید چند ساعت از عمر پیغمبرﷺ مانده بود که به کمک دیگران به زحمت از حجره به مسجد آمدند و ایستادند یا نشستند روی پله‌ی منبر و به مردم فرمودند: من آمدم از شما خداحافظی بکنم و به شما می‌گویم اگر وعده‌ای به شما دادم، عمل نکردم[3] الآن بگویید. این خلف وعده‌ی من را نگذارید به آخرت بیفتد، الآن بگویید تا هستم عمل کنم. اگر به کسی ستم کردم، کسی از من طلبی دارد، مطرح کنید تا من طلب را بپردازم قیامت سخت است. من نمی‌خواهم مطالباتم به آخرت بیفتد. این شخصیت با این شیوه یک چنین بنیانی گذاشت که ما امروز یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون انسان را عاشق این دین می‌بینیم و هر روز هم رو به توسعه است.

از لحاظ وحدت این شرایط را درست کرد ـ این را برای خطبه‌ی بعدی‌ام می‌گویم؛ دیگر آنجا نمی‌خواهم به این بحث برگردم ـ در دو آیه، در دو سوره، قرآن بر مسأله‌ی وحدت در زمان پیغمبر خیلی تکیه کرده است و منّت می‌گذارد بر مسلمان‌ها که خدا به شما این توفیق را داده است. در سوره‌ی آل عمران: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

۱. قلم: ۱
۲. زمر: ۹
۳. بیان این جملات با گریه‌ی سخنران همراه بود.

عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً﴾[1]؛ به ریسمان الهی ـ که همین دین و قرآن است ـ متوسل شوید، بر محور او متحد باشید و متفرق نشوید؛ یادتان باشد که چقدر با هم متفرق بودید، می‌جنگیدید؛ همدیگر را نفی می‌کردید، طرد می‌کردید، می‌کشتید، اسیر می‌گرفتید. این خدا بود که ﴿أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ﴾[2] خداوند به نعمت خودش دل‌های شما را به هم نزدیک کرد. اگر این نعمت را مراعات نکنید، شما لب پرتگاه جهنم بودید، لب یک گودال آتش بودید که خداوند شما را نجات داد. مبادا این را کفران کنید. در سوره‌ی انفال که باز فضای جنگی حاکم است می‌فرماید از نعمت‌های خدا این است که ﴿وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ﴾[3] خداوند بین مسلمان‌ها الفت ایجاد کرد. بعد به پیغمبر می‌گوید: ﴿لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ﴾[4] تو اگر همه‌ی سرمایه‌ی زمین را هزینه می‌کردی که مردم را متحد کنی نمی‌توانستی؛ این کار خدا بود که دل اینها را با معیارهای دینی، با همین عقد اخوت، با همان راه‌هایی که برایتان گفت و توضیح داد شما را متحد کرد. پیغمبر(ص) جامعه‌ی متحدی ساخت، در سایه‌ی اتحاد آن پیروزی‌های عظیم را کشف کرد ولی پیغمبر(ص) روزهای آخر عمرشان احساس کردند که دارد این سرمایه‌ها از دست می‌رود، احساس کردند که امتشان دارند دچار تفرقه می‌شوند و دارند به هم به صورت رقیب و دشمن نگاه می‌کنند. حتماً می‌دانید بعد از این‌که حادثه‌ی غدیر بود و وصی خودشان را معرفی کردند، نزدیک محرم به مدینه رسیدند. این دو ماه محرم و صفر علائم اختلاف با حضور پیغمبر در امت اسلامی پیدا شد؛ پیغمبر می‌دید هر جا الفت ایجاد می‌کند از جای دیگری هواها و هوس‌ها و رقابت‌های نادرست باعث می‌شود که این امت در مقابل هم قرار بگیرند. آن‌قدر پیغمبر ناراحت بودند که نزدیکی آخر عمرشان یک بار رفتند بقیع به اسم اینکه برای مردگان بقیع مغفرت از خدا بخواهند. آنجا که رفتند اول سلام کردند، مغفرت خواستند و خطاب کردند به اصحابی که در آنجا خوابیده بودند فرمودند: گوارا باشد بر شما که آرامش دارید[5] شما نیستید که این «ابرهای فتنه» را ببینید. این تیرگی‌هایی که بر برادرانتان و خواهرانتان دارد چیره می‌شود و اینها را از هم جدا می‌کند، نیستید که ببینید. اشک از چشمانشان جاری شد و بعد به بازوی علی ابن ابیطالب(ع) که همراهشان بود ـ طبق یک روایت ـ تکیه دادند و بر گشتند؛ در راه گفتند که من احساس می‌کنم عمرم تمام شده و نگران این امت هستم.

---

۱. آل‌عمران: ۱۰۳
۲. همان
۳. انفال: ۶۳
۴. همان
۵. بیان این جملات با گریه‌ی سخنران همراه بود.

ببینید این الگوی همه‌ی بشریت است و این عملش بهترین نمونه‌ی امت‌سازی و حکومت‌سازی و اداره‌ی ملت است که توانست از یک شهر کوچک دور افتاده‌ی یثرب این قدرت را بسازد که در ظرف مدت کوتاهی همین پیغمبر وقتی که در جنگ احزاب گرفتار بود و همه‌ی احزاب علیه او بودند و وارد جنگ شده بودند و خندق می‌کند با مشورت سلمان وقتی که خودشان با تبر به سنگ‌ها می‌زدند که خندق بسازند و برقی جهید، فرمود: من در این برق کاخ کسری را دیدم، کاخ روم را دیدم، کجا را دیدم. پیغمبر با آن استحکام صحبت می‌کرد ولی وقتی که بوی تفرقه را دید و دید که اینها به جان هم افتاده‌اند، آن موقع آمد به مرده‌ها بشارت داد که آنها وضع‌شان خوب است و گفت برای شما گوارا باشد. وضع ما دارد بد می‌شود؛ می‌دانید چه اتفاقاتی افتاد و چه شد که من حالا دیگر وارد نمی‌شوم. این پیغمبرﷺ، با این عظمت در مدت کمتر از ۱۰ سال این بنیان عظیم را ساخت و ما براساس این بنیان انقلاب‌مان را شروع کردیم ـ که این را در خطبه‌ی بعد عرض می‌کنم ـ خب ما متناسب با روز همان کاری که پیغمبرﷺ می‌کردند و توجهی که داشتند، همان را یک جوری در اصول‌مان و قانون اساسی‌مان و راهی که انتخاب کرده بودیم، آوردیم. من امروز در خطبه‌ی دوم خواهم گفت که ما وظیفه داریم که این سرمایه‌ی عظیمی که در کنار این درخت تنومند، خون صدها هزار انسان بزرگوار ریخته، آبیاری کرده و صدها هزار جانباز دارند رنج می‌برند و ده‌ها هزار انسان عمرشان را در زندان‌ها در عراق و ایران گذراندند برای این‌که این درخت آبیاری بشود، این یک سرمایه‌ی ارزان و آسانی نبوده که دست ما رسیده و ما حقیقتاً باید فکر بکنیم برای این مسأله که آنهایی که به عقل من برسد، با تجربه‌ای که دارم، عرض می‌کنم.

﴿اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾*[1]

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله ربّ العالمین. و الصلواة والسلام علی رسول الله و علی عليّ امیرالمؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة و سبطي الرحمة الحسن و الحسین و علي بن الحسین و محمدبن علي و جعفربن محمد و موسی بن جعفر و علي بن موسی و محمدبن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي و الخلف الهادي المهدي صلوات الله علیهم اجمعین. اوصیکم عباد الله بتقوی الله و اتباع امره

در مناسبت‌های هفته مهم‌ترینش شهادت حضرت موسی بن جعفرؑ امام هفتم ماست که جزو مظلوم‌ترین و رنج‌دیده‌ترین ائمه‌ی ما هستند. بزرگواری که در سن ۲۰ سالگی به

۱. عصر: ۱ـ۳

امامت رسیدند و در تمام عمرشان دچار ستم‌های خاندان بنی‌عباس بودند. همیشه در فشار، تحت سانسور و تحت نظر یا در تبعید یا در زندان که آخر کار هم با آن وضع در زندان به شهادت رسیدند به‌طوری که لقب «کاظم» و «صابر» در میان شیعیان به ایشان اختصاص یافت.

کاظم یعنی کسی که غم و اندوه خودش را می‌خورد، کظم غیض می‌کند و صابر کسی است که دائماً مصیبت می‌بیند ولی صبر و استقامت می‌کند و اینها از القاب مشخص امام هفتم است. چند خلیفه به ایشان ستم کردند اما بالاخره هارون الرشید ایشان را تبعید کردند به بصره و بعد به بغداد و سال‌ها در متموره‌های ـ یعنی زیر زمین‌های ـ تاریک، نمور و گرم در بغداد ایشان را در اسارت گرفتند، آن هم با غل و زنجیر؛ تنهایی به پایشان زنجیر می‌بستند ولی حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام اظهار خوشحالی می‌کردند و می‌گفتند که همه‌ی عمرم از خدا خواسته بودم که فراغت عبادت به من بدهد و این دعای ما مستجاب شد و امروز می‌توانیم همه‌ی وقت‌مان را صرف عبادت کنیم و بالاخره در همین شرایط این بزرگوار به شهادت رسید که خداوند ان‌شاءالله به همه‌ی ظالمین و جنایاتی که می‌کنند در دنیا و آخرت عقابش را نازل کند و به همه‌ی مظلومین، آنهایی که در راه حق به ظلم مبتلا می‌شوند خداوند صبر و اجر عنایت کند. ما تسلیت عرض می‌کنیم به همه‌ی انسان‌های شیفته‌ی حق و به شما عزیزان پیروان این بزرگواران معصوم و مظلوم.

مسأله‌ی دیگر ما هم به‌طور مختصر مسأله‌ی کشتار چین است که روزهای تلخی بر مسلمانان چین می‌گذرد. من در اینجا به دولت چین عرض می‌کنم، از دولت چین انتظار می‌رود که بتواند در مقابل مظالمی که بر این مردم وارد می‌شود، سعی بکند و حفظ بکند.

[شعار مرگ بر چین جمعی از نمازگزاران]

خواهش می‌کنم بگذارید. من خواهش کردم. آقایان من خواهش کردم به عنوان خطیب شما، به عنوان خطیب جمعه خواهش کردم که شما شعار ندهید. من در این خطبه‌ها به‌خاطر شرایطی که شما می‌دانید در اینجا و اطراف خیابان‌ها و کل این منطقه هست، خواهش می‌کنم شعار ندهید. بگذارید. (اعلام حمایت جمعی از نمازگزاران) متشکر.

من دارم مسأله‌ی چین را می‌گویم. ما از دولت چین که آن را یک دولت عاقلی می‌دانیم که در جهت توسعه‌ی کشورش دارد کار می‌کند، ما نصیحت می‌کنیم، برادرانه نصیحت می‌کنیم. این به نفع آنها نیست. اینها می‌دانند یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون مسلمان در دنیا هست؛ نزدیک به ۶۰ کشور مستقل است که در همه‌ی دنیا مسلمان‌ها الآن هویت و شخصیت دارند؛ همه‌ی اینها دلشان با مسلمانانی که امروز در چین مورد ستم قرار می‌گیرند، مرتبط است. چین ملاحظه بکند؛ منافع خودش را، ارتباط خودش را با دنیای اسلام، با دل‌های مسلمان‌ها در نظر بگیرد و ان‌شاءالله ما از این به بعد شاهد چنین ظلمی در چین و جاهای دیگر نسبت به مسلمانان نباشیم.

مسائل عراق و فلسطین و افغانستان و پاکستان هم متأسفانه مثل هفته‌ها و ماه‌های گذشته است که آنجا خون‌ریزی و فساد و درگیری است که ان‌شاءالله روزی اصلاح بشود.

اما مساله‌ی خود ما و بحث‌هایی که درباره‌ی خودمان می‌خواهیم بکنیم که گفتم این قسمت دوم و سوم حرف‌های من است. خب الحمدلله در انتخاباتی که انجام شد و تمام شد ما خیلی خوب شروع کردیم؛ رقابت خوبی شکل گرفت. مقدمات خوب انجام شد. یک رقابتی بود که چهار نفری که از نظر شورای نگهبان صالح تشخیص داده شده بودند و آمدند رقابت کردند، رقابت را هم خوب انجام می‌دادند و مردم امیدوار شدند و آزادی کامل در انتخابات و حضور بی‌سابقه‌ای واقعاً از خودشان نشان دادند. در این شرایط که همه چیز آماده‌ی یک افتخار بزرگ برای کشور ما بود که این افتخار را ما باید به مردم بدهیم یعنی این حق مردم است؛ مردم بودند که خوب آمدند و رکورد حضور پای صندوق‌ها را مردم شکستند و باید همه‌مان از این مردم متشکر باشیم که در این زمانی که هیچ کشوری به این اندازه نصاب حضور مردم را ندارد، آزادانه آمدند و در انتخابات شرکت کردند؛ این بسیار ارزشمند بود. ای کاش همان شرایط تا امروز ادامه می‌یافت و امروز ما سربلندترین شرایط را ـ نتیجه‌ی انتخابات هم هرچه می‌خواست، باشد ـ در دنیا می‌توانستیم داشته باشیم ولی آن‌طوری که می‌خواستیم نشد که حالا من عرض می‌کنم.

اساس مساله این است که من گفتم ما چه می‌خواهیم؟ گفتم که قسمت دوم این است که بگوییم انقلاب چه می‌خواهد؟ شما این حرف‌هایی که از من می‌شنوید از کسی دارید می‌شنوید که از پیش و لحظه‌ی شروع مبارزات که امام راحل‌مان آغاز کردند، لحظه لحظه همراه انقلاب بوده [است]. صحبت از ۶۰ سال پیش تا امروز است. ما می‌دانیم که امام چه می‌خواستند. ما می‌دانیم که اساس تفکر امام چه بود. امام حتی در مبارزات‌شان وقتی که پیشنهادی می‌آمد که مثلاً از اسلحه استفاده بشود، از ترور استفاده شود، با فلان حزب همکاری کنیم، امام می‌فرمودند: آنچه که من می‌خواهم مردم‌اند. شما هرچه می‌توانید کار کنید دل مردم را با مبارزات آشنا کنید. به ما طلبه‌ها می‌فرمودند: شماها رسالت‌تان این است که بروید منبر، بروید مسجدها، بروید حسینیه‌ها، روستاها؛ توضیح بدهید که ما چه می‌خواهیم. مردم اگر همراه ما باشند ما همه چیز داریم. مخالفتی نمی‌کردند که گروه‌ها و احزاب هم مبارزه کنند ولی آنی که انقلاب اسلامی بود همان راه پیغمبر بود که اول مردم را با میل خودشان و اختیار خودشان و اعتقاد خودشان پای کار بیاورند. این هنر بزرگ امام بود که موفق هم شدند. کمتر از ۲۰ سال طول کشید که مردم آنچنان آگاه شدند خب هزینه‌ای هم پرداختیم؛ شهید دادیم، زندانی دادیم، تبعید امام را داشتیم و خیلی چیزها داشتیم ولی سودمان خیلی بیشتر بود. مردم آنچنان آگاه شدند که آنهایی که سنشان اقتضا می‌کند، می‌دانند که یکی دو سال آخر مردم چطور به

خیابان‌ها آمدند و همین خیابان‌های پر از نیروهای حامی، معتقد و همراه امام کمر دولت بسیار مغرور و متکبر رژیم پهلوی را که آن موقع از ارتجاع و شرق و غرب کمک می‌گرفت و بخاطر گران شدن نفت هم انبار پولش پر بود و هر کاری که می‌خواست، می‌توانست بکند ولی این مردم آمدند و آنچنان ابهت مردم آنها را گرفت که ول کردند و رفتند و این‌طور پیروز شدیم. بعد از انقلاب هم ما با امام تقریباً روزانه کار می‌کردیم. امام مبنای فقهی‌شان و همه چیزشان این بود که حکومت اسلامی بدون حضور مردم نمی‌شود. اگر مردم راضی نباشند این حکومت انجام نمی‌شود. یک روایتی من از زمان امام شنیدم. آن موقع نپرسیدم که سندش کجاست. بعداً خودم رفتم، سندش را پیداکردم. روایت جالبی است که مبنای استدلال امام بود؛ البته خیلی بیش از اینهاست ایشان هم منابع قرآنی، هم فقهی فراوان دارند. این روایت هم خیلی صریح است روی نقشی که امام به مردم می دادند؛ من آن روایت را یادداشت کردم و از کتاب کشف المحجة سید ابن طاووس که یکی از علمای بسیار باارزش قرن هفتم ماست که شخصیت بسیار عظیمی است؛ خواهش می‌کنم این روایت را گوش بدهید. این مبنای تفکر، نه این‌که فقط این؛ بلکه این صریح‌ترین روایت است که خود علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌فرماید: یک روز پیغمبر در همان روزهایی که عرض کردم پیغمبر مهموم و نگران آینده بود، در سال آخر عمرش آن را به علی بن ابیطالب علیه‌السلام گفته [است]. «*یا ابن أبي‌طالب لك ولاء أمتي*»[1] این بعد از غدیر است یعنی تو ولی این امت هستی و ولایت مال توست؛ چیزی که خدا به تو داده است. بعد می‌فرماید: «*فإن ولّوك في عافيةٍ وأجمعوا عليك بالرضا فقم بأمرهم*». اگر دیدی این مردم راضی بودند و آمدند تو را قبول کردند و به شما این سمت را با اجماع دادند ـ البته اجماع نسبی است، هیچ وقت اجماع تام نمی‌شود ولی به اندازه‌ی کافی، لااقل اکثریت آنها جمع شدند دور شما ـ اگر آمدند، شما بپذیر و متولی امر شو و کارشان را اصلاح کن و ادامه بده. در قسمت بعد می‌گوید: «و إن اختلفوا عليك» اگر دیدی اختلاف کردند و نیامدند ـ آن مقداری که باید با تو بیایند ـ «*و إن اختلفوا عليك فدعهم*» ولشان کن «و ما هم فيه» بگذار هر کاری که می‌خواهند بکنند، بکنند؛ خودشان می‌دانند. «*فدعهم و ما هم فيه فإن الله سيجعل لك مخرجاً*» خداوند برای تو راهی پیدا می‌کند که به اهدافت برسی. این روایت از روایات معتبر است. ناقل آن (سید بن طاووس) هم سند معتبری را ارائه می‌کند. نه اینکه ما فقط این روایت را داریم بلکه خیلی داریم. کتاب داریم؛ کتاب‌ها داریم و من فقط یک روایت صریحی را خواندم. مبنا این بوده، مبنای حکومت پیغمبر این بوده است. ما هم در جمهوری اسلامی بنا شد این کار را بکنیم. بنا شد با این مردم باشیم؛ این مردم هم خیلی خوب آمدند و بر اساس همین تفکر امام روزی که

---

۱. *کشف المحجة لثمرة المهجة*، پیشین، صص ۲۴۸ـ ۲۴۹

مهندس بازرگان را به عنوان رئیس دولت موقت معرفی کردند ما هنوز دولت را تحویل نگرفته بودیم؛ هنوز بختیار اینجا بود و او دولت داشت؛ امام آن‌قدر عجله داشتند که کارها را به مردم بدهیم؛ در حکمی که به مهندس بازرگان دادند و من آن را خواندم، شما ببینید همان روز ایشان می‌گوید اولویت شما این است که اولاً دوره‌ی شورای انقلاب را کوتاه کنی و زودتر مجلس را تشکیل دهی، قانون اساسی را بنویسی که از آن به بعد مردم با قانون اساسی جدید اسلامی زندگی کنند. وقتی که قانون اساسی را تهیه می‌کردیم قبل از این‌که به مجلس خبرگان بدهیم امام روی آن نظر دادند و آن اصولی که مربوط به مردم می‌شد را ایشان تقویت کردند. شوراها را دیگران مطرح کرده بودند اما امام آنها را تقویت کردند و کار را به مردم دادند. بعداً ما وقتی کشورهای دیگر را می‌دیدیم، آنها می‌گفتند ما تعجب می‌کنیم؛ الجزایر می‌گفت ما ۲۰ سال بعد از انقلاب‌مان قانون اساسی را نوشتیم؛ شما چطور به این زودی و نسنجیده می‌روید این کارها را انجام می‌دهید؟ ما گفتیم چون با قدرت مردم پیروز شدیم و می دانیم این مردم از انقلاب‌شان، از دین‌شان حمایت می‌کنند، نگرانی نداریم و درست هم بود. شماها می‌دانید که از لحاظ قانون اساسی همه چیز کشور ما به رأی مردم است. همه؛ از رهبری بگیرید که باید مردم خبرگان را انتخاب کنند، خبرگان هم رهبری را؛ یعنی مخلوق رأی مردم است. رییس جمهور را مردم باید مستقیم انتخاب کنند، مجلس را باید مردم مستقیم انتخاب کنند؛ شوراها را مردم باید مستقیم انتخاب بکنند و افرادی که بعد از اینها سمت می‌گیرند به اتکای رأی مردم است. یعنی این مردم هستند؛ این حکومت دینی است. این جمهوری اسلامی یک لفظ تشریفاتی نیست. هم «جمهوری» است، هم «اسلامی» است. (تکبیر نمازگزاران) قرار شد شعار ندهید که من زودتر تمام بکنم؛ خیلی متشکر.

جمهوری اسلامی یک لفظ نیست، بلکه یک واقعیتی است که از عقاید ما، از قرآن ما، از روایات ما، از ائمه‌ی ما و از پیغمبر ما به ما رسیده و ما به آن اعتقاد داریم. باید این دو تا با هم باشد. مطمئن باشید که اگر یکی از این دو تا آسیب ببیند ما دیگر آن انقلاب را نداریم؛ اگر «اسلامی» نباشد، اصلا داریم به بیابان و بی‌راهه می‌رویم و اگر «جمهوری» نباشد اصلاً قابل تحقق نیست. آنجایی که مردم نباشند، رأی مردم نباشد، آن حکومت اسلامی نیست و به همان دلیل که عرض کردم؛ به همان دلیل که علی بن ابیطالب(ع) ۱۹ سال خانه‌نشین بود و وقتی که دوباره مردم آمدند و به قول علی بن ابیطالب(ع) مثل یال اسب، موهای یال اسب در خانه‌اش تراکم جمعیت بود، آن موقع علی بن ابیطالب(ع) با آن مشکلاتش پذیرفت. راه ما این بوده و ما باید به اینجا برسیم و روز به روز هم باید آن را تقویت کنیم.

این انتخاباتی که ما انجام دادیم اگر مشکلاتی در آن پیش نمی‌آمد ما در ۳۰ سالگی‌مان بهترین گام بزرگ‌مان را در جهت تحقق اسلامی بر می‌داشتیم. من الآن نمی‌خواهم بگویم

برنداشتیم؛ می‌خواهم بگویم چرا این‌طور شد. آنچه که من می‌فهمم و راه حل از درونش می‌خواهم در بیاورم این است که اواخر دوران تبلیغات ما دچار تردید شدیم؛ یعنی افرادی پیدا شدند، تردید کردند؛ بذر تردید حالا به هر دلیل، یا تبلیغات نادرست یا عمل نادرست صدا و سیما و یا چیزهای دیگر باعث شد بذر تردید در ذهن مردم پیش بیاید. (تکبیر جمعی از نمازگزاران) ما تردید را بدترین مصیبت می‌دانیم. (همهمه‌ی جمعی از نمازگزاران) آقا! اجازه بدهید؛ من که بهتر از شما دارم می‌گویم. شما با شعار تائیدتان کافی است؛ ول کنید.

این تردید مثل خوره افتاد به جان ملت ما؛ البته خب دو جریان هستند. یک عده که تردید ندارند، قاطع‌اند، ایستاده‌اند، کار خودشان را می‌کنند؛ یک عده هم هستند که آنها هم کم نیستند، بخش زیادی از مردم فهیم کشور ما و عالم کشور ما هستند، می‌گویند ما تردید داریم و برای رفع تردید اینها باید کار بکنیم. امروز، الآن تلخ است. یعنی شرایطی که بعد از اعلام انتخابات و نتیجه پیش آمد، دوران تلخی است. من فکر نمی‌کنم هیچ‌کس از همه‌ی جریانات، همه؛ دلش نمی‌خواست این‌طوری بشود. الآن همه ضرر کردیم، همه ضرر کردیم؛ چرا این‌طور باید بشود؟ ما امروز بیشتر از همیشه نیاز به وحدت داریم. کشورمان باید متحد در مقابل این همه خطری که ما را تهدید می‌کند و امروز باج‌خواهی‌شان بیشتر شده و دارند جلو می‌آیند که این زحمت طولانی ما را در به دست آوردن هایتک‌ها و به‌خصوص هسته‌ای، اینها را از دست ما بگیرند؛ البته خداوند به اینها مهلت نمی‌دهد ولی آنها به هوس افتاده‌اند. من فکر می‌کنم برادران من! خواهران من! همه‌ی جریان‌ها! بنده را شما اولاً می‌شناسید، من هیچ‌وقت از این تریبون نخواسته‌ام جناحی استفاده کنم و همیشه فراجناحی حرف می‌زنم. الآن هم همین‌جور می‌گویم. من الآن نظر به هیچ طرف ندارم. نظرم این است که همه‌ی ماها باید فکر کنیم، راهی پیدا کنیم که متحد، هم کشورمان را به پیش ببریم و هم از این آثار بدِ خطرناکی که در کینه‌هایی که دارد بروز می‌کند، از این نجات پیدا کنیم، هم دشمنان‌مان را مأیوس کنیم که چشم طمع به ما نبندند. چه کار باید بکنیم تا این اتفاق بیافتد؟ من چند تا پیشنهاد به ذهنم می‌رسد. البته این پیشنهاد را با جمعی از خبرگان و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام که به فکرشان اعتماد دارم مطرح کردم و به اینجا رسیدیم؛ من اینها را به عنوان راه حل عرض می‌کنم. شاید دیگران هم بپذیرند و عمل کنند و انشاءالله که با اخلاص. مساله مهم ما این است که آن اعتمادی که مردم را با آن وسعت وارد میدان کرد و امروز یک مقدار مخدوش شده، ما این اعتماد را برگردانیم. این هدف مقدس ما باید باشد؛ این اعتماد باید برگردد. این‌که چگونه برگردانیم را حالا عرض می‌کنم. این چیزها یادداشت است.

یک: ما باید همه‌مان، چه نظام، حکومت، دولت، مجلس، نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی و مردم، یعنی به اصطلاح معترضان، همه باید در چارچوب قانون حرکت کنیم. ما اگر از قانون

تجاوز بکنیم، دیگر هیچ مرزی ندارد. (شعار تأیید برخی از نمازگزاران) باید با قانون مسائل‌مان را مطرح کنیم، با قانون حل کنیم و همه قانع باشیم. قانون هم هرچه شد. با این قانون؛ حالا اگر کسانی از بعضی قوانین دل خوشی ندارند، باید بعداً سعی کنند این قوانین اصلاح شود و هر وقت که لازم است این اشکالاتی که حالا دیده شده یک روزی حل می‌شود؛ ولی بیاییم چارچوب را قانون قرار دهیم و همه قانون را بپذیرند. این یک.

دوم: این است که به‌گونه‌ای عمل کنیم که آن اعتماد را [بازسازی کنیم]؛ البته یک روز و یک شب نمی‌شود. این یک جریان نسبتاً طولانی است. باید انجام بدهیم؛ بالاخره باید یک فضایی به وجود بیاوریم که همه‌ی اطراف بتوانند بیایند آنجا حرفشان را بزنند و هر طرف منطقی، بدون دعوا، بدون مشاجره، منطق حاکم باشد. البته عمده‌ی این کار مال صدا و سیماست که باید انجام بدهد که مستمعین زیادتری دارد و سایر رسانه‌ها هم باید این کار را بکنند؛ بحث‌ها هم باید منطقی باشد. برادرانه، خواهرانه، بنشینند با هم حرف بزنند، این دلیلش را بگوید و آن هم دلیلش را بگوید؛ بالاخره مردم در این بین خودشان می‌فهمند؛ آخرش هم می‌شود از مردم پرسید. یک‌طوری باشد که ما این اعتماد را برگردانیم.

متأسفانه از این فرصتی که رهبری انقلاب به شورای نگهبان دادند ـ پنج روز وقت اضافه دادند و گفتند که بروید عقلا و موجهین را بیاورید، بررسی کنند و اعتماد مردم را جلب بکنیم ـ استفاده‌ی خوبی نشد. من هم الآن نمی‌خواهم بگویم تقصیر کی بود که نشد (تکبیر جمعی از نمازگزاران) ولی به هر حال نشد دیگر؛ آن گذشت. از آن مرحله گذشته‌ایم، الآن مرحله‌ی دیگری است. من فکر می‌کنم برای آینده، برای اتحاد ما، برای جلوگیری از خطر [متوجه] نظام و برای حفظ این ارزش‌هایی که انقلاب خلق کرد، برای این بنای باشکوهی که امام راحل و خون شهدا و مجاهدات مردمی که در این راه تلاش کردند و رزمندگان ما برای ما مانده، برای نسل سوم و چهارم و نسل‌های بعد بماند، در این مقطع ما می‌توانیم این حرکات را بکنیم. خب اگر این دو کار را بپذیریم که قانونی باشد و راه برای مناظره و مذاکره و مباحثه و استدلال باز باشد، شاید در مدت کوتاهی به قناعت برسیم.

در این فاصله باید یک کارهای دیگری بکنیم. لازم نیست در این شرایط ما افرادی را به این نامی که الآن هست در زندان داشته باشیم. اجازه بدهیم اینها بیایند به خانواده‌هایشان برسند. (تکبیر جمعی از نمازگزاران) نگذاریم که[1] به‌خاطر زندانی بودن یک عده، دشمنان ما را سرزنش کنند، شماتت کنند، به ما بخندند، برای ما نقشه بکشند؛ ما این‌قدر خودمان باید رشادت، حلم و صبر داشته باشیم که همدیگر را تحمل کنیم.

مسأله‌ی بعدی ما این است که با آسیب‌دیدگان این حوادثی که اتفاق افتاد باید هم‌دردی و

---

۱. بیان این جملات با گریه‌ی کوتاه سخنران همراه بود.

دل‌جویی بشود؛ آنهایی که عزا دارند هم به آنها تسلیت بدهیم و هم دل آنها را دوباره با نظام نزدیک کنیم و این کار شدنی است. کسانی‌که وفادار به انقلاب باشند و ببینند که نظام به سراغ‌شان می‌رود، آنها زود می‌توانند با دل و جان‌شان با ما همراهی کنند؛ این کار را باید انجام دهیم؛ دل‌جویی از اینها بکنیم و با سعه‌ی صدر، اینجا دیگر لازم نیست که ما عجله داشته باشیم، لازم نیست ما در اینجا خودمان را گرفتار کنیم. بگذاریم رسانه‌هامان بالاخره این رسانه‌ها اگر با معیارهای قانونی اجازه گرفته‌اند، محدودشان نکنیم، در حد قانون، من عرض کردم ملاک قانون است؛ چارچوب قانون است. نه رسانه‌ها انتظار داشته باشند بیشتر از اجازه‌ی قانونی عمل کنند، نه نظام از آنها توقع بکند که حق قانونی‌شان را ندیده بگیرند. همه با هم بگذاریم یک فضای آرامِ آزادِ انتقادی یا تائیدی ـ هر دویش ـ به وجود بیاید. من فکر می‌کنم اگر این فضا را مسئولان ما، نیروهای انتظامی و نظامی ما، نیروهای امنیتی ما انجام بدهند، ما همه عضو یک خانواده هستیم؛ همه آسیب‌دیده‌ی در راه انقلاب هستیم. همه جزو کسانی هستیم که در این جهاد طولانی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری کردیم، همه‌مان شهید در گل‌زارهای شهدا داریم، همه‌مان جانباز در منزل خودمان داریم. چرا باید یک‌جوری باشد که دیگران از راه‌های دور بیایند و برای ما نسخه بپیچند؟ ما خودمان هستیم. ما اینقدر عاقل نیستیم؟ ما این مبانی را نداریم؟ ما تجربه‌ی سی سال اداره‌ی کشور را نداریم؟ ما علما را نداریم؟

مراجع ما که همیشه پشتیبان و حقیقتاً بدون توقع در حوزه‌های علمیه در خدمت بوده‌اند، چرا باید بعضی‌شان برنجند؟ باید آنها را کنار خودمان حفظ کنیم. باید آنها را پشتیبان‌مان [داشته] باشیم. باید همه‌مان به آنها متکی باشیم. این یکپارچگی را اگر ان‌شاءالله بتوانیم فراهم کنیم، من امیدوارم این خطبه‌ی نمازجمعه شروع یک تحولی در آینده باشد و بتوانیم از این مشکلی که متأسفانه می‌شود اسم بحران رویش گذاشت، به خوبی عبور کنیم و دوباره شاهد هم‌دلی و هم‌رزمی و همراهی و رقابت سالم [باشیم]؛ هر کسی را که مردم خواستند آن‌طور باشد.

(شعار "هاشمی هاشمی خدا نگهدار تو" نمازگزاران) خداوند شما را نگه دارد. (شعار "هاشمی هاشمی خدا نگهدار تو" نمازگزاران) خداوند نگهدار شما باشد. (شعار "خونی که در رگ ماست هدیه به رهبر ماست" نمازگزاران) خداوند به شما توفیق بدهد که محفوظ باشید و همیشه با همین روحیه در صحنه باشید؛ خیلی از شما ممنونیم.

﴿اعوذ بالله من الشیطان الرجیم* بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾[1] والسلام علیکم و رحمة الله

۱. کوثر: ۱ـ۳

روزشمار دیدارها و مواضع

عنوان	تاریخ
فروردین	
پیام تسلیت به مناسبت درگذشت همسر امام خمینی رحمه‌الله	۱/۱
خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران	۱/۷
دیدار دبیران کمیسیون‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱/۱۸
دیدار رییس و اعضای شرکت تعاونی و سندیکای صنایع کنسرو ایران	۱/۱۹
دیدار اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی	۱/۲۲
دیدار اعضای کمیسیون مطالعات اسلامی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱/۲۳
دیدار جمعی از ائمه‌ی جماعات شرق تهران	۱/۲۳
دیدار رییس و اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی	۱/۲۳
دیدار نخست وزیر سابق ترکیه	۱/۲۴
دیدار تشکل‌های دانشجویی و مسئولان منطقه‌ی شش دانشگاه آزاد استان خوزستان	۱/۲۴
دیدار جمعی از دانش آموزان، مسئولان و معلمان مدرسه‌ی ابتدایی امام رضا علیه‌السلام قم	۱/۲۵
دیدار دبیرکل اتحادیه‌ی میهنی کردستان	۱/۲۵
دیدار مدیران، اساتید و مسئولان گروه‌های معارف اسلامی منطقه هشت دانشگاه آزاد و منطقه یک دانشگاه‌های دولتی	۱/۲۶
انتشار گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین زادسر	۱/۲۶
دیدار مسئولان سیاسی و بهداشتی استان نجف عراق	۱/۳۰

اردیبهشت	
دیدار اعضای شورای مرکزی اتحادیه مراکز آموزش عالی غیردولتی	۲/۱
دیدار رییس مجلس شورای ملی افغانستان	۲/۲
دیدار اعضای شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه	۲/۳
دیدار اعضای شورای مرکزی خانه‌ی احزاب	۲/۳
خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران	۲/۴
دیدار محسن رضایی و اعضای کمیسیون اقتصاد کلان مجمع تشخیص مصلحت	۲/۶
دیدار طراحان و مجریان ساخت مجموعه فرهنگی یادمان شهدای هفتم تیر و اعضای هیئت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری شهر	۲/۶
دیدار جمعی از نمایندگان تشکل‌های کارگری	۲/۸
دیدار جمعی از اعضای ائتلاف مردمی حامیان میرحسین موسوی	۲/۱۳
دیدار جمعی از اعضای انجمن ارولوژی ایران	۲/۱۴
دیدار رهبران دینی صائبان خوزستان	۲/۱۴
دیدار رییس مجلس بوسنی	۲/۱۵
سخنرانی در کنگره بین‌المللی بزرگداشت کلینی	۲/۱۷
سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه آزاد پرند	۲/۱۷
دیدار کارکنان و مسئولان بنیاد بیماری‌های خاص	۲/۱۹
دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت آبادگران جوان	۲/۲۰
بازدید از زیرگذر بزرگ توحید در تهران	۲/۲۱
سخنرانی در افتتاحیه‌ی نمایشگاه گل و گیاه تهران	۲/۲۱
سخنرانی در دومین نشست هم‌اندیشی مشترک مجمع تشخیص مصلحت و قوه‌ی قضاییه	۲/۲۳
دیدار رییس مجلس سریلانکا	۲/۲۳
دیدار اعضای کانون انجمن‌های صنفی غذایی ایران	۲/۲۶
پیام به چهارمین همایش روابط عمومی الکترونیک	۲/۲۷
دیدار اعضای دبیرخانه اولین جشنواره پدافند غیرعامل	۲/۲۷
دیدار شرکت کنندگان در دوازدهمین کنگره سالانه انجمن ارولوژی ایران	۲/۲۷
پیام تسلیت به مناسبت ارتحال آیت‌الله بهجت	۲/۲۷
دیدار سفیر آفریقای جنوبی	۲/۲۸
انتشار مصاحبه با روزنامه همشهری	۲/۳۰

خرداد	
۳/۱	خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران
۳/۳	سخنرانی در اجلاس بازمهندسی کاداستر (مدیریت زمین)
۳/۳	سخنرانی در اولین جشنواره فرهنگی- هنری پایداری ملی (پدافند غیرعامل)
۳/۵	سخنرانی در همایش تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس
۳/۶	پیام به هشتمین یادواره شهدای الهیه و جوادیه بخش نوق رفسنجان
۳/۶	در جمع مسئولین و کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی
۳/۹	محکومیت اقدام تروریستی در مسجد امیرالمومنین(ع) زاهدان و تسلیت به خانواده‌های قربانیان در ابتدای جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام
۳/۱۰	دیدار جمعی از مجمع دانش‌آموختگان استان گلستان و گروهی از فعالان شاخه‌ی جوانان خانه‌ی احزاب ایران
۳/۱۰	گفت وگو با ایلنا درباره‌ی شخصیت امام خمینی(ره)
۳/۱۰	دیدار جمعی از نخبگان مرکز اندیشه ولایت
۳/۱۱	دیدار جمعی از اعضای جمعیت تولیدگرایان ایران
۳/۱۲	دیدار سفیر هند
۳/۱۳	سخنرانی در مراسم بیستمین سالگرد ارتحال امام راحل در حرم امام خمینی(ره)
۳/۱۳	بیانیه‌ی دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به شایعات مربوط به حمایت از برخی کاندیداها و تحریف خطبه‌های نمازجمعه با موضوع عملکرد دولت مهندس موسوی
۳/۱۴	درخواست دفتر آیت‌الله هاشمی از صدا و سیما برای پاسخ‌گویی به اتهامات مطرح شده از سوی دکتر احمدی‌نژاد
۳/۱۶	اطلاعیه‌ی دفتر رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به سخنان رییس جمهور
۳/۱۷	دیدار جوانان و دانشجویان مستقل حامی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی
۳/۱۷	دیدار اعضای هیأت مدیره‌ی تعاونی مرغ‌داران
۳/۱۷	توضیح دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره‌ی یک پیامک
۳/۱۸	دیدار جمعی از علمای اهل سنت افغانستان
۳/۱۹	نامه به مقام معظم رهبری در پاسخ به سخنان رییس جمهور
۳/۱۹	دیدار مصطفی سیریچ رییس العلمای بوسنی و هرزگوین
۳/۲۰	دیدار اعضای مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات نهج‌البلاغه
۳/۲۲	سخنان کوتاه پس از اخذ رأی در جمع خبرنگاران

تیر	
۴/۷	سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای هفتم تیر
۴/۱۳	دیدار جمعی از خانواده‌های بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات
۴/۲۱	دیدار جمعی از طلاب مرکز مشاوره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان
۴/۲۳	دیدار جمعی از اعضای اتحادیه‌ی مسکن طلاب قم
۴/۲۵	پیام تسلیت به مناسبت سقوط هواپیمای مسافربری کاسپین و جان باختن تعدادی از هموطنان
۴/۲۶	ایراد آخرین خطبه‌ی هاشمی در نمازجمعه‌ی تهران در سال ۸۸
۴/۲۷	سفر به مشهد مقدس
۴/۲۷	گفت و گوی کوتاه با خبرنگاران در فرودگاه مشهد
۴/۲۸	دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره زمین‌شناسی کاربردی در مشهد
۴/۲۹	دیدار تعدادی از اساتید دانشگاه مشهد
مرداد	
۵/۴	دیدار جمعی از استادان دانشگاه علم و صنعت
۵/۵	پیام تسلیت به دکتر عبدالحسین روح الامینی نجف‌آبادی
۵/۷	پیام تسلیت به مناسبت درگذشت سیف‌الله داد سینماگر ایرانی
۵/۱۰	تکذیب اظهارات سید محمدعلی ابطحی توسط اداره کل روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت
۵/۱۱	سفر به شمال
۵/۱۷	اعلام خبر برگزاری نمازجمعه ۲۳ مرداد توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از سوی پایگاه اطلاع‌رسانی وی
۵/۱۸	حذف خبر اقامه‌ی نمازجمعه‌ی تهران از پایگاه اطلاع‌رسانی هاشمی رفسنجانی و تأکید بر وثاقت خبر
۵/۱۹	اطلاعیه‌ی دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مبنی بر عدم اقامه‌ی نمازجمعه‌ی تهران در تاریخ ۲۳ مرداد
۵/۲۰	دیدار جمعی از اعضای هیأت مدیره‌ی کانون وکلای دادگستری مرکز
۵/۲۳	سخنان کوتاه در عیادت از سید عبدالعزیز حکیم
۵/۲۳	تکذیب خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی درباره‌ی حواشی سفر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به شمال

۵/۲۶	سخنرانی در مراسم تودیع و معارفه‌ی رؤسای قوه‌ی قضاییه
۵/۲۷	دیدار اعضای هیأت مدیره خانه صنعت و معدن جوانان ایران و اعضای شورای مرکزی خانه‌های صنعت و معدن
۵/۳۱	سخنرانی در ابتدای جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام
	شهریور
۶/۴	پیام تسلیت به مناسبت درگذشت سید عبدالعزیز حکیم
۶/۴	پاسخ دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به اظهارات اسفندیار رحیم مشایی
۶/۹	دیدار سفیر جمهوری خلق چین
۶/۱۴	سخنرانی در مراسم محفل انس با قرآن و عترت
۶/۱۵	دیدار اعضای برگزارکننده‌ی همایش بزرگداشت شهید آیت‌الله قدوسی
۶/۱۶	سخنرانی در مراسم افطار با جمعی از ایتام تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی رحمه‌الله
۶/۱۷	دیدار خداحافظی سفیر عربستان سعودی
۶/۱۸	دیدار سفیر لیبی در ایران
۶/۲۱	تکذیب خبر انصراف آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از اقامه‌ی نماز جمعه در روز قدس
۶/۲۳	پیام دعوت از مردم به حضور در راهپیمایی روز جهانی قدس
۶/۲۵	مصاحبه با شبکه خبری العالم
۶/۲۷	حضور در راهپیمایی روز جهانی قدس
۶/۲۷	پیام تسلیت در پی شهادت مظلومانه ماموستا شیخ الاسلام
۶/۲۹	گفتگوی کوتاه با واحد مرکزی خبر در حاشیه‌ی نماز عید فطر
۶/۳۱	سخنرانی در مراسم افتتاحیه‌ی ششمین اجلاس رسمی از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری
۶/۳۱	دیدار هیأت رییسه و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری
	مهر
۷/۲	سخنرانی در مراسم تجدید میثاق نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با آرمان‌های امام خمینی رحمه‌الله
۷/۲	بیان سخنانی در ابتدای دیدار اعضای مجلس خبرگان با مقام معظم رهبری
۷/۵	دیدار سفیر اتریش

۷/۵	دیدار اعضای شورای مرکزی خانه‌ی احزاب ایران
۷/۷	انتخاب محمد هاشمی به عنوان رییس دفتر ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام
۷/۱۲	دیدار جمعی از ناشنوایان کشور
۷/۱۴	دیدار جمعی از اعضای فراکسیون روحانیون اصول‌گرای مجلس شورای اسلامی
۷/۱۴	دیدار نخست وزیرسابق عراق
۷/۱۴	دیدار سفیر سوییس در ایران
۷/۱۵	دیدار رییس‌العلما و نماینده عالی شیعه جامو و کشمیر در مجلس ایالت جامو و کشمیر هند و هیأت همراه
۷/۱۵	دیدار سفیر آلمان در ایران
۷/۲۰	دیدار سفیر فلسطین
۷/۲۱	دیدار با سیدعمار حکیم رییس مجلس اعلای اسلامی عراق
۷/۲۱	هشدار رییس دفتر هاشمی نسبت به خبرسازی کاذب برخی جراید و سایت‌های همسو
۷/۲۶	دیدار اعضای هیأت مدیره‌ی انبوه‌سازان مسکن کشور
۷/۲۷	پیام تسلیت به مناسبت شهادت جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران، مردم، سران طوایف و قبائل در شهرستان سرباز
۷/۲۷	دیدار برگزارکنندگان سمینار بین‌المللی پوکی استخوان
۷/۲۷	دیدار سفیر عمان
۷/۲۸	دیدار هیئت حرکت اسلامی عراق
۷/۲۹	دیدار جمعی از فضلاء و مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم
	آبان
۸/۱۱	دیدار سفیر الجزایر در ایران
۸/۱۶	دیدار جمعی از نمایندگان ادوار غرب کشور
۸/۲۵	دیدار صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی
۸/۲۶	پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله نجومی
۸/۲۶	پیام تسلیت به مناسبت درگذشت استاد محمود شاهرخی
۸/۲۷	دیدار سفیر سوئد در ایران

آذر	
۹/۱	دیدار اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی
۹/۸	پیام تسلیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مناسبت رحلت حجت الاسلام والمسلمین مهدی قاضی
۹/۸	دیدار جمعی از اعضای تیم مکاترونیک دانشگاه آزاد اسلامی
۹/۹	دیدار جمعی از اساتید دانشگاه امیرکبیر
۹/۹	دیدار مسئولان پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس
۹/۱۲	سفر به مشهد مقدس
۹/۱۲	سخنرانی درجوار بارگاه امام رضاعلیه‌السلام
۹/۱۴	سخنرانی در مراسم گشایش مرکز بین‌المللی چاپ و نشر قرآن کریم وابسته به آستان قدس رضوی
۹/۱۴	سخنرانی در مراسم افتتاح مرکز نمایشگاه‌ها و همایش‌های آستان قدس رضوی و نیز دارالشفای امام رضاعلیه‌السلام
۹/۱۴	دیدار جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد
۹/۱۵	دیدار جمعی از اعضای ائتلاف اصلاح‌طلبان و جمعی از تشکل‌های دانشگاه آزاد اسلامی مشهد
۹/۱۹	گفتگو با شبکه خبری المنار
۹/۲۲	اطلاعیه‌ی محکومیت اهانت به تمثال مبارک حضرت امام خمینی‌رحمه‌الله و رهبر معظم انقلاب
۹/۲۳	دیدار خالد مشعل (رییس دفتر سیاسی حماس)
۹/۲۳	پاسخ دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به اظهارات حجت الاسلام حمید روحانی
۹/۲۴	انتشار متن کامل سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در جمع دانشجویان مشهد
۹/۲۴	دیدار جمعی از روحانیون و وعاظ در آستانه‌ی ماه محرم
۹/۲۸	دیدار مسئولان ستاد مرکزی احیای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر
۹/۲۹	دیدار جمعی از استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مدرسین حوزه علمیه قم
۹/۲۹	پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله منتظری

دی	
۱۰/۷	سخنرانی در جمع کارکنان مجمع تشخیص مصلحت و جمعی از عزاداران حسینی
۱۰/۹	مصاحبه با شبکه خبری فرانس ۲۴
۱۰/۱۲	تشکر از مردم برای راهپیمایی ۹ دی در ابتدای جلسه مجمع تشخیص مصلحت
۱۰/۱۴	پیام به اجلاس مرکزی همایش‌های منطقه‌ای سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴
۱۰/۱۴	دیدار جمعی از دانشجویان درس «مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران» رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
۱۰/۱۵	دیدار شرکت‌کنندگان اجلاس مرکزی همایش‌های منطقه‌ای سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران
۱۰/۱۵	پیام تسلیت به مناسبت به درگذشت آیت‌الله علی صافی گلپایگانی
۱۰/۱۶	جلسه‌ی هیأت رییسه‌ی مجلس خبرگان رهبری
۱۰/۲۱	دیدار اعضای شورای مرکزی مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی
۱۰/۲۳	پیام تسلیت به مناسبت ترور استاد مسعود علی‌محمدی
۱۰/۲۸	انتشار متن مصاحبه با شبکه خبری فرانس۲۴
۱۰/۲۹	دیدار جمعی از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی و مدرسین دانشگاه‌ها
بهمن	
۱۱/۳	دیدار جمعی از اعضای شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه
۱۱/۶	دیدار جمعی از استادان علوم سیاسی دانشگاه‌های قم
۱۱/۸	دیدار جمعی از اعضای خانه‌ی کشاورز
۱۱/۱۰	بیان سخنانی در ابتدای جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۱/۲۰	دیدار دبیر کل و اعضای هیأت مدیره کانون زندانیان سیاسی مسلمان
۱۱/۲۰	دیدار هیئت مدیره‌ی مسجد همت شمیران
۱۱/۲۱	انتشار مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی
۱۱/۲۱	تکذیب نامه‌ی دوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به رهبر معظم انقلاب
۱۱/۲۱	پیام تسلیت به مناسبت درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا فاکر
۱۱/۲۱	انتشار مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی
۱۱/۲۱	دیدار دکتر رمضان عبدالله (دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین)
۱۱/۲۲	حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن

اسفند	
۱۲/۱	بیان سخنانی در ابتدای جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۲/۴	نطق افتتاحیه هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری
۱۲/۵	بیان سخنانی در آغاز سومین جلسه از هفتمین اجلاس رسمی دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان
۱۲/۵	دیدار هیأت رییسه و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری
۱۲/۶	سخنرانی در مراسم تجدید بیعت رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با امام و شهدا
۱۲/۶	بیان سخنانی در ابتدای دیدار اعضای مجلس خبرگان با مقام معظم رهبری
۱۲/۱۰	عیادت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از آیت‌الله یزدی
۱۲/۱۱	نطق افتتاحیه همایش بین‌المللی کنفرانس وحدت اسلامی
۱۲/۱۲	دیدار جمعی از ائمه‌ی جماعات مساجد تهران، شمیرانات و کرج
۱۲/۱۷	دیدار اعضای شورای مرکزی مدیران و معاونین کمیته امداد امام خمینی(ره)
۱۲/۱۸	اظهار بی‌اطلاعی روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام از تصمیم هاشمی برای بازگشت به نمازجمعه
۱۲/۱۸	دیدار اعضای شورای عمومی و ادوار انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران
۱۲/۱۹	دیدار رؤسا و اعضای شوراهای اسلامی شهرها و شهرستان‌های استان تهران
۱۲/۲۲	توصیه به جوانان معترض در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی
۱۲/۲۳	توصیه به صدا و سیما در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی
۱۲/۲۴	دیدار سفیر عراق
۱۲/۲۴	توصیه به رویش‌های انقلاب در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی
۱۲/۲۵	توصیه به طلاب جوان در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی
۱۲/۲۶	توصیه به کشورهای غربی، 5+1 و مسئولان داخلی سیاست خارجی در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی
۱۲/۲۷	توصیه به آسیب دیدگان حوادث پس از انتخابات در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی
۱۲/۲۷	توصیه به یاران و پیش‌کسوتان انقلاب و جنگ تحمیلی در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی
۱۲/۲۸	مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی درباره سالروز ۱۲ فروردین

تصاویر



احترام ارتش عراق به فرمانده جنگ ایران ـ دوازدهم اسفند ۸۷



در حاشیه سفر شش روزه به عراق ـ دوازده تا هفده اسفند ۸۷

اقامه نماز بر پیکر همسر امام خمینی(ره) - دوم فروردین ۸۸



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای

مراسم ترحیم همسر امام خمینی(ره) - سوم فروردین



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای



اقامه اولین نمازجمعه تهران در سال ۸۸- هفتم فروردین ماه

دیدار با اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی- بیست و سوم فروردین





همایش بزرگداشت شیخ کلینی ـ هفدهم اردیبهشت

دیدار با اعضای شورای مرکزی جمعیت آبادگران جوان ـ بیستم اردیبهشت





دومین نشست هم اندیشی مجمع تشخیص مصلحت و قوه قضائیه ـ بیست و سوم اردیبهشت

مراسم ترحیم آیت الله بهجت ـ سی و یکم اردیبهشت





اولین جشنواره فرهنگی- هنری پایداری ملی - سوم خرداد

همایش تجلیل از پیش کسوتان دفاع مقدس - پنجم خرداد

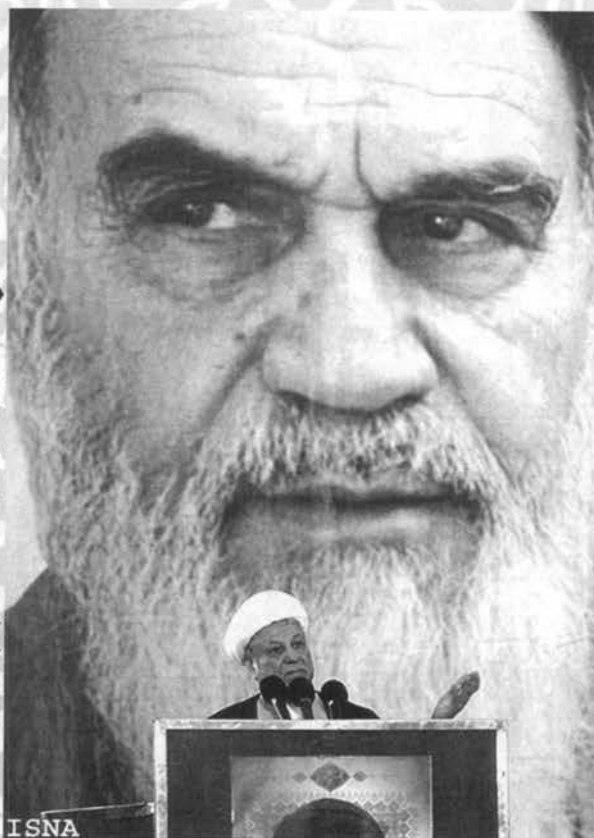




در جمع مسئولین و کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی ـ ششم خرداد

دیدار با نخبگان مرکز اندیشه ولایت ـ دهم خرداد





سخنرانی در حرم امام خمینی(ره) - سیزدهم خرداد

مناظره زنده تلویزیونی دکتر احمدی‌نژاد و مهندس موسوی - آخرین ساعات سیزدهم خرداد



Photo: Mehdi Dehghan



مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، چند ساعت پس از مناظره ـ چهارده خرداد

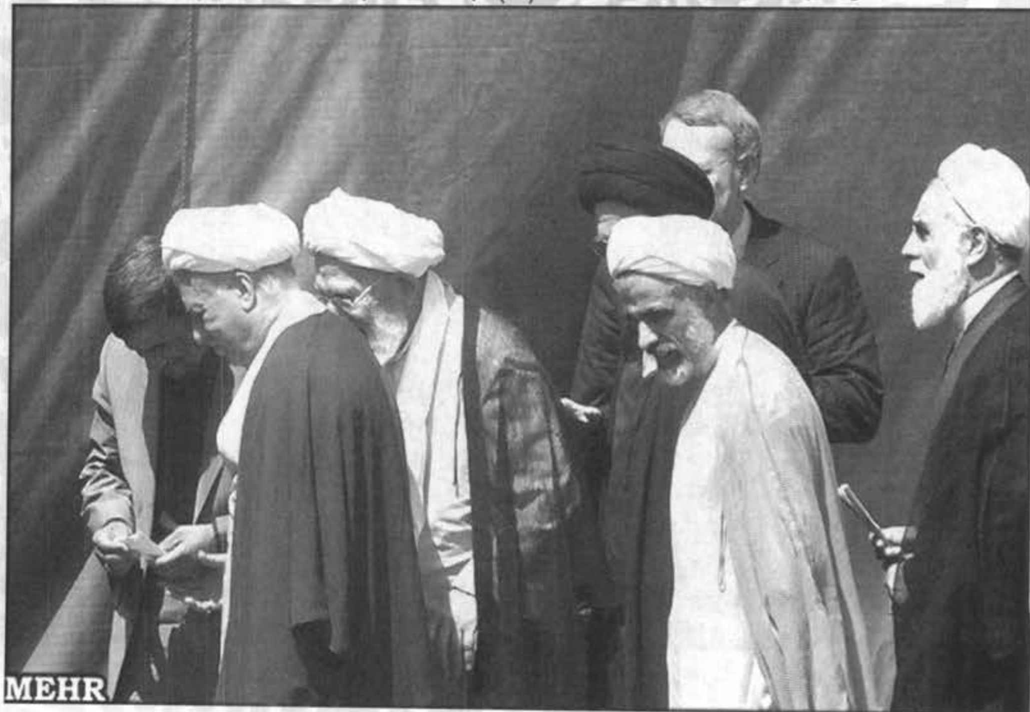


مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، چند ساعت پس از مناظره ـ چهارده خرداد



مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، چند ساعت پس از مناظره - چهارده خرداد

مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، چند ساعت پس از مناظره - چهارده خرداد











در حال نگارش نامه به مقام معظم رهبری ـ نوزدهم خرداد



در حال انداختن رأی به صندوق - بیست و دوم خرداد

سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای هفتم تیر - هفتم تیر

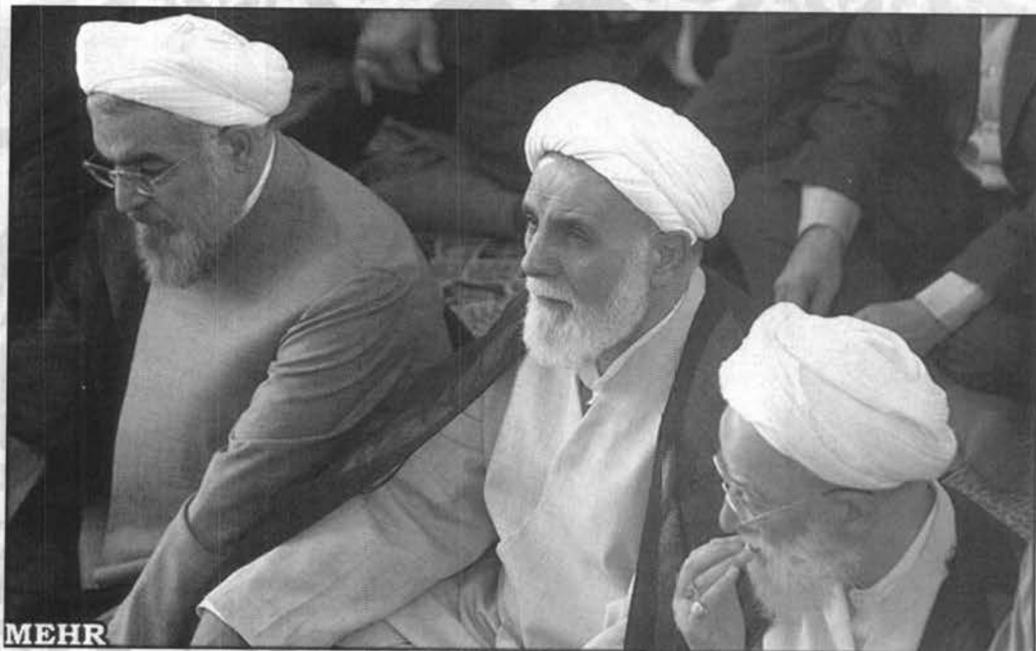




خطبه های نمازجمعه تهران - بیست و ششم تیر

اقامه نمازجمعه تهران - بیست و ششم تیر

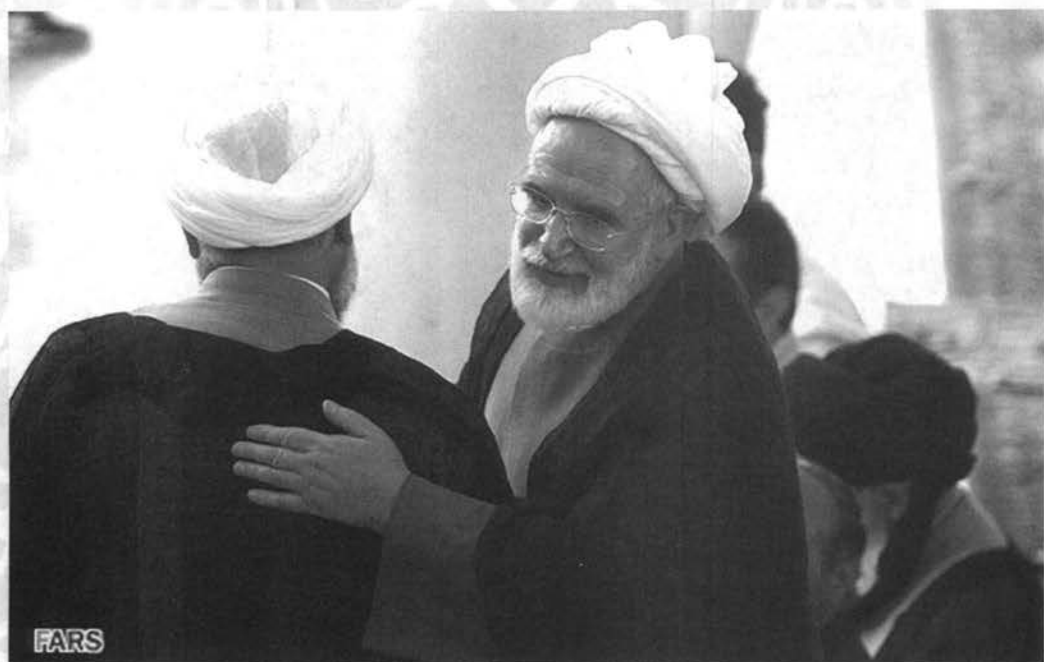




حضور جمعی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در نمازجمعه تهران ـ بیست و ششم تیر

حضور دکتر محسن رضایی در نمازجمعه تهران ـ بیست و ششم تیر

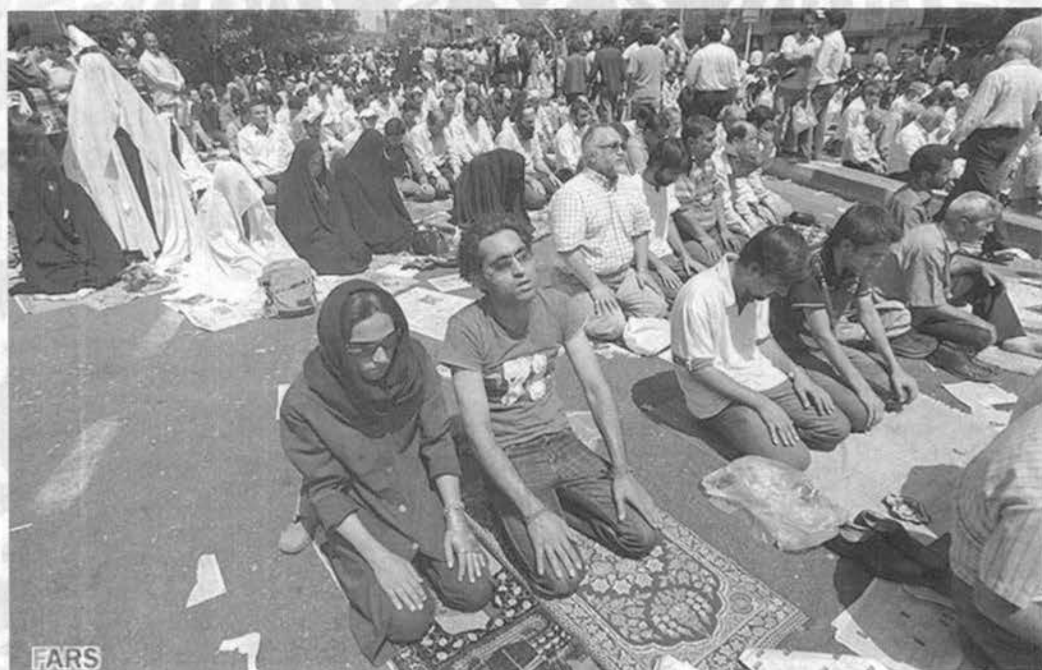




حضور حجت الاسلام والمسلمین کروبی در نمازجمعه تهران ـ بیست و ششم تیر

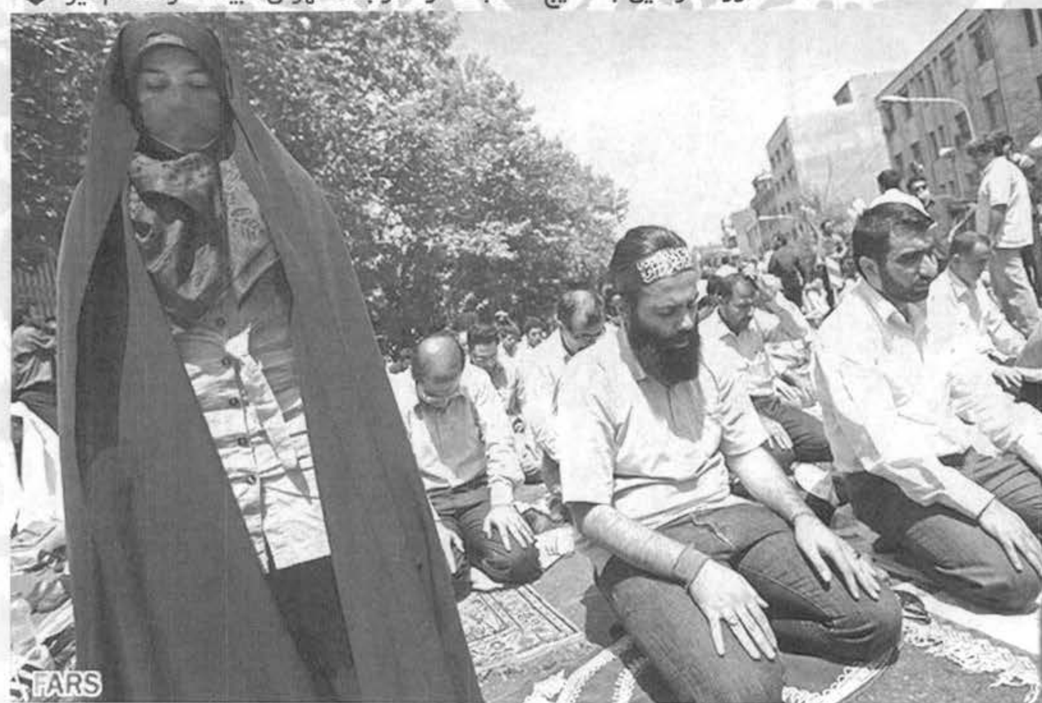
حضور مهندس موسوی در نمازجمعه تهران ـ بیست و ششم تیر





حضور معترضین به نتایج انتخابات در نمازجمعه تهران - بیست و ششم تیر

حضور معترضین به نتایج انتخابات در نمازجمعه تهران - بیست و ششم تیر





اعتراض هاشمی به سردادن شعار در هنگام ایراد خطبه های نماز جمعه - بیست و ششم تیر

حضور معترضین به نتایج انتخابات در نمازجمعه تهران - بیست و ششم تیر





حضور معترضین به نتایج انتخابات در نمازجمعه تهران ـ بیست و ششم تیر

حضور معترضین به نتایج انتخابات در نمازجمعه تهران ـ بیست و ششم تیر





عدم حضور رییس جمهور در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام

عدم حضور هاشمی در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد





مراسم تودیع و معارفه رؤسای قوه قضاییه ـ بیست و ششم مرداد

دیدار با اعضای برگزارکننده‌ی همایش بزرگداشت شهید قدوسی ـ پانزدهم شهریور





مصاحبه با شبکه خبری العالم - بیست و پنجم شهریور

حضور در راهپیمایی روز قدس - بیست و هفتم شهریور





حضور در نماز عید فطر ـ بیست و نهم شهریور

افتتاحیه‌ی ششمین اجلاس رسمی از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری ـ سی و یکم شهریور





دیدار اعضای مجلس خبرگان با مقام معظم رهبری ـ دوم مهر

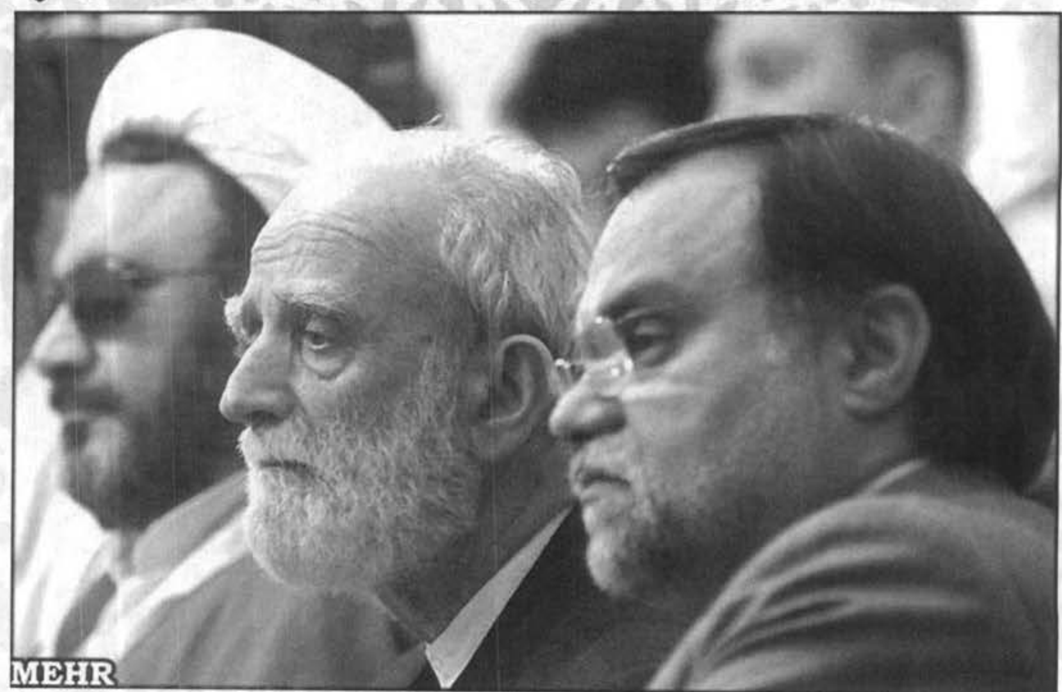
مراسم تجدید میثاق نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با آرمان‌های امام خمینی(ره) ـ دوم مهر





دیدار با اعضای شورای مرکزی خانه ی احزاب ایران ـ پنجم مهر

جمعی از اعضای شورای مرکزی خانه احزاب در دیدار با هاشمی ـ پنجم مهر





دیدار با جمعی از اعضای فراکسیون روحانیون اصولگرای مجلس شورای اسلامی ـ چهاردهم مهر

دیدار با جمعی از فضلا و مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم ـ بیست و نهم مهر





دیدار با اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی - اول آذر

دیدار با مسئولان پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس - نهم آذر





دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه امیرکبیر ـ نهم آذر

گشایش مرکز بین‌المللی چاپ و نشر قرآن کریم وابسته به آستان قدس رضوی ـ چهاردهم آذر





دیدار با جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد ـ چهاردهم آذر

دیدار با جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد ـ چهاردهم آذر





دیدار با جمعی از اعضای ائتلاف اصلاح طلبان مشهد ـ پانزدهم آذر

دیدار با جمعی از اعضای ائتلاف اصلاح طلبان مشهد ـ پانزدهم آذر





دیدار با جمعی از روحانیون و وعاظ در آستانه ی ماه محرم ـ بیست و چهارم آذر

دیدار با مسئولان ستاد مرکزی احیای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر ـ بیست و هشتم آذر





دیدار جمعی از استادان و اعضای هیات علمی دانشگاه ها و مدرسین حوزه علمیه قم - بیست و نهم آذر

دیدار با جمعی از دانشجویان رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران - چهاردهم دی





جلسه هیأت رییسه مجلس خبرگان رهبری ـ شانزدهم دی

دیدار با اعضای شورای مرکزی مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی ـ بیست و یکم دی





دیدار با جمعی از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی و مدرسین دانشگاه‌ها ـ بیست و نهم دی

دیدار با جمعی از اعضای شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه ـ سوم بهمن





دیدار با دبیر کل و اعضای هیات مدیره کانون زندانیان سیاسی مسلمان ـ بیستم بهمن

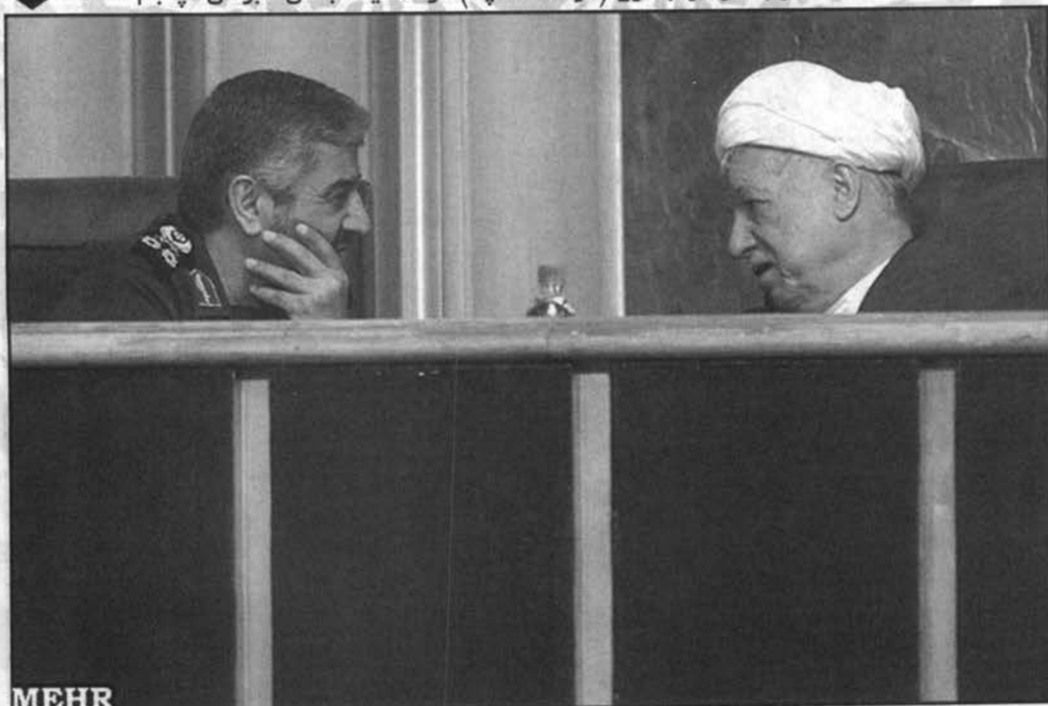
حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن





هفتمین اجلاس از دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری - چهارم اسفند

گفتگو با سردار جعفری (فرمانده سپاه) در حاشیه اجلاس خبرگان - پنجم اسفند





در حاشیه هفتمین اجلاسیه مجلس خبرگان رهبری - پنجم اسفند

دیدار با جمعی از نمایندگان مجلس خبرگان رهبری - پنجم اسفند

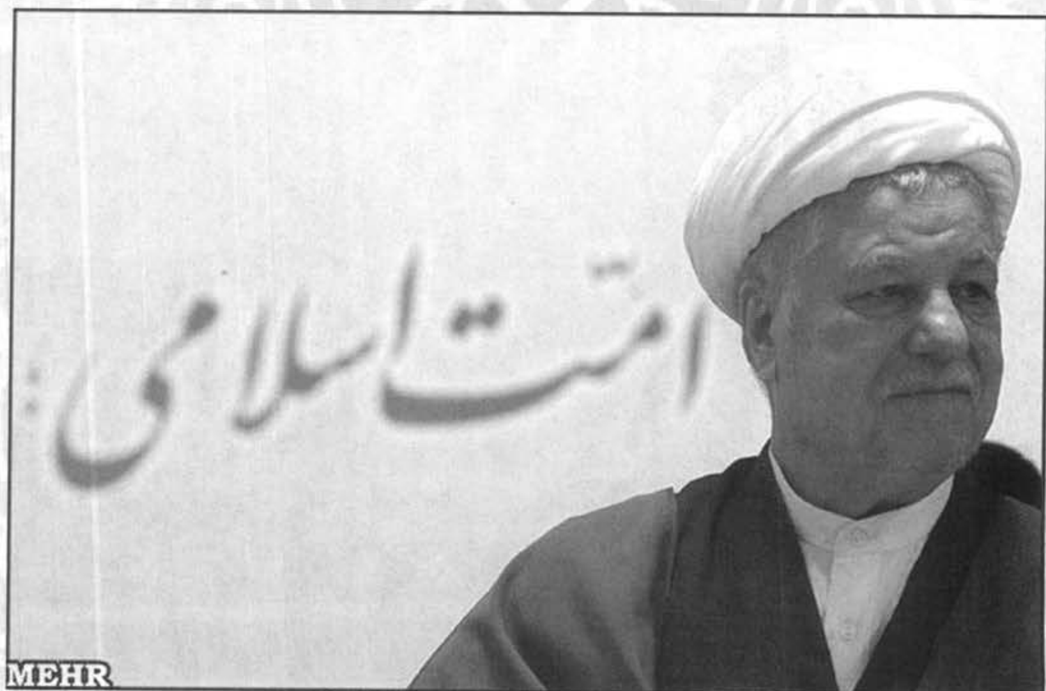




دیدار اعضای مجلس خبرگان با مقام معظم رهبری ـ ششم اسفند

تجدید بیعت رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با امام خمینی (ره) ـ ششم اسفند

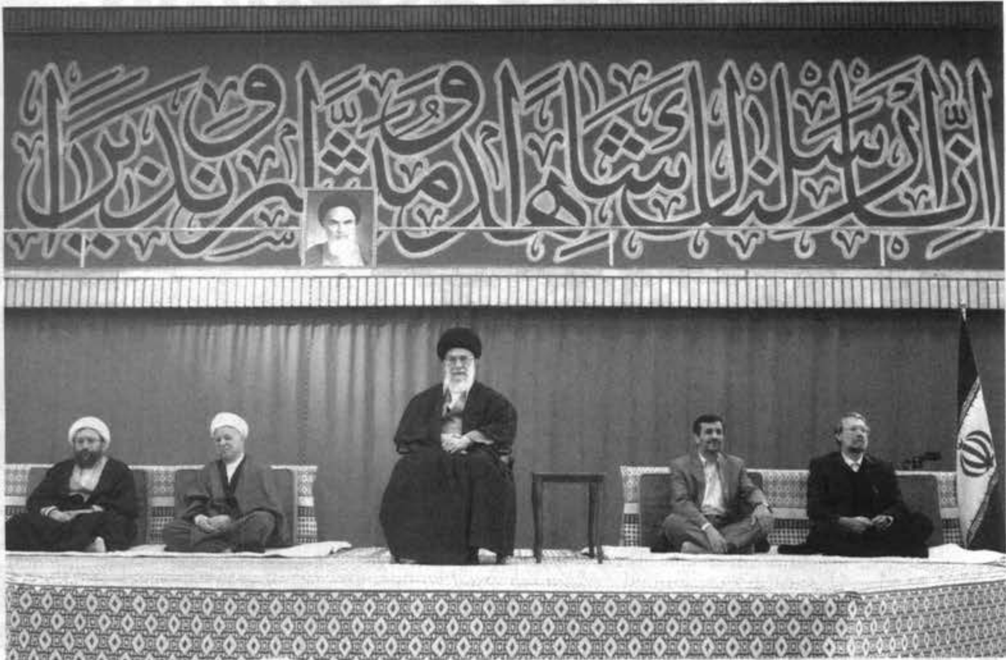




افتتاحیه همایش بین المللی کنفرانس وحدت اسلامی ـ یازدهم اسفند

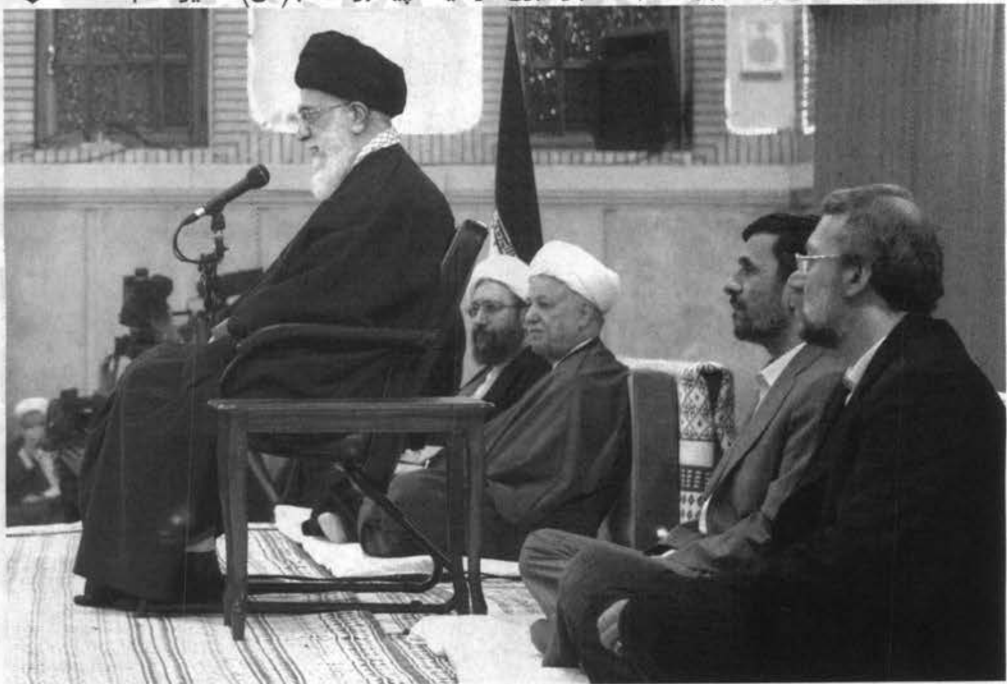
در حاشیه افتتاحیه همایش بین المللی کنفرانس وحدت اسلامی ـ یازدهم اسفند





دیدار مسئولان نظام با مقام معظم رهبری در میلاد پیامبر اعظم (ص) - سیزدهم اسفند

دیدار مسئولان نظام با مقام معظم رهبری در میلاد پیامبر اعظم (ص) - سیزدهم اسفند





دیدار با اعضای شورای عمومی و ادوار انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران ـ هجدهم اسفند

دیدار با رؤسا و اعضای شوراهای اسلامی شهرها و شهرستان‌های استان تهران ـ نوزدهم اسفند



نمایه‌ها

اشخاص

احزاب، گروه‌ها، جمعیت‌ها

کتاب‌نامه

کتاب‌ها

۱. ***قرآن مجید***

۲. ابن طاووس، علی‌بن‌موسی، ***کشف المحجة لثمرة المهجة***، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۵

۳. خمینی، سید روح الله، ***صحیفه‌ی امام***، ج ۷، ۱۵، ۱۹، ۲۱، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، چاپ چهارم، ۱۳۸۶

۴. حر عاملی، محمدبن حسن بن علی، ***وسائل الشیعة***، ج ۲۰، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چ اول، قم ۱۴۰۹ ق

۵. حسینیان، روح‌الله، ***نظریه‌ی فتنه***، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹

۶. صنعتی، رضا، ***مشروعیت آسمانی*** (ولایت فقیه در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی)، تهران: انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸

۷. ***گذر از فتنه‌ی ۸۸***، معاونت سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، تهران: نشر اعتدال، جلد ۱، چاپ اول،

۸. مرتضوی، سید ضیاء، ***اجتهاد در محاق*** (پاسخ به نقد سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در همایش اجتهاد در دوره‌ی معاصر)، تهران: انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۸

۹. مهاجری، مسیح، ***با هاشمی رفسنجانی در حیاط خلوت سردار قادسیه***، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۸

نشریات

۱. روزنامه ***ابتکار***، محمدعلی وکیلی

۲. روزنامه ***اعتماد***، الیاس حضرتی

۳. روزنامه ***اعتماد ملی***، مهدی کروبی

۴. روزنامه ***ایران***، مؤسسه فرهنگی ـ مطبوعاتی ایران

۵. روزنامه ***جمهوری اسلامی***، مسیح مهاجری

۶. روزنامه ***رسالت***، مرتضی نبوی

۷. روزنامه ***شرق***، مهدی رحمانیان

۸. روزنامه ***فرهنگ آشتی***، محمدمهدی امامی

۹. روزنامه ***کیهان***، حسین شریعتمداری

۱۰. روزنامه ***مردم‌سالاری***، مصطفی کواکبیان

۱۱. ماهنامه‌ی ***مدیریت ارتباطات***، امیرعباس تقی‌پور

۱۲. روزنامه ***همشهری***، شهرداری تهران

خبرگزاری‌ها

۱. خبرگزاری *ایسنا*: www.isna.ir
۲. خبرگزاری *ایلنا*: www.ilna.ir
۳. خبرگزاری *تسنیم*: www.tasnimnews.com
۴. خبرگزاری *جمهوری اسلامی* (ایرنا): www.irna.ir
۵. خبرگزاری *فارس*: www.farsnews.com
۶. خبرگزاری *مهر*: www.mehrnews.com

سایت‌ها

۱. *پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*: www.hashemirafsanjani.ir
۲. *پایگاه اطلاع‌رسانی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم*، www.jameehmodarresin.org
۳. *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*: www.khamenei.ir
۴. *پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران*: www.president.ir
۵. سایت *تبیان*: www.tebyan.net
۶. سایت خبری، تحلیلی *آفتاب نیوز*: www.aftabnews.ir
۷. سایت خبری ـ تحلیلی *آینده*: www.ayandenews.com
۸. سایت خبری، تحلیلی *الف*: www.alef.ir
۹. سایت خبری، تحلیلی *بصیرت*: www.basirat.ir
۱۰ . سایت خبری ـ تحلیلی *جهان امروز*: www. jahannews.com
۱۱. سایت خبری ـ تحلیلی *خبرآنلاین*: www.khabaronline.ir
۱۲. سایت خبری ـ تحلیلی *دی پرس*: www.daypress.ir
۱۳. سایت خبری ـ تحلیلی *رجانیوز*: www.rajanews.com
۱۴. سایت خبری ـ تحلیلی *شفاف*: www.shafaf.ir
۱۵. سایت خبری ـ تحلیلی *عصر ایران*: www.asriran.com
۱۶. سایت خبری ـ تحلیلی *فردا نیوز*: www.fardanews.com
۱۷. سایت خبری ـ تحلیلی *کلمه*: www.kaleme.com
۱۸. سایت خبری ـ تحلیلی *مشرق*: www.mashreghnews.ir
۱۹. سایت *راسخون*: www.rasekhoon.net
۲۰. *وب سایت علی زادسر جیرفتی*: www.zadsar.ir

فیلم‌ها

۱. فیلم *اعترافات سید محمدعلی ابطحی*
۲. فیلم *جشن پیروزی آقای احمدی‌نژاد در میدان ولی‌عصر(عج) تهران*
۳. فیلم *خطبه‌های نمازجمعه تهران به امامت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی*
۴. فیلم *گفتگوی ویژه‌ی خبری شبکه دو سیما با دکتر احمدی‌نژاد*
۵. فیلم *فرصت ۴۰ دقیقه‌ای صدا و سیما به آقای احمدی‌نژاد*
۶. فیلم *منتشره از مصاحبه با خانم عفت مرعشی (همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی)*
۷. فیلم *مناظره انتخاباتی دکتر احمدی‌نژاد و مهندس موسوی*



رفتار بسیاری از خواص و شخصیت‌های دینی و سیاسی در سال ۱۳۸۸ قابل نقد، بررسی، تجزیه و تحلیل دقیق و موشکافانه است. برخی از خواص و شخصیت‌ها در این سال بر خلاف مشی سابق خویش، بیش از آن‌که موضع بگیرند، سکوت اختیار کردند و کمتر به چشم آمدند. برخی اما به اتخاذ مواضع غیرشفاف روی آوردند. برخی دیگر به بهانه‌ی دفاع از اصلاح‌طلبی به تخریب نظام اسلامی و برخی به بهانه‌ی دفاع از نظام اسلامی به تسویه حساب‌های شخصی پرداختند. برخی، خطاها و جرایم مدعیان اصلاح‌طلبی و برخی دیگر خطاها و جرایم مدعیان اصول‌گرایی را ندیدند. در این میان البته بودند افرادی که به هدف دفاع از انقلاب و نظام اسلامی از دشمنان نظام ابراز برائت کرده، به نقد و تذکر اشتباهات و جرایم گروه‌ها و جریانات مختلف روی آوردند گرچه ممکن بود در تشخیص میزان این خطاها و جرایم، اختلاف نظرهایی در میان صاحبان این منش وجود داشته باشد. تلاش ما در این نوشتار اما به ارائه‌ی گزارشی از مجموعه مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این سال معطوف شده است.


9786006500164